**بسم الله الرحمن الرحیم**

**برخی قوانین مرتبط با نفت و متن برخی قراردادهای نفتی**

فهرست قوانین

[**1-** قانون وظايف و اختيارات وزارت نفت 4](#_Toc295246)

[**2-** قانون اصلاح قانون نفت 1390 9](#_Toc295247)

[**3-** ‌قانون نفت 1366 14](#_Toc295248)

[**4-** قانون نفت 1353 17](#_Toc295249)

[**5-** ‌ قانون اعطاي امتياز نفت به شركت نفت انگليس و ايران محدود (معروف به قرارداد 1933) 25](#_Toc295250)

[**6-** آيين‌نامه اجرايي ماده (5) قانون حفاظت از درياها و رودخانه‌هاي قابل كشتيراني در مقابل آلودگي به مواد نفتي 36](#_Toc295251)

[**7-** آيين‌نامه اجرايي ماده (6) قانون حفاظت از درياها و رودخانه‌هاي قابل كشتيراني در مقابل آلودگي به مواد نفتي 38](#_Toc295252)

[**8-** ‌قانون قرارداد الحاقي دوم به قرارداد شركت ملي نفت ايران و شركت آجيپ‌مينراريا 41](#_Toc295253)

[**9-** قانون الحاق دولت جمهوري اسلامي ايران به كنوانسيون بين‌المللي درباره مسؤوليت مدني براي خسارت آلودگي نفت سوخت كشتي 47](#_Toc295254)

[**10-** قانون حفاظت از درياها و رودخانه‌هاي قابل كشتيرانيدر مقابل آلودگي به مواد نفتي 57](#_Toc295255)

[**11-** قانون الحاق تشريفات (پروتكل) آمادگي، واكنش و همكاري منطقه‌اي در مبارزه با سوانح آلودگي نفتي الحاقي به كنوانسيون چهارچوب حفاظت از محيط زيست دريايي درياي خزر 62](#_Toc295256)

[**12-** قانون تصويب اصلاحيه پروتكل 1992 ميلادي برابر با 1371 هجري شمسيجهت اصلاح كنوانسيون بين‌المللي مسؤوليت مدني ناشي از خسارت آلودگي نفتي 1969 ميلادي برابر با 1348هجري شمسي ‌و پروتكل 1992 ميلادي برابر با 1371هجري شمسي جهت اصلاح كنوانسيون تأسيس يك ‌صندوق بين‌المللي براي جبران خسارت آلودگي نفتي 1971 ميلادي برابر با 1350 هجري شمسي 73](#_Toc295257)

[**13-** قانون اصلاح جداول شماره (4) و (8) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي جمهوري اسلامي ايران و قانون بودجه سال 1385 كل كشور به منظور اختصاص دو درصد (2%) از درآمد حاصل از صادرات نفت خام و گاز طبيعي به استانهاي نفت‌خيز و گازخيز شهرستانها و بخشهاي محروم كشور 74](#_Toc295258)

[**14-** قانون الحاق دولت جمهوري اسلامي ايران به پروتكل 1992 جهت اصلاح كنوانسيون بين‌المللي مسؤوليت مدني ناشي از خسارت آلودگي نفتي (1969) و پروتكل 1992 جهت اصلاح كنوانسيون تأسيس يك صندوق بين‌المللي براي جبران خسارت آلودگي نفتي (1971) 75](#_Toc295259)

[**15-** آيين نامه اجرايي قانون اختصاص دو در هزار درآمد ناشي از فروش نفت خام براي عمران و آباداني مناطق نفت‌خيز 101](#_Toc295260)

[**16-** قانون به هزينه قطعي منظور نمودن درآمد موضوع لايحه قانوني راجع به تخصيص معادل يك روز درآمد حاصل از‌صادرات نفت براي فعاليت‌هاي عمراني استانها 102](#_Toc295261)

[**17-** ‌قانون اجازه به شركت ملي نفت ايران جهت اجراي طرح‌هاي اكتشاف ، توسعه و بهره برداري از ميدان‌هاي نفت و گاز درياي خزر 103](#_Toc295262)

[**18-** قانون الحاق دولت جمهوري اسلامي ايران به كنوانسيون بين‌المللي آمادگي، مقابله و همكاري در برابر آلودگي نفتي 104](#_Toc295263)

[**19-** ‌قانون‌الزام دولت جهت تنظيم لايحه قانوني نفت 130](#_Toc295264)

[**20-** ‌لايحه قانوني راجع به تشكيل كميسيون خاص در مورد قراردادهاي نفتي 130](#_Toc295265)

[**21-** لايحه قانوني راجع به «كنوانسيون منطقه‌اي كويت براي همكاري درباره» حمايت و توسعه محيط زيست دريائي و نواحي ساحلي» و «پروتكل مربوط به مبارزه با‌الودگي ناشي از نفت و ساير مواد مضره درموارد اضطراري» 131](#_Toc295266)

[**22-** قانون مربوط به قرارداد فروش و خريد گاز طبيعي بين شركت ملي گاز ايران و شركتهاي روهر گاز Ruhrgaz و گازدوفرانس(Gazdefrance) و نفت معدني اتريش Oesterre Ich Ischem Ineraloel Verwaltun GAkt Iengesellschaft 132](#_Toc295267)

[**23-** قانون اساسنامه شركت ملي نفت ايران 1356 132](#_Toc295268)

[**24-** ‌قانون اساسنامه شركت ملي نفت ايران--منسوخ 156](#_Toc295269)

[**25-** ‌قانون مربوط به اساسنامه شركت ملي نفت ايران 179](#_Toc295270)

[**26-** ‌قانون مربوط به اساسنامه شركت ملي نفت ايران 196](#_Toc295271)

[**27-** ‌قانون حفاظت دريا و رودخانه‌هاي مرزي از‌آلودگي با مواد نفتي 214](#_Toc295272)

[**28-** قانون قرارداد بين كشورهاي منطقه خليج فارس و شركتهاي نفتي در مورد تعيين بهاي نفت خام 220](#_Toc295273)

[**29-** ‌قانون قرارداد الحاقي به قرارداد بين شركت ملي نفت ايران و شركت پان‌امريكن پتروليوم كورپوريشن (‌شركت نفت اموكو‌ايران) 225](#_Toc295274)

[**30-** ‌قانون قرارداد‌الحاقي سوم به قرارداد فروش نفت و گاز 226](#_Toc295275)

[**31-** قانون اجازه اجراي موافقتنامه ايران با شركتهاي خريدار نفت خام 231](#_Toc295276)

[**32-** ‌قانون اجازه مبادله و اجراي سه فقره قرارداد نفت 233](#_Toc295277)

[**33-** ‌قانون قرارداد پيمانكاري اكتشاف و توليد بين شركت ملي نفت ايران و شركتهاي اروپايي 233](#_Toc295278)

[**34-** قانون اجازه مبادله قرارداد نفت با شركت كنتينانتال 271](#_Toc295279)

[**35-** ‌قانون اجازه مبادله و اجراء قرارداد پيمانكاري اكتشاف و توليد نفت با اراپ 305](#_Toc295280)

[**36-** ‌قانون قرارداد شركت نفت خليج فارس 342](#_Toc295281)

[**37-** لايحه ‌قانوني مربوط به موافقتنامه تفحص و اكتشاف و بهره‌برداري و فروش نفت بين شركت ملي نفت ايران و شركت سهامي‌پان‌آمريكن پتروليوم كورپوريشن 381](#_Toc295282)

[**38-** قانون اعطاي امتياز نفت قسمتي از شرق و شمال شرق به شركت نفت آمريكا و ايران 415](#_Toc295283)

**بسمه تعالی**

**برخی قوانین مرتبط با نفت و قراردادهای نفتی که در پورتال روزنامه رسمی منتشر گردیده در اینجا جمع آوری شده است.**

# قانون وظايف و اختيارات وزارت نفت

* ماده1- وزارت نفت به منظور تحقق سياستهاي كلي نظام جمهوري اسلامي ايران در بخش نفت و گاز، سياستگذاري، راهبري، برنامه‌ريزي و نظارت بر كليه عمليات بالادستي و پايين‌دستي صنعت نفت، گاز، پتروشيمي و پالايشي تشكيل شده است و به نمايندگي از طرف حكومت اسلامي بر منابع و ذخاير نفت و گاز اعمال حق حاكميت و مالكيت عمومي مي‌نمايد.
* ماده2- اصطلاحات و تعاريف مندرج در ماده (1) قانون اصلاح قانون نفت مصوب 23/3/1390 در اين قانون معتبر است.
* ماده3- وظايف و اختيارات وزارت نفت به شرح زير است: الف - امور حاكميتي و سياستگذاري 1- تعيين خط‌مشي‌ها و سياستهاي راهبردي عمليات بالادستي و پايين‌دستي نفت 2- تهيه و تنظيم برنامه‌هاي راهبردي عمليات بالادستي و پايين‌دستي صنعت نفت، گاز، پتروشيمي و پالايشي مطابق خط‌مشي‌ها و سياستهاي ابلاغي و نظارت بر حُسن اجراي آنها 3- تعيين و بازنگري و نظارت بر حُسن اجراي استانداردهاي صنعت نفت، گاز، پتروشيمي و پالايشي با همكاري دستگاههاي اجرائي ذي‌ربط و صدور گواهينامه‌هاي لازم 4- تدوين رويه‌ها و دستورالعملهاي اجرائي جهت حفاظت، نگهداري و ارتقاي سطح سلامت، بهداشت، ايمني و محيط زيست و پدافند غيرعامل در صنعت نفت، با هماهنگي دستگاههاي اجرائي و نهادهاي ذي‌ربط و نظارت بر اجراي آنها 5 - وضع مقررات و صدور دستورالعملهاي لازم براي حُسن انجام امور اكتشاف، توسعه، توليد، انتقال، حفظ حريم خطوط لوله و تأسيسات، ذخيره‌سازي، توزيع و مصرف فرآورده‌هاي نفت، گاز و محصولات پتروشيمي 6 - تأمين حفاظت و حراست از منابع، تأسيسات، شبكه‌هاي خطوط لوله‌، برق و مخابرات، ابنيه، اموال و اسناد متعلق به وزارت نفت و شركتهاي تابعه توسط سازمان حراست صنعت نفت با همكاري نهادهاي امنيتي، نظامي، انتظامي و پدافندي 7- تعيين خط‌مشي مؤثر به منظور جايگزيني صادرات فرآورده‌هاي نفتي و گاز و محصولات نهائي پتروشيمي به جاي صدور نفت خام و گاز طبيعي مبتني بر شاخصهاي اقتصادي، مزيتهاي رقابتي و تكميل زنجيره ارزش 8 - تأييد و اعلام رسمي آمار و اطلاعات ميادين و ذخاير نفت و گاز كشور 9- تعيين و ابلاغ معيارها، مقررات و دستورالعمل‌هاي بهينه‌سازي مصرف انرژي در تجهيزات، فرآيندها و سامانه (سيستم)هاي مصرف‌كننده انرژي و نظارت بر حُسن اجراي آنها با هماهنگي دستگاههاي مربوطه 10- سياستگذاري و مديريت تقاضاي سوخت به منظور بهينه‌سازي مصرف سوخت در چهارچوب قانون اصلاح الگوي مصرف انرژي مصوب 4/12/1389 ب - امور نظارتي 1- نظارت بر بهره‌برداري بهينه و صيانتي از ذخاير و منابع نفت و گاز كشور 2- نظارت بر فرآيند نگهداري و اداره تأسيسات دولتي صنعت نفت، گاز، پتروشيمي و پالايشي 3- نظارت بر فرآيند تجارت نفت، گاز، فرآورده‌هاي نفتي و محصولات پتروشيمي 4- نظارت بر فرآيند تأمين، توزيع و تنظيم بازار نفت و فرآورده‌هاي نفتي و گاز در داخل كشور 5 - نظارت بر فرآيند سرمايه‌گذاري صنعت نفت، گاز، پتروشيمي و پالايشي در داخل كشور به منظور تحقق اهداف سرمايه‌گذاري و نيز نظارت بر سهم دولت در سرمايه‌گذاريهاي اين صنايع در خارج از كشور براساس مقررات مربوط 6 - اعمال نظارت و كنترل عملكرد شركتهاي تابعه در زمينه‌هاي مالي، فني، اداري، حقوقي، بازرگاني، پژوهشي، قراردادها و ساير امور 7- نظارت و پايش مجوزها و پروانه‌هاي صادره در عمليات بالادستي و پايين‌دستي نفت 8 - نظارت بر فرآيند تهيه و تأمين تجهيزات موردنياز صنعت نفت، گاز، پتروشيمي و پالايشي پ - امور اجرائي 1- تلفيق برنامه‌هاي عملياتي، مالي و بازرگاني شركتهاي اصلي تابعه و تطبيق آن با خط‌مشي‌ها و سياستهاي ابلاغي جهت تنظيم برنامه جامع صنعت نفت 2- تهيه، تنظيم و انتشار ترازنامه سالانه حاملهاي انرژي 3- تدوين نظام جامع بودجه‌ريزي عملياتي و مديريت منابع مالي 4- صدور مجوز فعاليت و پروانه بهره‌برداري براي اشخاص واجد شرايط بخشهاي غيردولتي در عمليات پايين‌دستي صنعت نفت، گاز، پتروشيمي و پالايشي با رعايت قوانين و مقررات 5 - صدور مجوز فعاليت و پروانه بهره‌برداري براي اشخاص حقوقي واجد صلاحيت براي اكتشاف، توسعه، استخراج و توليد از كليه ميادين نفت و گاز كشور 6 - شناسايي، آمايش و پيشنهاد مكانهاي مناسب براي ايجاد و توسعه مناطق آزاد و ويژه اقتصادي در حوزه نفت، گاز، پتروشيمي و پالايشي در چهارچوب برنامه‌هاي آمايش سرزمين و اعمال سياستهاي حمايتي و نظارتي بر فرآيند توسعه و اداره هر يك از اين مناطق در امور مرتبط با نفت و گاز 7- تأييد صلاحيت تشكيل انجمنها، تشكلهاي توليدي، تجاري و خدمات مهندسي در صنعت نفت، گاز، پتروشيمي و پالايشي به منظور صدور مجوز تشكيل و نظارت بر آنها با رعايت قوانين و مقررات 8 - تهيه، تدوين و ابلاغ فهرست بهاي تخصصي صنعت نفت، گاز، پتروشيمي و پالايشي كشور متناسب با نرخ عوامل مندرج در فهرست بهاي عمومي منتشره از سوي مراجع رسمي ذي‌ربط 9- تهيه و تدوين فهرست و ارزيابي صلاحيت سازندگان، پيمانكاران و مشاوران در رشته‌هاي تخصصي صنعت نفت، گاز، پتروشيمي و پالايشي برابر قوانين و مقررات 10- تدوين و ابلاغ نظام جامع فناوري اطلاعات و ارتباطات منابع سازماني و نظارت بر طراحي و استقرار زيرساختها و سامانه‌هاي ذي‌ربط در كليه سطوح فعاليت صنعت نفت، گاز، پتروشيمي و پالايشي 11- ايجاد ساز و كارهاي لازم براي گسترش عرضه نفت خام، ميعانات گازي، فرآورده‌هاي نفتي و محصولات پتروشيمي اعم از مصرف داخلي و صادراتي از طريق بورس با رعايت الزامات قانوني و با مشاركت دستگاهها و نهادهاي ذي‌ربط ت - امور سرمايه‌گذاري و تأمين منابع مالي 1- تأييد طرحهاي توسعه‌اي و سرمايه‌گذاري صنعت نفت، گاز، پتروشيمي و پالايشي به منظور تكميل زنجيره توليد و ايجاد ارزش افزوده بيشتر 2- ايجاد ساز و كار مؤثر براي جذب منابع مالي موردنياز داخلي و خارجي به منظور اجراي طرحهاي توسعه‌اي و حفظ و نگهداشت توان توليد با رعايت قوانين و مقررات 3- جذب و هدايت سرمايه‌هاي داخلي و خارجي به منظور توسعه ميادين هيدروكربوري با اولويت ميادين مشترك از طريق طراحي الگوهاي جديد قراردادي از جمله مشاركت با سرمايه‌گذاران و پيمانكاران داخلي و خارجي بدون انتقال مالكيت نفت و گاز موجود در مخازن و با رعايت موازين توليد صيانت شده ث - امور منابع انساني، علمي و فناوري 1- حفظ و تقويت مراكز و مؤسسات آموزشي، دانشگاهي، تحقيقاتي، پژوهشي و مطالعاتي جهت ارتقاي سطح علمي و عملياتي و مهارتهاي فني و كاربردي موردنياز صنعت نفت، گاز، پتروشيمي و پالايشي با رعايت استانداردهاي آموزش عالي كشور 2- تهيه و انتشار نشريه‌هاي علمي، فني و تخصصي داخلي و بين‌المللي به منظور ارتقاي سطح دانش در صنعت نفت، گاز، پتروشيمي و پالايشي برابر قوانين و مقررات 3- تدوين نظام جامع سرمايه انساني متناسب با نيازهاي صنعت نفت، گاز، پتروشيمي و پالايشي و نظارت بر حُسن اجراي آن. 4- تدوين نظام جامع كيفيت كالا و خدمات به‌ منظور ارتقاي كيفيت توليدات و خدمات داخلي و اعمال سياستهاي حمايتي از بومي‌سازي و طراحي و ساخت تجهيزات و تأسيسات موردنياز صنعت نفت، گاز، پتروشيمي و پالايشي با هماهنگي دستگاههاي اجرائي ذي‌ربط در داخل كشور 5 - اتخاذ سياست‌هاي حمايتي درمورد شركتها و مؤسسات داخلي حوزه صنعت نفت، گاز، پتروشيمي و پالايشي به‌منظور توانمندسازي و افزايش توان رقابتي آنها جهت ساخت تجهيزات و صدور خدمات فني و مهندسي در عرصه‌هاي بين‌المللي و در راستاي ارتقاي شاخصهاي بهره‌وري در اقتصاد ملي 6 - تدوين نظام جامع پژوهشي و برنامه‌ريزي و حمايت از فناوريها و فعاليتهاي دانش‌بنيان براي استفاده از فناوريهاي پيشرفته و انتقال دانش فني در صنعت نفت، گاز، پتروشيمي و پالايشي با همكاري ساير وزارتخانه‌ها و دستگاههاي ذي‌ربط 7- يكپارچه‌سازي و همسو‌نمودن اولويتهاي پژوهشي و فناوري صنعت نفت با سياستها و برنامه‌هاي ملي در حوزه علم و فناوري 8 - فراهم كردن زيرساختهاي نظام پژوهشي و فناوري با تقويت منابع انساني ماهر و متخصص موردنياز صنعت نفت با هماهنگي وزارت علوم، تحقيقات و فناوري 9- حمايت از توسعه كاربرد فناوريهاي نوين تبديل انرژي در بخشهاي مختلف مصرف و جايگزيني اقتصادي حاملهاي انرژي با استفاده از توسعه ظرفيتهاي محلي انرژي ج - امور بين‌الملل 1- تعيين و تدوين ديپلماسي انرژي كشور و مشاركت در فرآيند توسعه امنيت ملي با استفاده از منابع انرژي با همكاري دستگاهها و نهادهاي ذي‌ربط در چهارچوب سند ملي راهبرد انرژي كشور و سياستهاي كلي نظام جمهوري اسلامي ايران 2- برقراري روابط بين‌المللي، مذاكره و انعقاد تفاهمنامه‌ها، موافقتنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌هاي دو يا چندجانبه با دولتها و مؤسسات بين‌المللي در زمينه‌هاي علمي، فني، صنعتي، تجاري و سرمايه‌گذاري در صنعت نفت، گاز، پتروشيمي و پالايشي به نمايندگي از طرف دولت با رعايت قوانين 3- عضويت يا نمايندگي جمهوري اسلامي ايران در كليه سازمانها، مجامع و كنفرانسهاي بين‌المللي ذي‌ربط با رعايت قوانين
* ماده4- وزير نفت رئيس مجمع عمومي نمايندگان صاحب سهام شركتهاي اصلي تابعه وزارت نفت است.
* ماده5 - اعضاي هيأت مديره شركتهاي اصلي تابعه وزارت نفت با معرفي وزير نفت و با تصويب مجمع عمومي نمايندگان صاحبان سهام شركتهاي مذكور با حكم وزير منصوب مي‌شوند. اعضاي ه-يأت‌مديره شركتهاي اصلي تابعه از بين خود يك نفر را جهت احراز سمت مديرعامل شركت پيشنهاد مي‌نمايند كه با موافقت و حكم وزير به اين سمت منصوب مي‌گردد.
* ماده6 - اساسنامه شركتهاي اصلي تابعه وزارت نفت بايد به تصويب مجلس شوراي اسلامي برسد.
* ماده7- شرايط عمومي قراردادهاي نفتي با پيشنهاد وزير نفت به تصويب هيأت‌وزيران مي‌رسد.
* ماده8 - بودجه سالانه وزارت نفت متناسب با ساختار تشكيلاتي، وظايف و اختيارات مندرج در اين قانون به‌عنوان دستگاه اجرائي در قانون بودجه سنواتي كل‌كشور درج مي‌شود.
* ماده9- وزارت نفت موظف است براي دستيابي به اهداف موضوع اين قانون نمودار كلان تشكيلاتي خود را تدوين كند و به تأييد معاونت توسعه مديريت و سرمايه‌انساني رئيس‌جمهور برساند.
* ماده10- نظامهاي اداري و استخدامي و پرداخت حقوق و مزاياي آن دسته از كاركنان شركتهاي تابعه وزارت نفت كه در واحدهاي عملياتي و تخصصي شاغل مي‌باشند با رويكرد تقويت رقابت‌پذيري و سرعت بخشيدن به بهره‌برداري از ميادين مشترك و حفظ نيروي انساني متخصص تابع آيين‌نامه خاصي است كه بدون الزام به رعايت قانون مديريت خدمات كشوري با رعايت ساير قوانين و مقررات مربوطه و با پيشنهاد وزارت نفت و تأييد معاونت توسعه مديريت و سرمايه‌انساني رئيس‌جمهور تهيه مي‌شود و حداكثر ظرف شش‌ماه پس از لازم‌الاجراء شدن اين قانون به‌تصويب رئيس‌جمهور مي‌رسد.
* ماده11- واگذاري و اجراي طرحهاي مربوط به اكتشاف، توسعه، توليد، تعمير و نگهداشت ميادين مشترك نفت و گاز با تأييد وزير نفت و فقط با رعايت آيين‌نامه معاملات شركت ملي نفت ايران از شمول قانون برگزاري مناقصات مستثني است. تبصره1- در اجراي اين ماده، تعيين حداقل سهم ارزش كار طرف ايراني موضوع ماده (3) قانون حداكثر استفاده از توان فني مهندسي، توليدي، صنعتي و اجرائي كشور در اجراي پروژه‌ها و ايجاد تسهيلات به‌منظور صدور خدمات مصوب 12/12/1375 بر عهده وزير نفت است. تبصره2- ترخيص كالاها و ماشين‌آلات مربوط به طرحهاي موضوع اين ماده از مبادي گمركي كشور، قبل از پرداخت ماليات بر ارزش افزوده و حقوق ورودي و هزينه‌هاي گمركي، بلافاصله پس از ثبت در مبادي فوق با تعهد ذي‌حسابي و تأييد وزيرنفت مجاز است و حقوق متعلقه پس از محاسبه و اعلام به شركتهاي اصلي تابعه وزارت نفت پرداخت مي‌شود. تمديد موارد ورود موقت به روش فوق مجاز است.
* ماده12- وزير نفت عضو شوراي اقتصاد است.
* ماده13- وزارت نفت مكلف است به‌منظور تدوين و تنظيم مقررات لازم و بهبود فضاي كسب‌و‌كار در صنعت نفت و گاز و صنايع مرتبط و وابسته و ايجاد زمينه رقابت سالم و شفاف بين فعالان اقتصادي اين بخش و جلوگيري از انحصار، سازوكار لازم را با مشاركت شوراي رقابت موضوع ماده (53) قانون اجراي سياستهاي كلي اصل چهل و چهارم (44) قانون اساسي مصوب 25/3/1387 مجمع تشخيص مصلحت نظام و اصلاحيه‌هاي بعدي آن به‌تصويب هيأت وزيران برساند.
* ماده14- كاركنان وزارت نفت و شركتهاي تابعه از نظر بازنشستگي و اموررفاهي تابع صندوقهاي بازنشستگي، پس‌انداز و رفاه كاركنان صنعت نفت مي‌باشند كه اساسنامه آنها برابر مقررات به تصويب مراجع ذي‌صلاح مي‌رسد. تبصره1- وجوه بازنشستگي و پس‌انداز كاركنان عضو صندوقهاي مذكور جزء دارايي‌هاي وزارت نفت و شركتهاي تابعه نمي‌باشد. تبصره2- ك-ليه درآمدهاي صن-دوقهاي مذكور از محل به‌ك-ارگيري منابع آنها به استثناي كسور بازنشستگي سهم كاركنان و كارفرما، سود سپرده نزد بانكها و وام كاركنان عضو مشمول ماليات قانوني مي‌باشد.
* ماده15- از تاريخ تصويب اين قانون، لايحه قانوني تأسيس وزارت نفت، مصوب 8/7/1358 و لايحه قانوني متمم لايحه قانوني تأسيس وزارت نفت، مصوب 29/3/1359 لغو مي‌گردد.
* [امضاء] قانون فوق مشتمل بر پانزده ماده در جلسه علني روز سه‌شنبه مورخ نوزدهم ارديبهشت‌ماه يكهزار و سيصد و نود و يك مجلس شوراي اسلامي تصويب شد و در تاريخ 27/2/1391 به تأييد شوراي نگهبان رسيد. رئيس مجلس شوراي اسلامي - علي لاريجاني

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=349630>

# قانون اصلاح قانون نفت 1390

* ماده1ـ ماده (1) قانون نفت مصوب 9/7/1366 كه از اين پس قانون ناميده مي‌شود به شرح ذيل اصلاح مي‌گردد:
	+ ماده1ـ اصطلاحات اين قانون در معاني مشروح ذيل به كار مي‌رود: 1ـ نفت: هيدوركربورهايي كه به صورت نفت خام، ميعانات گازي، گاز طبيعي، قير طبيعي، پلمه سنگهاي نفتي و ماسه‌هاي آغشته به نفت به حالت طبيعي يافت شده و يا طي عمليات بالادستي به دست مي‌‌آيد. 2ـ گاز طبيعي: هيدروكربورهايي كه در سازندهاي گازي مستقل، گنبدهاي گازي و يا محلول در نفت در شرايط متعارف به حالت گاز موجود است و يا طي عمليات بالادستي همراه با نفت خام به دست ‌آيد. 3ـ منابع نفتي: هر يك از منابع و يا مخازن زيرزميني يا روزميني در تقسيمات داخل سرزمين، آبهاي داخلي، ساحلي، فلات قاره و بين‌المللي مجاور مرزهاي كشور و آبهاي آزاد بين‌المللي كه احتمال وجود نفت در آن است و مشخصات فني و مختصات جغرافيايي آن توسط وزارت نفت مشخص مي‌گردد. 4ـ عمليات بالادستي نفت: كليه مطالعات، فعاليتها و اقدامات مربوط به اكتشاف، حفاري، استخراج، بهره‌برداري و صيانت از منابع نفتي، انتقال، ذخيره‌سازي و صادرات آن مانند پي‌جويي، نقشه‌برداري، زمين‌شناسي، ژئوفيزيك، ژئوشيمي، حفر و خدمات فني چاهها، تزريق گاز، آب، هوا و يا هر فعاليتي كه منجر به برداشت بهينه و حداكثري از منابع نفتي گردد و نيز احداث و توسعه تأسيسات و صنايع وابسته، تحديد حدود، حفاظت و حراست آنها براي عمليات توليد و قابل عرضه كردن نفت در حد جداسازي اوليه، صادرات، استفاده و يا عرضه براي عمليات پايين‌دستي را شامل شود. مواردي نظير مديريت و نظارت بر تأمين كالاها و مواد صنعتي، آموزش و تأمين نيروي انساني، ايجاد و حفظ شرايط ايمني، بهداشت و محيط زيست و انجام كليه فعاليتهاي لازم جهت ايجاد، ارتقاء و انتقال فناوري براي پشتيباني عمليات فوق جزء عمليات بالادستي محسوب مي‌شود. 5 ـ عمليات پايين‌دستي نفت: به كليه مطالعات، فعاليتها و اقدامات مربوط به عمليات تصفيه و پالايش در تأسيسات پالايشي جهت توليد فرآورده‌هاي نفتي و استفاده از آنها براي توليد محصولات پتروشيميايي و انتقال، ذخيره‌سازي، توزيع، فروش داخلي، صادرات و واردات فرآورده‌هاي نفتي و محصولات پتروشيميايي اطلاق مي‌شود. مواردي نظير تأمين كالاها و مواد صنعتي، آموزش و تأمين نيروي انساني، ايجاد و حفظ شرايط ايمني، بهداشت و محيط زيست و انجام كليه فعاليتهاي لازم جهت ايجاد، ارتقاء و انتقال فناوري براي پشتيباني عمليات فوق جزء عمليات پايين‌دستي محسوب مي‌شود. 6 ـ واحد عملياتي: هر واحد، سازمان، مؤسسه يا شركتي كه عمليات بالادستي يا پايين‌دستي نفت را به صورت اصلي، فرعي، تخصصي، عمومي و خدمات جنبي نفتي براساس قوانين و مقررات مربوط عهده‌دار است. 7ـ توليد صيانت شده از منابع نفت: كليه عملياتي كه منجر به برداشت بهينه و حداكثري ارزش اقتصادي توليد از منابع نفتي كشور در طول عمر منابع مذكور مي‌شود و باعث جلوگيري از اتلاف ذخاير در چرخه توليد نفت براساس سياستهاي مصوب مي‌گردد. 8 ـ فرآورده‌هاي نفتي: كليه محصولاتي كه در تأسيسات فرآوري و پالايش نفت به دست مي‌آيد و مي‌تواند به‌طور مستقيم مصرف و يا در ساير واحدهاي عملياتي و پتروشيميايي به محصول نهائي تبديل شود. 9ـ محصولات پتروشيميايي: كليه محصولاتي كه در تأسيسات پتروشيميايي از نفت و فرآورده‌هاي نفتي به دست مي‌آيد و مي‌تواند به‌طور مستقيم مصرف و يا براي توليد محصول نهائي در عمليات استفاده شود. 10ـ محصولات نهائي: محصولاتي كه پس از توليد، امكان توليد محصول ديگري از آنها نيست و به‌طور مستقيم قابليت مصرف دارند. 11ـ انتقال نفت: كليه اقدامات و عملياتي كه براي ارسال نفت استخراج شده يا استحصال شده از منابع نفتي به تأسيسات پالايشي و پتروشيميايي و پايانه‌هاي صادراتي انجام مي‌گيرد. اين تعريف، ارسال نفت از مبادي وارداتي به تأسيسات پالايشي و پتروشيميايي را نيز شامل مي‌گردد. 12ـ انتقال فرآورده‌هاي نفتي: كليه اقدامات و عملياتي كه براي ارسال فرآورده‌هاي نفتي از تأسيسات پالايشي، مبادي وارداتي و انبارهاي اصلي و تداركاتي، مبادي توزيع، تأسيسات پتروشيميايي و يا پايانه‌هاي صادراتي انجام مي‌گيرد. 13ـ خطوط لوله: كليه خطوط انتقال منابع نفتي به تأسيسات پالايشي و پتروشيميايي و يا مبادي صادرات و واردات و همچنين خطوط انتقال فرآورده‌هاي نفتي و محصولات پتروشيميايي به انبارهاي اصلي و مبادي توزيع داخلي و پايانه‌هاي صادراتي كه از طريق لوله انجام مي‌شود. 14ـ تجارت نفت، فرآورده‌هاي نفتي و محصولات پتروشيميايي: به اقدامات و عمليات بازاريابي، قيمت‌گذاري و عقد قرارداد خريد و فروش، صادرات و واردات، انتقال (ترانزيت)، مبادله و معاوضه نفت، فرآورده‌هاي نفتي و محصولات پتروشيميايي اطلاق مي‌شود. 15ـ ذخيره‌سازي نفت و فرآورده‌هاي نفتي: كليه اقدامات و عمليات مربوط به ذخيره‌سازي و بازآوري نفت، فرآورده‌هاي نفتي و محصولات پتروشيميايي در مخازن سطحي فلزي، بتني، زيرزميني اعم از مغاره‌هاي سنگي و نمكي و مخازن تخليه شده نفت و معادن متروكه است كه جهت تحويل به پايانه‌هاي صادراتي، تأمين خوراك واحدهاي پالايشي و پتروشيميايي به منظور جلوگيري از توقف فعاليت واحدهاي عملياتي، همسان نمودن و افزايش كيفيت نفت و فرآورده‌هاي نفتي و ايجاد توازن بين توليد و مصرف انجام مي‌شود. 16ـ قرارداد نفتي: توافق دو يا چند جانبه بين وزارت نفت يا هر يك از شركتهاي اصلي تابعه آن يا هر واحد عملياتي با يك يا چند واحد عملياتي يا اشخاص حقيقي يا حقوقي در داخل يا خارج از كشور كه براساس قوانين موضوعه، انجام تمام يا قسمتي از عمليات بالادستي و پايين‌دستي و يا تجارت نفت، فرآورده‌هاي نفتي و محصولات پتروشيميايي، مورد تعهد قرار مي‌گيرد. 17ـ امور حاكميتي صنعت نفت: اعمال حق حاكميت و مالكيت عمومي از طرف جمهوري اسلامي ايران بر منابع نفتي و سياستگذاري، برنامه‌ريزي، هدايت و راهبري و نظارت عاليه بر اقدامات اجرائي در صنعت نفت و پتروشيمي اعم از عمليات بالادستي و پايين‌دستي است. 18ـ شركتهاي اصلي تابعه وزارت نفت: شركتهاي ملي نفت، گاز، پتروشيمي و پالايش و پخش فرآورده‌هاي نفتي ايران كه تابع وزارت نفت مي‌باشند. 19ـ شركتهاي فرعي تابعه وزارت نفت: شركتهايي كه بيش از پنجاه درصد (50%) سهام آنها متعلق به شركتهاي اصلي تابعه وزارت نفت است.
* ماده2ـ ماده (2) قانون به شرح ذيل اصلاح مي‌گردد:
	+ ماده2ـ كليه منابع نفتي جزء انفال و ثروتهاي عمومي است. اعمال حق حاكميت و مالكيت عمومي بر منابع مذكور به نمايندگي از طرف حكومت اسلامي بر عهده وزارت نفت است.
* ماده3ـ ماده (3) قانون به شرح ذيل اصلاح مي‌گردد:
	+ ماده3ـ نظارت بر اعمال حق حاكميت و مالكيت عمومي بر منابع نفتي به عهده « هيأت عالي نظارت بر منابع نفتي» است كه به موجب اين قانون و با تركيب زير تشكيل مي‌شود: 1ـ وزير نفت به عنوان دبير هيأت 2ـ معاون برنامه‌ريزي و نظارت راهبردي رئيس‌جمهور 3ـ وزير امور اقتصادي و دارايي 4ـ رئيس كل بانك مركزي جمهوري اسلامي ايران 5 ـ رئيس كميسيون انرژي مجلس شوراي اسلامي 6 ـ رئيس كميسيون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شوراي اسلامي 7ـ دادستان كل كشور 8 ـ دو نفر از معاونين وزارت نفت به انتخاب وزير نفت تبصره1ـ كليه اعضاء هيأت، حق رأي دارند. تبصره2ـ جلسات هيأت با تعداد حداقل هفت نفر از اعضاء رسميت مي‌يابد و حضور دادستان كل كشور و يكي از رؤساي كميسيونهاي مذكور الزامي است. تبصره3ـ تصميمات اين هيأت با رأي اكثريت مطلق حاضران، قطعي است.
* ماده4ـ ماده (7) قانون به شرح ذيل اصلاح مي‌گردد:
	+ ماده7ـ وظايف هيأت عالي نظارت بر منابع نفتي به شرح زير است: 1ـ نظارت بر اجراي قانون اجراي سياستهاي كلي اصل چهل و چهارم (44) قانون اساسي مصوب 8/11/1386 و اصلاحات بعدي آن در حوزه نفت و گاز 2ـ بررسي و ارزيابي اجراي سياستهاي راهبردي و برنامه‌هاي مصوب وزارت نفت در فرآيند صيانت از منابع نفت و گاز به منظور برداشت بهينه و حداكثري ارزش افزوده اقتصادي از منابع مذكور 3ـ بررسي و ارزيابي متن، حجم مالي، تعهدات، مقدار محصول و زمان اجراي قراردادهاي مهم نفت و گاز در جهت صيانت از عوايد حاصل از انفال عمومي در حوزه نفت و گاز و امكان اجراي قرارداد 4ـ تهيه گزارش سالانه و ارائه به مقام رهبري و مجلس شوراي اسلامي تبصره ـ چگونگي تشكيل و اداره جلسات هيأت عالي نظارت بر منابع نفتي براساس دستورالعملي است كه حداكثر سه ماه پس از ابلاغ اين قانون با پيشنهاد وزير نفت به تصويب هيأت وزيران مي‌رسد.
* ماده5 ـ يك ماده به شرح ذيل به عنوان ماده (12) به قانون الحاق مي‌گردد:
	+ ماده12ـ به منظور اجراء و تحقق طرحهاي سرمايه‌گذاري و تأمين هزينه‌هاي جاري صنعت نفت، درصدي از ارزش نفت خام، گاز طبيعي و ميعانات گازي توليدي كه در قوانين بودجه سالانه كل كشور تعيين مي‌شود، به وزارت نفت از طريق شركتهاي اصلي تابعه ذي‌ربط تخصيص مي‌يابد تا براساس قوانين موضوعه هزينه شود.
* ماده6 ـ يك ماده به شرح ذيل به عنوان ماده (13) به قانون الحاق مي‌گردد:
	+ ماده13ـ به منظور تأمين منابع امور زيربنائي كشور، درصدي از درآمدهاي حاصل از صادرات نفت خام، ميعانات گازي و گاز طبيعي پس از كسر ارزش گاز وارداتي تخصيص مي‌يابد. ميزان درصد و چگونگي استفاده از درآمدهاي حاصله مذكور طبق قوانين برنامه و بودجه سالانه كل كشور تعيين مي‌شود.
* ماده7ـ يك ماده به شرح ذيل به عنوان ماده (14) به قانون الحاق مي‌گردد:
	+ ماده14ـ كليه درآمدهاي حاصل از فروش نفت خام، گاز طبيعي و ميعانات گازي در چهارچوب قانون برنامه پس از كسر پرداختهاي بيع متقابل، به‌طور مستقيم به خزانه‌داري كل كشور نزد بانك مركزي واريز مي‌شود و درصدهاي مقرر در مواد (5) و (6) اين قانون، طبق قوانين و مقررات مربوطه برداشت و پرداخت مي‌گردد. تبصره1ـ درآمد حاصل از ميعانات گازي توليدي پس از واريز به حساب بانك مركزي و كسر كسورات قانوني مربوط، با اعلام خزانه‌داري كل كشور به‌طور كامل بابت علي‌الحساب سهم مذكور در ماده (5) در اختيار وزارت نفت از طريق شركتهاي اصلي تابعه آن قرار مي‌گيرد. تبصره2ـ درآمد حاصل از فروش نفت خام و ميعانات گازي مازاد بر قيمتهاي مندرج در قوانين بودجه سالانه كل كشور پس از كسر كسورات قانوني طبق قانون برنامه به حساب ذخيره ارزي نزد بانك مركزي واريز مي‌گردد تا براساس قوانين موضوعه هزينه شود.
* ماده8 ـ يك ماده به شرح ذيل به عنوان ماده (15) به قانون الحاق مي‌گردد:
	+ ماده15ـ ‌ وزارت نفت و شركتهاي تابعه يك نسخه از قراردادهاي منعقده مربوط به صادرات گاز طبيعي و گاز طبيعي مايع شده و قراردادهاي اكتشاف و توسعه در ميادين نفتي كه متضمن تعهدات بيش از پنج سال است را به صورت محرمانه به مجلس شوراي اسلامي تسليم مي‌نمايد.
* ماده9ـ ماده (12) قانون به عنوان ماده (16) به شرح ذيل اصلاح مي‌گردد:
	+ ماده16ـ از تاريخ تصويب اين قانون، قانون نفت مصوب 8/5/1353 لغو مي‌گردد.
* [امضاء] قانون فوق مشتمل بر نه ماده و دو تبصره در جلسه علني روز يكشنبه مورخ بيست و دوم خردادماه يكهزار و سيصد و نود مجلس شوراي اسلامي تصويب و در تاريخ 1/4/1390 به تأييد شوراي نگهبان رسيد. رئيس مجلس شوراي اسلامي ـ علي لاريجاني

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=341270>

# ‌قانون نفت 1366

* ‌ماده 1 ـ تعاريف ‌اصلاحات و كلمات زير هر كجا كه در اين قانون به كار برده مي‌شود، شامل تعاريف مفاهيم مشروح در اين ماده است: ‌نفت ـ عبارت است از كليه هيدروكربورها به استثناي ذغال سنگ كه به صورت نفت خام، گاز طبيعي، قير، پلمه سنگهاي نفتي و ماسه‌هاي آغشته به‌نفت اعم از آنكه به حالت طبيعي يافت شود و يا به وسيله عمليات مختلف از نفت خام و گاز طبيعي به دست آيد. ‌منابع نفتي ـ عبارت است از هر يك از تقسيمات داخل سرزمين و آب‌هاي داخلي و ساحلي و بين‌المللي و فلات قاره كشور كه احتمال وجود نفت در‌آن باشد و مشخصات فني و جغرافيايي ويژه آن توسط وزارت نفت مشخص شده باشد. ‌عمليات نفتي ـ عبارت است از كليه عمليات مربوط به صيانت و بهره‌برداري از منابع نفتي مانند تفحص، نقشه‌برداري، زمين‌شناسي، اكتشاف، حفاري،‌استخراج، تحصيل اراضي لازم و تهيه و اجراي طرح‌هاي سرمايه‌اي براي احداث تأسيسات و صنايع و ايجاد و توسعه و تحديد آنها و حفاظت و‌حراست از تأسيسات و واحدهاي مربوط به صنعت نفت. همچنين عمليات توليد و قابل عرضه كردن نفت خام، گاز و ساير هيدروكربورهاي طبيعي "‌به‌استثناي زغال سنگ" تصفيه نفت خام و تهيه فرآورده‌هاي فرعي و مشتقات نفتي و جمع‌آوري و تصفيه گاز طبيعي و توليد گاز و محصولات همراه،‌استفاده از فرآورده‌ها و مشتقات نفتي و گازي در توليد انواع محصولات پتروشيمي، حمل و نقل، توزيع، فروش و صدور محصولات نفت و گاز و‌پتروشيمي و فعاليت‌هاي تجاري مربوط به صادرات و واردات و توليدات نفت و گاز و پتروشيمي و تهيه و توليد كالاها و مواد صنعتي مورد استفاده‌نفت و ايجاد تسهيلات و خدمات جنبي براي اين عمليات و آموزش و تأمين نيروي كار متخصص. ايجاد شرايط ايمني و بهداشت و صنعتي و حفاظت‌محيط از آلودگي در عمليات با رعايت ضوابط سازمان‌هاي ذيربط و بررسي‌ها و برنامه‌ريزي و طراحي فني و اقتصادي و انعقاد قراردادهاي پيمانكاري و‌مشاوره در زمينه‌هاي عمليات فوق و انجام مطالعات و تحقيقات و آزمايش‌ها و پژوهش‌هاي علمي و فني براي بسط و تكميل تكنولوژي و ارتقاء دانش‌فني و صنعتي و بررسي تتبعات و اختراعات مربوط به صنايع نفت و تبادل اطلاعات علمي و فني و تجربيات صنعتي با مؤسسات داخلي و خارجي‌ذيصلاح در زمينه عمليات نفتي. ‌حدود عمليات نفتي در هر زمينه كه به وظايف قانوني و برنامه‌ها و طرح‌هاي ساير دستگاه‌ها و نهادهاي جمهوري اسلامي ايران تداخل پيدا مي‌كند،‌طبق آيين‌نامه‌هايي خواهد بود كه به وسيله وزارت نفت تهيه و به تصويب هيأت وزيران خواهد رسيد. ‌واحدهاي عملياتي ـ عبارت است از هر سازمان، مؤسسه و يا شركتي كه عمليات اصلي و فرعي تخصصي و عمومي خدمات جنبي نفتي را عهده دار‌باشد. ‌قرارداد ـ عبارت است از تعهداتي كه بين وزارت نفت يا يك واحد عملياتي يا هر شخص حقيقي يا حقوقي منعقد مي‌شود كه طبق مقررات دولت‌جمهوري اسلامي ايران و بر مبناي مقررات اين قانون اجراي قسمتي از عمليات نفتي را بر عهده گيرد.
* ‌ماده 2 ـ منابع نفت كشور جزء انفال و ثروت‌هاي عمومي است و طبق اصل 45 قانون اساسي در اختيار حكومت اسلامي مي‌باشد و كليه تأسيسات‌و تجهيزات و دارايي‌ها و سرمايه‌گذاري‌هايي كه در داخل و خارج كشور توسط وزارت نفت و شركت‌هاي تابعه به عمل آمده و يا خواهد آمد، متعلق به‌ملت ايران و در اختيار حكومت اسلامي خواهد بود. ‌اعمال حق حاكميت و مالكيت نسبت به منابع و تأسيسات نفتي متعلق به حكومت اسلامي است كه بر اساس مقررات و اختيارات مصرح اين قانون به‌عهده وزارت نفت مي‌باشد كه بر طبق اصول و برنامه‌هاي كلي كشور عمل نمايد.
* ‌ماده 3 ـ اعمال حقوق و اختيارات مصرح اين قانون بر عهده وزارت نفت و شركتهاي تابعه و نظارت بر انجام عمليات نفتي و ساير وظايف مندرج در‌اين قانون بر عهده وزارت نفت خواهد بود.
* ‌ماده 4 ـ وزارت نفت براي انجام عمليات نفتي و بهره‌برداري در سراسر كشور و فلات قاره و درياها مي‌تواند شركت‌هايي را تأسيس نمايد.‌اساسنامه‌هاي شركت‌هاي نفت و گاز و پتروشيمي پس از تصويب مجلس شوراي اسلامي به مورد اجراء گذارده خواهد شد. تصويب اساسنامه‌هاي ساير‌شركت‌ها با هيأت وزيران خواهد بود. ‌تبصره ـ وزارت نفت مكلف است از تاريخ تصويب اين قانون، اساسنامه‌هاي شركت‌هاي نفت، گاز و پتروشيمي را ظرف مدت يك سال جهت‌تصويب به مجلس شوراي اسلامي تقديم نمايد.
* ‌ماده 5 ـ انعقاد قراردادهاي مهم فيمابين وزارت نفت يا واحدهاي عمليات نفتي با اشخاص حقيقي و حقوقي داخلي و خارجي و تشخيص موارد‌مهم تابع آيين‌نامه‌اي خواهد بود كه با پيشنهاد وزارت نفت به تصويب هيأت وزيران خواهد رسيد. و قراردادهاي منعقد فيمابين وزارت نفت با دولتها‌طبق اصل 77 قانون اساسي عمل مي‌شود.
* ‌ماده 6 ـ كليه سرمايه‌گذاري‌ها بر اساس بودجه واحدهاي عمليات از طريق وزارت نفت پيشنهاد و پس از تصويب مجمع عمومي در بودجه كل‌كشور درج مي‌شود. سرمايه‌گذاري خارجي در اين عمليات به هيچ وجه مجاز نخواهد بود. ‌تبصره ـ در صورت استفاده از بودجه عمومي طبق مقررات عمومي دولت عمل مي‌شود.
* ‌ماده 7 ـ وزارت نفت مكلف است در جريان عمليات نفتي ضمن برنامه ريزي‌هاي صحيح نظارت و مراقبت كامل جهت صيانت ذخاير نفتي و‌حفاظت منابع و ثروت‌هاي طبيعي و تأسيسات و جلوگيري از آلودگي محيط زيست (‌هوا، آب، خاك) با هماهنگي سازمان‌هاي ذيربط عمل كند.
* ‌ماده 8 ـ كليه سرمايه‌گذاري‌هاي ثابت صنعت نفت در داخل كشور تابع قوانين و مقررات واحد مربوطه خواهد بود و در مواردي كه قانون خاصي‌وجود نداشته باشد، تابع مقررات عمومي جمهوري اسلامي ايران است. ‌سرمايه‌هاي صرف شده كه در اختيار واحدهاي عمليات نفتي گذاشته شده يا مي‌شود، جزء دارايي‌هاي واحد مزبور خواهد بود ولي هر گونه نقل و انتقال‌آنها منوط به اجازه وزارت نفت مي‌باشد.
* ‌ماده 9 ـ وزارت نفت موظف است براي تأمين حفاظت و حراست از منابع و تأسيسات نفتي و اموال و اسناد صنعت نفت به جاي گارد صنعت نفت‌با هماهنگي وزارت كشور و همكاري نيروهاي انتظامي واحدي به نام تأسيس نمايد. آيين‌نامه اجرايي آن به وسيله وزارتين نفت و كشور تهيه و به‌تصويب هيأت وزيران خواهد رسيد. ‌تبصره ـ هزينه تأسيس واحد حراست از محل اعتبارات گارد حفاظت صنعت و نفت خواهد بود.
* ‌ماده 10 ـ وزارت نفت مكلف است نسبت به تربيت و تجهيز نيروي انساني مورد نياز و راه‌يابي به تكنولوژي پيشرفته و رشد و توسعه در رشته‌هاي‌مختلف صنعت نفت به طرق مقتضي و با هماهنگي و تبعيت از سياست‌هاي وزارت فرهنگ و آموزش عالي و با طرح برنامه‌هاي آموزشي و تشكيل‌مراكز تعليماتي و تأسيس مجتمع‌هاي تحقيقاتي و آزمايشگاهي به طور مستمر بكوشد و با اتخاذ تدابير مؤثر در راه بالا بردن سطح دانش و اطلاعات‌علمي و عملي كاركنان و كارشناسان و ايجاد محيط مناسب براي جذب و تشويق عناصر كار آمد متعهد و متخصص اقدام نمايد.
* ‌ماده 11 ـ اراضي و اعياني و هر گونه مستحدثات و آب و حقوق ارتفاقي مورد نياز عمليات نفتي طبق اساسنامه‌هاي شركت‌هاي نفت و گاز و‌پتروشيمي كه به تصويب مجلس شوراي اسلامي خواهد رسيد، تحصيل خواهد شد.
* ‌ماده 12 ـ با تصويب اين قانون هر گونه قوانين و مغاير با اين قانون ملغي است.
* ‌[امضاء] قانون فوق مشتمل بر دوازده ماده و سه تبصره در جلسه روز پنجشنبه نهم مهر ماه يك هزار و سيصد و شصت و شش مجلس شوراي اسلامي تصويب‌و در تاريخ 1366.7.23 به تأييد شوراي نگهبان رسيده است. ‌رييس مجلس شوراي اسلامي ـ اكبر هاشمي

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=286655>

# قانون نفت 1353

* ‌ماده 1 ـ اصطلاحات و تعبيرات ‌اصطلاحات و كلمات زير هر كجا كه در اين قانون به كار برده شود شامل تعاريف و مفاهيم مشروح در اين ماده خواهد بود. "‌نفت" عبارت است از نفت خام، گاز طبيعي، آسفالت و كليه‌هيدروكربورهاي مايع اعم از آن كه به حالت طبيعي يافت شود و يا به وسيله عمليات‌مختلف از نفت خام و گاز طبيعي جدا شود و نيز هر فرآورده مهياي استفاده يا نيمه تمامي‌كه از مواد مزبور به وسيله تبديل گاز به مايع يا تصفيه يا عمل‌شيميايي يا هر گونه طريقه ديگري اعم از آن چه اكنون معمول است و آن چه در آينده معمول شود به دست آيد. "‌منابع نفتي" عبارت است از كليه منابع و ذخاير زيرزميني داراي نفت اعم از اين كه در خشكي يا در مناطق دريايي واقع شده باشد. "‌مناطق دريايي" عبارت است از آبهاي داخلي و ساحلي و فلات قاره. "‌عمليات نفتي" اعم است از كليه عمليات مربوط به اكتشاف، توسعه، بهره‌برداري، پالايش، حمل و نقل، پخش و خريد و فروش نفت. "‌طرف قرارداد" عبارت است از هر شخصي كه طبق مقررات اين قانون قرارداد پيمانكاري يا مشاركت يا فروش نفت با شركت ملي نفت ايران امضاء كرده‌باشد. "‌شخص" عبارت است از شخص يا اشخاص طبيعي يا حقوقي ليكن در اين قانون عنوان شخص به شركت ملي نفت ايران و شركتهاي فرعي آن اطلاق‌نمي‌شود. "‌قرارداد پيمانكاري" عبارت از قراردادي است كه به موجب آن طرف قرارداد مسئوليت اجراي برخي از عمليات نفتي را در ناحيه معيني از طرف شركت‌ملي نفت ايران و به نام آن شركت بر طبق مقررات اين قانون بر عهده مي‌گيرد. "‌قرارداد مشاركت" عبارت است از قراردادي كه در اجراي بند 3 ماده 3 اين قانون منعقد مي‌گردد. "‌قرارداد فروش" عبارت است از قراردادي كه به موجب مقررات ماده 12 اين قانون منعقد گردد "‌پيمانكار كل" عبارت از شركتي است كه به موجب بند 3 ماده 8 اين قانون اجراي عمليات و انجام تعهدات مقرر در قرارداد پيمانكاري را بر عهده‌مي‌گيرد. "‌پذيره" عبارت است از وجه معيني كه‌هنگام عقد قرارداد پيش‌بيني مي‌شود و يك جا يا به دفعات و در طي مراحلي توسط طرف قرارداد به شركت ملي‌نفت ايران پرداخت مي‌گردد. "‌بخش نفتي" عبارت است از هر يك از تقسيماتي كه شركت ملي نفت ايران به موجب ماده 4 اين قانون براي خشكي و يا مناطق دريايي تعيين‌كرده باشد. "‌ناحيه" اعم است از كل يا هر قسمت از ناحيه يا نواحي كه به موجب قراردادي براي اجراي عمليات اكتشاف و توسعه تخصيص داده مي‌شود.
* ‌ماده 2 ـ اختيارات و وظايف شركت ملي نفت ايران ‌شركت ملي نفت ايران مسئول انجام وظايف و اعمال حقوق و اختيارات مصرح در اين قانون و نظارت بر اجراي آن مي‌باشد. شركت مزبور در انجام اين‌مسئوليت به ترتيب مقرر در اساسنامه قانوني خود عمل خواهد كرد.
* ‌ماده 3 ـ اجازه مذاكره و انعقاد قرارداد 1 ـ منابع نفتي و صنعت نفت ايران ملي است و اعمال حق مالكيت ملت ايران نسبت به منابع نفتي ايران در زمينه اكتشاف، توسعه، توليد،‌بهره‌برداري و پخش نفت در سرتاسر كشور و فلات قاره منحصراً به عهده شركت ملي نفت ايران است كه رأساً يا به وسيله نمايندگي‌ها و پيمانكاران خود‌در آن باره اقدام خواهد كرد. 2 ـ شركت ملي نفت ايران مي‌تواند به منظور اجراي عمليات اكتشاف و توسعه نفت در بخشهاي آزاد نفتي با هر شخص اعم از ايراني و خارجي‌وارد مذاكره شود و قراردادهايي را كه مقتضي بداند بر مبناي پيمانكاري و با رعايت مقررات و مصرحات اين قانون تنظيم و امضاء نمايد. ‌قراردادهاي مزبور بعد از تأييد هيأت وزيران به موقع اجراء گذارده خواهد شد. 3 ـ شركت ملي نفت ايران مي‌تواند به منظور ايجاد پالايشگاه و اجراي عمليات پالايش نفت در داخل كشور رأساً يا از طريق مشاركت با هر‌شخص اعم از ايراني و خارجي اقدام نمايد مشاركتهايي كه به اين منظور انجام مي‌شود مشروط به رعايت شرايط زير خواهد بود: ‌الف ـ سهم شركت ملي نفت ايران هيچ گاه نبايد از پنجاه درصد كمتر باشد. ب ـ مدت مشاركت در هر قرارداد به تشخيص و نظر شركت ملي نفت ايران معين خواهد شد ولي در هر حال اين مدت از بيست سال تجاوز‌نخواهد كرد. 4 ـ در مورد بند 3 بالا كليه نفت خامي‌كه به پالايشگاه تحويل مي‌شود به قيمت رايج بازار حساب خواهد شد و منافع پالايش مشمول ماليات بر‌درآمد دولت ايران خواهد بود. 5 ـ شركت ملي نفت ايران مي‌تواند براي انجام عمليات نفتي در خارج كشور با هر شخص و به‌هر طريق كه مقتضي مي‌داند مشاركت نمايد و‌مقررات اين قانون نسبت به عمليات شركت ملي نفت ايران در خارج كشور مجري نخواهد بود.
* ‌ماده 4 ـ اعلان آزادي بخشها 1 ـ تصميم درباره آزاد كردن يا بستن، تعيين يا تغيير حدود بخشهاي نفتي در هر مورد با شركت ملي نفت ايران است. 2 ـ آزاد بودن بخشها از طريق نشر آگهي، متضمن شرايط تنظيم پيشنهاد و مهلت تسليم آن اعلام خواهد شد. 3 ـ شركت ملي نفت ايران در مورد هر بخش يا هر جزيي از آن كه آزاد اعلان مي‌كند دفترچه مشخصاتي حاوي موقعيت جغرافيايي و وضع‌عمومي‌زمين‌شناسي و ساير اطلاعات مربوط به آن تهيه خواهد كرد. 4 ـ قسمتهايي از ناحيه‌هر قرارداد كه بعد از اجراي عمليات تفكيك مي‌شود و از ناحيه مشمول آن قرارداد اخراج مي‌گردد تا زماني كه مجدداً آزاد‌اعلان نشده باشد بسته خواهد بود
* ‌ماده 5 ـ دريافت پيشنهادها 1 ـ پيشنهاد انعقاد قرارداد در مورد تمام يا هر جزئي از يك بخش كه آزاد اعلان مي‌شود بايستي در طي مهلتي كه در آگهي شركت ملي نفت ايران‌تعيين شده است به شركت مذكور تسليم شود. 2 ـ پيشنهاد فقط از اشخاصي كه صلاحيت فني و مالي آنها توسط شركت ملي نفت ايران احراز و تصديق گرديده باشد دريافت خواهد شد. پيشنهاد‌بايد بر اساس شرايط پيش‌بيني شده در قرارداد نمونه‌اي باشد كه توسط شركت ملي نفت ايران تهيه و به انضمام دفترچه مشخصات مذكور در بند 3 ماده4 اين قانون به متقاضيان داده خواهد شد.
* ‌ماده 6 ـ رد و قبول پيشنهادها 1 ـ پيشنهادهايي كه ظرف مهلت مقرر واصل گردد بدون رعايت تقدم و تأخر در تاريخ وصول مورد توجه قرار خواهد گرفت. 2 ـ شركت ملي نفت ايران حق و اختيار تام و تمام قبول يا رد هر يك يا كليه پيشنهادهاي رسيده را دارا مي‌باشد. دادن پيشنهاد، هيچ گونه حقي‌براي پيشنهاددهنده ايجاد نمي‌كند.
* ‌ماده 7 ـ شرايط تقدم و اولويت 1 ـ از ميان پيشنهادهاي رسيده پيشنهادهايي كه علاوه بر رعايت مفاد و مقررات اين قانون متضمن شرايط مساعدتر ديگري نيز از قبيل پذيره باشد و‌بالخصوص انجام عمليات پالايش در داخل كشور و ورود شركت ملي نفت ايران را در مراحل حمل و نقل و پالايشگاه و پخش و فروش نفت در‌بازارهاي جهاني تضمين و يا حداقل تسهيل نمايد مقدم شمرده خواهد شد. 2 ـ شركت ملي نفت ايران قبول يا رد پيشنهاد را كتباً به اطلاع پيشنهاددهنده خواهد رسانيد.
* ‌ماده 8 ـ امضاي قرارداد پيمانكاري 1 ـ هر شخص كه پيشنهاد او به شرح مقرر در ماده 7 پذيرفته شود مكلف خواهد بود حداكثر ظرف مدت 30 روز از تاريخي كه شركت ملي نفت‌ايران قبول آن پيشنهاد را اعلام كند قرارداد پيمانكاري بر اساس مقررات قرارداد نمونه با شركت ملي نفت ايران امضاء نمايد. قراردادي كه بدين گونه‌امضاء شود بعد از تصويب هيأت وزيران قابل اجراء خواهد بود. 2 ـ در صورتي كه يك پيشنهاد از طرف دو يا چند شخص داده شده باشد امضاي قرارداد توسط كليه آن اشخاص صورت خواهد گرفت كه‌هر كدام‌از آنها منفرداً و متضامناً مسئوليت حسن اجراي تعهدات مندرج در قرارداد را بر عهده خواهند داشت. 3 ـ شخص يا اشخاصي كه به شرح بالا قرارداد پيمانكاري با شركت ملي نفت ايران امضاء مي‌كنند متعهد خواهند بود كه ظرف مدت 60 روز از‌تاريخ امضاي قرارداد يك شركت فرعي با تابعيت ايراني تشكيل دهند و مطابق مقررات قانون ايران آن را به ثبت برسانند و كليه حقوق و تعهداتي را كه‌به موجب قرارداد پيمانكاري دارند به آن شركت ايراني منتقل سازند. ‌شركت ايراني مزبور به عنوان "‌پيمانكار كل" شركت ملي نفت ايران اجراي عمليات اكتشاف و توسعه را به صورت غير انتفاعي و به موجب قرارداد بر‌عهده خواهد داشت ليكن اين امر ذمه انتقال‌دهنده يا انتقال‌دهندگان را در برابر شركت ملي نفت ايران از بابت مسئوليتها و تعهدات مندرج در قرارداد بري‌نخواهد كرد. ‌عنوان "‌طرف قرارداد" كه در اين قانون به كار برده شده است شامل "‌پيمانكار كل" نيز خواهد بود. 4 ـ شركت فرعي از لحاظ اين ماده عبارت است از شركتي كه مالكيت كليه سهام آن با شخص و يا اشخاصي باشد كه پيشنهاد آنها مورد قبول‌شركت ملي نفت ايران بوده و قرارداد پيمانكاري امضاء نموده‌اند.
* ‌ماده 9 ـ مساحت ناحيه عمليات 1 ـ در هر قرارداد ناحيه يا نواحي كه عمليات اكتشاف و توسعه در آن به موقع اجراء گذارده خواهد شد تعيين و حدود آن مشخص خواهد گرديد. 2 ـ مساحت ناحيه يا نواحي كه به موجب قرارداد واحدي به عمليات اكتشاف و توسعه تخصيص داده مي‌شود در هر صورت مجموعاً بيش از‌هشت هزار كيلومتر مربع در خشكي و بيش از چهار هزار كيلومتر مربع در مناطق دريايي نخواهد بود.
* ‌ماده 10 ـ مدت 1 ـ مدت قراردادهاي پيمانكاري كه به موجب مقررات ماده 8 اين قانون منعقد شود به دو مرحله متوالي اكتشاف و توسعه تقسيم خواهد شد. طول‌مدت مرحله اكتشاف حداكثر از تاريخ اجراي قرارداد تا پنج سال خواهد بود. 2 ـ در صورتي كه تا پايان مرحله اكتشاف ميدان قابل توليد تجاري در ناحيه قرارداد كشف شده باشد مراحل توسعه به دنبال مرحله اكتشاف آغاز‌خواهد شد.
* ‌ماده 11 ـ مسئوليتهاي طرف قرارداد در مرحله اكتشاف 1 ـ طرف قرارداد مسئوليت تأمين كليه وجوه لازم براي انجام عمليات اكتشافي را بر عهده خواهد داشت. 2 ـ طرف قرارداد فقط وقتي مستحق بازيافت وجوه مزبور خواهد بود كه عمليات منجر به كشف ميدان تجاري بشود. 3 ـ در صورتي كه كشف ميدان تجاري مطابق ضوابطي كه در قرارداد مربوط تصريح مي‌شود به تحقق بپيوندد عمليات توسعه ميدان مزبور آغاز‌خواهد شد. ‌تأمين وجوه لازم جهت عمليات توسعه نيز در صورت درخواست شركت ملي نفت ايران بر عهده طرف قرارداد خواهد بود. 4 ـ بازپرداخت وجوه مذكور در بندهاي 2 و 3 بالا مطابق مقرراتي خواهد بو كه بر اساس مقررات ماده 12 اين قانون در هر قرارداد پيش‌بيني گردد.
* ‌ماده 12 ـ قرارداد فروش نفت 1 ـ بعد از آن كه تجاري بودن ميدان كشف شده، مطابق ضوابطي كه در قرارداد مربوط پيمانكاري تصريح مي‌شود به تحقق پيوست قرارداد فروش‌بين شركت ملي نفت ايران و طرف قرارداد منعقد خواهد شد. ‌طرف قرارداد حق خواهد داشت كه در برابر ريسك هزينه‌هاي اكتشافي كه متحمل گرديده و نيز در برابر تعهد تأمين هزينه‌هاي عمليات توسعه كه بر‌عهده گرفته است (‌در صورتي كه تأمين اين هزينه‌ها بر عهده طرف قرارداد باشد) مقداري از نفت ميدان مكشوفه را از تاريخ آغاز توليد تجاري تحت‌شرايط مقرر در قرارداد فروش و در طي مدتي كه از پانزده سال تجاوز نخواهد كرد خريداري نمايد. ‌نفتي كه به موجب مقررات اين ماده به طرف قرارداد فروخته مي‌شود در هر حال از پنجاه درصد نفت توليد شده ميدان مكشوفه تجاوز نخواهد نمود. 2 ـ بهاي نفت فروخته شده به طرف قراردادي طوري محاسبه خواهد شد كه به اندازه مجموع دو تخفيف زير از بهاي فوب رايج بازار نفت مزبور‌ارزانتر باشد. ‌الف ـ تخفيفي كه رقم كل آن در هر سال برابر با يك دهم مجموع مبالغي باشد كه طرف قرارداد از تاريخ اجراي قرارداد تا آغاز توليد تجاري از بابت‌هزينه‌هاي عمليات اكتشاف و توسعه در ناحيه قرارداد متحمل شده است. در صورتي كه تأمين وجوه لازم جهت عمليات توسعه بر عهده طرف قرارداد‌نباشد فقط هزينه‌هاي عمليات اكتشاف در محاسبه اين تخفيف منظور خواهد شد. در صورتي كه در يك ناحيه قرارداد دو يا چند ميدان تجاري كشف‌شده باشد مجموع مبالغ هزينه‌هاي مزبور به ترتيب مقرر در قرارداد مربوط بين آن دو يا چند ميدان سرشكن خواهد شد به نحوي كه مجموع تخفيفات‌ناظر بر مجموع نفتي كه‌هرساله از مجموع ميدانها به طرف قرارداد فروخته مي‌شود با يك‌دهم مجموع هزينه‌هاي اكتشاف و توسعه كه در ناحيه قرارداد‌خرج شده است معادل باشد. اين تخفيف ظرف مدت ده سال از تاريخ آغاز توليد تجاري ادامه خواهد داشت. ب ـ تخفيفي حداكثر معادل پنج درصد بهاي فوب رايج بازار نفت فروخته شده به طرف قرارداد كه اين تخفيف ظرف تمام مدت اعتبار قرارداد‌فروش ادامه خواهد داشت. ‌روش تعيين بهاي فوب رايج بازار و ميزان قطعي تخفيف مقرر در شق ب و پيش‌بيني برنامه تحويل و بارگيري نفت و همچنين مقررات راجع به طرز‌پرداخت بها و ساير مقررات لازم در هر قرارداد فروش مندرج خواهد شد. براي هزينه‌هاي توسعه‌اي ممكن است بهره‌اي تعلق گيرد كه حداكثر آن در‌قرارداد مربوط معين خواهد شد ليكن براي هزينه‌هاي اكتشافي به‌هيچ وجه بهره تعلق نخواهد گرفت. بهره متعلق به‌هزينه‌هاي توسعه‌اي مطابق اين بند‌مشمول ماليات بر درآمد نخواهد بود.
* ‌ماده 13 ـ توليد تجاري ‌آغاز توليد تجاري در مورد هر ميدان موقعي خواهد بود كه كليه وسائل توليد و تحويل منظم نفت از ميدان مزبور تا نقطه صدور يا پالايش آماده شده و‌عملاً هم يكصد هزار متر مكعب نفت خام از آن ميدان برداشت شده باشد. ‌از لحاظ اين محاسبه در مورد ميدان گازي هر هزار متر مكعب گاز طبيعي در 15 درجه سانتيگراد معادل يك متر مكعب نفت خام تلقي خواهد شد.
* ‌ماده 14 ـ پايان مرحله اكتشاف 1 ـ با آغاز توليد تجاري هر ميدان، ميدان مزبور از ناحيه قرارداد تفكيك مي‌شود و قرارداد پيمانكاري كه به موجب ماده 11 اين قانون پيش‌بيني‌شده است نسبت به آن ميدان خاتمه مي‌يابد. 2 ـ اجراي كليه عمليات در هر ميدان تجاري از تاريخ آغاز توليد تجاري آن ميدان رأساً بر عهده شركت ملي نفت ايران خواهد بود. 3 ـ در صورتي كه توليد تجاري در يك ميدان از ناحيه قرارداد پيش از پايان مرحله اكتشاف (‌كه به موجب مقررات ماده 10 اين قانون در هر قرارداد‌پيش‌بيني مي‌شود) آغاز گردد عمليات اكتشافي در بقيه ناحيه توسط طرف قرارداد تا پايان مرحله اكتشاف ادامه خواهد يافت.
* ‌ماده 15 ـ ادامه عمليات 1 ـ عمليات اكتشافي در ناحيه قرارداد حداكثر ظرف شش ماه از تاريخ اجراي قرارداد آغاز و بلاانقطاع دنبال خواهد شد. 2 ـ هر گاه ضرورت انجام تحقيقات و مطالعات خاصي توقف عمليات اكتشافي را براي مدت موقتي ايجاب نمايد توقف عمليات فقط با موافقت‌شركت ملي نفت ايران ميسر خواهد بود. 3 ـ در صورتي كه طرف قرارداد عمليات را بدون تحصيل موافقت قبلي شركت ملي نفت ايران براي مدتي بيش از سه ماه متوقف سازد شركت ملي‌نفت ايران حق فسخ قرارداد را خواهد داشت. توقف عمليات كه ناشي از قوه قهريه باشد خارج از شمول مقررات اين ماده است.
* ‌ماده 16 ـ خاتمه قرارداد به علت عدم كشف نفت 1 ـ هر گاه طرف قرارداد ظرف دوره اكتشاف و پس از انجام حداقل عملياتي كه در قرارداد پيش‌بيني شده است به اين نتيجه برسد كه شرايط‌زيرزميني ناحيه طوري است كه كشف نفت به ميزان تجاري مقدور به نظر نمي‌رسد مي‌تواند از ادامه عمليات خودداري و تقاضاي فسخ قرارداد را بكند. ‌در اين صورت طرف قرارداد مكلف خواهد بود ثابت نمايد كه كليه امور اكتشافي تا تاريخ مزبور طبق برنامه به موقع اجراء گذارده شده است. هر گاه‌مبالغي كه براي خرج كردن در عمليات مزبور در نظر گرفته شده بود تماماً خرج نشده باشد طرف قرارداد ملزم خواهد بود كه كليه مبالغ خرج‌نشده را به‌شركت ملي نفت ايران بپردازد. 2 ـ در صورتي كه در پايان مرحله اكتشاف، كشف ميدان تجاري در هيچ نقطه‌اي از ناحيه قرارداد به تحقق نپيوسته باشد قرارداد پيمانكاري خاتمه‌خواهد يافت و طرف قرارداد حق مطالبه وجوهي را كه صرف هزينه‌هاي اكتشافي كرده است نخواهد داشت. طرف قرارداد مكلف خواهد بود كليه اسناد‌و مدارك و نقشه‌هاي حاصل از عمليات را به طور كامل به شركت ملي نفت ايران تسليم نمايد.
* ‌ماده 17 ـ تعهدات طرف قرارداد 1 ـ شركت ملي نفت ايران موظف است در هر يك از موارد طرف قرارداد را با قيد شرايط مقتضي ملزم نمايد كه تا آنجا كه بر طبق موازين فني و‌مهندسي قابل توجيه باشد حداكثر كوشش را در اجراي عمليات اكتشافي در ناحيه قرارداد به عمل آورد. 2 ـ در مورد هر ميدان تجاري بايد ترتيباتي پيش‌بيني شود كه انجام عمليات توسعه و تهيه وسائل لازم جهت استفاده و بهره‌برداري كامل از آن‌ميدان را در مناسبترين مدت و با رعايت شرايط اقتصادي و اصول صحيح مهندسي تضمين نمايد.
* ‌ماده 18 ـ كنترل عمليات 1 ـ شركت ملي نفت ايران مكلف خواهد بود كه در مورد هر قرارداد نظارت و بازرسي كامل و مؤثر در عمليات پيمانكار كل اعمال نمايد. 2 ـ طرف قرارداد ملزم خواهد بود كه كليه فعاليتهاي خود را با موافقت و تصويب شركت ملي نفت ايران انجام دهد و هر گونه اطلاعات را طبق‌نظر و دستور شركت ملي نفت ايران به نحو جامع و رضايتبخش تهيه و تسليم نمايد.
* ‌ماده 19 ـ مالكيت نفت ‌نفت توليد شده از منابع نفتي ايران در مالكيت شركت ملي نفت ايران خواهد بود. شركت مزبور نمي‌تواند هيچ قسمت از نفت را مادام كه استخراج نشده‌است به غير انتقال دهد.
* ‌ماده 20 ـ استخدام خارجيان 1 ـ استخدام كارمند خارجي فقط در مورد مشاغلي مجاز خواهد بود كه كارمند ايراني واجد تخصص و تجربه لازم براي تصدي آنها در اختيار‌نباشد. رعايت اين مقررات در مورد پيمانكاراني كه براي پيمانكار كل كار مي‌كنند نيز لازم خواهد بود. 2 ـ استخدام كارمند خارجي در هر مورد با مشورت و اجازه شركت ملي نفت ايران صورت خواهد گرفت و شركت ملي نفت ايران مكلف خواهد‌بود احراز كند كه استخدام خارجي در هر مورد براي مدت محدود و آن هم مشروط به تهيه وسائل كارآموزي ايرانياني باشد كه بتوانند در رأس مدت‌مقرر جايگزين كارمند خارجي گردند.
* ‌ماده 21 ـ انتقالات ‌طرف قرارداد نمي‌تواند حقوقي را كه به موجب مقررات قرارداد تحصيل و يا تعهداتي را كه قبول نموده است به ديگري واگذار كند مگر با موافقت قبلي‌شركت ملي نفت ايران و تأييد هيأت وزيران.
* ‌ماده 22 ـ ضمانت اجرايي ‌شركت ملي نفت ايران مكلف است در قراردادهايي كه بر طبق اين قانون تنظيم مي‌شود ضمانت اجرايي كافي از براي تعهدات طرف قرارداد منظور‌نمايد.
* ‌ماده 23 ـ رفع اختلافات ‌اختلافاتي كه بين شركت ملي نفت ايران و طرفهاي قرارداد پيش آيد هر گاه از طريق مذاكره دوستانه به نحوي كه در هر قرارداد پيش‌بيني خواهد شد رفع‌نشود از طريق داوري حل خواهد شد. مقررات مربوط به ارجاع اختلافات به داوري در هر قرارداد به نحو مقتضي پيش‌بيني مي‌گردد. آيين رسيدگي در‌مورد داوري مطابق قوانين ايران و محل داوري تهران خواهد بود مگر آن كه بعد از بروز اختلاف طرفين قرارداد نسبت به محل ديگري توافق نمايند.‌اعتبار و تفسير و اجراي قراردادها تابع قوانين ايران خواهد بود.
* ‌ماده 24 ـ مصرف كالاها و خدمات ‌كالاها و خدمات مورد نياز عمليات در هر قرارداد از منابع داخلي كشور تهيه و تحصيل خواهد شد. استفاده از كالاها و خدمات خارجي وقتي مجاز‌خواهد بود كه كالاها و خدماتي كه در ايران تهيه و عرضه مي‌شود به تشخيص شركت ملي نفت ايران از لحاظ كيفيت براي رفع نيازمندي عمليات‌مناسب نباشد و يا به مقادير مورد نياز در دسترس نباشد و يا آن كه قيمت كالاها و خدمات عرضه شده در ايران به تشخيص شركت ملي نفت بيش از‌بيست درصد از قيمت كالاها و خدمات خارجي گرانتر باشد.
* ‌ماده 25 ـ تحصيل اراضي و واردات ‌در مورد قراردادهاي مشاركت و يا پيمانكاري كه مطابق مقررات اين قانون جهت انجام عمليات نفتي در ايران منعقد مي‌شود به قرار مشروح زير عمل‌خواهد شد: 1 ـ اراضي و آب و حقوق ارتفاقي مورد نياز عمليات با استفاده از مزايا و اختيارات مقرر در اساسنامه قانوني شركت ملي نفت ايران و توسط آن‌شركت تحصيل خواهد شد. بهاي خريد يا مال‌الاجاره پرداختي بابت تحصيل اراضي و آب و حقوق ارتفاقي به علاوه‌هزينه‌هاي مربوط به آن در هر مورد‌به حساب عمليات منظور خواهد گرديد. 2 ـ ماشين‌الات و وسائل و هر گونه كالاهاي مورد نياز عمليات با رعايت مقررات ماده 24 اين قانون و بر طبق مقررات اساسنامه قانوني شركت‌ملي نفت ايران و به نام آن شركت وارد خواهد شد. 3 ـ كليه اراضي و تأسيسات ثابت در مالكيت شركت ملي نفت ايران خواهد بود.
* ‌ماده 26 ـ محافظت منابع و جلوگيري از‌ آلودگي محيط ‌شركت ملي نفت ايران مكلف خواهد بود كه در جريان عمليات مربوط هر قرارداد دقت و مراقبت كامل را جهت حفظ منابع ثروت طبيعي (‌مخصوصاً‌گازهاي طبيعي) همچنين جلوگيري از‌الودگي محيط (‌هوا و آب و زمين) به عمل آورد طرف قرارداد ملزم خواهد بود كه در عمليات خود مقرراتي را كه‌در اين باب توسط دولت و يا شركت ملي نفت ايران اعلام و ابلاغ مي‌گردد رعايت نمايد. شركت ملي نفت ايران ضوابطي را كه بايد در اجراي مفاد اين‌ماده به ويژه در خصوص حفظ منابع نفتي، بازيافت مجدد نفت، افزايش بهره‌دهي مخازن زيرزميني نفت، جلوگيري از سوزاندن و به‌هدر دادن نفت مورد‌عمل قرار گيرد تدوين و اعلام خواهد كرد.
* ‌ماده 27 ـ نفت مناطق دريايي ‌نفت توليد شده از مناطق دريايي ايران در حكم نفتي خواهد بود كه از داخل سرزمين ايران توليد شده باشد. مقررات قانون ايران نسبت به كليه تأسيساتي‌كه در مناطق دريايي مزبور ايجاد شود جاري خواهد بود.
* ‌ماده 28 ـ منافع ايران ‌طرف قرارداد مكلف خواهد بود كه در اجراي تعهداتي كه به موجب قرارداد بر عهده دارد همواره منافع ايران را ملحوظ دارد.
* ‌ماده 29 ـ شمول قانون ‌شركت ملي نفت ايران در مورد كليه قراردادهايي كه براي انجام عمليات نفتي در داخل كشور منعقد مي‌كند مكلف به رعايت مقررات اين قانون خواهد‌بود. ‌به شركت ملي نفت ايران اختيار داده مي‌شود كه به منظور تأمين منافع بيشتري براي ايران با طرفهاي دوم قراردادهايي كه جهت اجراي عمليات نفتي در‌داخل كشور پيش از تصويب اين قانون امضاء شده و به تصويب مجلسين رسيده است وارد مذاكره شود و هر تغيير و اصلاحي را در مقررات آن‌قراردادها كه با توجه به روح و مفاد اين قانون لازم و مقتضي باشد به عمل آورد در مورد قراردادهايي كه موضوع پرداخت بهره مالكانه (‌پرداخت‌مشخص) نسبت به نفت خام و گاز طبيعي پيش‌بيني نشده باشد بهره مالكانه‌اي به ميزان متناسب و به تشخيص شركت ملي نفت ايران مقرر خواهد شد‌تغييرات و اصلاحاتي كه به اين نحو در قراردادهاي مزبور صورت گيرد بعد از تأييد هيأت وزيران به موقع اجراء گذارده خواهد شد. ‌دولت در هر مورد گزارش تغييرات مذكور در اين ماده را ظرف سه ماه از تاريخ تأييد به مجلسين خواهد داد.
* ‌ماده 30 ـ تعيين قيمت و آيين‌نامه‌هاي اجرايي 1 ـ شركت ملي نفت ايران قيمتهايي را كه در هر مورد مبناي محاسبه بهره مالكانه (‌پرداخت مشخص) و ماليات بر درآمد نفت خام و گاز طبيعي‌خواهد بود تعيين و بعد از تأييد هيأت وزيران اعلام خواهد نمود ولو اين كه در قراردادهاي موجود به نحو ديگري مقرر شده باشد. 2 ـ شركت ملي نفت ايران اختيار دارد قيمتهايي را كه در هر مورد مبناي محاسبه ماليات بر درآمد فرآورده‌هاي نفتي خواهد بود تعيين و اعلام‌نمايد. 3 ـ شركت ملي نفت ايران اختيار دارد كه براي تثبيت ارزش و حفظ قدرت خريد ارزي كه از بابت فروش نفت و گاز عايد ايران مي‌شود هر گونه‌اقدام و يا هر گونه موافقتي را با تصويب هيأت وزيران به عمل آورد. 4 ـ كليه اقداماتي كه در زمينه سه بند بالا پيش از تاريخ تصويب اين قانون توسط دولت به عمل آمده است بدين وسيله تأييد و تنفيذ مي‌شود. 5 ـ شركت ملي نفت ايران مي‌تواند مقررات و آيين‌نامه‌هاي لازم را در اجراي اين قانون تدوين كند و پس از تصويب هيأت وزيران به موقع اجراء‌بگذارد. 6 ـ قانون مربوط به تفحص و اكتشاف و استخراج نفت در سراسر كشور و فلات قاره مصوب هفتم مرداد ماه 1336 از تاريخ تصويب اين قانون‌ملغي و اين قانون جايگزين آن مي‌گردد.
* [امضاء] ‌قانون فوق مشتمل بر سي ماده پس از تصويب مجلس سنا در جلسه فوق‌العاده روز دوشنبه 1353.4.31 در جلسه فوق‌العاده روز سه‌شنبه‌هشتم مرداد‌ماه يك هزار و سيصد و پنجاه و سه شمسي به تصويب مجلس شوراي ملي رسيد. ‌رئيس مجلس شوراي ملي ـ عبدالله رياضي

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=84982>

# ‌ قانون اعطاي امتياز نفت به شركت نفت انگليس و ايران محدود (معروف به قرارداد 1933)

‌« مصوب 7 خرداد ماه 1312 شمسي » وزارت جليله ماليه ‌قرارداد امتيازي كه از طرف دولت شاهنشاهي ايران به شركت نفت انگليس و ايران محدود در 29 آوريل 1933 اعطاء گرديده است.

* مقدمه ‌به قصد برقرار كردن امتياز جديدي به جاي امتيازي كه در تاريخ 1901 به ويليام نكس دارسي داده شده بود اين امتياز را دولت ايران اعطاء و كمپاني نفت انگليس و ايران محدود آن را قبول مي‌نمايد. ‌روابط طرفين مذكور در فوق در آتيه بر طبق اين قرارداد خواهد بود.
* تعريفات ‌بعضي اصطلاحات مستعمله در اين قرارداد قطع نظر از هر معني ديگري كه ممكن است در حال يا در آتيه در موارد ديگر داشته باشد در اين قرارداد‌ مطابق تعريفات ذيل معني خواهد شد: دولت ‌يعني دولت شاهنشاهي ايران كمپاني يعني شركت نفت انگليس و ايران محدود و تمام شركتهاي تابعه آن. شركت نفت انگليس و ايران محدود ‌يعني شركت نفت انگليس و ايران محدود يا هر شخص حقوقي ديگري كه با تصويب دولت ايران مطابق ماده 26 اين امتياز بدو منتقل شود. شركت تابعه ‌يعني هر شركتي كه در آن كمپاني حق تعيين بيش از نصف مديران را مستقيماً يا غير مستقيم داشته باشد و يا آن كه كمپاني در آن شركت به‌طور مستقيم‌يا غير مستقيم مالك يك مقداري سهام باشد كه بيش از صدي پنجاه 50% حق رأي در مجمع عمومي شركت مزبور را براي كمپاني تضمين نمايد. نفت ‌يعني روغن نفت خام و گازهاي طبيعي و قيرها (‌آسفالت‌ها) و مومهاي طبيعي و تمام مشتقات ديگري كه يا از مواد مذكوره حاصل مي‌شود و يا به‌وسيله اختلاط و امتزاج اين مواد به مواد ديگري به دست مي‌آيد. عمليات كمپاني در ايران ‌يعني تمام عمليات صنعتي و تجاري و فني كه كمپاني منحصراً براي اجراي اين امتياز انجام مي‌دهد.
* ‌ماده 1 ـ دولت بر طبق مقررات اين امتياز حق مانع للغير تفحص و استخراج نفت را در حدود حوزه امتياز به كمپاني اعطاء مي‌كند و همچنين حق انحصاري تصفيه و هر نوع عملي را در نفتي كه خود تحصيل كرده و تهيه آن براي تجارت خواهد داشت و همچنين دولت در تمام وسعت خاك ايران به‌كمپاني حق غير انحصاري حمل و نقل نفت و تصفيه و هر نوع عملي در آن و تهيه آن براي تجارت و همچنين فروش آن در ايران و صادر كردن آن را‌ اعطاء مي‌نمايد.
* ‌ماده 2 ـ ‌الف ـ حدود حوزه امتياز تا تاريخ 31 دسامبر 1938 عبارت خواهد بود از حوزه‌اي كه واقع است در جنوب خط بنفشي كه در روي نقشه‌اي كه طرفين امضاء كرده و منضم به قرارداد است رسم شده است. ب ـ كمپاني بايد منتها تا 31 دسامبر 1938 در حوزه مذكور در فوق يك يا چندين قطعه زمين را به هر شكل و وسعتي و در هر نقطه كه مقتضي مي‌داند انتخاب نمايد. مجموع سطح يك يا چند قطعه كه انتخاب شده باشد نبايد از يكصد هزار ميل مربع انگليسي (100000 ميل مربع) تجاوز نمايد هر ميل ساده مطابق‌است با يك هزار و ششصد و نه متر. ‌كمپاني در تاريخ 31 دسامبر 1938 يا قبل از آن يك قطعه يا قطعاتي را كه به طريق فوق انتخاب كرده كتباً به دولت اطلاع خواهد داد. ‌به هر اطلاعنامه نقشه‌ها و اطلاعات لازمه براي تشخيص و تحديد قطعه يا قطعات منتخبه از طرف كمپاني ضميمه خواهد شد. ج ـ بعد از تاريخ 31 دسامبر 1938 كمپاني ديگر حق تفحص و استخراج نفت را جز در قطعه يا قطعاتي كه مطابق بند Paragraphe (ب) فوق انتخاب كرده است نخواهد داشت و حوزه امتياز بعد از اين تاريخ عبارت خواهد بود از قطعه يا قطعاتي كه بدين طريق انتخاب گرديده و از انتخاب آنها ‌نيز به ترتيب مذكور در فوق به دولت اطلاع داده شده باشد.
* ‌ماده 3 ـ كمپاني حق غير انحصاري ساختن و داشتن لوله‌هاي حمل نفت را خواهد داشت. ‌كمپاني در تعيين محل سير لوله‌هاي نفت خود و به كار انداختن آنها مختار است.
* ‌ماده 4 ـ ‌الف ـ هر زمين باير متعلق به دولت كه كمپاني براي عمليات خود در ايران لازم بداند و از براي مقاصد عمومي مورد احتياج دولت نباشند مجاناً به‌كمپاني واگذار خواهد شد. ‌طريقه تحصيل اراضي مذكور به ترتيب ذيل خواهد بود: ‌هر وقت قطعه‌اي از اراضي مذكوره مورد احتياج كمپاني واقع مي‌شود بايد كمپاني يك يا چندين نقشه كه در روي آن زمين مورد احتياج با رنگ‌آميزي مشخص گرديده باشد به وزارت ماليه ارسال بدارد، دولت درصورتي كه اعتراضي نداشته باشد متعهد مي‌شود كه در ظرف سه ماه از تاريخ وصول‌تقاضاي كمپاني موافقت خود را اظهار بدارد. ب ـ اراضي دائر متعلق به دولت را كمپاني احتياج پيدا مي‌كند به‌طريقي كه در جزء قبل مذكور است از دولت تقاضا خواهد كرد و دولت در ظرف سه‌ماه موافقت خود را در مقابل تقاضاي كمپاني داير به فروش آن اراضي اشعار خواهد داشت. در صورتي كه دولت اعتراض و احتياجي به اراضي مزبوره نداشته باشد. قيمت اين اراضي را كمپاني تأديه خواهد كرد قيمت مزبور بايد عادلانه باشد و از قيمت متعارفي اراضي كه از همان نوع بوده و‌ همان مصرف را داشته و در همان حوزه واقع شده باشد نبايد تجاوز كند. ج ـ در صورتي كه دولت در مقابل تقاضاهاي پيش‌بيني شده در جزوه‌هاي (الف و ب) (Alinea) مذكور در فوق جوابي ندهد پس از انقضاي دو ماه از تاريخ وصول تقاضاهاي مزبور كمپاني تذكرنامه جديدي به دولت خواهد فرستاد چنانچه به تذكرنامه مزبور نيز در ظرف يك ماه از تاريخ وصول جوابي داده‌نشود سكوت دولت به منزله تصويب تلقي خواهد گرديد. ‌د ـ اراضي را كه متعلق به دولت نيست و براي كمپاني لازم باشد با توافق با صاحبان اراضي مزبور و با توسط دولت كمپاني تحصيل خواهد كرد در‌صورت عدم حصول موافقت در قيمت دولت به صاحبان اراضي مزبور اجازه نخواهد داد كه بيش از نرخ متعارفي اراضي متشابه مجاور مطالبه نمايند.‌ براي تقويم اراضي مذكور منظوري كه كمپاني از مصرف آنها دارد مأخذ قرار داده نمي‌شود. ه ـ اماكن مقدسه و ابنيه تاريخي و محلهايي كه جنبه تاريخي دارند و همچنين توابع آنها تا دويست متر مسافت از مقررات مذكوره مستثني هستند. ‌و ـ كمپاني حق غير انحصاري خواهد داشت كه فقط در حوزه امتيازي نه جاي ديگر و از هر زمين باير متعلق به دولت براي مصرف عمليات خود‌از هر نوع خاك و شن و آهك و سنگ و گچ و سنگ و مصالح ساختماني ديگر مجاناً استفاده نمايد. ‌مسلم است كه اگر استفاده از مواد مذكوره موجب ضرر شخص ثالثي باشد بايد كمپاني جبران خسارت ذوي‌الحقوق را بنمايد.
* ‌ماده 5 ـ عمليات كمپاني در ايران به طريق ذيل محدود مي‌شود: 1 ـ ساختمان هر خط آهن و هر بندر جديدي موكول به حصول موافقت قبلي بين دولت و كمپاني خواهد بود. 2 ـ اگر كمپاني توسعه ارتباط تلفني و تلگرافي و تلگراف بيسيم و هواپيمايي فعلي خود را در نظر داشته باشد قبل از تحصيل اجازه دولت در اين خصوص اقدامي نمي‌تواند بكند. ‌اگر دولت براي دفاع ملي يا در موقع پيشامدهاي فوق‌العاده ديگري احتياج به وسايط نقليه و وسايل ارتباطيه كمپاني پيدا كند تعهد مي‌نمايد حتي‌الامكان كمتر موجب تضييق عمليات كمپاني بشود و نيز خساراتي را كه از اين حيث متوجه كمپاني مي‌گردد به طور حقانيت جبران نمايد.
* ‌ماده 6 ـ ‌الف ـ كمپاني مجاز است كه بدون تحصيل جواز مخصوصي آن چه را كه منحصراً براي مصرف اعضاء و مستخدمين خود لازم دارد وارد نموده و ‌حقوق گمركي و مالياتهاي معموله حين ورود را بپردازد. ‌كمپاني تدابير لازمه را اتخاذ خواهد نمود كه اجناس وارده به اشخاصي غير مستخدمين خودش فروخته و يا واگذار نگردد. ب ـ كمپاني بدون تحصيل جواز مخصوصي حق خواهد داشت كه لوازم و مصالح و آلات طبي و جراحي و ادويه‌اي را كه براي مريضخانه‌ها و ‌مطبهاي خود در ايران لازم دارد وارد نمايد و اشياء و اجناس مذكوره در موقع ورود از تأديه حقوق گمركي ماليات وعوارض به دولت و ادارات محلي معاف خواهدبود. ج ـ بدون تحصيل هيچ گونه جوازي و بدون پرداخت هيچ نوع حقوق گمركي و هر نوع ماليات و عوارض به دولت و ادارات محلي كمپاني حق خواهد داشت آن چه را كه منحصراً براي عمليات خود در ايران لازم دارد وارد نمايد. ‌د ـ صادرات نفتي از پرداخت حقوق گمركي و هر نوع ماليات و عوارض به دولت و ادارات محلي معاف خواهد بود.
* ‌ماده 7 ـ ‌الف ـ كمپاني‌و مستخدمينش از حمايت قانوني دولت بهره‌مند خواهندبود. ب ـ دولت در حدود قوانين و مقررات مملكتي همه نوع تسهيلات ممكنه را براي عمليات كمپاني مبذول خواهد داشت. ج ـ هر گاه دولت در حوزه امتيازيه به اشخاص ديگري امتيازاتي براي به كار انداختن ساير معادن اعطاء كند بايد وادار نمايد كه احتياطات لازمه را‌ به عمل آورند كه عمليات آنها به مؤسسات و عمليات كمپاني خسارتي وارد نسازد. ‌د ـ كمپاني مكلف است منطقه‌اي را كه براي ساختن خانه و دكاكين و ساير بناهاي ديگر خطرناك است تعيين كند تا دولت بتواند اهالي را مسبوق و ‌از سكونت در آن محل منع نمايد.
* ‌ماده 8 ـ كمپاني ملزم نخواهد شد كه هيچ قسمتي از وجوه خود و مخصوصاً عوايد حاصله از فروش صادرات خود را به پول ايراني تبديل نمايد.
* ‌ماده 9 ـ كمپاني‌فوراً تداركات خود را خواهد ديد كه به‌وسيله يك‌كمپاني فرعي استخراج نفت ايالت كرمانشاه را شروع و در محل تصفيه نمايد.
* ‌ماده 10 ـ I ـ مبالغي كه بر حسب اين قرارداد از طرف كمپاني بايد به دولت تأديه شود (‌علاوه بر مبالغي كه در مواد ديگر پيش‌بيني شده) به شرح ذيل تعيين مي‌گردد: ‌الف ـ حق‌الامتياز ساليانه كه از اول ژانويه 1933 شروع مي‌شود به مبلغ چهار شلينگ براي هر تن نفتي كه براي مصرف داخلي در ايران به فروش برسد و يا‌ از ايران صادر شود. ب ـ پرداخت مبلغي معادل با بيست درصد 20% آن چه اضافه بر 671250 ليره به صاحبان سهام عادي كمپاني نفت انگليس و ايران محدود توزيع مي‌گردد خواه اين توزيع به عنوان سهم منافع (Dividende) يكي از سنوات بوده و يا از وجوه ذخيره همان كمپاني كه اضافه بر ذخايري كه در 31‌دسامبر 1932 به موجب دفاتر خود موجود داشته باشد. ج ـ مجموع مبالغي كه براي هر سال مسيحي بر حسب جزء‌هاي (‌الف) و (ب) از طرف كمپاني به دولت ايران تأديه مي‌شود نبايد هرگز از هفتصد و‌پنجاه هزار ليره استرلينگ (750000 ليره استرلينگ) كمتر باشد. II ـ تأديه وجوه مذكور در اين ماده از طرف كمپاني به طريق ذيل به‌عمل خواهد آمد: ‌الف ـ 31 مارس و 30 ژوئن و 30 سپتامبر و 31 دسامبر هر سال هر دفعه مبلغ يكصد و هشتاد و هفت هزار و پانصد ليره استرلينگ (‌تأديه مربوط به31 مارس 1933) فوراً پس از تصويب اين قرارداد به عمل خواهد آمد). ب ـ در تاريخ بيست و هشتم فوريه 1934 و منبعد در همين تاريخ در هر سال حق‌الامتياز مربوط به سال قبل بابت هر تن نفت بر حسب جزء (I الف) پس از وضع مبلغ هفتصد و پنجاه هزار ليره استرلينگ (750000 ليره استرلينگ) كه مطابق جزء (II الف) قبلاً تأديه گرديده است. ج ـ مبالغ لازم‌التأديه به دولت بر حسب جزء (I ب) اين ماده در موقع تقسيم منافع به سهام عادي پرداخته خواهد شد. III ـ در موقع انقضاي اين امتياز و همچنين در صورت ترك آن از طرف كمپاني مطابق ماده (25) كمپاني مبلغي مساوي بيست درصد (20%) از‌بابتهاي ذيل را به دولت ايران تأديه خواهد كرد: ‌الف ـ از تفاضل بين مبالغ كل ذخايري (Generale reserve) كه كمپاني نفت انگليس و ايران محدود در تاريخ انقضاء و يا ترك امتياز موجود‌ خواهد داشت و مبالغ ذخايري كه كمپاني مذكور در تاريخ 31 دسامبر 1932 موجود داشته است. ب ـ از تفاضل بين مبالغ موجودي كه از طرف كمپاني نفت انگليس و ايران محدود در تاريخ انقضاء يا ترك امتياز به حساب منقول مي‌شود و ‌موجوديهايي كه در تاريخ 31 دسامبر 1932 از طرف كمپاني مزبور به‌حساب منقول گرديده است. ‌پرداخت وجوه لازم‌التأديه به دولت بر حسب اين جزو يك ماه بعد از تاريخ تشكيل مجمع عمومي كمپاني كه پس از انقضاء يا ترك امتياز تشكيل مي‌شود انجام خواهد گرفت. IV ـ دولت حق خواهد داشت كه محاسبات مربوط به جزو (I الف) را كه منتها تا 28 فوريه هر سال بابت سال گذشته فرستاده مي‌شود تفتيش و ‌رسيدگي نمايد. V ـ براي جلوگيري از امكان توجه ضرر به دولت در موقع ترقي و تنزل قيمت پول انگليس طرفين به شرح ذيل توافق حاصل نمودند: ‌الف ـ هر گاه موقعي قيمت طلا در لندن از شش ليره استرلينگ (6 ليره استرلينگ) در مقابل يك اونس‌تروي Ouncetroy تجاوز نمايد براي هر‌پني Penny كه علاوه بر شش ليره استرلينگ در مقابل يك اونس‌تروي Ouncetroy در روز پرداخت قيمت طلا ترقي نمايد بر كليه مبالغ لازم‌التأديه به دولت از طرف كمپاني به موجب اين قرارداد (‌به‌استثناي مبالغي كه بر حسب جزوهاي (I ب) و III (‌الف و ب) اين ماده و جزو (I الف) از ماده 23‌بايد به دولت برسد) به ميزان يك يك هزار و چهارصد و چهلم ((1440).(1)) مبالغ مزبوره افزوده خواهد گرديد. ب ـ هر گاه موقعي دولت تصور كرد به اين كه ديگر طلا مبناي عمومي قيمتها و معاملات نيست و طريق تأديه‌هاي مذكور در فوق تضميني را كه منظور طرفين است براي دولت فراهم نمي‌نمايد طرفين موافقت مي‌نمايند كه وضعيت تضمين مزبور را تغيير دهند و در صورت عدم حصول موافقت قضيه مطابق ماده (22) به حكميت ارجاع خواهد شد و شرايطي را كه بايد جانشين تضمين مذكور گردد و تاريخ اجراي آن را نيز معلوم خواهد نمود. VI ـ هر گاه در پرداخت مبالغ لازم‌التأديه به دولت مطابق تاريخهاي مقرر در اين قرارداد اتفاقاً از ناحيه كمپاني تأخير به عمل آيد براي مدت تأخير از قرار پنج درصد 5% در سال فرع وجوه مزبوره را كمپاني خواهد پرداخت.
* ‌ماده 11 ـ I ـ كمپاني براي مدت سي سال اول عمليات خود در ايران از پرداخت هر گونه مالياتي كه به نفع دولت و ادارات محلي فعلاً برقرار و يا در آتيه‌وضع شود معاف خواهد بود و در عوض مبالغ ذيل را به دولت تأديه خواهد نمود: ‌الف ـ در مدت پانزده سال اول اين قرارداد تاريخ 28 فوريه هر سال و براي اولين مرتبه در 28 فوريه 1934 نه پنس بابت هر تن از شش ميليون تن(6000000) نفتي كه بابت سنه گذشته مسيحي مشمول حق‌الامتياز مذكور در جزو (I الف) از ماده (10) مي‌گردد و شش پنس بابت هر تن نفت اضافه بر‌رقم شش ميليون تن مذكور در فوق تأديه خواهد نمود. ب ـ كمپاني تأمين مي‌كند مبالغي را كه بر طبق جزوهاي فوق‌الذكر تأديه مي‌نمايد هيچ وقت از مبلغ دويست و بيست و پنج هزار ليره استرلينگ (225 هزار ليره استرلينگ) كمتر نباشد. ج ـ در مدت پانزده سال بعد يك شيلينگ بابت هر تن از شش ميليون تن (6000000‌تن) نفتي كه بابت سنه گذشته مسيحي مشمول حق‌الامتياز‌ مذكور در جزو (I الف) از ماده 10 مي‌گردد و نه پنس بابت هر تن نفت اضافه بر رقم شش ميليون تن مذكور در فوق تأديه خواهد نمود. ‌د ـ كمپاني تضمين مي‌كند مبالغي را كه بر طبق جزو (ج) ماقبل تأديه مينمايد هيچ وقت از سيصد هزار ليره استرلينك (300000 ليره استرلينگ)‌ كمتر نباشد. II ـ قبل از سنه 1963 راجع به ميزان مبالغي كه كمپاني در ازاي معافيت كامل عمليات خود در ايران از پرداخت هر گونه مالياتي به نفع دولت و يا‌ادارات محلي در مدت سي سال دوم كه منتهي به سنه 1993 مي‌شود بايد بپردازد طرفين توافق نظر حاصل خواهند نمود.
* ‌ماده 12 ـ ‌الف ـ كمپاني راجع به عملياتي كه مطابق اين قرارداد در ايران مي‌نمايد جميع وسايل معمول و مناسب را براي تأمين صرفه‌جويي و استفاده كامل از عمليات خود و براي حفظ مخازن تحت‌الارضي نفت و براي استفاده از امتياز خود به طرزي كه مطابق آخرين ترقيات علمي وقت باشد به كار خواهد ‌برد. ب ـ هر گاه در حوزه امتياز غير از نفت ساير مواد معدني و بيشه‌ها و جنگلهاي متعلق به دولت موجود باشد كمپاني نمي‌تواند آنها را به كار انداخته و استفاده نمايد و يا مانع عمليات و استفاده ديگران بشود (‌مشروط بر اين كه مقررات جزو (ج) از ماده 7 رعايت شود). ‌ولي در صورتي كه مواد معدني بيشه و جنگلهاي مذكور براي تجسس و استخراج نفت لازم باشد كمپاني حق استفاده از آنها را خواهد داشت. ج ـ كليه حفرياتي كه منجر به كشف نفت نگشته و آب يا مواد قيمتي ديگر در آن پيدا مي‌شود بايد براي دولت حفظ شود و فوراً كمپاني دولت را از‌كشفيات مزبور مطلع سازد و دولت هر چه زودتر ممكن باشد به كمپاني تمايل خود را نسبت به تصرف حفريات مزبور اعلام خواهد داشت و در صورت تصرف آنها دولت مراقبت خواهدكرد كه مانع عمليات كمپاني نشود.
* ‌ماده 13 ـ ‌كمپاني تعهد مي‌نمايد كه به خرج خود و در يك مدت مناسبي هر موقعي كه نماينده دولت تقاضا مي‌كند سوادهاي صحيح از تمام طرحها و نقشه‌ها و‌رسم‌ها و ساير مدارك و اسناد راجع به وضعيت سطح‌الارضي و طبقات‌الارضي و حفر چاهها مربوط به حوزه امتيازيه كه موجود دارد به وزارت ماليه بدهد. ‌به علاوه در تمام مدت امتياز كمپاني تمام اطلاعات مهم علمي و فني را كه از نتيجه عمليات خود در ايران به دست آورده به دولت ارسال خواهد داشت. ‌تمام اسناد و مدارك مزبوره را دولت به عنوان محرمانه تلقي خواهد نمود.
* ‌ماده 14 ـ ‌الف ـ دولت به ميل خود در هر موقع مناسبي حق خواهد داشت امر به‌تفتيش عمليات فني كمپاني در ايران نموده و براي اجراي اين مقصود از ‌اهل خبره و متخصصين فني مأمورين بگمارد. ب ـ كمپاني تمام مدارك و اسناد مربوط به اطلاعات علمي و فني و تمام مؤسسات و وسايل و آلات اندازه گرفتن استخراج نفت را در دسترس‌مأمورين خبره و متخصصين دولت خواهد گذارد و به علاوه مأمورين مزبور در تمام ادارات كمپاني و در تمام خاك ايران حق تحصيل هر گونه اطلاعي را‌خواهند داشت.
* ‌ماده 15 ـ ‌دولت حق تعيين يك نفر نماينده را خواهد داشت و نماينده مزبور (‌مأمور دولت شاهنشاهي) ناميده شده و اختيارات ذيل را خواهد داشت: 1 ـ اطلاعاتي را كه در حدود حق صاحبان سهام كمپاني است از كمپاني تحصيل نمايد. 2 ـ در تمام جلسات هيأت مديره و كميته‌هاي آن و در تمام جلسات مجمع عمومي كه براي مذاكره در مسايل راجع به روابط دولت و كمپاني‌تشكيل شده باشد حضور به هم رساند. 3 ـ كميته را كه كمپاني به قصد توزيع اعتبار مذكور در ماده 16 و براي نظارت در تحصيل ايرانيان در لندن تشكيل مي‌دهد به عنوان رسمي و با حق رأي قاطع رياست نمايد. ‌تقاضا نمايد كه جلسات مخصوص هيأت مديره هر وقت كه لازم بداند براي مذاكره در مسائلي كه دولت پيشنهاد مي‌نمايد تشكيل گردد جلسات مزبوره در مدت پانزده روز بعد از وصول تقاضاي كتبي به منشي كمپاني تشكيل خواهد شد. ‌كمپاني بابت حقوق و ساير مخارج نماينده مزبور ساليانه دو هزار ليره استرلينگ به دولت خواهد پرداخت دولت كتباً كمپاني را از تعيين نماينده مزبور و‌يا جانشين او مطلع خواهد ساخت.
* ‌ماده 16 ـ I ـ طرفين تصديق دارند و قبول مي‌نمايند كه اصلي كه مدار اجراي اين قرارداد مي‌باشد آن است كه در منافع طرفين حفظ حد اعلاي منتج بودن و‌صرفه‌جويي در اداره و عمليات كمپاني در ايران ضرورت عالي دارد. II ـ مسلم است كه كمپاني صنعتگران و مستخدمين فني و تجاري خود را به اندازه‌اي كه اشخاص ذيصلاحيت و با تجربه در ايران يافت شود از ‌اتباع ايران انتخاب خواهد كرد و اين نيز مسلم است كه مستخدمين غير فني كمپاني منحصراً از اتباع ايران خواهند بود. III ـ طرفين موافقت مي‌نمايند در اين كه طرح عمومي مطالعه و تهيه نمايند كه بر طبق آن هر سال و مرتباً مستخدمين غير ايراني را تقليل داده و به‌جاي آنها به‌طور تصاعدي در كوتاهترين مدت ممكن از اتباع ايراني بگمارند. IV ـ كمپاني ساليانه مبلغ ده هزار ليره استرلينگ براي اين كه اتباع ايران در انگلستان علوم و فنون مربوط به صناعت نفت را فرا گيرند تخصيص خواهد داد. ‌اعتبار مذكور به وسيله يك كميته كه مطابق ماده 15 تشكيل مي‌شود به مصرف خواهد رسيد.
* ‌ماده 17 ـ كمپاني تشكيلات و مخارج تأسيسات و تفتيش و اداره وسايل صحي و صحت عمومي را مطابق جديدترين طريقه حفظ‌الصحه معموله در ايران در تمام اراضي و ابنيه و مساكن اعضاء و عملجات خود كه در حوزه امتيازيه كار مي‌كنند به عهده مي‌گيرد.
* ‌ماده 18 ـ هر وقت كمپاني اسهام جديدي براي عامه اشاعه مي‌دهد بايد دفاتر ثبت تقاضاي اشتراك آن را در همان موقع كه در ساير نقاط شروع‌مي‌شود در تهران نيز برقرار نمايد.
* ‌ماده 19 ـ ‌ كمپاني براي احتياجات داخلي ايران و از آن جمله احتياجات دولت بنزين Motor spirit و نفت لامپ Kerosene و مازوت Fuel oil كه از نفت ايراني حاصل مي‌شود بر اساس ذيل خواهد فروخت: ‌الف ـ در اول ژوئن هر سال كمپاني معدل قيمتهاي (‌فوب) روماني را راجع به بنزين و نفت و لامپ و مازوت و معدل قيمتهاي (‌فوب) خليج مكزيك را راجع به هر يك از مواد مذكوره نسبت به مدت دوازده ماه گذشته تا تاريخ 30 آوريل معين خواهد كرد نازلترين معدلهاي مذكور اختيار و (‌اساس قيمتها) براي سالي كه از اول ژوئن شروع مي‌گردد قرار داده مي‌شود. ‌قيمتهاي اساسي به منزله قيمت در تصفيه‌خانه تلقي مي‌گردد. ب ـ كمپاني بنزين و نفت لامپ و مازوت را به ترتيب ذيل خواهد فروخت: 1 ـ به دولت براي احتياجات اختصاصي خودش ولي نه براي فروش به ديگران مطابق (‌قيمتهاي اساسي) مذكور در جزو (‌الف) فوق با تخفيف بيست و پنج درصد (25%). 2 ـ به ساير مصرف‌كنندگان مطابق همان (‌قيمتهاي اساسي) با تخفيف ده درصد (10%). ج ـ كمپاني حق دارد كه به قيمتهاي اساسي مذكور در جزو (‌الف) مخارج حقيقي حمل و نقل و توزيع و فروش و همچنين ماليات و عوارض موضوعه بر محصولات مزبور را بيفزايد. ‌د ـ دولت صادر كردن محصولات نفتي را كه مطابق مقررات فوق كمپاني فروخته است قدغن خواهد كرد.
* ‌ماده 20 ـ I ـ الف ـ در مدت ده سال آخر امتياز و يا در فاصله دو سال پس از اطلاع قبلي كه راجع به ترك امتياز مطابق ماده 25 داده مي‌شود كمپاني جز به‌شركتهاي تابع خود حق فروش يا انتقال يك يا چندين قسمت از اموال غير منقول خود را كه در ايران موجود است ندارد ـ در مدتهاي مذكور نيز كمپاني‌حق انتقال و خارج كردن هيچ قسمتي از اموال منقول خود را ندارد ـ مگر آن كه اشياء مزبوره از حيز انتفاع افتاده باشد. ب ـ در تمام مدت قبل از ده سال آخر امتياز هيچ قطعه از اراضي را كه كمپاني مجاناً از دولت تحصيل كرده است نمي‌تواند انتقال دهد و همچنين هيچ‌يك از اموال منقول خود را نيز به استثناء آن چه غير مفيد و يا اين كه ديگر مورد احتياج عمليات كمپاني در ايران نيست نمي‌تواند خارج نمايد. II ـ در موقع ختم امتياز خواه اين ختم به واسطه انقضاي عادي مدت و يا به هر نحو ديگري پيشامد كرده باشد تمام دارايي كمپاني در ايران به‌طور سالم و قابل استفاده بدون هيچ مخارج و قيدي متعلق به دولت ايران مي‌گردد. III ـ جمله (‌تمام دارايي) مشتمل است بر تمام اراضي و ابنيه و كارخانه‌ها و ساختمانها و چاهها و سدهاي دريايي و راهها و لوله‌هاي حمل نفت و‌پلها و رشته نقب‌هاي فاضلاب و وسايل توزيع آب و ماشينها و مؤسسات و تجهيزات (‌از آن جمله آلات و ادوات) از هر قبيل و تمام وسايط نقليه (‌مثلاً ‌از قبيل اتومبيل و گاري و آئروپلان) و تمام اجناس انبار شده و ساير اشيايي كه كمپاني در ايران براي اجراي اين امتياز از آن استفاده مي‌نمايد.
* ‌ماده 21 ـ طرفين متعاهدين اعلام مي‌دارند كه اجراي اين قرارداد مبني بر اصول متقابل حسن نيت و صداقت و تفسير معقول و متناسب اين قرارداد باشد. ‌كمپاني صريحاً تعهد مي‌نمايد كه در هر وقت و در هر موقع حقوق و امتيازات و منافع دولت را در نظر داشته و اقدام به هيچ عملي و يا خودداري از ‌عملي كه موجب زيان دولت باشد ننمايد. اين امتياز را دولت لغو نخواهدكرد و مفاد مقررات آن را در آتيه به وسيله هيچ قانوني عمومي و خصوصي و يا‌ هيچ يك از دستورات و نظامات اداري و يا عمليات مقامات اجرائيه قابل تغيير نخواهد بود.
* ‌ماده 22 ـ ‌الف ـ هر قبيل از اختلافات حاصله بين طرفين و مخصوصاً اختلافات ناشي از تعبير مدلول اين امتيازنامه و حقوق و مسئوليتهاي مقرره در آن و‌ همچنين هر اختلاف نظر در مواردي كه به موجب اين امتيازنامه محتاج به توافق نظر طرفين است به طريق حكميت قطع و فصل خواهد شد. ب ـ طرفي كه تقاضاي حكميت مي‌كند بايد تقاضاي خود را به طرف ديگر كتباً ابلاغ نمايد طرفين هر يك يك حكم معين نموده و حكمين قبل از‌ شروع به حكميت يك حكم ثالثي انتخاب خواهند كرد ـ هر گاه حكمين نتوانند در ظرف دو ماه نسبت به تعيين حكم ثالث توافق نظر حاصل نمايند‌ حكم مزبور را به تقاضاي يكي از طرفين رييس ديوان داوري دائمي بين‌المللي تعيين خواهد نمود. چنانچه رييس ديوان داوري بين‌المللي از حيث مليت و تابعيت مطابق جزو (ج) حائز شرايط لازمه براي تعيين حكم ثالث نباشد حكم ثالث به وسيله نايب‌رييس ديوان مزبور معين خواهد شد. ج ـ حكم ثالث بايد از ملت ايران و يا انگليس نباشد و به علاوه ارتباط نزديك نيز نه با ايران و نه با انگليس از حيث تعلق به يكي از مستملكات يا‌ ممالك تحت‌الحمايه و يا مستعمرات و ممالك تحت قيموميت و ممالكي كه به وسيله يكي از مملكتين مذكور در فوق اداره و يا اشغال شده و يا مثل اين كه در خدمت يكي از ممالك مزبوره بوده و يا مي‌باشد نداشته باشد. ‌د ـ اگر يكي از طرفين شصت روز بعد از وصول تقاضاي حكميت طرف مقابل حكم خود را معين نكرده و يا تعيين آن را به طرف ديگر ابلاغ ننمايد ‌طرف مزبور حق خواهد داشت كه از رييس ديوان دائمي بين‌المللي (‌يا از نايب رييس در موردي كه مطابق قسمت اخير جزو (ب) پيش‌بيني گرديده) ‌تقاضا نمايد كه يك حكم منفرد ذيصلاحيت مطابق مقررات مذكور در فوق تعيين كند و در اين صورت اختلاف موجود به وسيله حكم منفرد مزبور قطع و فصل خواهد گرديد. ه ـ اصول محاكمات در حكميت مطابق همان اصولي خواهد بود كه در موقع حكميت در ديوان داوري دائمي بين‌المللي معمول و مجري است. ‌وقت و محل حكميت را بر حسب مورد حكم ثالث يا حكم منفرد مذكور در جزو (‌د) معين خواهد كرد. ‌و ـ حكم حكميت مستند بر اصول قضايي مذكور در ماده (38) اساسنامه ديوان داوري دائمي بين‌المللي بوده و قابل تجديد نظر نخواهد بود. ‌ز ـ مخارج حكميت به نحوي كه در رأي حكميت معين مي‌شود تأديه خواهد گرديد.
* ‌ماده 23 ـ I ـ از براي تصفيه كلي تمام دعاوي گذشته دولت از هر قبيل تا تاريخ اجراي اين قرارداد (‌به استثناي آن چه مربوط به مالياتهاي ايران است) كمپاني به شرح ذيل اقدام مي‌كند: ‌الف ـ به فاصله سي روز از تاريخ مذكور مبلغ يك ميليون ليره استرلينگ (1000000 ليره استرلينگ) خواهد پرداخت و به علاوه: ب ـ مبالغ لازم‌التأديه را بابت عملكرد سنوات 1931 و 1932 بر مبناي مذكور در ماده ده اين قرارداد نه مطابق اساس امتياز دارسي پس از وضع دويست هزار ليره استرلينگ (200000 ليره استرلينگ) كه به رسم مساعده در ظرف سنه 1932 بابت حق‌الامتياز پرداخته و يكصد و سيزده هزار و‌چهارصد و سه ليره و سه شيلنگ و ده پنس (10 ـ 3 ـ 113403 ليره) كه به اختيار دولت قبلاً وديعه گذارده شده تصفيه و تأديه خواهد كرد. II ـ در همان مدت مذكور در فوق در مقابل دعاوي دولت بابت ماليات گذشته از تاريخ 21 مارس 1930 الي 31 دسامبر 1932 كمپاني مبلغي بر‌حسب مبناي مذكور در جزو (‌الف) از بند (1) ماده 11 محاسبه و بدون رعايت تضمين مذكور در جزو (ب) از بند مزبور به دولت تأديه خواهد نمود.
* ‌ماده 24 ـ هرگاه به مناسبت الغاي امتياز دارسي نسبت به قراردادهاي اجاره كه قبل از اول دسامبر 1922 تا اندازه‌اي كه امتياز مزبور اجازه مي‌داده است منعقد‌گرديده اختلافاتي بين كمپاني و افراد توليد گردد اختلافات مزبوره مطابق قواعد تفسير ذيل فيصله خواهد يافت: ‌الف ـ اگر قرارداد بر حسب مدلول خود در آخر امتياز دارسي بايد خاتمه بيابد تا تاريخ 28 مه 1961 با وجود الغاي امتياز مزبور به اعتبار خود باقي خواهد ماند. ب ـ هر گاه در قرارداد پيش‌بيني شده باشد كه علاوه بر اعتبار آن در مدت امتياز دارسي در صورت تجديد امتياز قرارداد مزبور نيز تجديد مي‌شود ‌اعتبار آن تا تاريخ 31 دسامبر 1993 باقي خواهد ماند.
* ‌ماده 25 ـ در آخر هر سال مسيحي كمپاني حق خواهد داشت كه اين امتياز را ترك نمايد مشروط بر اين كه دو سال قبل از آن دولت را از نيت خود كتباً مطلع ساخته باشد. ‌در خاتمه مدت فوق‌الذكر كليه دارايي كمپاني در ايران (‌به طوري كه در قسمت III ماده 20 تصريح شده) مجاناً و بدون هيچ قيدي به طور سالم و قابل استفاده ملك دولت خواهد شد و كمپاني در آتيه از هر گونه تعهدي بري خواهد بود. ‌چنانچه نسبت به تعهدات طرفين مربوط به قبل از انقضاي مدت مذكور در فوق اختلافاتي حاصل شود به طريق حكميت مذكور در ماده 22 قطع و فصل خواهد شد.
* ‌ماده 26 ـ ‌اين امتياز براي مدتي كه ابتداي آن از تاريخ اجراء و انتهاي آن در تاريخ 31 دسامبر 1993 خواهد بود به كمپاني اعطاء مي‌گردد. ‌قبل از تاريخ 31 دسامبر 1993 اين امتياز نمي‌تواند خاتمه پيدا كند مگر در صورتي كه كمپاني مطابق ماده 25 آن را ترك كند و يا آن كه محكمه حكميت بر اثر ارتكاب تخلفي از طرف كمپاني نسبت به اجراي مقررات اين قرارداد ابطال آن را اعلام بدارد. ‌تخلف به معني مذكور در فوق منحصراً به موارد ذيل است: ‌الف ـ هر گاه مبلغي كه بر حسب رأي محكمه حكميت بايد به دولت پرداخته شود تا يك ماه بعد از تاريخ صدور رأي تأديه نگردد. ب ـ هر گاه تصميم بر انحلال اختياري و يا اجباري كمپاني گرفته شود. ‌در مورد ساير تخلفاتي كه نسبت به مقررات اين قرارداد از هر يك از طرفين ناشي شود محكمه حكميت درجه مسئوليتها و اثرات مترتبه بر آن را تعيين خواهد نمود. ‌هر نوع انتقال امتياز مشروط به تصويب دولت خواهد بود.
* ‌ماده 27 ـ ‌اين قرارداد پس از تصويب مجلس و توشيح آن از طرف اعليحضرت همايوني قابل اجرا مي‌گردد. ‌در تاريخ 29 آوريل 1933 اين قرارداد در تهران منعقد گرديد.
* [امضاء] ‌اين امتياز كه مشتمل بر بيست و هفت ماده است در جلسه هفتم خردادماه يك هزار و سيصد و دوازده شمسي به تصويب مجلس شوراي ملي رسيد. ‌رييس مجلس شوراي ملي ـ دادگر

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=18722>

# آيين‌نامه اجرايي ماده (5) قانون حفاظت از درياها و رودخانه‌هاي قابل كشتيراني در مقابل آلودگي به مواد نفتي

وزارت راه و شهرسازي هيئت وزيران در جلسه مورخ 25/2/1392 بنا به پيشنهاد شماره 02/100/43878 مورخ 16/7/1391 وزارت راه و شهرسازي و به استناد ماده (5) قانون حفاظت از درياها و رودخانه‌هاي قابل كشتيراني در مقابل آلودگي به مواد نفتي ـ مصوب 1389ـ ، آئين‌نامه اجرايي ماده ياد شده را به شرح زير تصويب نمود:

* ماده1ـ در اين آيين‌نامه، اصطلاحات زير در معناي مشروح مربوط به كار مي‌روند: الف ـ قانون: قانون حفاظت از درياها و رودخانه‌هاي قابل كشتيراني در مقابل آلودگي به مواد نفتي، ـ مصوب 1389ـ ب ـ كنوانسيون مارپل: كنوانسيون بين‌المللي پيشگيري از آلودگي ناشي از كشتيها 1973 و پروتكل 1978. ج ـ سازمان : سازمان بنادر و دريانوردي. د ـ آب توازن و فضولات نفتي: زوائد ناشي از مخازن و عمليات بار و هرگونه فاضلاب و آب توازن آغشته به مواد نفتي مانند زوائد موتورخانه، آب خن، روغن سوخته، لجن نفتي و هرگونه مايعي كه به هر يك از قسمتهاي سيستم خن وارد شود. هـ ـ تسهيلات دريافت آب توازن و فضولات نفتي: امكانات و تأسيساتي كه به منظور دريافت و پردازش آب توازن و فضولات نفتي ايجاد مي‌شود.
* ماده2ـ فرمانده هر كشتي، نفتكش يا شناور بايد حداقل (48) ساعت قبل از ورود به بندر يا در هنـگام خروج از بندر قبلي (در صـورتي سفر كمـتر از 48 ساعت باشد)، درخواست تحويل آب توازن و فضولات نفتي را مطابق نمونه پيوست شماره (1) اين آئين‌نامه كـه به مهر «دفـتر هيئت دولت» تأييد شده است، به زبان فارسي، انگليسي يا فرانسه توسط نماينـدگي كشتيراني به مسئول ذي‌ربط سازمان در بنـدر ارائه دهد. ايـن درخواسـت بـايد بـه همـراه دفتر ثبـت نـفت در كشتـي، نفتكـش يا شـناور نگهداري شود.
* ماده3ـ فرمانده هر كشتي، نفتكش يا شناور ورودي به بندر موظف است پيش از ترك بندر، باقيمانده آب توازن و فضولات نفتي را به مجموعه متولي تسهيلات دريافت آب توازن و فضولات نفتي، مطابق نمونه پيوست شماره (2) آيين‌نامه كه به مهر «دفتر هيئت دولت» تأييد شده است، تحويل دهد، مگر اينكه روي كشتي و شناور، ظرفيت كافي براي نگهداري آن تا رسيدن به بندر مقصد بعدي وجود داشته باشد.
* ماده4ـ سازمان پس از ارائه خدمات دريافت آب توازن و فضولات نفتي كشتي، نفتكش يا شناور و وصول كارمزد آن، گواهينامه ميزان آب توازن و فضولات نفتي دريافتي را مطابق نمونه پيوست شماره (3) آئين‌نامه كه به مهر «دفتر هيئت دولت» تأييد شده است، به زبان فارسي، انگليسي يا فرانسه صادر كرده و به فرمانده كشتي، نفتكش يا شناور تحويل مي‌دهد. اين نمونه بايد به همراه دفتر ثبت نفت در كشتي، نفتكش يا شناور وجود داشته باشد.
* ماده5 ـ كارمزد آب توازن و فضولات نفتي به شرح زير تعيين و توسط سازمان دريافت مي‌شود: الف ـ كشتي‌ها، نفتكش‌ها و شناورهاي ايراني و خارجي ورودي به پايانه‌هاي نفتي، بنادر و اسكله‌هاي كشور دويست (200) يورو. تبصره1ـ كشتي‌ها و شناورهاي چوبي، فايبرگلاس، خدماتي و مسافري از پرداخت كارمزد معاف مي‌باشند. تبصره2ـ كشتي‌ها، نفتكش‌ها و شناورهايي كه منحصراً بين بنادر خليج‌فارس و درياي عمان و درياي خزر تردد مي‌نمايند و كشتي‌ها، نفتكش‌ها و شناورهاي لاينر و كانتينري كه به طور منظم به بنادر ايران تردد مي‌نمايند، در هر سه ماه تقويمي فقط يكبار، كارمزد بند اول را به اولين بندر ورودي پرداخت مي‌نمايند. ب ـ كارمـزد دريافت آب تـوازن و فـضولات نفتي از تمامي كشتي‌ها، نفتكش‌ها و شناورهاي ايراني و خارجي ورودي به بـنادر در كنار اسكله به ازاي هر مترمكعب، هشـتاد (80) يورو محـاسبه و دريافـت مي‌شـود. كسـر مترمكعـب، يـك متـرمكعب محاسبه مي‌شود. تبصره1ـ براي شناورهاي چوبي، فايبرگلاس، مسافري و خدماتي به ترتيب زير عمل مي‌شود: الف ـ اعطاي (70) درصد تخفيف تا سقف يك مترمكعب در كنار اسكله. ب ـ اعطاي (30) درصد تخفيف بيش از يك مترمكعب تا سقف 5 متر مكعب در كنار اسكله. تبصره2ـ براي كشتي‌ها، نفتكش‌ها و شناورهايي كه مشمول تبصره(1) نمي‌باشند، دريافت بازمانده نفت و فضولات نفتي در كنار اسكله كه داراي (70%) نفت قابل استحصال ‌باشد به ترتيب زير مي‌باشد: الف ـ تا (5) مترمكعب، مشمول (30%) تخفيف مي‌باشد. ب ـ از (5) تا (10) مترمكعب، مشمول (60%) تخفيف مي‌باشد. ج ـ از (10) تا (20) مترمكعب، مشمول (100%) تخفيف مي‌باشد. تبصره3ـ دريافت مقادير بيشتر از بيست (20) مترمكعب از بازمانده بار كه داراي بيش از (70%) نفت قابل استحصال باشد، با پرداخت مبلغ توافقي به كشتي‌ها، نفتكش‌ها و شناورها انجام مي‌پذيرد. تبصره4ـ دريافت روغن روانكار استفاده شده (بدون آب) با پرداخت مبلغ توافقي به كشتي‌ها، نفتكش‌ها و شناورها انجام مي‌پذيرد. تبصره5 ـ كارمزد دريافت آب توازن و فضولات نفتي، خارج از اسكله يا محوطه بنادر تا لنگرگاه با اضافه كردن هزينه حمل و نقل به هزينه‌هاي فوق‌الذكر محاسبه و وصول مي‌شود. تبصره6 ـ در صورت انجام عمليات دريافت فضولات نفتي در غير از ساعات اداري، مبلغ (10%) به هزينه‌هاي فوق افزوده مي‌شود. هزينه كارمزد دريافت شده شامل دريافت، انتقال و پردازش است. ماده6 ـ كارمزدها و تعرفه‌هاي مقرر در اين آيين‌نامه در هر سال متناسب با شاخص‌هاي اقتصادي توسط وزارت راه و شهرسازي تعديل مي‌شود. معاون اول رئيس‎جمهور ـ محمدرضا رحيمي

<http://www.dastour.ir/brows/?lid=356683>

# آيين‌نامه اجرايي ماده (6) قانون حفاظت از درياها و رودخانه‌هاي قابل كشتيراني در مقابل آلودگي به مواد نفتي

وزارت راه و شهرسازي ـ وزارت نفت ـ وزارت امور اقتصادي و دارايي سازمان حفاظت محيط‌زيست هيئت‌وزيران در جلسه مورخ 10/7/1392 بنا به پيشنهاد مشترك وزارتخانه‌هاي راه و شهرسازي، نفت و جهادكشاورزي و سازمان حفاظت محيط‌زيست و به استناد تبصره ماده (6) قانون حفاظت از درياها و رودخانه‌هاي قابل كشتيراني در مقابل آلودگي به مواد نفتي ـ مصوب 1389ـ آيين‌نامه اجرايي ماده يادشده را به شرح زير تصويب نمود:

* ماده1‌ـ در اين آيين‌نامه اصطلاحات زير در معناي مشروح مربوط به كار مي‌روند: الف ـ سازمان: سازمان بنادر و دريانوردي. ب ـ قانون: قانون حفاظت از درياها و رودخانه‌هاي قابل كشتيراني در مقابل آلودگي به مواد نفتي ـ مصوب 27/5/1389ـ. ج ـ آلودگي: تخليه يا نشت نفت يا مواد نفتي يا آب توازن كشتي‌ها، نفت‌كش‌ها و شناورها در آب‌هاي موضوع قانون. دـ مواد نفتي: هرگونه مايع نفتي يا مخلوط داراي نفت از قبيل سوخت نفتي، لجن نفتي، مواد زايد و فضولات نفتي، انواع فرآورده‌هاي نفتي و مشتقات آن. هـ ـ مالك كشتي، نفت‌كش يا شناور: شخصي يا اشخاصي كه نامشان به عنوان مالك كشتي، نفت‌كش يا شناور ثبت شده و هر شخص در حكم مالك كه كشتي، نفت‌كش يا شناور را در تصرف دارد. وـ تعهدنامه: سندي كه به موجب آن مؤسسه‌هاي مالي، بانكها، باشگاههاي حفظ منافع و جبران خسارت و نظاير آن كه اعتبارشان مورد تأييد سازمان است، متعهد مي‌شوند خسارات ناشي از آلودگي نفتي را مطابق كنوانسيون‌هاي بين‌المللي، قانون و اين آيين‌نامه جبران كنند. زـ باشگاه حفظ منافع و جبران خسارت (كلوپ پي‌اندآي): اجتماعي از مالكان كشتي، نفت‌كش و شناور كه اقدام به تشكيل گروهي نموده‌اند كه براساس يك رابطه غيرتجاري و دوطـرفه همديگر را نسبت به مـسؤوليت موجود در برابر ثالث بيمه مي‌كنند. ح ـ بيمه‌نامه: سندي كه به موجب آن بيمه‌گر در مقابل گرفتن حق بيمه متعهد مي‌شود خسارات موضوع قانون را جبران نمايد. ط ـ واحد محاسبه: حق برداشت ويژه (SDR) مطابق تعريف صندوق بين‌المللي پول. ي ـ كنوانـسيون مسؤوليت: كنوانسـيون مسؤوليت مـدني ناشي از خسـارات آلودگي نفتي ـ مصوب 1348ـ (1969 ميلادي) و پروتكل 1370 (1992 مـيلادي) و اصلاحيه آن. ك ـ كنوانسيون نفت سوخت: كنوانسيون بين‌المللي درباره مسؤوليت مدني براي خسارات آلودگي نفت سوخت كشتي ـ مصوب 1380ـ (2001 ميلادي). ل ـ كنوانسيون تحديد مسؤوليت: كنوانسيون تحديد مسؤوليت براي دعاوي دريايي ـ مصوب 1355ـ (1976 ميلادي).
* ماده2ـ هر كشتي، نفت‌كش و شناور، براي جبران خسارات احتمالي ناشي از آلودگي آب‌هاي موضوع قانون به مواد نفتي، بايد بيمه‌نامه يا تعهدنامه معادل ريالي يا ارزي بر مبناي واحد محاسبه موضوع اين آيين‌نامه تهيه كند.
* ماده3ـ مالك هر كشتي، نفت‌كش و شناور كه بيش از (2.000) تن نفت موضوع كنوانسيون مسؤوليت به صورت فله به عنوان محموله حمل مي‌كند، بايد تا حدود مندرج در كنوانسيون يادشده، براي پوشش خسارات ناشي از آلودگي نفتي، بيمه‌نامه يا تعهدنامه مالي به شرح زير تهيه كند: الف ـ تا (5.000) تن ظرفيت ناخالص (4.510.000) واحد محاسبه ب ـ از (5.000) تا (140.000) تن ظرفيت ناخالص به ازاي هر واحد اضافه بر (5.000) تن (631) واحد محاسبه به بند (الف) اضافه مي‌شود. ج ـ بيش از (140.000) تن ظرفيت ناخالص (89.770.000) واحد محاسبه.
* ماده4ـ مالك هر كشتي، نفت‌كش و شناور كه حداكثر تا (2.000) تن نفت موضوع كنوانسيون مسؤوليت را به صورت فله به عنوان كالا حمل مي‌كند، بايد بيمه‌نامه و يا تعهدنامه مالي به شرح زير تهيه كند: الف ـ تا (100) تن ظرفيت ناخالص (500.000) واحد محاسبه ب ـ از (101) تا (150) تن ظرفيت ناخالص (1.000.000) واحد محاسبه ج ـ از (151) تا (600) تن ظرفيت ناخالص (1.500.000) واحد محاسبه دـ از (601) تا (2000) تن ظرفيت ناخالص (2.500.000) واحد محاسبه هـ ـ از (2001) تا (5000) تن ظرفيت ناخالص، (3.000.000) واحد محاسبه
* ماده5 ـ مالك هر كشتي، نفت‌كش و شناور، براي جبران خسارات ناشي از نفت سوخت كشتي، نفت‌كش و شناور، بايد بر مبناي ظرفيت ناخالص كشتي، بيمه‌نامه يا تعهدنامه‌اي با مبالغ زير تهيه كند: الف ـ تا (20) تن ظرفيت ناخالص (2.000) واحد محاسبه ب ـ بيش از (20) تن تا (50) تن ظرفيت ناخالص، (10.000) واحد محاسبه ج ـ بيش از (50) تن تا (100) تن ظرفيت ناخالص، (25.000) واحد محاسبه دـ بيش از (100) تن تا (300) تن ظرفيت ناخالص، (70.000) واحد محاسبه هـ ـ بيش از (300) تن تا (500) تن ظرفيت ناخالص، (167.000) واحد محاسبه وـ بيش از (500) تن تا (30.000) تن ظرفيت ناخالص، (167.000) واحد محاسبه به اضافه (167) واحد محاسبه به ازاي هر تن ظرفيت اضافه پس از حداكثر ظرفيت معين شده در بند (هـ). زـ بيش از (30.000) تا (70.000) تن ظرفيت ناخالص، (125) واحد محاسبه به‌ازاي هر تن ظرفيت اضافه به علاوه حداكثر مقدار واحد محاسبه شده در بند (و). ح ـ بيش از (70.000) تن ظرفيت ناخالص، (83) واحد محاسبه به ازاي هر تن ظرفيت اضافه به علاوه حداكثر مقدار محاسبه شده در بند (ز).
* ماده6 ـ مالك هر كشـتي، نفت‌كش و شناور كه مـواد نفتي به غير از نفـت موضوع كنوانسيون مسؤوليت، حمل مي‌كند بايد بيمه‌نامه و يا تعهدنامه با مبالغ زير تهيه كند: الف ـ تا (2.000) تن ظرفيت ناخالص (10.000.000) واحد محاسبه ب ـ از (2.001) تا (50.000) تن ظرفيت ناخالص (10.000.000) واحد محاسبه به‌اضافه (1.500) واحد محاسبه براي هر تن ظرفيت اضافي. ج ـ از (50.001) تن ظرفيت ناخالص به بالا (10.000.000) واحد محاسبه به‌اضافه (360) واحد محاسبه براي هر تن ظرفيت اضافي و در هر صورت سقف پوشش بيمه، نبايد از (100.000.000) واحد محاسبه تجاوز نمايد.
* ماده7ـ در بيـمه‌نامه حداقل بايد مشخصات كشتي، نفت‌كش و شناور مطابق گواهينامه ثبت، مشخصات و اقامتگاه مالك يا مالكين و بيمه‌گزارها، مبلغ بيمه، مدت بيمه، تاريخ و محل انعقاد قرارداد، مبلغ حق بيمه و خطرهاي تحت پوشش بيمه‌نامه درج شود.
* ماده8 ـ در تعهدنامه حداقل مشخصات و اقامتگاه ضامن و مضمون‌عنه، مبلغ تعهد، امضاء و مهر ضامن، مدت تعهد، تاريخ و محل ايجاد تعهد، مشخصات كشتي، نفت‌كش و شناور مطابق گواهينامه ثبت و خطرهاي تحت پوشش تعهد درج شود.
* ماده9ـ گواهينامه‌هايي كه در اجراي كنوانسيون‌هاي بين‌المللي مورد الحاق دولت جمهوري اسلامي ايران توسط كشورهاي متعاهد در چارچوب كنوانسيون‌هاي مذكور صادر شده و به تشخيص سازمان بيانگر رعايت مفاد اين آيين‌نامه است، به منزله وجود بيمه‌نامه يا تعهدنامه قابل قبول مي‌باشد.
* ماده10ـ سازمان موظف است از ورود، ترك بندر يا فعاليت كشتي، نفت‌كش و شناور فاقـد بيمه‌نامه، تعـهدنامه يا گواهيـنامه در آبهاي موضـوع قانون جلوگيري به عمل آورد. تبصره ـ مالك و يا ساير مسؤولان كشتي، نفت‌كش و شناور بايد بيمه‌نامه يا تعهدنامه و گواهينامه را در كشتي، نفت‌كش و شناور نگهداري كنند و در صورت درخواست سازمان ارايه نمايند. معاون اول رييس جمهور ـ اسحاق جهانگيري

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=358418>

# ‌قانون قرارداد الحاقي دوم به قرارداد شركت ملي نفت ايران و شركت آجيپ‌مينراريا

* ‌ماده واحده ـ قرارداد الحاقي دوم به قرارداد بين شركت ملي نفت ايران و شركت آجيپ‌مينراريا مصوب شهريور ماه 1336 كه مشتمل بر يك مقدمه و15 ماده به شرح ضميمه مي‌باشد. و به امضاي شركت ملي نفت ايران از يك طرف و شركت آجيپ اس.پ.‌آ. از طرف ديگر رسيده و طبق ماده دوم قانون‌نفت مصوب مرداد ماه 1336 شمسي مورد تأييد هيأت دولت واقع گرديده است تصويب و اجازه مبادله و اجراي آن داده مي‌شود.
* [امضاء]‌قانون فوق مشتمل بر يك ماده و متن قرارداد الحاقي دوم پس از تصويب مجلس شوراي ملي در جلسه روز سه‌شنبه 1352.3.1 در جلسه روز دوشنبه‌چهاردهم خرداد ماه يك هزار و سيصد و پنجاه و دو شمسي به تصويب مجلس سنا رسيد. ‌رييس مجلس سنا ـ جعفر شريف‌امامي ‌
* قرارداد الحاقي دوم به قرارداد شركت ملي نفت ايران و شركت آجيپ‌مينراريا ‌اين قرارداد الحاقي دوم در تاريخ هفتم اسفند 1351 (26 فوريه 1973) بين شركت ملي نفت ايران كه به موجب قوانين ايران تشكيل شده و ذيلاً شركت‌ملي نفت ناميده خواهد شد از يك طرف و شركت آجيپ اس.پ.‌آ. كه به موجب قوانين ايتاليا تشكيل شده و ذيلاً آجيپ ناميده خواهد شد از طرف ديگر‌منعقد گرديد. ‌نظر به اينكه قراردادي (‌كه ذيلاً قرارداد اصلي ناميده خواهد شد) ميان شركت ملي نفت و آجيپ‌مينراريا منعقد گرديده و از تاريخ پنجم شهريور 1336(27 اوت 1957) به موقع اجرا گذارده شده است. ‌نظر به اينكه آجيپ‌مينراريا بعداً در آجيپ ادغام شده و آجيپ از بابت حقوق و تعهداتي كه آجيپ‌مينراريا به موجب قرارداد اصلي داشته جانشين شركت‌اخيرالذكر گرديده است. ‌نظر به اينكه شركت ملي نفت و آجيپ به موجب "‌قرارداد الحاقي" مورخ 8 مرداد 1348 (30 ژوئيه 1969) تكمله‌اي بر قرارداد اصلي افزوده‌اند. ‌نظر به اينكه شركت ملي نفت و آجيپ همچنين نسبت به اصلاح و توضيح برخي از مقررات قرارداد اصلي و قرارداد الحاقي موافقت كرده‌اند. ‌عليهذا بدين وسيله ميان شركت ملي نفت و آجيپ به شرح زير توافق به عمل آمد:
	+ ‌ماده 1 ـ قسمتي از ماده 4 قرارداد اصلي كه با كلمات "‌همچنين تساوي مذكور در تشكيل..." آغاز مي‌شود تا پايان ماده مذكور ملغي و متن زير جايگزين‌آن مي‌گردد: "‌انتخاب رييس هيأت مديره و نايب وي و مدير عامل و قائم‌مقام وي از ميان اعضاي هيأت مديره به ترتيبي كه در اساسنامه سيريپ مقرر گرديده است‌صورت خواهد گرفت. تفاهم بر اين است كه براي مدت سه سال از تاريخ اجراي اين قرارداد الحاقي دوم رييس هيأت مديره و قائم‌مقام مدير عامل از‌مديراني كه توسط شركت ملي نفت نامزد شده باشند و نايب رييس هيأت مديره و مدير عامل از ميان مديراني كه توسط آجيپ نامزد شده باشند خواهند‌بود. ‌همچنين تفاهم بر اين است كه از آن پس براي تعيين مديران مزبور همين ترتيب به طور معكوس و هر پنج سال يك بار به تناوب رعايت خواهد شد. ‌هيأت بازرسان سيريپ از دو نفر بازرس تشكيل خواهد شد كه يكي را شركت ملي نفت و ديگري آجيپ تعيين خواهد كرد. ‌مديران، بازرسان و رؤساي سيريپ ممكن است مليت ايراني يا خارجي داشته باشند".
	+ ‌ماده 2 ـ ماده 6 قرارداد اصلي لغو و متن زير جايگزين آن مي‌شود. "‌ماده 6 ـ در صورت تساوي آراء نسبت به هر موضوعي كه منوط به تصميم مجمع عمومي سهامداران سيريپ باشد موضوع مورد بحث فقط يك بار‌براي مطالعه بيشتر تا تشكيل جلسه ديگر مجمع عمومي كه بايد به فاصله يك ماه از جلسه نخست يا در زمان ديرتري به توافق شركت ملي نفت و‌آجيپ تشكيل گردد معوق خواهد ماند و اگر جلسه دوم نيز نتواند درباره آن موضوع تصميم بگيرد، و در صورتي كه بين شركت ملي نفت و آجيپ به‌ترتيب ديگري توافق نشود، آن موضوع به منزله اختلاف تلقي خواهد شد كه بايستي بر طبق مقررات مواد 43 و 44 حل و فصل گردد".
	+ ‌ماده 3 ـ جمله آخر ماده 16 قرارداد اصلي به صورت زير اصلاح شده است: "‌از تاريخ 11 دي ماه 1351 (‌اول ژانويه 1973) استهلاكات به نرخ متوسط 10% در سال، بر مأخذ هزينه اصلي هر سرمايه‌گذاري كه در حسابهاي سيريپ‌ثبت شده محاسبه خواهد شد تا زماني كه تمام آن مستهلك شود". ‌با وجود اين، نرخ مذكور در اين ماده اختيار وزارت دارايي را كه در تبصره 4 ماده 173 قانون مالياتهاي مستقيم ذكر شده محدود نخواهد كرد.
	+ ‌ماده 4 ـ چون نرخ ماليات بر درآمد ناظر بر فعاليتهاي شركتهاي نفتي در ايران به موجب مقررات ماده 173 قانون مالياتهاي مستقيم مورخ 28 اسفند1345 و اصلاحيه مورخ 29 اسفند 1349 به 55 (‌پنجاه و پنج) درصد تغيير يافته است سود ويژه سيريپ عليرغم آنچه در ماده 17 قرارداد اصلي مقرر‌گرديده است از تاريخ 23 آبان 1349 (14 نوامبر 1970) مشمول نرخ مذكور خواهد بود.
	+ ‌ماده 5 ـ ماده 39 قرارداد اصلي لغو و متن زير جايگزين آن مي‌شود: "‌ماده 39 ـ طرفين متعهد مي‌شوند كه شرايط و مقررات اين قرارداد را بر طبق اصول حسن نيت و صميميت متقابل اجرا نمايند و هم عبارت و هم روح‌اين قرارداد را محترم شمارند. ‌الغاء يا اصلاح يا تغيير شرايط و مقررات قرارداد جز با تراضي طرفين و تصويب قوه مقننه ايران صورت نخواهد گرفت. ‌جز در مواردي كه طرفهاي اين قرارداد به نحو ديگري توافق نمايند اين قرارداد قبل از انقضاي مدت آن فسخ نخواهد شد مگر در صورتي كه هيأت داوري‌كه طبق مقررات ماده 44 اين قرارداد و اصلاحيه آن به شرح ماده 7 ذيل تعيين شده باشد به موجب رأي خود قرارداد را به علت نقض مقررات آن و يا به‌علت اينكه اجراي قرارداد به كلي غير مقدور گرديده فسخ شده اعلام كند. اين قرارداد تابع قوانين ايران بوده و بر وفق آن تفسير خواهد شد و مواردي كه‌تكليف آنها در اين قرارداد معين نشده مشمول مقررات قانون نفت مورخ نهم مرداد 1336 خواهد بود".
	+ ‌ماده 6 ـ ماده 40 قرارداد اصلي لغو مي‌شود.
	+ ‌ماده 7 ـ هيچ يك از مقررات ماده 44 قرارداد اصلي مانع از آن نخواهد بود كه طرفين با توجه به اوضاع و احوال به هر ترتيب ديگري در مورد داوري كه‌براي حل اختلاف مناسب‌تر به نظر رسد توافق نمايند معذالك محل داوري در هر حال تهران و آيين دادرسي در داوري تابع قوانين ايران خواهد بود.
	+ ‌ماده 8 ـ سيريپ از بابت هر يك از نواحي موضوع قرارداد به شرح مذكور در زير، حق‌الارض سالانه‌اي به دلار آمريكايي به شركت ملي نفت خواهد‌پرداخت: ‌الف ـ براي نواحي گانسر و هنديجان كه جمعاً شامل 107 (‌يك صد و هفت) كيلومتر مربع مي‌باشند و ناحيه نوروز كه شامل 113 (‌يك صد و سيزده)‌كيلومتر مربع است: دلار آمريكايي براي هر كيلومتر مربع ‌از اول 1972 تا پايان 1976 400 ‌از اول 1977 تا پايان 1981 480 ‌از اول 1982 تا پايان 1986 600 ‌از اول 1987 تا پايان 1991 780 ‌از اول 1992 تا پايان دوره مربوطه 1050 ب ـ براي ناحيه زاگرس كه شامل 432 (‌چهار صد و سي و دو) كيلومتر مربع مي‌باشد با رعايت تقليل‌هاي آينده: دلار آمريكايي براي هر كيلومتر مربع ‌از تاريخي كه فروش از اين ناحيه آغاز شود ‌تا پنجمين سالروز آن 400 ‌از ششمين سالروز تا دهمين سالروز 480 ‌از يازدهمين سالروز تا پانزدهمين سالروز 600 ‌از شانزدهمين سالروز تا بيستمين سالروز 780 ‌از بيست و يكمين سالروز تا پايان دوره مربوطه 1050 ‌پرداخت حق‌الارضهاي مقرر در بالا سالانه و از پيش ظرف 30 (‌سي) روز از آغاز دوره 12‌ماهه مربوط صورت خواهد گرفت مگر نخستين پرداخت كه‌ظرف 30 (‌سي) روز از تاريخ اجراي اين قرارداد الحاقي دومي به عمل خواهد آمد. ‌حق‌الارضهايي كه به موجب اين ماده پرداخت مي‌شوند در اظهارنامه‌هاي مالياتي سيريپ به عنوان اقلام هزينه منظور خواهد شد.
	+ ‌ماده 9 ـ ظرف 30 (‌سي) روز از تاريخ اجراي اين قرارداد الحاقي دوم طبق ماده 15 زير مجمع عمومي سهامداران سيريپ تشكيل خواهد شد. مجمع‌عمومي مزبور تغييرات و اصلاحات لازم را در اساسنامه سيريپ به منظور هماهنگ ساختن آن با مفاد اين قرارداد الحاقي دوم به عمل خواهد آورد.‌تغييرات و اصلاحات مزبور از تاريخ اجراي اين قرارداد الحاقي دوم به موقع اجرا گذارده خواهد شد.
	+ ‌ماده 10 ـ عليرغم آنچه به موجب قرارداد اصلي مقرر گرديده است بدين وسيله موافقت مي‌شود: ‌الف ـ سيريپ از بابت سرمايه‌اي كه توسط آجيپ براي تأمين هزينه عمليات اكتشافي به موجب قرارداد اصلي به كار برده شده است هيچ گونه بهره‌اي‌نخواهد پرداخت. ب ـ سيريپ حق نخواهد داشت زيانهاي حاصل شده در يك سال مالي را به سالهاي بعد انتقال دهد و همچنين حق نخواهد داشت از بابت حداقل‌مالياتي كه طبق ماده 8 قرارداد اصلي در يك سال مالي به دولت پرداخته است مبلغي را به حساب ماليات سال ديگر منتقل نمايد. ‌مقررات بندهاي الف و ب بالا از تاريخ اجراي قرارداد اصلي لازم‌الاجرا تلقي خواهد شد و حسابهاي سيريپ به منظور تطبيق با مقررات مذكور مورد‌تصحيح و تجديد نظر قرار خواهد گرفت.
	+ ‌ماده 11 ـ 1 ـ كليه هزينه‌هاي اكتشافي كه به موجب قرارداد اصلي و قرارداد الحاقي به منظور اجراي عمليات اكتشافي توسط آجيپ تأمين گرديده در‌تعيين سود ويژه سيريپ جزو اقلام هزينه تلقي و مستهلك خواهد شد. 2 ـ نسبت به حسابهاي سيريپ كه مربوط به سالهاي مالي پيش از 1972 تنها تغييرات زير منظور خواهد شد: 1) ـ برگشت بهره مطابق مقررات بند الف ماده 10 بالا. 2) ـ تعيين باقيمانده هزينه‌هاي اكتشافي مستهلك نشده كه بايد از سال مالي 1972 به موجب مقررات بند 3 اين ماده به حساب هزينه برده شود (‌در‌تعيين اين باقيمانده فقط بايد سهمي كه از بازيافت هزينه‌هاي اكتشافي مزبور به آجيپ تعلق يافته است به حساب منظور گردد). 3) ـ برگشت هر زياني كه احتمالاً در حسابهاي سيريپ از يك سال مالي به سال ديگر منتقل شده باشد. ‌اظهارنامه‌هاي مربوط بايد در ظرف شصت (60) روز پس از تاريخ اجراي اين قرارداد طبق ماده 15 زير به وزارت دارايي تسليم گردد. 3 ـ مبلغ هزينه‌هاي اكتشافي كه بايد از سال مالي 1972 در هر دوره مالياتي مستهلك شود بر اساس پيشنهاد آجيپ توسط سيريپ معين خواهد شد تا‌آن گاه كه بازيافت اين هزينه‌ها كلاً صورت گيرد ولي مبلغ مزبور نبايد براي هيچ سالي از بيست (20) سنت آمريكايي ضرب در تعداد بشكه‌هاي نفت‌خامي كه توسط سيريپ در آن سال صادر شده است تجاوز كند. 4 ـ مبلغ هزينه‌هاي اكتشافي كه در هر سال مالي طبق بند 3 اين ماده مستهلك مي‌شود بايد توسط سيريپ به شركت ملي نفت (‌طبق قرارداد الحاقي و تا‌حدي كه با قرارداد مزبور منطبق باشد) و به آجيپ بلافاصله پس از تأديه ماليات بر درآمد سيريپ پرداخت شود. 5 ـ از تاريخ 11 دي ماه 1350 (‌اول ژانويه 1972) سيريپ ملزم نخواهد بود مبلغ مقرر در جمله آخر ماده 11 قرارداد اصلي مربوط به هزينه‌هاي‌اكتشافي انجام شده به موجب قرارداد اصلي را به شركت ملي نفت بپردازد. معذالك تفاهم حاصل است كه شركت ملي نفت نيز ملزم نخواهد بود آن چه‌را به موجب ماده 11 مذكور بابت دوره‌هاي مالي پيش از 11 دي ماه 1350 (‌اول ژانويه 1972) دريافت داشته است به آجيپ مسترد كند.
	+ ‌ماده 12 ـ 1 ـ نسبت به دوره‌هاي مالي بعد از 11 دي ماه 1350 (‌اول ژانويه 1972) سود ويژه سيريپ پس از تأديه ماليات بر درآمد ايران به ترتيب زير‌بين سهامداران تقسيم خواهد شد: ‌الف ـ به شركت ملي نفت: مبلغي معادل آن چه شركت ملي نفت به عنوان سهامدار سيريپ دريافت مي‌كرد به فرض آنكه سود ويژه سيريپ بدون منظور‌نمودن اقلام زير محاسبه مي‌شد: (1) ـ استهلاك هزينه‌هاي اكتشافي انجام شده به موجب قرارداد اصلي (2) ـ حق‌الارض. ب ـ به شركت آجيپ: مبلغي معادل باقيمانده سود ويژه مزبور پس از كسر مبالغ مذكور در بند الف فوق. 2 ـ بنابراين جمع كل مبالغ دريافتي شركت ملي نفت در طي هر سال مالي عبارت خواهد بود از مبلغي كه به موجب شق الف از بند (1) بالا به عنوان‌سهم خود از سود ويژه دريافت مي‌كند به اضافه مبلغي معادل پنجاه (50) درصد مبلغي كه از بابت هزينه‌هاي اكتشافي انجام شده به موجب قرارداد‌الحاقي و بر طبق آن چه در بند (4) از ماده 11 اين قرارداد الحاقي دوم به آن اشاره گرديده در حسابهاي سيريپ مستهلك شده باشد و جمع كل مبالغ‌دريافتي آجيپ در طي هر سال مالي عبارت خواهد بود از مبلغي معادل باقيمانده سود ويژه مذكور به شرح مقرر در شق (ب) از بند (1) بالا به اضافه كل‌مبلغي كه از بابت هزينه‌هاي اكتشافي انجام شده به موجب قرارداد اصلي در حسابهاي سيريپ مستهلك شده به اضافه پنجاه (50) درصد مبلغي كه بابت‌هزينه‌هاي اكتشافي انجام شده به موجب قرارداد الحاقي و بر طبق آن چه در بند (4) از ماده 11 اين قرارداد الحاقي دوم به آن اشاره گرديده در حسابهاي‌سيريپ مستهلك شده باشد.
	+ ‌ماده 13 ـ سيريپ عليرغم آن چه به موجب ماده 7 قرارداد اصلي مقرر گرديده است از شركت ملي نفت و آجيپ درخواست خواهد كرد كه هر كدام از‌آنها سهمي متساوي از وجوهي را كه براي تأمين هزينه‌هاي عمليات ارزيابي و توسعه آتي سيريپ لازم خواهد بود در اختيار او قرار دهند. ‌در صورتي كه هر كدام از شركت ملي نفت و يا آجيپ كتباً اطلاع دهد كه سهم خود را از بابت وجوه مزبور بدون هيچگونه بهره در اختيار سيريپ قرار‌خواهد داد ديگري نيز ملزم خواهد بود كه سهم خود را با همان شرايط بپردازد و هيچيك از طرفين از بابت اين وجوه هيچ گونه بهره‌اي به حساب‌سيريپ منظور نخواهد كرد.
	+ ‌ماده 14 ـ اين قرارداد الحاقي به زبانهاي فارسي و فرانسه تنظيم و امضاء شده است. در صورت بروز اختلافي كه به داوري ارجاع شود هر دو متن در‌اختيار هيأت داوري گذارده خواهد شد تا مقصود طرفين را با توجه به هر دو متن تفسير نمايند.
	+ ‌ماده 15 ـ اين قرارداد الحاقي دوم طبق مقررات ماده 2 قانون نفت مصوب نهم مرداد 1336 (31 ژوئيه 1957) به تصويب قوه مقننه خواهد رسيد و از‌تاريخي كه تصويب آن به توشيح ملوكانه برسد به موقع اجرا گذارده خواهد شد. معذلك مقررات مواد 3 ـ 4 ـ 8 ـ 10 ـ 11 و 12 به قراري كه در خود‌آن مواد مذكور است عطف به ماسبق خواهد شد.
	+ [امضاء]‌قرارداد فوق مشتمل بر يك مقدمه و پانزده ماده منضم به قانون قرارداد الحاقي دوم به قرارداد شركت ملي نفت و شركت آجيپ‌مينراريا مي‌باشد. ‌رييس مجلس سنا ـ جعفر شريف‌امامي

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=81474>

# قانون الحاق دولت جمهوري اسلامي ايران به كنوانسيون بين‌المللي درباره مسؤوليت مدني براي خسارت آلودگي نفت سوخت كشتي

* ماده واحده ـ به دولت جمهوري اسلامي ايران اجازه داده مي‌شود به كنوانسيون بين‌المللي درباره مسؤوليت مدني براي خسارت آلودگي نفت سوخت كشتي مصوب 2001 ميلادي (برابر با 1380هجري‌شمسي) به شرح پيوست ملحق گردد و اسناد الحاق را نزد امين اسناد توديع نمايد. تبصره1ـ وزارت راه وترابري(سازمان بنادر و دريانوردي) مسؤول اجراء كنوانسيون مي‌باشد و تغيير مجري بر عهده دولت است. تبصره 2ـ رعايت اصل هفتاد و هفتم (77) قانون اساسي جمهوري اسلامي‌ايران براي هرگونه بازنگري يا اصلاح كنوانسيون در اجراء ماده (16) آن، الزامي است.
* کنوانسيون بين‌المللي درباره مسؤوليت مدني براي خسارت آلودگي نفت سوخت کشتي مصوب 2001 ميلادي (برابر با 1380 هجري‌شمسي) بسم الله الرحمن الرحيم
	+ مقدمه: دولتهاي عضو اين کنوانسيون، با يادآوري ماده (194) کنوانسيون سازمان ملل درباره حقوق درياها، مصوب 1982 ميلادي(برابر با 1361 هجري‌شمسي) که مقرر مي‌دارد دولتها بايد کليه اقدامات لازم را به‌منظور جلوگيري، کاهش و کنترل آلودگي محيط‌زيست دريايي به عمل آورند. همچنين با يادآوري ماده (235) آن کنوانسيون، که مقرر مي‌دارد با هدف حصول اطمينان از پرداخت کافي و فوري غرامت در مورد کليه خسارتهاي ناشي از آلودگي محيط زيست دريايي، دولتها بايد در توسعه بيشتر قواعد مربوط حقوق بين‌الملل همکاري نمايند. با توجه به موفقيت کنوانسيون بين‌المللي مسؤوليت مدني ناشي از خسارت آلودگي نفتي، مصوب 1992ميلادي(برابر با 1371 هجري‌شمسي) و کنوانسيون بين‌المللي ايجاد صندوق بين‌المللي براي جبران خسارت ناشي از آلودگي نفتي، مصوب 1992 ميلادي (برابر با 1371 هجري‌شمسي) در جهت ايجاد اطمينان از اين که جبران خسارت، در دسترس اشخاصي قرار مي‌گيرد که از آلودگي در اثر خروج يا تخليه نفتي که به‌صورت فلّه، توسط کشتيها و از طريق دريا حمل مي‌شود، متضرر مي‌شوند، همچنين با توجه به تصويب کنوانسيون بين‌المللي درباره مسؤوليت و پرداخت غرامت در مورد خسارت ناشي از حمل مواد خطرناک و سمي از طريق دريا، مصوب 1996 ميلادي(برابر با 1375 هجري‌شمسي) به منظور پيش‌بيني جبران کافي، سريع و مؤثر خسارتهايي که از سوانح ناشي از حمل مواد خطرناک و سمي از طريق دريا ايجاد مي‌شود، با تصديق اهميت ايجاد مسؤوليت مطلق براي تمام اشکال آلودگي نفتي که با تحديد مناسبي از درجه مسؤوليت مزبور مرتبط باشد. با در نظر داشتن اين که اقدامات تکميلي براي تضمين جبران کافي، سريع و مؤثر خسارت ناشي از آلودگي منتج از خروج يا تخليه نفت سوخت از کشتي، ضروري است، با تمايل به تصويب قواعد و رويه‌هاي بين‌المللي يکسان ‌براي تعيين موضوعات مسؤوليت و پيش‌بيني جبران کافي خسارت در چنين مواردي،به شرح زير توافق نموده‌اند:
	+ ماده 1ـ تعاريف از نظر اين کنوانسيون: 1ـ « کشتي» يعني هر نوع کشتي اقيانوس‌پيما و شناور درياپيما، از هر نوع که باشد. 2ـ « شخص» يعني هر فرد يا شرکت يا هر نهاد خصوصي يا عمومي اعم از اين که داراي شخصيت حقوقي باشد يا نباشد از جمله يک دولت يا هر کدام از بخشهاي تشکيل‌دهنده آن. 3ـ « مالک کشتي» يعني مالک، از جمله مالک ثبت شده، مستأجر کشتي لخت، مدير و بهره‌بردار کشتي. 4ـ « مالک ثبت شده» يعني شخص يا اشخاص ثبت شده به عنوان مالک کشتي، يا در صورت فقدان ثبت، شخص يا اشخاصي که مالک کشتي هستند. با اين حال، در مورد کشتي تحت مالکيت دولت و مورد بهره‌برداري توسط شرکتي که در آن دولت، به عنوان بهره‌بردار کشتي مزبور ثبت شده، مالک ثبت شده به چنين شرکتي اطلاق خواهد شد. 5 ـ « نفت سوخت» يعني هرگونه نفت هيدروکربن معدني، از جمله روغن روان‌کننده‌اي که در امر راهبري يا رانش کشتي مورداستفاده قرار گرفته يا خواهد گرفت و هرگونه رسوبات چنين نفتي. 6 ـ « کنوانسيون مسؤوليت مدني» يعني کنوانسيون بين‌المللي مسؤوليت مدني ناشي از خسارت آلودگي نفتي، مصوب 1992ميلادي(برابر 1371 هجري‌شمسي) آن طور که اصلاح شده است. 7ـ « اقدامات پيشگيرانه » يعني هر اقدام متعارفي که هر شخصي پس از بروز سانحه به منظور جلوگيري يا تقليل خسارت آلودگي به عمل آورده است. 8 ـ « سانحه » يعني هر واقعه يا مجموعه‌اي از وقايع داراي منشأ واحد که موجب خسارت آلودگي يا باعث تهديد شديد و قريب‌الوقوع بروز چنين خسارتي شود. 9ـ « خسارت آلودگي» يعني: الف) ضرر يا زيان به بار آمده در خارج از کشتي از طريق آلودگي در اثر خروج يا تخليه نفت سوخت از کشتي، قطع نظر از محل وقوع اين خروج يا تخليه، مشروط بر آن‌كه جبران خسارت در ازاء آسيب وارده بر محيط زيست به استثناء عدم‌النفع حاصل از آسيب مزبور، محدود به هزينه‌هاي اقدامات متعارفي شود که عملاً براي اصلاح وضعيت انجام پذيرفته يا قرار است انجام پذيرد؛ و ب) هزينه‌هاي اقدامات پيشگيرانه و ضرر يا زيان اضافي ناشي از اقدامات پيشگيرانه. 10ـ « دولت ثبت کشتي» در ارتباط با کشتي ثبت شده، يعني دولت ثبت‌کننده کشتي و در ارتباط با کشتي ثبت نشده يعني دولتي که کشتي، محق به برافراشتن پرچم آن است. 11ـ « ظرفيت ناخالص» يعني ظرفيت ناخالص اندازه‌گيري‌شده طبق مقررات اندازه‌گيري ظرفيت مندرج در پيوست يک کنوانسيون بين‌المللي اندازه‌گيري ظرفيت کشتيها، مصوب 1969ميلادي(برابر با 1348 هجري‌شمسي) 12ـ « سازمان» يعني سازمان بين‌المللي دريانوردي. 13ـ « دبيرکل» يعني دبير کل سازمان.
	+ ماده 2ـ دامنه شمول اين کنوانسيون منحصراً‌در موارد زير اعمال خواهد شد: الف ـ خسارت آلودگي ايجاد شده: (1) در سرزمين، از جمله درياي سرزميني يک دولت عضو، و (2) در منطقه انحصاري اقتصادي يک دولت عضو، که طبق حقوق بين‌الملل تعيين شده است يا اگر دولت عضوي چنين منطقه‌اي را تعيين نکرده است يک منطقه فراتر يا مجاور درياي سرزميني آن دولت که توسط دولت مزبور طبق حقوق بين الملل تعيين‌شده و بيش از دويست مايل دريايي از خطوط مبدئي که از آنها عرض درياي سرزميني آن اندازه گيري مي شود، امتداد نمي‌يابد. ب ـ اقدامات پيشگيرانه به منظور پيشگيري يا تقليل چنين خسارتي، در هر محلي که انجام شود.
	+ ماده3ـ مسؤوليت مالک کشتي 1ـ به استثناء موارد پيش‌بيني شده در بندهاي (3) و (4)اين ماده، مالک کشتي در زمان سانحه، مسؤول خسارت آلودگي ناشي از هر نوع نفت سوخت در کشتي يا بهوجود آمده از کشتي مي‌باشد، مشروط بر آن‌كه، اگر سانحه‌اي شامل مجموعه‌اي از وقايع داراي منشأ‌ يکسان باشد، مسؤوليت به مالک کشتي در زمان اولين مورد از اين وقايع، منتسب خواهد شد. 2ـ اگر بيش از يک شخص طبق بند (1) فوق مسؤول باشد، مسؤوليت آنها تضامني خواهد بود. 3ـ در صورت اثبات موارد زير از سوي مالک كشتي، هيچ‌گونه مسؤوليت خسارت آلودگي به وي منتسب نخواهد شد: الف) بروز خسارت در نتيجه جنگ، عمليات خصمانه، جنگ داخلي، شورش يا پديده‌اي طبيعي با ويژگي استثنائي، اجتناب ناپذير و غيرقابل دفع بوده است؛ يا ب) خسارت تماماً ناشي از فعل يا ترک فعل شخص ثالث با قصد ايجاد خسارت بوده است؛ يا پ) خسارت تماماً ناشي از غفلت يا فعل زيانبار ديگر هر دولت يا مرجع ديگر مسؤول نگهداري چراغها يا ساير وسايل کمک ناوبري در اجراء آن وظيفه بوده است. 4ـ چنانچه مالک كشتي ثابت نمايد که بروز خسارت آلودگي کلاً يا جزئاً‌ ناشي از فعل يا ترک فعل شخص زيان‌ديده با قصد ايجاد خسارت يا مسامحه وي بوده است، مالک کشتي مي‌تواند خود را کلاً يا جزئاً در قبال چنين شخصي از مسؤوليت مبّري گرداند. 5 ـ هيچ‌گونه دعوايي براي جبران خسارت ناشي از آلودگي عليه مالک كشتي، جز طبق اين کنوانسيون اقامه نخواهد شد. 6 ـ هيچ چيز در اين کنوانسيون به حق رجوع مالک کشتي كه مستقل از اين کنوانسيون وجود داشته باشد، لطمه‌اي وارد نخواهد کرد.
	+ ماده 4ـ استثنائات 1ـ اين کنوانسيون در مورد خسارت آلودگي مذکور در کنوانسيون مسؤوليت مدني اعمال نخواهد شد اعم از اين كه غرامت به موجب کنوانسيون مزبور قابل پرداخت باشد يا نباشد. 2ـ به استثناء موارد پيش‌بيني شده در بند (3)اين ماده، مفاد اين کنوانسيون در مورد کشتيهاي جنگي، کشتيهاي تدارکاتي يا ساير کشتيهاي تحت مالکيت يا بهره‌برداري دولت که در زمان استفاده تنها براي مقاصد غيربازرگاني دولت مورد استفاده قرار مي‌گيرد، اعمال نخواهد شد. 3ـ يک دولت عضو مي‌تواند تصميم به اعمال اين کنوانسيون در مورد کشتيهاي جنگي خود يا ساير کشتيهاي مذکور در بند (2) فوق بگيرد که در اين صورت، آن دولت بايد مراتب را با تصريح شرايط چنين اعمالي به آگاهي دبيرکل برساند. 4ـ در مورد کشتيهاي تحت مالکيت يک دولت عضو که براي مقاصد تجاري مورداستفاده قرار مي‌گيرند، هر دولتي در حوزه‌هاي صلاحيت مقرر در ماده (9) اين كنوانسيون مشمول دعوي قرار خواهد گرفت و از تمام دفاعيههاي مبتني بر وضعيت آن دولت به عنوان يک دولت حاکم، صرف نظر خواهد كرد.
	+ ماده5 ـ سوانحي که دو يا چند کشتي در آنها دخيل مي‌باشند اگر سانحه‌اي که دو يا چند کشتي در آن دخيل باشند اتفاق افتد و در نتيجه آن خسارت آلودگي ايجاد شود، مالکان تمامي کشتيهاي مربوط، جز در صورتي که به موجب ماده (3) اين كنوانسيون از مسؤوليت مبري باشند، به صورت تضامني مسؤول تمام خسارتهايي خواهند بود كه به‌طور متعارف قابل تفکيک نباشد.
	+ ماده 6 ـ تحديد مسؤوليت هيچ چيز در اين کنوانسيون بر حق مالک كشتي و شخص يا اشخاص ارائه‌کننده بيمه يا تضمين مالي ديگر براي تحديد مسؤوليت به موجب هر نظام ملي يا بين‌المللي حاكم، از جمله کنوانسيون تحديد مسؤوليت دعاوي دريايي، 1976 ميلادي(برابر با 1355 هجري‌شمسي)، آن طور که اصلاح شده، تأثير نخواهد گذاشت.
	+ ماده 7ـ بيمه اجباري يا تضمين مالي 1ـ مالک ثبت شده کشتي با ظرفيت ناخالص بالاتر از هزارتن که در دولت عضوي ثبت شده، ملزم است که بيمه يا تضمين‌ مالي ديگري مانند ضمانت‌نامه يک بانک يا مؤسسه مالي مشابه را براي پوشش مسؤوليت مالک ثبت شده براي خسارت آلودگي به ميزاني معادل حدود مسؤوليت به موجب نظام تحديد ملي يا بين‌المللي حاكم، اما در همه موارد، نه بيش از ميزان محاسبه شده به موجب کنوانسيون تحديد مسؤوليت دعاوي دريايي، مصوب 1976ميلادي (برابر با 1355 هجري‌شمسي) آن طور که اصلاح شده، به همراه داشته باشد. 2ـ پس از اين كه مقام صالح دولت عضو احراز نمايد كه الزامات بند(1) اين ماده رعايت شده است، گواهينامه‌اي حاکي از آن که بيمه يا تضمين مالي ديگر، طبق مفاد اين کنوانسيون داراي اعتبار است براي هر کشتي صادر خواهد شد. در مورد يک کشتي ثبت شده در دولت عضو، گواهينامه‌ مزبور بايد توسط مقام صالح دولت ثبت کشتي صادر يا تصديق شود. در مورد کشتي‌که در دولت عضو ثبت نشده، گواهينامه مزبور مي‌تواند توسط مقام صالح هر دولت عضوي، صادر يا تصديق شود. اين گواهينامه بايد به شکل نمونه مندرج در پيوست اين کنوانسيون و حاوي موارد زير باشد: الف) نام کشتي، شماره يا حروف مشخص و بندر ثبت؛ ب) نام و محل اصلي كسب و كار مالک ثبت شده؛ پ) شماره شناسايي سازمان بين‌المللي دريانوردي براي کشتي؛ ت) نوع و مدت تضمين؛ ث) نام و محل اصلي كسب و كار بيمه‌گر يا مشخص ديگر ارائه کننده تضمين و درصورت اقتضاء محل كسب و كاري که بيمه يا تضمين در آنجا ايجاد شده است. ج) مدت اعتبار گواهينامه، که نبايد طولاني‌تر از مدت اعتبار بيمه يا تضمين ديگر باشد. 3ـ الف) دولت عضو مي‌تواند به يک مؤسسه يا سازمان بهرسميت شناخته شده توسط خود اجازه دهد تا گواهينامه موضوع بند (2) فوق را صادر نمايد. مؤسسه يا سازمان مزبور، آن دولت را از صدور هر گواهينامه‌آگاه خواهد نمود. در تمام موارد، دولت عضو بايد کامل بودن و صحت گواهينامه‌اي را که بدين شکل صادر شده است کاملاً تضمين ‌نمايد و متعهد ‌گردد که از اتخاذ ترتيبات لازم براي تحقق اين تعهد، اطمينان حاصل نمايد. ب) دولت عضو بايد موارد زير را به دبير کل اعلام نمايد: 1) مسؤوليتها و شرايط خاص اختيار تفويض شده به مؤسسه يا سازمان به رسميت شناخته شده توسط آن؛ 2) رفع اثر از چنين تفويض اختياري، و 3) تاريخي که از آن اختيار مزبور يا رفع اثر از چنين تفويض اختياري نافذ مي‌گردد. اختيار تفويض شده تا سه ماه قبل از تاريخي که در آن، اطلاعيهاي به اين منظور به دبير کل داده شده است، نافذ نخواهد شد. پ) مؤسسه يا سازماني که طبق اين بند مجاز به صدور گواهينامه است بايد، حداقل مجاز شده باشد که اگر شرايطي که به موجب آنها گواهينامه‌ها صادر شده است، حفظ نشود، از اين گواهينامه‌ها رفع اثر کند. در تمام موارد، مؤسسه يا سازمان، بايد چنين رفع اثرهايي را به دولتي که از طرف آن، گواهينامه را صادر کرده است، گزارش نمايد. 4ـ گواهينامه بايد به زبان يا زبانهاي رسمي دولت صادرکننده باشد. اگر زبان به کار رفته انگليسي، فرانسوي يا اسپانيايي نباشد، متن بايد شامل ترجمه به يکي از اين زبانها باشد و در مواردي که آن دولت چنين تصميمي بگيرد، زبان رسمي دولت مزبور مي‌تواند حذف شود. 5 ـ گواهينامه بايد در کشتي وجود داشته باشد و يک نسخه به مقامهايي که سوابق ثبت کشتي را نگهـداري مي‌کنند، يا اگر کشتي در يک دولـت عضو ثبت نشـده باشد، به مقامهايي صادر کننده يا تأييد کننده گواهينامه تسليم شود. 6 ـ اگر امکان از بين رفتن بيمه يا تضمين مالي ديگر به عللي غير از انقضاء مهلت اعتبار بيمه يا تضمين مشخص شده در گواهينامه به موجب بند(2) اين ماده، قبل از سپري شدن سه‌ماه از تاريخي که در آن، اعلاميه انقضاء آن به مقامهاي مذکور در بند (5) فوق داده شده وجود داشته باشد، بيمه يا تضمين مالي ديگر، الزامات اين ماده را تأمين نخواهد کرد، مگر اين که گواهينامه به اين مقامها تسليم يا گواهينامه جديدي ظرف مدت مذکور صادر شده باشد. مفاد اخيرالذکر بايد به طور مشابه، در مورد هر اصلاحيه‌اي در بيمه يا تضميني که الزامات اين ماده را پوشش نمي‌دهد، اعمال شود. 7ـ دولت ثبت کشتي با رعايت مفاد اين ماده، شرايط صدور و اعتبار گواهينامه را تعيين خواهد كرد. 8 ـ هيچ چيز در اين کنوانسيون نبايد به عنوان عامل بازدارنده يک دولت عضو از اعتماد به اطلاعات به دست آمده از ساير دولتها يا سازمانها يا ساير سازمانهاي بين‌المللي در رابطه با اعتبار مالي موجود ارائه‌کنندگان بيمه يا تضمين مالي ديگر از نظر اين کنوانسيون تفسير شود. در چنين مواردي، دولت عضوي که به چنين اطلاعاتي اعتماد کرده از مسؤوليت خود به عنوان دولت صادرکننده گواهينامه‌اي که در بند (2) اين ماده مقرر شده است، مبرّي نخواهد ‌شد. 9ـ گواهينامه‌هايي که به موجب تفويض اختيار دولت عضو صادر يا تأييد شده است بايد توسط ساير دولتهاي عضو براي مقاصد اين کنوانسيون پذيرفته شود و بايد توسط ساير دولتهاي عضو داراي همان اعتباري تلقي شود كه گواهينامه‌هايي که خود آنها صادر يا تأييد کرده‌اند از آن برخوردار هستند، حتي اگر گواهينامه صادره يا تأييد شده مربوط به کشتي‌باشد که توسط يک دولت عضو ثبت نشده باشد. يک دولت عضو اگر اعتقاد داشته باشد که بيمه‌گر يا تضمين‌کننده مذکور در گواهينامه بيمه، از نظر مالي قادر به تأمين تعهدات مقرر در اين کنوانسيون نيست مي‌تواند در هر زماني درخواست مشاوره با دولت صادر کننده يا تأييد کننده گواهينامه را بنمايد. 10ـ هر دعوايي براي جبران خسارت آلودگي مي‌تواند به طور مستقيم ‌عليه بيمه‌گر يا شخص ديگر ارائه‌کننده تضمين مالي براي مسؤوليت مالک ثبت شده، براي خسارت آلودگي اقامه شود. در چنين موردي خوانده مي‌تواند به دفاعيههايي که مالک كشتي محق بوده است که به آنها استناد کند (غير از ورشکستگي يا انحلال مالک کشتي) از جمله تحديد مسؤوليت به موجب ماده(6) اين كنوانسيون استناد کند. بعلاوه، حتي اگر مالک کشتي محق به تحديد مسؤوليت به موجب ماده (6) اين كنوانسيون نباشد، خوانده مي‌تواند مسؤوليت را به ميزاني برابر با ميزان بيمه يا تضمين مالي ديگري محدود كند كه طبق بند(1) لازم است نگهداري شود. افزون بر آن خوانده مي‌تواند به اين دفاع استناد کند که خسارت آلودگي ناشي از سوء رفتار عمدي مالک کشتي بوده است، اما خوانده نبايد به دفاع ديگري استناد كند که خوانده احياناً محق بوده در جريان دادرسي که توسط مالک کشتي عليه خوانده اقامه شده، به آن استناد کند. در هر صورت خوانده حق خواهد داشت که مالک کشتي را به جريان دادرسي فراخواند. 11ـ يک دولت عضو نبايد به كشتي تحت پرچم خود كه اين ماده در مورد آن اعمال مي‌شود، اجازه دهد که در هيچ زماني مورد بهره‌برداري قرار گيرد مگر اين که گواهينامه‌اي به موجب بند (2) يا (14) اين ماده صادر شده باشد. 12ـ هر دولت عضو با رعايت مفاد اين ماده، بايد به موجب قانون ملي خود، اطمينان حاصل نمايد که بيمه يا تضمين ديگر به ميزاني که در بند (1) اين‌ماده مقرر شده است، در مورد هر کشتي با ظرفيت ناخالص بيشتر از هزارتن ـ هر کجا که ثبت شده باشد ـ در زمان ورود يا ترک بندر واقع در قلمرو آن يا در زمان ورود يا ترک ‌تسهيلات‌ فراساحلي واقع در درياي ‌سرزميني‌آن وجود دارد. 13ـ صرف نظر از مقررات بند (5)فوق، دولت عضو مي تواند به دبيرکل اعلام نمايد که براي مقاصد بند (12) اين ماده، کشتي‌ها ملزم به همراه داشتن يا ارائه گواهينامه مقرر در بند (2) اين ماده در زمان ورود يا ترک بندري در قلمرو آن يا رسيدن يا ترک تسهيلات فراساحلي واقع در آبهاي سرزميني آن نيستند، مشروط بر اين که دولت عضوي که گواهينامه مقرر به موجب بند(2) اين ماده را صادر مي کند به دبيرکل اعلام کرده باشد که سوابق را به شکل الکترونيکي، قابل دسترس براي کليه دولتهاي عضو، مؤيد وجود گواهينامه و قادرکننده دولتهاي عضو به ايفاء وظايفشان به موجب بند (12) اين ماده، نگهداري مي‌کند. 14ـ اگر بيمه يا تضمين مالي ديگر در مورد کشتي که متعلق به يک دولت عضو است، نگهداري نشود مفاد اين ماده درخصوص کشتي مزبور قابل اعمال نخواهد بود، اما کشتي مزبور بايد گواهينامه صادره توسط مقام صلاحيتدار دولت ثبت کشتي را که حاکي از تعلق کشتي به آن دولت است و اين که مسؤوليت کشتي به ميزان مذکور در بند (1) اين ماده تحت پوشش قرار گرفته است، به همراه داشته باشد. گواهينامه مزبور تا سر حد امکان بايد با نمونه مذکور در بند (2) اين ماده هماهنگ باشد. 15ـ يک دولت مي‌تواند به هنگام تنفيذ، پذيرش، تصويب، يا الحاق به اين کنوانسيون، يا در هر زمان پس از آن، اعلام نمايد که اين ماده در مورد کشتيهايي که منحصراً در منطقه موضوع جزء (1) بند (الف) ماده (2)اين كنوانسيون در آن دولت مورد بهره‌برداري قرار مي‌گيرند، اعمال نمي‌شود.
	+ ماده 8 ـ مرور زمان حقوق مربوط به جبران خسارت به موجب اين کنوانسيون جز در صورتي که دعوايي تحت شرايط مقرر، ظرف سه‌سال از تاريخ وقوع خسارت اقامه شده باشد، از بين خواهد رفت. با اين حال در هيچ موردي يک دعوا پس از شش ‌سال از تاريخ سانحه موجب خسارت، نمي‌تواند اقامه شود. در مواردي که سانحه‌اي مرکب از تعدادي از وقايع است، دوره شش‌ساله از تاريخ نخستين واقعه شروع مي‌شود.
	+ ماده 9ـ صلاحيت 1ـ هنگامي که سانحه‌اي، موجب خسارت آلودگي در قلمرو يک يا چند دولت عضو از جمله درياي سرزميني يا منطقه موضوع جزء (2) بند (الف) ماده(2)اين كنوانسيون شود يا اقدامات پيشگيرانه جهت پيشگيري يا تقليل خسارت آلودگي در قلمرو مزبور از جمله درياي سرزميني يا در منطقه مزبور اتخاذ شده باشد، اقامه دعاوي جبران خسارت عليه مالک کشتي، بيمه‌گر يا شخص ديگر ارائه‌کننده تضمين براي مسؤوليت مالک کشتي، فقط مي‌تواند در دادگاههاي هر يک از دولتهاي عضو مزبور اقامه گردد. 2ـ اخطاريه متعارفي در مورد هر دعوايي که بر اساس بند (1) اين ماده اقامه شده است بايد به هر خوانده‌داده شود. 3ـ هر دولت عضو بايد اطمينان نمايد که دادگاههاي آن جهت رسيدگي به دعاوي جبران خسارت به موجب اين کنوانسيون، صلاحيت دارند.
	+ ماده 10ـ شناسايي و اجراء 1ـ هر رأي صادره توسط دادگاه داراي صلاحيت طبق ماده (9) اين كنوانسيون که در دولت صادر‌کننده قابل اجراء است و به طرق عادي نيز قابل تجديد نظر نباشد، جز در موارد زير، در هر دولت عضو مورد شناسايي قرار خواهد گرفت: الف) چنانچه رأي از طريق تقلب به دست آمده باشد؛ يا ب) چنانچه به خوانده اخطاريه متعارف و فرصت عادلانه براي طرح مطلب وي داده نشده باشد. 2ـ رأيي که به موجب بند(1) اين ماده شناسايي شده است، در هر دولت عضو به محض انجام تشريفات لازم در آن دولت قابل اجراء خواهد بود. تشريفات نبايد مجوزي براي اعاده دادرسي از حيث ماهيت باشد.
	+ ماده 11ـ شرط جانشيني اين کنوانسيون در تاريخي كه براي امضاء مفتوح مي‌شود جانشين هر کنوانسيون لازم‌الاجراء يا مفتوح براي امضاء، تصويب يا الحاق خواهد شد اما فقط تا حدي که کنوانسيون مزبور با اين کنوانسيون در تعارض باشد، با اين حال، هيچ يک از مفاد اين ماده بر تعهدات دولتهاي عضو در قبال دولتهاي غيرعضو اين کنوانسيون که از کنوانسيون مزبور ناشي ‌گردد، تأثيري نخواهد داشت.
	+ ماده 12ـ امضاء، تنفيذ، پذيرش، تصويب و الحاق 1ـ اين کنوانسيون در مقر سازمان از تاريخ 1 اکتبر 2001 ميلادي تا 30 سپتامبر 2002 ميلادي (برابر با 10/7/1380 هجري شمسي تا 9/7/1381 هجري شمسي) جهت امضاء مفتوح خواهد بود و پس از آن براي الحاق مفتوح باقي خواهد ماند. 2ـ دولتها مي‌توانند رضايت خود براي التزام به اين کنوانسيون را به روشهاي زير ابراز دارند: الف) امضاء بدون شرط تنفيذ پذيرش يا تصويب؛ يا ب) امضاء به شرط تنفيذ، پذيرش يا تصويب كه متعاقب آن تنفيذ، پذيرش يا تصويب صورت گيرد؛ يا پ) الحاق. 3ـ تنفيذ، پذيرش، تصويب يا الحاق به وسيله سپردن سندي به همين منظور نزد دبير کل، صورت خواهد گرفت. 4ـ هر سند تنفيذ، پذيرش، تصويب يا الحاق سپرده شده پس از لازم‌الاجراء شدن اصلاحيه اين کنوانسيون، در مورد همه دولتهاي عضو موجود، يا پس از کامل شدن تمام اقدامات لازم براي لازم‌الاجراء شدن اصلاحيه در مورد دولتهاي عضو مزبور، چنين تلقي خواهد گرديد كه شامل اين کنوانسيون به گونه اصلاح‌شده توسط اصلاحيه خواهد بود.
	+ ماده 13ـ دولتهايي با بيش از يک نظام حقوقي 1ـ اگر دولتي داراي دو يا چند واحد سرزميني باشد که در آنها نظامهاي مختلف حقوقي در رابطه با موضوعات مورد حکم در اين کنوانسيون قابل اعمال است، مي تواند در زمان امضاء، تنفيذ، پذيرش، تصويب يا الحاق اعلام کند که اين کنوانسيون به تمام واحدهاي سرزميني آن يا فقط به يک واحد يا چند واحد از آنها تعميم خواهد يافت و مي‌تواند در هر زماني اين اعلاميه را با تسليم اعلاميه‌ديگري تغيير دهد. 2ـ هر اعلاميه‌مزبور به آگاهي دبير کل خواهد رسيد و بايد واحدهاي سرزميني‌را که اين کنوانسيون در مورد آنها اعمال مي‌شود، به طور صريح بيان نمايد. 3ـ در رابطه با دولت عضوي که چنين اعلاميه‌اي را صادر نموده است: الف) در تعريف « مالک ثبت شده» در بند (4) ماده (1) اين كنوانسيون اشاره‌ها به دولت، اشاره به واحد سرزميني‌مزبور ، تعبير خواهد شد. ب) اشاره‌ها به دولت ثبت کشتي، و در رابطه با گواهينامه بيمه اجباري، اشاره‌ها به دولت صادرکننده يا تأييد کننده، اشاره به واحد سرزميني ‌تعبير خواهد شد که به ترتيب در آن، کشتي ثبت شده است و گواهينامه را صادر يا تصديق مي‌كند. پ) اشاره‌ها در اين کنوانسيون به الزامات قانون ملي، اشاره به الزامات قانون واحد سرزميني مربوط تعبير خواهد شد. ت) اشاره‌ها در مواد (9) و (10) اين كنوانسيون به دادگاهها، و آرائي که بايد در دولتهاي عضو مورد شناسايي قرار گيرند، به ترتيب اشاره به دادگاههاي واحد سرزميني مربوط، و آرائي که بايد در آن مورد شناسايي قرار گيرند، تعبير خواهد شد.
	+ ماده 14ـ لازم‌الاجراء شدن 1ـ اين کنوانسيون يک سال پس از تاريخي لازم الاجراء خواهد شد که در آن تاريخ، هجده دولت، از جمله پنج دولت که مجموع ظرفيت ناخالص کشتيهاي هر يك از آنها کمتر از يک ميليون تن نباشد، کنوانسيون را بدون شرط تنفيذ، پذيرش يا تصويب امضاء کرده باشند، يا اسناد تنفيذ، پذيرش، تصويب يا الحاق را نزد دبير کل سپرده باشند. 2ـ براي هر دولتي که پس از تحقق شرايط مندرج در بند(1) فوق جهت لازم‌الاجراء شدن، اين کنوانسيون را مورد تنفيذ، پذيرش، تصويب يا الحاق قرار ‌دهد، اين کنوانسيون سه ماه پس از تاريخ سپردن سند مربوط توسط دولت مزبور لازم‌الاجراء خواهد گرديد.
	+ ماده 15ـ فسخ 1ـ هر دولت عضو مي‌تواند عضويت خود را در اين کنوانسيون در هر زمان پس‌از تاريخي که در آن، اين کنوانـسيون براي دولـت مزبور لازم الاجراء مي‌شود، فسخ نمايد. 2ـ فسخ عضويت از طريق سپردن سندي نزد دبير کل نافذ خواهد شد. 3ـ فسخ عضويت، پس از انقضاء مدت يک‌سال، يا هر مدت طولاني‌تري که ممكن است در سند فسخ عضويت قيد شده باشد، از تاريخ سپردن سـند آن نزد دبير کل نافذ خواهد شد.
	+ ماده 16ـ بازنگري يا اصلاح 1ـ سازمان مي‌تواند به منظور بازنگري يا اصلاح اين کنوانسيون، فراهمايي (کنفرانس) را برگزار نمايد. 2ـ سازمان بنا به درخواست حداقل يک سوم دولتهاي عضو، فراهمايي (کنفرانس) دولتهاي عضو را به منظور بازنگري يا اصلاح اين کنوانسيون برگزار خواهد نمود.
	+ ماده 17ـ امين اسناد 1ـ اين کنوانسيون نزد دبير کل سپرده خواهد شد. 2ـ دبير کل بايد: الف) موارد زير را به اطلاع تمام دولتهايي که اين کنوانسيون را امضاء کرده‌اند يا به آن ملحق شده‌اند، برساند: (1) هر امضاء جديد يا سپردن سند به همراه تاريخ آن؛ (2) تاريخ لازم‌الاجراء شدن اين کنوانسيون؛ (3) سپردن هرگونه سند فسخ عضويت در اين کنوانسيون به همراه تاريخ سپردن سند و تاريخي که در آن، فسخ عضويت نافذ مي‌شود؛ و (4) ساير اعلاميه‌ها و اطلاعيه صادر شده به موجب اين کنوانسيون. ب) نسخههاي برابر با اصل اين کنوانسيون را به کليه دولتهايي که اين کنوانسيون را امضاء نموده‌اند يا به آن ملحق شده‌اند، ارسال نمايد.
	+ ماده 18ـ ارسال به سازمان ملل متحد به محض لازم‌الاجراء شدن اين کنوانسيون متن آن توسط دبير کل به دبيرخانه سازمان ملل متحد براي ثبت و انتشار طبق ماده (102) منشور ملل متحد، ارسال خواهد شد.
	+ ماده 19ـ زبانها اين کنوانسيون در يک نسخه اصلي به زبانهاي عربي، چيني، انگليسي، فرانسوي، روسي و اسپانيايي تنظيم شده است که هر يک از متون داراي اعتبار يکسان هستند. اين كنوانسيون در روز 23 ماه مارس 2001 (برابر با 4 فروردين 1380 هجري‌شمسي) در لندن تصويب شد. در تأييد مراتب فوق، امضاءکنندگان زير که از طرف دولتهاي متبوع خود بدين منظور داراي اختيار کامل هستند اين کنوانسيون را امضاء کردهاند.
	+ پيوست-گواهينامه بيمه يا تضمين‌مالي ديگر درباره مسؤوليت مدني براي خسارت آلودگي نفت سوخت کشتيصادر شده طبق مفاد ماده (7) کنوانسيون بين‌المللي درباره مسؤوليت مدني براي خسارت آلودگي نفت سوخت کشتي، مصوب 2001 ميلادي(برابر با 1380هجري‌شمسي)<BR>&nbsp; <DIV ali[[1]](#footnote-1)gn=center> <
* [امضاء] قانون فوق مشتمل‌بر ماده واحده منضم به متن كنوانسيون، شامل‌مقدمه ‌و نوزده‌‌ماده و يك پيوست درجلسه علني روز سه‌شنبه مورخ بيست و هشتم ارديبهشت‌ماه يكهزار و سيصد و هشتاد و نه مجلس شوراي اسلامي تصويب و در تاريخ12/3/1389 به تأييد شوراي نگهبان رسيد. رئيس مجلس شوراي اسلامي ـ علي لاريجاني

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=336637>

# قانون حفاظت از درياها و رودخانه‌هاي قابل كشتيرانيدر مقابل آلودگي به مواد نفتي

* ماده1ـ واژه‌ها و اصطلاحات به كار رفته در اين قانون به شرح زير تعريف مي‌گردد: الف ـ آلودگي يا آلوده كردن: تخليه يا نشت نفت يا مواد نفتي يا آب توازن كشتي‌ها يا نفتكش‌ها در آبهاي موضوع اين قانون. ب ـ منابع آلوده‌كننده: 1ـ كشتيها و نفتكشها اعم از سالم، صدمه ديده، غرق شده و يا در حال غرق و يا در حال ساخت، تعمير، اوراق و قطعه قطعه شدن در مراكز ساخت و يا تعمير در سواحل و يا در آبهاي موضوع اين قانون. 2ـ كليه تأسيسات ثابت و شناور اعم از سكوها، جزاير مصنوعي، مخازن نفتي، لوله‌هاي زير آب در سواحل و يا در درون آبهاي موضوع اين قانون. ج ـ مواد نفتي: هرگونه مايع نفتي يا مخلوطي كه داراي نفت باشد. از قبيل سوخت نفتي، لجن نفتي، مواد زايد و فضولات نفتي، انواع فرآورده‌هاي نفتي و مشتقات آن. د ـ كشتي: هر نوع وسيله نقليه دريارو خواه داراي نيروي محركه باشد يا به نوعي يدك شود. هـ ـ نفتكش: هرگونه كشتي كه از ابتدا به منظور حمل يا ذخيره‌سازي نفت طراحي و ساخته شده‌است و نفت در آن به صورت بدون بسته‌بندي حمل گردد و يا پس از مدتي ساختار آن براي منظور فوق تغيير و تطبيق داده شود. و ـ تأسيسات نفتي: تأسيسات و تجهيزات ثابت يا شناوري كه در اكتشاف، استخراج، توليد، بارگيري و انتقال مواد نفتي مورد استفاده قرار مي‌گيرد. از قبيل سكوها، مخازن نفتي، خطوط لوله و جزاير مصنوعي. ز ـ دفتر ثبت نفت: دفتري كه در آن وقايع مربوط به عمليات فضاي موتورخانه و ماشين‌آلات كشتي، نفتكش، سكو يا تأسيسات نفتي و مخازن يا عمليات توازن و بار نفتكش‌ها ثبت مي‌گردد. اين دفتر مي‌تواند بخشي از دفاتر ثبت روزانه يا دفتري مستقل از ساير دفاتر باشد.
* ماده2ـ آبهاي موضوع اين قانون عبارتند از: مناطق دريايي موضوع قانون مناطق دريايي جمهوري اسلامي ايران در خليج فارس و درياي عمان مصوب 31/1/1372 و آبهاي تحت حاكميت دولت جمهوري اسلامي ايران در درياي خزر و رودخانه‌هاي قابل كشتيراني. تبصره ـ مقررات اين قانون در مورد خليج فارس، درياي عمان و درياي خزر تا زماني لازم‌الاجراء است كه نحوة جلوگيري از آلودگي آبهاي مذكور توسط معاهدات چند جانبة بين‌المللي يا توافق‌هاي دوجانبه بين دولت جمهوري اسلامي ايران و ساير دول ساحلي اين مناطق تعيين نشده و به تصويب مجلس شوراي اسلامي نرسيده باشد.
* ماده3ـ تأسيسات نفتي و همچنين نفتكش‌ها، كشتي‌ها و شناورهايي كه در آبهاي موضوع اين قانون تردد يا توقف مي‌كنند مكلفند « دفتر ثبت نفت» را نگهداري كنند. تبصره 1ـ دفتر ثبت بايد تا مدت سه سال پس از ثبت آخرين واقعه در آن، در كشتي، نفتكش يا تأسيسات نفتي نگهداري گردد. تبصره 2ـ دفتر ثبت نفت به يكي از زبانهاي فارسي يا انگليسي يا فرانسه معتبر خواهدبود و بايد در محلي نگهداري گردد كه در هر زمان براي بازرسي توسط سازمان بنادر و دريانوردي به راحتي در دسترس باشد مگر اين كه كشتي يا نفتكش در حال يدك‌شدن باشد. تبصره3ـ مندرجات و وقايعي كه بايد در دفتر ثبت نفت ذكر گردد، تشريفات ثبت و همچنين مقررات مربوط به بازرسي دفتر مطابق آيين‌نامه‌اي خواهد بود كه ظرف سه ماه پس از تصويب اين قانون به پيشنهاد وزارت راه و ترابري به تصويب هيأت وزيران مي‌رسد.
* ماده4ـ مسؤولان كشتي، نفتكش، سكو و تأسيسات نفتي كه تكاليف راجع‌به نگهداري و تنظيم دفتر ثبت نفت را انجام ندهند يا مطالب نادرست و خلاف واقع در آن ثبت نموده و يا آن را مخدوش كنند، به جزاي نقدي از بيست و پنج ميليون (25.000.000) ريال تا يكصد ميليون (100.000.000) ريال محكوم مي‌شوند.
* ماده5 ـ سازمان بنادر و دريانوردي موظف است در بنادر، اسكله‌ها و پايانه‌هاي نفتي، امكانات و تأسيسات لازم را جهت دريافت آب توازن و فضولات نفتي از نفتكشها، كشتيها و شناورها ايجاد و اداره نمايد. تعيين كارمزد استفاده از اين امكانات و تأسيسات، مطابق آيين‌نامه‌اي خواهد بود كه ظرف سه ماه پس از تصويب اين قانـون به پيشنهاد وزارت راه و ترابـري به تصـويب هيأت وزيران مي‌رسد. تبصره 1ـ وزارتخانه‌هاي نفت، جهاد كشاورزي و صنايع و معادن موظفند تسهيلات مورد نياز از جمله زمين لازم براي ايجاد چنين تأسيساتي را در اختيار سازمان بنادر و دريانوردي قرار دهند. تبصره 2ـ نيروهاي نظامي و انتظامي نيز موظفند امكانات و تأسيسات موضوع اين ماده را در بنادر و تعميرگاه‌هاي دريايي تحت مديريت خود ايجاد نمايند. تبصره3ـ سازمان حفاظت محيط زيست موظف است بر اساس معاهدات بين‌المللي و ضوابط و مقررات ملي، استانداردهاي زيست محيطي مورد نياز براي امكانات و تأسيسات مذكور در اين ماده را تهيه و ابلاغ نموده و با همكاري سازمان بنادر و دريانوردي بر اجراء آن نظارت نمايد.
* ماده6 ـ كليه كشتي‌ها و نفتكش‌ها و شناورها موظفند هنگام ورود به آبهاي موضوع اين قانون در مقابل خسارات احتمالي ناشي از آلودگي آبها به مواد نفتي بيمه شده باشند. در غير اين صورت لازم است تعهدنامه‌اي مالي جهت جبران خسارات احتمالي به همراه داشته باشند. تبصره ـ آيين‌نامه اجرائي اين ماده با پيشنهاد مشترك وزارتخانه‌هاي راه و ترابري، نفت و جهاد كشاورزي و سازمان حفاظت محيط زيست به تصويب هيأت وزيران مي‌رسد.
* ماده7ـ سازمان بنادر و دريانوردي موظف است به منظور پيشگيري از آلودگي، نسبت به بازرسي نفتكش‌ها، كشتي‌ها، شناورها و تأسيسات نفتي مشمول اين قانون اقدام نمايد و در صورت وجود عيب يا نقص تا رفع آن از فعاليت آنها ممانعت به عمل آورد.
* ماده8 ـ سازمان بنادر و دريانوردي موظف است از ورود نفتكش‌هاي تك جداره به آبهاي موضوع اين قانون جلوگيري نمايد.
* ماده9ـ آلوده كردن آبهاي موضوع اين قانون به مواد نفتي ممنوع است و مرتكب يا مرتكبان در صورت آلوده كردن عمدي به حبس از شش ماه تا دو سال يا جزاي نقدي از بيست ميليون (20.000.000) ريال تا پنج ميليارد (5.000.000.000) ريال و يا هر دو مجازات و در صورت آلوده‌كردن غيرعمدي به جزاي نقدي از ده ميليون (10.000.000) ريال تا يك ميليارد (1.000.000.000) ريال محكوم مي‌شوند.
* ماده10ـ مسؤولان نفتكش، كشتي، شناور و تأسيسات نفتي مكلفند در صورت بروز آلودگي به هر دليل، مراتب را در اسرع وقت به مقامات نزديكترين بندر ايران و مقامات محلي سازمانهاي حفاظت محيط زيست و شيلات ايران اطلاع دهند. متخلفان از اين امر حسب مورد علاوه بر مجازاتهاي اداري و ساير مجازاتهاي مقرر در اين قانون به جزاي نقدي از بيست ميليون (20.000.000) ريال تا پنج ميليارد (5.000.000.000) ريال محكوم مي‌شوند.
* ماده11ـ سازمان بنادر و دريانوردي موظف است پس از اطلاع از وقوع آلودگي بلافاصله اقدامات زير را انجام داده و پس از آن در مرجع قضائي صالح نسبت به طرح دعوي عليه آلوده‌كنندگان اقدام نمايد: 1ـ اطلاع‌رساني به نيروهاي نظامي و انتظامي جهت انجام اقدامات‌لازم مطابق اين قانون 2ـ جلوگيري از گسترش آلودگي و رفع آثار آن. 3ـ تنظيم صورت‌مجلس برآورد ميزان آلودگي و جمع‌آوري ادله و قرائن و شواهد مربوط به علل وقوع و آثار آلودگي 4ـ اطلاع‌رساني به سازمانهاي حفاظت محيط‌زيست و شيلات ايران و واحدهاي تابعه آنها حسب مورد و در صورت نياز ساير مراجع مربوط در مورد موقعيت، گستره و مسير جابه‌جايي آلودگي و مشخصات فني اقدامات انجام شده 5 ـ همكاري با سازمانهاي حفاظت محيط‌زيست و شيلات ايران و واحدهاي تابعه آنها حسب مورد درخصوص مطالعه، بررسي و جمع‌آوري ادله، شواهد و قرائن، مدارك و مستندات به منظور ارزيابي ميزان آلودگي و خسارتهاي وارد شده به محيط‌زيست و ذخاير آبزي و تنظيم صورت‌مجلس آن
* ماده12ـ مأموران سازمانهاي بنادر و دريانوردي، حفاظت محيط‌زيست و شيلات ايران كه آموزش‌هاي مخصوص ضابطان دادگستري را با موفقيت گذارنده باشند ضابط دادگستري محسوب شده و صلاحيت كشف جرايم موضوع اين قانون و تعقيب متهمان را دارند.
* ماده13ـ نيروهاي نظامي و انتظامي موظفند پس از اطلاع از وقوع آلودگي اقدامات زير را انجام دهند: 1ـ اطلاع‌رساني به مقامات نزديكترين بندر و مقامات محلي سازمانهاي حفاظت محيط‌زيست و شيلات ايران 2ـ متوقف نمودن نفتكش، كشتي يا شناور و يا جلوگيري از عمليات تأسيسات نفتي 3ـ جلب و بازداشت متهمان ايجاد آلودگي
* ماده14ـ چنانچه مسؤولان وقوع آلودگي كه دستورهاي سازمان بنادر و دريانوردي را كه به منظور جلوگيري از گسترش آلودگي به آنها ابلاغ مي‌شود اجراء ننمايند، به جزاي نقدي از بيست و پنج ميليون (25.000.000) ريال تا پنجاه ميليون (50.000.000) ريال محكوم مي‌شوند.
* ماده15ـ مأموران دولتي كه وظايف خود را در جهت جلوگيري از بروز آلودگي يا گسترش آن و برخورد با متخلفان انجام ندهند، علاوه بر مجازات اداري، به جزاي نقدي از دو ميليون (2.000.000) ريال تا بيست ميليون (20.000.000) ريال محكوم مي‌شوند.
* ماده16ـ مرتكبان آلودگي عمدي با حصول شرايط زير مجازات نمي‌شوند: الف) ايجاد آلودگي براي رفع خطر از كشتي، نفتكش يا تأسيسات نفتي و يا نجات جان اشخاص ضروري باشد. ب) خطر به صورت عمدي ايجاد نشده باشد. ج) ميزان آلودگي با خطري كه نفتكش، كشتي، شناور، تأسيسات نفتي يا جان اشخاص را تهديد مي‌كرده است، متناسب باشد. د) پس از وقوع آلودگي، فوراً اقدامات لازم را به منظور جلوگيري از گسترش و رفع آثار آن انجام داده باشند. تبصره1ـ چنانچه تخليه يا نشت نفت از تأسيسات نفتي در نتيجه حوادث غيرمترقبه باشد، مسؤولان ذي‌ربط مشروط بر آن كه قبل از آلودگي اقدامات احتياطي كافي و پس از آلودگي اقدامات فوري لازم را به منظور جلوگيري از گسترش و رفع آثار آن انجام داده باشند، مجازات نمي‌شوند. تبصره2ـ تشخيص موارد فوق‌الذكر و همچنين بررسي احراز تناسب اقدامات. با خطرات، مؤثر بودن اقدامات انجام شده با ميزان خطر و ميزان خسارات و صدمات احتمالي جاني كه منجر به اين اقدامات شده، بر عهده هيأت كارشناسي سه‌نفره‌اي خواهد بود كه با پيشنهاد رئيس سازمان بنادر و دريانوردي و حكم وزير راه و ترابري تعيين و منصوب مي‌شوند.
* ماده17ـ مالكان، بهره‌برداران و مسؤولان ايجاد آلودگي موضوع اين قانون، براي جبران كليه خسارات ناشي از آلودگي و كليه هزينه‌هاي محدود كردن آثار آلودگي و رفع آن و پايش زيست محيطي از جمله هزينه مواد و تجهيزات به كار گرفته شده و كارمزد خدمات ارائه شده توسط عوامل انساني، مسؤوليت تضامني دارند.
* ماده18ـ رسيدگي به دعاوي مربوط به جبران خسارات وارده به بنادر، تأسيسات و تجهيزات بندري و ساحلي و خسارات وارده به منابع و محيط زيست دريايي، حيات آبزيان و ساير خسارات ناشي از آلودگي موضوع اين قانون با درخواست مدعي‌العموم يا حسب مورد يكي از سازمانهاي بنادر و دريانوردي، حفاظت محيط‌زيست و شيلات ايران و رسيدگي به دعاوي مربوط به جبران خسارات وارد شده به ساير اشخاص با ارائة دادخواست توسط اشخاص خسارت ديده انجام مي‌شود.
* ماده19ـ در صورت تقاضاي اشخاص حقيقي و حقوقي ذي‌نفع و بدون پرداخت خسارتهاي احتمالي، مرجع قضائي مي‌تواند در مورد جرائم موضوع اين قانون با توجه به قرائن و امارات، قرار تأمين خواسته صادر نمايد.
* ماده20ـ سازمانهاي بنادر و دريانوردي، حفاظت محيط‌زيست و شيلات ايران از حيث مطالبه ضرر و زيان ناشي از خسارت به بنادر، تأسيسات، محيط‌زيست دريايي و منابع آبزي در مورد جزائم موضوع اين قانون برحسب مورد و در محدوده وظايف و اختيارات خود، نماينده دولت جمهوري اسلامي ايران در دعاوي بين‌المللي محسوب مي‌شوند.
* ماده21ـ مبالغ مربوط به خسارات دريافت شده تحت عنوان « جبران خسارات وارده به بنادر، تأسيسات، محيط زيست دريايي و حيات آبزيان»، به حسابي متمركز در خزانه‌داري كل واريز و صددرصد (100%) آن براساس بودجه ساليانه، مازاد بر رديفهاي دستگاههاي ذي‌ربط و طبق موافقتنامه‌هاي مربوط، منحصراً براي بهبود، ارتقاء كيفيت، بهسازي، احياء و بازسازي محيط‌زيست دريايي، سواحل و منابع آبزي و به نسبت خسارات وارده، به سازمانهاي بنادر و دريانوردي، حفاظت محيط‌زيست و شيلات ايران و نيروهاي مسلح تخصيص يافته و هزينه مي‌گردد.
* ماده22ـ جريمه‌هاي نقدي موضوع اين قانون هر سه سال يك بار با لحاظ نرخ تورم اعلامي از سوي بانك مركزي جمهوري اسلامي ايران توسط هيأت وزيران تعيين مي‌شود.
* ماده23ـ قوة قضائيه موظف است در هر يك از استانهاي ساحلي محاكمي تخصصي را جهت رسيدگي به دعاوي دريايي اختصاص دهد.
* ماده24ـ بررسي شرايط اقليمي و زيست بومي دريايي و همچنين پيشگيري از آلودگي آبها به جز موارد مصرح در اين قانون، همچنان برعهده سازمان حفاظت محيط‌زيست است. اختيارات و وظايف سازمان حفاظت محيط‌زيست براساس قانون حفاظت و بهسازي محيط زيست مصوب 28/3/1353 و اصلاحات بعدي آن، به قوت خود باقي است.
* ماده25ـ آئين‌نامه‌هاي مورد نياز براي اجراء اين قانون (به جز موارد تعيين شده) ظرف شش ماه توسط وزارت راه و ترابري حسب مورد با مشاركت سازمان حفاظت محيط‌زيست، سازمان شيلات ايران، وزارتخانه‌هاي نفت، نيرو و دادگستري تهيه شده و به تصويب هيأت وزيران مي‌رسد.
* [امضاء] قانون فوق مشتمل بر بيست و پنج ماده و ده تبصره در جلسه علني روز چهارشنبه مورخ بيست و هفتم مردادماه يكهزار و سيصد و هشتاد و نه مجلس شوراي اسلامي تصويب و در تاريخ 17/6/1389 به تأييد شوراي نگهبان رسيد. رئيس مجلس شوراي اسلامي ـ علي لاريجاني

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=337930>

# قانون الحاق تشريفات (پروتكل) آمادگي، واكنش و همكاري منطقه‌اي در مبارزه با سوانح آلودگي نفتي الحاقي به كنوانسيون چهارچوب حفاظت از محيط زيست دريايي درياي خزر

* ماده واحده - تشريفات (پروتكل) آمادگي، واکنش و همكاري منطقه‌اي در مبارزه با سوانح آلودگي نفتي الحاقي به كنوانسيون چهارچوب حفاظت از محيط‌زيست دريايي درياي خزر به شرح پيوست تصويب و به دولت جمهوري اسلامي ايران اجازه داده مي‌شود اسناد تصويب را نزد امين اسناد توديع نمايد. تبصره - رعايت اصل يكصد و سي و نهم (139) قانون اساسي در اجراي ماده (16) و اصل هفتاد و هفتم (77) قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران در اجراي ماده (18) اين تشريفات (پروتكل) الزامي است.
* تشريفات (پروتكل) آمادگي، واکنش و همكاري منطقه‌اي در مبارزه با سوانح آلودگي نفتي الحاقي به كنوانسيون چهارچوب حفاظت از محيط‌زيست دريايي درياي خزر بسم الله‌الرحمن‌الرحيم
	+ مقدمه دولتهاي ساحلي درياي خزر: جمهوري آذربايجان جمهوري اسلامي ايران جمهوري قزاقستان فدراسيون روسيه تركمنستان كه از اين پس «‌طرفهاي متعاهد‌» خوانده مي‌شوند، و عضو کنوانسيون چهارچوب حفاظت از محيط‌زيست دريايي درياي‌خزر، منعقده در تهران، جمهوري اسلامي ايران، به تاريخ13/8/1382 هجري‌شمسي (4 نوامبر 2003 ميلادي) مي‌باشند، كه از اين پس«‌كنوانسيون‌» خوانده مي‌شود؛ با اعلام تعهد به اجراي مقررات مربوط كنوانسيون؛ با ت-صديق اين‌كه آلودگي درياي خزر با نف-ت و سوانح آلودگي نفتي در دريا، محيط‌زيست دريايي را تهديد مي‌كند؛ با تصديق اين‌كه در صورت بروز سوانح آلودگي نفتي ناشي از كشتيها، خطوط لوله، سكوهاي ثابت و شناور، و چاههاي متروك و منابع آلودگي مستقر در خشكي، اقدامات ويژه‌اي ضرورت پيدا خواهد كرد؛ با عزم به اين‌كه در صورت بروز سوانح آلودگي نفتي در دريا به منظور كاهش صدمات ناشي از چنين حادثه‌اي، فوري و بهطور مؤثر وارد عمل شوند؛ با تأكيد بر اهميت آماده‌سازي واقعي در سطح ملي براي مقابله با سوانح آلودگي نفتي در دريا؛ همچنين با تصديق اهميت نهادينه شدن همياري متقابل و همكاري بين‌المللي بين طرفهاي متعاهد؛ همچنين با تأكيد بر اهميت اقداماتي كه به‌صورت انفرادي و مشترك به منظور به حداقل رساندن خطرات سوانح آلودگي نفتي در درياي خزر صورت گرفته است؛ با توجه به موافقتنامه‌هاي منطقه‌اي در ساير مناطق جهان كه هدف آنها مساعدت در مواقع سوانح آلودگي نفتي دريايي است؛ با در نظر گرفتن قصد طرفهاي متعاهد مبني بر حفاظت از محيط‌زيست دريايي و مناطق ساحلي در برابر آلودگي نفتي؛ همچنين با در نظر گرفتن كنوانسيونهاي بين‌المللي مربوط و به ويژه كنوانسيونهاي راجع به آماده‌سازي، و واکنش نسبت به سوانح آلودگي نفتي و مسؤوليت و جبران خسارت صدمات ناشي از آلودگي؛ با ابراز تمايل به توسعه هر چه بيشتر همكاري و کمک متقابل بين طرفهاي متعاهد در مقابله با آلودگي نفتي درياي خزر؛ به ترتيب زير موافقت نمودند:
	+ بخش اول - مقررات عمومي
		- ماده1- کاربرد اصطلاحات از نظر اين تشريفات (پروتكل) الف - «‌سانحه آلودگي نفتي‌» از جمله «‌حوادث آلودگي نفتي‌» به معني واقعه يا سلسله وقايعي با منشأ يكسان است كه به تخليه نفت منجر شده يا بتواند منجر شود و محيط‌زيست دريايي يا خطوط ساحلي را تهديد نموده يا بتواند تهديد نمايد و اقدام اضطراري يا واکنش فوري ديگري را ايجاب نمايد. ب - «‌نفت‌» به معني نفت به هر شكل از قبيل نفت خام، نفت سوخت، لجن نفت، ضايعات نفت، و فرآورده‌هاي تصفيه شده مي‌باشد. پ - «‌كشتي‌» به معني شناور از هر نوع، از جمله هواناو (هاورکرافت)، قايقهاي پرنده (هيدروفويل)، زيردريايي‌ها، و قايقهايي مي‌باشد كه يدك كشيده شده يا خود متحرك باشند و در محيط‌زيست دريايي عمل مي‌كنند. ت - «‌واحد فراساحلي‌» به معني هرگونه سكو يا سازه‌هاي ساخت دست بشر در مناطق فراساحل، اعم از تأسيسات يا سازه‌هاي ثابت يا شناور فراساحلي كه به عمليات كاوش، بهره‌برداري يا توليد منابع هيدروكربني يا تخليه يا بارگيري اين منابع اختصاص دارند. ث - «‌بنادر دريايي و تأسيسات مرتبط با نفت‌» به معني هر گونه تأسيساتي از جمله بنادر دريايي، پايانه‌‌‌هاي نفتي، خطوط لوله و هر نوع تأسيسات مرتبط با نفت است كه در معرض خطر سانحه آلودگي نفتي باشد. ج - «‌مقام صالح ملي‌» به معني مقام ملي منصوب از سوي هر طرف متعاهد است كه مسؤوليت آماده‌سازي و واکنش نسبت به سوانح آلودگي نفتي را عهده‌دار است و همچنين مسؤول اجراء و تحقق تعهدات مندرج در اين پروتكل مي‌باشد.
		- ماده2- دامنه شمول منطقه‌اي که اين تشريفات (پروتکل) در مورد آن اعمال مي‌شود، عبارت است از محيط‌زيست دريايي درياي خزر با در نظر گرفتن تغييرات سطح آب آن، اراضي‌اي كه به علت نزديكي به دريا تأثير پذيرفته‌اند و آلودگي نفتي دريايي ناشي از منابع مستقر در خشكي است.
		- ماده3- هدف هدف اين تشريفات (پروتکل) تحقق اقدامات منطقهاي به منظور آمادگي، واکنش و همكاري براي حفاظت از درياي خزر در قبال آلودگي نفتي ناشي از فعاليتهاي مذكور در مواد(8) و (9) كنوانسيون و آلودگي نفتي ناشي از منابع مستقر در خشكي مي‌باشد.
		- ماده4- مقررات عمومي 1- طرفهاي متعاهد به صورت انفرادي يا مشترک تمام اقدامات براي آمادگي و واکنش نسبت به سوانح آلودگي نفتي را كه براي اجراي اين پروتكل ضرورت دارد، انجام خواهند داد. 2- طرفهاي متعاهد به صورت مشترک دستورالعمل‌هايي را براي جنبه‌هاي عملي، عملياتي و فني اقدام مشترك، تدوين و وضع خواهند كرد. 3- طرفهاي متعاهد سازوكاري منطقه‌اي را ايجاد خواهند كرد. آيين‌نامه‌هاي مربوط به اين سازوكار در اجلاس طرفهاي متعاهد بررسي و متعاقباً تصويب خواهد شد. 4- از نظر اجراي عملياتي اين تشريفات (پروتكل)، طرح درياي خزر در زمينه همكاري منطقه‌اي جهت مقابله با آلودگي نفتي در مواقع اضطراري توسط طرفهاي متعاهد وضع خواهد شد.
		- ماده5 - نظامهاي ملي و طرحهاي اضطراري مقابله با سوانح آلودگي نفتي 1- هر طرف متعاهد نظام ملي واکنش عملياتي نسبت به آلودگي نفتي را برقرار خواهد كرد. اين نظام حداقل شامل تعيين موارد زير خواهد بود: الف - مقام صالح ملي با مسؤوليت آمادگي و واکنش نسبت به سوانح آلودگي نفتي ب - نقطه تماس عملياتي ملي با مسؤوليت دريافت و انتقال اطلاعات مربوط به سوانح آلودگي نفتي به گونه مذكور در بند (4) ماده (7) اين تشريفات (پروتكل) پ - مقام صالح ملي كه از جانب طرف متعاهد اختيار درخواست كمك يا تصميم به ارائه كمك درخواست‌شده را داشته باشد. 2- هر طرف متعاهد يك طرح اضطراري ملي را براي آمادگي و واکنش نسبت به سوانح آلودگي نفتي تهيه و اجراء خواهد كرد. طرح اضطراري ملي، از جمله، شامل موارد زير خواهد بود: الف - شرح سازمان اداري مربوط به آماده‌سازي و مقابله با سوانح آلودگي نفتي، و مسؤوليت‌هاي هر كدام از مقامهاي تشكيل دهنده آن ب - شناسايي منابع احتمالي تخليه نفت پ - فهرست اقلام تجهيزات و منابع انساني كه براي مقابله با سوانح آلودگي نفتي در دسترس خواهند بود. ت - تعيين امكانات نگهداري موقت و دفع نهائي نفت گردآوري شده 3- هر طرف متعاهد در صورت لزوم با همكاري نهادهاي صنايع نفت و كشتيراني، مقامات بندري و ساير نهادهاي ذي‌ربط، حداقل تجهيزات از قبل نصب شده لازم براي مقابله مؤثر با تخليه نفت را تهيه كرده و در شرايط عملياتي نگاه خواهد داشت. تعداد اين تجهيزات بايد متناسب با خطر آلودگي باشد. 4- هر طرف متعاهد، به صورت انفرادي يا در چهارچوب همكاري دوجانبه يا چندجانبه، برنامه‌هايي را براي تمرين و آموزش كاركنان به ‌منظور بهبود وضعيت آمادگي نهادهاي مسؤول مقابله با سوانح آلودگي نفتي تدوين خواهد كرد.
		- ماده6 - اشاعه و تبادل اطلاعات هر طرف متعاهد گزارش اجراي اين تشريفات (پروتکل) را به دبيرخانه تسليم خواهد کرد و متعهد خواهد شد اطلاعات زير را به طور مستقيم يا از طريق ساز و كار منطقه‌اي در اختيار ساير طرفهاي متعاهد قرار دهد: الف - اطلاعات مذكور در بند(1) و جزء (الف) بند(2) ماده (5) اين تشريفات (پروتكل) ب - اطلاعات مربوط به راههاي جديد جلوگيري از آلودگي دريا با نفت و اقدامات جديد مؤثر براي مقابله با آلودگي، از جمله نتايج برنامه‌هاي پژوهشي پ - اطلاعات مربوط به سوانح عمده آلودگي نفتي
		- ماده7- نظام‌نامه‌هاي گزارش آلودگي 1- هر طرف متعاهد اطمينان حاصل خواهد نمود كه اشخاصي كه مسؤوليت كشتيهاي حامل پرچم آن را برعهده دارند اطلاعات مربوط به هر واقعه اضطراري در كشتي خود كه با تخليه، رهاسازي يا نشت نفت همراه است يا هر گونه تخليه، رهاسازي يا نشت احتمالي نفت را بدون تأخير به اطلاع مقامات ملي ذي‌ربط برساند. 2- هر طرف متعاهد دستورالعمل‌هايي را براي اشخاص مسؤول واحدهاي فراساحلي، بنادر دريايي و تأسيسات مرتبط با نفت خود صادر خواهد كرد تا بهموجب آن مقامهاي ملي را بدون تأخير از هرگونه واقعه‌اي كه ناشي از فعاليتهاي آنها در ارتباط با تخليه، رهاسازي، يا نشت نفت يا هر گونه احتمال تخليه، رهاسازي يا نشت نفت است، مطلع سازند. 3- هر طرف متعاهد دستورالعمل‌هايي براي: الف - فرماندهان يا ساير اشخاص مسؤول كشتيهاي حامل پرچم خود ب - كشتيها و هواپيماهاي تجسس دريايي خود پ - خلبانان هواپيماهاي كشوري خود؛ و ت - اشخاص مسؤول واحدهاي فراساحلي، بنادر دريايي و تسهيلات مرتبط با نفت خود صادر خواهد كرد تا بدون تأخير هر گونه حادثه‌ مشاهده شده در دريا، بنادر دريايي يا تسهيلات مرتبط با نفت را كه به نشت نفت مي‌انجامد، به مقامهاي صالح ملي گزارش نمايند و همچنين وجود هرگونه لكه نفتي شناور را گزارش کنند. 4- هر طرف متعاهد در صورت اطلاع از هر سانحه آلودگي نفتي، از جمله هرگونه اطلاعات دريافتي طبق بندهاي (1) تا (3) اين ماده را فوري از جمله از طريق ساز و كار منطقه‌اي، مراتب بروز حادثه و اقدامات انجام شده و در دست اقدام را به طرفهاي متعاهدي كه احتمال مي‌رود از اين حادثه آسيب ببينند اعلام خواهد نمود.
		- ماده8 - اقدامهاي عملياتي 1- هر طرف متعاهد ذي‌ربط در راستاي نظامهاي ملي آمادگي و واکنش نسبت به نشت نفت، متعهد مي‌شود كه در صورت بروز نشت نفت اقدامهاي زير را بهعمل آورد: الف - ارزيابي‌هاي ضروري در خصوص ماهيت، گستره و پيامدهاي احتمالي سانحه آلودگي ن-فتي يا، حسب مورد، نوع و مقدار تقري-بي نفت و جهت و سرعت گسترش نشت نفت ب - هر اقدام عملي ممكن به منظور پيشگيري، كاهش و تا حد امكان، محو آثار سانحه آلودگي نفتي پ - نظارت بر آل-ودگي نفتي و مطلع ساختن ساير طرفهاي متعاهد از تحولات مربوط به سانحه آلودگي نفتي و اقداماتي كه به‌عمل آمده يا برنامه‌ريزي شده است. ت - تشويق و حمايت از اجراي برنامه درياي خزر در زمينه همكاري منطقه‌اي جهت مقابله با آلودگي نفتي در موارد اضطراري 2- هنگامي كه اقدامهايي براي مقابله با آلودگي ناشي از موارد اضطراري به‌عمل مي‌آيد، كليه تدابير ممکن جهت حفظ موارد زير به‌عمل خواهد آمد: الف - جان انسانها ب - كشتي يا واحد فراساحلي، چنانچه كشتي يا واحد فراساحلي در يك حادثه آلودگي نفتي درگير باشد، ضمن رعايت ضرورت پيشگيري يا به حداقل رساندن آسيب به محيط زيست هر طرف متعاهد كه اقدام مزبور را اتخاذ مي‌کند، سازمان بين‌المللي دريانوردي را بهطور مستقيم يا از طريق سازوكار منطقه‌اي مطلع خواهد نمود.
		- ماده9- طرحهاي اضطراري آلودگي نفتي در كشتيها، واحدهاي فراساحلي، بنادر دريايي و تأسيسات مرتبط با نفت 1- هر طرف متعاهد اقدامهاي لازم را به‌عمل خواهد آورد تا اطمينان حاصل نمايد كه كشتيهاي حامل پرچم آن طرح اضطراري آلودگي نفتي را به‌گونهاي كه مطابق مقررات مربوط‌ بين‌المللي از جمله جزء (الف) بند (1) ماده (3) كنوانسيون بين‌المللي آمادگي، مقابله و همكاري در برابر آلودگي نفتي مورخ 1369هجري‌شمسي برابر 1990 ميلادي مصوب 29/4/1376 هجري‌شمسي و مقرره شماره (37) ضميمه اول كنوانسيون بين‌المللي جلوگيري از آلودگي دريا ناشي از كشتيها مورخ 1973 (مارپل 78 و1973 ميلادي)(1352 هجري‌شمسي)، اصلاح شده به‌موجب پروتكل‌الحاقي مورخ1978ميلادي (1357 هجري‌شمسي) مصوب 26/10/1380 موردنياز است، همراه داشته باشد. 2- هر طرف متعاهد فرماندهان كشتيهاي حامل پرچم خود را موظف خواهد كرد كه در صورت بروز سانحه آلودگي نفتي از نظام‌نامه‌هاي مندرج در طرح اضطراري تبعيت كرده و به ويژه اطلاعات دقيق راجع به كشتي و محموله آن كه مرتبط با اقداماتي است که قرار است به موجب ماده (8) اين تشريفات (پروتكل) اتخاذ شود را به اطلاع مقامهاي صالح ملي برسانند و با اين مقامات همكاري نمايند. 3- هر طرف متعاهد از: الف - مسؤولان واحدهاي فراساحلي ب - مقامها يا مسؤولان بنادر دريايي پ - مسؤولان تأسيسات مرتبط با نفت خود خواهد خواست كه طرحهاي اضطراري آلودگي نفتي را تهيه نمايند كه با نظام ملي وضع شده به موجب ماده (5) اين تشريفات (پروتکل) هماهنگ شده و طبق نظام‌نامه‌هاي وضع شده توسط مقام صالح ملي به تأييد رسيده باشد.
		- ماده 10- كمك 1- طرف متعاهدي كه براي مقابله با يك سانحه آلودگي نفتي يا تهديد ناشي از چنين آلودگي نياز به كمك داشته باشد، مي‌تواند از ساير طرفهاي متعاهد درخواست كمك نمايد. طرف متعاهد درخواست‌كننده‌ كمك، نوع مساعدت مورد درخواست، كه ممكن است شامل مشاوره كارشناسي، کارکنان متخصص و گروههاي ضربت، تجهيزات، محصولات، كشتي و هواپيما باشد را مشخص خواهد نمود. طرفهاي متعاهدي كه به موجب اين ماده از آنها درخواست كمك شده است، حداكثر مساعي خود را به‌عمل خواهند آورد تا جايي كه امكانات آنها اجازه مي‌دهد اين كمكها را ارائه دهند. 2- هر طرف متعاهد تدابير حقوقي و اداري لازم را براي تسهيل موارد زير بهكار خواهد بست: الف - كشتيها، هواپيماها و ساير انواع وسايل حمل و نقلي كه در امر واکنش نسبت به سانحه آلودگي نفتي مشاركت داشته يا به حمل كالاها، مواد و تجهيزات مورد نياز براي مقابله با اين سوانح مي‌پردازند، بتوانند به قلمرو آنها وارد شده، از آن قلمرو استفاده كرده و از آن خارج شوند. ب - ورود، تردد و خروج سريع كاركنان، كالاها، مواد و تجهيزات موضوع جزء (الف) در قلمرو خود
		- ماده 11- بازپرداخت هزينه‌هاي كمك 1- طرفهاي متعاهد هزينه‌هاي اقدامهاي مربوط خود در مقابله آلودگي طبق بندهاي (2)، (3) و (4) اين ماده را متقبل خواهند شد مگر چنانچه قبل از بروز سانحه آلودگي نفتي موافقتنامه‌اي دوجانبه يا چندجانبه در خصوص ترتيبات مالي حاكم بر اقدامات طرفهاي متعاهد براي مقابله با سوانح آلودگي نفتي منعقد شده باشد. 2- اقدامهاي يك طرف متعاهد براي كمك به طرف متعاهد ديگر جهت مقابله با يك سانحه آلودگي نفتي بهموجب درخواست كتبي از سوي طرف متعاهد دريافت‌كننده‌ كمك صورت خواهد گرفت. 3- طرف درخواست‌كننده‌ كمك هزينه فعاليتهاي ارائه كمك براي مقابله با سوانح نشت نفت را كه هر طرف متعاهد بنا به درخواست طرف متعاهد ديگر تقبل مي‌كند، جبران خواهد نمود. چنانچه درخواست كمك لغو گردد، طرف متعاهد درخواست‌كننده، هزينه‌هايي را كه از قبل توسط طرف متعاهد كمك‌كننده صورت گرفته يا تعهد شده است، تقبل خواهد كرد. 4- چنانچه يك طرف متعاهد به ابتكار خود براي ارائه كمك اقدام كرده باشد و چنانچه طرف متعاهد ديگر نسبت به آن اعتراض ننمايد، طرف متعاهد كمك‌کننده، هزينه اقدامهاي خود را تقبل خواهد نمود. 5 - اصول مذكور در بندهاي (2)، (3) و (4) اين ماده در صورتي اعمال مي‌شود كه طرفهاي متعاهد ذي‌ربط در هر مورد خاص به گونه ديگري توافق ننموده باشند. 6 - هزينه‌هاي اقدامهاي صورت گرفته از سوي يك طرف متعاهد بنا به درخواست طرف متعاهد ديگر طبق قوانين ملي طرف متعاهد كمك‌كننده در مورد بازپرداخت اين قبيل هزينه‌ها، به گونهاي منصفانه محاسبه خواهد شد، مگر آن‌كه به گونه ديگري توافق شده باشد. 7- در صورت اقتضاء، طرف متعاهد درخواست‌كننده و طرف متعاهد كمك‌كننده براي طرح دعواي جبران خسارت همكاري خواهند نمود. به اين منظور، آنها نظامهاي حقوقي موجود در زمينه مسؤوليت و جبران خسارت صدمات ناشي از آلودگي را به‌گونه مقتضي مدنظر قرار خواهند داد. هرگاه دعواي مطرح شده، جبران كامل هزينه‌هاي وارده در عمليات كمك را تجوير ننمايد، طرف متعاهد درخواست‌كننده‌ كمك مي‌تواند از طرف متعاهد كمك‌كننده درخواست نمايد كه از درخواست بازپرداخت مازاد هزينه‌ها منصرف شود يا ميزان هزينه‌هاي محاسبه شده طبق بند (6) اين ماده را كاهش دهد. طرف مذكور همچنين مي‌تواند خواستار تعويق بازپرداخت اين قبيل هزينه‌ها شود. 8 - مفاد اين ماده به گونه‌اي تفسير نخواهد شد كه به حقوق طرفهاي متعاهد براي استرداد هزينه‌هاي اقدامهاي انجام شده در مقابله با سوانح آلودگي نفتي يا تهديد ناشي از چنين سوانحي از طرفهاي ثالث، به موجب قوانين ملي خود و معاهدات بين‌المللي كه طرفهاي متعاهد در آن عضويت دارند، خدشه‌اي وارد نمايد. طرفهاي متعاهد مي‌توانند براي استرداد هزينه‌هاي صورت گرفته در اقدامات خود، همكاري نمايند و کمک متقابل ارائه نمايند.
	+ بخش دوم - ترتيبات سازماني
		- ماده12- مقررات سازماني 1- از نظر اين تشريفات(پروتکل) و طبق بند (10) ماده (22) كنوانسيون، اجلاس طرفهاي متعاهد، از جمله، مبادرت به اقدامهاي زير خواهد نمود: الف - نظارت بر اجراي اين تشريفات(پروتکل) ب - نظارت بر محتواي اين تشريفات(پروتکل) پ - بررسي و تصويب هرگونه اصلاحيه اين تشريفات(پروتکل) يا پيوستهاي آن ت - بررسي گزارش‌هايي كه توسط دبيرخانه راجع به موضوعات مربوط به اجراي اين تشريفات(پروتکل) تهيه شده است. ث - در صورت اقتضاء، مطالبه خدمات مالي و فني مؤسسات علمي و نهادهاي بين‌المللي مربوط براي اهداف اين تشريفات (پروتكل) ج - در صورت لزوم، ايجاد نهادهاي فرعي که براي اجراي اين تشريفات (پروتکل) لازم به نظر مي‌رسند. چ - اجراي وظايف موضوع بند(3) ماده (4) اين تشريفات (پروتكل) ح - بررسي‌راهبردها، طرحهاي اقدام و برنامه‌هاي مربوط به اجراي اين تشريفات (پروتكل) خ - انجام ساير وظايفي كه براي اجراي اين تشريفات (پروتکل) ممکن است لازم باشد. 2- از نظر اين تشريفات (پروتکل) و طبق بند (4) ماده (23) كنوانسيون، دبيرخانه، از جمله: الف - اطلاعيه‌ها و ساير اطلاعات دريافت شده طبق مفاد اين تشريفات (پروتكل) را تهيه و در اختيار طرفهاي متعاهد قرار خواهد داد. ب - گزارشهاي مربوط به موضوعات مرتبط با اجراي اين تشريفات (پروتكل) را تهيه و ارسال خواهد نمود. پ - درخواستهاي طرفهاي متعاهد و اطلاعات دريافت شده از آنها را بررسي نموده و با طرفهاي مذكور در خصوص موضوعات مرتبط با اجراي اين تشريفات (پروتكل) مشورت خواهد كرد. ت - ترتيب-ات لازم براي تأمي-ن كمكها و توصيه‌هاي فني براي اجراي مؤثر اين تشريفات (پروتكل) را، در صورت درخواست هر طرف متعاهد، به انجام خواهد رساند. ث - در صورت اقتضاء، با سازمانها و برنامه‌هاي منطقه‌اي و بين‌المللي ذي‌ربط همكاري خواهد نمود. ج - ساير وظايفي كه ممكن است توسط اجلاس طرفهاي متعاهد تعيين گردد، را به انجام خواهد رساند.
		- ماده13- وظايف سازوكار منطقه‌اي 1- ساز و كار منطقه‌اي به طرفهاي متعاهد در واكنش فوري و مؤثر در برابر سوانح آلودگي نفتي كمك خواهد كرد. 2- وظايف سازوكار منطقه‌اي شامل موارد زير خواهد بود: الف - برقراري روابط كاري نزديك با مقام صالح ملي طرفهاي متعاهد و، در صورت لزوم، با سازمانها و نهادهاي ذي‌ربط بين‌المللي و منطقه‌اي دولتي و غيردولتي مرتبط با سوانح آلودگي نفتي ب - هماهنگي فعاليتهاي منطقه‌اي مرتبط با همكاري فني، آموزش، تمرينها و ارائه خدمات كارشناسي در موارد اضطراري و كمك به فعاليتهاي ملي در اين زمينه‌ها پ - ج-مع‌آوري و اشاعه اطلاعات مربوط به سوانح آلودگي نفتي (فهرستها، نظرات كارشناسي، گزارشهاي سوانح، پيشرفتهاي فني براي بهبود طرحهاي اضطراري، و غيره) ت - تهيه رويه‌هاي نظام‌مند براي تبادل اطلاعات و داده‌هاي مربوط به سوانح آلودگي نفتي ث - اقدام به عنوان کانوني براي تبادل اطلاعات در خصوص فنون جستجوي سوانح آلودگي نفتي در درياي خزر ج - ارائه پيشنهاد در خصوص روزآمد كردن طرح درياي خزر در زمينه همكاري منطقه‌اي جهت مقابله با آلودگي نفتي در موارد اضطراري چ - اجراي ساير وظايفي كه ممکن است از سوي اجلاس طرفهاي متعاهد مقرر ‌گردد.
	+ بخش سوم - اجراء و رعايت
		- ماده14- تأمين بودجه تشريفات (پروتكل) 1- به منظور تحقق اهداف اين تشريفات (پروتكل)، طرفهاي متعاهد اطمينان حاصل خواهند نمود که منابع مالي براي تدوين و اجراي برنامه‌ها، پروژه‌ها و اقدامات مربوط در دسترس مي‌باشند. به اين منظور، طرفهاي متعاهد: الف - منابع مالي داخلي قابل دسترسي را تعهد خواهند نمود. ب - تدارك منابع مالي از منابع و سازوكارهاي تأمين بودجه دوجانبه يا چندجانبه، از جمله كمكها و وامها، را تشويق خواهند كرد. پ - به جستجوي روشها و مشوقهاي مبتكرانه براي تدارك و هدايت منابع، از جمله منابع بنيادها، نهادهاي دولتي كشورهاي ديگر، سازمانهاي بين‌المللي، سازمانهاي غيردولتي، و نهادهاي بخش خصوصي، خواهند پرداخت. 2- مقررات مالي كنوانسيون، با اعمال تغييرات لازم، در مورد اين تشريفات (پروتكل) اعمال خواهد شد، مگر آنكه طرفهاي متعاهد به گونه ديگري تصميم بگيرند.
		- ماده15- ارتباط با كنوانسيون آيين كاري كه به موجب جزء (پ) بند(9) ماده(22) كنوانسيون به تصويب رسيده است، به اين تشريفات (پروتكل) نيز تسري خواهد يافت مگر آن‌كه طرفهاي متعاهد تصميم ديگري اتخاذ كرده باشند.
		- ماده16- حل و فصل اختلافات هر گونه اختلاف بين طرفهاي متعاهد در ارتباط با اجراء يا تفسير مفاد اين تشريفات (پروتكل) ، به موجب ماده (30) كنوانسيون حل و فصل خواهد شد.
		- ماده17- تصويب و لازم‌الاجراء شدن تشريفات (پروتكل) 1- اين تشريفات (پروتكل) با تصميم به اتفاق آراء طرفهاي متعاهد طي اجلاس طرفهاي متعاهد تصويب خواهد شد. 2- اين تشريفات (پروتكل) از تاريخ 21/5/1390 هجري شمسي(12 آگوست 2011 ميلادي) تا 22/12/1390 هجري‌شمسي (12 فوريه 2012 ميلادي) در شهر تهران فقط براي امضاء دولتهاي ساحلي درياي خزر مفتوح مي‌باشد. 3- اين تشريفات (پروتكل) منوط به تنفيذ، پذيرش يا تصويب دولتهاي ساحلي درياي خزر خواهد بود، و از تاريخي كه تشريفات (پروتكل) براي امضاء بسته ميشود، براي الحاق هر يك از دولتهاي ساحلي درياي خزر مفتوح خواهد بود. 4- اسناد تنفيذ، پذيرش، تصويب يا الحاق نزد امين اسناد كنوانسيون توديع خواهد شد. 5 - اين تشريفات (پروتكل) در نودمين روز پس از تاريخ توديع سند تنفيذ، پذيرش، تصويب يا الحاق توسط تمامي دولتهاي ساحلي درياي خزر لازم‌الاجراء خواهد شد.
		- ماده18- تصويب اصلاحات و پيوستهاي تشريفات (پروتكل) و اصلاحات پيوستها هر يك از طرفهاي متعاهد مي‌تواند اصلاح اين تشريفات (پروتكل) يا افزودن پيوستهايي به آن يا اصلاح پيوستهاي آن را پيشنهاد نمايد. اين اصلاحات و پيوستها توسط طرفهاي متعاهد تصويب و طبق مواد (24) و (25) كنوانسيون لازم‌الاجراء خواهند شد.
	+ بخش چهارم - مقررات نهائي
		- ماده 19- تأثير تشريفات (پروتكل) بر قوانين ملي مفاد اين تشريفات (پروتكل) بر حق طرفهاي متعاهد براي اتخاذ تدبير شديدتر ملي براي اجراي اين تشريفات (پروتكل) خدشه‌اي وارد نمي‌سازد.
		- ماده 20- ارتباط با ساير موافقتنامه‌هاي بينالمللي هيچ‌يك از مفاد اين تشريفات (پروتكل) به حقوق و تعهدات طرفهاي متعاهد به‌موجب ساير موافقتنامه‌هاي بينالمللي که طرفها عضوآنها هستند لطمه‌اي وارد نمي‌سازد.
		- ماده21- قيد تحديد تعهد هيچ گونه قيد تحديد تعهدي را نمي‌توان براي اين تشريفات (پروتكل) در نظر گرفت.
		- ماده22- متون معتبر متون آذري، انگليسي، فارسي، قزاقي، روسي و تركمني اين تشريفات (پروتكل) داراي اعتبار يكسان مي‌باشد. در صورت بروز اختلاف در تفسير يا اجراي اين تشريفات (پروتكل)، متن انگليسي ملاك خواهد بود.
		- ماده23- امين اسناد امين اسناد اين تشريفات (پروتكل)، همان امين اسناد كنوانسيون خواهد بود.
		- ماده24- ارتباط با مذاكرات راجع به وضعيت حقوقي درياي خزر هيچ‌گونه تفسيري از اين تشريفات (پروتكل) براي پيش قضاوت در مورد نتايج مذاكرات مربوط به وضعيت نهائي رژيم حقوقي درياي خزر جايز نيست.
	+ [امضاء] در تأييد مراتب فوق، امضاءكنندگان زير كه بهطور مقتضي بدين منظور مجاز شده‌اند، اين تشريفات (پروتكل) را امضاء نمودند. اين تشريفات (پروتكل) در شهر آکتائو در روز بيست و يکم مرداد ماه يک هزار و سيصد و نود هجري‌شمسي برابر با دوازدهم آگوست دو هزار و يازده ميلادي تنظيم گرديد.
* [امضاء] قانون فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن تشريفات (پروتكل) شامل مقدمه و بيست و چهار ماده درجلسه علني روز يكشنبه مورخ پانزدهم مردادماه يكهزار و سيصد و نود و يك مجلس ‌شوراي ‌اسلامي تصويب شد و در تاريخ 25/5/1391 به تأييد شوراي‌نگهبان رسيد. رئيس مجلس شوراي اسلامي - علي لاريجاني

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=350712>

# قانون تصويب اصلاحيه پروتكل 1992 ميلادي برابر با 1371 هجري شمسيجهت اصلاح كنوانسيون بين‌المللي مسؤوليت مدني ناشي از خسارت آلودگي نفتي 1969 ميلادي برابر با 1348هجري شمسي ‌و پروتكل 1992 ميلادي برابر با 1371هجري شمسي جهت اصلاح كنوانسيون تأسيس يك ‌صندوق بين‌المللي براي جبران خسارت آلودگي نفتي 1971 ميلادي برابر با 1350 هجري شمسي

* ماده واحده ـ اصلاحيه پروتكل 1992ميلادي برابر با1371هجري شمسي جهت اصلاح كنوانسيون بين‌المللي مسؤوليت مدني ناشي از خسارت آلودگي نفتي 1969 ميلادي برابر با 1348هجري شمسي‌ و پروتكل 1992 ميلادي برابر با 1371 هجري شمسي ‌جهت اصلاح كنوانسيون تأسيس يك ‌صندوق بين‌المللي براي جبران خسارت آلودگي نفتي 1971ميلادي برابر با 1350هجري شمسي موضوع قطعنامه‌هاي شماره (1)82 و (2)82 مورخ هجدهم اكتبر 2000ميلادي برابر با 27/2/1381 هجري‌شمسي كارگروه حقوقي سازمان بين‌المللي دريانوردي، به شرح زير تصويب مي‌گردد: 1ـ بند(1) ماده(6) پروتكل 1992ميلادي برابر با 1371هجري شمسي جهت اصلاح كنوانسيون بين‌المللي مسؤوليت مدني ناشي از خسارت آلودگي نفتي 1969 ميلادي برابر با 1348هجري شمسي به شرح زير اصلاح مي‌گردد: ـ عبارت « سه‌ ميليون (3.000.000) واحد محاسبه» به عبارت « چهار ميليون و پانصد و ده هزار(4.510.000) واحد محاسبه» تغيير مي‌يابد. ـ عبارت « چهارصد و بيست(420) واحد محاسبه» به عبارت « ششصد و سي و يك (631) واحد محاسبه»‌ تغيير مي‌يابد. ـ عبارت « پنجاه و نه ميليون و هفتصدهزار (59.700.000) واحد محاسبه» به عبارت « هشتاد و نه ميليون و هفتصد و هفتادهزار (89.770.000) واحد محاسبه» تغيير مي‌يابد. 2ـ بند (3) ماده (6) پروتكل 1992 ميلادي برابر با 1371 هجري شمسي‌ جهت اصلاح كنوانسيون تأسيس يك ‌صندوق بين‌المللي براي جبران خسارت آلودگي نفتي 1971ميلادي برابر با 1350 هجري شمسي به شرح زير اصلاح مي‌گردد: ـ در جزء (الف) بند(4) عبارت « يكصد و سي ‌و پنج ميليون (135.000.000) واحد محاسبه» به عبارت « دويست و سه ميليون (203.000.000) واحد محاسبه» تغيير مي‌يابد. ـ در جزء (ب) بند (4) عبارت« يكصد و سي ‌و پنج ميليون (135.000.000) واحد محاسبه» به عبارت « دويست و سه ميليون (203.000.000) واحد محاسبه» تغيير مي‌يابد. ـ در جزء (ج) بند (4) عبارت « دويست ميليون (200.000.000) واحد محاسبه» به عبارت « سيصد ميليون و هفتصد و چهل‌هزار (300.740.000) واحد محاسبه» تغيير مي‌يابد.
* [امضاء] قانون فوق مشتمل‌بر ماده واحده در جلسه علني روز چهارشنبه مورخ يكم دي‌ماه يكهزار و سيصد و هشتاد و نه مجلس شوراي اسلامي تصويب و در تاريخ 15/10/1389 به تأييد شوراي نگهبان رسيد. رييس مجلس شوراي اسلامي ـ علي لاريجاني

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=339506>

# قانون اصلاح جداول شماره (4) و (8) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي جمهوري اسلامي ايران و قانون بودجه سال 1385 كل كشور به منظور اختصاص دو درصد (2%) از درآمد حاصل از صادرات نفت خام و گاز طبيعي به استانهاي نفت‌خيز و گازخيز شهرستانها و بخشهاي محروم كشور

* ماده واحده ـ به دولت اجازه داده مي‌شود در سال 1385 تا سقف شش هزار ميليارد (6،000،000،000،000) ريال و همه ساله تا پايان برنامه چهارم توسعه اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي جمهوري اسلامي ايران، دو درصد (2%) از درآمد حاصل از صادرات نفت خام و گاز طبيعي را به استانهاي نفت‌خيز و گازخيز و شهرستانها و بخشهاي محروم كشور (به نسبت يك سوم و دوسوم) جهت اجراي برنامه‌هاي عمراني اختصاص دهد. متناسب با ارقام فوق‌الذكر، جداول مربوط در قانون بودجه سال 1385 كل كشور و جداول شماره (4) و (8) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي جمهوري اسلامي ايران اصلاح مي‌شود. مبلغ يكهزارميليارد (1،000،000،000،000) ريال جهت گازرساني به مناطق روستايي اختصاص مي‌يابد. تبصره 1ـ آيين‌نامه اجرايي اين قانون توسط سازمان مديريت و برنامه‌ريزي كشور و با همكاري وزارتخانه‌هاي نفت و كشور تهيه و به تصويب هيأت وزيران مي‌رسد. تبصره2ـ با تصويب اين قانون، قانون اختصاص دو در هزار درآمد ناشي از فروش نفت خام براي عمران و آباداني مناطق نفت‌خيز لغو مي‌شود.
* [امضاء]قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره در جلسه علني روز چهارشنبه مورخ دوازدهم مهرماه يكهزار و سيصد و هشتاد و پنج مجلس شوراي اسلامي تصويب و در تاريخ 19/7/1385 به تأييد شوراي نگهبان رسيد. رئيس مجلس شوراي اسلامي ـ غلامعلي حدادعادل

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=225412>

# قانون الحاق دولت جمهوري اسلامي ايران به پروتكل 1992 جهت اصلاح كنوانسيون بين‌المللي مسؤوليت مدني ناشي از خسارت آلودگي نفتي (1969) و پروتكل 1992 جهت اصلاح كنوانسيون تأسيس يك صندوق بين‌المللي براي جبران خسارت آلودگي نفتي (1971)

* ماده واحده ـ به دولت جمهوري اسلامي ايران اجازه داده مي‌شود به پروتكل 1992 جهت اصلاح كنوانسيون بين‌المللي مسؤوليت مدني ناشي از خسارت آلودگي نفتي 1969 مشتمل بر مقدمه، هجده ماده، يك ضميمه و نكات توضيحي و پروتكل (1992) جهت اصلاح كنواسيون تأسيس يك صندوق بين‌المللي براي جبران خسارت آلودگي نفتي (1971) مشتمل بر مقدمه و سي و نه ماده به شرح پيوست ملحق شود و اسناد مربوط را تسليم نمايد. بسم‌الله الرحمن الرحيم
* پروتكل 1992 جهت اصلاح كنوانسيون تأسيس يك صندوق بين‌المللي براي جبران خسارت آلودگي نفتي، (1971) طرف‌هاي متعاهد به پروتكل حاضر با درنظر داشتن كنوانسيون بين‌المللي تأسيس صندوق بين‌المللي براي جبران خسارت آلودگي نفتي، (1971) و پروتكل (1984) مربوط به آن. با توجه به اين‌كه پروتكل (1984) مربوط به اين كميسيون كه دامنه شمول را افزايش و ميزان غرامت را بهبود مي‌بخشد، لازم‌الاجراء نگرديده‌است. با تأييد اهميت حفظ استمرار نظام بين‌المللي مسؤوليت و جبران خسارت آلودگي نفتي. با آگاهي از نياز به تضمين لازم‌الاجراء شدن هرچه سريعتر مفاد پروتكل (1984). با اذعان به اينكه اتخاذ ترتيباتي جهت اجراء همزمان و مكمل كنوانسيون اصلاح شده و كنوانسيون اصلي براي يك دوره انتقالي، براي دولتهاي متعاهد واجد مزيت است. با قانع شدن نسبت به اين‌كه تبعات اقتصادي خسارت آلودگي ناشي از حمل نفت به‌صورت فله در دريا توسط كشتي‌ها كماكان بايد مشتركاً توسط صنعت كشتيراني و صاحبان كالاي نفتي تحمل گردد. با درنظر داشتن تصويب پروتكل (1992) جهت اصلاح كنوانسيون بين‌المللي مسؤوليت مدني ناشي از خسارت آلودگي نفتي، (1969) به شرح ذيل توافق نمودند:
	+ ماده 1ـ كنوانسيوني كه توسط مفاد اين پروتكل اصلاح مي‌شود عبارت است از كنوانسيون بين‌المللي تأسيس يك صندوق بين‌المللي براي جبران خسارت آلودگي نفتي (1971) كه از اين پس با عنوان كنوانسيون صندوق (1971) مورد اشاره قرار خواهدگرفت. براي دولتهاي متعاهد به پروتكل (1976) كنوانسيون صندوق (1971) اشاره به عنوان مزبور، به منزله اشاره به‌كنوانسيون صندوق (1971) به صورت اصلاح شده توسط آن پروتكل تلقي خواهدشد.
	+ ماده 2ـ ماده (1) كنوانسيون صندوق (1971) به صورت ذيل اصلاح مي‌شود: 1ـ متن ذيل جايگزين بند (1) مي‌شود: 1ـ كنوانسيون مسؤوليت (1992) به معناي كنوانسيون بين‌المللي مسؤوليت مدني ناشي از آلودگي نفتي، (1992) مي‌باشد. 2ـ پس از بند (1) بند جديدي به صورت ذيل اضافه مي‌گردد: (1) مكرر ـ كنوانسيون صندوق (1971) به معناي‌كنوانسيون بين‌المللي تأسيس صندوق بين‌المللي براي جبران خسارت آلودگي نفتي (1971) مي‌باشد. براي دولتهاي متعاهد به پروتكل (1976) مربوط به آن كنوانسيون، اين عبارت به منزله اشاره به‌كنوانسيون صندوق (1971) به صورت اصلاح شده توسط آن پروتكل تلقي خواهدشد. 3ـ متن ذيل جايگزين بند (2) مي‌شود: 2ـ كشتي، شخص، مالك، نفت، خسارت آلودگي، اقدامات پيشگيرانه، سانحه و سازمان داراي همان معاني مندرج در ماده (1) كنوانسيون مسؤوليت (1992) مي‌باشد. 4ـ‌ متن ذيل جايگزين بند (4) مي‌شود: 4ـ واحد محاسبه داراي همان معني مندرج در بند (9) ماده (5) كنوانسيون مسؤوليت (1992) مي‌باشد. 5 ـ متن ذيل جايگزين بند (5) مي‌شود: ظرفيت كشتي داراي همان معني مندرج در بند (10) ماده (5) كنوانسيون مسؤوليت (1992) مي‌باشد. 6 ـ متن ذيل جايگزين بند (7) مي‌شود: 7ـ ضامن به معناي هر شخصي است كه به منظور تحت پوشش قراردادن مسؤوليت مالك مطابق بند (1) ماده (7) كنوانسيون مسؤوليت (1992) بيمه يا تضمين مالي ديگري ارائه مي‌كند.
	+ ماده 3ـ ماده (2) كنوانسيون صندوق (1971) به صورت ذيل اصلاح مي‌شود: متن ذيل جايگزين بند (1) مي‌شود: 1ـ‌ بدين وسيله يك صندوق بين‌المللي جهت جبران خسارت آلودگي تحت عنوان صندوق بين‌المللي جبران خسارت آلودگي نفتي (1992) كه از اين پس صندوق ناميده خواهد شد با اهداف ذيل تأسيس مي‌گردد: الف ـ پرداخت غرامت در ازاي خسارت آلودگي به ميزاني كه پوشش حمايتي ارائه شده توسط كنوانسيون مسؤوليت (1992) ناكافي نيست. ب ـ به اجراء در آوردن مقاصد مذكور در اين كنوانسيون.
	+ ماده 4ـ متن ذيل جايگزين ماده (3) كنوانسيون صندوق (1971) مي‌شود: اين كنوانسيون منحصراً شامل موارد ذيل خواهدبود: الف ـ خسارت آلودگي ايجاد شده: (1) در سرزمين، شامل درياي سرزميني يك دولت متعاهد، و (2) در منطقه انحصاري اقتصادي يك دولت متعاهد كه براساس حقوق بين‌المللي ايجاد شده ‌است، يا اگر يك دولت متعاهد چنين منطقه‌اي را ايجاد ننموده‌است، در منطقه‌اي فراتر و مجاور با درياي سرزميني آن دولت كه براساس حقوق بين‌الملل توسط دولت مزبور تعيين شده‌است، كه اين منطقه نبايد بيش از 200 مايل دريايي از خط مبدأيي كه عرض درياي سرزميني از آن اندازه گرفته خواهد شد امتداد يابد. ب ـ اقدامات پيشگيرانه جهت پيشگيري يا به حداقل رساندن خسارت مزبور، در هر محلي كه انجام شود.
	+ ماده 5 ـ عنوان مواد (4) تا (9) كنوانسيون صندوق (1971) با حذف عبارت « و تأديه خسارت» اصلاح مي‌گردد.
	+ ماده 6 ـ ماده (4) كنوانسيون صندوق (1971) به صورت ذيل اصلاح مي‌گردد: 1ـ در بند (1) پنج مورد اشاره به كنوانسيون مسؤوليت جاي خود را به كنوانسيون مسؤوليت (1992) خواهد داد. 2ـ متن ذيل جايگزين بند (3) مي‌شود: 3ـ در صورتي كه صندوق ثابت كند كه خسارت آلودگي كلاً يا جزئاً ناشي از فعل يا ترك فعل توأم با قصد ايراد خسارت توسط شخصي كه متحمل خسارت شده يا ناشي از قصور شخص مزبور بوده است، صندوق مي‌تواند كلاً يا جزئاً از تعهد خود مبني بر پرداخت غرامت به چنين شخصي معاف گردد. صندوق در هر صورت به ميزاني كه مالك كشتي مي‌توانسته طبق بند (3) ماده (3) كنوانسيون مسؤوليت (1992) معاف گردد، از مسؤوليت معاف خواهدشد. با اين حال چنين معافيتي درخصوص اقدامات پيشگيرانه شامل حال صندوق نخواهد شد. 3ـ متن ذيل جايگزين بند (4) خواهد شد: 4ـ الف ـ به غير از مواردي كه در بندهاي فرعي (ب) و (ج) اين بند به گونه ديگري مقرر شده‌است، كل ميزان غرامت قابل پرداخت توسط صندوق طبق اين ماده در رابطه با هر سانحه واحد، بگونه‌اي محدود خواهد شد، كه كل اين مقدار و مقدار غرامتي كه عملاً طبق كنوانسيون مسؤوليت (1992) در ازاي خسارت آلودگي مشمول كنوانسيون حاضر، بر طبق تعريف ماده (3) پرداخت گرديده‌است، از (135) ميليون واحد محاسبه تجاوز نكند. ب ـ به غير از موردي كه در بند فرعي (ج) به گونه ديگري مقرر شده‌است، كل مقدار غرامت قابل پرداخت توسط صندوق طبق اين ماده در ازاي خسارت آلودگي ناشي از يك پديده طبيعي داراي ماهيت استثنائي، اجتناب ناپذير و غيرقابل مقاومت، از (135) ميليون واحد محاسبه تجاوز نخواهد نمود. ج ـ حداكثر مقدار غرامت مورد اشاره در بندهاي فرعي (الف) و (ب) در ازاي هر سانحه واقع شده در طي مدتي كه سه دولت متعاهد به اين كنوانسيون وجود دارند كه مجموع ميزان نفت مشمول حق عضويت دريافت شده توسط اشخاص واقع در سرزمين اين دولت‌هاي متعاهد در طول سال تقويمي قبل، معادل يا بيش از 600 ميليون تن بوده است، معادل 200 ميليون واحد محاسبه خواهدبود. د ـ بهره انباشته در صندوقي‌كه مطابق بند (3) ماده (5) كنوانسيون مسؤوليت (1992) افتتاح شده‌است، اگر چنين بهره‌اي موجود باشد، جهت محاسبه حداكثر غرامت قابل پرداخت توسط صندوق مطابق اين ماده، در نظر گرفته نخواهد شد. هـ ـ مقادير مورد اشاره در اين ماده بر مبناي ارزش پول ملي در مقابل حق برداشت ويژه در تاريخ صدور رأي مجمع صندوق درخصوص اولين تاريخ پرداخت غرامت، به پول ملي تبديل خواهند شد. 4ـ متن ذيل جايگزين بند (5) مي‌شود: 5 ـ هنگامي كه ميزان خواسته دعاوي اثبات شده عليه صندوق بيش از كل ميزان غرامت قابل پرداخت طبق بند (4) است، مقدار موجودي قابل پرداخت به گونه‌اي توزيع خواهد شد كه نسبت ميان هريك از دعاوي اثبات شده و مقدار غرامتي كه عملاً توسط خواهان مطابق اين كنوانسيون كسب شده‌است، براي تمامي خواهانها يكسان باشد. 5 ـ متن ذيل جايگزين بند (6) مي‌شود: 6 ـ مجمع صندوق مي‌تواند در موارد استثنائي حكم نمايد كه غرامت از طريق اين كنوانسيون، حتي در صورتي هم كه مالك كشتي صندوقي را طبق بند (3) ماده (5) كنوانسيون مسؤوليت (1992) افتتاح نكرده‌است، قابل پرداخت مي‌باشد. در چنين موردي، بند (4هـ) اين ماده نيز مجري خواهد.
	+ ماده 7ـ ماده (5) كنوانسيون صندوق (1971) حذف مي‌گردد.
	+ ماده 8 ـ ماده (6) كنوانسيون صندوق (1971) به صورت ذيل اصلاح مي‌شود: 1ـ در بند (1) شماره بند و عبارت « يا تأديه خسارت طبق ماده (5)» حذف مي‌گردد. 2ـ بند (2) حذف مي‌گردد.
	+ ماده 9ـ ماده (7) كنوانسيون صندوق (1971) به صورت ذيل اصلاح مي‌شود: 1ـ در بندهاي (1)، (3)، (4) و (6) و (7) مورد اشاره به « كنوانسيون مسؤوليت» جاي خود را به « كنوانسيون مسؤوليت (1992)» مي‌دهند. 2ـ در بند (1)، عبارت « يا تأديه خسارت طبق ماده (5)» حذف مي‌گردد. 3ـ در جمله اول بند (3)، عبارات « يا تأديه خسارت» و «يا (5)» حذف مي‌گردد. 4ـ در جمله دوم بند (3)، عبارت يا طبق بند (1) ماده (5) حذف مي‌گردد.
	+ ماده 10ـ در ماده (8) كنوانسيون صندوق (1971)، اشاره به « كنوانسيون مسؤوليت» جاي خود را به « كنوانسيون مسؤوليت (1992)» مي‌دهد.
	+ ماده 11ـ ماده (9) كنوانسيون صندوق 1971 به صورت ذيل اصلاح مي‌شود: 1ـ متن ذيل جايگزين بند (1) مي‌گردد: «1ـ صندوق در ازاي پرداخت هر مقدار غرامت براي خسارت آلودگي كه مطابق بند (1) ماده (4) اين كنوانسيون توسط صندوق پرداخت مي‌گردد، به عنوان جانشين، مالك تمامي حقوقي خواهد شد كه شخص دريافت‌كنندة غرامت ممكن است مطابق كنوانسيون مسؤوليت 1992 در مقابل مالك يا ضامن وي بدست آورد». 2ـ در بند (2)، عبارت «يا تأديه خسارت» حذف مي‌گردد.
	+ ماده 12ـ ماده (10) كنوانسيون صندوق (1971) به صورت ذيل اصلاح مي‌شود: متن ذيل جايگزين عبارت صدر بند (1) مي‌شود: « حق‌السهم پرداختي سالانه به صندوق درخصوص هريك از دولتهاي متعاهد، توسط اشخاصي پرداخت خواهد شد كه در سال تقويمي مورد اشاره در بندهاي (2) (الف) يا (ب) ماده (12) مجموعاً مقداري متجاوز از 000/150 تن از موارد ذيل را دريافت نموده‌است».
	+ ماده 13ـ ماده (11) كنوانسيون صندوق (1971) حذف مي‌گردد.
	+ ماده 14ـ ماده (12) كنوانسيون صندوق (1971) به صورت ذيل اصلاح مي‌شود: 1ـ در عبارت صدر بند (1)، عبارت « براي هريك از اشخاص مورد اشاره در ماده (10)» حذف مي‌گردد. 2ـ در بندهاي فرعي (ب) و (ج) بند 1 (1)، عبارت «يا 5» حذف مي‌گردد و عبارت «15ميليون فرانك» نيز جاي خود را به « چهارميليون واحد محاسبه» مي‌دهد. 3ـ بند فرعي 1 (2) (ب) حذف مي‌گردد. 4ـ در بند 1 (2)، بند فرعي (ج) به (ب) و بند فرعي (د) به (ج) تبديل خواهدشد. 5 ـ متن ذيل جايگزين عبارت صدر بند (2) خواهد شد: « مجمع، كل ميزان حق عضويتي را كه بايد دريافت شود تعيين خواهد نمود. بر مبناي اين تصميم، مدير در رابطه با هريك از دولتهاي متعاهد، ميزان حق عضويت سالانه هريك از اشخاص مورد اشاره در ماده (10) را محاسبه خواهدنمود». 6 ـ متن ذيل جايگزين بند (4) مي‌شود: 4ـ تاريخ سررسيد پرداخت حق عضويت سالانه تاريخي است كه در آيين‌نامه داخلي صندوق مشخص خواهدشد. مجمع مي‌تواند تاريخ ديگري را براي پرداخت معين كند. 7ـ متن ذيل جايگزين بند (5) مي‌شود: « 5 ـ مجمع مي‌تواند تحت شرايطي كه در آئين‌نامه مالي صندوق مشخص خواهدشد، تصميم به انتقال وجوه بين مبالغ دريافتي طبق ماده (2/12) (الف) و مبالغ دريافتي طبق ماده (2/12) (ب) بگيرد». 8 ـ بند (6) حذف مي‌‌گردد.
	+ ماده 15ـ ماده (13) كنوانسيون صندوق (1971) به صورت ذيل اصلاح مي‌شود: 1ـ متن ذيل جايگزين بند (1) مي‌شود: «1ـ مبلغ عضويت لازم‌التأديه طبق ماده (12) كه در سرموعد پرداخت نگردد مشمول تعلق بهره قرار خواهد گرفت كه نرخ آن مطابق آيين‌نامه داخلي صندوق معين خواهد شد، هر چند كه در شرايط متفاوت مي‌توان نرخهاي متفاوتي را تعيين نمود». 2ـ در بند (3) عبارت « مواد (10) و (11)» جاي خود را به عبارت « مواد (10) و (12)» خواهد داد و عبارت « براي مدتي متجاوز از سه ماه» حذف مي‌شود.
	+ ماده 16ـ بند جديدي با متن ذيل به عنوان بند (4) به ماده (15) كنوانسيون صندوق (1971) اضافه مي‌گردد: «4ـ هرگاه يكي از دولتهاي متعاهد تعهدات خود را مبني بر تسليم اطلاعيه مذكور در بند (2) به مدير ايفاء ننمايد و اين امر منجر به زبان مالي صندوق شود، دولت متعاهد مزبور مسئوول جبران خسارت وارد بر صندوق خواهد بود. مجمع، بنا به توصيه مدير، تعيين خواهد نمود كه آيا دولت متعاهد مزبور بايد غرامت بپردازد يا خير»؟
	+ ماده 17ـ متن ذيل جايگزين ماده (16) كنوانسيون صندوق (1971) مي‌شود: صندوق داراي يك مجمع و يك دبيرخانه تحت سرپرستي مدير خواهد بود.
	+ ماده 18ـ ماده (18) كنوانسيون صندوق (1971) به صورت ذيل اصلاح مي‌شود: 1ـ در جمله صدر ماده، عبارت « ضمن رعايت مفاد ماده (26)» حذف مي‌گردد. 2ـ بند (8) حذف مي‌گردد. 3ـ متن ذيل جايگزين بند (9) مي‌شود: « 9ـ ايجاد هر ارگان فرعي موقت يا دائمي كه ضروري تشخيص داده شود، تعريف حيطه اختيارات آن و اعطاء اختيارات لازم به آن جهت اجراء وظايف محوله، مجمع به‌هنگام انتصاب اعضاء چنين ارگاني تلاش خواهد نمود كه توزيع جغرافيايي عادلانه‌اي را ميان اعضاء حفظ كند تا اطمينان حاصل كند كه دولتهاي متعاهدي كه بيشترين مقادير نفت مشمول حق عضويت در رابطه با آنها دريافت شده است، به نحو مقتضي در ارگان مزبور داراي نماينده باشند، آئين‌ كار مجمع مي‌تواند پس از اعمال تغييرات لازم، بركار اين ارگان فرعي نيز حاكم باشد.» 4ـ در بند (10)، عبارت « كار گروه اجرائي» حذف مي‌گردد. 5 ـ در بند (11)، عبارت « كار گروه اجرائي» حذف مي‌گردد. 6 ـ بند (12) حذف مي‌گردد.
	+ ماده 19ـ ماده (19) كنوانسيون صندوق (1971) به صورت ذيل اصلاح مي‌شود: 1ـ متن ذيل جايگزين بند (1) مي‌شود: «1ـ جلسـات عادي مجمع در هر سال تقويمي يك نوبت و متعاقب دعوت مدير تشكيل خواهد شد.» 2ـ در بند (2) عبارت « كار گروه اجرائي يا» حذف مي‌گردد.
	+ ماده 20ـ مواد (21) تا (27)كنوانسيون صندوق (1971) و عنوان اين مواد حذف مي‌گردد.
	+ ماده 21ـ ماده (29) كنوانسيون صندوق (1971) به شرح ذيل اصلاح مي‌شود: 1ـ متن ذيل جايگزين بند (1) مي‌شود: 1ـ مدير، عالي‌ترين مقام اجرائي صندوق خواهد بود. ضمن رعايت دستورالعملهاي ارائه شده به مدير توسط مجمع، بايد وظايفي را كه طبق اين كنوانسيون، آيين‌نامه داخلي صندوق و توسط مجمع به وي محول گرديده است، به انجام برساند. 2ـ در بند (2) (هـ) عبارت « يا كار گروه اجرائي» حذف مي‌گردد. 3ـ در بند (2) (و)، عبارت يا به كار گروه اجرائي، برحسب اقتضاء حذف مي‌گردد. 4ـ متن ذيل جايگزين بند (2) (ز) خواهد شد: (ز) ـ گزارشي از فعاليتهاي صندوق در سال تقويمي قبل را ضمن مشورت با رئيس مجمع تهيه نموده، منتشر خواهد كرد. 5 ـ در بند (2) (ح) عبارت « كار گروه اجرائي» حذف مي‌گردد.
	+ ماده 22ـ در بند (1) ماده (31) كنوانسيون صندوق (1971) عبارت « كارگروه اجرائي و» حذف مي‌گردد.
	+ ماده 23ـ ماده (32) كنوانسيون صندوق (1971) به صورت ذيل اصلاح مي‌گردد: 1ـ در صدر ماده، عبارت « و كار گروه اجرائي» حذف مي‌گردد. 2ـ در بند فرعي (ب) عبارت و « كار گروه اجرائي» حذف مي‌گردد.
	+ ماده 24ـ ماده (33) كنوانسيون صندوق (1971) به صورت ذيل اصلاح مي‌شود: 1ـ بند (1) حذف مي‌گردد. 2ـ در بند (2) شماره بند حذف مي‌گردد. 3ـ متن ذيل جايگزين بند فرعي (ج) خواهد شد: ج ـ ايجاد ارگانهاي فرعي طبق بند (9) ماده (18) و مسائل مربوط به ايجاد اين ارگانها.
	+ ماده 25ـ متن ذيل جايگزين ماده (35) كنوانسيون صندوق (1971) مي‌شود: دعاوي جبران خسـارت طبـق ماده (4) ناشي از سوانـح واقـع شده پس از تاريخ لازم‌الاجراء شدن اين كنوانسيون، قبل از يكصدو بيستمين روز پس از آن تاريخ قابل طرح نزد صندوق نمي‌باشد.
	+ ماده 26ـ پس از ماده (36) كنوانسيون صندوق (1971) چهار ماده جديد به شرح ذيل اضافه مي‌گردند: ماده36 مكرر (اول) ـ مقررات انتقالي ذيل در مدتي اجراء خواهد شد كه از اين پس با عنوان دوره انتقال مورد اشاره قرار مي‌گيرد و آغاز آن تاريخ لازم‌الاجراء شدن اين كنوانسيون و خاتمه آن تاريخي خواهد بود كه موارد انصراف پيش‌بيني شده در ماده (31) پروتكل (1992) جهت اصلاح كنوانسيون صندوق (1971) اثر حقوقي پيدا كنند: الف ـ در اجراء بند (1) الف ـ ماده (2) اين كنوانسيون، اشاره به كنوانسيون مسئووليت (1992) متضمن اشاره به كنوانسيون بين‌المللي مسئووليت مدني ناشي از خسارت آلودگي نفتي (1969) به صورت اصلي يا به صورت اصلاح شده توسط پروتكل (1976) آن كنوانسيون (كه در اين ماده با عنوان كنوانسيون مسئووليت (1969) بدان اشاره شده است) و همچنين كنوانسيون صندوق (1971) مي‌باشد. ب ـ هرگاه سانحه‌اي موجب بروز خسارت آلودگي مشمول اين كنوانسيون گردد، صندوق به هر شخصي كه متحمل خسارت آلودگي شده است، فقط در صورتي و تا ميزاني كه اين شخص قادر به دريافت غرامت كامل و كافي در ازاء خسارت به موجب كنوانسيون مسئووليت (1969) كنوانسيون صندوق (1971) وكنوانسيون مسئووليت (1992) نشده است، غرامت پرداخت خواهد نمود، مشروط بر اين كه در خصوص خسارت آلودگي مشمول اين كنوانسيون در رابطه با دولتي‌كه متعاهد به اين كنوانسيون مي‌باشد ولي متعاهد به كنوانسيون صندوق (1971) نيست، صنـدوق فقط در صـورتي و تا ميزاني به اشخـاص متحمل خسارت آلودگي غرامت پرداخت خواهد كرد كه اين اشخـاص در صـورت متعاهد بودن دولت مزبور به هر يك از كنوانسيونهاي فوق‌الذكر قادر به دريافت غرامت كامل و كافي نباشند. ج ـ در اجراء ماده (4) اين كنوانسيون كل ميزان غرامت قابل پرداخت توسط صندوق شامل ميزان غرامتي كه عملاً طبق كنوانسيون مسئووليت (1969) پرداخت شده است، در صورتي كه چنين غرامتي پرداخت شده باشد و همچنين غرامتي كه طبق كنوانسيون صندوق (1971) عملاً پرداخت شده يا پرداخت آن مفروض تلقي‌گرديده است نيز خواهدبود. د ـ بند (1) ماده9ـ اين كنوانسيون شامل حقوق تعلق گرفته به موجب كنوانسيون مسئووليت (1969) نيز مي‌باشد. ماده36 مكرر (دوم): 1ـ ضمن رعايت بند (4) اين ماده، كل ميزان حق عضويتهاي سالانه قابل پرداخت در رابطه با نفت، مشمول حق عضويت دريافت شده در يك دولت متعاهد واحد در طي يك سال تقويمي، نبايد از بيست و هفت و نيم درصد (5/27%) كل مقدار حق عضويتهاي سالانه براساس پروتكل (1992) جهت اصلاح كنوانسيون صندوق (1971) در رابطه با آن سال تقويمي تجاوز نمايد. 2ـ در صورتي كه اجراء مفاد بندهاي (2) و (3) ماده (12) منجر به آن شود كه كل ميزان حق عضويت قابل پرداخت توسط پرداخت‌كنندگان حق عضويت در يك دولت متعاهد واحد در رابطه با يك سال تقويمي معين از بيست و هفت و نيم درصد (5/27%) كل حق عضويتهاي سالانه پرداختي تجاوز نمايد، حق عضويتهاي قابل پرداخت توسط كليه پرداخت‌كنندگان حق عضويت در آن دولت به نسبت سهم هر يك كسر مي‌گردد به ‌نحوي كه كل ميزان حق عضويت آن دولت معادل بيست و هفت و نيم درصد (5/27%) كل حق عضويتهاي سالانه پرداختي به صندوق در رابطه با آن سال شود. 3ـ در صورتي كه حق عضويتهاي قابل پرداخت توسط اشخاص در يك دولت متعاهد معين براساس بند (2) اين ماده كاهش يابد، حق عضويتهاي قابل پرداخت توسط اشخاص در ساير دولتهاي متعاهد به نسبت سهم آنها افزايش داده خواهد شد تا تضمين گردد كه كل ميزان حق عضويت قابل پرداخت توسط كليه اشخاص موظف به پرداخت حق عضويت به صندوق در رابطه با سال تقويمي موردنظر به مقدار كل حق عضويتهاي تعيين شده توسط مجمع برسد. 4ـ مفاد بندهاي (1) تا (3) اين ماده تا زماني مجري خواهد بود كه كل حجم نفت مشمول حق عضـويت دريافت شده در تمامي دولتهـاي متعاهد ظرف يك سال تقـويمي به هفتصدوپنجاه ميليون تن برسد يا مدت پنج سال از تاريخ لازم‌الاجراء شدن پروتكل (1992) مذكور سپري شود و از ميان اين دو موعد، هر كدام زودتر باشد ملاك خواهد بود. ماده36 مكرر (سوم) ـ قطع نظر از مفاد اين كنوانسيون، مفاد ذيل نيز در طي دوره‌اي كه هم كنوانسيون صندوق (1971) و هم اين كنوانسيون لازم‌الاجراء مي‌باشند، در خصوص اداره صندوق قابل اجراء خواهد بود: الف ـ دبيرخانه صندوق‌كه به موجب كنوانسيون صندوق (1971) تأسيس‌گرديده است (و از اين پس با عنوان « صندوق (1971)» مورد اشاره قرار خواهد گرفت) و تحت رياست مدير مي‌باشد، مي‌تواند به عنوان دبيرخانه و مدير صندوق نيز فعاليت كند. ب ـ در صورتي كه براساس بند فرعي (الف)، دبيرخانه و مديرصندوق (1971) به‌عنوان دبيرخانه و مدير صندوق نيز فعاليت نمايند، در موارد بروز تعارض منافع ميان صندوق (1971) و صندوق، نمايندگي صندوق بر عهده رئيس مجمع صندوق خواهد بود. ج ـ مدير و پرسنل و كارشناسان منصوب از جانب وي، كه وظايف خود را به موجب اين كنوانسيون و كنوانسيون صندوق (1971) به انجام مي‌رسانند، تا هنگامي كه وظايف خود را طبق اين ماده انجام مي‌دهند، ناقص مفاد ماده (30) اين كنوانسيون به‌حساب نخواهند آمد. د ـ مجمع صندوق تلاش خواهد نمود تصميماتي را كه مغاير با تصميمات متخذه توسط مجمع صندوق (1971) باشد اتخاذ نكند. در صورت بروز اختلاف نظر در رابطه با موضوعات اداري مشترك، مجمع صندوق تلاش خواهد نمود كه با همكاري متقابل و توجه به اهداف مشترك هر دو سازمان، به اتفاق نظر با مجمع صندوق (1971) دست پيدا كند. هـ ـ در صورت تصميم مجمع صندوق (1971) مطابق بند (2) ماده (44) كنوانسيون صندوق (1971)، صندوق مي‌تواند جانشين حقوق، تعهدات و دارايي‌هاي صندوق (1971) شود. و ـ صندوق كليه هزينه‌ها و مخارج ناشي از خدمات اداري انجام شده توسط صندوق (1971) به نيابت از صندوق را به صندوق مذكور (1971) بازپرداخت خواهد نمود. ماده36 مكرر (چهارم) ـ مواد نهايي، مقررات نهايي اين كنوانسيون از مواد (28) تا (39) پروتكل (1992) جهت اصلاح كنوانسيون صندوق (1971) اشارات به عمل آمده در اين كنوانسيون به دولتهاي متعاهد به معناي اشاره به دولتهاي متعاهد آن پروتكل تلقي خواهد شد.
	+ ماده 27ـ 1ـ كنوانسيون صندوق (1971) و اين پروتكل، در روابط ميان طرفهاي متعاهد به‌اين پروتكل، در كنار يكديگر هر دو به عنوان يك سند واحد قرائت و تفسير خواهند شد. 2ـ مواد (1) تا (36) مكرر (چهارم) كنوانسيون صندوق (1971) به صورت اصلاح شده توسط اين پروتكل به عنوان كنوانسيون بين‌المللي تأسيس يك صندوق بين‌المللي براي جبران خسارت ناشي از آلودگي نفتي، (1992) شناخته خواهد شد. (كنوانسيـون) صندوق1992). مقررات نهايي
	+ ماده 28ـ امضاء تصويب، پذيرش، تأييد و الحاق 1ـ اين پروتكل از15 ژانويه (1993) برابر با 25/10/1372لغايت 14ژانويه (1994) برابر با 24/10/1373 جهت امضاء توسط هر دولتي كه كنوانسيون مسئووليت (1992) را امضاء نموده است، در لندن مفتوح خواهد بود. 2ـ ضمن رعايت بنـد (4)، اين پروتكل توسط دولتهـايي‌كه آن را امضـاء نموده‌اند مورد تصويب، پذيرش يا تأييد قرار خواهد گرفت. 3ـ ضمن رعايت بند (4)، اين پروتكل براي الحاق توسط كشورهايي كه آن را امضاء نكرده‌اند مفتوح خواهد بود. 4ـ اين پروتكل فقط مي‌تواند موضوع تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق دولتهايي قرار بگيردكه كنوانسيون مسئووليت (1992) را مورد تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق قرار داده‌اند. 5 ـ تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق از طريق توديع يك سند رسمي بدين مضمون نزد دبيركل سازمان اثر خواهد يافت. 6 ـ دولتي كه به اين پروتكل متعاهد است اما از طرفهاي متعاهد به كنوانسيون صندوق (1971) نمي‌باشد، در رابطه با ساير طرفهاي متعاهد اين پروتكل مقيد به مفاد كنوانسيون صندوق (1971) به صورت اصلاح شده توسط اين پروتكل خواهد بود، اما در رابطه با طرفهاي متعاهد به كنوانسيون صندوق (1971) مقيد به مفاد آن كنوانسيون نخواهد بود. 7ـ هرگونه سند تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق كه پس از لازم‌الاجراء شدن هر يك از اصلاحيه‌هاي كنوانسيون صندوق (1971) به صورت اصلاح شده توسط اين پروتكل توديع‌گردد، مربوطه به‌كنوانسيون اصلاح شده مزبور توسط اصلاحيه موردنظر تلقي خواهدشد.
	+ ماده 29ـ اطلاعات مربوط به نفت مشمول پرداخت حق‌السهم 1ـ پيش از آن كه اين پروتكل براي يك دولت لازم‌الاجرا شود، دولت مزبور بايد به‌ هنگام توديع سند مورد اشاره در بند (5) ماده (28) و پس از آن به طور سالانه در تاريخي كه توسط دبيركل سازمان تعيين خواهد شد، نام و نشاني هر شخصي را كه در رابطه با آن دولت، مسئوول پرداخت حق‌السهم به صندوق مطابق ماده (10) كنوانسيون صندوق (1971) به صورت اصلاح شده توسط اين پروتكل مي‌باشد، به همراه اطلاعات مربوط به‌ مقادير نفت مشمول پرداخت حق‌السهم دريافت شده توسط هر يك از اين اشخاص در سرزمين آن دولت در طي سال تقويمي قبل، به دبيركل اعلام نمايد. 2ـ در طول دوره انتقالي، مدير به جاي دولتهاي متعاهد، بطور سالانه اطلاعات مربوط به مقادير نفت مشمول پرداخت حق‌السهم دريافت شده توسط اشخاص مسئوول پرداخت حق‌السهم به صندوق وفق ماده (10) كنوانسيون صندوق (1971) به صورت اصلاح شده توسط اين پروتكل را به دبيركل سازمان اعلام خواهد نمود.
	+ ماده 30ـ لازم‌الاجراء شدن 1ـ اين پروتـكل دوازده ماه پس از تاريخـي كه در آن شرايـط ذيـل تأمين شوند لازم‌الاجراء خواهد شد: الف ـ حداقل هشت دولت اسناد تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق خود را نزد دبيركل سازمان توديع نموده باشند، و ب ـ دبيركل سازمان، اطلاعاتي را مطابق ماده (29) دريافت نموده باشد مبني بر اين‌كه اشخاص مسئوول پرداخت حق عضويت به موجب ماده (10) كنوانسيون صندوق (1971) به صورت اصلاح شده توسط اين پروتكل طي سال تقويمي قبل مجموعاً مقدار حداقل چهارصد و پنجاه ميليون تن نفت مشمول حق عضويت دريافت نموده‌اند. 2ـ با اين حال، اين پروتكل پيش از لازم‌الاجراء شدن كنوانسيون مسئووليت (1992) لازم‌الاجراء نخواهد شد. 3ـ براي هر دولتي كه پس از حصول شرايط مذكور در بند (1) براي لازم‌الاجراء شدن، اين پروتكل را مورد تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق قرار دهد، پروتكل دوازده ماه پس از تاريخ توديع سند مربوطه توسط دولت مزبور لازم‌الاجراء خواهد گرديد. 4ـ هر دولتي مي‌تواند در زمان توديع سند تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق خود در رابطه با اين پروتكل اعلام نمايد كه سند مزبور براي منظور اين ماده تا انقضاء مدت شش ماه مذكور در ماده (31) اثر نخواهد يافت. 5 ـ هر دولتي كه مطابق بند قبل اعلاميه‌اي را صادر نموده است مي‌تواند در هر زمان اعلاميه مزبور را از طريق صدور يك اطلاعيه خطاب به دبيركل سازمان پس بگيرد. پس گرفتن اعلاميه در تاريخي كه اطلاعيه مزبور دريافت شود، اثر خواهد يافت و فرض بر آن است كه هر دولتي كه چنين عملي را انجام مي‌دهد، سند تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق خود در رابطه با اين پروتكل را در همان تاريخ توديع نموده است. 6 ـ هر دولتي كه مطابق بند (2) ماده (13) پروتكل (1992) جهت اصلاح كنوانسيون مسئووليت (1969) اعلاميه‌اي صادر نموده است، صادركننده اعلاميه به‌موجب بند (4) اين ماده نيز تلقي خواهد شد. پس گرفتن اعلاميه صادره طبق بند (2) ماده (13) فوق‌الذكر، به منزله پس گرفتن اعلاميه مطابق بند (5) اين ماده نيز محسوب خواهد شد.
	+ ماده 31ـ خروج از كنوانسيونهاي (1969) و (1971) ضمن رعايت ماده (30)، ظرف شش ماه از تاريخي كه در آن، شرايط ذيل تأمين گردد: الف ـ حداقل هشت دولت به اين پروتكل متعاهد گردند يا اسناد تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق خود را نزد دبيركل سازمان توديع نمايند، اعم از آن كه اين امر مشمول بند (4) ماده(30) باشد يا خير، و ب ـ دبيركل سازمان اطلاعاتي را مطابق ماده (29) دريافت كند مبني بر اين كه اشخاص مسئوول پرداخت حق‌السهم در حال يا آينده به موجب ماده (10) كنوانسيون صندوق (1971) به صورت اصلاح شده توسط اين پروتكل، ظرف سال تقويمي قبل، جمعاً مقدار حداقل هفتصد و پنجاه ميليون تن نفت مشمول حق عضويت دريافت نموده‌اند، هر يك از طرفهاي متعاهد به اين پروتكل و هر دولتي كه سند تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق را توديع نموده است، اعم از آن كه مشمول بند (4) ماده (30) باشد يا خير، بايد در صورت متعاهد بودن به كنوانسيون صندوق (1971) و كنوانسيون مسئووليت (1969)، از اين دو كنوانسيون خارج شود كه از اين خروج دوازده ماه پس از انقضاء مهلت شش ماهه مذكور در فوق اثر خواهد يافت.
	+ ماده 32ـ بازنگري و اصلاح 1ـ سازمان مي‌تواند به منظور بازنگري يا اصلاح كنوانسيون صندوق (1992) كنفرانسي را برگزار نمايد. 2ـ سازمان، بنا به درخواست حداقل يك سوم تمامي دولتهاي متعاهد، كنفرانسي از دولتهاي متعاهد را جهت بازنگري و اصلاح كنوانسيون صندوق (1992) برگزار خواهد نمود.
	+ ماده 33ـ اصلاح سقفهاي پرداخت غرامت 1ـ هرگونه پيشنهاد اصلاح سقفهاي پرداخت غرامت وضع شده در بند (4) ماده (4) كنوانسيون صندوق (1971) به صورت اصلاح شده توسط اين پروتكل، بنا به درخواست حداقل يك چهارم دولتهاي متعاهد، توسط دبيركل بين كليه اعضاء سازمان و كليه دولتهاي متعاهد توزيع خواهد شد. 2ـ هرگونه اصلاحيه‌اي‌كه مطابق بند فوق پيشنهاد و توزيع شده باشد، حداقل شش ماه پس از تاريخ توزيع، جهت بررسي به كار گروه حقوقي سازمان تسليم خواهد شد. 3ـ كليه دولتهاي متعاهد به كنوانسيون صندوق (1971) به صورت اصلاح شده توسط اين پروتكل، اعم از آن كه عضو سازمان باشند يا خير، از حق مشاركت در جلسات كار گروه حقوقي جهت بررسي و تصويب اصلاحات برخوردار خواهند بود. 4ـ اصلاحات با رأي موافق اكثريت دو سوم دولتهاي متعاهد حاضر و رأي دهنده در كار گروه حقوقي گسترش يافته طبق بند (3) به تصويب خواهد رسيد، مشروط بر آن كه حداقل نيمي از دولتهاي متعاهد در زمان رأي‌گيري حاضر باشند. 5 ـ كار گروه حقوقي به هنگام كار بر روي پيشنهاد اصلاح سقفها، بايد تجربه سوانح گذشته، به ويژه ميزان خسارت حاصل از آنها و تغييرات ارزش پول را مورد توجه قرار دهد. كار گروه حقوقي همچنين بايد رابطه ميان سقفهاي مندرج در بند (4) ماده (4) كنوانسيون صندوق (1971) به صورت اصلاح شده توسط اين پروتكل و سقفهاي مذكور در بند (1) ماده (5) كنوانسيون بين‌المللي مسئووليت مدني ناشي از خسارت آلودگي نفتي (1992) را در نظر بگيرد. 6 ـ الف ـ هيچ‌گونه اصلاحيه‌اي در رابطه با مقادير سقف پرداخت غرامت را طبق اين ماده نمي‌توان قبل از پانزدهم ژانويه (1998) و همچنين قبل از انقضاء مدت پنج سال از تاريخ لازم‌الاجراء شدن اصلاحيه قبلي مطابق اين ماده، مورد بررسي قرار داد. هيچگونه اصلاحيه‌اي به موجب اين ماده قبل از لازم‌الاجراء شدن اين پروتكل قابل بررسي نيست. ب ـ هيچ يك از سقفهاي پرداخت غرامت را نمي‌توان به ميزاني افزايش داد كه از مقدار سقف وضع شده در كنوانسيون صندوق (1971) به صورت اصلاح شده توسط اين پروتكل به علاوه شش درصد (6%) در سال كه از پانزدهم ژانويه (1993) به صورت بهره مركب محاسبه مي‌گردد تجاوز نمايد. ج ـ هيچ يك از سقفهاي پرداخت غرامت را نمي‌توان به ميزاني افزايش داد كه از مقدار سقف وضع شده در كنوانسيون صندوق (1971) به صورت اصلاح شده توسط اين پروتكل ضرب در سه تجاوز نمايد. 7ـ هرگونه اصلاحاتي كه طبق بند (4) به تصويب مي‌رسد بايد توسط سازمان به‌تمامي دولتهـاي متعاهد ابلاغ گردد. اصلاحات مورد نظر پس از انقضـاء مدت هجده ماه از تاريخ ابلاغ، پذيرفته شده تلقي خواهد شد مگر آن كه ظرف اين مدت، دست كم يك چهارم دولتهايي كه در زمان تصويب اصلاحات توسط كار گروه حقوقي جزو دولتهاي متعاهد محسوب مي‌شده‌اند، به سازمان اعلام نمايند كه اصلاحات را نمي‌پذيرند كه در اين صورت اصلاحيه مردود شمرده شده، بلااثر خواهد بود. 8 ـ اصلاحيه‌اي كه وفق بند (7) پذيرفته شده تلقي گردد، هجده ماه پس از تاريخ پذيرش لازم‌الاجراء خواهد شد. 9ـ تمامي دولتهاي متعاهد مقيد به اصلاحيه خواهند بود، مگر آن كه مطابق بندهاي (1) و (2) ماده (34) دست كم شش ماه قبل از لازم‌الاجراء شدن اصلاحيه از اين پروتكل انصراف داده باشند. اين انصراف از زمان لازم‌الاجراء شدن اصلاحيه، مؤثر خواهد شد. 10ـ هنگامي كه اصلاحيه‌اي توسط كار گروه حقوقي به تصويب مي‌رسد ولي مهلت هجده ماهه پذيرش آن هنوز منقضي نگرديده است، دولتي كه طي اين مهلت جزو دولتهاي متعاهد مي‌گردد، در صورت لازم‌الاجراء شدن اصلاحيه بدان مقيد خواهد بود. دولتي كه پس از اين مهلت جزو دولتهاي متعاهد خواهد شد، مقيد به اصلاحيه‌اي كه طبق بند (7) پذيرفته شده است، خواهد بود. در موارد مذكور در اين بند، يك دولت در تاريخ لازم‌الاجراء شدن اصلاحيه يا در تاريخي كه اين پروتكل براي دولت مزبور لازم‌الاجراء مي‌گردد، اگر تاريخ اخير بعد از تاريخ لازم‌الاجراء شدن اصلاحيه فرا برسد، مقيد به اصلاحيه خواهد بود.
	+ ماده 34ـ انصراف 1ـ هر يك از طرفهاي متعاهد مي‌تواند در هر زمان پس از تاريخي كه اين پروتكل براي آن دولت متعاهد لازم‌الاجراء مي‌گردد از آن انصراف دهد. 2ـ انصراف از طريق توديع سندي نزد دبيركل سازمان اعتبارخواهد يافت. 3ـ انصراف پس از انقضاء مدت دوازده ماه يا هر مدت طولاني‌تري كه در خود سند قيد شده باشد، از تاريخ توديع سند نزد دبيركل سازمان مؤثر خواهد بود. 4ـ انصراف از كنوانسيون مسؤوليت (1992) به منزلة انصراف از اين پروتكل تلقي خواهد شد. انصراف از اين پروتكل از تاريخي مؤثر خواهد بود كه در آن انصراف از پروتكل (1992) جهت اصلاح كنوانسيون مسؤوليت(1992) مطابق ماده (16) آن پروتكل اثر مي‌يابد. 5 ـ هر يك از دولتهاي متعاهد به اين پروتكل كه از كنوانسيون صندوق (1971) و كنوانسيون مسؤوليت (1969) مطابق مقررات ماده (31) انصرف نداده باشد، پس از انقضاء دوازده ماه از انقضاء مهلت شش ماهه مذكور در آن ماده، خارج شده از اين پروتكل محسوب خواهد شد. از تاريخي كه در آن، موارد انصراف پيش‌بيني‌شده در ماده(31) اثر پيدا مي‌كند، هر يك از دولتهاي متعاهد به اين پروتكل كه سند تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق به كنوانسيون مسؤوليت (1969) را توديع كند، از تاريخ اثر پيدا كردن سند مزبور، خارج‌شده از اين پروتكل تلقي خواهد گرديد. 6 ـ در روابط ميان دولت‌هاي متعاهد به اين پروتكل، انصراف هر يك از آنها از كنوانسيون صندوق (1971) طبق ماده (41) آن كنوانسيون تحت هيچ شرايطي به عنوان انصراف آنها از كنوانسيون صندوق (1971) به صورت اصلاح شده توسط اين پروتكل تفسير نخواهد شد. 7ـ قطع نظر از انصراف هر يك از دولت‌هاي متعاهد از اين پروتكل به موجب اين ماده، هر يك از مفاد اين پروتكل در رابطه با تعهد به پرداخت حق عضويت طبق ماده (10) كنوانسيون صندوق (1971) به صورت اصلاح شده توسط اين پروتكل در خصوص سانحه‌اي كه مشمـول بنـد (2) (ب) مـاده (12) آن كنـوانسيـون اصـلاح‌شده مي‌باشد و پيش از اثر پيدا كردن انصراف از پروتكل اتفاق مي‌افتد، كماكان مجري خواهدبود.
	+ ماده 35ـ جلسات اضطراري مجمع 1ـ هر يك از دولتهاي متعاهد مي‌تواند ظرف نود روز از تاريخ توديع يك سند انصراف كه به عقيدة آن دولت متعاهد، افزيش قابل توجهي در سطح حق‌السهم پرداختي توسط ساير دولتهاي متعاهد را موجب خواهد شد، از مدير درخواست نمايد كه جلسة اضطراري مجمع را برگزار نمايد. مديرجلسه مجمع را حداكثر تا شصت روز پس از دريافت درخواست تشكيل خواهد داد. 2ـ مدير مي‌تواند به ابتكار خود اقدام به تشكيل جلسة اضطراري مجمع ظرف شصت روز پس از توديع يك سند خروج نمايد، در صورتي كه تشخيـص دهد اين خروج منجر به افزايش قابل توجه سطح حق‌السهم پرداختي دولتهاي متعاهد باقيمانده مي‌گردد. 3ـ چنانچه مجمع در جلسة اضطراري برگزار شده مطابق بند (1) يا (2)، حكم، نمايد كه خروج مزبور منجر به افزايش قابل توجه سطح حق‌السهم پرداختي توسط دولتهاي متعاهد باقيمانده مي‌گردد، هر يك از اين دولتها مي‌تواند حداكثر تا يكصد و بيست روز قبل از تاريخي كه اين خروج اثر مي‌يابد، خروج خود از اين پروتكل را كه از همان تاريخ مؤثر خواهد بود، اعلام نمايد.
	+ ماده 36ـ خاتمه اجراء پروتكل 1ـ اين پروتكل در تاريخي كه تعداد دولتهاي متعاهد به كمتر از سه دولت تنزل پيدا كند، قدرت اجرائي خود را از دست خواهد داد. 2ـ دولتهائي كه در روز قبل از تاريخ خاتمه قدرت اجرائي اين پروتكل، بدان متعهد مي‌باشند، بايد امكان اين امر را فراهم آورند كه صندوق وظايف خود را طبق شرح مندرج در ماده (37) اين پروتكل ايفاء نمايد و صرفاً براي همين منظور، مقيد به پروتكل باقي خواهند ماند.
	+ ماده 37ـ انحلال صندوق 1ـ در صورتي كه اين پروتكل قدرت اجرائي خود را از دست بدهد، صندوق كماكان: الف ـ تعهدات خود را در خصوص سانحه‌اي كه قبل از خاتمه قدرت اجرائي پروتكل اتفاق افتاده است، ايفاء خواهد نمود. ب ـ حق خواهد داشت كه حقوق خود را نسبت به حق‌السهم پرداختي تا ميزاني كه اين حق‌السهم‌ها براي ايفاء تعهدات مذكور در بند فرعي (الف) و از جمله براي تأمين مخارج اداره صندوق جهت نيل به اين منظور ضروري هستند، اعمال نمايد. 2ـ مجمع كليه تدابير مقتضي را براي تكميل مراحل انحلال صندوق و از جمله توزيع هرگونه دارايي باقيمانده به صورت عادلانه ميان اشخاصي‌كه به صندوق حق‌السهم پرداخته‌اند، اتخاذ خواهدنمود. 3ـ از لحاظ اين ماده، صندوق كماكان شخصيت حقوقي خود را حفظ خواهد نمود.
	+ ماده 38ـ توديع 1ـ اين پروتكل و هرگونه اصلاحاتي كه طبق ماده (33) به تصويب مي‌رسد، نزد دبيركل سازمان توديع خواهد شد. 2ـ دبيركل سازمان بايد: الف ـ موارد ذيل را به اطلاع تمامي دولتهاي امضاء كننده يا ملحق شده به اين پروتكل برساند: 1ـ هر امضاء يا توديع سند جديد به همراه تاريخ آن. 2ـ هرگونه اعلاميه و اطلاعيه طبق ماده (30) شامل اعلاميه‌ها و اعلام انصرافاتي كه طبق ماده مذكور صادر شده تلقي مي‌گردند. 3ـ تاريخ لازم‌الاجراء شدن اين پروتكل. 4ـ تاريخي كه طبق موارد پيش‌بيني شده در ماده (31) انصراف اثر خواهد يافت. 5 ـ هرگونه پيشنهاد جهت اصلاح سقفهاي پرداخت غرامت كه طبق بند (1) ماده (33) بعمل آمده‌است. 6 ـ هرگونه اصلاحيه‌اي كه به موجب بند (4) ماده (33) به عمل آمده‌است. 7ـ هرگونه اصلاحيه‌اي كه طبق بنـد (7) ماده (33) تصويب شده تلقي مي‌گـردد، به همراه تاريخي كه اصلاحيه مزبور براساس بندهاي (8) و (9) آن ماده لازم‌الاجراء مي‌گردد. 8 ـ توديع هرگونه سند انصراف از اين پروتكل به همراه تاريخ توديع و تاريخي كه انصراف اثر خواهد يافت. 9ـ مواردي كه طبق بند (5) ماده (34)، انصراف بايد مفروض تلقي شود. 10ـ هرگونه ابلاغيه‌اي كه در هر يك از مواد اين پروتكل مقتضي دانسته شده است. ب ـ نسخ مصدق اين پروتكل را براي تمامي دولتهاي امضاء كننده و تمامي دولتهايي كه به اين پروتكل ملحق مي‌شوند، ارسال نمايد. 3ـ در اسرع وقت پس از لازم‌الاجراء شدن اين پروتكل، متن آن بايد جهت ثبت و انتشار طبق ماده (102) منشور ملل متحد، توسط دبير كل سازمان براي دبيرخانه ملل متحد ارسال گردد.
	+ ماده 39ـ زبانها اين پروتكل در يك نسخه اصلي به زبانهاي عربي، چيني، انگليسي، فرانسه، روسي و اسپانيائي تنظيم شده است كه تمامي اين متون از اعتبار يكسان برخوردارند. لندن، 27 نوامبر 1992 ميلادي برابر با 6 آذر ماه 1371 هجري شمسي در تأييد مراتب فوق، امضاءكنندگان ذيل كه براي اين منظور صحيحاً اختيار يافته‌اند، اين پروتكل را به امضاء رسانده‌اند.
* پروتكل 1992 جهت اصلاح كنوانسيون بين‌‌المللي مسؤوليت مدني ناشي از خسارت آلودگي نفتي، 1969 طرفهاي متعاهد به پروتكل حاضر؛ با بررسي كنوانسيون بين‌المللي مسؤوليت مدني ناشي از خسارت آلودگي نفتي، (1969) و پروتكل (1984) آن. با توجه به اين‌كه پروتكل (1984) كنوانسيون مزبور كه اصلاح دامنه شمول كنوانسيون و بهبود جبران خسارت را پيش‌بيني مي‌نمايد، لازم‌الاجراء نگرديده است. با تأييد اهميت حفظ استمرار نظام بين‌المللي مسؤوليت و جبران خسارت آلودگي نفتي. با آگاهي از نياز به تضمين لازم‌الاجراء شدن هر چه سريعتر مفاد پروتكل (1984). با اذعان به اين كه مقررات ويژه‌اي جهت انجام اصلاحات متناظر در كنوانسيون بين‌المللي مربوط به تأسيس يك صندوق بين‌المللي براي جبران خسارت آلودگي نفتي، (1971)، نيز مورد نياز مي‌باشد. به شرح ذيل توافق نمودند:
	+ ماده 1ـ كنوانسيوني كه توسط مفاد اين پروتكل اصلاح مي‌شود عبارت است از «‌كنوانسيون بين‌المللي مسؤوليت مدني ناشي از خسارت آلودگي نفتي، (1969)»، كه از اين پس با عنوان « كنوانسيون مسؤوليت (1969)» مورد اشاره قرار خواهد گرفت، براي دولتهاي متعاهد به پروتكل (1976) كنوانسيون مسؤوليت (1969)، اشاره به عنوان مزبور، به منزله اشاره به كنوانسيون مسؤوليت (1969) اصلاح شده توسط آن پروتكل، خواهد بود.
	+ ماده 2ـ ماده (1) كنوانسيون مسؤوليت (1969) به شرح ذيل اصلاح مي‌گردد: 1ـ متن ذيل جايگزين بند (1) خواهد شد: 1ـ « كشتي» به معناي هر كشتي اقيانوس پيما و هرگونه شناور درياپيمايي مي‌باشد كه به منظور حمل نفت فله به عنوان كالا، ساخته شده يا تغييراتي بدين منظور در آن ايجاد شده باشد، مشروط بر آن كه كشتي قادر به حمل نفت و ساير كالاها، فقط هنگامي كه عملاً در حال حمل نفت فله به عنوان كالا مي‌باشد و همچنين در طي سفر بعد از حمل اين محموله نفت، مشمول عنوان كشتي شناخته شود، مگر آن كه ثابت شود هيچگونه رسوبي از نفت فله حمل شده در كشتي باقي نمانده است. 2ـ متن ذيل جايگزين بند (5) خواهد شد: 5 ـ « نفت» به معناي هرگونه نفت پايدار هيدروكربن معدني همچون نفت خام، نفت سياه، نفت ديزل سنگين و روغن مي‌باشد، اعم از آن كه به عنوان كالا در كشتي حمل‌گردد يا در مخازن سوخت كشتي موجود باشد. 3ـ متن ذيل جايگزين بند (6) خواهد شد: 6 ـ « خسارت آلودگي» عبارت است از: الف ـ تلف يا زيان به بارآمده در خارج از كشتي در اثر آلودگي ناشي از خروج يا تخليه نفت از كشتي، قطع نظر از محل وقوع اين خروج يا تخليه، مشروط بر آن كه پرداخت غرامت در ازاي آسيب وارده بر محيط زيست به استثناي عدم‌النفع حاصل از آسيب مزبور، محدود به هزينه اقدامات معقولي شود كه عملاً براي اصلاح وضعيت انجام پذيرفته است يا بايد انجام بپذيرد. ب ـ هزينه‌هاي اقدامات پيشگيرانه و تلف يا زيان ناشي از اين اقدامات پيشگيرانه. 4ـ متن ذيل جايگزين بند (8) خواهد شد: 8 ـ « سانحه» به معناي هر واقعه يا مجموعه‌اي از وقايع ناشي از منشأ واحد مي‌باشد كه باعث خسارت آلودگي شود يا تهديد شديد و قريب‌الوقوع بروز چنين خساراتي را موجب شود. 5 ـ متن ذيل جايگزين بند (9) خواهد شد: 9ـ « سازمان» عبارت است از سازمان بين‌المللي دريانوردي. 6 ـ پس از بند (9)، بند جديدي با متن ذيل درج مي‌گردد: 10ـ « كنوانسيون مسؤوليت (1969)» عبارت است از كنوانسيون بين‌المللي مسؤوليت مدني ناشي از خسارت آلودگي نفتي، (1969). براي دولتهاي متعاهد به پروتكل (1976) آن كنوانسيون، عبارت مزبور به معناي كنوانسيون مسؤوليت (1969) اصلاح شده توسط آن پروتكل خواهد بود.
	+ ماده 3ـ متن ذيل جايگزين ماده (2) كنوانسيون مسؤوليت (1969) خواهد شد: اين كنوانسيون منحصراً شامل موارد ذيل خواهد بود: الف ـ خسارت آلودگي ايجاد شده: 1ـ در سرزمين، و همچنين درياي سرزميني يك دولت متعاهد، و 2ـ در منطقه انحصاري اقتصادي يك دولت متعاهد كه براساس حقوق بين‌الملل تعيين شده است، يا اگر يك دولت متعاهد چنين منطقه‌اي را تعيين ننموده است، در منطقه‌اي فراتر و مجاور با درياي سرزميني آن دولت كه براساس حقوق بين‌المللي تعيين شده است كه اين منطقه نبايد بيش از 200 مايل دريايي از خط مبدأيي كه عرض درياي سرزميني از آن اندازه‌گيري مي‌شود امتداد يابد. ب ـ اقدامات پيشگيرانه جهت پيشگيري يا به حداقل رساندن خسارت مزبور، در هر محلي كه انجام شوند.
	+ ماده 4ـ ماده (3) كنوانسيون (1969) به صورت ذيل اصلاح مي‌گردد: 1ـ متن ذيل جايگزين بند (1) خواهد شد: 1ـ به استثناء موارد پيش‌بيني شده در بندهاي (2) و (3) اين ماده، مالك كشتي در زمان سانحه، يا در موردي كه سانحه متشكل از مجموع چند واقعه است، مالك كشتي در زمان اولين واقعه، مسؤول هرگونه خسارت آلودگي خواهد بود كه در نتيجه سانحه توسط كشتي به بارآيد. 2ـ متن ذيل جايگزين بند (4) خواهد شد: 4ـ هيچگونه ادعائي براي جبران خسارت ناشي از آلودگي عليه مالك، مسموع نخواهدبود مگر مطابق با مقررات اين كنوانسيون منوط به رعايت مفاد بند (5) اين ماده، هيچگونه ادعائي براي جبران خسارت ناشي از آلودگي بر مبناي اين كنوانسيون يا هر مبناي ديگر عليه اشخاص ذيل مسموع نخواهد بود: الف ـ مستخدمان يا نمايندگان مالك يا خدمه كشتي. ب ـ راهنما يا هر شخص ديگري كه عضو خدمه كشتي نيست و خدماتي را براي كشتي انجام مي‌دهد. ج ـ اجاره‌كننده (به هر شكل كه تعريف شود و شامل اجاره‌كننده دربست كشتي هم خواهد بود)، مدير يا بهره‌بردار كشتي. د ـ هر شخصي كه با رضايت مالك يا براساس دستورالعمل يك مقام ذي‌صلاح دولتي عمليات نجات انجام مي‌دهد. هـ ـ هر شخصي كه اقدامات پيشگيرانه انجام مي‌دهد. و ـ تمامي مستخدمان يا نمايندگان اشخاصي كه در بندهاي (ج)، (د) و (هـ) ذكر شده‌اند؛ مگر آن كه خسارت به وجود آمده ناشي از فعل يا ترك فعل شخص آنها باشد كه با قصد ايراد خسارت يا با بي‌مبالاتي اما با علم به احتمال وقوع چنين خسارتي صورت گرفته باشد.
	+ ماده 5 ـ متن ذيل جايگزين ماده (4) كنوانسيون مسؤوليت (1969) مي‌گردد: هنگامي كه سانحه‌اي بين دو يا چند كشتي اتفاق مي‌افتد و در نتيجه آن خسارت آلودگي ايجاد مي‌شود، مالكان كليه كشتي‌هاي مربوطه، مگر آن كه طبق ماده (3) از مسؤوليت معاف شوند، مشتركاً و منفرداً مسؤول تمامي خسارتي خواهند بود كه به نحو معقول قابل تفكيك نيست.
	+ ماده 6 ـ ماده (5) كنوانسيون مسؤوليت (1969) به صورت ذيل اصلاح مي‌گردد: 1ـ متن ذيل جايگزين بند (1) خواهد شد: 1ـ مالك كشتي حق دارد مسؤوليت خود را به موجب اين كنوانسيون درخصوص هر سانحه واحد تا سقفي كه به صورت ذيل محاسبه مي‌گردد تحديد نمايد: الف ـ سه ‌ميليون واحد محاسبه براي يك كشتي‌كه ظرفيت آن از 5000 واحد ظرفيت تجاوز نكند. ب ـ براي يك كشتي با ظرفيتي بيش از مقدار فوق، در ازاي هر واحد ظرفيت اضافه، 420 واحد محاسبه علاوه بر مقدار مذكور در بند فرعي (الف). مشروط بر آنكه كل ميزان اين سقف در هيچ حالتي از «7/59» ميليون واحد محاسبه تجاوز ننمايد. 2ـ متن ذيل جايگزين بند (2) خواهد شد: 2ـ در صورتي كه ثابت شود خسارت آلودگي ناشي از فعل يا ترك فعل شخصي مالك بوده است، كه با قصد ايراد اين خسارت و يا با بي‌مبالاتي و با علم به احتمال وقوع چنين خسارتي صورت گرفته است، مالك از حق تحديد مسؤوليت خود به موجب اين كنوانسيون محروم خواهد بود. 3ـ متن ذيل جايگزين بند (3) خواهد شد: 3ـ مالك به منظور برخورداري از مزاياي تحديد براساس بند (1) اين ماده بايد صندوقي معادل كل مبلغ نمايانگر سقف مسؤوليت خود، نزد دادگاه يا ديگر مقام ذي‌صلاح هر يك از دولتهـاي متعـاهدي كه دعوي مطـابق ماده (9) در آن دولتهـا اقامه مي‌شود، يا در صورتي‌كه دعوائي اقامه نشود، نزد دادگاه يا ديگر مقام ذي‌صلاح هر يك از دولتهاي متعاهدي كه طبق ماده (9) مي‌توان دعوائي در آن دولت اقامه نمود، افتتاح نمايد. افتتاح صندوق مي‌تواند از طريق توديع وجه يا ارائه ضمانت بانكي يا ديگر اقسام ضمانت قابل قبول طبق قانون دولت متعاهد محل افتتاح صندوق صورت گيرد كه ميزان آن بايد از نظر دادگاه يا ديگر مقام ذي‌صلاح كافي باشد. 4ـ متن ذيل جايگزين بند (9) خواهد شد: 9(الف) ـ « واحد محاسبه» مورد اشاره در بند (1) اين ماده عبارت است از حق برداشت ويژه مطابق تعريف صندوق بين‌المللي پول، مقادير مورد اشاره در بند (1) بر مبناي ارزش پول ملي در مقايسه با حق برداشت ويژه در تاريخ تأسيس صندوق مذكور در بند (3) به پول ملي تبديل خواهدشد. ارزش پول ملي هر دولت متعاهدي كه عضو صندوق بين‌المللي پول مي‌باشد، در مقايسه با حق برداشت ويژه، طبق روش ارزيابي مورد استفاده صندوق بين‌المللي پول كه در تاريخ مورد نظر براي عمليات و معاملات آن معمول است، محاسبه خواهد شد. ارزش پول ملي هر دولت متعاهدي كه عضو صندوق بين‌المللي پول نيست در مقايسه با حق برداشت ويژه، مطابق روش تعيين شده توسط آن دولت محاسبه خواهد شد. 9(ب) ـ با اين وجود، دولت متعاهدي كه عضو صندوق بين‌المللي پول نيست و قانون آن اجراء مفاد «بند 9 (الف)» را اجازه نمي‌دهد، مي‌تواند در زمان تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق به اين كنوانسيون يا در هر زماني پس از آن، اعلام كند كه واحد محاسبه مذكور در بند 9 (الف) معادل پانزده فرانك طلا خواهد بود. فرانك طلاي مورد اشاره در اين بند معادل است با شصت وپنج ونيم ميلي‌گرم طلا با عيار نهصددرهزار تبديل فرانك به طلا به پولي ملي طبق قانون دولت مربوطه انجام خواهد گرفت. 9(ج) ـ محاسبه مورد اشاره در آخرين جمله بند 9(الف) و تبديل مورد اشاره در بند 9 (ب) به‌گونه‌اي انجام خواهد شدكه تا حدامكان نشانگر ارزش واقعي مقادير مذكور در بند (1) براساس پول ملي دولت متعاهد ذي‌ربط باشد كه در نتيجه اجراء سه جمله اول بند 9 (الف) به دست مي‌آيد. دولتهـاي متعـاهد، حسب مورد، نحـوه محـاسبه براسـاس بند 9 (الف) يا نتيجه تبديل براساس بند 9(ب) و يا هرگونه تغييري در هر يك از اين موارد را به هنگام توديع سند تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق به اين كنوانسيون به امانتدار اسناد، اطلاع خواهند داد. 5 ـ متن ذيل جايگزين بند (10) خواهد شد: 10ـ از نظر اين ماده، ظرفيت كشتي عبارت است از ظرفيت ناخالص محاسبه شده براساس مقررات اندازه‌گيري ظرفيت مندرج در ضميمه (1) كنوانسيون بين‌المللي اندازه‌گيري ظرفيت كشتي‌ها، (1969). 6 ـ متن ذيل جايگزين جمله دوم بند (11) خواهد شد: چنين صندوقي مي‌تواند حتي هنگامي كه طبق مفاد بند (2)، مالك حق تحديد مسؤوليت ندارد، ايجاد ‌شود ولي ايجاد آن در چنين موردي مخل حقوق هر يك از مدعيان در مقابل مالك نخواهد بود.
	+ ماده 7ـ ماده (7) كنوانسيون مسؤوليت (1969) به صورت ذيل اصلاح خواهد شد: 1ـ متن ذيل جايگزين دو جمله اول بند (2) مي‌گردد: گواهينامه‌اي مبني بر اين كه بيمه يا تضمين مالي ديگري مطابق مفاد اين كنوانسيون موجود مي‌باشد، پس از آن كه مقام ذي‌صلاح دولت متعاهد احراز نمود كه الزامات بند (1) رعايت گرديده است، براي هر كشتي صادر خواهد شد. در مورد يك كشتي كه در يك كشور متعاهد به ثبت رسيده است، گواهينامه مزبور توسط مقام ذي‌صلاح دولت محل ثبت كشتي صادر يا تصديق خواهد شد؛ در رابطه با يك كشتي كه در يكي از دولتهاي متعاهد به ثبت نرسيده است، گواهينامه مزبور مي‌تواند توسط مقام ذي‌صلاح هر يك از دولتهاي متعاهد، صادر يا تصديق گردد. 2ـ متن ذيل جايگزين بند (4) خواهد شد: 4ـ گواهينامه مزبور در كشتي نگهداري خواهد شد و رونوشتي از آن نزد مقاماتي كه سوابق ثبت كشتي را نگهداري مي‌كنند، يا چنانچه كشتي در يك دولت متعاهد به ثبت نرسيده است، نزد مقامات دولتي كه گواهينامه را صادر يا تصديق نموده است، به امانت سپرده خواهد شد. 3ـ متن ذيل جايگزين جمله اول بند (7) خواهد شد: گواهينامه‌هاي صادرشده يا تصديق شده توسط يك دولت متعاهد مطابق بند (2)، توسط ساير دولتهاي متعاهد براي منظور اين كنوانسيون مورد قبول قرار خواهد گرفت و از سوي ديگر دولتهاي متعاهد داراي همان ميزان اعتبار تلقي خواهند شد كه گواهينامه‌هاي صادره يا تصديق توسط خود آنها از آن برخوردار مي‌باشند، حتي اگر براي كشتي‌اي صادر يا تصديق شده باشد كه در يك دولت متعاهد به ثبت نرسيده است. 4ـ در جملـه دوم بند (7)، كلمات « با دولت محـل ثبت كشتي» جاي خود را به « با دولت صادركننده يا تصديق‌كننده» خواهد داد. 5 ـ متن ذيل جايگزين جمله دوم بند (8) خواهد شد: در چنين موردي خوانده مي‌تواند، حتي در صورتي كه مالك از حق تحديد مسؤوليت خود به موجب بند (2) ماده (5) برخوردار نباشد، از مزاياي سقف مسؤوليتهاي مذكور در بند (1) ماده (5) بهره‌مند گردد.
	+ ماده 8 ـ ماده (9) كنوانسيون مسؤوليت (1969) به شرح ذيل اصلاح مي‌گردد: ـ متن ذيل جايگزين بند (1) خواهد شد: 1ـ هنگامي كه يك سانحه موجب بروز خسارت آلودگي در سرزمين يك يا چند دولت متعاهد و از جمله درياي سرزميني يا منطقه مورد اشاره در ماده (2) مي‌گردد، يا در سرزمين، درياي سرزميني و يا منطقه مزبور، اقدامات پيشگيرانه جهت پيشگيري يا به‌حداقل رساندن خسارت آلودگي انجام مي‌پذيرد، طرح دعاوي پرداخت غرامت فقط مي‌تواند در دادگاههاي اين دولت يا دولتهاي متعاهد اقامه گردد. خوانده بايد در مهلت معقول، از اين دعوي مطلع گردد.
	+ ماده 9ـ پس از ماده (12) كنوانسيون مسؤوليت (1969) دو ماده جديد به شرح ذيل اضافه مي‌گردد: ماده 12 مكرر (اول) ـ مقررات موقتي مقررات موقتي ذيل در مورد دولتي مجري خواهد بود كه در زمان بروز سانحه هم متعاهد به اين كنوانسيون است و هم متعاهد به كنوانسيون مسؤوليت (1969): الف ـ هرگاه سانحه‌اي موجب بروز خسارت آلودگي در حوزه شمول اين كنوانسيون‌گردد، در صورتي و تا حدودي كه مسؤوليتي براساس كنوانسيون مسؤوليت (1969) پديد آيد، مسؤوليت ناشي از اين كنوانسيون مرتفع مي‌گردد. ب ـ هرگاه سانحه‌اي موجب بروز خسارت آلودگي در حوزه شمول اين كنوانسيون‌گردد، و دولت مورد نظر هم متعاهد به اين كنوانسيون و هم متعاهد به كنوانسيون بين‌المللي تأسيس صندوق بين‌المللي براي جبران خسارت آلودگي نفتي، (1971) باشد، مسؤوليت باقيمانده پس از اعمال بند فرعي (الف) اين ماده فقط تا ميزاني مطابق اين كنوانسيون به قوت خود باقي خواهد بود كه خسارت آلودگي پس از اعمال كنوانسيون (1971) مزبور، همچنان جبران نشده باقي بماند. ج ـ در اجراء بند (4) ماده (3) اين كنوانسيون، عبارت « اين كنوانسيون» بايد به‌ گونه‌اي تفسير شود كه حسب مورد به اين كنوانسيون يا به كنوانسيون مسؤوليت (1969) اشاره نمايد. دـ در اجراء بند (3) ماده (5) اين كنوانسيون، كل مبلغ موجودي صندوقي كه بايد افتتاح شود به ميزان مسؤوليتي كه طبق بند فرعي (الف) اين ماده رفع شده تلقي مي‌گردد، كاهش خواهد يافت. ماده 12 مكرر (دوم) ـ مقررات نهايي مقررات نهايي اين كنوانسيون عبارتند از مواد (12) تا (18) پروتكل (1992) جهت اصلاح كنوانسيون مسؤوليت (1969)، اشارات به عمل آمده به دولتهاي متعاهد در اين كنوانسيون به منزله اشاره به دولتهاي متعاهد به آن پروتكل خواهد بود.
	+ ماده 10 ـ نمونه گواهينامه ضميمه اين پروتكل جايگزين نمونه گواهينامه منضم به كنوانسيون مسؤوليت (1969) خواهد شد.
	+ ماده 11 ـ 1ـ كنوانسيون مسؤوليت (1969) و اين پروتكل بايد ميان طرفهاي متعاهد به اين پروتكل هر دو به عنوان يك سند واحد قرائت و تفسير شوند. 2ـ مواد (1) تا (12) مكرر (دوم) كنوانسيون مسؤوليت (1969)، شامل گواهينامه نمونه، كه توسط اين پروتكل اصلاح شده‌اند، به عنوان كنوانسيون بين‌المللي مسؤوليت مدني ناشي از خسارت آلودگي نفتي، (1992) (كنوانسيون مسئووليت 1992) شناخته مي‌شوند. مقررات نهايي
	+ ماده 12 ـ امضاء تصويب، پذيرش، تأييد و الحاق 1ـ اين پروتكل از تاريخ 15 ژانويه 1993 ميلادي برابر با 25/10/1372 هجري‌شمسي لغايت 14 ژانويه 1994 ميلادي برابر با 24/10/1373 هجري شمسي براي امضاء توسط تمامي دولتها مفتوح مي‌باشد. 2ـ ضمن رعايت بند (4)، هر دولت مي‌تواند به طرق ذيل به اين پروتكل متعهد گردد: الف ـ امضاء به شرط تصـويب، پذيرش يا تأييـد و متعاقب آن، تصـويب، پذيرش يا تأييد، يا ب ـ الحاق 3ـ تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق با توديع يك سند رسمي بدين مضمون نزد دبيركل سازمان اعتبار خواهد يافت. 4ـ هر يك از دولتهاي متعاهد به كنوانسيون بين‌المللي تأسيس صندوق بين‌المللي براي جبران خسارت آلودگي نفتي، (1971)، كه از اين پس با عنوان كنوانسيون صندوق (1971) بدان اشاره خواهد شد، فقط در صورتي مي‌تواند اين پروتكل را مورد تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق قرار دهد كه در همان زمان پروتكل (1992) جهت اصلاح كنوانسيون مزبور را نيز مورد تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق قرار دهد، مگر آن كه انصراف خود را از كنوانسيون صندوق 1971، از تاريخ لازم‌الاجراء شدن اين پروتكل براي آن دولت، اعلام دارد. 5 ـ دولتي كه به اين پروتكل متعاهد است ولي از طرف‌هاي متعاهد كنوانسيون مسؤوليت (1969) نمي‌باشد، در روابط خود با ساير دولتهاي متعاهد به اين پروتكل، مقيد به مفاد كنوانسيون مسؤوليت (1969)، اصلاح شده توسط اين پروتكل مي‌باشد ولي در رابطه با دولتهاي متعاهد به كنوانسيون (1969) مقيد به مفاد كنوانسيون مسؤوليت (1969) نيست. 6 ـ هر سند تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق كه پس از لازم‌الاجراءشدن هرگونه اصلاحيه وارد بر كنوانسيون مسؤوليت (1969) اصلاح شده توسط اين پروتكل، توديع گردد، شامل كنوانسيون اصلاح شده توسط اين پروتكل و اصلاحية مزبور خواهد بود.
	+ ماده 13ـ لازم‌الاجراء شدن 1ـ اين پروتكل 12 ماه پس از تاريخي كه در آن 10 دولت، شامل چهار دولت كه ظرفيت ناخالص ناوگان نفتكش آنها دست كم يك‌ميليون واحد است، اسناد تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق خود را نزد دبيركل سازمان توديع نمايند، لازم‌الاجراء خواهد شد. 2ـ با اين حال، هر يك از دولتهاي متعاهد كنوانسيون صندوق (1971) مي‌تواند در زمان توديع سند تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق خود به اين پروتكل، اعلام نمايد كه سند مزبور براي منظور اين ماده تا انقضاء مهلت شش ماهه مذكور در ماده (31) پروتكل 1992 جهت اصلاح كنوانسيون صندوق 1971، فاقد اثر مي‌باشد. دولتي كه به كنوانسيون صندوق 1971 متعاهد نيست اما سند تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق خود را به پروتكل 1992 جهت اصلاح كنوانسيون صندوق 1971 توديع مي‌نمايد نيز مي‌تواند در همين زمان اعلاميه‌اي را مطابق اين بند صادر نمايد. 3ـ هر دولتي كه اعلاميه‌اي را مطابق بند قبل صادر نموده است مي‌تواند در هر زمان با دادن اطلاعيه‌اي خطاب به دبيركل سازمان، آن را پس بگيرد. پس گرفتن اعلاميه، از تاريخ دريافت اطلاعيه مؤثر خواهد بود، مشروط بر آن كه در اين تاريخ، دولت مزبور سند تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق خود را به اين پروتكل توديع نموده باشد. 4ـ براي هر دولتي كه پس از تأمين شرايط مندرج در بند (1) جهت لازم‌الاجراء شدن، اين پروتكل را مورد تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق قرار مي‌دهد، اين پروتكل (12) ماه پس از تاريخ توديع سند مربوطه توسط اين دولت لازم‌الاجراء خواهد گرديد.
	+ ماده 14ـ بازنگري و اصلاح 1ـ سازمان مي‌تواند براي منظور بازنگري يا اصلاح كنوانسيون مسؤوليت (1992) اقدام به تشكيل يك كنفرانس نمايد. 2ـ سازمان بنا به درخواست حداقل يك سوم دولتهاي متعاهد، كنفرانسي از دولتهاي متعاهد را به منظور بازنگري يا اصلاح كنوانسيون مسؤوليت (1992) برگزار خواهد نمود.
	+ ماده 15ـ اصلاح مقادير سقف مسؤوليت 1ـ بنا به درخواست حداقل يك چهارم دولتهاي متعاهد، هرگونه پيشنهادي براي اصلاح مقادير سقف مسؤوليت وضع شده در بند (1) ماده (5) كنوانسيون مسؤوليت (1969) اصلاح شده توسط اين پروتكل، توسط دبيركل به تمامي اعضاء سازمان و كليه دولتهاي متعاهد ابلاغ خواهد شد. 2ـ هرگونه اصلاحيه‌اي‌كه به صورت فوق پيشنهاد و ابلاغ مي‌گردد بايد حداقل شش ماه پس از تاريخ ابلاغ، به كارگروه (كميته) حقوقي جهت بررسي تسليم گردد. 3ـ كليه دولتهاي متعاهد كنوانسيون مسؤوليت (1969) اصلاح شده توسط اين پروتكل، اعم از آن كه اعضاي سازمان باشند يا نباشند، از حق مشاركت در جلسات بررسي و تصويب اصلاحات توسط كارگروه (كميته) حقوقي برخوردار هستند. 4ـ اصلاحات با رأي موافق اكثريت دوسوم دولتهاي متعاهد حاضر و رأي‌دهنده در كارگروه (كميته) حقوقي گسترش يافته طبق بند (3) به تصويب مي‌رسد، مشروط بر اين‌كه دست كم نصف دولتهاي متعاهد در زمان رأي حاضر باشند. 5 ـ كارگروه (كميته) حقوقي، هنگام كار بر روي پيشنهاد اصلاح مقادير سقف مسؤوليت بايد تجارب حاصل از سوانح و به ويژه ميزان خسارت حاصل از آنها، تغييرات ارزشهاي پولي و اثر اصلاحية پيشنهادي بر هزينه بيمه را مورد توجه قرار دهد. اين كارگروه (كميته) همچنين بايد رابطه ميان سقفهاي مسؤوليت در بند (1) ماده (5) كنوانسيون مسؤوليت (1969) اصلاح شده توسط اين پروتكل و سقفهاي مسؤوليت در بند (4) ماده (4) كنوانسيون بين‌المللي تأسيس صندوق بين‌المللي براي جبران خسارت آلودگي نفتي (1992) را در نظر بگيرد. 6 ـ الف ـ هيچگونه اصلاحيه‌اي در رابطه با مقادير سقف مسؤوليت را طبق اين ماده نمي‌توان قبل از 15 ژانويه (1998) و همچنين قبل از انقضاء مدت پنج سال از تاريخ لازم‌الاجراء شدن اصلاحيه قبلي مطابق اين ماده مورد بررسي قرار داد. هيچگونه اصلاحيه‌اي به موجب اين ماده قبل از لازم‌الاجراء شدن اين پروتكل قابل بررسي نيست. ب ـ هيچيك از سقفهاي مسؤوليت را نمي‌توان به ميزاني افزايش داد كه از مقدار سقف وضع شده در كنوانسيون مسؤوليت (1969)، اصلاح شده توسط اين پروتكل به علاوه شش‌درصد (6%) در سال كه از 15 ژانويه (1993) به صورت مركب محاسبه مي‌گردد، تجاوز نمايد. ج ـ هيچيك از سقفهاي مسؤوليت را نمي‌توان به ميزاني افزايش داد كه از مقدار سقف وضع شده در كنوانسيون مسؤوليت (1969) اصلاح شده توسط اين پروتكل ضرب ‌در سه تجاوز نمايد. 7ـ هرگونه اصلاحاتي كه طبق بند (4) به تصويب مي‌‌رسد بايد توسط سازمان به تمامي دولتهاي متعاهد ابلاغ گردد. اصلاحات موردنظر پس از انقضاء مدت (18) ماه از تاريخ ابلاغ، پذيرفته شده تلقي خواهد شد مگر آن كه ظرف اين مدت، دست كم يك چهارم دولتهايي كه در زمان تصويب اصلاحات توسط كارگروه (كميته) حقوقي، جزو دولتهاي متعاهد محسوب مي‌شده‌اند، به سازمان اعلام نمايند كه اصلاحات را نمي‌پذيرند، كه در اين صورت، اصلاحيه مردود شمرده شده، بلااثر خواهد بود. 8 ـ اصلاحيه‌اي كه مطابق بند (7) پذيرفته شده تلقي گردد، 18 ماه پس از تاريخ پذيرش لازم‌الاجراء خواهد شد. 9ـ تمامي دولتهاي متعاهد، مقيد به اصلاحيه خواهند بود مگر آن كه مطابق بندهاي (1) و (2) ماده (16)، حداقل شش ماه قبل از لازم‌الاجراء شدن اصلاحيه از اين پروتكل انصراف دهند. اين انصراف، از زمان لازم‌الاجراء شدن اصلاحيه، مؤثر خواهد شد. 10ـ هنگامي كه اصلاحيه‌اي توسط كارگروه (كميته) حقوقي به تصويب مي‌رسد ولي مهلت 18 ماهه پذيرش آن هنوز منقضي نگرديده است، دولتي‌كه طي اين مهلت جزو دولتهاي متعاهد مي‌گردد، پس از لازم‌الاجراء شدن اصلاحيه، بدان مقيد خواهد بود. دولتي كه پس از اين مهلت جزو دولتهاي متعاهد مي‌شود، مقيد به اصلاحيه‌اي كه طبق بند (7) پذيرفته شده است، خواهدبود. در موارد مذكور در اين بند، يك دولت در تاريخ لازم‌الاجراء شدن اصلاحيه يا در تاريخي كه اين پروتكل براي دولت مزبور لازم‌الاجراء مي‌گردد، اگر تاريخ اخير بعد از تاريخ لازم‌الاجراء شدن اصلاحيه فرا برسد، مقيد به اصلاحيه خواهد شد.
	+ ماده 16ـ انصراف 1ـ هر يك از طرفهاي متعاهد مي‌تواند در هر زمان پس از تاريخي كه اين پروتكل براي آن دولت متعاهد لازم‌الاجراء مي‌گردد از آن انصراف دهد. 2ـ انصراف از طريق توديع سندي نزد دبيركل سازمان اعتبار خواهد يافت. 3ـ انصراف، پس از انقضاي مدت 12 ماه، يا هر مدت طولاني‌تري كه در سند انصراف قيد شده باشد، از تاريخ توديع سند نزد دبيركل سازمان مؤثر خواهد بود. 4ـ ميان طرفهاي متعاهد اين پروتكل، انصراف هر يك از آنها از كنوانسيون مسؤوليت (1969) طبق ماده (16) آن كنوانسيون تحت هيچ شرايطي به عنوان انصراف آنها از كنوانسيون مسؤوليت (1969) به صورت اصلاح شده توسط اين پروتكل تعبير نخواهد شد. 5 ـ انصراف از پروتكل (1992) جهت اصلاح كنوانسيون صندوق (1971) توسط دولتي كه همچنان به كنوانسيون صندوق (1971) متعاهد باقي مي‌ماند، به منزلة انصراف از اين پروتكل تلقي خواهد شد. اين انصراف از تاريخي مؤثر خواهد بود كه در آن تاريخ، انصراف از پروتكل (1992) جهت اصلاح كنوانسيون صندوق (1971) مطابق ماده (34) آن پروتكل اثر مي‌يابد.
	+ ماده 17ـ توديع 1ـ اين پروتكل و هرگونه اصلاحاتي كه طبق ماده (15) به تصويب مي‌رسد، نزد دبيركل سازمان توديع خواهد شد. 2ـ دبيركل سازمان بايد: الف ـ موارد ذيل را به اطلاع تمامي دولتهاي امضاءكننده يا ملحق شده به اين پروتكل برساند: 1ـ هر امضاء يا توديع سند جديد به همراه تاريخ آن. 2ـ هرگونه اعلاميه و اطلاعيه طبـق ماده (13) و هرگونه اعلاميه و ابلاغيه مطـابق بند (9) ماده (5) كنوانسيون مسؤوليت (1992). 3ـ تاريخ لازم‌الاجراء شدن اين پروتكل. 4ـ هرگونه پيشنهاد جهت اصلاح مقادير سقف مسؤوليت كه طبق بند (1) ماده (15) مطرح گرديده است. 5 ـ هرگونه اصلاحيه‌اي كه به موجب بند (4) ماده (15) به تصويب رسيده است. 6 ـ هرگونه اصلاحيه‌اي كه طبق بند (7) ماده (15) تصويب شده تلقي مي‌گردد، به همراه تاريخي كه اصلاحيه مزبور براساس بندهاي (8) و (9) آن ماده لازم‌الاجراء مي‌گردد. 7ـ توديع هرگونه سند خروج از اين پروتكل به همراه تاريخ توديع و تاريخي كه انصراف اثر خواهد يافت. 8 ـ مواردي كه طبق بند (5) ماده (16)، انصراف بايد مفروض تلقي شود. 9ـ هرگونه ابلاغيه‌اي كه در مواد اين پروتكل ضروري دانسته شده است. ب ـ نسخ موثق اين پروتكل را براي تمامي دولتهاي امضاءكننده و تمامي دولتهايي كه به اين پروتكل ملحق مي‌شوند ارسال نمايد. 3ـ در اسرع وقت پس از لازم‌الاجراء شدن اين پروتكل، متن آن بايد جهت ثبت و انتشار طبق ماده (102) منشور سازمان ملل، توسط دبيركل سازمان براي دبيرخانه سازمان ملل ارسال گردد.
	+ ماده 18ـ زبانها اين پروتكل در يك نسخه اصلي به زبانهاي عربي، چيني، انگليسي، فرانسه، روسي و اسپانيايي تنظيم شده است كه تمامي اين متون از اعتبار يكسان برخوردارند. لندن، 27 نوامبر 1992 ميلادي برابر با 6 آذر 1371 هجري شمسي. در تأييد مراتب فوق، امضاءكنندگان ذيل كه توسط دولتهاي مربوطه خود براي اين منظور طبق موازين اختيار يافته‌اند، اين پروتكل را به امضاء مي‌رسانند.1
	+ ضميمه گواهينامه بيمه يا ساير ضمانتهاي مالي در رابطه با مسؤوليت مدني ناشي از خسارت آلودگي نفتي صادر شده بر اساس مفاد ماده (7) كنوانسيون بين‌المللي مسؤوليت مدني ناشي از خسارت آلودگي نفتي، (1992) نام كشتي شماره يا حروف مشخصه بندر محل ثبت نام و نشاني مالك بدين وسيله گواهي مي‌شود كه براي كشتي فوق يك بيمه‌نامه يا ضمانت مالي ديگر وجود دارد كه شرايط ماده (7) كنوانسيون بين‌المللي مسؤوليت مدني ناشي از خسارت آلودگي نفتي (1992) را تأمين مي‌نمايد. نوع ضمانت: ................................................................................................... مدت اعتبار: .................................................................................................... نام و نشاني بيمه‌گر (ها) و / يا ضامن (ها) نام : .............................................................................................................. نشاني: ....................................................................................................... اين گواهي تا تاريخ ................................................................. داراي اعتبار است. صادر شده يا تصديق شده توسط دولت ..................................................................................................................................... (عنوان كامل دولت) در .......................................................................... به تاريخ .................................................................................. (مكان) ..................................................................................................... امضاء و عنوان مقام صادركننده يا تصديق‌كننده ـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــ 1ـ امضاءها حذف شده است. نكات توضيحي: 1ـ در صورت تمايل، عنوان دولت مي‌تواند شامل اشاره به مقام دولتي ذي‌صلاح كشور محل صدور گواهينامه نيز باشد. 2ـ در صورتي كه كل مبلغ ضمانت از چند منبع تأمين شده باشد، ميزان هر يك از اين منابع بايد مشخص شود. 3ـ اگر ضمانت به چند صورت ارائه شده باشد، اين موارد بايد ذكر گردند. 4ـ در قسمت ذيل عنوان « مدت اعتبار ضمانت» بايد تاريخي كه اين ضمانت از آن تاريخ مؤثر است قيد گردد.
	+ [امضاء]قانون فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن پروتكل (1992) ميلادي جهت اصلاح كنوانسيون بين‌المللي مسؤوليت مدني ناشي از خسارت آلودگي نفتي (1969) ميلادي مشتمل بر مقدمه، هجده ماده، يك ضميمه و نكات توضيحي و پروتكل (1992) جهت اصلاح كنوانسيون تأسيس يك صندوق بين‌المللي براي جبران خسارت آلودگي نفتي (1971) مشتمل بر مقدمه و سي و نه ماده در جلسه علني روز چهارشنبه مورخ بيست و چهارم بهمن ماه يكهزار و سيصدو هشتاد مجلس شوراي اسلامي تصويب و در تاريخ 21/10/1385 به تأييد شوراي محترم نگهبان رسيد. رئيس مجلس شوراي اسلامي ـ غلامعلي حدادعادل

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=225860>

# آيين نامه اجرايي قانون اختصاص دو در هزار درآمد ناشي از فروش نفت خام براي عمران و آباداني مناطق نفت‌خيز

آيين نامه اجرايي قانون اختصاص دو در هزار درآمد ناشي از فروش نفت خام براي عمران و آباداني مناطق نفت‌خيز
‌ هيأت وزيران در جلسه مورخ 27/6/1381 بنا به پيشنهاد شماره 101.107524 مورخ 16/6/1381 ‌سازمان مديريت و برنامه‌ريزي كشور و به استناد قانون اختصاص دو درهزار درآمد ناشي از فروش نفت خام براي ‌عمران و آباداني مناطق نفت خيز ـ مصوب 1379 ـ آيين‌نامه اجرايي قانون ياد شده را به شرح زير تصويب نمود:

* ‌ماده 1ـ ‌در اين آيين‌نامه اصطلاحات زير در معاني مشروح مربوط به كار مي‌روند: ‌الف ـ مناطق نفت خيز: شهرستان‌هايي كه توليد نفت خام، در حوزه آن شهرستان‌ها صورت مي‌گيرد. ب ـ سهم مناطق نفت‌خيز: سهم هر استان توليدكننده نفت، اعتباري است كه با توجه به عملكرد قطعي سال قابل‌توليد نفت خام ميادين نفتي درحوزه استان براساس اعلام وزارت نفت، توسط سازمان مديريت و برنامه‌ريزي كشور‌به استان‌هاي ذي‌ربط ابلاغ مي‌شود.
* ‌ماده 2ـ واگذاري اعتبار به طرح‌ها و پروژه‌هاي مختلف صرفاً در حوزه شهرستان‌هاي نفت‌خيز (‌توليد نفت‌خام) صورت گيرد.
* ‌ماده 3ـ شوراي برنامه‌ريزي و توسعه استان مكلف است اعتبارات مذكور را براي عمران و آباداني مناطق‌نفت‌خيز شهري و روستايي استان، در قالب مفاد ماده (2) به تفكيك پروژه بين دستگاه‌هاي اجرايي استان توزيع نمايد.
* ‌ماده 4ـ ‌اعتبار اجراي قانون ياد شده همه ساله در رديفي با همين عنوان توسط سازمان مديريت و برنامه‌ريزي‌كشور و در قالب بودجه‌هاي سنواتي منظور مي‌شود. اين اعتبار براساس مفاد قانون مذكور و اين آيين‌نامه قابل هزينه‌ و مصرف در طرح‌ها و پروژه‌هاي غيرانتفاعي خواهدبود.
* ‌ماده 5ـ ‌اين تصويب‌نامه جايگزين تصويب‌نامه شماره. 27971ت 24921 ه‍مورخ 15/6/1380 مي‌شود و از‌تاريخ 1/1/1381 لازم‌الاجرا است.
* [امضاء] ‌محمدرضا عارف ـ معاون اول رييس‌جمهور

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=260536>

# قانون به هزينه قطعي منظور نمودن درآمد موضوع لايحه قانوني راجع به تخصيص معادل يك روز درآمد حاصل از‌صادرات نفت براي فعاليت‌هاي عمراني استانها

قانون به هزينه قطعي منظور نمودن درآمد موضوع لايحه قانوني راجع به تخصيص معادل يك روز درآمد حاصل از‌صادرات نفت براي فعاليت‌هاي عمراني استانها

* ‌ماده واحده ـ به وزارت كشور اجازه داده مي‌شود مانده اعتبارات درآمد حاصل از صادرات نفت موضوع ماده واحده لايحه قانوني راجع به‌تخصيص معادل يك روز درآمد حاصل از صادرات نفت براي فعاليتهاي عمراني استانها مصوب 1358.7.15 شوراي انقلاب جمهوري اسلامي ايران و‌تصويب نامه‌هاي شماره 40862 مورخ 1359.8.11، 82038 مورخ 1359.12.11 و 21524 مورخ 1360.1.26 كه از قانون محاسبات عمومي‌مستثني گرديده و اعتبارات مذكور با توجه به شرايط خاص جنگ تحميلي و پيامدهاي آن در سالهاي بعد تا آخر سال1376 به مصرف رسيده است،‌اسناد هزينه‌هاي جاري و عمراني به هزينه قطعي منظور و مانده وجوه مصرف نشده تا پايان سال 1376 به خزانه كل كشور واريز گردد.‌عـ
* [امضاء] قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علني روز چهارشنبه مورخ بيست و سوم خرداد ماه يكهزار و سيصد و هشتاد مجلس شوراي اسلامي‌تصويب و در تاريخ 1380.3.30 به تأييد شوراي نگهبان رسيده است. ‌مهدي كروبي ـ ‌رئيس مجلس شوراي اسلامي

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=201428>

# ‌قانون اجازه به شركت ملي نفت ايران جهت اجراي طرح‌هاي اكتشاف ، توسعه و بهره برداري از ميدان‌هاي نفت و گاز درياي خزر

* ‌ماده واحده - به شركت ملي نفت ايران اجازه داده مي‌شود، جهت اجراي طرح‌هاي اكتشاف، توسعه و بهره برداري از ميدان‌هاي نفت و گاز درياي‌خزر با انعقاد قراردادهاي لازم با شركتهاي داخلي و خارجي اقدام كند. ‌باز پرداخت كليه هزينه‌هاي قراردادها بايد از محل عوايد حاصل از اجراي اين طرحها انجام گيرد. ‌توجيه فني، اقتصادي و مالي طرح ها بايد به تصويب شوراي اقتصاد برسد. ‌تبصره - در صورت انعقاد قرارداد با دولتهاي خارجي بايستي قرارداد حسب مورد به تصويب مجلس شوراي اسلامي برسد.
* [امضاء]قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و يك تبصره در جلسه علني روز چهارشنبه مورخ 4/3/1379 مجلس شوراي اسلامي تصويب و در تاريخ 11/3/1379 به تأييد شوراي نگهبان رسيده است. رئيس مجلس شوراي اسلامي ـ مهدي كروبي

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=188849>

# قانون الحاق دولت جمهوري اسلامي ايران به كنوانسيون بين‌المللي آمادگي، مقابله و همكاري در برابر آلودگي نفتي

* ‌ماده واحده ـ به دولت جمهوري اسلامي ايران اجازه داده مي‌شود به كنوانسيون بين‌المللي آمادگي، مقابله و همكاري در برابر آلودگي نفتي ـ ‌مصوب سال يكهزار و سيصد و شصت و نه هجري شمسي، برابر با سال يكهزار و نهصد و نود ميلادي، مشتمل بر يك مقدمه نوزده (19) ماده و يك(1) ‌الحاقيه ملحق شود و اسناد مربوط را تسليم نمايد.
* كنوانسيون بين‌المللي آمادگي، مقابله و همكاري در برابر آلودگي نفتي مصوب 1369 هجري شمسي برابر با 1990 ميلادي ‌اعضاي كنوانسيون حاضر، ‌با آگاهي نسبت به ضرورت حفظ محيط زيست انساني بطور اعم و محيط زيست دريايي بطور اخص، ‌با شناسائي خطرات جدي كه از طريق سوانح آلودگي نفتي از سوي كشتيها، واحدهاي دور از ساحل، بنادر دريايي و تجهيزات حمل و نقل نفت به محيط‌زيست دريايي تحميل مي‌شود، ‌با درنظر گرفتن اهميت اقدامات احتياطي و بازدارنده در جلوگيري از آلودگي نفتي در وهله اول و ضرورت بكار گيري جدي اسناد بين‌المللي موجود در‌ارتباط با ايمني دريايي و جلوگيري از آلودگي دريايي، به ويژه كنوانسيون بين‌المللي ايمني جان افراد در دريا مصوب1353 هجري شمسي برابر با 1974‌با اصلاحات بعدي، و كنوانسيون بين‌المللي جلوگيري از آلودگي توسط كشتيها، مصوب 1352 هجري شمسي برابر با 1973 ميلادي تعديل شده توسط‌پروتكل مربوط به آن مصوب 1357 هجري شمسي برابر با 1978 ميلادي با اصلاحات بعدي، و همچنين توسعه سريع استانداردهاي رو به رشد مربوط‌به طرح، عمليات و نگهداري كشتيهاي حامل نفت و واحدهاي دور از ساحل، ‌همچنين با در نظر گرفتن اينكه، در صورت وقوع سانحه آلودگي نفتي، اقدام سريع و مؤثر جهت به حداقل رساندن خساراتي كه ممكن است از چنين‌سانحه‌اي ناشي شود، حياتي مي‌باشد، ‌با تاكيد بر اهميت آمادگي مؤثر براي مبارزه با سوانح آلودگي نفتي و نقش مهمي كه صنايع نفت و كشتيراني در اين خصوص دارند، ‌با شناسائي مجدد اهميت كمكهاي دوجانبه و همكاري بين‌المللي در زمينه موضوعاتي از جمله مبادله اطلاعات مربوط به قابليتهاي كشورها براي مقابله‌با سوانح آلودگي نفتي، تهيه طرحهاي موارد پيش‌بيني نشده آلودگي نفتي، مبادله گزارشهاي سوانح مهمي كه ممكن است محيط زيست دريايي يا خطوط‌ساحلي و منافع مربوطه كشورها را تحت تأثير قرار دهد، و تحقيق و توسعه در ارتباط با وسايل مبارزه با آلودگي نفتي در محيط زيست دريايي، ‌و با توجه به اصل «‌آلوده كننده مسئول پرداخت است» به عنوان يك اصل كلي حقوق بين‌الملل محيط زيست، ‌همچنين با توجه به اهميت اسناد بين‌المللي در مورد مسئوليت و جبران خسارات ناشي از آلودگي نفتي، از جمله كنوانسيون بين‌المللي مصوب 1348‌هجري شمسي برابر با 1969 ميلادي در مورد مسئوليت مدني خسارات آلودگي نفتي، كنوانسيون بين‌المللي مصوب1350 هجري شمسي برابر با1971 ميلادي در مورد تأسيس صندوق بين‌المللي براي جبران خسارات ناشي از آلودگي نفتي، و نياز مبرم به لازم‌الاجرا شدن هرچه سريعتر پروتكلهاي‌مصوب 1363 هجري شمسي برابر با 1984 ميلادي مربوط به كنوانسيونهاي فوق‌الذكر، ‌با توجه بيشتر به اهميت موافقتنامه‌ها و ترتيبات دوجانبه و چندجانبه از قبيل كنوانسيونها و موافقتنامه‌هاي منطقه‌اي، ‌با در نظر داشتن مقررات مربوط به كنوانسيون ملل متحد در مورد حقوق درياها، به ويژه بخش 12 آن، ‌با آگاهي از ضرورت گسترش همكاريهاي بين‌المللي و افزايش قابليتهاي موجود ملي، منطقه‌اي و جهاني در زمينه آمادگي و مقابله با آلودگي نفتي و با‌توجه به نياز ويژه كشورهاي در حال توسعه و بخصوص كشورهاي جزيره‌اي كوچك، ‌با ملاحظه اينكه بهترين راه حصول اين اهداف، انعقاد يك كنوانسيون بين‌المللي در زمينه آمادگي، مقابله و همكاري در برابر آلودگي نفتي مي‌باشد، ‌به ترتيب ذيل موافقت نمودند:
	+ ‌ماده 1 ـ كليات 1 ـ اعضاء بطور انفرادي يا مشترك تعهد مي‌نمايند كه تمامي اقدامات لازم را طبق مفاد اين كنوانسيون و الحاقيه آن براي آمادگي و مقابله با يك سانحه‌آلودگي نفتي انجام دهند. 2 ـ الحاقيه اين كنوانسيون جزء لاينفك كنوانسيون را تشكيل داده و اشاره به كنوانسيون در عين حال اشاره به الحاقيه تلقي خواهد شد. 3 ـ اين كنوانسيون در مورد هيچ كشتي جنگي، شناور پشتيباني نيروي دريايي يا ديگر كشتيهايي كه تحت مالكيت يا بهره برداري يك كشور بوده و‌في‌الحال صرفاً در اعمال غير تجاري مورد استفاده قرار مي‌گيرد، اعمال نخواهد گرديد اما هر عضو با اتخاذ تدابير لازمي كه در عمليات يا قابليتهاي‌عملياتي اينگونه كشتيهاي تحت تملك يا بهره برداري آن عضو اختلال ايجاد ننمايد، تضمين خواهد نمود كه چنين كشتيهائي تا آنجا كه معقول و عملي‌باشد مطابق اين كنوانسيون عمل نمايند.
	+ ‌ماده 2 ـ تعاريف ‌از نظر اين كنوانسيون: 1 ـ «‌نفت» يعني مواد نفتي به هر شكل از جمله نفت خام، مواد سوختي، لخته‌هاي نفتي، مواد زايد نفتي و فرآورده‌هاي پالايش شده، 2 ـ «‌سوانح آلودگي نفتي» يعني اتفاق يا مجموعه‌اي از اتفاقات كه داراي منشاء يكسان بوده كه منجر به ريزش نفت شده يا ممكن است بشود و محيط‌زيست دريايي يا خطوط ساحلي يا منافع مربوط به يك يا چند كشور را مورد تهديد قرار داده و يا ممكن است مورد تهديد قرار دهد و مستلزم اقدام‌اضطراري يا واكنش فوري ديگري باشد. 3 ـ «‌كشتي» يعني شناور از هر نوع كه در محيط زيست دريايي فعاليت مي‌كند و شامل قايقهاي هايدر و فويل، هاوركرافتها، زيردرياييها يا قايقهاي سيار از‌هر نوع مي‌گردد. 4 ـ «‌واحد دريايي» يعني تأسيسات يا سازه‌هاي ثابت يا شناوري كه براي اكتشاف و استخراج يا توليد نفت يا گاز يا تخليه و بارگيري نفت بكار گرفته‌مي‌شود. 5 ـ «‌بنادر و تأسيسات حمل و نقل نفت» يعني آن تأسيساتي كه خطر سانحه آلودگي نفتي را در برداشته و از جمله شامل بنادر، پايانه‌هاي نفتي، خطوط‌لوله و ديگر تأسيسات تخليه و بارگيري نفت مي‌گردد. 6 ـ «‌سازمان» يعني سازمان بين‌المللي دريانوردي. 7 ـ «‌دبير كل» يعني دبير كل سازمان.
	+ ‌ماده 3 ـ طرحهاي اضطراري آلودگي نفتي 1 ـ الف ـ هر عضو كشتيهايي را كه محق به برافراشتن پرچم آن هستند ملزم خواهد نمود كه طرح اضطراري آلودگي نفتي در كشتي را كه مقررات مصوب‌سازمان براي اين منظور مقرر كرده، طبق مقررات مزبور داشته باشند. ب ـ كشتي كه ملزم به داشتن طرح اضطراري آلودگي در كشتي بر طبق جزء (‌الف) مي‌باشد، هنگام حضور در يك بندر يا يك پايانه دريايي تحت‌حاكميت يكي از اعضاء، طبق روشهاي مندرج در موافقتنامه‌هاي بين‌المللي موجود يا قوانين ملي آن عضو مشمول بازرسي مأموراني كه توسط عضو‌مزبور بطور مقتضي اختيار يافته‌اند، خواهد بود. 2 ـ هر كشور عضو بايد گردانندگان واحدهاي دريايي تحت حاكميت خود را ملزم به داشتن طرحهاي اضطراري آلودگي نفتي كند كه هماهنگ با سيستم‌ملي ايجاد شده طبق ماده (6) بوده و طبق روشهاي وضع شده توسط مقامات ملي ذيصلاح به تصويب رسيده باشد. 3 ـ هر كشور عضو بايد مقامات يا گردانندگان بنادر دريايي يا تأسيسات تخليه و بارگيري نفتي تحت حاكميت خود را به گونه‌اي كه مناسب مي‌داند به‌داشتن طرحهاي اضطراري آلودگي نفتي يا ترتيبات مشابهي كه هماهنگ با سيستم ملي ايجاد شده كه طبق ماده(6) بوده و طبق روشهاي وضع شده‌توسط مقامات ملي ذيصلاح به تصويب رسيده باشد، ملزم نمايد.
	+ ‌ماده 4 ـ تشريفات گزارش آلودگي نفتي 1 ـ هر عضو بايد: ‌الف ـ فرماندهان كشتيها يا ساير افراد مسئول كشتيهاي تحت پرچم خود و افراد مسئول واحدهاي دريايي تحت صلاحيت خود را ملزم نمايد كه بدون‌هيچ تأخيري هر گونه اتفاق در كشتي يا واحدهاي دريايي خود را كه متضمن ريزش نفتي يا احتمال ريزش نفتي هستند، به مراجع زير گزارش نمايند: 1 ـ در مورد كشتي، به نزديكترين كشور ساحلي، 2 ـ در مورد واحدهاي دريايي، به كشور ساحلي كه واحد، تحت صلاحيت آن است. ب ـ فرماندهان يا ديگر افراد مسئول كشتيهاي تحت پرچم و افراد مسئول واحدهاي دريايي تحت صلاحيت خود را ملزم نمايد كه بدون هيچ تأخيري‌هر گونه اتفاق مورد مشاهده در دريا را كه متضمن ريزش يا وجود نفت باشد، به مراجع زير گزارش نمايند: 1 ـ در مورد كشتي، به نزديكترين كشور ساحلي، 2 ـ در مورد واحد دريايي، به كشور ساحلي كه واحد، تحت صلاحيت آن است. ج ـ افراد مسئول بنادر و تأسيسات تخليه و بارگيري نفت تحت صلاحيت خود را ملزم نمايد بدون تأخير هر گونه اتفاقي كه متضمن ريزش يا احتمال‌ريزش نفت يا وجود نفت باشد را به مقامات ملي ذيصلاح، گزارش نمايند. ‌د ـ به شناورها يا هواپيماهاي بازرسي دريائي و ديگر سرويسهاي خدماتي ذيربط يا مقامات خود دستور دهد بدون تأخير هر گونه حادثه مورد مشاهده‌در دريا يا در بندر يا تأسيسات تخليه و بارگيري نفت كه متضمن ريزش نفت يا وجود نفت باشد را به مقامات ملي ذيصلاح يا بنا به مورد به نزديكترين‌كشور ساحلي گزارش نمايند. هـ ـ از خلبانان هواپيماهاي كشوري بخواهد كه بدون تأخير هر گونه حادثه مورد مشاهده در دريا كه متضمن ريزش نفت يا وجود نفت باشد را به‌نزديكترين كشور ساحلي گزارش نمايند. 2 ـ گزارشهاي تهيه شده به موجب رديف (1) جزء (‌الف) بند (1) بايد مطابق الزامات تدوين شده توسط سازمان تهيه گرديده و براساس دستورالعمل‌ها‌و اصول كلي مصوب سازمان باشند گزارشهاي تهيه شده به موجب رديف (2) جزء (‌الف) و جزء‌هاي (ب)، (ج) و (‌د) بند (1) بايد تا جايي كه لازم است‌مطابق دستورالعملها و اصول كلي مصوب سازمان، تدوين گردد.
	+ ‌ماده 5 ـ اقدام در صورت دريافت گزارش آلودگي نفتي 1 ـ هر گاه عضوي گزارشي را كه در ماده (4) به آن اشاره شده يا اطلاعات مربوط به آلودگي كه توسط ديگر منابع تهيه گرديده است، دريافت نمايد بايد: ‌الف ـ حادثه را به منظور تعيين اينكه سانحه، آلودگي نفتي است يا خير مورد ارزيابي قرار دهد. ب ـ ماهيت، وسعت و عواقب احتمالي سانحه آلودگي نفتي را مورد ارزيابي قرار دهد و ج ـ سپس بدون تأخير تمامي كشورهائي را كه منافع آنها به وسيله چنين سانحه آلودگي نفتي تحت تأثير يا احتمالاً تحت تأثير قرار مي‌گيرد، همراه با‌موارد زير تا زمان خاتمه اقدامات به عمل آمده براي مقابله با سانحه يا تصميم كشورهاي مزبور براي اقدام مشترك مطلع سازد. 1 ـ جزئيات ارزيابي‌هاي خود و هر اقدامي را كه جهت مقابله با حادثه آلودگي نفتي انجام داده يا قصد انجام آن را دارد، و 2 ـ اطلاعات اضافي در صورت اقتضا، 2 ـ در صورتي كه شدت چنين سانحه آلودگي نفتي ايجاب كند آن عضو بايد مستقيم يا در صورت اقتضاء از طريق سازمان يا ترتيبات منطقه‌اي مربوط‌اطلاعات مورد اشاره در جزء‌هاي (ب) و (ج) بند (1) را در اختيار سازمان قرار دهد. 3 ـ در صورتي كه شدت چنين سانحه نفتي ايجاب كند از ساير كشورهاي متأثر از اين سانحه درخواست مي‌شود بطور مستقيم يا در صورت اقتضاء، از‌طريق سازمان يا ترتيبات منطقه‌اي مربوط ارزيابي خود را از ميزان تهديد منافعشان و هر گونه اقدام به عمل آمده و اقدامات مورد نظر را به اطلاع سازمان‌برسانند. 4 ـ اعضا تا آنجا كه عملي باشد، بايد سيستم گزارش دهي تدوين شده توسط سازمان را هنگام مبادله اطلاعات و ارتباط با ديگر كشورها و سازمان،‌مورد استفاده قرار دهند.
	+ ‌ماده 6 ـ سيستمهاي ملي و منطقه‌اي براي آمادگي و مقابله 1 ـ هر عضو بايد يك سيستم ملي جهت مقابله سريع و مؤثر با سوانح آلودگي نفتي ايجاد نمايد. اين سيستم حداقل بايد شامل موارد ذيل باشد: ‌الف ـ تعيين موارد زير: 1 ـ مقام يا مقامات ذيصلاح ملي با مسئوليت آمادگي و مقابله با آلودگي نفتي، 2 ـ نقطه يا نقاط تماس عملياتي ملي كه مسئول دريافت و انتقال گزارشات آلودگي نفتي مندرج در ماده (4) باشد، و 3 ـ مقامي كه مجاز باشد از طرف آن كشور، درخواست كمك نموده يا در مورد ارائه كمك درخواست شده تصميم‌گيري نمايد. ب ـ طرح ملي مقابله با موارد پيش‌بيني نشده براي آمادگي و مقابله كه شامل روابط سازماني نهادهاي مختلف درگير (‌اعم از عمومي يا خصوصي) با مد‌نظر قرار دادن دستورالعملهاي تدوين شده توسط سازمان. 2 ـ به علاوه، هر عضو در چارچوب توانائيهاي خود بطور انفرادي يا از طريق همكاري دوجانبه يا چند جانبه و در صورت اقتضاء، با همكاري صنايع‌نفت و كشتيراني، مقامات بندري و ساير مؤسسات مربوط، بايد موارد ذيل را ايجاد نمايد: ‌الف ـ حداقل سطح تجهيزات از قبل مستقر شده جهت مقابله با ريزش نفت، متناسب با خطر احتمالي، و برنامه‌هائي براي استفاده از آنها، ب ـ برنامه تمرينات براي سازمانهاي مقابله با آلودگي نفتي و آموزش پرسنل مربوط، ج ـ طرحهاي تفصيلي و قابليتهاي ارتباطي براي مقابله با يك سانحه آلودگي نفتي. چنين قابليتهايي بطور مداوم بايد قابل دسترسي باشند، و ‌د ـ نظام و ترتيبي جهت هماهنگ كردن مقابله با يك سانحه آلودگي نفتي، در صورت اقتضاء با قابليتهاي بسيج منابع مورد لزوم، 3 ـ هر عضو بايد تضمين نمايد كه اطلاعات جاري بطور مستقيم يا از طريق سازمان يا تشكيلات منطقه‌اي مربوط در رابطه با موارد ذيل به سازمان ارائه‌شده است: ‌الف ـ موقعيت، داده‌هاي مخابراتي و در صورت عملي بودن، محدوده مسئوليت مقامات و مؤسسات ذكر شده در جزء (‌الف) بند (1)، ب ـ اطلاعات مربوط به تجهيزات مقابله با آلودگي و نظر تخصصي در رشته‌هاي مربوط به مقابله با آلودگي نفتي و نجات دريايي كه در صورت‌درخواست ساير كشورها مي‌تواند قابل دسترسي باشد، ج ـ طرح ملي عضو براي مقابله با موارد پيش‌بيني نشده.
	+ ‌ماده 7 ـ همكاري بين‌المللي جهت مقابله با آلودگي 1 ـ اعضاء موافقت مي‌نمايند كه، با توجه به توانائيها و موجود بودن منابع مربوط خود، بنا به تقاضاي هر عضوي كه از سانحه آلودگي نفتي متأثر شده يا‌احتمال دارد تحت تأثير قرار گيرد با آن عضو همكاري نموده و خدمات مشورتي، پشتيباني و تجهيزات فني به منظور مقابله با سانحه آلودگي نفتي، در‌صورتي كه شدت چنين حادثه‌اي اقتضا كند به آن ارائه نمايند، تأمين هزينه‌هاي چنين كمكي براساس مفاد الحاقيه اين كنوانسيون انجام خواهد شد. 2 ـ عضوي كه تقاضاي كمك نموده است مي‌تواند از سازمان بخواهد تا جهت مشخص نمودن منابع مالي موقت براي هزينه‌هاي مندرج در بند (1)،‌كمك نمايد. 3 ـ طبق موافقتنامه‌هاي قابل اعمال بين‌المللي، هر عضو بايد اقدامات حقوقي يا اداري لازم را جهت تسهيل موارد ذيل به عمل آورد: ‌الف ـ ورود و خروج كشتيها، هواپيماها و ساير وسايل حمل و نقل مورد استفاده براي مقابله با يك سانحه آلودگي نفتي و بهره برداري از آنها در سرزمين‌خود يا حمل كاركنان، كالا، مواد و تجهيزات لازم جهت مقابله با يك چنين سانحه‌اي، و ب ـ نقل و انتقال سريع افراد، كالاها، مواد و تجهيزات مندرج در جزء (‌الف) به داخل، در داخل و به خارج از سرزمين خود.
	+ ‌ماده 8 ـ تحقيق و توسعه 1 ـ اعضاء موافقت مي‌نمايند تا بطور مستقيم يا در صورت اقتضاء از طريق سازمان يا سازمانها يا ترتيبات منطقه‌اي مربوط جهت ارتقاء و مبادله نتايج‌برنامه‌هاي تحقيق و توسعه مربوط به گسترش آخرين پيشرفتها در زمينه آمادگي و مقابله با آلودگي نفتي ـ از جمله فن‌آوريها و فنون بازرسي، بازدارندگي،‌جمع آوري، متفرق سازي، پاكسازي و راههاي ديگر كاهش يا تعديل اثرات آلودگي نفتي ـ و جهت اعاده وضع سابق، همكاري نمايند. 2 ـ براي اين منظور، اعضاء تعهد مي‌نمايند كه بطور مستقيم يا در صورت اقتضاء از طريق سازمان يا سازمانها يا ترتيبات منطقه‌اي مربوط، ارتباط لازم را‌بين مؤسسات تحقيقاتي اعضاء برقرار نمايند. 3 ـ اعضاء موافقت مي‌نمايند كه بطور مستقيم يا از طريق سازمان يا سازمانها و يا ترتيبات منطقه‌اي مربوط در صورت اقتضاء جهت ترغيب برگزاري‌مرتب سمپوزيوم‌هاي بين‌المللي در موضوعات مربوط از جمله پيشرفتهاي فن‌آوري در زمينه تجهيزات و فنون مبارزه با آلودگي نفتي همكاري نمايند. 4 ـ اعضاء موافقت مي‌نمايند كه از طريق سازمان يا سازمانهاي بين‌المللي ذيصلاح توسعه استانداردهاي مربوط به تجهيزات و فنون سازگار مقابله با‌آلودگي نفتي را تشويق نمايند.
	+ ‌ماده 9 ـ همكاري فني 1 ـ اعضاء تعهد مي‌نمايند كه بطور مستقيم يا از طريق سازمان و ساير نهادهاي بين‌المللي در صورت اقتضاء در رابطه با آمادگي و مقابله با آلودگي نفتي‌در موارد زير به اعضائي كه تقاضاي كمك فني مي‌نمايند، كمك نمايند: ‌الف ـ آموزش كاركنان ب ـ اطمينان از موجود بودن فن‌آوري، تجهيزات و تأسيسات مربوط، ج ـ تسهيل ساير اقدامات و ترتيبات جهت آمادگي و مقابله با سوانح آلودگي نفتي، و ‌د ـ انجام برنامه‌هاي مشترك تحقيق و توسعه. 2 ـ اعضاء تعهد مي‌نمايند كه باتوجه به قوانين، مقررات و سياستهاي ملي خود بطور فعال در زمينه انتقال فن‌آوري در رابطه با آمادگي و مقابله با آلودگي‌نفتي همكاري نمايند.
	+ ‌ماده 10 ـ ترغيب همكاريهاي دوجانبه و چندجانبه در زمينه آلودگي و مقابله‌اعضاء بايد مساعي خود را جهت انعقاد موافقتنامه‌هاي دوجانبه يا چند جانبه براي آمادگي و مقابله با آلودگي نفتي بكار گيرند. نسخه‌هاي موافقتنامه‌هاي‌مزبور بايد به سازمان ارائه گردد تا در صورت تقاضا در اختيار اعضاء قرار گيرد.
	+ ‌ماده 11 ـ ارتباط با ساير كنوانسيونها و موافقتنامه‌هاي بين‌المللي ‌هيچ يك از مفاد اين كنوانسيون نبايد به نحوي تفسير گردد كه منجر به تغيير حقوق يا تعهدات هريك از اعضاء به موجب ساير كنوانسيونها يا‌موافقتنامه‌هاي بين‌المللي شود.
	+ ‌ماده 12 ـ ترتيبات نهادي 1 ـ اعضاء، «‌سازمان» را مشروط بر موافقت آن و موجود بودن منابع كافي جهت اداره فعاليت، براي انجام وظايف و فعاليتهاي زير برمي‌گزينند: ‌الف ـ خدمات اطلاعاتي: 1 ـ دريافت، مقايسه و انتشار اطلاعات تهيه شده توسط اعضاء، و اطلاعات مربوط ارائه شده توسط ديگر منابع، و 2 ـ ارائه كمك جهت مشخص نمودن منابع مالي موقت هزينه‌ها. ب ـ تعليم و آموزش: 1 ـ ترغيب آموزش در زمينه آمادگي و مقابله با آلودگي نفتي، 2 ـ ترغيب برگزاري سمپوزيومهاي بين‌المللي، ج ـ خدمات فني: 1 ـ تسهيل همكاري در زمينه تحقيق و توسعه، 2 ـ ارائه طريق به كشورهائي كه درصدد ايجاد قابليتهاي مقابله ملي يا منطقه‌اي هستند، و 3 ـ تجزيه و تحليل اطلاعات تهيه شده توسط اعضاء و اطلاعات مربوط تهيه شده توسط ديگر منابع و ارائه طريق يا اطلاعات به كشورها. ‌د ـ كمكهاي فني: 1 ـ تسهيل تهيه كمكهاي فني به كشورهايي كه درصدد ايجاد قابليتهاي مقابله ملي يا منطقه‌اي هستند، 2 ـ تسهيل تأمين كمك و مشاوره فني بنا به تقاضاي كشورهائي كه با سوانح عمده آلودگي نفتي مواجه شده‌اند. 2 ـ در اجراي فعاليتهاي مشخص شده در اين ماده، سازمان تلاش خواهد نمود تا قابليت كشورها را بطور انفرادي از طريق ترتيبات منطقه‌اي جهت‌آمادگي و مقابله با سوانح آلودگي نفتي، با استفاده از تجارب كشورها، موافقتنامه‌هاي منطقه‌اي و ترتيبات صنعتي و با امعان نظر ويژه به نيازهاي‌كشورهاي در حال توسعه، تقويت نمايد. 3 ـ مفاد اين ماده مطابق با برنامه‌اي كه توسط سازمان تهيه و مرتباً مورد تجديد نظر قرار مي‌گيرد به مورد اجرا گذاشته خواهد شد.
	+ ‌ماده 13 ـ ارزيابي كنوانسيون ‌اعضاء در چارچوب سازمان مؤثر بودن كنوانسيون را در پرتو اهداف آن، بخصوص با توجه به اصول مربوط به همكاري و كمك مورد ارزيابي قرار‌خواهند داد.
	+ ‌ماده 14 ـ اصلاحات 1 ـ اين كنوانسيون طبق يكي از روشهاي مشخص شده در ذيل مي‌تواند اصلاح گردد. 2 ـ اصلاح بعد از بررسي توسط سازمان: ‌الف ـ هر اصلاحيه پيشنهادي توسط يكي از اعضاي كنوانسيون بايد به سازمان تسليم و توسط دبير كل بين تمامي اعضاي سازمان و تمامي اعضاء‌حداقل شش ماه قبل از بررسي آن، توزيع گردد. ب ـ هر اصلاحيه‌اي كه به شكل فوق پيشنهاد و توزيع گرديده بايستي به كميته حفاظت از محيط زيست دريايي سازمان جهت بررسي تسليم گردد. ج ـ اعضاي كنوانسيون اعم از عضو يا غيرعضو سازمان اجازه خواهند داشت كه در جريان رسيدگي كميته حفاظت از محيط زيست دريايي شركت‌نمايند. ‌د ـ اصلاحيه‌ها فقط با اكثريت دو سوم اعضاي حاضر و راي دهنده كنوانسيون به تصويب خواهد رسيد. هـ ـ اگر اصلاحيه‌ها طبق جزء (‌د) به تصويب برسند، توسط دبير كل به تمامي اعضاي كنوانسيون جهت پذيرش ارسال خواهند شد. ‌و ـ 1 ـ اصلاحيه يك ماده يا الحاقيه كنوانسيون در تاريخي پذيرفته شده تلقي خواهد شد كه توسط دو سوم اعضاء پذيرفته شود. 2 ـ اصلاحيه يك ضميمه در پايان دوره‌اي كه در زمان تصويب آن توسط كميته حفاظت از محيط زيست دريايي تعيين شده، و كمتر از ده ماه نيز‌نمي‌تواند باشد، پذيرفته شده تلقي خواهد شد. مگر اينكه در طول اين مدت، مخالفت حداقل يك سوم اعضاء به دبير كل اعلام شده باشد. ‌ز ـ 1 ـ اصلاحيه يك ماده، يا الحاقيه كنوانسيون كه طبق رديف (1) جزء (‌و) بند (1) پذيرفته شده باشد شش ماه، پس از تاريخي كه در اين تاريخ پذيرفته‌شده تلقي مي‌گردد نسبت به اعضائي كه دبير كل را از پذيرش آن توسط خود مطلع ساخته‌اند لازم‌الاجرا خواهد گرديد. 2 ـ اصلاحيه يك ضميمه كه طبق رديف (2) جزء (‌و) پذيرفته شده است شش ماه بعد از تاريخي كه در آن تاريخ پذيرفته شده تلقي مي‌گردد نسبت به‌تمامي اعضا به استثناي اعضائي كه پيش از اين تاريخ مخالفت خود را اعلام نموده‌اند لازم‌الاجرا خواهد شد. هر عضو در هر زمان مي‌تواند مخالفت‌اعلام شده قبلي خود را با تسليم اعلاميه‌اي دال بر اين موضوع به دبير كل، پس بگيرد. 3 ـ اصلاح توسط يك كنفرانس: ‌الف ـ بنا به تقاضاي يكي از اعضاء، كه حداقل مورد تائيد يك سوم اعضا باشد، دبير كل كنفرانسي از اعضاي كنوانسيون را جهت بررسي اصلاحات‌كنوانسيون برگزار خواهد كرد. ب ـ اصلاحيه‌اي كه توسط اكثريت دو سوم اعضاي حاضر و راي دهنده چنين كنفرانسي تصويب شود، توسط دبير كل جهت پذيرش به تمامي اعضاء‌ارسال خواهد شد. ج ـ به جز هنگامي كه كنفرانس طور ديگري تصميم‌گيري نمايد، اصلاحيه طبق مراحل مشخص شده در جزء‌هاي (‌و) و (‌ز) بند (2) پذيرفته شده تلقي‌شده و لازم‌الاجرا خواهد شد. 4 ـ تصويب و لازم‌الاجرا شدن يك اصلاحيه كه منجر به اضافه نمودن يك الحاقيه يا يك ضميمه مي‌شود تابع روش قابل اعمال در مورد اصلاحيه‌الحاقيه خواهد بود. 5 ـ هر عضوي كه اصلاحيه يك ماده يا الحاقيه را به موجب رديف (1) جزء (‌و) بند (2) يا اصلاحيه‌اي كه منجر به اضافه كردن يك الحاقيه يا يك‌ضميمه به موجب بند(4) را نپذيرفته است يا مخالفت خود در مورد اصلاحيه يك ضميمه را به موجب رديف (2) جزء (‌و) بند (2) ارسال داشته است،‌با آن به عنوان غيرعضو فقط از نظر بكار گيري چنين اصلاحيه‌اي رفتار خواهد شد. چنين رفتاري با تسليم اطلاعيه پذيرش طبق رديف (1) جزء (‌و) بند(2) يا استرداد مخالفت طبق رديف (2) جزء (‌ز) بند (2)، خاتمه خواهد يافت. 6 ـ دبير كل تمامي اعضاء را از هر اصلاحيه‌اي كه طبق اين ماده لازم‌الاجرا مي‌شود به علاوه تاريخي كه در آن اصلاحيه لازم‌الاجرا مي‌گردد مطلع‌خواهد ساخت. 7 ـ هر اطلاعيه پذيرش، مخالفت، استرداد مخالفت به يك اصلاحيه به موجب اين ماده بايد بطور كتبي به دبير كل اطلاع داده شود، وي اعضاء را از‌اطلاعيه مزبور و تاريخ وصول آن مطلع خواهد ساخت. 8 ـ ضميمه كنوانسيون فقط بايد حاوي مقرراتي باشد كه ماهيت فني دارند.
	+ ‌ماده 15 ـ امضاء، تنفيذ، پذيرش، تصويب و الحاق 1 ـ اين كنوانسيون جهت امضاء در مقر سازمان از تاريخ 9 آذرماه 1369 هجري شمسي برابر با 30 نوامبر 1990 ميلادي تا 18 آذرماه 1370 هجري‌شمسي برابر با 29 نوامبر 1991 ميلادي مفتوح مي‌باشد و بعد از آن جهت الحاق مفتوح خواهد ماند. هر كشوري مي‌تواند از يكي از راههاي زير عضو‌اين كنوانسيون گردد: ‌الف ـ امضاء بدون حق شرط در مورد تنفيذ، پذيرش يا تصويب يا ب ـ امضاء به شرط تنفيذ، پذيرش يا تصويب كه متعاقب آن تنفيذ، پذيرش يا تصويب صورت بگيرد. ج ـ الحاق. 2 ـ تنفيذ، پذيرش، تصويب يا الحاق با توديع سندي دال بر آن به دبير كل، نافذ خواهد شد.
	+ ‌ماده 16 ـ لازم‌الاجرا شدن 1 ـ كنوانسيون (12) ماه بعد از تاريخي كه حداقل (15) كشور بدون حق شرط در مورد تنفيذ، پذيرش يا تصويب آن را امضاء كرده باشند يا اسناد لازم‌براي تنفيذ، پذيرش، تصويب يا الحاق را طبق ماده (15) توديع كرده باشند، لازم‌الاجرا خواهد شد. 2 ـ براي كشورهائي كه سند تنفيذ، پذيرش، تصويب يا الحاق مربوط به اين كنوانسيون را بعد از انجام الزامات لازم‌الاجرا شدن آن ولي قبل از تاريخ‌لازم‌الاجرا شدن توديع كرده باشند، تنفيذ، پذيرش، تصويب يا الحاق در تاريخ لازم‌الاجرا شدن اين كنوانسيون يا سه ماه بعد از تاريخ توديع سند، هركدام‌كه ديرتر باشد نافذ خواهد شد. 3 ـ براي كشورهائي كه سند تنفيذ، پذيرش، تصويب يا الحاق را بعد از تاريخي كه در آن كنوانسيون لازم‌الاجرا شده توديع نموده‌اند، اين كنوانسيون سه‌ماه بعد از تاريخ توديع سند نافذ خواهد شد. 4 ـ بعد از تاريخي كه اصلاحيه اين كنوانسيون به موجب ماده (14) پذيرفته شده تلقي گرديد، هر سند تنفيذ، پذيرش، تصويب يا الحاق توديع شده، به‌منزله پيوستن به كنوانسيون اصلاح شده تلقي خواهد گرديد.
	+ ‌ماده 17 ـ انصراف 1 ـ اين كنوانسيون براي هر عضوي بعد از گذشت پنج سال از تاريخي كه اين كنوانسيون براي آن عضو لازم‌الاجرا شده است مي‌تواند مورد انصراف قرار‌گيرد. 2 ـ انصراف با اعلام كتبي به دبير كل نافذ خواهد شد. 3 ـ انصراف (12) ماه بعد از دريافت اعلاميه انصراف توسط دبير كل يا بعد از گذشت هر مدت طولاني‌تري كه ممكن است در اعلاميه مشخص شده‌باشد، نافذ خواهد شد.
	+ ‌ماده 18 ـ امين اسناد 1 ـ اين كنوانسيون نزد دبير كل توديع مي‌گردد. 2 ـ دبير كل بايد: ‌الف ـ تمامي كشورهائي كه اين كنوانسيون را امضاء نموده يا به آن ملحق شده‌اند از موارد زير مطلع نمايد: 1 ـ هر امضاء جديد يا توديع سند تنفيذ، پذيرش، تصويب يا الحاق، همراه تاريخ مربوط به آن. 2 ـ تاريخ لازم‌الاجرا شدن اين كنوانسيون، و 3 ـ توديع هر سند انصراف از اين كنوانسيون همراه با تاريخ دريافت و تاريخي كه انصراف نافذ خواهد شد. ب ـ نسخه‌هاي اصلي مصدق اين كنوانسيون را به دولتهاي تمامي كشورهائي كه اين كنوانسيون را امضاء نموده يا به آن ملحق شده‌اند ارسال نمايد. 3 ـ به محض لازم‌الاجرا شدن كنوانسيون يك نسخه اصل مصدق آن توسط امين اسناد طبق ماده (102) منشور ملل متحد به دبير كل سازمان ملل متحد‌جهت ثبت و انتشار ارسال خواهد گرديد.
	+ ‌ماده 19 ـ زبانها ‌اين كنوانسيون در يك نسخه اصلي به زبانهاي عربي، چيني، انگليسي، فرانسوي، روسي و اسپانيائي تهيه شده و هر متن از اعتبار يكسان برخوردار‌است.
	+ [امضاء]‌در تائيد مراتب فوق، امضاء كنندگان ذيل كه از طرف دولتهاي متبوع خود براي اين منظور مجاز شده‌اند، اين كنوانسيون را امضاء مي‌نمايند. ‌تنظيم شده در لندن به تاريخ نهم آذرماه يكهزار و سيصد و شصت و نه هجري شمسي برابر با سي ام نوامبر يكهزار و نهصد و نود ميلادي.
* ‌الحاقيه ‌تأمين هزينه‌هاي كمك
	+ 1 ـ ‌الف ـ چنانچه موفقتنامه‌اي مربوط به ترتيبات مالي حاكم بر اقدامات اعضاء در برخورد با سوانح آلودگي نفتي، قبل از سانحه آلودگي نفتي به صورت‌دوجانبه منعقد نشده باشد، اعضاء هزينه‌هاي اقدامات مربوط خود را در برخورد با آلودگي برطبق رديف (1) يا (2) زير به عهده خواهند گرفت: 1 ـ اگر اقدام توسط يك عضو بنا به درخواست صريح عضو ديگر صورت گرفته باشد، عضو درخواست كننده هزينه اقدام عضو كمك كننده را تأمين‌خواهد كرد. عضو درخواست كننده مي‌تواند تقاضاي خود را در هر زماني ملغي سازد، اما در چنين موردي آن عضو بايد هزينه‌هايي را كه عضو كمك‌كننده پيش از اين متحمل يا تعهد نموده است، به عهده بگيرد. 2 ـ اگر اقدام بنا به ابتكار خود يك عضو صورت گرفته باشد، آن عضو هزينه‌هاي اقدام خود را به عهده خواهد گرفت. ب ـ اصول وضع شده در جزء (‌الف) مجري خواهد بود مگر آنكه اعضاي مربوط در هر مورد خاصي طور ديگر موافقت كرده باشند.
	+ 2 ـ اگر طور ديگري موافقت نشده باشد، هزينه‌هاي اقدام صورت گرفته توسط يك عضو بنا به درخواست عضو ديگر بر طبق قوانين و رويه جاري عضو‌كمك كننده در رابطه با تأمين اينگونه هزينه‌ها بطور كامل محاسبه خواهد شد.
	+ 3 ـ عضو درخواست كننده كمك و عضو كمك كننده در صورت انقضاء جهت انجام هر اقدامي براي پاسخگوئي به ادعاي جبران خسارت همكاري‌خواهند كرد. براي اين منظور، آنها توجه كافي به رژيمهاي حقوقي موجود معطوف خواهند داشت. هرگاه اقدامي كه بدين صورت انجام گرفته اجازه‌جبران كامل هزينه صرف شده در عمليات كمك رساني را ندهد، عضو درخواست كننده كمك مي‌تواند از عضو كمك كننده بخواهد كه از تأمين‌هزينه‌هايي كه از مبالغ جبران شده تجاوز مي‌نمايد صرف نظر كند يا هزينه‌هايي كه طبق بند (2) محاسبه شده‌اند را كاهش دهد. آن عضو همچنين‌مي‌تواند تقاضاي تعويق تأمين چنين هزينه‌هايي را بنمايد. در هنگام بررسي چنين تقاضايي، اعضاي كمك كننده بايد توجه كافي به نيازهاي كشورهاي در‌حال توسعه معطوف نمايند.
	+ 4 ـ مفاد اين كنوانسيون نبايد به هيچ وجه به عنوان ضايع كننده حقوق اعضاء در تأمين هزينه‌هاي اقدامات مربوط به مقابله با آلودگي يا تهديد ناشي از‌آلودگي به موجب ديگر مقررات و قواعد قابل اعمال و حقوق داخلي و بين‌الملل از طرفهاي ثالث تفسير شود. كنوانسيون بين‌المللي مسئوليت مدني‌ناشي از خسارت آلودگي نفتي مصوب 1348 هجري شمسي برابر با 1969 ميلادي و كنوانسيون بين‌المللي مربوط به ايجاد صندوق بين‌المللي براي‌جبران خسارت آلودگي نفتي يا هر اصلاحيه بعدي اين كنوانسيونها بايد مورد توجه ويژه قرار گيرند.
* [امضاء]قانون فوق مشتمل بر ماده‌واحده منضم به متن كنوانسيون شامل مقدمه و نوزده ماده و يك الحاقيه در جلسه علني روز يكشنبه مورخ بيست و نهم تيرماه يكهزاروسيصدوهفتادوشش مجلس شوراي اسلامي تصويب و در تاريخ 8/5/1376 به تاييد شوراي نگهبان رسيده‌است. رئيس مجلس شوراي اسلامي ـعلي‌اكبر ناطق نوري

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=171190>

**قانون الحاق دولت جمهوري اسلامي ايران به كنوانسيون بين‌المللي مداخله در درياهاي آزاد در صورت بروز سوانح‌آلودگي نفتي و پروتكل مداخله در درياهاي آزاد در صورت بروز آلودگي غير نفتي**

قانون الحاق دولت جمهوري اسلامي ايران به كنوانسيون بين‌المللي مداخله در درياهاي آزاد در صورت بروز سوانح‌آلودگي نفتي و پروتكل مداخله در درياهاي آزاد در صورت بروز آلودگي غير نفتي

* ‌ماده واحده ـ به دولت اجازه داده مي‌شود به كنوانسيون بين‌المللي مداخله در درياهاي آزاد در صورت بروز سوانح آلودگي نفتي مشتمل بر يك‌مقدمه، 17) ماده و يك پيوست و پروتكل مداخله در درياهاي آزاد در صورت بروز آلودگي ناشي از مواد غير نفتي مشتمل بر يك مقدمه و 11) ماده‌به شرح پيوست ملحق شود و اسناد الحاق را تسليم نمايد. ‌تبصره ـ ارجاع اختلافهاي ناشي از اجراي اين كنوانسيون به مصالحه يا داوري با تصويب مراجع ذيصلاح قانوني خواهد بود. ‌بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم
* ‌كنوانسيون بين‌المللي مربوط به مداخله در درياهاي آزاد در صورت بروز سوانح آلودگي نفتي ‌كشورهاي عضو اين كنوانسيون: ‌با آگاهي از نياز به حمايت از منافع ملت‌هاي خود در مقابل پيامدهاي شديد سانحه دريايي ناشي از خطر آلودگي نفتي در دريا و خطوط ساحلي. ‌با اعتقاد به اينكه تحت اين شرايط ممكن است اقداماتي با خصوصيت استثنايي براي حمايت از چنين منافعي در درياهاي آزاد ضروري باشد و اينكه‌اين گونه اقدامات تاثيري بر اصل آزادي درياهاي آزاد نخواهد داشت، به قرار زير توافق نموده‌اند:
	+ ‌ماده 1 ـ 1 ـ اعضاي اين كنوانسيون مي‌توانند در صورت لزوم به دنبال بروز سانحه دريايي و يا عمليات متعاقب آن به منظور جلوگيري، كاهش يا رفع خطرات‌شديد و قريب‌الوقوع از خطوط ساحلي يا منافع ذي‌ربط خود در اثر آلودگي يا تهديد آلودگي دريا به وسيله نفت كه منطقا" منجر شدن آن به پيامدهاي‌زيانبار بزرگ قابل انتظار مي‌باشد، اقداماتي را در درياهاي آزاد به عمل آورند. 2 ـ با اين حال بر اساس اين كنوانسيون هيچگونه اقدامي عليه كشتي‌هايي كه تحت مالكيت يا بهره‌برداري يك كشور قرار داشته و در آن زمان تنها در‌ارتباط با ارايه خدمات غير تجاري دولتي بكار گرفته شده‌اند نبايد انجام پذيرد.
	+ ‌ماده 2 ـ از نظر اين كنوانسيون 1 ـ سانحه "‌دريايي" به معني تصادم كشتي‌ها به گل نشستن يا ديگر حوادث دريانوردي يا ديگر اتفاقات بر روي يك كشتي يا خارج از آن كه منجر به‌ورود خسارت‌هاي عمده يا تهديد قريب‌الوقوع از جهت ورود خسارات عمده به كشتي يا كالا مي‌شود، مي‌باشد. 2 ـ "‌كشتي" عبارت است از ـ ‌الف ـ هر گونه شناور اقيانوس پيما از هر نوع كه باشد، و. ب ـ هر گونه وسيله متحرك شناور در آب، به استثناي تاسيسات يا وسايل مربوط به اكتشاف و بهره‌برداري منابع بستر دريا، كف اقيانوس وزير آن. 3 ـ "‌نفت" به معني نفت خام،‌نفت سوخت، نفت ديزل و روغن روان كننده مي‌باشد. 4 ـ "‌منافع ذيربط" عبارت است از منافع كشور ساحلي كه به طور مستقيم تحت تاثير سانحه دريايي يا تهديد ناشي از آن قرار گرفته، مانند ـ ‌الف ـ فعاليتهاي ساحلي دريايي، بندري يا داخل خور، از جمله فعاليتهاي ماهيگيري كه وسيله اصلي امرار معاش اشخاص ذيربط مي‌باشد. ب ـ جاذبه‌هاي توريستي منطقه مربوط. ج ـ سلامت مردم ساحل نشين و سالم ماندن منطقه مربوط، از جمله حفظ منابع زنده دريايي و حيات وحش. 5 ـ "‌سازمان" به معني سازمان مشورتي بين‌الدولي دريانوردي مي‌باشد.
	+ ‌ماده 3 ـ هنگامي كه كشور ساحلي در اعمال حقوق خود اقداماتي را برابر ماده 1) به عمل مي‌آورد، مقررات زير اعمال مي‌شود: ‌الف ـ قبل از انجام هر گونه اقدامي، كشور ساحلي بايد با ديگر كشورهايي كه متاثر از سانحه دريايي بوده‌اند، به ويژه كشور يا كشورهاي صاحب پرچم،‌مشورت نمايد. ب ـ كشور ساحلي بايد بدون تاخير اقدامات مورد نظرش را به هر شخص حقيقي يا حقوقي كه براي آن كشور مشخص بوده يا در حين مشورت مشخص‌شود كه داراي منافعي هستند كه منطقا ممكن است تحت تاثير آن اقدامات قرار گيرند، اطلاع دهد. كشور ساحلي بايد هر نقطه‌نظري را كه ممكن است‌آنها عنوان نمايند، مورد توجه قرار دهد. ج ـ كشور ساحلي مي‌تواند قبل از انجام هر اقدامي با كارشناسان مستقل مشورت نمايد. اسامي اينگونه كارشناسان بايد از فهرستي كه نزد سازمان‌نگهداري مي‌شود انتخاب شود. ‌د ـ در وضعيت‌هاي فوق‌العاده اضطراري كه اقدامات لازم بايد فوري انجام پذيرد، كشور ساحلي مي‌تواند بدون اطلاع قبلي يا مشورت يا ادامه مشورتي‌كه از پيش آغاز شده است، به علت شرايط اضطراري اقدامات لازم را به عمل آورد. ه ـ كشور ساحلي بايد قبل از انجام اينگونه اقدامات و همچنين در خلال انجام آن، حداكثر تلاش خود را به منظور اجتناب از به خطر انداختن جان افراد‌بكار برده و در ارايه هر گونه كمك به اشخاصي كه در معرض خطر قرار داشته و نيازمند به اينگونه كمكها مي‌باشند، اهتمام نمايد و در موارد مقتضي‌موجبات مراجعت كاركنان كشتي به كشورشان را تسهيل نموده و هيچگونه مانعي در اين مورد ايجاد ننمايد. ‌و ـ اقدامات انجام شده در اعمال ماده1) بايد بدون تاخير به كشورها و اشخاص حقيقي يا حقوقي شناخته شده ذيربط، همچنين به دبير كل سازمان‌اطلاع داده شود.
	+ ‌ماده 4 ـ 1 ـ تحت نظارت سازمان بايد فهرستي از اسامي كارشناسان كه به موجب ماده 3) اين كنوانسيون مورد پيش‌بيني قرار گرفته‌اند، تهيه و تنظيم و نگهداري‌شود و سازمان بايد مقررات لازم و مناسب را در اين ارتباط از جمله در مورد تعيين صلاحيتهاي لازم، تدوين نمايد. 2 ـ معرفي افراد براي درج در فهرست مي‌تواند به وسيله كشورهاي عضو سازمان و يا اعضاي اين كنوانسيون صورت پذيرد. دستمزد كارشناسان براساس‌خدمات ارايه شده، توسط كشورهاي استفاده كننده از اين گونه خدمات پرداخت خواهد شد.
	+ ‌ماده 5 ـ 1 ـ اقدامات به عمل آمده توسط كشور ساحلي براساس ماده 1) بايد با ميزان خسارت واقعي يا خسارت‌هايي كه آن كشور را تهديد مي‌كند، متناسب‌باشد. 2 ـ چنين اقداماتي نبايد از آنچه به صورت منطقي براي رسيدن به اهداف مذكور در ماده 1) لازم است، فراتر باشد و بايد به محض دستيابي به آن‌اهداف متوقف شود. اقدامات مزبور نبايد به گونه‌اي غير ضروري با حقوق و منافع كشور صاحب پرچم، كشورهاي ديگر و يا هر شخص حقيقي يا‌حقوقي ذيربط ، برخورد داشته باشد. 3 ـ در ارزيابي اينكه آيا اقدامات متناسب با ميزان خسارت مي‌باشد مراتب زير بايد در نظ‌ر گرفته شود ـ ‌الف ـ ميزان و احتمال خسارت قريب‌الوقوع در صورت عدم اجراي آن اقدامات، و. ب ـ احتمال موثر بودن آن اقدامات،‌و. ث ـ ميزان خساراتي كه ممكن است براثر انجام اقدامات مزبور ايجاد شود.
	+ ‌ماده 6 ـ ‌هر عضوي كه در جهت خلاف مقررات كنوانسيون حاضر اقداماتي را انجام داده كه موجب ورود خسارت به ديگران شده باشد، به پرداخت غرامت به‌ميزان خسارات ناشي از اقداماتي كه به طور منطقي از آنچه براي نيل به اهداف مذكور در ماده 1) لازم است فراتر مي‌باشد، ملزم مي‌شود.
	+ ‌ماده 7 ـ ‌هيچيك از مفاد اين كنوانسيون هرگونه حق، وظيفه، امتياز و مصونيتي كه به گونه ديگري قابل اعمال بوده را تضييع نكرده و يا هريك از اعضا و يا هر‌شخص حقيقي يا حقوقي ذينفع را از هر گونه وسيله جبران خسارتي كه به نحو ديگري قابل اعمال است محروم نخواهد كرد مگر اينكه به صورت‌صريح قيد شده باشد.
	+ ‌ماده 8 ـ 1 ـ هرگونه اختلاف بين اعضا از نظر مغايرت اقدامات انجام شده بر اساس ماده1) با مفاد اين كنوانسيون، لزوم پرداخت غرامت به موجب ماده6) و‌ميزان چنين غرامتي، اگر با انجام گفتگو بين اعضاي درگير، يا بين عضوي كه آن اقدامات را انجام داده و خواهان‌هاي حقيقي و يا حقوقي، حل و فصل‌نشده باشد، چنانچه طرفها به صورت ديگري نيز توافق ننمايند، به درخواست هريك از طرفهاي ذيربط به مصالحه ارجاع و چنانچه مصالحه با موفقيت‌همراه نباشد، به داوري به صورتي كه در پيوست اين كنوانسيون درنظر گرفته شده، ارجاع مي‌شود. 2 ـ عضوي كه اقداماتي انجام داده حق ندارد تنها بر اين اساس كه توسل به همه طرق جبران خسارت به موجب قوانين داخلي در دادگاههايش به عمل‌نيامده، در مقابل درخواست مصالحه يا داوري برابر مفاد بند پيشين خودداري نمايد.
	+ ‌ماده 9 ـ 1 ـ اين كنوانسيون براي امضا تا دهم دي‌ماه يكهزار و سيصد و چهل و نه هجري شمسي برابر با سوم دسامبر سال يكهزار و نهصد و هفتاد ميلادي واز‌آن پس براي الحاق مفتوح مي‌باشد. 2 ـ كشورهاي عضو سازمان ملل متحد يا هر نمايندگي تخصصي مربوط به آن يا آژانس بين‌المللي انرژي اتمي يا اعضاي اساسنامه ديوان بين‌المللي‌دادگستري مي‌توانند به صورتهاي زير عضو اين كنوانسيون شوند. ‌الف ـ امضاي بدون شرط تصويب، پذيرش يا تاييد. ب ـ امضاي منوط به تصويب، پذيرش يا تاييد كه به دنبال آن تصويب، پذيرش يا تاييد، انجام گيرد، يا. ج ـ الحاق.
	+ ‌ماده 10 ـ 1 ـ تصويب، پذيرش، تاييد يا الحاق با تسليم سند رسمي به همين مضمون به دبير كل سازمان، رسميت خواهد يافت. 2 ـ تسليم هر سند تصويب، پذيرش، تاييد يا الحاق پس از لازم‌الاجرا شدن اصلاحيه اين كنوانسيون در ارتباط با كليه اعضاي موجود يا پس از انجام كليه‌اقدامات لازم براي لازم‌الاجرا شدن اصلاحيه در ارتباط با اعضاي فوق، شامل كنوانسيون تغيير يافته توسط اصلاحيه تلقي خواهد شد.
	+ ‌ماده 11 ـ 1 ـ اين كنوانسيون در نودمين روز پس از تاريخ امضاي دولت‌هاي پانزده كشور به صورت امضاي بدون شرط تصويب، پذيرش، تاييد، يا با تسليم اسناد‌تصويب، پذيرش، تاييد يا الحاق به دبير كل سازمان، لازم‌الاجرا خواهد شد. 2 ـ براي هر كشوري كه بعدا"‌اين كنوانسيون را تصويب، پذيرش، يا تاييد نموده يا به آن ملحق مي‌شود، زمان لازم‌الاجرا شدن آن در نودمين روز پس از‌تسليم سند مربوط توسط آن كشور مي‌باشد.
	+ ‌ماده 12 ـ 1 ـ اين كنوانسيون مي‌تواند توسط هر عضوي در هر زمان پس از تاريخ لازم‌الاجرا شدن كنوانسيون براي آن كشور، مورد انصراف قرار گيرد. 2 ـ انصراف با تسليم يك سند به دبير كل سازمان نافذ مي‌شود. 3 ـ انصراف يك سال يا مدت طولاني‌تري كه در سند انصراف بدان تصريح شده پس از تسليم سند انصراف به دبير كل سازمان،‌نافذ مي‌شود.
	+ ‌ماده 13 ـ 1 ـ در مواردي كه مسووليت اداره امور سرزمين به عهده سازمان ملل متحد بوده يا مسووليت روابط بين‌المللي يك سرزمين به عهده هر كشور عضو اين‌كنوانسيون مي‌باشد،‌اشخاص ياد شده بايد در كمترين زمان ممكن با مقامات صلاحيت‌دار در آن سرزمين مشورت نموده يا با انجام اقدامات مناسب ديگر‌موجبات شمول اين كنوانسيون را نسبت به آن سرزمين فراهم نمايند و مي‌توانند در هر زماني به وسيله يك اطلاعيه كتبي به دبير كل سازمان اعلام‌نمايند كه حيطه شمول اين كنوانسيون نسبت به آن سرزمين نيز گسترش مي‌يابد. 2 ـ حيطه شمول اين كنوانسيون از تاريخ دريافت آن اطلاعيه و يا از هر تاريخ ديگري كه در آن اطلاعيه قيد شده، به سرزمين ياد شده در آن، گسترش‌مي‌يابد. 3 ـ سازمان ملل متحد يا هر عضوي كه به موجب بند1) اين ماده اطلاعيه‌اي صادر نموده مي‌تواند در هر زمان، پس از تاريخي كه شمول كنوانسيون به‌يك سرزمين به ترتيب فوق گسترش يافته، از طريق اطلاعيه كتبي به دبير كل سازمان اعلام نمايد كه شمول اين كنوانسيون در مورد سرزمين ياد شده در‌اطلاعيه، متوقف مي‌شود. 4 ـ شمول اين كنوانسيون نسبت به هر سرزمين ياد شده در اطلاعيه يك سال يا مدت بيشتري كه در آن قيد شده، پس از تاريخ دريافت اطلاعيه توسط‌دبير كل سازمان، متوقف مي‌شود.
	+ ‌ماده 14 ـ 1 ـ سازمان مي‌تواند به منظور تجديدنظ‌ر يا اصلاح اين كنوانسيون كنفرانسي برگزار نمايد. 2 ـ سازمان در صورت درخواست حداقل يك سوم اعضا كنفرانسي متشكل از كشورهاي عضو اين كنوانسيون به منظور تجديد نظر يا اصلاح اين‌كنوانسيون برگزار خواهد نمود.
	+ ‌ماده 15 ـ 1 ـ اين كنوانسيون براي نگهداري به دبير كل سازمان توديع مي‌شود. 2 ـ دبير كل سازمان بايد ـ ‌الف ـ به كليه كشورهايي كه اين كنوانسيون را امضا نموده يا به آن پيوسته‌اند مراتب زير را اطلاع بدهد ـ ‌الف 1 ـ هر امضا يا سپردن سند جديد به همراه تاريخ آن. ‌الف 2 ـ سپردن هرگونه سند انصراف از اين كنوانسيون به همراه تاريخ توديع آن. ‌الف 3 ـ گسترش حيطه شمول اين كنوانسيون به هر سرزميني بر اساس بند 1) ماده 13) و توقف شمول آن بر اساس مفاد بند 4) آن ماده به همراه‌تاريخي كه به ترتيب فوق حيطه شمول اين كنوانسيون گسترش يافته يا متوقف خواهد شد. ب ـ ارسال نسخ مصدق اين كنوانسيون به كليه كشورهاي امضا كننده و همچنين كليه كشورهايي كه به اين كنوانسيون مي‌پيوندند.
	+ ‌ماده 16 ـ ‌به محض لازم‌الاجرا شدن اين كنوانسيون متن آن توسط دبير كل سازمان به دبيرخانه سازمان ملل متحد براي ثبت و انتشار براساس ماده 102) منشور‌سازمان ملل متحد، فرستاده خواهد شد.
	+ ‌ماده 17 ـ ‌اين كنوانسيون در يك نسخه به زبان‌هاي انگليسي و فرانسه تنظيم شده و هر دو متن بطور يكسان معتبر مي‌باشد. ترجمه رسمي به زبان‌هاي روسي و‌اسپانيولي نيز آماده شده و همراه با نسخه اصلي امضا شده نگهداري خواهد شد. ‌در تاييد مراتب فوق، امضاكنندگان زير كه به طور رسمي، توسط دولت متبوع خود براي اين منظور اختيار يافته‌اند، اين كنوانسيون را امضا نموده‌اند. ‌هشتم آذر ماه سال يكهزار و سيصد و چهل و هشت هجري شمسي برابر با بيست و نهم نوامبر سال يك هزار و نهصد و شصت و نه ـ بروكسل.
	+ ‌پيوست فصل اول ـ مصالحه
		- ‌ماده 1 ـ ‌تشريفات مصالحه بايد برابر مقررات مندرج در اين فصل باشد مشروط بر اينكه دو طرف مربوط تصميم ديگري نگرفته باشند.
		- ‌ماده 2 ـ 1 ـ در اجراي ماده 8) اين كنوانسيون يك كميسيون مصالحه بنابه درخواست يك عضو از عضو ديگر، تشكيل مي‌شود. 2 ـ تسليم درخواست مصالحه توسط يك عضو بايد شامل شرحي از موضوع به همراه هر گونه مدارك تاكيد كننده ديگر باشد. 3 ـ چنانچه تشريفات رسيدگي بين دو طرف به جريان افتاده باشد هر عضو ديگري كه اتباع يا اموال او تحت تاثير همان اقدامات واقع شده يا كشور‌ساحلي عضو كه اقدامات مشابهي انجام داده، مي‌تواند با دادن اطلاعيه كتبي به دو طرف كه در ابتدا جريان رسيدگي را آغاز نموده‌اند، به جريان مصالحه‌ملحق گردد، مگر اينكه يكي از دو طرف اخيرالذكر به چنين الحاقي معترض باشد.
		- ‌ماده 3 ـ 1 ـ كميسيون مصالحه از سه عضو تشكيل مي‌يابد ـ يك عضو توسط كشور ساحلي كه اقدامات را انجام داده معرفي شده، يك عضو توسط كشوري كه‌اتباع يا اموال آن تحت تاثير آن اقدامات واقع شده معرفي مي‌شود و عضو سوم كه رياست كميسيون را بر عهده خواهد داشت با توافق دو عضو اصلي‌تعيين مي‌شود. 2 ـ مصالحه دهندگان بايد از ميان فهرستي كه قبلا"‌برابر تشريفات مندرج در ماده 4) زير تنظيم شده، انتخاب شوند. 3 ـ اگر در خلال يك دوره زماني 60) روزه از تاريخ دريافت درخواست صالحه، طرفي كه چنين درخواستي از او به عمل آمده اطلاعيه‌اي به طرف ديگر‌در خصوص مخالفت با معرفي مصالحه دهنده‌اي كه وي مسوول انتخابش مي‌باشد، نداده باشد، يا چنانچه در طول يك دوره زماني30)‌روزه از تاريخ‌معرفي دومين نفر از اعضاي كميسيون كه بايد توسط دو طرف تعيين شود، دو مصالحه دهنده اول از طريق توافق قادر به تعيين رييس كميسيون نشده‌باشند، دبير كل سازمان بايد بنابه درخواست هركدام از دو طرف، انتخاب مورد لزوم را در خلال مدت 30)‌روز به انجام رساند. اعضاي كميسيون كه‌بدين ترتيب تعيين مي‌شوند بايد از فهرست ياد شده در بند پيشين انتخاب شوند. 4 ـ رييس كميسيون به هر روشي كه تعيين شود، در هيچ موردي نبايد داراي مليت يكي از كشورهاي دو طرف اصلي مصالحه بوده يا باشد.
		- ‌ماده 4 ـ 1 ـ فهرست ياد شده در ماده 3) فوق بايد شامل اشخاص صلاحيت داري كه به وسيله اعضا تعيين شده‌اند بوده و همچنين به وسيله سازمان به صورت‌به هنگام نگهداري شود. ‌هريك از اعضا مي‌تواند4)‌نفر را كه لزومي ندارد حتما" از مليت وي باشند براي درج در فهرست تعيين نمايد. انتخاب هر نفر براي مدت 6) سال بوده و‌قابل تجديد مي‌باشد. 2 ـ در صورت فوت يا استعفاي يكي از افراد مندرج در فهرست، عضوي كه چنين شخصي را معرفي نموده مي‌تواند جانشيني را براي مدت باقيمانده‌معرفي نمايد.
		- ‌ماده 5 ـ 1 ـ كميسيون مصالحه آيين كار خود را كه براساس آن در كليه موارد رسيدگي عادلانه امكان‌پذير است تنظيم خواهد نمود، مگر در صورتي كه دو طرف‌به گونه ديگري توافق كنند. كميسيون در ارتباط با امر تحقيق و رسيدگي بايد برابر مفاد فصل سوم كنوانسيون لاهه در مورد حل و فصل مسالمت‌آميز‌اختلافات بين‌المللي مصوب بيست و ششم مهر ماه سال يكهزار و دويست و هشتاد و شش هجري شمسي برابر با هجدهم اكتبر سال يكهزار و نهصد و‌هفت ميلادي، عمل نمايد مگر آنگه به اتفاق آرا، به گونه ديگري تصميم‌گيري نمايد. 2 ـ نمايندگي دو طرف نزد كميسيون مصالحه توسط نمايندگاني خواهد بود كه وظيفه‌شان عمل به عنوان ميانجي بين دولت و كميسيون مي‌باشد،‌همچنين هركدام از دو طرف مي‌توانند از خدمات مشاوران و كارشناساني كه به وسيله دو طرف بدين منظور معرفي شده‌اند بهره‌جويي نموده و استماع‌و رسيدگي به شهادت همه كساني را كه شهادت آنها به نظر آن طرف مفيد مي‌باشد را درخواست نمايند. 3 ـ كميسيون داراي اين حق مي‌باشد كه از نمايندگان، مشاوران و كارشناسان دو طرف و همچنين از اشخاص ديگر با رضايت دولت‌هايشان، در صورتي‌كه فراخواني آنها را مفيد تشخيص دهد درخواست اداي توضيحات نمايد.
		- ‌ماده 6 ـ ‌تصميمات كميسيون مصالحه بايد با اكثريت آرا گرفته شود و كميسيون حكمي در مورد موضوع اصلي اختلاف جز با حضور همه اعضا صادر نخواهد‌كرد مگر در صورتي كه دو طرف به گونه ديگري توافق كنند.
		- ‌ماده 7 ـ ‌دو طرف بايد موجبات تسهيل كار كميسيون مصالحه را فراهم آورده و به ويژه برابر قانون خود وبا بكارگيري كليه امكاناتي كه در اختيار دارند ـ ‌الف ـ اطلاعات و مدارك لازم را به كميسيون ارايه نمايند. ب ـ امكان ورود كميسيون به قلمرو سرزمين‌شان براي استماع شهادت شهود يا كارشناسان و ديدن صحنه را فراهم سازند.
		- ‌ماده 8 ـ ‌وظيفه كميسيون مصالحه روشن نمودن موضوعات مورد اختلاف، گردآوري كليه اطلاعات مربوط بدين منظور، از طريق انجام رسيدگي يا طرق ديگر و‌كوشش براي ايجاد مصالحه بين دو طرف مي‌باشد. پس از رسيدگي دعوا، كميسيون بايد توصيه خود را كه در ارتباط با موضوع بحث مناسب تشخيص‌داده با تعيين مدتي كه بيشتر از90)‌روز نمي‌شود به دو طرف اعلام نمايد واز دو طرف عضو خواسته شود كه در خلال اين مدت نظر خود را در مورد‌پذيرش يا عدم پذيرش توصيه ياد شده، اظهار نمايند.
		- ‌ماده 9 ـ ‌توصيه بايد با بيان دلايل همراه باشد. چنانچه اين توصيه‌ها به صورت كلي يا جزيي مبين نظ‌ر همه اعضاي كميسيون نباشد هركدام از مصالحه دهندگان‌محق خواهد بود كه نظريه جداگانه‌اي ارايه و تسليم نمايد.
		- ‌ماده 10 ـ ‌چنانچه تا 90)‌روز پس از اعلام توصيه به دو طرف هيچ‌كدام از آنها پاسخ موافق خود را به طرف ديگر در خصوص پذيرش آن توصيه اعلام ننموده‌باشند. مصالحه ناموفق تلقي مي‌شود. همچنين اگر كميسيون در ظرف مدت تعيين شده در بند 3)‌ماده3)‌فوق تشكيل نشده باشد، يا در صورتي كه دو‌طرف به گونه ديگري توافق نكرده باشند يا، كميسيون نتوانسته باشد توصيه خود را ظرف مدت يك سال از زمان تعيين رييس كميسيون، صادر نمايد،‌مصالحه موفقيت آميزي تلقي نخواهد شد.
		- ‌ماده 11 ـ 1 ـ هر عضو كميسيون براي كار خود اجرت دريافت خواهد نمود. چنين اجرتي براساس توافق دو طرف تعيين مي‌شود كه مشاركت هر كدام در پرداخت‌اجرت به نسبت مساوي خواهد بود. 2 ـ هزينه‌هاي متفرقه ناشي از انجام كار كميسيون به همين روش بين دو طرف تسهيم مي‌شود.
		- ‌ماده 12 ـ ‌دو طرف اختلاف در هرزمان در طول روند مصالحه مي‌توانند با توافق يكديگر در مورد مراجعه به يك روش رسيدگي متفاوت براي حل و فصل‌اختلافات تصميم‌گيري نمايند.
	+ ‌فصل دوم ـ داوري
		- ‌ماده 13 ـ 1 ـ تشريفات داوري بايد برابر مقررات مندرج در اين فصل باشد، مگر آنكه دو طرف به گونه ديگري تصميم‌گيري نمايند. 2 ـ در صورت عدم موفقيت مصالحه، درخواست داوري تنها ظرف مدت 180)‌روز پس از شكست مصالحه انجام پذير مي‌باشد.
		- ‌ماده 14 ـ ‌ديوان داوري شامل سه عضو خواهد بود ـ يك داور توسط كشور ساحلي كه اقدامات را انجام داده معرفي مي‌شود، يك داور توسط كشوري كه اتباع يا‌اموالش تحت تاثير آن اقدامات واقع شده معرفي مي‌شود و داور ديگر براساس توافق بين دو داور اخيرالذكر انتخاب و به عنوان رييس ديوان داوري‌عمل خواهد نمود.
		- ‌ماده 15 ـ 1 ـ چنانچه پس از سپري شدن مدت 60)‌روز از معرفي داور دوم، رييس ديوان انتخاب نشده باشد، دبير كل سازمان بنابه درخواست هركدام از دو طرف‌بايد ظرف مدت 60)‌روز بعدي چنين انتخابي را از فهرست اشخاص واجد شرايطي كه از قبل برابر مفاد ماده 4) فوق تعيين شده‌اند، به عمل آورد. اين‌فهرست جداي از فهرست كارشناسان پيش‌بيني شده در ماده 4) كنوانسيون و همچنين فهرست مصالحه دهندگان موضوع ماده 4)‌پيوست حاضر‌مي‌باشد، هرچند نام يك شخص مي‌تواند هم در فهرست مصالحه دهندگان وهم در فهرست داوران، آمده باشند. با اين حال شخصي كه به عنوان‌مصالحه دهنده در اختلاف عمل نموده نمي‌تواند براي همان موضوع براي عمل به عنوان داور انتخاب شود. 2 ـ چنانچه ظرف مدت 60)‌روز از زمان دريافت درخواست، يكي از دو طرف، عضو ديوان را كه مسووليت تعيين آن را دارد، معرفي ننمايد، طرف‌ديگر مي‌تواند مراتب را به طور مستقيم به اطلاع دبير كل سازمان رسانده و او بايد رييس ديوان را ظرف مدت 60)‌روز از فهرست موضوع بند 1) اين‌ماده، انتخاب نمايد. 3 ـ رييس ديوان بايد پس از معرفي شدن، از طرفي كه داور را تعيين ننموده، درخواست نمايد كه به همان روش و تحت همان شرايط مبادرت به انجام‌اين كار بنمايد. چنانچه طرف ياد شده اقدام به انتخاب مورد لزوم ننمايد، رييس ديوان بايد از دبير كل سازمان درخواست نمايد كه اين انتخاب را برابر‌شرايط و ترتيب مطروح در بند پيشين به عمل آورد. 4 ـ چنانچه رييس ديوان برابر مفاد اين ماده انتخاب شود، جز در صورت رضايت طرف يا طرف‌هاي ديگر نبايد مليت يكي از دو طرف مربوط را دارا‌بوده داشته باشد. 5 ـ در صورت فوت يا عدم حضور داوري كه يكي از دو طرف مسووليت انتخاب وي را داشته است، طرف ياد شده بايد ظرف مدت 60)‌روز از تاريخ‌فوت يا عدم حضور نسبت به معرفي جايگزين وي اقدام نمايد. اگر طرف ياد شده در مورد معرفي داور اقدامي ننمايد، داوري با حضور داوران باقي مانده‌به كار خود ادامه خواهد داد. در صورت فوت يا عدم حضور رييس ديوان، داوري با حضور داوران باقي مانده به كار خود ادامه خواهد داد. در صورت‌فوت يا عدم حضور رييس ديوان، جانشين وي برابر مفاد ماده 14)‌فوق تعيين شده و در صورت عدم توافق بين اعضاي ديوان ظرف مدت 60)‌روز پس‌از فوت يا عدم حضور، برابر مفاد اين ماده تعيين خواهد شد.
		- ‌ماده 16 ـ ‌چنانچه رسيدگي بين دو طرف شروع شده باشد، هر عضو ديگري كه اتباع يا اموال آن تحت تاثير همان اقدامات واقع شده باشد، يا هر كشور ساحلي‌عضوي كه اقدامات مشابهي را انجام داده، مي‌تواند با دادن اطلاعيه كتبي به طرف‌هايي كه در ابتدا رسيدگي را آغاز نموده‌اند، به جريان رسيدگي داوري‌وارد شود مگر آنكه يكي از دو طرف اخيرالذكر به چنين ورود و الحاقي معترض باشد.
		- ‌ماده 17 ـ ‌هر ديوان داوري كه برابر مقررات اين پيوست تشكيل مي‌شود، در مورد آيين رسيدگي خود تصميم خواهد گرفت.
		- ‌ماده 18 ـ 1 ـ تصميمات ديوان در مورد آيين رسيدگي و محل تشكيل جلسات آن، و همچنين در مورد هرگونه اختلاف مطروح نزد آن، بايد با راي اكثريت اعضاي‌ديوان اتخاذ گردد. غيبت يا امتناع از دادن راي توسط يكي از اعضا ديوان كه دو طرف مسووليت انتخاب آن را داشته‌اند، مانعي در امر تصميم‌گيري ديوان‌ايجاد نخواهد كرد. در صورت تساوي آرا راي نهايي با رييس خواهد بود. 2 ـ دو طرف بايد موجبات تسهيل كار ديوان را فراهم آورده، و به ويژه برابر قوانين خود وبا بكارگيري كليه امكاناتي كه در اختيار دارند ـ ‌الف ـ اطلاعات و مدارك لازم را به ديوان ارايه نمايند. ب ـ امكان ورود ديوان به قلمرو سرزمين‌شان براي استماع شهادت شهود يا كارشناسان و ديدن صحنه را فراهم سازند. 3 ـ غيبيت يا كوتاهي در حضور توسط يك طرف مانعي بر سر راه رسيدگي ايجاد نخواهد كرد.
		- ‌ماده 19 ـ 1 ـ حكم ديوان بايد با شرح دلايل همراه باشد. حكم ديوان نهايي و غير قابل پژوهش خواهد بود. دو طرف بايد فوري حكم ديوان را اجرا نمايند. 2 ـ هر اختلافي كه در ارتباط با تفسير و اجراي حكم ديوان بين دو طرف ايجاد شود مي‌تواند توسط هركدام از دو طرف براي قضاوت به ديواني كه حكم‌را صادر نموده و در صورت عدم امكان چنين امري، به ديوان ديگري كه بدين منظور و به همان روش ديوان اوليه تشكيل مي‌شود، ارجاع شود.
* ‌پروتكل مربوط به مداخله در درياهاي آزاد در صورت‌بروز آلودگي ناشي از موادي غير از نفت ‌مصوب 1352 هجري شمسي برابر با 1973 ميلادي) ‌كشورهاي عضو پروتكل حاضر، ‌كه عضو كنوانسيون بين‌المللي مربوط به "‌مداخله در درياهاي آزاد در صورت بروز سوانح آلودگي نفتي "‌انعقاد يافته در بروكسل به تاريخ هشتم آذرماه‌سال يكهزار و سيصد و چهل و هشت هجري شمسي برابر با بيست و نهم نوامبر سال يكهزار و نهصد و شصت و نه ميلادي، مي‌باشند. ‌با در نظر گرفتن قطعنامه همكاري‌هاي بين‌المللي در مورد مواد آلوده كننده غير از نفت مصوب كنفرانس حقوقي بين‌المللي در خصوص خسارت آلودگي‌دريايي 1348)‌برابر با1969). ‌وبا امعان نظر به اينكه متعاقب قطعنامه فوق، سازمان مشورتي بين‌الدولي دريانوردي اقدامات خود را در مورد كليه جنبه‌هاي آلودگي ناشي از موادي غير از نفت تشديد نموده‌است، به قرار زير توافق نموده‌اند.
	+ ‌ماده 1 ـ 1 ـ اعضاي اين پروتكل مي‌توانند به دنبال بروز يك سانحه دريايي و يا اعمال مرتبط با چنين سانحه‌اي كه به صورت منطقي مي‌توان انتظار داشت به‌پيامدهاي زيانبار عمده‌اي منجر شود، در صورت لزوم به منظور جلوگيري، كاهش يا رفع خطرات شديد و قريب‌الوقوع نسبت به خط ساحلي يا منافع‌مربوط خود ناشي از آلودگي يا تهديد به آلودگي به وسيله موادي غير از نفت، اقداماتي را در درياهاي آزاد به عمل آورند. 2 ـ "‌موادي غير از نفت" مورد اشاره دربند 1)‌عبارتند از ـ ‌الف ـ موادي كه در فهرست تعيين شده توسط يك نهاد صلاحيت‌دار برگزيده به وسيله سازمان نام برده شده‌اند كه فهرست مزبور به اين پروتكل پيوست‌خواهد شد.‌و ب ـ ساير موادي كه احتمال ايجاد خطر براي سلامت انسان، آسيب رساندن به منابع زنده و حيات دريايي،‌صدمه زدن به تسهيلات رفاهي و يا ايجاد‌اختلال در ساير بهره‌برداري‌هاي مشروع از دريا را دارا مي‌باشد. 3 ـ هرگاه يك كشور عضو مداخله كننده در ارتباط با يكي از مواد مورد اشاره در جزو ب) بند2) فوق اقدامي را به عمل آورد. آن عضو موظف است‌ثابت نمايد كه آن ماده تحت شرايط موجود در زمان مداخله منطقا" مي‌توانسته خطر شديد و قريب‌الوقوعي ايجاد نمايد كه مشابه خطر ايجاد شده‌توسط هريك از مواد ياد شده در فهرست مورد اشاره در جزو ‌الف) بند2) فوق مي‌باشد.
	+ ‌ماده 2 ـ 1 ـ مفاد بند2) ماده 1) و مواد 2) تا 8) كنوانسيون مربوط به مداخله در درياهاي آزاد در صورت بروز سوانح آلودگي نفتي مصوب 1348 هجري‌شمسي برابر با 1969 ميلادي و پيوست آن كه مربوط به نفت مي‌شود. نسبت به موارد مورد اشاره در ماده 1) پروتكل حاضر نيز قابل اعمال مي‌باشد. 2 ـ از نظر پروتكل حاضر، فهرست كارشناسان مورد اشاره در بندج) مواد 3) و4) كنوانسيون به گونه‌اي بسط خواهد يافت كه كارشناسان صلاحيت‌دار‌براي ارايه مشاوره در ارتباط با موادي غير از نفت را نيز، شامل شود. معرفي اسامي نامزدهاي اين فهرست مي‌تواند توسط كشورهاي عضو سازمان و‌كشورهاي عضو پروتكل حاضر به عمل آيد.
	+ ‌ماده 3 ـ 1 ـ فهرست مورد اشاره در جز ‌الف)‌بند2) ماده1) به وسيله نهاد صلاحيت‌دار تعيين شده از طرف سازمان، نگهداري خواهد شد. 2 ـ هرگونه اصلاحيه فهرست پروتكل حاضر كه توسط يك عضو پيشنهاد شده باشد. به سازمان تسليم خواهد شد و به وسيله سازمان، حداقل سه‌ماه‌قبل از رسيدگي توسط نهاد صلاحيتدار، در ميان كليه اعضاي سازمان و اعضاي پروتكل حاضر پخش مي‌شود. 3 ـ اعضاي پروتكل حاضر اعم از اينكه عضو سازمان باشند يا نباشند استحقاق شركت در جريان بررسي توسط نهاد صلاحيت‌دار را خواهند داشت. 4 ـ اصلاحيه‌ها تنها توسط اكثريت دوسوم اعضاي حاضر وراي دهنده اين پروتكل به تصويب خواهد رسيد. 5 ـ چنانچه اصلاحيه‌اي برابر بند 4) فوق تصويب شود اين اصلاحيه توسط سازمان براي پذيرش به كليه اعضاي پروتكل حاضر، ابلاغ خواهد شد. 6 ـ اصلاحيه مزبور در پايان مدت شش ماه پس از ابلاغ آن، پذيرفته شده تلقي خواهد شد مگر آنكه در خلال آن مدت توسط حداقل يك سوم از اعضاي‌پروتكل حاضر اعتراضي در مورد اين اصلاحيه به سازمان اعلام شده باشد. 7 ـ اصلاحيه‌اي كه طبق بند6) فوق پذيرفته شده تلقي گرديده است سه‌ماه پس از پذيرش آن براي كليه اعضا پروتكل حاضر، به استثناي اعضايي كه‌اطلاعيه‌اي مبني بر عدم پذيرش اصلاحيه مزبور صادر نموده‌اند، لازم‌الاجرا خواهد بود.
	+ ‌ماده 4 ـ 1 ـ پروتكل حاضر براي امضا توسط كشورهايي كه كنوانسيون مورد اشاره در ماده 2) را امضا نموده يا به آن پيوسته‌اند همچنين براي هر كشوري كه به‌حضور در كنفرانس بين‌المللي در مورد آلودگي دريايي 1352 برابر با 1973 دعوت شده، مفتوح مي‌باشد. پروتكل از تاريخ 1352.10.25 تا1353.10.10 هجري شمسي، برابر با 15 ژانويه 1974 ميلادي تا 31 دسامبر 1974 در مقر سازمان براي امضا مفتوح خواهد ماند. 2 ـ با رعايت بند 4)‌اين ماده پروتكل حاضر منوط به تصويب، پذيرش يا تاييد كشورهاي امضا كننده آن خواهد بود. 3 ـ با رعايت بند 4) اين پروتكل براي الحاق توسط كشورهايي كه آن را امضا ننموده‌اند، مفتوح خواهد بود. 4 ـ پروتكل حاضر تنها توسط كشورهايي كه كنوانسيون مورد اشاره در ماده 2) را تصويب، پذيرش يا تاييد نموده و يا به آن پيوسته‌اند مي‌تواند مورد‌تصويب، پذيرش، تاييد يا الحاق قرار گيرد.
	+ ‌ماده 5 ـ 1 ـ تصويب، پذيرش،‌تاييد،‌يا الحاق با سپردن سند رسمي به همين مضمون به دبير كل سازمان، رسميت خواهد يافت. 2 ـ هرگونه سند تصويب، پذيرش، تاييد يا الحاق، كه پس از لازم‌الاجرا شدن هر اصلاحيه پروتكل حاضر در ارتباط با كليه كشورهاي متعاهد موجود يا‌پس از تكميل كليه اقدامات ضروري براي لازم‌الاجرا شدن اصلاحيه در ارتباط با كليه كشورهاي عضو موجود، سپرده شده، شامل پروتكل تغيير يافته‌توسط اصلاحيه تلقي خواهد شد.
	+ ‌ماده 6 ـ 1 ـ پروتكل حاضر در نودمين روز پس از تاريخي كه در آن پانزده كشور، اسناد تصويب، پذيرش، تاييد يا الحاق را به دبير كل سازمان سپرده باشند‌لازم‌الاجرا خواهد شد، اگرچه پروتكل حاضر تا قبل از لازم‌الاجرا شدن كنوانسيون مورد اشاره در ماده 2) لازم‌الاجرا نخواهد شد. 2 ـ براي هر كشوري كه بعدا"‌پروتكل را مورد تصويب، پذيرش يا تاييد قرار داده و يا بدان ملحق شود، پروتكل حاضر در نودمين روز پس از سپردن سند‌مقتضي توسط چنين كشوري، لازم‌الاجرا خواهد شد.
	+ ‌ماده 7 ـ 1 ـ پروتكل حاضر مي‌تواند توسط هر عضوي در هر زمان پس از تاريخ لازم‌الاجرا شدن پروتكل براي آن متعاهد مورد انصراف قرار گيرد. 2 ـ "‌انصراف" با تسليم سندي بدين مضمون به دبير كل سازمان، رسميت خواهد يافت. 3 ـ "‌انصراف" پس از يك سال يا مدت طولاني‌تري كه در سند انصراف بدان تصريح شده، از زمان تسليم سند انصراف به دبير كل سازمان، رسميت‌خواهد يافت. 4 ـ انصراف از كنوانسيون مورد اشاره در ماده 2) توسط يك عضو به معني انصراف از پروتكل حاضر توسط آن عضو تلقي خواهد شد. چنين انصرافي‌در همان روز رسميت يافتن انصراف از كنوانسيون برابر بند 3) ماده 12) آن كنوانسيون رسميت خواهد يافت.
	+ ‌ماده 8 ـ 1 ـ كنفرانسي به منظور تجديد نظر يا اصلاح پروتكل حاضر مي‌تواند توسط سازمان برگزار شود. 2 ـ سازمان بنابه تقاضاي حداقل يك سوم كشورهاي متعاهد به پروتكل حاضر، كنفرانسي از كشورهاي عضو را براي تجديد نظر يا اصلاح آن تشكيل‌خواهد داد.
	+ ‌ماده 9 ـ 1 ـ پروتكل حاضر به دبير كل سازمان سپرده خواهد شد. 2 ـ دبير كل سازمان بايد ـ ‌الف ـ به كليه كشورهايي كه پروتكل حاضر را امضا نموده يا به آن ملحق شده‌اند مراتب زير را اطلاع بدهد ـ 1 ـ هر امضا يا سپردن سند جديد به همراه تاريخ آن. 2 ـ تاريخ لازم‌الاجرا شدن پروتكل حاضر. 3 ـ سپردن هرگونه سند انصراف از پروتكل حاضر به همراه تاريخي كه در آن انصراف رسميت خواهد يافت. 4 ـ هرگونه اصلاحيه پروتكل حاضر يا پيوست آن و هرگونه اعتراض يا اعلام عدم پذيرش اصلاحيه‌هاي ياد شده. ب ـ نسخ برابر با اصل پروتكل حاضر را به كليه كشورهايي كه پروتكل حاضر را امضا نموده يا به آن ملحق شده‌اند، ارسال نمايد.
	+ ‌ماده 10 ـ ‌به محض اينكه پروتكل حاضر لازم‌الاجرا شود، يك نسخه برابر با اصل آن توسط دبير كل سازمان براي ثبت و انتشار برابر ماده 102) منشور سازمان‌ملل متحد، به دبيرخانه سازمان ملل متحد ارسال خواهد شد.
	+ ‌ماده 11 ـ ‌پروتكل حاضر دريك نسخه اصلي به زبان‌هاي انگليسي، فرانسه، روسي و اسپانيايي تنظيم شده است كه هر چهار متن به طور يكسان معتبر مي‌باشد. ‌در تاييد مراتب فوق، امضا كنندگان زير كه به گونه مقتضي براي اين منظور اختيار يافته‌اند، پروتكل حاضر را امضا نموده‌اند. ‌لندن به تاريخ يازدهم آبان ماه يكهزار و سيصد و پنجاه و دو هجري شمسي برابر با دوم نوامبر يكهزار و نهصد و هفتاد و سه.
	+ ‌ضميمه ‌فهرست مواد تعيين شده توسط كميته حفاظت از محيط زيست ‌دريايي سازمان طبق جز الف بند 2 ماده 1 پروتكل 1 ـ نفت ‌هنگام حمل به صورت فله) ‌محلولهاي اسفالتي ‌مواد تركيبي ‌پس مانده‌هاي پودري ‌اضافات گازوييل با نقطه جوش متوسط ‌نفت ‌تصفيه شده ‌تركيبات حاوي نفت خام ‌نفت سنگين ‌روغن خوشبوكننده ‌به جز روغن‌نباتي) ‌مواد تركيبي ‌روغن معدني ‌روغن نفوذ كننده ‌روغن دوك ‌روغن توربين ‌مواد حاصل از تقطير ‌گازوييل با نقطه جوش متوسط ‌تركيبات فلشد فيد ‌گازوييل ‌رقيق شده ‌بنزين‌هاي تركيبي ‌سوخت الكلي ‌سوختهاي با كيفيت بهبود يافته ‌سوخت پليمري ‌بنزينها ‌روغن سر سيلندر ‌طبيعي) ‌اتوموتيو ‌نوعي بنزين) ‌سوخت هواپيما ‌بانقطه جوش متوسط ‌انواع سوخت جت ‌سوخت جت 1 ، ‌نفت سفيد) ‌سوخت جت 3 ، ‌سوخت جت 4 ، ‌سوخت جت 5 ،‌نفت سفيد، سنگين) ‌سوخت جت با درجه اكتان بالا ‌حلال معدني ‌نفتا ‌حلال ‌حلالهاي حاصل از پالايش ‌برشهاي حاصل از تقطير 2 ـ مواد مضر ‌استيك انيدريد ‌استن ‌استون سيانوهيدرين ‌اكرولين ‌اكريلونيتريل ‌آلدرين ‌آليل ايزوتيوسيانيت ‌فسفيد آلومينيوم ‌آمونياك‌مايع 28%) ‌فسفات آمونيوم ‌اميل مركاپتان ‌آنيلين ‌آنيلين هيدروكلرايد ‌تركيبات آنتي‌موآن ‌تركيبات ارسنيك ‌آترازين ‌متيل آزين فسفات ‌گوتين) ‌آزيد باريم ‌سيانيد باريم ‌اكسيد باريم ‌بنزن ‌ايزومرهاي هگزا كلريد بنزن ‌ليندن) ‌بنزيدين ‌بريليم ‌به صورت پودر) ‌برم ‌سيانيد برموبنزيل ‌نرمال بوتيل اكريلات ‌اسيد بوتيريك ‌اسيد كاكوديليك ‌تركيبات كادميوم ‌كارباريل‌سوين) ‌دي سولفيد كربن ‌تترا كلريد كربن ‌كلردان ‌كلرو استن ‌كلرو استوفنون ‌كلرو دي نيترو بنزن ‌كلروفرم ‌كلرو هيدرين‌ها‌خام) ‌كلرو پيكرين ‌اسيد كروميك ‌تري اكسيد كروم) ‌كوكولوس ‌جامد) ‌تركيبات مس ‌كرزول‌ها ‌دي آمين اتيلن مس ‌تركيبات سيانيد ‌برميد سيانوژن ‌كلريد سيانوژن ‌د.‌د.ت ‌دي كلرو انيلين‌ها ‌دي كلرو بنزن ‌دي آلدرين ‌دي متوآت ‌سيگون) ‌دي متيل آمين ‌مايع 40%) ‌دي نيترو انيلن‌ها 4 و6 دي نيترو ارتوكروزل ‌دي نيترو فنل‌ها ‌اندوسولفان‌تيودان) ‌اندرين ‌اپي كلرو هيدرين ‌اتيل برمو استيت ‌اتيلن كلرو هيدرين 2،‌كلرو، اتانول) ‌اتيلن دي كلرايد ‌استات فنتين ‌خشك) ‌اسيد فلئوسيكليك ‌هپتاكلر ‌هكزا كلروبنزن ‌هكزا اتيل تترافسفات ‌اسيد هيروسيانيك ‌اسيد هيدروفليوريك ‌مايع40%) ‌ايزوپرن ‌تركيبات سرب ‌ليدن ‌گامگزانBHC ) ‌مالاتون ‌تركيبات جيوه ‌متيل الكل ‌متيل كلرايد ‌مولاس‌ها ‌نفتالين ‌حل شده) ‌نفتيل تيوره ‌اسيد نيتريك 90%) ‌روغن ‌پاراتون ‌پاراكوت ‌فنل ‌اسيد فسفريك ‌فسفروس ‌طبيعي) ‌پلي‌هالوژنت بي فنيل‌ها ‌سديم پنتا كلروفنات ‌استيرن مونومر ‌تولوئن ‌دي ايزوسيانيت تولوئن ‌توگزافن ‌فسفات تري توليل ‌تري كرزيل فسفات) 2،4،5 ـ تي 3 ـ گازهاي مايع ‌هنگام حمل بصورت فله) ‌استالدئيد ‌آمونياك آنيدروس ‌بوتادين ‌بوتان ‌تركيب بوتان و پروپان ‌بوتيلن‌ها ‌كلرين ‌دي متيل آمين ‌اتيل كلرايد ‌اتان ‌اتيلن ‌اكسيد اتيلن ‌متان LNG ) ‌تركيب متيل استيلن پروپادين ‌متيل برميد ‌متيل كلريد ‌پروپان ‌پروپيلن ‌وينيل كلريد مونومر ‌انيدروس هيدروژن كلريد ‌انيدروس هيدروژن فليوريد ‌دي اكسيد سولفور 4 ـ مواد راديواكتيو ‌مواد راديواكتيو شامل عناصر و تركيب‌هايي ميشوند كه ايزوتوپ‌هاي آنها مشمول الزامات بخش 835 مقررات حمل بي‌خطر مواد راديواكتيو، نسخه‌تجديدنظر شده 1973، منتشره توسط آژانس بين‌المللي انرژي اتمي، ميباشند ولي محدود به اين مواد نيستند و مي‌توان آنها را در بسته‌هاي نوع A و نوعB همچون مواد قابل فيزيون يا مواد حمل شده طبق ترتيبات خاص مانند مواد زير نگهداري يا حمل نمود. ‌اورانيوم 235 پلوتونيم 239 راديوم 226 سزيم 137 كبالت 60 .
* [امضاء]قانون فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقتنامه شامل مقدمه ، هفده ماده و يك پيوست و پروتكل مداخله در درياهاي آزاد در صورت بروز آلودگي غير نفتي مشتمل بر يك مقدمه و يازده ماده و يك ضميمه در جلسه علني روز يكشنبه مورخ 7/11/1375 مجلس شوراي اسلامي تصويب و در تاريخ 16/11/1375 به تأييد شوراي نگهبان رسيده است. رئيس مجلس شوراي اسلامي ـ علي اكبر ناطق نوري

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=165501>

# ‌قانون‌الزام دولت جهت تنظيم لايحه قانوني نفت

* ‌ماده واحده ـ از تاريخ تصويب اين قانون وزارت نفت موظف است ظرف مدت چهار ماه لايحه نفت و اساسنامه مؤسسات تابعه خود را منطبق بر‌موازين اسلامي‌و قانون اساسي جمهوري اسلامي‌ايران تهيه و طبق اصل 74 قانون اساسي به مجلس شوراي اسلامي‌تقديم نمايد.
* [امضاء] قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه روز يكشنبه پانزدهم اسفند ماه يك هزار و سيصد و شصت و يك با حضور شوراي محترم نگهبان به‌تصويب مجلس شوراي اسلامي‌رسيد. ‌رئيس مجلس شوراي اسلامي‌ ـ اكبر‌هاشمي

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=109727>

# ‌لايحه قانوني راجع به تشكيل كميسيون خاص در مورد قراردادهاي نفتي

‌لايحه قانوني راجع به تشكيل كميسيون خاص در مورد قراردادهاي نفتي
‌لايحه قانوني راجع به تشكيل كميسيون خاص در مورد قراردادهاي نفتي كه در جلسه مورخ 18/10/1358 به تصويب شوراي انقلاب جمهوري اسلامي ايران رسيده است بپيوست ابلاغ ميگردد.

* ‌ماده واحده ـ كليه قراردادهاي نفتي كه به تشخيص كميسيون خاصي كه از طرف وزير نفت تعيين مي‌شود مغاير با قانون ملي شدن صنعت نفت در‌ايران تشخيص داده شود كان‌لم‌يكن تلقي گرديده و دعاوي ناشي از انعقاد و اجراي اين قراردادها به رأي اين كميسيون قابل حل و فصل مي‌باشد. ‌اين كميسيون با شركت نماينده وزارت امور خارجه خواهد بود.
* [امضاء]شوراي انقلاب جمهوري اسلامي ايران

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=100885>

‌لايحه قانوني راجع به تمديد مهلت مقرر در ماده 3 لايحه قانوني تأسيس وزارت نفت

* ‌ماده واحده ـ مهلت تعيين شده در ماده 3 لايحه قانوني تأسيس وزارت نفت مصوب 1358.7.8 شوراي انقلاب به مدت 3 ماه تمديد و ظرف اين‌مدت بايد سازمان و تشكيلات وزارت نفت و شركتهاي تابعه از طرف وزارت نفت به سازمان امور اداري و استخدامي كشور پيشنهاد گردد و اين سازمان‌و تشكيلات پس از تصويب آن سازمان قطعيت خواهد داشت.
* [امضاء]شوراي انقلاب جمهوري اسلامي ايران

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=101582>

# لايحه قانوني راجع به «كنوانسيون منطقه‌اي كويت براي همكاري درباره» حمايت و توسعه محيط زيست دريائي و نواحي ساحلي» و «پروتكل مربوط به مبارزه با‌الودگي ناشي از نفت و ساير مواد مضره درموارد اضطراري»

* ماده واحده ـ «کنوانسيون منطقه‌اي کويت براي همکاري درباره حمايت و توسعه محيط زيست دريائي و نواحي ساحلي» مشتمل بر 30 ماده و «پروتکل مربوط به مبارزه باآلودگي ناشي از نفت وساير مواد مضره درموارد اضطراري» مورخ 24 آوريل 1978 (4/2/57) تصويب و بوزارت امور خارجه اجازه داده ميشود که تشريفات تسليم اسناد تصويب را انجام دهد.
* [امضاء] شوراي انقلاب جمهوري اسلامي ايران

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=101729>

# قانون مربوط به قرارداد فروش و خريد گاز طبيعي بين شركت ملي گاز ايران و شركتهاي روهر گاز Ruhrgaz و گازدوفرانس(Gazdefrance) و نفت معدني اتريش Oesterre Ich Ischem Ineraloel Verwaltun GAkt Iengesellschaft

* ‌ماده واحده ـ مندرجات مواد 18 و 19 قرارداد فروش و خريد گاز طبيعي مورخ نهم آذر ماه 1354 (2534 شاهنشاهي) منعقد بين شركت ملي گاز‌ايران و شركتهاي: (1) RUHRGAz (‌آلماني) (2) GAZDEFRANCE (‌فرانسوي) (3) Oesterre Ich Ischem Ineraloel Verwaltung Akt Iengesellschaft(‌اتريشي) ‌همچنين ماده 4 قرارداد سه جانبه داوري منعقد در تاريخ نهم آذر ماه 1354 (2534 شاهنشاهي) بين شركت ملي گاز ايران و شركتهاي فوق‌الذكر و‌مؤسسه (V/OSojuzgazexport) شوروي تأييد و تنفيذ مي‌گردد.
* [امضاء] قانون فوق مشتمل بر يك ماده پس از تصويب مجلس سنا در جلسه روز دوشنبه 2537.2.18 در جلسه روز سه شنبه نهم خرداد ماه دو هزار و پانصد و‌سي و هفت شاهنشاهي به تصويب مجلس شوراي ملي رسيد. ‌رييس مجلس شوراي ملي ـ عبدالله رياضي اصل فرمان هماوني و قانون در دفتر نخست وزير است. وزير مشاور در امور پارلماني ـ هلاكو رام‌بد

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=97628>

# قانون اساسنامه شركت ملي نفت ايران 1356

* ‌فصل اول ـ كليات و سرمايه
	+ ‌ماده 1 ـ شركت ملي نفت ايران كه به موجب قانون مورخ نهم ارديبهشت (1330) 2510 تأسيس گرديده و در اين اساسنامه از اين پس شركت ناميده‌مي‌شود، شركت سهامي است كه عمليات خود را با توجه به وظائف و حقوق و اختيارات مقرر در قانون نفت مصوب هشتم مرداد (1353) 2533 و‌ساير قوانين خاص مربوط به نفت و گاز و پتروشيمي به موجب اين اساسنامه و طبق اصول بازرگاني اجراء مي‌نمايد.
	+ ‌ماده 2 ـ مركز اصلي شركت تهران است و شركت مي‌تواند شعب يا نمايندگي‌هايي براي اجراي عمليات مقرر در اين اساسنامه در داخل و خارج‌كشور تأسيس نمايد.
	+ ‌ماده 3 ـ سرمايه شركت يكصد ميليارد ريال است كه منقسم به ده هزار سهم ده ميليون ريالي با نام بوده و پنجاه درصد آن پرداخت گرديده است. ‌صاحب سهام متعهد است كه قسمت پرداخت نشده سرمايه را به تقاضاي هيأت مديره و تصويب مجمع عمومي پرداخت كند. افزايش سرمايه منوط به‌پيشنهاد هيأت مديره و تأييد مجمع عمومي و تصويب نهايي هيأت وزيران خواهد بود. ‌كليه سهام شركت متعلق به دولت ايران و غير قابل انتقال است.
* ‌فصل دوم ـ موضوع ـ وظايف ـ حقوق و اختيارات شركت
	+ ‌ماده 4 ـ موضوع شركت عبارت است از اعمال حق مالكيت ملت ايران نسبت به منابع نفتي و گازي سرتاسر كشور و فلات قاره و اشتغال به عمليات‌صنعت نفت و گاز و پتروشيمي و صنايع وابسته در داخل و خارج كشور به شرح زير: ‌الف ـ تفحص و نقشه‌برداري و اكتشاف و استخراج و حمل و نقل و تصفيه نفت خام و گاز طبيعي و هيدروكاربورهاي طبيعي ديگر اعم از مايع و‌جامد (‌به استثناي ذغال سنگ) و ساختن و عمل آوردن هر نوع فرآورده‌هاي اصلي نفتي از قبيل گاز و گاز مايع و انواع مشتقات گاز و اقسام بنزين و‌اقسام نفت سفيد و نفت گاز و نفتهاي سوخت و قير و آسفالت و هر نوع مواد نفتي كه توليد نيرو نمايد. همچنين هر گونه عمليات به منظور قابل عرضه‌كردن مواد مزبور و حمل و نقل و پخش و صدور و فروش آنها در داخل و خارج كشور. ‌اشتغال به امور فوق‌الذكر در سراسر كشور و فلات قاره منحصراً به عهده شركت مي‌باشد مگر در مواردي كه به موجب قوانين جداگانه مشاركت‌مؤسسات ديگر در بعضي از اين امور تجويز شده و يا بشود و در اين صورت شركت نظارت كامل در حسن جريان امور مزبور به عمل خواهد آورد. ب ـ ساختن فرآورده‌هاي فرعي و مشتقات نفت از قبيل روغن موتور و گريس و پارافين و وازلين و حمل و نقل و پخش و صدور و فروش آنها در‌داخل و خارج كشور. ‌اشتغال اشخاص و مؤسسات خصوصي به اين امور در هر مورد منوط به موافقت شركت و تحصيل پروانه مخصوص از وزارت صنايع و معادن خواهد‌بود و شركت به منظور تطبيق اين گونه فرآورده‌ها با استانداردهاي ملي يا بين‌المللي نظارت لازم را اعمال خواهد كرد و تعيين قيمت اين فرآورده‌ها براي‌عرضه در بازار داخلي توسط وزارت صنايع و معادن و وزارت بازرگاني با مشورت شركت صورت خواهد گرفت. ‌در صورتي كه اشخاص و مؤسسات كه به موجب قسمت اخير بند فوق اقدام به تهيه فرآورده‌هاي فرعي و مشتقات نفتي مي‌كنند ضمن عمليات خود‌مقداري از فرآورده‌هاي اصلي مذكور در بند الف فوق را كه در انحصار شركت است توليد كنند پخش و فروش و صدور مواد مذكور در هر مورد موكول به‌اجازه شركت و طبق مقرراتي خواهد بود كه شركت ابلاغ كند. ج ـ مراقبت و اهتمام و اقدام مقتضي براي توسعه و پيشرفت صنعت نفت و صنايع وابسته به آن از لحاظ علمي و فني و بازرگاني و اقتصادي و‌غيره. ‌د ـ حفظ مخازن زير زميني نفت و گاز و هيدروكاربورهاي ديگر و اتخاذ تدابير لازم براي جلوگيري از تلف شدن مواد مذكور و بهره‌برداري صحيح‌از ذخاير نفتي در سراسر كشور و فلات قاره ه ـ هر گونه فعاليت در رشته‌هاي صنعت پتروشيمي و صنعت گاز و صنايع وابسته به آنها ‌و ـ مبادرت به اقدامات عمراني و كشاورزي و دامداري در مواردي كه در حوزه‌هاي عملياتي شركت لازم باشد. ‌ز ـ مبادرت به هر گونه فعاليت صنعتي و يا بازرگاني ديگر با تصويب مجمع عمومي.
	+ ‌ماده 5 ـ به منظور تأمين مقاصد و انجام عمليات مذكور در ماده 4 شركت داراي حقوق و اختيارات زير مي‌باشد: ‌الف ـ ايجاد شركتهاي فرعي و شركتهاي وابسته و شعب و نمايندگيها در ايران و خارج از ايران يا انحلال آنها. ‌منظور از شركت فرعي مذكور در اين اساسنامه شركتي است كه: 1 ـ كليه سهام آن متعلق به شركت ملي نفت ايران باشد. 2 ـ كليه سهام آن متعلق به يك يا چند شركتي باشد كه كليه سهام آن شركت يا شركتها متعلق به شركت ملي نفت ايران باشد. ‌منظور از شركت وابسته مذكور در اين اساسنامه هر شركتي است كه قسمتي از سهام آن متعلق به شركت ملي نفت ايران يا شركتهاي فرعي آن باشد. ب ـ انعقاد قراردادهاي همكاري و مشاركت با اشخاص و مؤسسات در داخل و خارج ايران، همچنين خريداري و تملك سهام شركتهاي ديگر با‌حق فروش و انتقال آنها. ‌انعقاد قرارداد به منظور اجراي عمليات اكتشاف و توسعه منابع نفت خام و گاز طبيعي همچنين مشاركت براي ايجاد پالايشگاه در داخل كشور مشمول‌مقررات قانون نفت خواهد بود قراردادهايي كه به منظور توليد و پخش و حمل و نقل و تصفيه و صدور و فروش فرآورده‌هاي گازي و پتروشيمي بين‌يكي از شركتهاي فرعي شركت با اشخاص و مؤسسات ايراني يا خارجي منعقد مي‌شود پس از تصويب مجمع عمومي شركت فرعي مربوط و با رعايت‌مقررات قانون جلب و حمايت سرمايه‌هاي خارجي قابل اجراء خواهد بود. ‌شركت با تصويب مجمع عمومي مي‌تواند هر يك از شركتهاي وابسته را كه براي فعاليت در رشته‌هاي صنايع نفت، پتروشيمي و گاز ايجاد مي‌شود (‌به‌شرط آن كه مالكيت بيش از پنجاه درصد سهام آنها متعلق به شركت باشد) از مزايايي كه به موجب اين اساسنامه جهت شركت مقرر شده است برخوردار‌نمايد. شركتهاي فرعي شركت كه تحت قوانين ايران تشكيل گردد از كليه معافيتها و مزاياي مقرر در اين اساسنامه بهره‌مند خواهند بود. ‌مؤسسات و اشخاص خارجي (‌اعم از حقيقي يا حقوقي) كه در اجراي عمليات موضوع اين ماده با شركت يا شركتهاي فرعي آن قرارداد منعقد مي‌نمايند‌به شرط معامله متقابل از شمول تبصره 2 ماده 3 قانون جلب و حمايت سرمايه‌هاي خارجي و بند ج ماده يك آيين‌نامه اجراي قانون جلب و حمايت‌سرمايه‌هاي خارجي مصوب كميسيونهاي مجلسين مستثني خواهند بود. ‌در مورد هر قرارداد نفتي كه دولت نيز علاوه بر شركت به عنوان طرف اول آن را امضاء كرده است شركت به عنوان نماينده دولت عمل خواهد كرد. ‌مجامع عمومي شركتهاي فرعي گاز و پتروشيمي مي‌توانند بر حسب اقتضاء اصلاحات و تغييرات لازم را در قراردادهاي مشاركتي كه مقدم بر تاريخ‌تصويب اين اساسنامه به موجب قانون توسعه صنايع پتروشيمي مصوب تير ماه 1344 (2524) و قانون توسعه صنعت گاز مصوب ارديبهشت ماه1351 (2531) منعقد گرديده و به تصويب مقامات مقرر در آن قوانين رسيده است به عمل آورند. اصلاحات و تغييرات مزبور با توجه به ماده 29 قانون‌نفت مصوب 8 مرداد 1353 (2533) بعد از تأييد هيأت وزيران به موقع اجراء گذارده خواهد شد. ‌شركتهاي فرعي مذكور گزارش اين گونه اصلاحات و تغييرات را ظرف مدت سه ماه از تاريخ تأييد از طريق دولت به مجلسين خواهند داد. ‌شركت مي‌تواند با تصويب مجمع عمومي بر حسب مصلحت و اقتضاء در مورد بعضي از شركتهاي فرعي و وابسته كه در ساختن فرآورده‌هاي فرعي‌موضوع بند ب ماده 4 و يا محصولات پتروشيمي فعاليت مي‌كنند تا 99 درصد سهام متعلق به خود را طبق قانون گسترش مالكيت واحدهاي توليدي به‌كاركنان ايراني شركتهاي مزبور و يا ايرانيان ديگر به فروش برساند. ج ـ خريد و فروش و اجاره و استجاره هر گونه مال اعم از منقول و غير منقول همچنين تحصيل هر گونه مال يا حقي كه طبق قوانين كشوري به‌شركت منتقل مي‌گردد. ‌واگذاري بلاعوض اموال شركت به ادارات و مؤسسات دولتي و وابسته به دولت و شهرداريها و همچنين مؤسسات فرهنگي و اجتماعي و خيريه و‌مذهبي كه طبق قوانين ايران تشكيل شده‌اند منوط به تصويب هيأت مديره خواهد بود. ‌د ـ گرفتن و دادن اعتبار و يا وام در داخل و يا خارج كشور به منظور اجراي برنامه‌هاي شركت. ‌دادن وام و اعتبار در خارج كشور و يا گرفتن وام و اعتبار از خارج كشور با موافقت وزارت امور اقتصادي و دارايي و تصويب مجمع عمومي نمايندگان‌صاحب سهام خواهد بود. ‌اعطاء وام و اعتبار در داخل كشور در حدود بودجه مصوب شركت خواهد بود. ه ـ انجام مطالعات و تحقيقات و بررسيهاي فني و علمي و بازرگاني و اقتصادي. ‌و ـ خريد و اجاره و تأسيس و تكميل و توسعه و تعمير و اداره كارخانه‌ها و دستگاهها و تأسيسات و تهيه و ايجاد و اداره وسايل و تسهيلات حمل‌و نقل و ارتباط زميني و دريايي و هوايي. ‌ايجاد و به كار انداختن راه‌آهن يا بندر و انواع سرويسهاي مخابراتي باسيم و بي‌سيم و هواپيمايي در مواردي كه عمليات شركت ايجاب نمايد مشروط به‌اجازه قبلي دولت خواهد بود. ‌ز ـ اقدام به هر گونه عمليات براي استفاده از زمين‌هايي كه در اختيار شركت است به منظور انجام مقاصد مذكور در اين اساسنامه. ح ـ انعقاد قراردادهاي استخدام يا خدمات يا مشاوره با مؤسسات و اشخاص اعم از داخلي و يا خارجي. ط ـ تملك و ثبت پروانه‌هاي اختراع و تحصيل حق استفاده و هر گونه اطلاعات درباره اختراعات و طرحها و طريقه‌هاي مربوط به صنعت نفت و‌صنايع وابسته به آن. ي ـ انعقاد قرارداد با خريداران به منظور صدور نفت خام و گاز و فرآورده‌هاي نفتي و مشتقات آن. ك ـ شركت مي‌تواند در مواردي كه مقتضي بداند برخي از عمليات خود را به وسيله نمايندگيها و يا پيمانكاران به موقع اجرا بگذارد.
	+ ‌ماده 6 ـ در هر مورد كه اجراي عمليات شركت و يا عمليات هر يك از شركتهاي فرعي و وابسته آن مستلزم اعلام موافقت و يا انجام اقدامي از ناحيه‌دولت باشد شركت پيشنهاد لازم را جهت صدور دستور مقتضي به نخست‌وزير تقديم خواهد نمود. لوايح مربوط به شركت توسط نخست‌وزير يا وزير‌امور اقتصادي و دارايي به مجلسين تقديم خواهد شد.
	+ ‌ماده 7 ـ شركت مجاز است كه در مورد امور استخدامي و بازنشستگي و پس‌انداز و ساير امور كارگزيني كارمندان و آموزش و پرورش كاركنان خود‌آيين‌نامه‌هاي لازم را تدوين و پس از تصويب مجمع عمومي به موقع اجراء بگذارد. آيين‌نامه‌هاي مزبور براي شركت‌هاي فرعي و وابسته نيز لازم‌الرعايه‌خواهد بود.
	+ ‌ماده 8 ـ شركت مجاز است در مواردي كه به تشخيص هيأت مديره ايرانياني كه واجد شرايط و تجربيات لازم باشند يافت نشوند و يا استفاده از‌خدمات آنان عملاً ميسر نباشد نسبت به استخدام كاركنان خارجي با توجه به قوانين و مقررات مربوط به خود اقدام نمايند. ‌شركت هر گونه برنامه آموزشي و كارآموزي كه به منظور تشكيل كادر مجهز لازم براي صنعت نفت و بي‌نياز شدن صنعت مزبور از استخدام كاركنان‌خارجي مقتضي بداند تنظيم و به موقع اجراء خواهد گذارد.
	+ ‌ماده 9 ـ شركت و شركتهاي فرعي آن از تسهيلات زير استفاده خواهند نمود: ‌الف ـ بدون تحصيل پروانه ولي با انجام تشريفات گمركي آنچه را منحصراً براي عمليات خود در ايران ضروري بداند از قبيل ماشين آلات‌كارخانه‌ها و اجزاي آن افزار و ادوات و قطعات يدكي ـ مواد شيميايي و مواد معدني ـ مصالح ساختماني و اثاثه ـ وسائل حمل و نقل و وسائل ايمني و‌آموزشي ـ وسائل مخابراتي ـ خطوط لوله و تلمبه ـ تجهيزات بارگيري و اسكله ـ تأسيسات بندري ـ وسائل آزمايشگاه ـ دارو و كليه لوازم طبي‌بيمارستانها و درمانگاهها از خارج كشور وارد نمايد. ‌شركتهاي وابسته در مورد تحصيل پروانه ورود كالا از مقررات عمومي مملكتي استفاده خواهند نمود. ‌در مواردي كه دولت اخذ پروانه‌هاي مخصوص را مانند پروانه ورود مواد محترق و داروهاي مخدر ضروري بداند شركت تشريفات اخذ پروانه را انجام‌خواهد داد. ‌شركت و شركتهاي فرعي و شركتهاي وابسته آن از مزايا و معافيتهاي مقرر در بند ج از ماده 3 قانون تشويق صادرات و توليد مصوب 4 اسفند 1333(2513) و ساير قوانين مملكتي استفاده خواهند نمود. استفاده از معافيت مقرر در ماده 97 اصلاحي قانون مالياتهاي مستقيم مصوب اسفند 1348(2528) در مورد طرحهاي به خصوص منوط به پيشنهاد شركت و تصويب وزارت امور اقتصادي و دارايي خواهد بود. ‌شركتهاي وابسته كه پيش از تاريخ تصويب اين اساسنامه طبق قراردادهاي مصوب مجلسين و يا قراردادهايي كه به استناد قانون توسعه صنايع پتروشيمي‌مصوب تير ماه 1344 (2524) و قانون توسعه صنعت گاز مصوب ارديبهشت ماه 1351 (2531) منعقد گرديده است به كار پرداخته‌اند كماكان از مزايا و‌معافيتهاي مقرر در قراردادهاي مربوط به خود برخوردار خواهند بود. ‌ادارات گمرك ايران در ترخيص كالاهاي وارداتي شركت و شركتهاي فرعي و وابسته آن حق اولويت قائل خواهند بود و كليه تسهيلات لازم را در اين باره‌فراهم خواهند آورد. ‌كالاهاي مزبور بدون احتياج به ارائه مدرك به معافيت ترخيص خواهد شد و مدارك لازم در هر مورد حين يا پس از ترخيص به گمرك ارسال خواهد‌گرديد. ‌شركت و شركتهاي فرعي و وابسته آن مي‌توانند كالاهايي را كه با استفاده از معافيت گمركي وارد نموده‌اند به يكديگر انتقال دهند و اين گونه انتقالات در‌حكم واردات مستقيم شركت انتقال گيرنده تلقي مي‌شود. ‌كالاهايي كه شركت يا شركتهاي فرعي و وابسته به آن وارد نموده و بعداً به آن احتياج نداشته باشند نسبت به فروش آن در داخل يا صدور آن به خارج‌آزاد خواهند بود. و هر گاه كالاهاي مذكور با معافيت از حقوق گمركي وارد شده باشد فروش آن در داخل مشروط به پرداخت حقوق گمركي است. ‌شركت و شركتهاي فرعي و وابسته آن مكلفند در مورد كالاهايي كه در داخل كشور تهيه مي‌شود و از حيث قيمت و مقدار و نوع و مرغوبيت و‌مشخصات احتياجات آنها را مرتفع مي‌كند از محصولات و مصنوعات كشور استفاده كنند. ب ـ صادرات مواد نفتي از پرداخت حقوق گمركي و هر نوع ماليات و عوارض به دولت و ادارات محلي و شهرداريها معاف خواهد بود ولي‌شركت اظهارنامه‌هايي را كه براي آمار گمركي لازم است تهيه و به گمرك محل تسليم خواهد كرد.
	+ ‌ماده 10 ـ ماليات بر درآمد شركت و شركتهاي فرعي و وابسته آن بر اساس نرخ و مقررات قانوني مربوط به ماليات بر درآمد شركتهاي نفتي از سود‌ويژه وصول خواهد شد و هيچ گونه مطالبه ديگري از شركت و شركتهاي فرعي و وابسته آن تحت عنوان ماليات و يا عوارض و حقوق و غيره زائد بر آن‌چه طبق مقررات قانوني از شركتهاي نفتي قابل وصول باشد جايز نخواهد بود. ‌منافع شركت و شركتهاي فرعي و وابسته آن از فعاليتهاي غير نفتي مشمول مقررات عمومي مالياتي كشور خواهد بود. ‌تبصره 1 ـ حقوق و عوارضي كه طبق قوانين از طرف مقامات دولتي يا محلي در ازاي خدمات مورد درخواست شركت يا شركتهاي فرعي و وابسته‌آن و يا خدماتي كه معمولاً براي عامه انجام مي‌شود مطالبه مي‌گردد از شركت و شركتهاي فرعي و وابسته آن نيز قابل وصول است. ‌تبصره 2 ـ وجوه صندوق بازنشستگي و پس‌انداز كاركنان ايراني صنعت نفت و مستمري بازنشستگي كارمندان صنعت نفت از هر گونه ماليات‌معاف است. ‌بهره متعلقه به وجوه صندوق بازنشستگي و پس‌انداز نزد بانكهاي ايراني همچنين بهره متعلق بر وامهايي كه از محل وجوه مزبور به كارمندان صنعت‌نفت و يا به خود شركت و شركتهاي فرعي و وابسته آن داده مي‌شود نيز از ماليات معاف است.
	+ ‌ماده 11 ـ شركت مي‌تواند هزينه و تعهدات ارزي خود را در داخل و خارج كشور در حدود بودجه مصوب از درآمدهاي ارزي خود بپردازد. ‌شركت در اول هر سال موافقت مقامات قانوني نظارت بر ارز را براي استفاده از اعتبارات ارزي سالانه خود يكجا تحصيل و صورت هزينه‌هاي ارزي را‌هر سه ماه يك مرتبه به مقامات مذكور و خزانه تسليم خواهد نمود.
	+ ‌ماده 12 ـ هر گاه زمين‌هايي براي انجام عمليات مقرر در اين اساسنامه مورد احتياج شركت واقع شود به ترتيب زير عمل خواهد شد. ‌الف ـ در مورد اراضي موات حيازت و تملك آن از طرف شركت مجاز و تابع احكام كلي است. ب ـ در صورتي كه زمين مورد احتياج باير و متعلق به دولت باشد بر حسب پيشنهاد شركت و تصويب هيأت وزيران مجاناً به شركت واگذار‌مي‌شود. در صورتي كه احتياج شركت به زميني كه بدين طرز تحصيل كرده باشد رفع شود شركت بدون اجازه دولت حق انتقال آن را به غير نخواهد‌داشت و بايد آن را بلاعوض مسترد دارد. ‌تشريفات ثبتي اين قبيل اراضي در صورتي كه قبلاً انجام نشده باشد از طرف دولت انجام خواهد گرفت. ج ـ زمينهاي داير متعلق به دولت در مقابل پرداخت بهاي عادله آن به شركت انتقال داده خواهد شد . هر گاه احتياج شركت از زميني كه از دولت‌خريداري كرده رفع شود بايد مراتب را كتباً به دولت اعلام و زمين مزبور را براي فروش به دولت پيشنهاد كند. در صورتي كه دولت مايل به خريد زمين‌مزبور باشد شركت آن را در مقابل بهاي عادله به دولت واگذار خواهد كرد هر گاه ظرف شش ماه از تاريخ پيشنهاد فروش دولت زمين را خريداري نكند‌شركت در فروش آن به غير آزاد خواهد بود. ‌استفاده از اراضي موضوع اين بند پس از رفع نياز شركت در اجراي برنامه‌هاي تأمين مسكن براي كاركنان ايراني صنعت نفت بلامانع است. ‌در مورد اراضي مشمول اين بند كه پيشنهاد فروش آن به دولت داده مي‌شود دولت در صورتي كه خود مايل به خريد نباشد ممكن است استفاده از حق‌خود را به شهرداري يا مؤسسه عمومي ديگر واگذار كند و در اين صورت زمين در مقابل بهاي عادله به شهرداري يا مؤسسه عمومي كه دولت تعيين كند‌انتقال داده خواهد شد. ‌د ـ در مواردي كه شركت براي انجام عمليات خود احتياج به اراضي اعم از دائر و باير متعلق به اشخاص و همچنين ابنيه و تأسيسات و اعيانيهاي‌موجود در زمينهاي مزبور داشته باشد به طريق زير عمل خواهد شد: 1 ـ تشخيص اين كه اراضي و مستحدثات موجود در آن مورد نياز شركت مي‌باشد با هيأت مديره شركت است. 2 ـ شركت وضع ثبتي اراضي (‌اعم از عرصه و اعيان) مورد نياز عمليات خود را از ثبت محل استعلام خواهد كرد و اداره ثبت مكلف است حداكثر‌ظرف پانزده روز وضع ثبتي و شماره پلاك ملك را تعيين و اعلام دارد و در صورتي كه تشريفات ثبتي ملك خاتمه يافته باشد نام مالك و يا مالكين و‌مقدار سهم هر كدام و اقامتگاه آنان را تعيين و گواهينامه لازم را صادر و به شركت تسليم نمايد. 3 ـ در صورتي كه ملك مورد اختلاف بوده يا به ثبت نرسيده و يا تشريفات ثبتي آن خاتمه نيافته و يا مالك يا مالكين و حاضر به فروش نشوند و يا‌هر گاه بين شركت يا مالك يا مالكين براي خريد اراضي و اعيانيها از لحاظ قيمت يا مال‌الاجاره و حق پيشه و كسب توافق حاصل نشود شركت ضمن‌ارسال دادخواستي متضمن رونوشت مصوب هيأت مديره مبني بر لزوم تحصيل آن و رونوشت گواهي ثبتي و 3 نسخه نقشه زمين مورد نياز و يا معرفي‌كارشناس خود از هيأت سه نفري مركب از دادستان كل كشور ـ وزير كشور و رييس سازمان ثبت اسناد و املاك كشور و يا نمايندگان آنها درخواست‌خواهد كرد كه براي تعيين قيمت عادله ملك اقدام كند. 4 ـ هيأت سه نفري حداكثر ظرف 10 روز از تاريخ وصول دادخواست شركت براي انتخاب دو نفر كارشناس ديگر بدين شرح اقدام خواهد كرد. ‌دفتر هيأت سه نفري به مالك يا مالكين اخطار مي‌كند كه ظرف ده روز از تاريخ ابلاغ اخطاريه كارشناس خود را معرفي و برگ قبولي او را ظرف همين‌مدت به دفتر هيأت تسليم كند. ‌كارشناس سوم را هيأت سه نفري تعيين خواهد كرد. ‌در صورت انقضاء مدت ده روز و عدم معرفي كارشناس و يا عدم ارسال برگ قبولي كارشناس از طرف مالك و يا مالكين، كارشناس مزبور نيز توسط‌هيأت سه نفري تعيين خواهد شد. 5 ـ در صورتي كه اقامتگاه يا محل كار مالك يا مالكين مشخص نباشد ابلاغ اخطاريه به اقامتگاه مالك يا مالكيني كه طبق گواهي اداره ثبت تعيين‌شده باشد معتبر خواهد بود. 6 ـ در صورتي كه ملك مشاع يا مالكين آن متعدد باشند كارشناس توسط اكثريت مالكين تعيين خواهد شد و در صورتي كه اكثريت حاصل نشود‌كارشناس توسط هيأت سه نفري انتخاب خواهد شد. 7 ـ دستمزد و هزينه اياب و ذهاب و فوق‌العاده روزانه كارشناسان به ميزاني كه از طرف هيأت سه نفري تعيين گردد به وسيله شركت و از طريق دفتر‌سه نفري پرداخت خواهد شد. 8 ـ كارشناسان مكلفند حداكثر ظرف پانزده روز از تاريخ انتخاب قيمت عادله اراضي و اعيانيهاي مورد نياز عمليات شركت را كه بر حسب مورد‌ممكن است شامل حق پيشه و كسب و كار يا هر نوع حق قانوني ديگر هم بايد به اتفاق يا با اكثريت آراء بر اساس بهاي اراضي مشابه يا مجاور و بدون در‌نظر گرفتن منابع نفتي و نوع استفاده‌اي كه منظور شركت مي‌باشد و به بهاي قبل از تاريخ تصويب هيأت مديره شركت تعيين و به دفتر هيأت سه نفري‌اعلام كنند. 9 ـ دفتر هيأت سه نفري بهاي عادله تعيين شده از طرف كارشناسان را به شركت ابلاغ خواهد كرد. در صورتي كه مالك يا مالكين با بهاي تعيين شده‌موافقت كنند انتقال زمين به بهاي مزبور به عمل خواهد آمد و در غير اين صورت شركت قيمت تعيين شده را به صندوق دادگستري توديع و قبض‌دريافتي را به دفتر هيأت سه نفري ارسال خواهد داشت. ‌هيأت سه نفري ظرف پنج روز از تاريخ تسليم قبض مذكور تصميم لازم دائر به الزام مالك يا مالكين به تنظيم سند انتقال را صادر و به طرفين ابلاغ‌خواهد كرد و در صورتي كه مالك يا مالكين ظرف ده روز از تاريخ ابلاغ تصميم هيأت از امضاء سند خودداري كنند به دستور دادستان كل كشور، از طرف‌دادستان شهرستان محل وقوع ملك ظرف مدت پانزده روز سند انتقال ملك امضاء و عرصه و اعيان مورد تصميم به موجب صورت جلسه‌اي از طرف‌دادستان شهرستان به نماينده شركت تحويل خواهد شد. ‌در اين مورد هر وقت مالك و يا مالكين حاضر به دريافت قيمت ملك خود گرديدند دفتر هيأت سه نفري پس از اعلام به شركت حواله پرداخت قيمت را‌به صندوق دادگستري صادر خواهد كرد همچنين است در مورد املاك مندرج در شق (11) زير كه پس از مشخص شدن مالك و انتقال ملك به شركت‌حواله پرداخت وجه به نام او صادر مي‌گردد. 10 ـ در موارد فوري شركت مي‌تواند بلافاصله پس از انجام تشريفات ارزيابي و توديع بهاي ملك در صندوق دادگستري عرصه و اعيان مورد نياز‌خود را به موجب صورت‌مجلس با حضور نماينده دادستان شهرستان محل وقوع ملك تصرف كند. ابلاغ تصميم هيأت سه نفري به مالك يا مالكين و‌انجام تشريفات تنظيم سند انتقال به شرح مقرر در اين بند پس از تصرف ملك مورد نياز به موقع اجراء گذارده خواهد شد. 11 ـ در مورد املاكي كه مالكيت آن مورد اختلاف بوده و يا به ثبت نرسيده و يا تشريفات ثبتي آن ملك انجام نگرفته و يا دسترسي به مالك و يا‌مالكين نباشد تعيين كارشناس مالك و يا مالكين آن به عهده هيأت سه نفري خواهد بود و پس از تعيين قيمت ملك و توديع در صندوق دادگستري و‌صدور تصميم لازم از طرف هيأت سه نفري بنا به دستور دادستان كل سند انتقال را دادستان محل وقوع ملك ظرف مدت 15 روز امضاء كرده به موجب‌صورت‌جلسه به شركت تحويل خواهد داد. ‌در صورتي كه دولت مالك اراضي مورد اختلاف شناخته شود و سند مالكيت به نام دولت صادر گردد وجوه توديعي بابت قيمت اراضي باير به شركت‌مسترد خواهد شد. 12 ـ اقامه دعوي شخص ثالث و يا دعوي متقابل موجب تأخير در انجام مقررات اين ماده نخواهد بود و هيأت سه نفري بايد در هر مورد تشريفات‌كارشناسي و توديع بها و صدور حكم را ظرف مواعدي كه به شرح فوق تصريح گرديده است انجام دهد. 13 ـ در مورد املاك مندرج در قسمت اول شق (11) ادارات ثبت مكلفند پس از ابلاغ رأي هيأت سه نفري نسبت به تفكيك اراضي موضوع رأي بر‌اساس نقشه شركت اقدام و صورت‌مجلس تفكيكي را جهت تنظيم سند انتقال به دفتر اسناد رسمي حوزه ثبت مربوط ارسال دارند.
	+ ‌ماده 13 ـ هر گاه به درخواست ذينفع و تأييد هيأت سه نفري اراضي و اعيانيهاي مورد ارزيابي محل سكونت مالك باشد ده درصد و در صورتي كه‌ممر اعاشه منحصر مالك باشد پانزده درصد و در صورتي كه محل سكونت و ممر اعاشه منحصر او باشد بيست و پنج درصد اضافه بر بهاي عادله‌پرداخت خواهد شد. ‌تبصره 1 ـ درباره املاك مزروعي مشمول قوانين و مقررات اصلاحات ارضي مورد احتياج شركت و وزارت تعاون و امور روستاها ظرف يك ماه از‌تاريخ درخواست شركت اجازه تجزيه و فروش آن املاك را خواهد داد. ضمناً در مواردي كه مساحت اراضي مزروعي مورد احتياج به قدري باشد كه‌زارعين مجبور به كوچ كردن شوند شركت علاوه بر قيمت ملك كه پرداخت مي‌كند بيست و پنج درصد قيمت را هم به وسيله وزارت تعاون و امور‌روستاها بين زارعين و پانزده درصد بين خوشنشينان و برزگراني كه محل سكونت خود را ترك مي‌كنند به نسبت تعداد عائله تحت تكفل آنان با حضور‌فرماندار يا بخشدار محل تقسيم خواهد كرد. ‌تبصره 2 ـ در مورد املاك موقوفه و يا املاكي كه شركت بخواهد به طريق اجاره از آن استفاده و يا حق ارتفاق تحصيل كند اگر براي تعيين ميزان‌اجاره و حق ارتفاق بين شركت و طرف مقابل توافق نشود هيأت سه نفري به ترتيب مندرج در بند (‌د) ماده 12 اقدام و ميزان اجاره و يا حق ارتفاقي را‌تعيين و رأي به تنظيم سند اجاره و يا تفويض حق ارتفاق صادر خواهد كرد كه در صورت امتناع مالك و يا مالكين و همچنين متولي يا متوليان يا نماينده‌اوقاف به دستور دادستان كل سند اجاره و اعطاء حق استفاده از طرف دادستان شهرستان محل وقوع ملك امضاء و زمين و اعيانيهاي مورد لزوم به‌موجب صورت‌جلسه به شركت تحويل خواهد شد. ‌تبصره 3 ـ در مورد املاك موقوفه مزروعي زارعين مستأجر اين املاك مكلفند اراضي مورد احتياج شركت را در مقابل مال‌الاجاره‌اي كه به شرح‌مذكور در اين شق تعيين خواهد شد به اجاره شركت واگذار نمايند.‌در صورتي كه زارعين مستأجر اين املاك ناگزير به ترك اراضي زراعتي گردند به شرح‌مقرر در تبصره يك اين ماده درباره آنان رفتار خواهد شد و چنانچه خساراتي به زراعت يا مستحدثات آنان وارد شود ميزان حقوق و خسارت توسط‌وزارت تعاون و امور روستاها تعيين و به وسيله شركت پرداخت خواهد شد. ‌تبصره 4 ـ در مواردي كه به تشخيص و تصويب هيأت مديره شركت ضرورت عمليات ايجاب كند كه زميني براي عمليات به قيد فوريت در اختيار‌شركت قرار گيرد شركت وسيله يك نفر كارشناس رسمي دادگستري بهاي عادله زمين مورد نياز را تعيين و به صندوق دادگستري توديع خواهد كرد و‌مراتب را به اطلاع دادستان شهرستان محل وقوع زمين خواهد رسانيد. ‌دادستان شهرستان محل وقوع زمين ظرف ده روز زمين مزبور را به تصرف شركت خواهد داد. ‌كليه تشريفات ديگر مقرر در اين ماده و مواد 12 و 14 از قبيل تقديم دادخواست به هيأت سه نفري و ارجاع امر به كارشناس و تعيين قيمت قطعي و غيره‌در مورد اين اراضي بلافاصله پس از تصرف به موقع اجرا گذارده خواهد شد. ‌تبصره 5 ـ در مورد اراضي واقع در خارج از محدوده شهرها كه براي عبور لوله‌هاي نفت و گاز و انواع ديگر مواد نفتي با ايجاد شبكه مخابراتي و‌حريم آنها مورد احتياج شركت باشد با توجه به مفاد تبصره 8 اين ماده عرصه و اعيان از طرف شركت تصرف شده و مورد استفاده قرار خواهد گرفت و‌فقط قيمت اعياني از بين رفته و خسارت وارده با توافق صاحبان آن و در صورت عدم توافق به شرح بند (‌د) ماده 12 تعيين و پرداخت مي‌گردد. ‌تبصره 6 ـ شركت در معدوم كردن اعيانيهاي موجود در مسير و حريم خطوط لوله پس از توديع قيمت عادله به شرح مندرجه در اين ماده مختار‌است. ‌تبصره 7 ـ اراضي خارج از محدوده خدماتي شهرداري هر شهر جزو زمين‌هاي خارج از محدوده آن شهر محسوب مي‌شود. ‌تبصره 8 ـ عرض مسير و حريم خطوط لوله شركت از چهل متر تجاوز نخواهد كرد مگر در موارد استثنايي كه طبق تصويب هيأت وزيران مقتضيات‌عملياتي و ملاحظات ايمني تجاوز اين حد را ايجاب كند. ‌مفاد ماده واحده مصوب تير ماه 1350 (2530) داير بر منع ساختمان و ايجاد بنادر طرفين خطوط انتقال گاز به قوت خود باقي خواهد بود.
	+ ‌ماده 14 ـ هر گونه تصرف از طرف اشخاص در اراضي كه به موجب مقررات اين اساسنامه براي خطوط لوله يا ساير تأسيسات نفتي تحصيل شده‌است اعم از احداث بنا يا غرس اشجار و يا زراعت و غيره ممنوع مي‌باشد و شركت مجاز است اين قبيل اعيانيها و مستحدثات را با حضور نماينده‌ژاندارمري يا شهرباني يا بخشداري كه دعوت خواهد نمود منهدم نمايد و اشخاص حق هيچ گونه ادعا و مطالبه خسارتي از اين بابت عليه شركت‌نخواهند داشت. ‌تبصره 1 ـ در تمام موارد مذكور در اين ماده و مواد 12 و 13 براي اثبات عدم انجام تشريفات ثبتي يا اختلاف در مالكيت اراضي گواهينامه اداره‌ثبت محل و نسبت به عدم دسترسي به مالك اعلام شركت كه متكي به نشر آگهي در روزنامه رسمي كشور شاهنشاهي و يك روزنامه كثيرالانتشار باشد‌كفايت خواهد كرد. ‌تبصره 2 ـ در مورد تمام يا قسمتي از املاك كه مورد نياز عمليات شركت بوده و در رهن يا بيع شرط هستند در صورتي كه مالك براي پرداخت‌بدهي و امضاء سند انتقال حاضر نشود و دادستان شهرستان مأمور امضاء سند انتقال گردد بستانكار مي‌تواند به هيأت سه نفري مراجعه و به نسبت‌اراضي كه مورد اين حكم قرار گرفته طلب خود را از محل وجه سپرده مطالبه و دريافت دارد و سندي مبني بر ابطال يا اصلاح سند رهني يا شرطي و‌وصول وجه توديع شده بدهد و در اين مورد كه طلب بستانكار در صندوق دادگستري سپرده شده است امضاء سند انتقال از طرف دادستان شهرستان‌معامله معارض محسوب نمي‌گردد. ‌هر گاه مبلغ سند رهني يا شرطي بيش از مبلغ ارزيابي شده باشد شركت نسبت به مازاد مسئول نخواهد بود. ‌تبصره 3 ـ پرداخت هزينه دفتري سند انتقال به عهده طرفين است و ساير هزينه‌هاي آن به عهده مالك مي‌باشد و در مواردي كه دادستان سند انتقال‌را امضاء مي‌نمايد تمام مخارج وسيله شركت پرداخت و با ارائه مدارك مربوط به هيأت سه نفري آنچه را كه به حساب مالك پرداخت نموده است از‌محل وجه سپرده مسترد خواهد داشت. ‌تبصره 4 ـ در اجراي هر يك از موارد مندرج در اين ماده و مواد 12 و 13 اعم از ارزيابي و پرداخت بهاي املاك و اراضي مورد نياز شركت بايد‌حقوق زارعين بر اساس قوانين و مقررات اصلاحات ارضي با نظر وزارت تعاون و امور روستاها تعيين و از بهاي ملك كسر و به زارعين پرداخت گردد.
	+ ‌ماده 15 ـ شركت مي‌تواند در حوزه عمليات و براي مصارف خود در اراضي باير متعلق به دولت يا بلامالك از آب همچنين از هر نوع سنگ و خاك‌و شن و ماسه و سنگ آهك و سنگ گچ و مصالح ساختماني ديگر بدون پرداخت حقوق دولتي و با رعايت تبصره 1 ماده 10 اين اساسنامه طبق مقررات‌مربوط استفاده كند. اگر عمل شركت براي استفاده از مواد مذكور موجب ضرر شخص ثالث گردد شركت بايد جبران خسارت را به تشخيص كارشناس‌منتخب طرفين بكند ولي در هر صورت شخص ثالث نمي‌تواند مانع عمليات شركت بشود.
* ‌فصل سوم ـ اركان شركت
	+ ‌ماده 16 ـ اركان شركت عبارتند از: ‌مجمع عمومي نمايندگان صاحب سهام. ‌هيأت مديره و مدير عامل. ‌هيأت عالي بازرسي.
		- ‌قسمت اول- ‌مجمع عمومي نمايندگان صاحب سهام
			* ‌ماده 17 ـ نمايندگان صاحب سهام در مجمع عمومي عبارتند از: 1 ـ نخست‌وزير. 2 ـ وزير امور اقتصادي و دارايي. 3 ـ وزير نيرو. 4 ـ وزير صنايع و معادن. 5 ـ وزير كار و امور اجتماعي. 6 ـ وزير مشاور و رييس سازمان برنامه و بودجه. 7 ـ يك وزير ديگر به انتخاب نخست‌وزير. ‌تبصره ـ رياست جلسه مجمع عمومي با نخست‌وزير و در غياب او با يكي از وزراي حاضر در جلسه با تعيين قبلي نخست‌وزير خواهد بود.
			* ‌ماده 18 ـ جلسات مجمع عمومي در مركز شركت در تهران با حضور رييس هيأت مديره و مدير عامل و يا قائم‌مقامي كه از طرف او بدين منظور‌تعيين و معرفي خواهد شد تشكيل مي‌شود. ‌تبصره ـ مجمع عمومي در تير ماه هر سال براي رسيدگي به ترازنامه و در آبان ماه همانسال به منظور رسيدگي و تصويب بودجه به طور عادي‌تشكيل مي‌گردد و تا موقعي كه نسبت به موضوع مندرج در دستور جلسه تصميمي اتخاذ نشده جلسات همچنان ادامه خواهد داشت و در جلسات‌مذكور اضافه بر ترازنامه و بودجه ممكن است بر حسب پيشنهاد رييس هيأت مديره و مدير عامل يا طبق نظر رياست مجمع عمومي موضوعات ديگري‌نيز در دستور مذاكرات قرار گيرد.
			* ‌ماده 19 ـ مجمع عمومي در هر موقع بنا به تصميم رييس مجمع يا به درخواست رييس هيأت مديره و مدير عامل و يا قائم‌مقامي كه از طرف رييس‌هيأت مديره و مدير عامل تعيين و معرفي شده باشد به طور فوق‌العاده تشكيل خواهد شد.
			* ‌ماده 20 ـ دعوت براي تشكيل مجمع عمومي به طور عادي يا فوق‌العاده از طرف رييس هيأت مديره و مدير عامل شركت به عمل مي‌آيد. در‌صورتي كه رييس هيأت مديره و مدير عامل اقدام به دعوت مجمع عمومي ننمايد رييس مجمع عمومي رأساً اعضاء مجمع عمومي را دعوت خواهد‌نمود. ‌تبصره 1 ـ دستور جلسه مجمع عمومي در دعوتنامه قيد خواهد شد. ‌تبصره 2 ـ اعضاي اصلي و علي‌البدل هيأت مديره و اعضاي هيأت عالي بازرسي مي‌توانند بدون داشتن حق رأي در جلسات مجمع عمومي‌نمايندگان صاحب سهام شركت نمايند.
			* ‌ماده 21 ـ جلسات مجمع عمومي با حضور حداقل پنج نفر رسميت خواهد يافت و براي اعتبار تصميمات در هر مورد چهار رأي موافق ضرورت‌دارد. ‌تبصره ـ مجمع عمومي يك نفر را به پيشنهاد رييس هيأت مديره و مدير عامل به سمت دبير مجمع عمومي انتخاب خواهد نمود صورت جلسات‌مجمع عمومي پس از تصويب در پرونده مخصوص نگاهداري خواهد شد. صورت جلسات تصويب شده بايد به امضاي رييس مجمع عمومي برسد.
			* ‌ماده 22 ـ وظايف مجمع عمومي به قرار زير است: ‌الف ـ رسيدگي و اتخاذ تصميم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زيان شركت با توجه به گزارش سالانه هيأت مديره و گزارش هيأت عالي‌بازرسي كه بايد لااقل دو هفته قبل از تشكيل جلسه در اختيار كليه اعضاء مجمع عمومي قرار گيرد. ب ـ بررسي و تصويب برنامه عمليات و فصول و ارقام كلي بودجه هزينه‌هاي جاري و نيز بررسي و تصويب هزينه‌هاي سرمايه‌اي شركت. ‌بودجه پيشنهادي بايد لااقل دو هفته قبل از تشكيل جلسه از طرف رييس هيأت مديره و مدير عامل براي كليه اعضاء مجمع عمومي فرستاده شود. ج ـ اظهار نظر نسبت به هر گونه پيشنهاد راجع به اصلاح يا تغيير مواد اساسنامه شركت كه براي اخذ تصميم نهايي و تقديم به قوه مقننه به دولت‌تسليم خواهد شد پيشنهاد اصلاح يا تغيير اساسنامه بايد از طرف رييس مجمع و يا رييس هيأت مديره و مدير عامل شركت يا لااقل دو نفر از اعضاء‌مجمع عمومي به عمل آيد. ‌د ـ اتخاذ تصميم نسبت به افزايش سرمايه و پيشنهاد تصويب آن به دولت. ه ـ پيشنهاد يك نفر از افراد واجد صلاحيت به هيأت وزيران جهت انتخاب به سمت رييس هيأت مديره و مدير عامل شركت. ‌و ـ انتخاب اعضاء علي‌البدل هيأت مديره به پيشنهاد رييس هيأت مديره و مدير عامل شركت. ‌ز ـ انتخاب رييس و اعضاء هيأت عالي بازرسي. ح ـ تعيين خط مشي عمومي شركت. ط ـ اتخاذ تصميم نسبت به هر موضوعي كه با رعايت مفاد اين اساسنامه در دستور جلسه مجمع عمومي نمايندگان صاحب سهام قرار گيرد. ي ـ اجازه استفاده از ذخيره عمومي شركت به پيشنهاد هيأت مديره. ك ـ تصويب آيين‌نامه‌هاي استخدامي و مالي و معاملات شركت.
			* ‌ماده 23 ـ هر گاه مجمع عمومي بازرسي قسمتي از عمليات شركت را لازم تشخيص دهد منحصراً به وسيله هيأت عالي بازرسي اقدام خواهد كرد.
		- ‌قسمت دوم ـ هيأت مديره و مدير عامل
			* ‌ماده 24 ـ هيأت مديره از يك نفر رييس كه سمت مديريت عامل را نيز خواهد داشت و هفت عضو اصلي تشكيل مي‌شود. پنج نفر ديگر نيز به عنوان‌عضو علي‌البدل انتخاب مي‌شوند تا به دعوت رييس هيأت مديره در غياب اعضاي اصلي به جاي آنان در جلسات شركت نمايند. ‌تبصره ـ رييس و اعضاي اصلي و علي‌البدل هيأت مديره بايد ايراني باشند.
			* ‌ماده 25 ـ رييس هيأت مديره و مدير عامل از بين اشخاصي كه سابقه خدمات دولتي و اجتماعي داشته و مدتي از آن را متصدي كارهاي مهم‌مملكتي بوده و يا از بين كارمندان صنعت نفت ايران كه پانزده سال سابقه خدمت در صنعت نفت داشته و حداقل پنج سال از آن را عضو اصلي هيأت‌مديره شركت بوده انتخاب خواهد شد.
			* ‌ماده 26 ـ اعضاي اصلي هيأت مديره از بين كارمندان رسمي شركت كه ده سال سابقه خدمت در صنعت نفت داشته و لااقل پنج سال عهده‌دار‌مشاغل مهمي در اين صنعت بوده‌اند و يا از بين متخصصين برجسته ديگر كه سوابق مشابهي در مديريت مؤسسات صنعتي مهم و يا امور مالي و‌اقتصادي و حقوقي داشته باشند انتخاب خواهند شد. ‌تبصره ـ لااقل پنج نفر از اعضاي اصلي هيأت مديره بايد از ميان كارمندان عاليرتبه شركت انتخاب شوند.
			* ‌ماده 27 ـ اعضاي علي‌البدل هيأت مديره منحصراً از بين كارمندان عاليرتبه شركت انتخاب مي‌شوند.
			* ‌ماده 28 ـ اعضاي اصلي و علي‌البدل هيأت مديره موظفاً انجام وظيفه خواهند كرد و بايد تمام اوقات در اختيار شركت باشند و هيچ نوع شغل‌موظف در خارج از شركت قبول نكنند. ‌اشتغال غير موظف اعضاي اصلي و علي‌البدل در اموري كه صرفاً جنبه تدريس داشته باشد و عضويت در شوراها و مجامع فرهنگي و اجتماعي به‌صورت افتخاري و بدون دريافت حقوق و با موافقت رييس هيأت مديره و مدير عامل مجاز خواهد بود. ‌تبصره 1 ـ اعضاء هيأت مديره حق ندارند جز حقوق و مزاياي دريافتي از شركت، حقوق و مزاياي ديگري دريافت دارند. ‌تبصره 2 ـ هر يك از اعضاي اصلي و علي‌البدل هيأت مديره كه از مقررات اين ماده تخلف نمايد از سمت خود مستعفي شناخته خواهد شد. ‌تبصره 3 ـ عضويت اعضاء هيأت مديره در هيأت‌هاي مديره و هيأت‌هاي بازرسي شركتهاي فرعي و وابسته به شركت موكول به تصويب رييس‌هيأت مديره و مدير عامل مي‌باشد.
			* ‌ماده 29 ـ مجمع عمومي براي انتخاب رييس هيأت مديره و مدير عامل يك نفر از افراد واجد صلاحيت را پيشنهاد مي‌نمايد كه با تأييد هيأت وزيران‌به فرمان همايوني براي مدت شش سال به اين سمت منصوب خواهد شد. ‌اعضاي اصلي هيأت مديره بنا به پيشنهاد رييس هيأت مديره و مدير عامل و تصويب هيأت وزيران براي مدت سه سال انتخاب و به موجب فرمان‌همايوني به اين سمت منصوب مي‌شوند. ‌اعضاي علي‌البدل هيأت مديره بنا به پيشنهاد رييس هيأت مديره و مدير عامل و تصويب مجمع عمومي براي مدت سه سال تعيين مي‌شوند. ‌تبصره 1 ـ تجديد انتخاب رييس و اعضاء اصلي و علي‌البدل هيأت مديره بلامانع است. ‌تبصره 2 ـ رييس هيأت مديره و مدير عامل مي‌توانند تغيير هر يك از اعضاء اصلي هيأت مديره را قبل از پايان مدت عضويت آنان به هيأت وزيران‌پيشنهاد نمايد همچنين تغيير هر يك از اعضاي علي‌البدل را قبل از خاتمه مدت عضويت آنان به مجمع عمومي پيشنهاد كند. ‌تبصره 3 ـ رييس هيأت مديره و مدير عامل لااقل سه ماه قبل از انقضاي دوره عضويت هر يك از اعضاء اصلي هيأت مديره جانشين او را به هيأت‌وزيران پيشنهاد مي‌نمايد. ‌تبصره 4 ـ تا زماني كه رييس هيأت مديره و مدير عامل و اعضاي جديد انتخاب نشده‌اند رييس و اعضاي هيأت مديره به خدمت خود ادامه‌خواهند داد. ‌تبصره 5 ـ تعيين حقوق رييس و اعضاي اصلي هيأت مديره با مجمع عمومي و تعيين حقوق اعضاي علي‌البدل بنا به پيشنهاد رييس هيأت مديره و‌تصويب هيأت مديره خواهد بود.
			* ‌ماده 30 ـ رييس هيأت مديره و مدير عامل يك يا دو نفر از كاركنان عاليرتبه صنعت نفت را كه تجربه و بصيرت كافي در زمينه‌هاي مختلف عمليات‌شركت داشته باشند به سمت قائم‌مقام خود تعيين خواهد نمود. ‌قائم‌مقام وظايف مشخصي را كه رييس هيأت مديره و مدير عامل به او واگذار مي‌نمايد انجام خواهد داد و در جلسات هيأت مديره حضور خواهد يافت‌ليكن حق رأي جز در مورد ماده 31 اين اساسنامه نخواهد داشت. قائم‌مقام مي‌تواند نظر خود را در مورد مسائلي كه در هيأت مديره مطرح مي‌شود كتباً‌به اطلاع رييس هيأت مديره و مدير عامل برساند. ‌تبصره ـ اعضاي هيأت مديره (‌به استثناي رييس هيأت مديره و مدير عامل) و قائم‌مقام‌هاي رييس هيأت مديره و مدير عامل از لحاظ بازنشستگي‌تابع شرايط و مقررات عمومي مربوط به كارمندان شركت خواهند بود. ادامه خدمت هر يك از اعضاي اصلي و قائم‌مقام‌ها در سمت‌هاي مزبور پس از‌رسيدن به سن بازنشستگي منوط به پيشنهاد رييس هيأت مديره و مدير عامل و تصويب هيأت وزيران خواهد بود.
			* ‌ماده 31 ـ جلسات هيأت مديره به رياست رييس هيأت مديره و مدير عامل و يا قائم‌مقامي كه از طرف رييس هيأت مديره و مدير عامل بدين منظور‌معرفي مي‌شود و با حضور حداقل شش نفر از اعضاء اصلي و يا علي‌البدل رسميت پيدا مي‌كند تصميمات هيأت مديره به اكثريت چهار رأي معتبر تلقي‌مي‌شود. در صورت تساوي آرا رأي رييس هيأت مديره و مدير عامل قاطع خواهد بود. در مواردي كه جلسه هيأت مديره به رياست قائم‌مقام رييس هيأت‌مديره تشكيل شود حق رأي رييس هيأت مديره و مدير عامل با قائم‌مقامي خواهد بود كه اداره جلسه را بر عهده دارد.
			* ‌ماده 32 ـ در صورت فوت يا استعفا يا بركناري هر يك از اعضاء هيأت مديره جانشين او براي بقيه مدت طبق مقررات اين اساسنامه تعيين خواهد‌شد. ‌ماده 33 ـ اعضاء هيأت مديره و هيأت عالي بازرسي و همچنين كارمندان شركت مشمول قانون منع مداخله وزراء و نمايندگان مجلسين و كارمندان‌در معاملات دولتي و كشوري مي‌باشند. ‌تبصره ـ خريد فرآورده‌هاي نفتي و اموال و كالاهايي كه شركت و يا سازمانهاي تعاوني وابسته به آن براي كاركنان شركت تهيه مي‌نمايند يا به آنها‌اختصاص مي‌دهند در حدود استفاده شخصي از مقررات اين ماده مستثني است.
			* ‌ماده 34 ـ دعوت و اداره جلسات هيأت مديره و ابلاغ و اجراء مصوبات و تصميمات آن از وظايف رييس هيأت مديره و مدير عامل مي‌باشد.‌جلسات هيأت مديره حسب تشخيص رييس هيأت مديره و مدير عامل تشكيل خواهد شد. ‌تبصره ـ صورت جلسات هيأت مديره پس از تصويب به امضاي رييس و اعضاي هيأت مديره حاضر در جلسه مي‌رسد و هر قسمت از مذاكرات كه‌هيأت مديره آن را محرمانه تلقي كند محرمانه بودن آن بايد در صورت‌جلسه قيد شود. ‌وظايف و اختيارات هيأت مديره
			* ‌ماده 35 ـ هيأت مديره در حدود مقررات اين اساسنامه داراي اختيار براي اجراي وظايف مصرح در اين اساسنامه منجمله وظايف زير مي‌باشد. ‌الف ـ تعيين خط مشي و تصويب برنامه عمليات شركت. ب ـ تعيين سياست كلي فروش و پخش و صدور نفت خام و مواد نفتي و پيشنهاد قيمت فروش بنزين و نفت و نفت گاز و نفت كوره در داخل‌كشور براي تصويب هيأت وزيران. ج ـ تعيين قيمت ساير فرآورده‌هاي نفتي. ‌د ـ اعطاء تخفيفات متعارف بازرگاني. ه ـ دادن اختيارات براي سازش و تعيين داور در مورد اختلافات و دعاوي شركت و به طور كلي هر اقدامي كه براي حفظ حقوق شركت لازم باشد. ‌و ـ تنظيم بودجه تفصيلي شركت و تصويب ارقام درآمدهاي پيش‌بيني شده و اعتبارات اضافي و اصلاح بودجه بر اساس پيشنهاد رييس هيأت‌مديره و مدير عامل در حدود اختياراتي كه به تصويب مجمع عمومي رسيده باشد. ‌ز ـ بررسي و تنظيم كليه آئين‌نامه‌هاي داخلي شركت. ‌مقررات استخدامي و بازنشستگي و اداري و فني و حسابداري و حسابرسي و معاملات شركت در كليه شركتهاي فرعي نيز لازم‌الاجرا خواهد بود. ح ـ تدوين و پيشنهاد مقررات و آيين‌نامه‌هاي اجرايي قانون نفت براي تصويب هيأت وزيران. ط ـ بررسي و اجازه انعقاد قراردادهاي پيش‌بيني شده در قانون نفت و اعمال حقوق و اختياراتي كه به موجب قانون مذكور براي شركت مقرر‌گرديده است. ي ـ اخذ تصميم نسبت به تشكيل و يا انحلال شركتهاي فرعي و مشاركت با اشخاص و مؤسسات در داخل يا خارج از ايران. ك ـ تنظيم و تصويب مقررات اساسنامه‌هاي شركتهاي فرعي و اتخاذ تصميم در مورد تعيين مركز اصلي عمليات هر يك از آن شركتها و انجام ساير‌وظايفي كه هيأت مديره شركت به عنوان مجمع عمومي آن شركتها به عهده دارد و اعمال كليه حقوق شركت در شركتهاي فرعي و وابسته. ل ـ تهيه گزارش هيأت مديره و ترازنامه سالانه حساب سود و زيان براي تقديم به مجامع عمومي و پيشنهاد دستور جلسه مجمع عمومي. م ـ نگاهداري و به كار انداختن و بهره‌برداري از وجوه بازنشستگي و پس‌انداز كارمندان صنعت نفت با مراعات كامل منافع و مصالح آنها. ‌وجوه بازنشستگي و پس‌انداز كارمندان صنعت نفت كه به هيأت مديره سپرده شده جزء دارايي و وجوه شركت نمي‌باشد. با وجود اين هيأت مديره‌شركت نسبت به اين وجوه در حكم امين محسوب مي‌شود. ‌هيأت مديره مكلف است سالي يك بار گزارش كامل اقدامات مربوط به وجوه بازنشستگي را به مجمع عمومي تسليم دارد. ن ـ پيشنهاد استفاده از ذخيره عمومي شركت به مجمع عمومي. س ـ تصويب معاملات غير منقول شركت. ‌وظايف و اختيارات رييس هيأت مديره و مدير عامل
			* ‌ماده 36 ـ رييس هيأت مديره و مدير عامل بالاترين مقام اجرايي و اداري شركت بوده و بر كليه سازمانهاي تابعه شركت رياست دارد و مسئول حسن‌جريان كليه امور و حفظ حقوق و منافع و اموال شركت مي‌باشد و براي اداره امور شركت و اجراء مصوبات هيأت مديره داراي همه گونه حقوق و‌اختيارات تام و تمام بوده و نمايندگي شركت را در مقابل كليه مقامات قضايي كشوري و لشگري و مؤسسات و اشخاص اعم از ايراني و خارجي با حق‌توكيل غير خواهد داشت و مي‌تواند تمام يا قسمتي از اختيارات خود را به هر يك از اعضاء هيأت مديره و رؤساي قسمتهاي شركت به تشخيص خود‌تفويض كند تا اداره عمليات مختلف شركت را كه به اين طريق به آنها محول مي‌گردد زير نظر و مسئوليت مستقيم وي بر عهده گيرند. ‌اختيارات و وظايف رييس هيأت مديره و مدير عامل شامل موارد زير مي‌باشد: ‌الف ـ عزل و نصب و ارتقاء و اعطاي پاداش و اضافه حقوق و مزايا و اخذ تصميم درباره كليه امور استخدامي كاركنان شركت اعم از ايراني و يا‌خارجي طبق آيين‌نامه‌هاي شركت. ب ـ تعيين امضاء‌هاي مجاز و تعهدآور براي شركت. ج ـ اخذ و پرداخت وجوه و باز كردن حساب ريالي يا ارزي در بانكهاي داخلي و خارجي در موارد مذكور با امضاي رييس هيأت مديره و مدير‌عامل و امضاي يك عضو هيأت مديره عمل خواهد شد. ‌رييس هيأت مديره و مدير عامل مي‌تواند يك يا چند نفر از اعضاي هيأت مديره را به اين منظور انتخاب و معرفي نمايد. رييس هيأت مديره و مدير عامل‌و عضو منتخب مزبور مي‌توانند حق امضاي خود را به كارمندان شركت به تشخيص و مسئوليت خود واگذار نمايند. ‌د ـ اعمال نظارت‌هاي مالي و محاسباتي و حسابرسي نسبت به عمليات و معاملات و مخارج شركت و بازرسي در كليه امور شركت و شعب و‌نمايندگيها و مؤسسات مربوط. ه ـ تنظيم برنامه‌هاي طويل‌المدت متناسب با هدفهاي شركت همچنين تصويب طرحهاي سازماني و اجراي برنامه‌هاي آموزشي. ‌و ـ تعيين وظائف و حدود اختيارات و مسئوليتهاي واحدهاي مختلف شركت.
		- ‌قسمت سوم ـ هيأت عالي بازرسي
			* ‌ماده 37 ـ هيأت عالي بازرسي عبارت از پنج نفر است كه سه نفر از آنها داراي تجربيات و معلومات كافي در امور مالي يا حسابداري صنعتي و‌بازرگاني و اقتصادي و دو نفر ديگر متخصص در رشته‌هاي مربوط به نفت خواهند بود.
			* ‌ماده 38 ـ بازرسان عالي از طرف مجمع عمومي براي مدت دو سال انتخاب مي‌شوند. ‌يك نفر از آنها را مجمع عمومي به سمت رييس هيأت عالي بازرسي و يك نفر را به پيشنهاد رييس هيأت عالي بازرسي به سمت قائم‌مقام او تعين خواهد‌نمود. تا زماني كه تجديد انتخاب به عمل نيامده بازرسان به خدمت خود ادامه خواهند داد. انتخاب مجدد بازرسان بلامانع است.
			* ‌ماده 39 ـ در صورت فوت يا استعفاء يا تغيير شغل يا بركناري از خدمت هر يك از بازرسان عالي مجمع عمومي به طور فوق‌العاده تشكيل مي‌شود و‌شخصي را كه واجد شرايط باشد به جاي وي انتخاب خواهد كرد.
			* ‌ماده 40 ـ هيأت عالي بازرسي از خدمات حسابداران و حسابرسان داخلي شركت به هنگام ضرورت استفاده خواهد كرد و مي‌تواند براي انجام‌وظائف خود از كارشناسان اعم از داخلي و خارجي به طور موقت استفاده نمايد، براي انجام اين منظور رييس هيأت عالي بازرسي به رييس هيأت مديره‌و مدير عامل مراجعه خواهد نمود و رييس هيأت مديره و مدير عامل مكلف است نظر هيأت مزبور را تأمين نمايد.
			* ‌ماده 41 ـ وظايف هيأت عالي بازرسي به قرار زير است: ‌الف ـ تطبيق عمليات شركت با بودجه مصوب. ب ـ رسيدگي به ترازنامه و حساب سود و زيان شركت و تصديق مطابقت آن با كارتها و دفاتر شركت و تهيه گزارش چگونگي عمليات شركت براي‌تقديم به مجمع عمومي. گزارش مزبور بايد لااقل يك ماه قبل از انعقاد مجمع عمومي ساليانه به رييس هيأت مديره و مدير عامل تسليم شود كه به‌ضميمه ملاحظات هيأت مديره با ترازنامه به مجمع عمومي تقديم گردد. ج ـ مطالعه و اظهار نظر راجع به گزارش سالانه هيأت مديره. ‌هيأت عالي بازرسي در اجراي وظايف خود حق مراجعه به كليه دفاتر و پرونده‌ها و قراردادهاي شركت را خواهد داشت. ‌هر گاه هيأت عالي بازرسي در جريان رسيدگي اشتباهات يا تخلفات و يا بي‌ترتيبيهايي مشاهده نمايد مورد را به رييس هيأت مديره و مدير عامل گزارش‌خواهد داد و هر گاه نسبت به اين گزارش اقدام به عمل نيايد مراتب را به اطلاع رييس مجمع عمومي خواهد رسانيد.
			* ‌ماده 42 ـ اجراي وظايف هيأت عالي بازرسي كه بر طبق مقررات اين اساسنامه تعيين شده نبايد به هيچ وجه مانع جريان عادي كار شركت گردد. ‌تبصره ـ هيأت عالي بازرسي وظايف خود را طبق آيين‌نامه خاصي انجام خواهد داد كه از طرف رييس مجمع عمومي ابلاغ خواهد شد.
			* ‌ماده 43 ـ حقوق اعضاء هيأت عالي بازرسي به وسيله مجمع عمومي تعيين و از طرف شركت پرداخت خواهد شد.
			* ‌ماده 44 ـ رييس و اعضاء هيأت عالي بازرسي شركت حق اشتغال موظف ديگري در داخل و يا خارج از شركت را ندارند. اشتغال غير موظف(‌افتخاري بدون دريافت حقوق) در هر مورد منوط به موافقت رييس مجمع عمومي خواهد بود.
* ‌فصل چهارم ـ ترازنامه و حساب سود و زيان
	+ ‌ماده 45 ـ سال مالي شركت از يازدهم دي ماه هر سال شروع شده و در تاريخ دهم دي ماه سال بعد خاتمه مي‌يابد.
	+ ‌ماده 46 ـ تعداد و نوع دفاتر محاسباتي شركت و شركتهاي فرعي آن كه بايد پلمب شود به موجب تصميم هيأت مديره تعيين خواهد شد. ‌تبصره ـ منظور از دفاتر محاسباتي عبارت است از دفاتر مذكور در قانون تجارت و يا فرمها و وسايل ديگر نگهداري حساب.
	+ ‌ماده 47 ـ كليه دفاتر شركت به تاريخ روز آخر سال مالي بسته شده و ترازنامه و حساب سود و زيان شركت و گزارش هيأت مديره لااقل دو ماه پيش‌از تاريخ تشكيل مجمع عمومي تهيه و در اختيار هيأت عالي بازرسي گذاشته خواهد شد.
	+ ‌ماده 48 ـ در ترازنامه اقلام دارايي شركت به بهاي خريد يا تمام شده پس از استهلاك منظور مي‌شود. مطالبات مشكوك به ارزش احتمالي روز تنظيم‌ترازنامه احتساب مي‌شود. اقلام سوخت شده نبايد جزء دارايي محسوب گردد. ‌تبصره 1 ـ هر گاه هيأت مديره تجديد ارزيابي تمام و يا قسمتي از دارايي‌هاي شركت را لازم تشخيص دهد مي‌تواند با تصويب مجمع عمومي اقدام‌به تجديد ارزيابي بكند و چنانچه افزايش و يا كاهشي حاصل شود به حساب اندوخته‌هاي مخصوص مذكور در ماده 50 منظور كند. ‌تبصره 2 ـ ميزان استهلاك نسبت به انواع دارايي‌هاي شركت طبق اصول متداول صنعت نفت به پيشنهاد هيأت مديره تعيين و پس از تصويب‌وزارت امور اقتصادي و دارايي به موقع اجراء گذاشته خواهد شد.
	+ ‌ماده 49 ـ شركت مكلف است سالانه يك درصد از درآمد كل خود را به حساب ذخيره عمومي انتقال دهد.
	+ ‌ماده 50 ـ شركت مكلف است با تصويب مجمع عمومي اندوخته‌هاي مخصوصي به ميزان متناسب براي تأمين احتياجات خود طبق معمول‌صنعت نفت از محل درآمد كل در نظر بگيرد. ‌تبصره ـ انتقال وجوه به حساب ذخيره عمومي و اندوخته‌هاي مخصوص مطابق مواد 49 و 50 تا موقعي كه جمع آن معادل صد درصد سرمايه‌شركت شود ادامه خواهد يافت.
	+ ‌ماده 51 ـ درآمد كل عبارت است از سود ويژه به اضافه بهره مالكانه (‌پرداخت مشخص) و وجوهي كه به عنوان پذيره و حق‌الارض و برگشت هزينه‌اكتشاف عايد شركت شود همچنين وجوهي كه به عنوان سود خالص از شركتهاي فرعي و وابسته پس از پرداخت ماليات بر درآمد آن شركتها عايد‌مي‌گردد. ‌تبصره 1 ـ سود ويژه عبارت است از درآمد حاصل از فروش نفت خام و گاز طبيعي و فرآورده‌ها و ساير عمليات مستقيم شركت پس از وضع‌هزينه‌هاي جاري و استهلاك. ‌تبصره 2 ـ شركت هر سه ماه يك بار برآوردي از درآمد خود براي سه ماه آينده تهيه و به وزارت امور اقتصادي و دارايي ارسال خواهد داشت.
	+ ‌ماده 52 ـ وجوه دريافتي شركت حاصل از بهره مالكانه (‌پرداخت مشخص) و وجوهي كه به عنوان پذيره و حق‌الارض عايد شركت مي‌شود مشمول‌ماليات نمي‌باشد.
	+ ‌ماده 53 ـ شركت مكلف خواهد كه سرمايه لازم به منظور توسعه عمليات و به طور كلي هر گونه سرمايه‌گذاري مورد نياز خود را در حدود بودجه‌مصوب از محل درآمد تأمين نمايد و در صورتي كه درآمد مزبور كافي نباشد مجمع عمومي از هر طريق ديگري كه مقتضي بداند با رعايت قوانين و‌مقررات مربوط كسري آن را تأمين خواهد نمود.
	+ ‌ماده 54 ـ آنچه از محل درآمد پس از وضع مبالغي كه به موجب مقررات اين اساسنامه پرداخت مي‌شود باقي بماند به خزانه پرداخت خواهد شد. ‌تبصره ـ وجوهي كه از بابت بهره مالكانه يا پذيره يا حق‌الارض دريافت مي‌شود در آخر هر ماه پس از كسر يك درصد ذخيره عمومي توسط شركت‌به خزانه پرداخت خواهد شد. ‌شركت از بابت ساير درآمدها نيز هر ماه مبالغي را بر مبناي توافق با وزارت امور اقتصادي و دارايي به طور علي‌الحساب به خزانه پرداخت خواهد كرد و‌كليه پرداختهاي مزبور در پايان سال جزو پرداختهاي قطعي طبق اين ماده محاسبه خواهد شد.
* ‌فصل پنجم ـ ساير مقررات
	+ ‌ماده 55 ـ اعضاي هيأت مديره و بازرسان عالي و كاركنان شركت حق ندارند اطلاعاتي را كه براي شركت جنبه محرمانه داشته باشد افشاء نمايند. ‌در صورت تخلف اگر متخلف مدير يا بازرس عالي باشد به پيشنهاد رييس هيأت مديره و تصويب مجمع عمومي و اگر كارمند يا كارگر باشد با تصويب‌رييس هيأت مديره و مدير عامل از خدمت بركنار خواهد شد . در صورتي كه خساراتي متوجه شركت شده باشد بركناري متخلف مانع از تعقيب او براي‌جبران زيان وارده نخواهد بود.
	+ ‌ماده 56 ـ در مواردي كه كاركنان شركت مرتكب تخلفاتي در انجام امور شركت بشوند تعقيب و مجازات اداري آنها طبق آيين‌نامه‌هاي استخدامي و‌انضباطي شركت صورت خواهد گرفت. ‌هر گاه ضمن تحقيق معلوم شود كه تخلف از نظر قوانين جنبه جزايي دارد رييس هيأت مديره و مدير عامل شركت موضوع را به مراجع صلاحيتدار‌قانوني احاله خواهد نمود.
	+ ‌ماده 57 ـ كليه عمليات شركت اعم از امور مالي و استخدامي و استفاده از اشخاص و اداره اموال و انجام معاملات و اقدام به هر امري به منظور‌توسعه و پيشرفت هدفهاي شركت تابع اصول بازرگاني مي‌باشد. ‌انجام امور مزبور به تشخيص هيأت مديره و طبق مقررات داخلي شركت بوده و از هر گونه تشريفات و مقرراتي كه مغاير اين اساسنامه باشد معاف‌خواهد بود، شركت جز در مواردي كه صريحاً مقرر شده باشد از شمول مقررات و قوانين عمومي مربوط به وزارتخانه‌ها و شركتهاي دولتي و مؤسسات‌دولتي وابسته به دولت مستثني خواهد بود.
	+ ‌ماده 58 ـ عضويت كاركنان در انجمنهاي شهر بدون دريافت حقوق و يا حق حضور و با موافقت شركت بلامانع خواهد بود.
	+ ‌ماده 59 ـ در مواردي كه يكي از اعضاي هيأت مديره و يا كاركنان شركت طبق ماده 19 قانون كيفر عمومي معلق مي‌شود اجراي حكم تعليق مانع‌بركناري كارمند از طرف شركت و خاتمه دادن به خدمت او نخواهد بود.
	+ ‌ماده 60 ـ در مواردي كه اختلاف بين شركت و هر يك از وزارتخانه‌ها و يا سازمانهاي وابسته به دولت يا شهرداريها پيش آيد موضوع از طرف‌شركت به نخست‌وزير گزارش خواهد و نخست‌وزير موضوع اختلاف را به كميسيوني عبارت از نمايندگان خود و طرفين ارجاع خواهد نمود. كميسيون‌مزبور از راه سازش به حل اختلاف اقدام خواهد كرد و هر گاه اختلاف به طريق مزبور فيصله نيافت موضوع به هيأت وزيران مراجعه خواهد شد، و‌تصميم هيأت وزيران براي طرفين قاطع خواهد بود.
	+ ‌ماده 61 ـ كاركنان شركت در محل ادارات و اماكن مربوط به كار شركت حق فعاليت سياسي را ندارند و نيز نمي‌توانند در محل ادارات و اماكن مربوط‌به كار شركت بدون اجازه قبلي شركت اجتماعات تشكيل دهند.
	+ ‌ماده 62 ـ منتشر كردن اطلاعات راجع به عمليات شركت بدون اجازه كتبي شركت ممنوع است. ‌تخلف از مقررات مواد 61 و 62 موجب تعقيب اداري و انضباطي طبق آيين‌نامه مربوط شركت خواهد بود.
	+ ‌ماده 63 ـ شركت در تهيه مسكن و تأمين رفاه و بهداشت و فرهنگ و آموزش و تفريحات سالم كاركنان خود و كمكهاي اجتماعي به آنان و حفاظت‌آنها در مقابل حوادث اهتمام به عمل خواهد آورد.
	+ ‌ماده 64 ـ از تاريخ تقديم اين لايحه مجامع عمومي شركت ملي گاز ايران و شركت ملي صنايع پتروشيمي ايران از نمايندگان صاحب سهام دولت در‌مجمع عمومي شركت ملي نفت ايران و دو نفر از مديران شركت ملي نفت ايران به انتخاب رييس هيأت مديره و مدير عامل اين شركت تشكيل مي‌شود. ‌تبصره ـ احكام بندهاي "ي" و "ك" ماده 35 در مورد شركت ملي گاز ايران و شركت ملي صنايع پتروشيمي از طريق مجامع عمومي آن شركتها به‌شرح مقرر در اين ماده عمل خواهد شد.
	+ ‌ماده 65 ـ دولت اساسنامه‌هاي شركت ملي گاز ايران و شركت ملي صنايع پتروشيمي ايران را ظرف شش ماه از تاريخ تصويب اين قانون جهت‌تصويب كميسيونهاي مربوط مجلسين تقديم خواهد كرد. ‌اساسنامه‌هاي فوق‌الذكر براي دو سال به عنوان آزمايش اجراء خواهد شد و اصلاحات بعدي با تصويب كميسيونهاي مربوط قابل اجرا خواهد بود. دولت‌موظف است ظرف مهلت مذكور اساسنامه‌هاي نهايي را جهت تصويب كميسيونهاي مربوط مجلسين تقديم كند.
	+ ‌ماده 66 ـ اين اساسنامه جايگزين اساسنامه شركت ملي نفت ايران مصوب ارديبهشت 1353 (2533) مي‌باشد قوانين و مقرراتي كه كلاً يا بعضاً‌مغاير با مقررات اين اساسنامه باشد در حدودي كه مغايرت دارد نسبت به شركت مجري نخواهد بود و مقررات اين اساسنامه مادام كه مصرحاً به موجب‌قانون نسخ نشده است معتبر خواهد بود.
	+ ‌ماده 67 ـ در مواردي كه احكامي در اين اساسنامه و قوانين مربوط معلوم نشده باشد مقررات قانون تجارت معتبر خواهد بود.
* [امضاء] قانون فوق مشتمل بر شصت و هفت ماده و چهل و يك تبصره پس از تصويب مجلس سنا در جلسه روز شنبه 2536.3.7، در جلسه روز سه‌شنبه‌هفدهم خرداد ماه دو هزار و پانصد و سي و شش شاهنشاهي به تصويب مجلس شوراي ملي رسيد. ‌رييس مجلس شوراي ملي ـ عبدالله رياضي

http://www.dastour.ir/Print/?LID=97148

# ‌قانون اساسنامه شركت ملي نفت ايران--منسوخ

* ‌فصل اول ـ كليات سرمايه
	+ ‌ماده 1 ـ شركت ملي نفت ايران كه به موجب قانون مورخ نهم ارديبهشت 1330 تأسيس گرديده و در اين اساسنامه به نام شركت خوانده مي‌شود‌شركت سهامي بازرگاني است كه عمليات خود را با توجه به وظايف و حقوق و اختيارات مقرر در قانون نفت مصوب مرداد ماه 1336 و ساير قوانين‌خاص مربوط به نفت و گاز و پتروشيمي طبق مقررات اين اساسنامه اجرا مي‌نمايد. در مواردي كه حكم آن در اين اساسنامه و قوانين مذكور معلوم نشده‌باشد مقررات قانون تجارت معتبر خواهد بود.
	+ ‌ماده 2 ـ مركز اصلي شركت تهران است و شركت مي‌تواند شعب يا نمايندگيهايي براي اجراي عمليات خود در داخله و خارجه تأسيس نمايد.
	+ ‌ماده 3 ـ سرمايه شركت ده‌هزار ميليون ريال است كه منقسم به‌ده‌هزار سهم يك ميليون ريالي با نام است كه پنجاه درصد آن پرداخت گرديده است. ‌كليه سهام شركت متعلق به دولت ايران و غير قابل انتقال است. ‌صاحب سهام متعهد است كه قسمت پرداخت نشده سرمايه را به‌تقاضاي هيأت‌مديره و تصويب مجمع عمومي پرداخت كند. ‌كليه تأسيسات صنعت نفت واقع در حوزه قرارداد فروش نفت مصوب 7 آبان 1333 و همچنين سرمايه بنگاه كود شيميايي كه به موجب تبصره 64 قانون‌اصلاحي قانون بودجه 1343 به شركت ملي نفت ايران انتقال يافته است جزو دارايي شركت است. ‌افزايش سرمايه منوط به تقاضاي هيأت‌مديره و پيشنهاد مجمع عمومي و تصويب نهايي هيأت دولت خواهد بود.
* ‌فصل دوم ـ موضوع شركت ـ وظايف، حقوق و اختيارات
	+ ‌ماده 4 ـ موضوع شركت عبارت است از اشتغال به عمليات صنعت نفت و صنايع وابسته به آن در داخل و خارج كشور به شرح زير: ‌الف ـ تفحص و نقشه‌برداري و اكتشاف و استخراج و حمل و نقل و تصفيه نفت خام و گاز طبيعي و هيدروكاربورهاي طبيعي ديگر (‌اعم از مايع و‌جامد) و ساختن و عمل آوردن هر نوع فرآورده‌هاي اصلي نفتي از قبيل گاز و گاز مايع و اقسام بنزين و اقسام نفت سفيد و نفت گاز و نفتهاي سوخت و‌قير و اسفالت و هر نوع مواد نفتي كه توليد نيرو نمايد. ‌همچنين هر گونه عمليات به منظور قابل عرضه كردن مواد مزبور و حمل و نقل و پخش و صدور و فروش آنها در داخل و خارج كشور. ‌تبصره ـ اشتغال به امور مذكور در اين بند در سراسر كشور و فلات قاره منحصراً به عده شركت مي‌باشد مگر در مواردي كه به موجب قوانين‌جداگانه اشتغال مؤسسات ديگر به بعضي از اين امور تجويز شده يا در آينده تجويز شود و در اين صورت شركت نظارت كامل در حسن جريان امور‌ مزبور به عمل خواهد آورد. ب ـ ساختن فرآورده‌هاي فرعي و مشتقات نفت از قبيل روغن موتور و گريس و پارافين و وازلين و غيره. ‌تبصره 1 ـ اشتغال اشخاص و مؤسسات خصوصي به امور مذكور در اين بند در هر مورد منوط به موافقت شركت و تحصيل پروانه مخصوص از‌وزارت اقتصاد خواهد بود و شركت به منظور تطبيق اين گونه فرآورده‌ها با استانداردهاي بين‌المللي نظارت لازم را اعمال خواهد نمود و تعيين قيمت اين‌فرآورده‌ها توسط وزارت اقتصاد با مشورت شركت صورت خواهد گرفت. ‌تبصره 2 ـ در صورتي كه مؤسسات و اشخاص كه به موجب تبصره فوق اقدام به تهيه فرآورده‌هاي فرعي و مشتقات نفتي مي‌كنند ضمن عمليات‌خود مقداري فرآورده‌هاي اصلي مذكور در بند‌الف فوق را كه در انحصار شركت است توليد كنند، پخش و فروش و صدور مواد مذكور در هر مورد‌موكول به‌اجازه شركت و طبق مقرراتي خواهد بود كه شركت ابلاغ كند. ج ـ مراقبت و اهتمام و اقدام مقتضي براي توسعه و پيشرفت صنعت نفت و صنايع وابسته به آن از لحاظ علمي و فني و بازرگاني و اقتصادي و‌غيره و اتخاذ تدابير لازم براي بهره‌برداري صحيح از ذخاير ثابت شده. ‌د ـ حفظ مخازن زير زميني نفت و گاز و هيدروكاربورهاي ديگر و اتخاذ تدابير لازم براي جلوگيري از تلف شدن مواد مذكور در سراسر كشور و ‌فلات قاره. ‌در مواردي كه مسئوليت اينگونه امور به موجب قانون به عهده مؤسسات ديگري واگذار شده باشد شركت نظارت كامل در اجراي وظايف مزبور به عمل‌خواهد آورد. هـ ـ فعاليت در رشته‌هاي صنعت پتروشيمي و صنايع وابسته بدان و اقدام به‌هر گونه عمليات بازرگاني و صنعتي. ‌و ـ عنداللزوم مبادرت به اقدامات عمراني و كشاورزي در حوزه‌هاي عملياتي خود.
	+ ‌ماده 5 ـ به منظور تأمين مقاصد و انجام عمليات مذكور در ماده 4 شركت داراي حقوق و اختيارات زير مي‌باشد: ‌الف ـ ايجاد شركتهاي فرعي و شعب و نمايندگيها در ايران و خارج از ايران يا انحلال آنها. ‌تبصره ـ منظور از شركت فرعي مذكور در اين اساسنامه شركتي است كه: 1 ـ كليه سهام آن متعلق به شركت باشد. 2 ـ كليه سهام آن متعلق به يك يا چند شركتي باشد كه كليه سهام آن متعلق به شركت باشد. ب ـ انعقاد قراردادهاي همكاري و مشاركت با اشخاص و مؤسسات در داخل و خارج ايران و همچنين خريداري و تملك سهام شركتهاي ديگر با‌حق فروش و انتقال آنها. ‌تبصره 1 ـ مشاركت با اشخاص اعم از ايراني و خارجي براي اجراي عمليات تفحص و اكتشاف و استخراج نفت و گاز در سراسر كشور و فلات قاره‌اعم از طريق ايجاد سازمانهاي مشترك يا دستگاههاي مختلط يا به‌هر طريق ديگر به شرح مندرج در قانون نفت مصوب مرداد 1336 تابع تشريفات مقرر‌در قانون مزبور و تصويب مجلسين خواهد بود ليكن مشاركت براي اجراي عمليات تفحص و اكتشاف و استخراج و تصفيه در كشورهاي خارج بر طبق‌مقررات اين اساسنامه و با تصويب مجمع عمومي نمايندگان صاحب سهام صورت خواهد گرفت. ‌تبصره 2 ـ انعقاد قراردادهاي مشاركت در رشته صنايع پتروشيمي در صورتي كه متضمن استفاده از مزايا و معافيتهايي باشد كه به موجب مواد اين‌اساسنامه مقرر شده است موكول به تأييد مقامات مصرح در قانون توسعه صنايع پتروشيمي مورخ 24 تير ماه 1344 و تصويب كميسيونهاي مشترك‌اقتصاد و دارايي مجلسين خواهد بود. ‌تبصره 3 ـ مشاركت براي تأسيس كارخانه‌ها جهت تهيه مشتقات و عمل آوردن فرآورده‌هاي نفتي منوط به تصويب مجمع عمومي نمايندگي‌صاحب سهام خواهد بود. ج ـ خريد و فروش و اجاره و استجاره‌هر گونه مال اعم از منقول و غير منقول و همچنين تحصيل هر گونه مال و يا حقي كه طبق قوانين كشوري به‌شركت منتقل مي‌گردد. ‌تبصره ـ واگذاري بلاعوض اموال شركت به ادارات و مؤسسات دولتي و وابسته به دولت و شهرداري و همچنين مؤسسات فرهنگي و اجتماعي و‌خيريه و مذهبي كه طبق قوانين ايران تشكيل شده‌اند منوط به تصويب هيأت‌مديره خواهد بود. ‌د ـ گرفتن و دادن اعتبار و يا وام در داخل و يا خارج كشور به منظور اجراي مقاصد شركت. ‌تبصره 1 ـ دادن وام و اعتبار در خارج كشور و يا گرفتن وام و اعتبار از خارج كشور با تصويب مجمع عمومي نمايندگان صاحب سهام خواهد بود. ‌تبصره 2 ـ اعطاء وام و اعتبار در داخل كشور در حدود بودجه مصوب شركت خواهد بود. هـ ـ انجام مطالعات و تحقيقات و بررسيهاي فني و علمي و بازرگاني و اقتصادي كه براي مقاصد شركت لازم باشد. ‌و ـ خريد و اجاره و تأسيس و تكميل و توسعه و تعمير و اداره كارخانه‌ها و دستگاهها و تأسيسات و وسايلي كه براي اكتشاف و استخراج و تصفيه‌و بهره‌برداري و حمل و فروش نفت و گاز و مشتقات آنها لازم باشد. ‌تبصره ـ ايجاد و به كار انداختن راه‌آهن يا بندر و سرويسهاي تلگراف و تلفن باسيم و بي‌سيم و هواپيمايي در مواردي كه عمليات شركت ايجاب ‌نمايد مشروط به اجازه قبلي دولت خواهد بود. ‌ز ـ اقدام به‌هر گونه عمليات براي استفاده از زمينهايي كه در اختيار شركت است. ح ـ انعقاد قراردادهاي استخدامي و پيمانكاري يا مشاوره با مؤسسات و اشخاص اعم از داخلي و يا خارجي. ط ـ تملك و ثبت پروانه‌هاي اختراع و تحصيل حق استفاده و هر گونه اطلاعات درباره اختراعات و طرحها و طريقه‌هاي مربوط به صنعت نفت و‌صنايع وابسته به آن. ي ـ انعقاد قرارداد با خريداران به منظور صدور نفت خام و گاز و فرآورده‌هاي نفتي و مشتقات آن.
	+ ‌ماده 6 ـ شركت مي‌تواند اجراي عمليات موضوع اين اساسنامه را مستقيماً يا به‌طور غير مستقيم به وسيله نمايندگيها و يا پيمانكاران انجام دهد.
	+ ‌ماده 7 ـ شركت مجاز است كه در مورد امور استخدامي و بازنشستگي و پس‌انداز و آموزش و پرورش و ساير امور كارگزيني آيين‌نامه‌هاي لازم را‌تدوين و پس از تصويب هيأت‌مديره به موقع اجرا بگذارد. ‌تبصره ـ شركت مجاز است در مواردي كه به تشخيص هيأت‌مديره ايرانياني كه واجد شرايط و تجربيات لازم باشد يافت نشوند و يا استفاده از‌خدمات آنان عملاً ميسر نباشد نسبت به استخدام كاركنان خارجي اقدام نمايد، شركت هر گونه برنامه آموزش و پرورش و كارآموزي كه به منظور تشكيل‌كادر مجهز لازم براي صنعت نفت و بي‌نياز شدن صنعت مزبور از استخدام كاركنان خارجي مقتضي بداند تنظيم و به موقع اجرا خواهد گذارد.
	+ ‌ماده 8 ـ شركت از تسهيلات زير استفاده خواهد نمود: ‌الف ـ بدون تحصيل هيچ گونه پروانه ولي با انجام تشريفات گمركي آن چه را منحصراً براي عمليات خود در ايران ضروري بداند از قبيل ماشين‌آلات كارخانه‌ها و اجزاي آن افزار و ادوات و قطعات يدكي ـ مواد شيميايي و مواد معدني ـ مصالح ساختماني و اثاث كه در ايران نظير آن ساخته‌نمي‌شود ـ وسائل حمل و نقل ـ وسايل آزمايشگاه دارو و كليه لوازم طبي بيمارستانها و درمانگاهها بدون پرداخت حقوق و عوارض گمركي و هر نوع‌ماليات و عوارض ديگر به استثناي هزينه‌هاي باربري و انبارداري و حقوق و عوارض بندري از خارج كشور وارد نمايد. ‌تبصره 1 ـ در مواردي كه دولت از لحاظ سياست و حفظ مصالح عمومي كشور اخذ پروانه‌هاي مخصوص را مانند پروانه ورود مواد محترق و‌داروهاي مخدره ضروري بداند شركت تشريفات اخذ پروانه را انجام خواهد داد و ليكن انجام تشريفات مذكور هيچ گونه محدوديتي نسبت به آزادي‌ شركت در وارد كردن مواد مورد بحث ايجاد نخواهد كرد ـ مواردي كه رعايت اينگونه تشريفات را ايجاب مي‌نمايد از طرف وزارت دارايي به‌شركت‌ ابلاغ خواهد شد. ‌تبصره 2 ـ شركت ملي نفت ايران موظف است در موقع ترخيص كالاهاي وارداتي خود صورت حساب حقوق گمركي را كه در صورت نداشتن‌معافيت گمركي به آن كالاها تعلق مي‌گرفت از ادارات گمرك دريافت داشته در آخر هر سال براي آنكه معلوم شود شركت چه مبلغ از معافيت گمركي‌استفاده كرده است خلاصه صورتهاي مذكور را به وزارت دارايي تسليم نمايد. ‌تبصره 3 ـ شركت و شركتهاي وابسته آن و ساير شركتهاي نفتي كه از معافيت گمركي برخوردار مي‌باشند مي‌توانند كالاهايي را كه با استفاده از‌معافيت گمركي وارد نموده‌اند به يكديگر انتقال دهند و اينگونه انتقالات در حكم واردات مستقيم شركت انتقال گيرنده تلقي مي‌شود. ‌تبصره 4 ـ كالاهايي كه شركت يا شركتهاي فرعي و وابسته به آن وارد نموده و بعداً به آن احتياج نداشته باشند نسبت به فروش آن در داخل يا صدور‌آن به خارجه آزاد خواهند بود. ‌ولي چنانچه كالاهاي مذكور با معافيت از حقوق گمركي وارد شده باشد فروش آن در داخله مشروط به پرداخت حقوق گمركي است. ‌تبصره 5 ـ كالاهاي زائد بر احتياج شركت كه به وزارتخانه‌ها و دستگاههاي دولتي و شهرداريها واگذار گردد از پرداخت حقوق و عوارض گمركي‌معاف خواهد بود. ‌تبصره 6 ـ كالاها و اجناس و لوازم و اشيايي كه شركت به كاركنان خود مي‌فروشد يا براي فروش به آنها وارد بنمايد مشمول معافيتهاي اين ماده‌نيست و شركت حقوق و عوارض گمركي و ساير عوارض و مالياتهاي مربوط به آنها را پرداخت خواهد كرد، ‌تبصره 7 ـ شركت مكلف است در مورد كالاهايي كه در داخل تهيه مي‌شود و با تشخيص خود شركت از حيث قيمت و مقدار و نوع و مرغوبيت و‌مشخصات احتياجات شركت را مرتفع مي‌كند از محصولات و مصنوعات كشور استفاده كند. ب ـ صادرات مواد نفتي از پرداخت حقوق گمركي و هر نوع ماليات و عوارض به دولت و ادارات محلي و شهرداريها معاف خواهد بود ولي‌شركت اظهارنامه‌هايي را كه براي آمار گمركي لازم است تهيه و به گمرك محل تسليم خواهد كرد. ‌تبصره ـ فروش مواد نفتي (‌سوخت به وسايط نقليه دريايي تجاري كه در بنادر كشور سوخت‌گيري مي‌كنند از هر گونه ماليات و عوارض متعلق به‌فروش مواد نفتي معاف خواهد بود مشروط بر آنكه مواد نفتي مستقيماً به‌مخزن سوخت وسايط مذكور تحويل گردد.
	+ ‌ماده 9 ـ ماليات بر درآمد شركت بر اساس نرخ و مقررات قانوني مربوط به ماليات بر در آمد شركتهاي نفتي از سود ويژه شركت وصول خواهد شد و‌هيچگونه مطالبه ديگري از شركت تحت عنوان ماليات و يا عوارض و حقوق و غيره زائد بر آن چه طبق مقررات قانوني از شركتهاي نفتي قابل وصول‌باشد جائز نخواهد بود. ‌تبصره 1 ـ حقوق و عوارضي كه بر طبق قوانين از طرف مقامات دولتي يا محلي در ازاي خدمات مورد درخواست شركت و يا خدماتي كه معمولاً ‌براي عامه انجام مي‌شود مطالبه مي‌گردد از شركت نيز قابل وصول است. ‌تبصره 2 ـ وجه صندوق بازنشستگي و پس‌انداز كاركنان ايراني صنعت نفت و مستمري بازنشستگي كارمندان شركت از هر گونه ماليات معاف‌است. ‌بهره متعلقه بر وجوه صندوق بازنشستگي و پس‌انداز نزد بانكهاي ايراني و همچنين بهره متعلقه بر وامهايي كه از محل وجوه مزبور به كارمندان صنعت‌نفت و يا به خود شركت و شركتهاي فرعي و وابسته آن داده مي‌شود نيز از ماليات معاف است.
	+ ‌ماده 10 ـ شركت مي‌تواند هزينه و تعهدات ارزي خود را از قبيل بهاي كالاهاي خريداري از خارجه و حقوق كارمندان خارجي و هزينه محصلين و‌كارآموزان اعزامي به خارج از كشور و مخارج كارمنداني كه بر طبق مقررات شركت به خارج از كشور براي امور شركت مسافرت مي‌كنند و همچنين‌حقوق كارمندان و ساير مخارج نمايندگي‌هاي شركت در خارجه را از محل درآمد ارزي خود بپردازد. ‌شركت در اول هر سال موافقت مقامات قانوني نظارت بر ارز را براي استفاده از اعتبارات ارزي ساليانه خود يك جا تحصيل و صورت هزينه‌هاي ارزي را ‌هر سه ماه يك مرتبه به مقامات مذكور و خزانه‌داري كل تسليم خواهد نمود.
	+ ‌ماده 11 ـ هر گاه زمينهايي براي انجام عمليات مقرر در اين اساسنامه مورد احتياج شركت واقع شود به ترتيب زير عمل خواهد شد: ‌الف ـ در مورد اراضي موات حيازت و تملك آن از طرف شركت مجاز و تابع احكام كلي است. ب ـ در صورتي كه زمين مورد احتياج باير و متعلق به دولت باشد بر حسب پيشنهاد شركت و تصويب هيأت وزيران مجاناً به شركت واگذار‌مي‌شود. در صورتي كه احتياج شركت به زميني كه بدين طرز تحصيل نموده باشد رفع شود شركت بدون اجازه دولت حق انتقال آن را به‌غير نخواهد ‌داشت و بايد آن را بلاعوض به دولت مسترد دارد. ‌انجام تشريفات ثبتي اين قبيل اراضي مستقيماً از طرف دولت صورت خواهد گرفت. ج ـ زمينهاي داير متعلق به دولت در مقابل پرداخت بهاي عادله آن به‌شركت انتقال داده خواهد شد. در صورت اختلاف نسبت به بهاي عادله نظر‌هيأت سه نفري مندرج در بند «د» اين ماده قطعي و‌الزام‌آور خواهد بود. چنان چه احتياج شركت از زميني كه از دولت خريداري نموده رفع شود بايد‌مراتب را كتباً به دولت اعلام و زمين مزبور را براي فروش به دولت پيشنهاد كند در صورتي كه دولت مايل به خريد زمين مزبور باشد شركت آن را در‌مقابل بهاي خريد به دولت واگذار خواهد نمود. چنان چه ظرف شش ماه از تاريخ پيشنهاد فروش دولت زمين را ابتياع ننمايد شركت در فروش آن به غير‌آزاد خواهد بود. ‌تبصره 1 ـ در مورد اراضي دولتي مذكور در دو بند فوق مراجعه شركت به دولت از طريق هر سازماني كه به حكم قانون امور اراضي متعلق به دولت‌را عهده‌دار باشد به عمل خواهد آمد. ‌تبصره 2 ـ در مورد اراضي مشمول بند «ج» كه پيشنهاد فروش آن به دولت داده مي‌شود دولت در صورتي كه خود مايل به خريد نباشد ممكن است‌استفاده از حق خود را به شهرداري يا مؤسسات عمومي رسمي ديگر واگذار نمايد و در اين صورت زمين در مقابل بهاي خريد به شهرداري يا مؤسسه‌عمومي رسمي كه دولت تعيين نمايد انتقال داده خواهد شد. ‌د ـ در مواردي كه شركت براي انجام عمليات خود احتياج به اراضي متعلق به اشخاص اعم از دائر و باير و ابنيه و تأسيسات و اعيانيهاي موجود در‌زمينهاي مزبور داشته باشد به طريق زير عمل خواهد شد: 1 ـ تشخيص اين كه خريد اراضي و مستحدثات موجود در آن مورد نياز شركت مي‌باشد با هيأت‌مديره شركت است. 2 ـ شركت وضع ثبتي اراضي (‌اعم از عرصه و اعيان) مورد نياز عمليات خود را از ثبت محل استعلام خواهد نمود و اراده ثبت مكلف است‌حداكثر ظرف (15) روز وضع ثبتي ملك را تعيين و اعلام دارد و در صورتي كه تشريفات ثبتي ملك خاتمه يافته باشد نام مالك و يا مالكين و مقدار‌سهم هر كدام و اقامتگاه آنان را تعيين و گواهينامه لازم را صادر و به شركت تسليم نمايد. 3 ـ چنان چه مالك يا مالكين از فروش ملك خودداري نمايند و يا هر گاه بين شركت با مالك يا مالكين براي خريد اراضي و اعيانيها از لحاظ قيمت توافق حاصل نشود شركت ضمن ارسال دادخواستي متضمن رونوشت مصوب هيأت‌مديره مبني بر لزوم تحصيل آن و رونوشت گواهي ثبتي متضمن ‌نام و نشاني مالك و يا مالكين و (3) نسخه نقشه زمين مورد نياز از هيأت سه نفري مركب از دادستان كل كشور ـ وزير كشور ـ مدير كل ثبت اسناد و‌املاك و يا نمايندگان آنها درخواست خواهد نمود كه براي تعيين قيمت عادله ملك و‌الزام مالك و يا مالكين به فروش اراضي و اعيانيها اقدام نمايند. 4 ـ هيأت سه نفري حداكثر ظرف (15) روز از تاريخ وصول دادخواست شركت كارشناساني براي تعيين قيمت عادله ملك بدين شرح تعيين خواهد‌نمود: ‌يك نفر كارشناس از طرف شركت و يك نفر كارشناس بر حسب اخطار به مالك يا مالكين از طرف آنان تعيين و معرفي مي‌گردد و كارشناس سوم با توافق‌دو نفر كارشناس مزبور انتخاب مي‌شود. ‌در صورتي كه بين دو نفر كارشناس در انتخاب كارشناس سوم توافق حاصل نشود كارشناس سوم را هيأت سه نفري تعيين خواهد نمود. ‌تبصره 1 ـ مالك يا مالكين ظرف ده روز از تاريخ ابلاغ اخطاريه‌اي كه از طرف دفتر هيأت سه نفري صادر خواهد شد بايد كارشناس خود را به‌دفتر هيأت‌سه نفري معرفي و برگ قبولي او را نيز دريافت نموده و در همين مدت ارسال دارند. ‌در صورت انقضاء مدت ده روز و عدم معرفي كارشناس و يا عدم ارسال برگ قبولي كارشناس مالك و يا مالكين كارشناس مزبور نيز توسط هيأت سه‌نفري تعيين خواهد شد. ‌تبصره 2 ـ در صورتي كه اقامتگاه يا محل كار مالك يا مالكين مشخص نباشد ابلاغ اخطاريه به اقامتگاه مالك و يا مالكين كه در گواهي اداره ثبت تعيين شده باشد قانوني خواهد بود. ‌تبصره 3 ـ در صورتي كه ملك مشاع و يا مالكين آن متعدد باشند كارشناس توسط اكثريت مالكين تعيين خواهد شد. ‌تبصره 4 ـ دستمزد و هزينه اياب و ذهاب و فوق‌العاده روزانه كارشناسان به ميزاني كه از طرف هيأت سه نفري تعيين گردد به وسيله شركت ملي نفت و‌از طريق دفتر هيأت سه نفري پرداخت خواهد شد. 5 ـ كارشناسان مكلفند حداكثر ظرف (15) روز از تاريخ انتخاب قيمت عادله اراضي و اعيانيهاي مورد نياز عمليات شركت را به اتفاق يا به اكثريت‌آراء بر اساس بهاي اراضي مشابه و مجاور و بدون در نظر گرفتن منابع نفتي و نوع استفاده‌اي كه منظور شركت مي‌باشد و به بهاي قبل از تاريخ تصويب‌هيأت‌مديره شركت تعيين و به دفتر هيأت سه نفري اعلام نمايند. 6 ـ هيأت سه نفري بهاي عادله تعيين شده از طرف كارشناسان را به‌شركت ابلاغ خواهد نمود. ‌در صورتي كه مالك يا مالكين به بهاي تعيين شده تسليم شوند انتقال زمين به بهاي مزبور به عمل خواهد آمد و در غير اين صورت شركت قيمت معينه را‌به صندوق دادگستري توديع و قبض دريافتي را به دفتر هيأت سه نفري ارسال خواهد داشت. هيأت سه نفري حداكثر ظرف سه روز از تاريخ تسليم قبض‌مذكور تصميم لازم دائر به‌الزام مالك و يا مالكين به تنظيم سند انتقال را صادر و به طرفين ابلاغ خواهد نمود و در صورتي كه مالك يا مالكين ظرف ده‌روز از تاريخ ابلاغ تصميم هيأت از امضاء سند خودداري نمايند به دستور دادستان كل از طرف دادستان شهرستان محل وقوع ملك سند انتقال ملك‌امضاء و عرصه و اعيان مورد تصميم به موجب صورت جلسه‌اي از طرف دادستان شهرستان به نماينده شركت تحويل خواهد شد. ‌در اين مورد هر وقت مالك يا مالكين حاضر به دريافت قيمت ملك خود گرديدند حواله پرداخت آن به صندوق دادگستري از طرف دفتر هيأت سه نفري ‌صادر خواهد شد و همچنين است در مورد املاك مندرج در شق (7) زير كه پس از مشخص‌شدن مالك حواله پرداخت وجه به‌نام او صادر مي‌گردد. 7 ـ در مورد املاكي كه مالكيت آن مورد اختلاف بوده و يا تشريفات ثبتي آن ملك انجام نگرفته و يا دسترسي به مالك و يا مالكين نباشد تعيين‌كارشناس مالك و يا مالكين آن به عهده‌هيأت سه نفري خواهد بود و پس از تعيين قيمت ملك و توديع در صندوق دادگستري و صدور تصميم لازم از‌طرف هيأت سه نفري بنا به دستور دادستان كل سند انتقال را داستان شهرستان محل وقوع ملك امضاء نموده و اراضي و اعيانيهاي واقعه در آن را به‌موجب صورت جلسه به شركت تحويل خواهند داد. ‌تبصره 1 ـ در صورتي كه اين قبيل اراضي مورد اختلاف به مالكيت دولت شناخته شود و سند مالكيت به نام دولت صادر گردد وجوه توديعي بابت‌قيمت اراضي بائر به شركت مسترد خواهد شد. ‌تبصره 2 ـ اقامه دعوي شخص ثالث و يا دعوي متقابل موجب تأخير در انجام مقررات اين ماده نخواهد بود و هيأت سه نفري بايد در هر مورد تشريفات‌كارشناسي و توديع بها و صدور حكم را ظرف مواعدي كه به شرح فوق تصريح گرديده است انجام دهد. 8 ـ هر گاه به تشخيص كارشناسان و تأييد هيأت سه نفري اراضي و اعيانيهاي مورد ارزيابي ممر اعاشه مالك و يا مالكين باشد برابر (15) درصد‌قيمت عادله اضافه پرداخت خواهد شد. 9 ـ درباره املاك مزروعي مشمول قوانين و مقررات اصلاحات ارضي مورد احتياج شركت وزارت اصلاحات ارضي و تعاون روستايي ظرف مدت‌يك ماه از تاريخ درخواست شركت اجازه تجزيه و فروش آن املاك را خواهد داد. ضمناً در مواردي كه مساحت اراضي مزروعي مورد احتياج به‌قدري‌باشد كه زارعين مجبور به كوچ كردن شوند شركت علاوه بر قيمت ملك كه پرداخت مي‌كند 25 درصد قيمت را هم به وسيله وزارت اصلاحات ارضي و‌تعاون روستايي با حضور فرماندار يا بخشدار محل بين زارعين محل كه از آنجا كوچ مي‌نمايند تقسيم خواهد كرد. 10 ـ در مورد املاك موقوفه و يا املاكي كه شركت بخواهد به طريق اجاره از آن استفاده و يا حق ارتفاق تحصيل كند اگر براي تعيين ميزان اجاره و‌حق ارتفاق بين شركت و طرف مقابل توافق نشود هيأت سه نفري به ترتيب مندرج در شقوق (4 و 5) بند، د، اين ماده اقدام و ميزان اجاره و يا حق‌ارتفاقي را تعيين و رأي به تنظيم سند اجاره و يا تفويض حق ارتفاق صادر خواهد نمود كه در صورت امتناع مالك و يا مالكين و همچنين متولي يا‌متوليان يا نماينده اوقاف به دستور دادستان كل سند اجاره و اعطاء حق استفاده از طرف دادستان شهرستان محل وقوع ملك امضاء و زمين و اعيانيهاي‌مورد لزوم به موجب صورت جلسه به شركت تحويل خواهد شد. ‌تبصره ـ در مورد املاك موقوفه مزروعي زارعين مستأجر اين املاك مكلفند اراضي مورد احتياج شركت را در مقابل مال‌الاجاره‌اي كه به شرح مذكور در‌اين شق تعيين خواهد شد به اجاره شركت واگذار نمايند. ‌در صورتي كه زارعين مستأجر اين املاك ناگزير به ترك اراضي زراعتي گردند و يا خساراتي به زراعت يا مستحدثات آنان وارد شود ميزان حقوق و‌خسارت توسط وزارت اصلاحات اراضي و تعاون روستايي تعيين و به‌وسيله شركت پرداخت خواهد شد. 11 ـ در مورد اراضي واقع در خارج از محدوده شهرها كه براي عبور لوله‌هاي نفت و گاز و انواع ديگر مواد نفتي يا ايجاد شبكه مخابراتي مورد‌احتياج شركت باشد عرصه مجاناً از طرف شركت تصرف شده و مورد استفاده قرار خواهد گرفت و فقط قيمت اعيانيهاي موجود در آن با توافق با‌صاحبان اعيان و در صورت عدم توافق به شرح مفاد شقوق (4 و 5 و 6) بند، د، اين ماده تعيين و پرداخت مي‌گردد. ‌تبصره 1 ـ شركت در معدوم كردن اعيانيهاي موجود در مسير خطوط لوله پس از توديع قيمت عادله به شرح مندرج در اين ماده مختار است. ‌تبصره 2 ـ اراضي خارج از محدوده شهرداري هر شهر جزو زمينهاي خارج از محدوده آن شهر محسوب مي‌شود. ‌تبصره 3 ـ عرض مسير و حريم خطوط لوله شركت مجموعاً از چهل متر تجاوز نخواهد كرد. 12 ـ هر گونه تصرف از طرف اشخاص در اراضي كه به موجب مقررات اين اساسنامه براي خطوط لوله تحصيل شده است اعم از احداث بنا يا‌غرس اشجار و يا زراعت و غيره ممنوع مي‌باشد و شركت مجاز است اين قبيل اعياني‌ها و مستحدثات را با حضور نماينده ژاندارمري يا شهرباني يا‌بخشداري كه دعوت خواهد نمود منهدم نمايد و اشخاص حق هيچ گونه ادعا و مطالبه خسارتي از اين بابت عليه شركت نخواهند داشت. هـ ـ براي اثبات عدم انجام تشريفات ثبتي يا اختلاف در مالكيت اراضي گواهينامه اداره ثبت محل و نسبت به عدم دسترسي به مالك اظهار شركت‌كه متكي به نشر آگهي در مجله رسمي و يك روزنامه كثيرالانتشار باشد كفايت خواهد كرد. ‌و ـ در مورد تمام يا قسمتي از املاك كه مورد نياز عمليات شركت بوده و در رهن يا بيع شرط هستند در صورتي كه مالك خود براي پرداخت بدهي‌و امضاء سند انتقال حاضر نشود و دادستان شهرستان مأمور امضاء سند انتقال گردد بستانكار مي‌تواند به‌هيأت سه نفري مراجعه و به نسبت اراضي كه‌مورد اين حكم قرار گرفته طلب خود را از محل وجه سپرده مطالبه و دريافت دارد و سندي مبني بر ابطال يا اصلاح سند رهني يا شرطي و وصول وجه‌توديع شده بدهد و در اين مورد كه طلب بستانكار در صندوق دادگستري سپرده شده است امضاء سند انتقال از طرف دادستان شهرستان معامله معارض‌محسوب نمي‌گردد. ‌هر گاه مبلغ سند رهني يا شرطي بيش از مبلغ ارزيابي شده باشد نسبت به مازاد شركت مسئول نخواهد بود. ‌ز ـ پرداخت هزينه دفتري سند انتقال به عهده طرفين است و ساير هزينه‌هاي آن به عهده مالك مي‌باشد و در مواردي كه دادستان سند انتقال را‌امضاء مي‌نمايد تمام مخارج وسيله شركت پرداخت و با ارائه مدارك مربوطه به‌هيأت سه نفر آنچه را كه به حساب مالك پرداخت نموده است از محل‌وجه سپرده مسترد خواهد داشت. ح ـ در اجراي هر يك از موارد مندرج در اين ماده اعم از ارزيابي و پرداخت بهاي املاك و اراضي مورد نياز شركت بايد حقوق زارعين بر اساس‌قوانين و مقررات اصلاحات ارضي با نظر وزارت اصلاحات ارضي و تعاون روستايي تعيين و از بهاي ملك كسر و به زارعين پرداخت گردد.
	+ ‌ماده 12 ـ شركت مي‌تواند در حوزه عمليات و براي مصارف خود در اراضي باير متعلق به دولت يا بلا مالك از آب و همچنين از هر نوع خاك و شن‌و آهك و سنگ و گچ و مصالح ساختماني ديگر بدون پرداخت حقوق دولتي و با رعايت تبصره 1 ماده 9 اين قانون طبق مقررات مربوطه استفاده نمايد.‌اگر عمل شركت براي استفاده از مواد مذكور موجب ضرر شخص ثالث گردد شركت بايد جبران خسارت را بنمايد ولي در هر صورت شخص ثالث‌نمي‌تواند مانع عمليات شركت بشود.
	+ ‌ماده 13 ـ هر گاه دولت در مناطق عمليات شركت قراردادي براي اكتشاف و يا بهره‌برداري معادن ديگر منعقد نمايد بايد شرايطي در آن منظور دارد كه‌موجب خسارت و مانع عمليات شركت نباشد. ‌هر گاه خسارتي وارد شود طرف قرارداد دولت ملزم به جبران خسارت شركت خواهد بود.
* ‌فصل سوم ـ اركان شركت
	+ ‌ماده 14 ـ اركان شركت عبارتند از: ‌مجمع عمومي نمايندگان صاحب سهام. ‌هيأت‌مديره و مدير عامل. ‌هيأت عالي بازرسي.
		- ‌قسمت اول ـ مجمع عمومي نمايندگان صاحب سهام.
			* ‌ماده 15 ـ نمايندگان صاحب سهام در مجمع عمومي عبارتند از: ‌وزير دارايي. ‌وزير اقتصاد. ‌وزير كار و امور اجتماعي ‌وزير آب و برق. ‌دادستان كل كشور. ‌مديرعامل سازمان برنامه. ‌رييس كل بانك مركزي ايران. ‌تبصره 1 ـ رياست جلسه مجمع عمومي با وزير دارايي و در غياب او با يكي از وزراي حاضر در جلسه به ترتيب تقدم مذكور در فوق خواهد بود. ‌تبصره 2 ـ در صورتي كه يكي از وزيران عضو مجمع نتواند در يكي از جلسات حضور يابد جانشين او براي همان جلسه از ميان وزراي ديگر‌توسط نخست وزير معرفي خواهد شد و در مورد غيبت دادستان كل معاون وي و در مورد مديرعامل سازمان برنامه و رييس كل بانك مركزي قائم‌مقام‌آنها در جلسه حضور خواهند يافت.
			* ‌ماده 16 ـ جلسات مجمع عمومي نمايندگان صاحب سهام در مركز شركت در تهران با حضور رييس هيأت‌مديره يا قائم‌مقام او تشكيل مي‌شود. ‌تبصره ـ مجمع عمومي نمايندگان صحاب سهام در شهريور ماه‌هر سال براي رسيدگي به ترازنامه و در آبان ماه‌همان سال به منظور رسيدگي و‌تصويب بودجه به طور عادي تشكيل مي‌گردد و تا موقعي كه نسبت به‌موضوع مندرج در دستور جلسه تصميم اتخاذ نشده جلسات همچنان ادامه‌خواهد داشت و در جلسات مذكور اضافه بر ترازنامه و بودجه ممكن است بر حسب پيشنهاد رييس هيأت‌مديره و مديرعامل يا طبق نظر رياست مجمع‌موضوعات ديگري نيز در دستور مذاكرات قرار گيرد.
			* ‌ماده 17 ـ مجمع عمومي نمايندگان صاحب سهام در هر موقع بنا به‌تقاضاي وزير دارايي و يا رييس هيأت‌مديره و مديرعامل و يا سه نفر از اعضاء‌مجمع عمومي نمايندگان صاحب سهام به طور فوق‌العاده تشكيل خواهد شد.
			* ‌ماده 18 ـ دعوت مجمع عمومي به طور عادي يا فوق‌العاده از طرف رييس هيأت‌مديره و مديرعامل شركت يا قائم‌مقام او به عمل مي‌آيد. ‌در صورتي كه رييس هيأت‌مديره و مديرعامل اقدام به دعوت مجمع عمومي ننمايد وزير دارايي رأساً مجمع عمومي را دعوت خواهد نمود. ‌تبصره 1 ـ دستور جلسه مجمع عمومي از طرف اشخاصي كه تقاضاي تشكيل جلسه را كرده‌اند تعيين خواهد شد. ‌تبصره 2 ـ در صورتي كه تقاضاي تشكيل جلسه فوق‌العاده گردد رييس هيأت‌مديره و مديرعامل شركت بايد منتهي تا ده روز پس از وصول تقاضا‌از نمايندگان صاحب سهام در مجمع عمومي دعوت به عمل آورد و دستور جلسه را به ضميمه دعوتنامه براي آنها ارسال دارد. ‌تبصره 3 ـ اعضاي اصلي و علي‌البدل هيأت‌مديره و هيأت عالي بازرسي مي‌توانند بدون داشتن حق رأي در جلسات مجمع عمومي نمايندگان‌صاحب سهام شركت نمايند.
			* ‌ماده 19 ـ جلسات مجمع عمومي با حضور حداقل پنج نفر رسميت خواهد يافت و براي اعتبار كليه تصميمات متخذه در هر مورد چهار رأي‌ضرورت دارد. ‌تبصره ـ مجمع عمومي يك نفر را به پيشنهاد رييس هيأت‌مديره و مديرعامل به سمت دبير مجمع عمومي انتخاب خواهد نمود و صورت‌جلسات مجمع عمومي نمايندگان صاحب سهام پس از تصويب در پرونده مخصوصي نگاهداري خواهد شد. صورت جلسات تصويب شده بايد به‌امضاي رييس مجمع عمومي برسد.
			* ‌ماده 20 ـ وظايف مجمع‌عمومي نمايندگان صاحب سهام به‌قرار زير است: ‌الف ـ رسيدگي و اتخاذ تصميم نسبت به گزارش ساليانه ‌هيأت‌مديره و تصويب ترازنامه و حساب سود و زيان شركت با توجه به‌گزارش هيأت‌عالي بازرسي. ‌گزارش ساليانه‌هيأت‌مديره و ترازنامه و حساب سود و زيان شركت و گزارش هيأت عالي بازرسي بايد لااقل دو هفته قبل از تشكيل جلسه در اختيار‌كليه اعضاء مجمع عمومي قرار گيرد. ب ـ بررسي و تصويب فصول و ارقام كلي بودجه‌هزينه‌هاي جاري شركت و بررسي و تصويب هزينه‌هاي سرمايه‌اي و ارقام درآمدهاي پيش‌بيني‌شده و اعتبارات اضافي و اصلاح بودجه بر اساس پيشنهاد رييس هيأت‌مديره و مدير عامل. ‌رييس هيأت‌مديره و مديرعامل بودجه‌هاي تفصيلي هزينه‌هاي شركت را در حدود ارقام كلي مصوب از طرف مجمع عمومي تنظيم و پس از تصويب‌هيأت‌مديره به موقع اجرا مي‌گذارد. ‌بودجه پيشنهادي بايد لااقل دو هفته قبل از تشكيل جلسه از طرف رييس هيأت‌مديره و مديرعامل براي كليه اعضاء مجمع عمومي فرستاده شود. ج ـ اظهار نظر نسبت به‌هر گونه پيشنهاد راجع به اصلاح يا تغيير مواد اساسنامه شركت كه براي اخذ تصميم نهايي و تقديم به قوه مقننه به‌دولت‌تسليم خواهد شد. پيشنهاد اصلاح يا تغيير اساسنامه بايد از طرف رييس هيأت‌مديره يا لااقل دو نفر از اعضاء مجمع عمومي به عمل آيد. ‌د ـ اجازه استفاده از ذخيره عمومي شركت بنا به پيشنهاد هيأت مديره. هـ ـ اتخاذ تصميم نسبت به تشكيل يا انحلال شركتهاي فرعي و مشاركت با مؤسسات و شركتهايي كه در خارج از ايران به عمليات نفتي اشتغال‌دارند و تعيين شرايط كلي مشاركت و يا خريد سهام شركتهاي ديگر بنا به پيشنهاد رييس هيأت‌مديره و مديرعامل شركت. ‌و ـ اتخاذ تصميم نسبت به افزايش سرمايه و پيشنهاد آن به دولت براي تصويب. ‌ز ـ تصويب آيين‌نامه معاملات شركت. ح ـ انتخاب رييس و اعضاء هيأت عالي بازرسي. ط ـ تعيين خط مشي عمومي شركت. ي ـ اتخاذ تصميم نسبت به‌هر موضوعي كه با رعايت مفاد اين اساسنامه در دستور جلسه عمومي نمايندگان صاحب سهام قرار گيرد.
			* ‌ماده 21 ـ هر گاه مجمع عمومي بازرسي قسمتي از عمليات شركت را لازم تشخيص دهد منحصراً به وسيله‌هيأت بازرسي اقدام خواهد كرد.
		- ‌قسمت دوم ـ هيأت‌مديره و مدير عامل
			* ‌ماده 22 ـ هيأت‌مديره از يك نفر رييس كه سمت مديريت عامل را نيز خواهد داشت و چهار نفر عضو اصلي تشكيل مي‌شود. حداكثر سه نفر نيز به‌عنوان عضو علي‌البدل انتخاب مي‌شوند تا در صورت اقتضاء به جاي اعضاي اصلي در جلسات شركت نمايند. (‌سن اعضاء اصلي هيأت‌مديره به استثناي رييس هيأت‌مديره و مديرعامل از 65 سال نبايد بيشتر باشد). ‌تبصره ـ رييس و اعضاي اصلي و علي‌البدل هيأت‌مديره بايد ايراني باشند.
			* ‌ماده 23 ـ رييس هيأت‌مديره و مديرعامل از بين اشخاصي كه سابقه خدمات دولتي و اجتماعي داشته و مدتي از آن را متصدي كارهاي مهم‌مملكتي بوده و يا از بين كارمندان صنعت نفت ايران كه بيست سال خدمت در صنعت نفت داشته و حداقل پنج سال از آن را عضويت هيأت مديره‌شركت ملي نفت ايران را عهده‌دار بوده انتخاب خواهد شد.
			* ‌ماده 24 ـ اعضاء اصلي هيأت‌مديره از بين اشخاص ذيصلاحيت كه لااقل بيست سال سابقه خدمات دولتي و اجتماعي داشته و پنج سال از آن را‌متصدي مشاغل عاليه بوده‌اند و يا از بين كارمندان صنعت نفت كه پانزده سال سابقه خدمت در صنعت نفت داشته و لااقل پنج سال عهده‌دار مشاغل‌مهمي در صنعت نفت بوده‌اند انتخاب خواهند شد. ‌تبصره ـ لااقل دو نفر از اعضاي اصلي هيأت‌مديره بايد از ميان كارمندان شركت انتخاب شوند.
			* ‌ماده 25 ـ اعضاي علي‌البدل هيأت‌مديره منحصراً از بين كارمندان عاليرتبه شركت كه حداقل داراي 15 سال سابقه خدمت در صنعت نفت بوده و‌لااقل پنج سال از آن را عهده‌دار مشاغل مهم در صنعت نفت بوده‌اند انتخاب مي‌شوند.
			* ‌ماده 26 ـ اعضاي اصلي و علي‌البدل هيأت‌مديره موظفاً انجام وظيفه خواهند كرد و بايد تمام اوقات در اختيار شركت باشند و هيچ نوع شغل‌موظف در خارج از شركت قبول نكنند. ‌اشتغال غير موظف اعضاي اصلي و علي‌البدل در اموري كه صرفاً جنبه تدريس داشته باشد و عضويت در شوراها و مجامع فرهنگي و اجتماعي به‌صورت افتخاري و بدون دريافت حقوق با موافقت رييس هيأت‌مديره و مديرعامل مجاز خواهد بود. ‌تبصره 1 ـ هر يك از اعضاي اصلي و علي‌البدل هيأت‌مديره كه از مقررات اين ماده تخلف نمايد از سمت خود مستعفي شناخته خواهد شد. ‌تبصره 2 عضويت اعضاء هيأت‌مديره در هيأتهاي مديره و هيأتهاي بازرسي شركتهاي فرعي و وابسته به شركت موكول به تصويب رييس هيأت‌مديره و مديرعامل مي‌باشد. عضويت رييس هيأت‌مديره و مديرعامل در هيأتهاي مديره و هيأتهاي بازرسي شركتهاي فرعي و وابسته بلامانع است.
			* ‌ماده 27 ـ مجمع عمومي براي انتخاب رييس هيأت‌مديره و مديرعامل سه نفر از اشخاص واجد صلاحيت را توسط وزير دارايي به‌هيأت وزيران‌پيشنهاد مي‌نمايد كه يك نفر از آنها براي مدت شش سال انتخاب و به فرمان همايوني به اين سمت منصوب خواهد شد. تجديد انتخاب رييس هيأت‌مديره و مديرعامل بلامانع است. ‌اعضاي اصلي هيأت‌مديره بنا به پيشنهاد رييس هيأت‌مديره و مديرعامل و تصويب هيأت وزيران براي مدت پنج سال انتخاب و به موجب فرمان‌ همايوني به اين سمت منصوب مي‌شوند و تجديد انتخاب آنها منعي ندارد. ‌اعضاي علي‌البدل هيأت‌مديره بنا به پيشنهاد رييس هيأت‌مديره و مديرعامل و تصويب مجمع عمومي براي مدت سه سال تعيين مي‌شوند و در ‌انقضاي مدت ممكن است مجدداً انتخاب شوند. ‌رييس هيأت‌مديره و مديرعامل مي‌تواند تغيير هر يك از اعضاء اصلي هيأت‌مديره را قبل از پايان مدت عضويت آنان به‌هيأت وزيران پيشنهاد نمايد و‌همچنين تغيير هر يك از اعضاي علي‌البدل را قبل از خاتمه مدت عضويت آنان به مجمع عمومي پيشنهاد كند. ‌تبصره 1 ـ رييس هيأت‌مديره و مديرعامل سه ماه قبل از انقضاي دوره عضويت هر يك از اعضاء اصلي هيأت‌مديره جانشين او را به‌هيأت وزيران‌پيشنهاد مي‌نمايد. ‌تا زماني كه رييس هيأت‌مديره و مديرعامل و اعضاي جديد انتخاب نشده‌اند رييس و اعضاي هيأت‌مديره به خدمت خود ادامه خواهند داد. ‌تبصره 2 ـ تعيين حقوق رييس و اعضاي اصلي هيأت‌مديره با مجمع عمومي و تعيين حقوق اعضاي علي‌البدل بنا بر پيشنهاد رييس هيأت‌مديره و‌تصويب هيأت‌مديره خواهد بود. ‌تبصره 3 ـ اعضاي‌هيأت‌مديره حق ندارند بيش از يك‌حقوق‌دريافت دارند.
			* ‌ماده 28 ـ رييس هيأت‌مديره و مديرعامل مي‌توانند يك يا دو نفر از اعضاء اصلي هيأت‌مديره را به سمت قائم‌مقام خود تعيين نمايند. ‌قائم‌مقام وظائفي را كه رييس هيأت‌مديره و مديرعامل بر عهده او محول دارد انجام خواهد داد.
			* ‌ماده 29 ـ جلسات هيأت‌مديره به رياست رييس هيأت‌مديره و يا قائم‌مقام او با حضور چهار نفر از اعضاء اصلي و يا علي‌البدل رسميت پيدا مي‌كند.‌در صورت غيبت اعضاء اصلي هر گاه حد نصاب كافي نباشد اعضاء علي‌البدل به دعوت رييس هيأت‌مديره در جلسه‌هيأت‌مديره شركت خواهندكرد.‌حضور لااقل دو نفر از اعضاء اصلي براي تشكيل جلسات هيأت‌مديره ضروري است.
			* ‌ماده 30 ـ در صورت فوت يا استعفا يا بركناري هر يك از اعضاء هيأت‌مديره جانشين او طبق مقررات اين اساسنامه تعيين خواهد شد.
			* ‌ماده 31 ـ اعضاء هيأت‌مديره و هيأت عالي بازرسي و همچنين كارمندان شركت مشمول قانون منع مداخله وزراء و نمايندگان مجلسين و كارمندان‌در معاملات دولتي و كشوري مي‌باشند. ‌تبصره ـ خريد فرآورده‌هاي نفتي و اموال و كالاهايي كه شركت و يا سازمانهاي تعاوني وابسته به آن براي كاركنان شركت تهيه مي‌نمايند يا به‌آنها ‌اختصاص مي‌دهند در حدود استفاده شخصي از مقررات اين ماده مستثني است.
			* ‌ماده 32 ـ جلسات هيأت‌مديره بر حسب تشخيص رييس هيأت‌مديره و مديرعامل تشكيل خواهد شد.
			* ‌ماده 33 ـ دعوت و اداره جلسات هيأت‌مديره و ابلاغ و اجراء مصوبات و تصميمات آن از وظايف رييس هيأت‌مديره و مديرعامل مي‌باشد.
			* ‌ماده 34 ـ صورت جلسات هيأت‌مديره پس از تصويب به امضاي رييس و اعضاي هيأت‌مديره حاضر در جلسه مي‌رسد و هر قسمت از مذاكرات‌كه‌هيأت‌مديره آن را محرمانه تلقي كند محرمانه بودن آن بايد در صورت جلسه قيد شود. ‌وظائف و اختيارات هيأت مديره
			* ‌ماده 35 ـ هيأت‌مديره در حدود مقررات اين اساسنامه داراي اختيار براي اجراي وظائف مصرح در اين اساسنامه منجمله وظايف زير مي‌باشد: ‌الف ـ تصويب برنامه عمليات شركت به طور كلي. ب ـ تعيين سياست كلي فروش و پخش و صدور نفت خام و مواد نفتي و پيشنهاد قيمت فروش بنزين و نفت و نفت گاز و نفت كوره در داخل‌كشور براي تصويب هيأت وزيران. ج ـ تعيين قيمت ساير فرآورده‌هاي نفتي و گاز. ‌د ـ اعطاء تخفيفات متعارف بازرگاني. هـ ـ اجازه تحصيل و دادن اعتبار يا وام با رعايت مقررات بند «د» ماده 5 اين قانون صرفاً به منظور حسن انجام عمليات شركت. ‌و ـ دادن اختيارات براي سازش و تعيين داور در مورد اختلافات و دعاوي شركت و به طور كلي هر اقدامي كه براي حفظ حقوق شركت لازم باشد. ‌ز ـ ‌بررسي و تصويب بودجه تفصيلي شركت. ح ـ بررسي و تصويب كليه آيين‌نامه‌هاي داخلي شركت اعم از استخدامي و بازنشستگي و اداري و فني و حسابداري و حسابرسي و غيره و تدوين‌و پيشنهاد آيين‌نامه معاملات شركت براي تصويب مجمع عمومي. ط ـ تصويب قراردادهاي مربوط به اجراي عمليات موضوع اين اساسنامه و تصويب معاملات غير منقول شركت. ي ـ اخذ تصميم نسبت به تشكيل و يا انحلال شركتهاي فرعي و مشاركت با مؤسسات و شركتهايي كه در داخل يا خارج از ايران به عمليات نفتي‌اشتغال دارند. ك ـ اعمال كليه حقوق شركت در شركتهاي عامل و شركتهاي فرعي و مشاركت‌ها. ل ـ تهيه گزارش هيأت‌مديره و ترازنامه ساليانه و حساب سود و زيان براي تقديم به مجمع عمومي و تعيين دستور جلسه مجمع عمومي. م ـ نگاهداري و به كار انداختن و بهره‌برداري از وجوه بازنشستگي و پس‌انداز كارمندان صنعت نفت با مراعات كامل منافع و مصالح آنها طبق‌آيين‌نامه‌اي كه به تصويب مجمع عمومي خواهد رسيد. ‌تبصره 1 ـ وجوه بازنشستگي و پس‌انداز كارمندان صنعت نفت كه به‌هيأت‌مديره سپرده شده جزء دارايي و وجوه شركت نمي‌باشد. هيأت‌مديره ‌شركت نسبت به اين وجوه در حكم امين محسوب مي‌شود. ‌تبصره 2 ـ هيأت‌مديره مكلف است سالي يك بار گزارش كامل اقدامات مربوط به وجوه بازنشستگي را به مجمع عمومي تسليم دارد.
			* ‌وظايف و اختيارات رييس هيأت‌مديره و مدير عامل
				+ ‌ماده 36 ـ رييس هيأت‌مديره و مديرعامل بالاترين مقام اجرايي شركت بوده و بر كليه سازمانهاي تابعه شركت رياست دارد و مسئول حسن جريان‌كليه امور و حفظ حقوق و منافع و اموال شركت مي‌باشد و براي اداره امور شركت و اجراء مصوبات هيأت‌مديره داراي همه گونه حقوق و اختيارات تام‌و تمام بوده و نمايندگي شركت را در مقابل كليه مقامات قضايي ـ كشوري و لشكري و مؤسسات و اشخاص اعم از ايراني و خارجي با حق توكيل غير‌خواهد داشت و مي‌تواند تمام يا قسمتي از اختيارات خود را به‌هر يك از اعضاي هيأت‌مديره و رؤساي قسمتهاي شركت به تشخيص خود تفويض كند‌كه امور قسمتهاي مختلف شركت را كه به اين طريق به آنها محول مي‌گردد زير نظر و مسئوليت مستقيم وي اداره كنند. اختيارات و وظائف رييس هيأت‌مديره و مديرعامل شامل موارد زير نيز مي‌باشد: ‌الف ـ عزل و نصب و ارتقاء و اعطاي پاداش و اضافه حقوق و مزايا و اخذ تصميم درباره كليه امور استخدامي كاركنان شركت اعم از ايراني و يا‌خارجي. ب ـ تعيين امضاء‌هاي مجاز و تعهدآور براي شركت. ج ـ اخذ و پرداخت وجوه و باز كردن حساب ريالي يا ارزي در بانكهاي داخلي و خارجي. ‌در موارد مذكور با امضاي رييس هيأت‌مديره و مديرعامل و امضاي يك عضو هيأت‌مديره عمل خواهد شد. رييس هيأت‌مديره و مديرعامل مي‌تواند‌يك يا چند نفر از اعضاي هيأت‌مديره را به اين منظور انتخاب و معرفي نمايد. رييس هيأت‌مديره و عضو منتخب مزبور مي‌توانند حق امضاي خود را به‌كارمندان شركت به تشخيص و مسئوليت خود واگذار نمايند. ‌د ـ اعمال نظارت‌هاي مالي و محاسباتي و حسابرسي نسبت به عمليات و معاملات و مخارج شركت و بازرسي در كليه امور شركت. هـ ـ نظارت لازم در كليه امور حسابداري شركتهاي فرعي و شعب و نمايندگيها و مؤسسات مربوطه. ‌و ـ تنظيم برنامه‌هاي طويل‌المدت متناسب با هدفهاي شركت و همچنين تصويب طرح‌هاي سازماني و تعيين وظائف و مسئوليتهاي واحدهاي‌مختلف شركت و اجراي برنامه‌هاي آموزشي.
		- ‌قسمت سوم ـ هيأت عالي بازرسي
			* ‌ماده 37 ـ هيأت عالي بازرسي مركب از پنج نفر خواهد بود كه سه نفر از آنها داراي تجربيات و معلومات كافي در امور حسابداري صنعتي و بازرگاني‌و اقتصادي بوده و يك نفر آنها مهندس در امور مربوط به نفت و يك نفر از كارمندان عالي رتبه دولت خواهد بود.
			* ‌ماده 38 ـ بازرسان عالي از طرف مجمع عمومي براي مدت دو سال انتخاب مي‌شوند. يك نفر از آنها را مجمع عمومي به سمت رييس هيأت عالي‌بازرسي و يك نفر را به پيشنهاد رييس هيأت بازرسي به سمت قائم‌مقام او تعيين خواهد نمود. ‌تا زماني كه تجديد انتخاب به عمل نيامده بازرسان به خدمت خود ادامه خواهند داد. انتخاب مجدد بازرسان بلامانع است.
			* ‌ماده 39 ـ در صورت فوت يا استعفاء يا تغيير شغل يا بركناري از خدمت هر يك از بازرسان عالي مجمع عمومي به طور فوق‌العاده تشكيل مي‌شود و‌شخصي را كه واجد شرايط باشد به جاي او انتخاب خواهد كرد.
			* ‌ماده 40 ـ هيأت عالي بازرسي از خدمات حسابداران و حسابرسان داخلي شركت به‌هنگام ضرورت استفاده خواهد كرد و مي‌تواند براي انجام‌وظائف خود از كارشناسان اعم از داخلي و خارجي به طور موقت استفاده نمايد براي انجام اين منظور رييس هيأت عالي بازرسي به رييس هيأت مديره‌مراجعه خواهد نمود و ريس هيأت‌مديره مكلف است نظر هيأت مزبور را تأمين نمايد.
			* ‌ماده 41 ـ وظايف هيأت عالي بازرسي به قرار ذيل است: ‌الف ـ تطبيق عمليات شركت با بودجه مصوب. ب ـ رسيدگي به ترازنامه و حساب سود و زيان شركت و تصديق مطابقت آن با كارتها و دفاتر شركت و تهيه گزارش چگونگي عمليات شركت براي‌تقديم به مجمع عمومي. گزارش مزبور بايد لااقل يك ماه قبل از انعقاد مجمع عمومي ساليانه به رييس هيأت‌مديره تسليم شود كه به‌ضميمه نظريات ‌هيأت‌مديره با ترازنامه به مجمع عمومي تقديم گردد. ج ـ مطالعه و اظهار نظر راجع به گزارش ساليانه‌هيأت مديره. ‌تبصره 1 ـ هيأت عالي بازرسي در اجراي وظايف خود حق مراجعه به‌كليه دفاتر و پرونده‌ها و قراردادهاي شركت را خواهد داشت و رونوشت كليه ‌مصوبات هيأت‌مديره و مدارك و اطلاعات لازم مخصوصاً آن چه كه به نحوي از انحاء مربوط به بودجه شركت مي‌شود در اختيار آن گذارده خواهد شد. ‌تبصره 2 ـ چنان چه‌هيأت عالي بازرسي در حين كار اشتباهات يا تخلفات و يا بي‌ترتيبي‌هايي مشاهده نمايد و با مراجعه به مديران و رؤسا و‌مسئولين مربوطه موضوع روشن و حل نشود مطالب را به رييس هيأت‌مديره اطلاع و گزارش مي‌دهد و چنان چه نسبت به اين گزارش اقدام به عمل‌نيامد مراتب را به مجمع عمومي گزارش خواهد داد.
			* ‌ماده 42 ـ اجراي وظائف هيأت عالي بازرسي كه بر طبق مقررات اين اساسنامه تعيين شده نبايد به‌هيچ وجه مانع جريان عادي كار شركت گردد. ‌تبصره ـ هيأت عالي بازرسي وظايف خود را طبق آيين‌نامه خاصي انجام خواهد داد كه از طرف رييس هيأت عالي بازرسي تهيه شده و پس از تأييد‌وزير دارايي به مرحله اجرا گذارده خواهد شد.
			* ‌ماده 43 ـ حقوق اعضاء هيأت عالي بازرسي از طرف مجمع عمومي تعيين و از طرف شركت پرداخت خواهد شد.
			* ‌ماده 44 ـ رييس و اعضاء هيأت عالي بازرسي حق اشتغال موظف ديگري در داخل يا خارج از شركت و شركتهاي فرعي وابسته آن را ندارند. اشتغال‌غير موظف (‌افتخاري بدون دريافت حقوق) در هر مورد منوط به‌موافقت وزير دارايي خواهد بود.
* ‌فصل چهارم ـ ترازنامه و حساب سود و زيان
	+ ‌ماده 45 ـ سال مالي شركت از يازدهم دي ماه‌هر سال شروع شده و در تاريخ دي ماه سال بعد خاتمه مي‌يابد.
	+ ‌ماده 46 ـ تعداد و نوع دفاتر محاسباتي شركت و شركتهاي فرعي آن كه بايد پلمپ شود به موجب تصميم هيأت‌مديره تعيين خواهد شد. ‌تبصره ـ منظور از دفاتر محاسباتي عبارت است از دفاتر مذكور در قانون تجارت و يا فرمها و وسائل ديگر نگاهداري حساب.
	+ ‌ماده 47 ـ كليه دفاتر شركت به تاريخ روز آخر سال مالي بسته شده و ترازنامه و حساب سود و زيان شركت و گزارش هيأت‌مديره لااقل دو ماه پيش‌از تاريخ تشكيل مجمع عمومي تهيه شده و در اختيار هيأت عالي بازرسي گذاشته خواهد شد.
	+ ‌ماده 48 ـ در ترازنامه اقلام دارايي شركت به بهاي خريد يا تمام شده پس از استهلاك منظور مي‌شود. ‌مطالبات مشكوك به ارزش احتمالي روز تنظيم ترازنامه احتساب مي‌شود. اقلام سوخت شده نبايد جزء دارايي محسوب گردد. ‌تبصره 1 ـ هر گاه‌هيأت‌مديره تجديد ارزيابي تمام و يا قسمتي از دارايي‌هاي شركت را لازم تشخيص دهد مي‌تواند با تصويب مجمع عمومي اقدام‌به تجديد ارزيابي بنمايد و در صورتي كه افزايش و يا كاهشي حاصل شود به حساب اندوخته‌هاي مخصوص مذكور در ماده 50 منظور خواهد شد. ‌تبصره 2 ـ ميزان استهلاك نسبت به انواع دارايي‌هاي شركت طبق اصول صحيح و متداول صنعت نفت تعيين و پس از تصويب هيأت‌مديره به‌موقع اجرا گذاشته خواهد شد.
	+ ‌ماده 49 ـ شركت مكلف است سالانه دو درصد از درآمد كل خود را به حساب ذخيره عمومي انتقال دهد.
	+ ‌ماده 50 ـ شركت مكلف است با تصويب مجمع عمومي اندوخته‌هاي مخصوصي به ميزان متناسب براي تأمين احتياجات خود طبق معمول‌صنعت نفت از محل درآمد كل در نظر بگيرد.
	+ ‌ماده 51 ـ درآمد كل عبارت است از سود ويژه به اضافه پرداخت مشخص مندرج در قرارداد فروش نفت مصوب هفتم آبان ماه 1333 و وجوهي كه‌به عنوان پذيره و حق‌الارض و برگشت هزينه اكتشاف به موجب قانون نفت مصوب نهم مرداد ماه 1336 عايد شركت شود و همچنين وجوهي كه به‌عنوان سود خالص از شركتهاي فرعي و وابسته پس از پرداخت ماليات بر درآمد آن شركتها به شركت عايد مي‌گردد. ‌تبصره ـ سود ويژه عبارت است از درآمد حاصل از عمليات مستقيم شركت پس از وضع هزينه‌اي جاري و استهلاك.
	+ ‌ماده 52 ـ وجوه دريافتي شركت حاصل از پرداخت مشخص مقرر در قرارداد فروش نفت مصوب 7 آبان ماه 1333 و وجوهي كه به عنوان پذيره و‌حق‌الارض به موجب قانون نفت مصوب نهم مرداد ماه 1336 عايد شركت خواهد شد مشمول ماليات نمي‌باشد.
	+ ‌ماده 53 ـ سرمايه لازم به منظور توسعه عمليات شركت و همچنين هر گونه سرمايه‌گذاري به موجب قانون نفت مصوب نهم مرداد ماه 1336 بايد از‌محل درآمد كل و در صورتي كه ميسر نباشد از هر طريقي كه مجمع عمومي در حدود اختيارات خود تصويب نمايد تأمين گردد.
	+ ‌ماده 54 ـ آن چه از محل درآمد كل پس از وضع مبالغي كه به‌موجب مقررات اين اساسنامه پرداخت مي‌شود باقي بماند به خزانه‌داري كل پرداخت‌خواهد شد.
* ‌فصل پنجم ـ مقررات مختلفه
	+ ‌ماده 55 ـ اعضاي هيأت‌مديره و بازرسان عالي و كاركنان شركت حق نخواهند داشت اطلاعاتي را كه براي شركت جنبه محرمانه داشته باشد افشاء‌ نمايند. ‌در صورت تخلف اگر متخلف مدير يا بازرس عالي باشد به پيشنهاد رييس هيأت‌مديره و تصويب مجمع عمومي و اگر كارمند و يا كارگر باشد با تصويب‌رييس هيأت‌مديره و مديرعامل از خدمت بر كنار خواهد شد و در صورتي كه خساراتي متوجه شركت شده باشد بركناري متخلف مانع از تعقيب او‌براي جبران زيان وارده نخواهد بود.
	+ ‌ماده 56 ـ در مواردي كه كاركنان شركت مرتكب تخلفاتي در انجام امور شركت بشوند تعقيب و مجازات اداري آنها بر طبق آيين‌نامه‌هاي استخدامي‌و انضباطي شركت صورت خواهد گرفت. ‌هر گاه ضمن تحقيق معلوم شود كه تخلف از نظر قوانين جنبه جزايي دارد رييس هيأت‌مديره و مديرعامل شركت موضوع را به مراجع صلاحيتدار ‌قانوني احاله خواهد نمود.
	+ ‌ماده 57 ـ كليه عمليات شركت اعم از امور مالي و استخدامي و استفاده از اشخاص و اداره اموال و انجام كليه معاملات و اقدام به‌ هر امري به منظور‌توسعه و پيشرفت هدفهاي شركت تابع اصول بازرگاني مي‌باشد. ‌انجام امور مزبور به تشخيص هيأت‌مديره و طبق مقررات داخلي شركت بوده و از هر گونه تشريفات و مقرراتي كه مغاير اين اساسنامه باشد معاف‌خواهد بود.
	+ ‌ماده 58 ـ عضويت كاركنان شركت در انجمنهاي شهرداري با موافقت شركت بلامانع خواهد بود.
	+ ‌ماده 59 ـ در مواردي كه يكي از اعضاء هيأت‌مديره و يا كاركنان شركت طبق ماده 19 قانون كيفر عمومي معلق مي‌شود اجراي حكم تعليق مانع‌بركناري كارمند از طرف شركت و خاتمه دادن به خدمت او نخواهد بود.
	+ ‌ماده 60 ـ در مواردي كه اختلاف نظر بين شركت و هر يك از وزارتخانه‌ها و يا سازمانهاي وابسته به دولت يا شهرداريها پيش آيد موضوع از طرف ‌شركت به وزارت دارايي گزارش خواهد شد و وزارت دارايي موضوع اختلاف را به كميسيوني مركب از نمايندگان خود و طرفين ارجاع خواهدنمود. ‌كميسيون مزبور از راه سازش به حل اختلاف اقدام خواهد كرد و هرگاه موضوع اختلاف به طريق مزبور فيصله نيافت هر يك از طرفين مي‌تواند به‌هيأت‌عمومي ديوان عالي كشور براي رفع اختلاف مراجعه كند. در صورتي كه بين وزارت دارايي و شركت اختلاف نظري به وجود آيد كه با مذاكره مستقيم‌فيصله نيابد موضوع به‌هيأت وزيران مراجعه خواهد شد و تصميم هيأت وزيران براي طرفين قاطع خواهد بود.
	+ ‌ماده 61 ـ هيچ يك از كاركنان شركت در ادارات و اماكن و مجامع مربوط به كار شركت حق فعاليت سياسي ندارند. ‌داير كردن و نشر روزنامه مجله سياسي يا عضويت در هيأت تحريريه اين دسته از جرايد و همچنين انتشار مقالات سياسي براي كاركنان شركت ممنوع‌است. منتشر كردن هر نوع اطلاع راجع به عمليات شركت بدون اجازه كتبي شركت ممنوع است. ‌تخلف از مقررات اين ماده موجب تعقيب اداري و انضباطي طبق آيين‌نامه شركت خواهد بود.
	+ ‌ماده 62 ـ شركت در تهيه مسكن و تأمين رفاه و بهداشت و فرهنگ و آموزش و تفريحات سالم كاركنان خود و كمكهاي اجتماعي به آنان و حفاظت‌آنها در مقابل حوادث اهتمام به عمل خواهد آورد.
	+ ‌ماده 63 ـ شركت مي‌تواند با تصويب هيأت‌مديره تمام يا قسمتي از حقوق و مزاياي اين اساسنامه را شامل شركتهاي فرعي خود نمايد.
	+ ‌ماده 64 ـ قوانين و مقرراتي كه كلاً با بعضاً مغاير با مقررات اين اساسنامه باشد در حدودي كه مغايرت دارد نسبت به شركت مجري نبوده و مقررات‌اين اساسنامه مادام كه مصرحاً به موجب قانون نسخ نشده معتبر خواهد بود.
* [امضاء] قانون بالا مشتمل بر شصت و چهار ماده و پنجاه و هشت تبصره كه در تاريخ روز چهار شنبه بيست و سوم اسفند ماه 1346 به تصويب مجلس سنا‌رسيده بود در جلسه روز يكشنبه پانزدهم ارديبهشت ماه يك هزار و سيصد و چهل و هفت شمسي مورد تصويب مجلس شوراي ملي قرار گرفت. ‌رييس مجلس شوراي ملي ـ مهندس عبدالله رياضي

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=66205>

# ‌قانون مربوط به اساسنامه شركت ملي نفت ايران

* ‌فصل اول ـ كليات و سرمايه
	+ ‌ماده 1 ـ شركت ملي نفت ايران كه به موجب قانون مورخ نه ارديبهشت 1330 تأسيس گرديده شركت سهامي بازرگاني است كه عمليات خود را بر‌طبق مقررات اين اساسنامه و قانون تجارت اجراء خواهد نمود.
	+ ‌ماده 2 ـ مركز اصلي شركت تهران است شركت مي‌تواند شعب يا نمايندگي‌هايي براي اجراي عمليات خود در داخله و خارجه تأسيس نمايد.
	+ ‌ماده 3 ـ سرمايه شركت ده هزار ميليون ريال است كه به ده هزار سهم يك ميليون ريالي بنا نام تقسيم و پنجاه درصد آن به صورت منقول و غير‌منقول پرداخت شده است. ‌نسبت به پنجاه درصد بقيه صاحبان سهام متعهد مي‌باشند كه به‌تقاضاي هيأت مديره شركت و تصويب شوراي عالي نفت آن را پرداخت نمايند ـ سهام‌شركت كلاً متعلق به دولت ايران و غير قابل انتقال است. ‌كليه تأسيسات صنعت نفت در حوزه قرارداد فروش نفت مصوب 7 آبان 1333 كه حق استفاده قسمتي از آن به شركت‌هاي عامل نفت ايران واگذار‌گرديده علاوه بر سرمايه مذكور متعلق به شركت و جزو دارايي و اندوخته آن مي‌باشد.
* ‌فصل دوم ـ موضوع و حقوق و اختيارات شركت
	+ ‌ماده 4 ـ موضوع شركت و حدود عمليات آن در سرتاسر فلات قاره به شرح زير است: ‌الف ـ تفحص و نقشه‌برداري و اكتشاف نفت و گاز طبيعي و هيدروكاربورهاي ديگر (‌اعم از مايع و جامد) استخراج و تصفيه و ساختن و عمل‌آوردن فرآورده‌هاي نفتي ـ هر گونه عمليات به منظور قابل عرضه كردن مواد مزبور در بازار و پخش و فروش و صدور آن. ‌تبصره ـ اشتغال به امور مذكور در اين بند در حدود مقررات قانون نفت مصوب نهم مرداد ماه 1336 منحصراً به عهده شركت ملي نفت ايران‌خواهدبود بجز مواردي كه به موجب قوانين جداگانه اشتغال مؤسسات ديگر به ‌اين امور تجويز شده و يا در آينده به موجب مقررات قانون نفت مصوب‌نهم مرداد 1336 تجويز شود. ب ـ ساختن مشتقات و فرآورده‌هاي فرعي از جمله مواد شيميايي حاصله از نفت گاز طبيعي و هيدروكاربورهاي ديگر حمل و نقل و انبارداري كليه‌مواد نفتي و مشتقات حاصله از آن ـ پخش و صدور مشتقات مزبور. ج ـ مراقبت و اهتمام و اقدام مقتضي براي توسعه و پيشرفت صنعت نفت ايران و صنايع وابسته به آن از لحاظ علمي و فني و بازرگاني و غيره.
	+ ‌ماده 5 ـ براي انجام عمليات مذكور در ماده 4 شركت داراي حقوق و اختيارات زير مي‌باشد. ‌الف ـ ايجاد شركتهاي فرعي و شعب نمايندگيها در ايران و خارج از ايران يا انحلال آنها و انعقاد قراردادهاي همكاري با شركتها و مؤسسات داخلي‌يا خارجي در حدود مقررات قانون نفت مصوب نهم مرداد 1336 براي اجراي هر قسمت از عمليات مربوط به صنعت نفت از قبيل اكتشاف و استخراج‌و بهره‌برداري و تصفيه مواد نفتي و آماده نمودن گاز براي مصرف و ساختن مشتقات و فرآورده‌هاي فرعي از نفت و گاز و تهيه وسايل حمل و نقل اعم از ‌زميني و دريايي و هوايي و فروش محصولات توليدي شركت در داخل و خارج كشور. ب ـ خريد و تحصيل هر گونه مال اعم از منقول و غير منقول براي رفع احتياجات و تأمين مقاصد شركت. ج ـ تصدي هر نوع عمل بازرگاني مربوط به تهيه و فروش و صدور مواد نفتي و مشتقات آن ـ انبارداري ـ حق‌العمل كاري. ‌د ـ اجراي همه گونه كارهاي فني كه براي انجام مقاصد شركت لازم باشد به خصوص هر نوع تبديل نفت خام يا گاز طبيعي يا عمل ديگري كه مواد‌نفتي و مشتقات آنان را قابل عرضه در بازار ايران و خارجه بنمايد. ه ـ خريد و اجازه تأسيس و تكميل و توسعه و تعمير و نظارت و اداره كليه انواع كارخانجات و دستگاهها و تأسيسات و وسايلي كه براي اكتشاف و ‌استخراج و تصفيه و بهره‌برداري و حمل و فروش نفت و گاز و مشتقات آن لازم باشد. ‌تبصره ـ ايجاد و به كار انداختن راه‌آهن ـ بندر و سرويسهاي تلگراف و تلفن باسيم و بي‌سيم و هواپيمايي در مواردي كه عمليات شركت ايجاب‌نمايد مشروط به اجازه قبلي دولت خواهد بود. ‌و ـ عمليات عمراني و كشاورزي و استفاده به هر نحو ديگر از زمينهايي كه در اختيار شركت است و هر گونه معامله نسبت به محصولات زمينهاي‌مزبور منحصراً به منظور تأمين احتياجات شركت و كاركنان آن. ‌تبصره ـ عمليات مذكور بايد حتي‌الامكان توسط افراد يا مؤسسات خصوصي انجام شود. ‌ز ـ انعقاد قراردادهاي استخدامي و پيمانكاري يا مشاوره با اشخاص و مؤسسات داخلي يا خارجي به منظور اجراي مقاصد شركت در حدود‌مقررات شركت. ح ـ تحصيل پروانه‌هاي اختراع و هر گونه اطلاعات درباره اختراعات و طرحها و طريقه‌هاي مربوط به صنعت نفت و صنايع وابسته به آن. ط ـ انعقاد قرارداد خريداران به منظور صدور نفت خام و گاز و محصولات نفتي و مشتقات آن.
	+ ‌ماده 6 ـ استخدام كارشناسان و كارمندان و كارگران اعم از دائم و موقت بر طبق آيين‌نامه‌هاي داخلي شركت خواهد بود. ‌استخدام اتباع خارجه منحصراً در مواردي مجاز خواهد بود كه به‌تشخيص هيأت مديره ايرانياني كه واجد شرايط و تجربيات لازم باشند يافت نشوند و‌يا استفاده از خدمات آنان عملاً ميسر نباشد به منظور تشكيل كادر مجهز لازم براي صنعت نفت و بي‌نياز شدن صنعت نفت مزبور از استخدام كاركنان‌خارجي شركت هر گونه برنامه‌هاي تعليم و تربيت و كارآموزي را كه شايسته بداند مخصوصاً اعزام تعداد كافي دانشجو در هر سال به خارج تنظيم و اجرا‌خواهد نمود.
	+ ‌ماده 7 ـ شركت از تسهيلات زير استفاده خواهد نمود: ‌الف ـ بدون تحصيل هيچ گونه پروانه ولي با انجام تشريفات گمركي آنچه را كه منحصراً براي عمليات خود در ايران ضروري بداند از قبيل ماشين‌آلات كارخانه‌ها و اجراي آن ـ افزار و ادوات قطعات يدكي ـ مواد شيميايي و معدني ـ مصالح ساختماني و اثاثيه كه در ايران نظاير آن ساخته نمي‌شودـ وسايل حمل و نقل ـ وسايل آزمايشگاه ـ دارو و كليه لوازم طبي بيمارستانها و درمانگاهها بدون پرداخت حقوق و عوارض گمركي و هر نوع ماليات و‌عوارض ديگر از خارجه وارد كند. ‌تبصره 1 ـ در مواردي كه دولت از لحاظ سياست و مصالح عمومي كشور اخذ پروانه‌هاي مخصوصي را مانند پروانه ورود مواد محترقه و ادويه‌مخدره ضروري بداند شركت تشريفات اخذ پروانه را انجام خواهد داد وليكن انجام تشريفات مزبور موجب هيچ گونه محدوديتي نسبت به‌آزادي‌شركت در وارد كردن مواد مورد بحث نخواهد گرديد. ‌مواردي كه رعايت اين گونه تشريفات را ايجاب بنمايد از طرف وزارت دارايي به شركت ابلاغ خواهد شد. ‌تبصره 2 ـ شركت ملي نفت ايران موظف است در موقع ترخيص كالاهايي كه بر طبق بند الف اين ماده معافيت دارد ميزان حقوق گمركي را كه بر آن‌كالاها در صورت نداشتن معافيت گمركي تعلق مي‌گيرد از اداره گمرك دريافت دارد و در آخر هر سال براي اين كه معلوم شود چه مبلغ شركت ملي نفت‌ايران از معافيت گمركي استفاده نموده صورتهاي مزبور را به وزارت دارايي تسليم دارد. ب ـ صادرات مواد نفتي از پرداخت حقوق گمركي و هر نوع ماليات و عوارض به دولت و ادارات محلي و شهرداريها معاف خواهد بود ولي‌شركت اظهارنامه‌هايي را كه براي آمار گمركي لازم است تهيه و به گمرك محل تسليم خواهد كرد. ‌تبصره 1 ـ شركت مكلف است بري تهيه وسائل صنعتي يا مواد مصرفي با توجه به مرغوبيت و ارزش جنس و رعايت مصالح اقتصادي كشور‌نسبت به كالاهاي مشابه داخلي حق تقدم قائل شده و محصولات و مصنوعات داخلي را به مصرف برساند. ‌تبصره 2ـ در مورد مواد و اشيايي كه شركت وارد نموده و بعداً به آنها احتياج نداشته باشد شركت در فروش آن در داخل و يا در صدور آن به‌خارج‌آزاد است ولي چنانچه اشياء مزبور با معافيت از حقوق و عوارض گمركي وارد شده باشد فروش آن در داخل كشور به اطلاع وزارت گمركات و‌انحصارات مشروط به پرداخت حقوق گمركي مي‌باشد. ‌تبصره 3 ـ كليه معافيتهاي مذكور در اين ماده ناظر به عمليات شركت جهت اجراي اين اساسنامه مي‌باشد و آنچه اشياء و لوازم جهت مصرف‌كاركنان شركت از طرف شركت وارد مي‌شود از پرداخت حقوق و عوارض گمركي و ساير عوارض معاف نخواهند بود.
	+ ‌ماده 8 ـ ماليات بر درآمد شركت طبق مقررات ماده 35 قانون ماليات بر درآمد سال 1328 كه طبق ماده 36 قانون ماليات بر درآمد 1335 تأييد گرديده‌از سود ويژه شركت وصول خواهد شد. ‌هيچ گونه ماليات و يا عوارض و حقوق ديگر زايد بر ميزان مقرر از شركت قابل وصول نخواهد بود. ‌تبصره 1 ـ حقوق و عوارضي كه بر طبق قوانين از طرف مقامات دولتي يا محلي در ازاي خدمات درخواست شده و يا خدماتي كه معمولاً براي‌عامه انجام مي‌شود مطالبه مي‌گردد از شركت نيز قابل وصول است. ‌تبصره 2 ـ وجوه صندوق بازنشستگي و پس‌انداز كاركنان ايراني صنعت نفت و كليه عوايد و بهره حاصله از آن وجوه از هر گونه ماليات معاف‌است.
	+ ‌ماده 9 ـ شركت مي‌تواند هزينه و تعهدات ارزي خود را از قبيل بهاي كالاهاي خريداري از خارجه و حقوق كارمندان خارجي و هزينه محصلين و‌كارآموزان اعزامي به خارج كشور و مخارج كارمنداني كه بر طبق مقررات شركت به خارج از كشور براي امور مهمه شركت كه ضرورت ايجاب نمايد‌مسافرت مي‌نمايند از محل درآمد ارزي خود بپردازد. ‌شركت در اول هر سال موافقت مقامات قانوني نظارت ارز را براي استفاده از اعتبارات ارزي ساليانه خود يك جا تحصيل و صورت هزينه‌هاي ارزي را‌هر سه ماه يك مرتبه به مقامات مذكور و خزانه‌داري كل تسليم خواهد نمود.
	+ ‌ماده 10 ـ هر گاه زميني براي انجام عمليات مقرر در اين اساسنامه مورد احتياج شركت واقع شود به ترتيب زير عمل خواهد شد: ‌الف ـ در مورد اراضي موات حيازت و تملك آن از طرف شركت مجاز و تابع احكام كلي است. ب ـ در صورتي كه زمين مورد احتياج باير و متعلق به دولت باشد برحسب پيشنهاد شركت و تصويب هيأت وزيران مجاناً به شركت واگذار‌مي‌شود و در صورتي كه احتياج شركت به زميني كه بدين طرز تحصيل نموده باشد رفع شود شركت حق انتقال آن را به غير نخواهد‌داشت بلكه بايد آن‌را بلاعوض به دولت مسترد دارد. ج ـ در مورد زمين‌هاي داير متعلق به دولت بهاي عادله آن بايد از طرف شركت به دولت پرداخت شود در صورت اختلاف نسبت به بهاي عادله نظر‌هيأت وزيران قطعي و الزام‌آور خواهد بود. چنانچه احتياج شركت از زميني كه از دولت خريداري نموده رفع شود شركت بايد زمين مزبور را در مقابل‌بهاي خريد به دولت واگذار نمايد چنانچه ظرف شش ماه از تاريخ پيشنهاد فروش دولت زمين را ابتياع ننمايد شركت در فروش آن به غير آزاد خواهد بود. ‌د ـ در مورد زمينهايي كه از لحاظ عمليات مقرر در اين اساسنامه مورد احتياج شركت بوده و متعلق به اشخاص باشد شركت آن زمينها را مستقيماً از‌مالكين خريداري خواهد نمود و مالكين بايد آن زمين‌ها را در ازاي دريافت بهاي عادله به شركت واگذار نمايند. ‌چنانچه مالك از فروش ملك خودداري نمايد و يا طرفين در تعيين بهاي عادله توافق نكنند دادگاه شهرستان محل به درخواست شركت در ظرف دو هفته‌از تاريخ درخواست مزبور سه نفر كارشناس مرضي‌الطرفين و يا در صورت عدم تراضي طرفين به قيد قرعه تعيين خواهد نمود كارشناسان مزبور حداكثر‌تا دو هفته پس از تاريخ انتخاب بهاي عادله زمين مورد تقاضا را با اكثريت آراء بر اساس بهاي اراضي مشابه و مجاور بدون در نظر گرفتن منابع نفتي و‌نوع استفاده‌اي كه منظور شركت مي‌باشد به بهاي روز درخواست شركت تعيين و به دادگاه اعلام خواهند نمود. ‌پس از توديع بهاي معينه از طرف شركت در صندوق دادگستري دادگاه مكلف است حكم به تصرف و تملك شركت نسبت به اراضي مورد بحث صادر‌نمايد حكم مزبور نسبت به تصرف و تملك شركت قطعي و غير قابل پژوهش و فرجام خواهد بود لكن چنانچه يكي از طرفين نسبت به‌بهاي تعيين شده‌از طرف كارشناسان معترض باشد مي‌تواند نسبت به بهاي تعيين شده در ظرف مهلت قانوني درخواست رسيدگي پژوهشي بنمايد درخواستي كه شركت‌به موجب مقررات اين ماده به دادگاه مي‌دهد از لحاظ الصاق تمبر طبق ماده 684 قانون آيين دادرسي مدني غيرمالي تلقي خواهد شد. ‌تبصره 1 ـ چنانچه در زمينهاي موضوع اين بند اعياني وجود داشته باشد تقويم اعيان جداگانه از بهاي عرصه بر اساس پنج درصد علاوه بر قيمت‌عادله به عمل خواهد آمد هر گاه اعياني محل سكونت مالك و يا ممر اعاشه منحصر به فرد او باشد پانزده درصد قيمت عادله نيز از اين بابت به‌او‌پرداخت خواهد گرديد. ‌تبصره 2 ـ در مورد املاك مزروعي در صورتي كه مساحت اراضي مورد احتياج شركت به قدري باشد كه زارعين مجبور به كوچ كردن بشوند شركت‌علاوه بر قيمت ملك كه به مالك پرداخت مي‌نمايد 25 درصد آن را نيز به وسيله شوراي محلي يا در صورتي كه شوراي مزبور وجود نداشته‌باشد با‌حضور فرماندار يا بخشدار محل بين زارعين محل كه از آنجا كوچ مي‌نمايند تقسيم خواهد كرد. ‌تبصره 3 ـ در صورتي كه مالك يا مالكين ظرف 10 روز پس از قطعيت حكم دادگاه (‌در مورد عدم اعتراض به بهاي معينه در حكم به‌دوي) يا از‌تاريخ ابلاغ حكم پژوهشي (‌در صورتي كه بهاي معينه در حكم دادگاه به دوي اعتراض شده باشد) براي امضاي سند انتقال حاضر نشوند رييس اداره ثبت‌محل موظف است طبق تقاضاي شركت سند انتقال تنظيم و به شركت تسليم نمايد سند مزبور مطابق مقررات در دفتر اسناد رسمي و دفتر املاك ثبت‌مي‌شود و اداره ثبت بر اساس آن تقاضاي ثبت از شركت پذيرفته و سند مالكيت به نام شركت صادر خواهد نمود. ‌تبصره 4 ـ چنانچه احتياج شركت نسبت به اراضي مذكور در اين بند رفع شود شركت در فروش آن به غير آزاد خواهد بود منتهي فروشنده سابق در‌شرايط مساوي در ظرف مدت 6 ماه از تاريخ ابلاغ حق تقدم خواهد داشت. ه ـ در مورد زمينهايي كه دسترسي به مالك آن غير مقدور باشد و همچنين در مورد زمينهايي كه مالكيت آن مورد اختلاف و يا تشريفات ثبتي انجام‌نيافته باشد با نظر دادستان محل يا متصرفين وقت بهاي آن از طرف دادگاه به نحوي كه به اختلاف موارد در بند (‌د) اين ماده قيد گرديده تعيين مي‌شود و‌پس از توديع بهاي ملك مزبور دادگاه حكم به تصرف شركت صادر مي‌كند در صورتي كه مالك تعيين گرديد و يا اختلاف ثبت رفع شد و يا تشريفات‌ثبتي خاتمه يافت چنانكه مالك يا مالكين به بهاي توديع شده تسليم نشوند طبق مقررات بند (‌د) حق پژوهش خواهند داشت. ‌تبصره 1 ـ نسبت به تنظيم اسناد انتقال املاكي كه طبق مقررات اين بند تحصيل مي‌شود بس از امكان دسترسي به مالك يا رفع اختلاف و انجام‌تشريفات ثبتي طبق مقررات تبصره 3 بند (‌د) عمل خواهد شد. ‌تبصره 2 ـ چنانچه در زمينهاي موضوع اين بند اعياني وجود داشته‌باشد طبق تبصره 1 بند (‌د) عمل خواهد شد. ‌رسيدگي دادگاه به درخواست شركت و تعيين ميزان خسارات و صدور حكم تصرف به نحوي خواهد بود كه طي بند (‌د) اين ماده مذكور است. ‌و ـ در مورد تحصيل حقوق ارتفاقي نسبت به اراضي و استفاده از آب و رعايت خسارات مالك نسبت به مجموع آب و زمين در صورت عدم توافق‌از طريق دادگاه اقدام خواهد شد. ‌رسيدگي دادگاه به درخواست شركت و تعيين ميزان خسارات و صدور حكم تصرف به نحوي خواهد بود كه طي بند (‌د) اين ماده مذكور است. ‌ز ـ تصرف اراضي و ابنيه و تأسيسات قبل از پرداخت يا توديع تمام قيمت مجاز نيست مگر با رضايت مالكين. ح ـ نسبت به املاك موقوفه‌اي كه فروش آنها مجاز نيست به طريق اجاره طويل‌المدت استفاده خواهد شد. ط ـ ملاك احتياج شركت به اراضي تشخيص شركت مي‌باشد. ‌براي احراز عدم انجام تشريفات ثبتي يا اختلاف در مالكيت اراضي گواهينامه اداره ثبت محل و نسبت به عدم دسترسي به مالك اظهار شركت كه متكي‌به نشر آگهي در مجله رسمي و يك روزنامه كثيرالانتشار محل باشد كفايت خواهد كرد.
	+ ‌ماده 11 ـ شركت مي‌تواند در حوزه عمليات و براي مصارف خود در اراضي باير متعلق به دولت يا بلامالك از آب و همچنين از هر نوع خاك و شن‌و آهك و سنگ و گچ و مصالح ساختماني ديگر بدون پرداخت حقوق دولتي و طبق مقررات مربوطه استفاده نمايد اگر عمل شركت براي استفاده از مواد‌مذكور موجب ضرر شخصي گردد شركت بايد جبران خسارت را بنمايد ولي در هر صورت شخص ثالث نمي‌تواند مانع عمليات شركت بشود.
	+ ‌ماده 12 ـ هر گاه دولت در مناطق عمليات شركت قراردادي را براي به كار انداختن معادن ديگر منعقد نمايد بايد مانع عمليات شركت نباشد و هر گاه‌خسارتي وارد شود جبران گردد.
* ‌فصل سوم ـ اركان شركت
	+ ‌ماده 13 ـ اركان شركت عبارتند از: ‌اول ـ مجمع عمومي صاحبان سهام. ‌دوم ـ شوراي عالي. ‌سوم ـ هيأت مديره. ‌چهارم ـ هيأت عالي بازرسي.
	+ ‌قسمت اول ـ مجمع عمومي صاحبان سهام
		- ‌ماده 14 ـ نمايندگي صاحبان سهام در مجمع عمومي با 3 نفر به شرح زير خواهد بود. ‌وزير دارايي و وزير صنايع و معادن و يك نفر از وزراي ديگر به انتخاب هيأت وزيران رياست مجمع عمومي صاحبان سهام با وزير دارايي خواهد بود.
		- ‌ماده 15 ـ جلسات مجمع عمومي صاحبان سهام در اداره مركزي شركت در تهران با حضور رييس هيأت مديره تشكيل مي‌شود مجمع عمومي‌صاحبان سهام سالي يك بار براي رسيدگي به ترازنامه در مرداد ماه منعقد مي‌گردد ولي تا موضوع مندرج در دستور مجمع پايان نيافته جلسات ادامه ‌خواهد داشت.
		- ‌ماده 16 ـ در جلسه مجمع عمومي بايد هر سه نفر نمايندگان صاحبان سهام حضور داشته باشند و كليه تصميمات بايد لااقل با موافقت دو نفر از آنها‌باشد. هر گاه يكي از وزيران نتواند حاضر شود هيأت وزيران جانشين او را از ميان ساير وزراء معين خواهد كرد.
		- ‌ماده 17 ـ مجمع عمومي فوق‌العاده ممكن است در هر موقع به تقاضاي وزير دارايي يا اكثريت اعضاء شوراي عالي يا رييس هيأت مديره يا لااقل دو‌نفر از اعضاء هيأت عالي بازرسي تشكيل شود. ‌تبصره 1 ـ دعوت مجمع عمومي اعم از عادي و فوق‌العاده از طرف رييس هيأت مديره با قايم‌مقام او به عمل خواهد آمد. ‌تبصره 2 ـ دستور جلسه فوق‌العاده را كساني كه تقاضاي آن را نموده‌اند تعيين مي‌كنند. ‌تبصره 3 ـ در مواردي كه تقاضاي انعقاد جلسات فوق‌العاده از طرف اشخاص مذكور در اين ماده به عمل آيد رييس هيأت مديره مكلف است منتهي‌تا ده روز پس از وصول تقاضا براي تشكيل جلسه دعوت به عمل آورده و دستور جلسه را نيز دعوت‌نامه ضميمه نمايد. ‌تبصره 4 ـ اعضاي شوراي عالي و هيأت مديره و هيأت عالي بازرسي در جلسات مجمع عمومي اعم از عادي و فوق‌العاده حضور خواهند يافت. ‌تبصره 5 ـ در صورتي كه رييس هيأت مديره نتواند در جلسات مجمع عمومي صاحبان سهام شركت نمايد قايم‌مقام رييس هيأت مديره در جلسه‌حضور خواهد يافت.
		- ‌ماده 18 ـ وظايف مجمع عمومي صاحبان سهام به قرار زير است: ‌الف ـ رسيدگي و اتخاذ تصميم نسبت به گزارش ساليانه هيأت مديره و تصويب ترازنامه و حساب سود و زيان شركت با توجه به گزارش هيأت‌عالي بازرسي ـ گزارش هيأت مديره و هيأت عالي بازرسي و ترازنامه ساليانه شركت لااقل يك هفته قبل از تشكيل جلسه مجمع عمومي صاحبان سهام‌بايد در اختيار كليه اعضاء آن گذارده شود. ب ـ انتخاب اعضاي هيأت عالي بازرسي. ج ـ اتخاذ تصميم نسبت به هر موضوعي كه هيأت مديره شركت طبق اين اساسنامه در دستور مجمع عمومي صاحبان سهام منظور شده باشد.
		- ‌ماده 19 ـ امور زير از وظايف خاصه مجمع عمومي فوق‌العاده است: ‌الف ـ اتخاذ تصميم نسبت به هر گونه پيشنهاد راجع به تغيير مواد اساسنامه شركت كه در كليه موارد محتاج به تصويب مجلسين خواهد بود. ب ـ اتخاذ تصميم نسبت به افزايش سرمايه زائد بر ميزان ده هزار ميليون ريال مقرر در ماده 3 و برداشت از اندوخته‌هاي شركت.
		- ‌ماده 20 ـ صورت جلسات مجمع عمومي صاحبان سهام بايد در دفتر مخصوصي كه براي اين منظور تهيه مي‌شود درج شود صورت جلسه پس از‌تصويب به امضاء رييس و منشي جلسه خواهد رسيد.
	+ ‌قسمت دوم ـ شوراي عالي
		- ‌ماده 21 ـ شوراي عالي از 7 نفر به شرح زير تشكيل مي‌شود: ‌الف ـ دو نفر از نمايندگان مجلس سنا و دو نفر از نمايندگان مجلس شوراي ملي. ب ـ وزير دارايي. ج ـ وزير صنايع و معادن. ‌د ـ دادستان كل ديوان عالي كشور. ‌اشخاصي كه از طرف مجلسين انتخاب مي‌شوند مدت مأموريت آنها براي يك سال خواهد بود و همه‌ساله مقارن تجديد انتخاب هيأت رئيسه مجلسين‌انتخاب مي‌شوند و هر يك از آنها تا انتخاب جانشين خود به عضويت شوراي عالي باقي خواهد بود. ‌رياست جلسات شوراي عالي با وزير دارايي مي‌باشد در غياب وزير دارايي رياست جلسه با نايب رييس خواهد بود كه شورا براي مدت يك سال تعيين‌خواهد كرد. ‌در جلساتي كه وزير دارايي غايب باشد معاون وزير دارايي با حق رأي به‌جاي او حضور خواهد يافت.
		- ‌ماده 22 ـ جلسات شوراي عالي به دعوت رييس هيأت مديره و حضور رييس هيأت مديره به طور عادي سالي دو بار در خرداد و آذر تشكيل‌مي‌شود و در هر موقع به دعوت رييس هيأت مديره و يا به‌درخواست سه نفر از اعضاي شورا و يا لااقل دو نفر از هيأت عالي بازرسي به‌طور فوق‌العاده ‌منعقد مي‌گردد. ‌تبصره 1 ـ دستور جلسه فوق‌العاده شورا را كساني كه تقاضاي تشكيل آن را نموده‌اند تعيين مي‌كنند و در جلسات شورا غير از آنچه در دستور معين‌شده تصميماتي اتخاذ نخواهد شد. ‌تبصره 2 ـ در مواردي كه تقاضاي انعقاد جلسات فوق‌العاده از طرف اشخاص مذكور در اين ماده به عمل آيد رييس هيأت مديره بايد منتهي تا ده روز‌پس از وصول تقاضا جلسه را تشكيل دهد. ‌تبصره 3 ـ اعضاء هيأت مديره و شركت و هيأت عالي بازرسي بدون حق رأي مي‌توانند در جلسات شورا حاضر شوند. ‌تبصره 4 ـ در صورتي كه رييس هيأت مديره نتواند در جلسه شورا شركت نمايد قايم‌مقام رييس هيأت مديره در جلسه شركت خواهد نمود.
		- ‌ماده 23 ـ جلسات شوراي عالي با حضور اقلاً 5 نفر از اعضاء رسميت خواهد يافت و تصميمات شورا با اكثريت آراء اعضاء معتبر خواهد بود.
		- ‌ماده 24 ـ شوراي عالي عهده‌دار وظايف زير خواهد بود: ‌الف ـ بررسي و تصويب فصول و ارقام كلي بودجه هزينه‌هاي جاري شركت (‌بودجه‌هاي تفصيلي هزينه‌هاي شركت را هيأت مديره خود در حدود ‌رقم كلي مزبور تعيين نموده و به موقع اجرا بگذارد) بررسي و تصويب هزينه‌هاي سرمايه‌اي و اعتبارات اضافي و اصلاح بودجه به پيشنهاد هيأت‌مديره. ب ـ اتخاذ تصميم نسبت به تشكيل يا انحلال شركتهاي فرعي. ج ـ تعيين خط‌مشي عمومي شركت و تصويب برنامه و شرايط كلي فروش و صدور نفت و محصولات نفتي به پيشنهاد هيأت مديره. ‌د ـ بررسي و تصويب كليه آيين‌نامه‌هاي شركت از قبيل آيين‌نامه‌هاي استخدامي و اداري و مالي و فني و غيره با توجه به تعهدات قانوني شركت و‌حفظ هماهنگي در دستگاههاي مختلف صنعت نفت. ه ـ بررسي و تصويب هر گونه تغييري در بهاي فروش بنزين موتور ـ نفت ـ نفت گاز ـ و نفت كوره براي تأمين احتياجات داخلي كشور به پيشنهاد‌هيأت مديره.
		- ‌ماده 25 ـ شورا مي‌تواند نسبت به جريان كارهاي شركت در هر قسمت از عمليات آن كه باشد از جمله در مورد بودجه‌هاي تفصيلي شركت‌توضيحاتي بخواهد و رييس هيأت مديره موظف است اطلاعات مورد احتياج را در اسرع وقت در اختيار شورا بگذارد. ‌هر گاه شورا اجراي هر گونه بازرسي را لازم بداند رييس هيأت مديره وسايل انجام آن را فراهم خواهد نمود. ‌تبصره ـ نمايندگان مجلسين عضو شوراي عالي نفت مكلفند در هر سال يك بار گزارش امور شركت ملي نفت را به هر يك از مجلسين بدهند.
	+ ‌قسمت سوم ـ هيأت مديره و مدير عامل
		- ‌ماده 26 ـ هيأت مديره از يك نفر رييس كه سمت مديريت عامل را نيز خواهد داشت و ده نفر عضو تشكيل مي‌شود رييس و اعضاء هيأت مديره بايد‌ايراني باشند و شرايط انتخاب آنها به شرح زير است: ‌الف ـ رييس هيأت مديره از بين اشخاص انتخاب خواهد شد كه لااقل بيست سال سابقه خدمات دولتي و اجتماعي داشته و در قسمتي از آن مدت‌متصدي كارهاي مهم مملكتي بوده و نيز داراي اطلاعات كلي در مورد مربوط به صنعت نفت باشد ادامه خدمت رييس هيأت مديره تا سن هفتاد مجاز‌خواهد بود. ب ـ شش نفر از اعضاء هيأت مديره از بين اشخاصي انتخاب خواهند شد كه ده سال سابقه خدمت در يكي از قسمتهاي فني ـ بازرگاني ـ حقوقي‌يا اداري صنعت نفت داشته و اقلاً در طي سه سال از آن مدت در يكي از ادارات مربوط به صنعت نفت ايران شغل مهمي را عهده‌دار بوده باشند. ‌شش نفر عضو مزبور موظفاً انجام وظيفه خواهند نمود و بايد تمام وقت آنها در اختيار شركت بوده و به هيچ نوع اشتغال موظف در خارج از شركت‌ نداشته باشند. ‌اشتغال غير موظف هر يك از آنها به شرط موافقت رييس هيأت مديره منحصراً در امور فرهنگي مجاز خواهد بود هر يك از اعضاء مزبور كه از مقررات‌اين ماده تخلف كند بركنار خواهد شد. ج ـ ساير اعضاء هيأت مديره از بين شخصيتهاي ذيصلاحيت انتخاب مي‌شوند اعضاء مشمول اين بند بايد تمام وقت در اختيار شركت بوده باشند.
		- ‌ماده 27 ـ براي انتخاب رييس هيأت مديره شوراي عالي سه نفر از اشخاصي را كه واجد شرايط مذكور در بند الف ماده 27 باشند به توسط وزير‌دارايي به هيأت وزيران پيشنهاد مي‌نمايد و يك نفر از آنها براي مدت چهار سال انتخاب و به فرمان همايوني به اين سمت منصوب مي‌شود. اعضاء‌هيأت مديره به پيشنهاد رييس هيأت و موافقت وزير دارايي و تصويب هيأت وزيران به موجب فرمان همايوني براي مدت چهار سال تعيين مي‌شوند و‌در انقضاء مدت تجديد انتخاب آنها مانعي نخواهد داشت. ‌مجمع عمومي مي‌تواند تغيير هر يك از اعضاء هيأت مديره را قبل از پايان دوره عضويت هيأت مديره به هيأت دولت پيشنهاد نمايد. ‌تبصره 1 ـ سه ماه قبل از انقضاء دوره خدمت هر يك از اعضاء هيأت مديره رييس هيأت بايد جانشين او را به وزارت دارايي پيشنهاد نمايد و تجديد‌انتخاب او مانعي نخواهد داشت تا زماني كه انتخاب جديد به عمل نيامده اعضاي هيأت مديره به خدمت خود ادامه مي‌دهد. ‌تبصره 2 ـ اعضاء هيأت مديره نفت حق ندارند بيش از يك حقوق از شركت دريافت دارند.
		- ‌ماده 28 ـ رييس هيأت مديره مي‌تواند يكي از اعضاء هيأت مديره را به انتخاب خود به سمت قايم‌مقام رييس تعيين نمايد كه در مواقع غيبت رييس‌هيأت مديره به جاي مشاراليه انجام وظيفه كند.
		- ‌ماده 29 ـ جلسات هيأت مديره تحت رياست يا قايم‌مقام او با حضور لااقل هشت نفر رسميت يافته و براي تصويب هر موضوعي حداقل شش رأي ‌موافق ضرورت دارد. ‌هر گاه نسبت به موضوعي كه در هيأت مديره مطرح گرديده رييس هيأت‌مديره يا قايم‌مقام او شور قبلي با صاحبان سهام را لازم بداند مي‌تواند اتخاذ ‌تصميم را موكول به جلب نظر صاحبان سهام بنمايد.
		- ‌ماده 30 ـ حقوق رييس و اعضاء هيأت مديره به پيشنهاد شوراي عالي و تصويب هيأت وزيران در هر سال تعيين مي‌شود.
		- ‌ماده 31 ـ اعضاي شوراي عالي و هيأت مديره و هيأت عالي بازرسي و همچنين كارمندان شركت حق هيچ گونه معامله مستقيم يا غير مستقيم با‌شركت ندارند. ‌تبصره ـ خريد فرآورده‌هاي نفتي و كالاهايي كه شركت با سازمانهاي تعاوني وابسته به آن براي كاركنان خود تهيه مي‌نمايد در حدود مصرف‌شخصي از مقررات اين ماده مستثني است.
		- ‌ماده 32 ـ هر يك از اعضاء هيأت مديره كه در سه جلسه متوالي يا پنج جلسه متناوب در سال بدون عذر موجه در جلسات هيأت مديره حاضر نشود ‌بر كنار خواهد شد.
		- ‌ماده 33 ـ در صورت فوت يا استعفاء يا تغيير هر يك از اعضاء هيأت‌مديره جانشين او طبق مواد 26 و 27 از طرف هيأت وزيران تعيين خواهد شد.
		- ‌ماده 34 ـ اگر در نتيجه بروز اختلافي اكثريت دو ثلث (8 نفر) اعضاء هيأت مديره استعفا كنند انتخاب كليه اعضاء هيأت تجديد مي‌شود و اعضاء‌هيأت سابق ممكن است مجدداً انتخاب شوند.
		- ‌ماده 35 ـ جلسات هيأت مديره اقلاً ماهي يك بار و جلسات فوق‌العاده بر حسب ضرورت تشكيل خواهد شد.
		- ‌ماده 36 ـ دعوت جلسات عادي و فوق‌العاده و اداره جلسات هيأت مديره و اجراء مصوبات و تصميمات از وظايف رييس هيأت مديره و مدير‌عامل مي‌باشد.
		- ‌ماده 37 ـ صورت مذاكرات هيأت مديره در دفتر مخصوصي ضبط شده و به امضاي رييس خواهد رسيد هر قسمت از مذاكرات كه هيأت‌مديره آن را‌ محرمانه تلقي كند محرمانه بودن آن بايد در صورت جلسه قيد شود.
		- ‌ماده 38 ـ هيأت مديره در حدود مقررات اين اساسنامه داراي همه‌گونه اختيار براي اجراء وظايف مصرح در ماده 4 اين اساسنامه مي‌باشد وظايف‌خاصه هيأت مديره به قرار زير است: ‌الف ـ تصويب برنامه عمليات شركت به طور كلي مخصوصاً برنامه مربوط به امور زير: 1 ـ عمليات اكتشاف اعم از زمين‌شناسي و ژئوفيزيك حفاري‌هاي اكتشافي و توليدي. 2 ـ نصب و به كار انداختن و نگاهداري دستگاههاي توليد و خطوط لوله و انبارهاي نفت خام و محصولات نفتي و وسايل باربري و بارگيري و ‌باراندازي و تأسيسات مربوط به تهيه محصولات مختلف از نفت خام و گاز طبيعي به انضمام فرآورده‌هاي شيميايي و صنعتي و تأسيسات مربوط به‌پخش و فروش محصولات مزبور. 3 ـ اجازه انعقاد قراردادها براي انجام عمليات مزبور. 4 ـ تعيين سياست كلي فروش و پخش و صدور نفت خام و مواد نفتي و تهيه پيشنهاد قيمت فروش بنزين موتور نفت و نفت گاز و نفت كوره براي‌مصرف داخلي به منظور بررسي و تصويب شوراي عالي هيأت وزيران. 5 ـ تعيين ساير قيمتها. 6 ـ اعطاء تخفيف متعارف بازرگاني. 7 ـ اجازه تحصيل هر نوع مال و حقوق و منافع و خريد ماشين آلات و ملزومات و هر نوع كالا براي رفع احتياج شركت. 8 ـ اخذ و پرداخت وجوه و باز كردن حساب در بانكهاي داخلي و خارجي اجازه تحصيل و دادن اعتبار طبق مقررات شركت. 9 ـ دادن اختيار براي سازش و تعيين داور در مورد مسائل مطروحه در دادگاهها و به طور كلي هر اقدامي كه براي حفظ حقوق شركت لازم باشد. ب ـ تعيين خط مشي عمومي شركت و برنامه و شرايط كلي فروش و صدور نفت و محصولات نفتي و پيشنهاد آن به شوراي عالي. ج ـ تصويب بودجه تفصيلي شركت بر طبق بند الف ماده 24. ‌د ـ تنظيم كليه آيين‌نامه‌هاي استخدامي و اداري و مالي و فني و غيره شركت و تقديم آن به شوراي عالي براي تصويب. ه ـ تنظيم طرحها و برنامه‌هاي كارآموزي و تعليم صنعتي و حرفه‌اي. ‌و ـ اخذ تصميم نسبت به تشكيل يا انحلال شركتهاي فرعي و تابعه با تصويب شوراي عالي. ‌ز ـ اعمال كليه حقوق شركت در شركتها و شعب و عامليت‌ها و ساير مؤسسات مربوطه. ح ـ تهيه گزارش هيأت مديره و ترازنامه سالانه و حساب سود و زيان براي تقديم به مجمع عمومي و تعيين دستور جلسه مجمع عمومي ‌تبصره ـ هيأت مديره شركت ملي نفت ايران مكلف است با تشريك مساعي و نظر وزارت فرهنگ نسبت به ايجاد توسعه دستگاههاي تعليماتي‌اعم از حرفه‌اي مربوط به صنايع نفت و بالا بردن سطح تعليمات عمومي مناطق نفت‌خيز به منظور آموزش و پرورش كارشناسان و سركارگران ايراني‌اقدام نمايد به خصوص نسبت به توسعه انستيتوي تهران و كالج آبادان با نظر وزارت فرهنگ اقدامات لازم معمول دارد.
		- ‌ماده 39 ـ
			* ‌بند 1 ـ رييس هيأت مديره بر كليه سازمانهاي تابعه شركت رياست داشته و مسئول حسن جريان كليه امور و حفظ حقوق و منافع و اموال شركت‌خواهد بود و براي اداره امور شركت و اجراء مصوبات هيأت مديره داراي همه گونه حقوق و اختيارات بوده و نمايندگي شركت را در مقابل كليه مقامات‌و مؤسسات و اشخاص و دادگاهها و ساير مراجع قضايي با حق توكيل غير خواهد داشت.
			* ‌بند 2 ـ رييس هيأت مديره مي‌تواند هر قسمت از اختيارات خود را به‌هر يك از اعضاء هيأت مديره و رؤساي ادارات شركت به تشخيص خود با‌توجه به تخصص و صلاحيت آنان تفويض كند كه امور قسمتهاي مختلف شركت را كه به اين طريق به آنها محول مي‌گردد تحت نظر و مسئوليت ‌مستقيم رييس هيأت مديره اداره كنند.
			* ‌بند 3 ـ دادن حق امضاء به كارمندان شركت موكول به پيشنهاد يكي از مديران و تصويب رييس هيأت مديره خواهد بود.
			* ‌بند 4 ـ اعمال نظارت‌هاي مالي و محاسباتي و بازرسي عمليات و معاملات و مخارج شركت به منظور حسن جريان امور و حفظ اموال و وجوه‌شركت بر طبق اصول صحيح و متداول حسابداري صنعت نفت و اجراي نظارت لازم در امور حسابداري شركتهاي فرعي و شعب نمايندگي و‌مؤسسات مربوطه ديگر با رييس هيأت مديره و مدير عامل مي‌باشد.
	+ ‌قسمت چهارم ـ هيأت عالي بازرسي
		- ‌ماده 40 ـ هيأت‌هاي بازرسي مركب از پنج نفر خواهد بود كه سه نفر از آنها داراي تجربيات و معلومات كافي در امور حسابداري صنعتي و بازرگاني‌بوده و يك نفر از آنها مهندس در امور مربوطه نفت و يك نفر از كارمندان عالي رتبه دولت خواهد بود.
		- ‌ماده 41 ـ بازرسان عالي از طرف مجمع عمومي براي مدت دو سال انتخاب مي‌شوند و يك نفر از آنها را مجمع عمومي به سمت رييس عالي‌بازرسي تعيين خواهد نمود. هر يك از اعضاي هيأت عالي بازرسي كه مدت دو ساله او پايان يافته باشد ممكن است مجدداً انتخاب شود و تا زماني كه‌تمديد انتخاب به عمل نيامده بازرسان به خدمت خود ادامه خواهند داد.
		- ‌ماده 42 ـ هر گاه در ظرف مدت خدمت محل بازرسي به واسطه فوت يا استعفا يا بركناري از خدمت خالي شود مجمع عمومي به طور فوق‌العاده‌تشكيل يافته و شخصي را كه واجد شرايط باشد براي تصدي آن محل انتخاب خواهد كرد.
		- ‌ماده 43 ـ هيأت عالي بازرسي مي‌تواند براي انجام وظيفه خود از هر نوع كارشناس اعم از داخلي و خارجي به طور موقت استفاده نمايد براي انجام‌اين منظور رييس هيأت عالي بازرسي به مجمع عمومي مراجعه نموده و هيأت مديره مكلف است نظر هيأت مزبور را تأمين نمايد.
		- ‌ماده 44 ـ وظايف هيأت عالي بازرسي از قرار ذيل است: ‌الف ـ تطبيق عمليات شركت با اعتبارات مصوبه و قوانين مربوطه. ب ـ رسيدگي به ترازنامه و حساب عمل كرد و سود و زيان شركت و تصديق مطابقت آن با دفاتر شركت و تهيه گزارش چگونگي عمليات شركت‌براي تقديم به مجمع عمومي گزارش مزبور بايد لااقل يك ماه قبل از انعقاد مجمع عمومي ساليانه به رييس هيأت مديره تسليم شود كه به‌ضميمه ‌نظريات هيأت مديره با ترازنامه به مجمع عمومي تقديم نمايد. ج ـ اعضاي هيأت عالي بازرسي در اجراي وظيفه حق مراجعه به كليه دفاتر و پرونده‌ها و قراردادهاي شركت را خواهند داشت و رونوشت كليه ‌مصوبات مالي هيأت مديره و مدارك و اطلاعات مربوطه در اختيار آنها گذارده خواهد شد چنانچه اشتباهات يا تخلفات و يا بي‌ترتيبي‌هايي مشاهده ‌نمايد و با مراجعه به مديران و رؤساء مربوطه موضوع حل نشود مطلب را به رييس هيأت مديره گزارش خواهند داد و چنانچه نسبت به اين گزارش اقدام‌به عمل نيايد مراتب را به مجمع عمومي گزارش خواهند داد. ‌د ـ مطالعه گزارش ساليانه هيأت مديره و اظهار نظر نسبت به مندرجات آن. ه ـ شركت در جلسات مجمع عمومي و شوراي عالي بدون حق رأي.
		- ‌ماده 45 ـ اجراي وظايف هيأت عالي بازرسي كه بر طبق مقررات اين اساسنامه تعيين شده نبايد به هيچ وجه مانع جريان عادي كار شركت گردد.
		- ‌ماده 46 ـ حقوق اعضاء هيأت عالي بازرسي از طرف مجمع عمومي تعيين و به دستور وزير دارايي از طرف شركت پرداخت خواهد شد.
		- ‌ماده 47 ـ رييس و اعضاء هيأت عالي بازرسي حق اشتغال موظف ديگري در داخل يا خارج از شركت و شركتهاي وابسته آن را ندارند اشتغال غير‌موظف (‌افتخاري بدون دريافت حقوق) در هر مورد منوط به موافقت وزير دارايي خواهد بود.
* ‌فصل چهارم ـ ترازنامه و حسابهاي سود و زيان
	+ ‌ماده 48 ـ سالي مالي شركت از يازدهم دي ماه هر سال شروع شده و در تاريخ دهم دي ماه سال بعد خاتمه مي‌يابد.
	+ ‌ماده 49 ـ تعداد و نوع دفاتر رسمي كه بايد پلمب شوند بر طبق تصميم هيأت مديره خواهد بود.
	+ ‌ماده 50 ـ كليه دفاتر شركت به تاريخ روز آخر سال مالي بسته شده و ترازنامه و حساب سود و زيان شركت و گزارش هيأت مديره اقلاً دو ماه پيش از‌تاريخ انعقاد مجمع عمومي تهيه و در اختيار هيأت عالي بازرسي گذاشته خواهد شد تا پس از مطالعه آن گزارش خود را براي تقديم به‌مجمع عمومي‌تهيه نمايند.
	+ ‌ماده 51 ـ در ترازنامه اقلام دارايي شركت به بهاي خريد يا تمام شده بعد از منظور كردن استهلاك محسوب مي‌شود مطالبات مشكوك به‌ارزش‌احتمالي روز تنظيم ترازنامه محسوب مي‌شود و اقلام سوخت شده نبايد جزو دارايي محسوب گردد. ‌تبصره 1 ـ چنانچه هيأت مديره تجديد ارزيابي تمام يا قسمتي از دارايي‌هاي غير منقول شركت را لازم تشخيص دهد مي‌تواند با تصويب مجمع‌عمومي اقدام به تجديد ارزيابي بنمايد در اين صورت چنانچه مازادي حاصل شود به حساب سود شركت منظور نگرديده و جزء دارايي شركت‌محسوب خواهد شد. ‌تبصره 2 ـ استهلاك نسبت به انواع دارائي‌هاي شركت طبق اصول صحيح و متداول صنعت نفت تعيين خواهد شد ولي در هيچ مورد ميزان سالانه‌آن از پنج درصد بهاي تمام شده كمتر نخواهد بود.
	+ ‌ماده 52 ـ شركت مكلف است سالانه دو درصد از درآمد كل خود را به حساب ذخيره عمومي شركت انتقال دهد استفاده از ذخيره عمومي شركت‌موكول به پيشنهاد هيأت مديره و تصويب شوراي عالي خواهد بود.
	+ ‌ماده 53 ـ هيأت مديره مكلف است اندوخته‌هاي مخصوصي به ميزان متناسب براي تأمين احتياجات شركت طبق معمول صنعت نفت از محل‌درآمد كل در نظر گرفته و به تصويب شورا برساند.
	+ ‌ماده 54 ـ درآمد شركت از محل دوازده و نيم درصد مقرر در قرارداد فروش نفت مصوب 7 آبان 1337 و وجوهي كه به عنوان پذيره و حق‌الارض به‌موجب قانون نفت مصوب نهم مرداد 1336 عايد شركت خواهد شد مشمول ماليات نخواهد بود.
	+ ‌ماده 55 ـ تأمين سرمايه به منظور توسعه عمليات شركت و همچنين هر گونه سرمايه‌گذاري به موجب قانون نفت مصوب نهم مرداد 1336 و نيز‌تأمين بودجه سرمايه‌اي از عمليات غير صنعتي مصرح در قانون قرارداد فروش نفت مصوب 7 آبان 1333 بايد از محل درآمد كل به عمل آيد.
	+ ‌ماده 56 ـ آنچه از محل درآمد كل پس از وضع مبالغي كه به موجب مقررات اين اساسنامه برداشت مي‌شود باقي بماند به خزانه‌داري كل پرداخت‌خواهد شد.
	+ ‌ماده 57 ـ درآمد كل عبارت است از سود ويژه به اضافه درآمد حاصل از 12.5 درصد مندرج در قرارداد فروش نفت مصوب هفتم آبان ماه 1333 و‌وجوهي كه به عنوان پذيره و حق‌الارض به موجب قانون نفت مصوب نهم مرداد 1336 عايد شركت شود. ‌تبصره ـ سود ويژه عبارت است از درآمد حاصل از عمليات شركت پس از وضع هزينه‌هاي جاري و استهلاك.
* ‌فصل پنجم ـ ساير مقررات
	+ ‌ماده 58 ـ شركت در سرتاسر كشور و فلات قاره و جزاير ايران مسئول حفظ مخازن زيرزميني نفت و گاز طبيعي و هيدروكاربورهاي ديگر و‌جلوگيري از اتلاف مواد مزبور مي‌باشد در مواردي كه مسئوليت اين گونه امور به موجب قانون به عهده مؤسسات ديگري واگذار شده باشد شركت‌نظارت كامل در اجراي وظايف مزبور به عمل خواهد آورد. ‌در مواردي كه در محل عمليات شركت غير از نفت و گاز مواد معدني يا غير معدني قابل استفاده ديگري وجود داشته باشد شركت عمليات خود را به‌طرزي اداره خواهد نمود كه حتي‌الامكان از اتلاف مواد مزبور جلوگيري شود.
	+ ‌ماده 59 ـ اعضاء هيأت مديره و بازرسان و كاركنان شركت حق نخواهند داشت اطلاعاتي را كه براي شركت جنبه محرمانه داشته باشد افشا نمايند‌در صورت تخلف اگر متخلف مدير يا بازرس باشد به پيشنهاد رييس هيأت مديره و تصويب مجمع عمومي و اگر كارمند يا كارگر باشد به‌تشخيص رييس‌اداره مربوطه از خدمت بركنار خواهد شد متخلف بر طبق مقررات جزايي مربوطه تعقيب خواهد گرديد و در صورت توجه خسارت به‌شركت مسئول‌جبران زيان وارده خواهد بود.
	+ ‌ماده 60 ـ در مواردي كه كاركنان شركت مرتكب تخلفاتي در انجام امور شركت شوند تعقيب و مجازات اداري آنها بر طبق آيين‌نامه‌هاي استخدامي و‌انضباطي شركت صورت خواهد گرفت چنانچه ضمن تحقيق معلوم شود كه از نظر قوانين خاصي تخلف جنبه جزايي دارد شركت موضوع را به مراجع‌صلاحيتدار قانوني احاله خواهد نمود.
	+ ‌ماده 61 ـ در مواردي كه اختلاف نظر بين شركت و هر يك از مقامات دولتي پيش آيد موضوع از طرف شركت به وزارت دارايي گزارش خواهد‌شد ‌و وزارت دارايي موضوع اختلاف را به كميسيوني مركب از نمايندگان خود و طرفين ارجاع خواهد نمود و كميسيون مزبور از راه سازش به حل اختلاف ‌اقدام خواهد نمود. ‌چنانچه موضوع اختلاف به طريق مزبور فيصله نيافت هر يك از طرفين مي‌تواند به ديوان عالي كشور براي رفع اختلاف مراجعه كند.
	+ ‌ماده 62 ـ هيچ يك از كاركنان شركت در محوطه كار خود حق فعاليت سياسي ندارد داير كردن و نشر روزنامه و مجله يا عضويت در هيأت تحريريه‌روزنامه‌ها و مجلات سياسي براي كاركنان شركت ممنوع است ولي انتشار مقالات علمي و فني و ادبي بدون مانع خواهد بود، منتشر كردن هر نوع‌اطلاع راجع به عمليات شركت فقط با اجازه كتبي شركت ممكن است. تخلف از مقررات اين ماده موجب تعقيب اداري و انتظامي طبق آيين‌نامه شركت‌خواهد بود.
	+ ‌ماده 63 ـ شركت مكلف است در تهيه مسكن و وسايل سلامت و آسايش كارمندان و كارگران شركت و حفاظت آنها در مقابل حوادث اهتمام نمايد‌و مخصوصاً در مورد تأسيسات فرهنگي و بهداشتي و فراهم نمودن كمكهاي اجتماعي با توجه به مقررات قوانين كار و سازمان بيمه‌هاي اجتماعي‌كارگران در تمام حوزه‌هاي عمليات خود با تنظيم و اجراي برنامه‌هاي ساليانه اقدام به عمل آورد. ‌تبصره ـ شركت ملي نفت ايران مجاز است از اراضي خالصه دولتي آنچه را كه براي تأمين مسكن كاركنان ايراني صنعت نفت لازم دارد با موافقت‌دولت بدون مزايده خريداري و به همان قيمت تمام شده براي ايجاد مسكن به آنان بفروشد.
* [امضاء] ‌قانون فوق مشتمل بر شصت و سه ماده و سي و سه تبصره است در جلسه سه‌شنبه نوزدهم بهمن ماه يك هزار و سيصد و سي و هشت به‌تصويب‌ مجلس شوراي ملي رسيد. ‌رييس مجلس شوراي ملي ـ رضا حكمت ‌قانون بالا در جلسه 1339.2.26 به تصويب مجلس سنا رسيده است

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=50424>

1337

# ‌قانون مربوط به اساسنامه شركت ملي نفت ايران

‌قانون مربوط به اساسنامه شركت ملي نفت ايران

* ‌‌فصل اول ـ كليات و سرمايه
	+ ‌ماده 1 ـ شركت ملي نفت ايران كه به موجب قانون مورخ نه ارديبهشت 1330 تأسيس گرديده شركت سهامي بازرگاني است كه عمليات خود را بر‌طبق مقررات اين اساسنامه و قانون تجارت اجراء خواهد نمود.
	+ ‌ماده 2 ـ مركز اصلي شركت تهران است شركت مي‌تواند شعب يا نمايندگي‌هايي براي اجراي عمليات خود در داخله و خارجه تأسيس نمايد.
	+ ‌ماده 3 ـ سرمايه شركت ده هزار ميليون ريال است كه به ده هزار سهم يك ميليون ريالي بنا نام تقسيم و پنجاه درصد آن به صورت منقول و غير‌منقول پرداخت شده است. ‌نسبت به پنجاه درصد بقيه صاحبان سهام متعهد مي‌باشند كه به تقاضاي هيأت مديره شركت و تصويب شوراي عالي نفت آن را پرداخت نمايند ـ سهام‌شركت كلاً متعلق به دولت ايران و غير قابل انتقال است. ‌كليه تأسيسات صنعت نفت در حوزه قرارداد فروش نفت مصوب 7 آبان 1333 كه حق استفاده قسمتي از آن به شركت‌هاي عامل نفت ايران واگذار‌گرديده علاوه بر سرمايه مذكور متعلق به شركت و جزو دارايي و اندوخته آن مي‌باشد.
* ‌فصل دوم ـ موضوع و حقوق و اختيارات شركت
	+ ‌ماده 4 ـ موضوع شركت و حدود عمليات آن در سرتاسر فلات قاره به شرح زير است: ‌الف ـ تفحص و نقشه‌برداري و اكتشاف نفت و گاز طبيعي و هيدروكاربورهاي ديگر (‌اعم از مايع و جامد) استخراج و تصفيه و ساختن و عمل‌آوردن فرآورده‌هاي نفتي ـ هر گونه عمليات به منظور قابل عرضه كردن مواد مزبور در بازار و پخش و فروش و صدور آن.
		- ‌تبصره ـ اشتغال به امور مذكور در اين بند در حدود مقررات قانون نفت مصوب نهم مرداد ماه 1336 منحصراً به عهده شركت ملي نفت ايران‌خواهد بود بجز مواردي كه به موجب قوانين جداگانه اشتغال مؤسسات ديگر به اين امور تجويز شده و يا در آينده به موجب مقررات قانون نفت مصوب‌نهم مرداد 1336 تجويز شود. ب ـ ساختن مشتقات و فرآورده‌هاي فرعي از جمله مواد شيميايي حاصله از نفت گاز طبيعي و هيدروكاربورهاي ديگر حمل و نقل و انبارداري كليه‌مواد نفتي و مشتقات حاصله از آن ـ پخش و صدور مشتقات مزبور. ج ـ مراقبت و اهتمام و اقدام مقتضي براي توسعه و پيشرفت صنعت نفت ايران و صنايع وابسته به آن از لحاظ علمي و فني و بازرگاني و غيره.
	+ ‌ماده 5 ـ براي انجام عمليات مذكور در ماده 4 شركت داراي حقوق و اختيارات زير مي‌باشد. ‌الف ـ ايجاد شركتهاي فرعي و شعب نمايندگيها در ايران و خارج از ايران يا انحلال آنها و انعقاد قراردادهاي همكاري با شركتها و مؤسسات داخلي‌يا خارجي در حدود مقررات قانون نفت مصوب نهم مرداد 1336 براي اجراي هر قسمت از عمليات مربوط به صنعت نفت از قبيل اكتشاف و استخراج‌و بهره‌برداري و تصفيه مواد نفتي و آماده نمودن گاز براي مصرف و ساختن مشتقات و فرآورده‌هاي فرعي از نفت و گاز و تهيه وسايل حمل و نقل اعم از‌زميني و دريايي و هوايي و فروش محصولات توليدي شركت در داخل و خارج كشور. ب ـ خريد و تحصيل هر گونه مال اعم از منقول و غير منقول براي رفع احتياجات و تأمين مقاصد شركت. ج ـ تصدي هر نوع عمل بازرگاني مربوط به تهيه و فروش و صدور مواد نفتي و مشتقات آن ـ انبارداري ـ حق‌العمل كاري. ‌د ـ اجراي همه گونه كارهاي فني كه براي انجام مقاصد شركت لازم باشد به خصوص هر نوع تبديل نفت خام يا گاز طبيعي يا عمل ديگري كه مواد‌نفتي و مشتقات آنان را قابل عرضه در بازار ايران و خارجه بنمايد. ه ـ خريد و اجازه تأسيس و تكميل و توسعه و تعمير و نظارت و اداره كليه انواع كارخانجات و دستگاهها و تأسيسات و وسايلي كه براي اكتشاف و‌استخراج و تصفيه و بهره‌برداري و حمل و فروش نفت و گاز و مشتقات آن لازم باشد.
		- ‌تبصره ـ ايجاد و به كار انداختن راه‌آهن ـ بندر و سرويسهاي تلگراف و تلفن باسيم و بي‌سيم و هواپيمايي در مواردي كه عمليات شركت ايجاب‌نمايد مشروط به اجازه قبلي دولت خواهد بود. ‌و ـ عمليات عمراني و كشاورزي و استفاده به هر نحو ديگر از زمينهايي كه در اختيار شركت است و هر گونه معامله نسبت به محصولات زمينهاي‌مزبور منحصراً به منظور تأمين احتياجات شركت و كاركنان آن.
		- ‌تبصره ـ عمليات مذكور بايد حتي‌الامكان توسط افراد يا مؤسسات خصوصي انجام شود. ‌ز ـ انعقاد قراردادهاي استخدامي و پيمانكاري يا مشاوره با اشخاص و مؤسسات داخلي يا خارجي به منظور اجراي مقاصد شركت در حدود‌مقررات شركت. ح ـ تحصيل پروانه‌هاي اختراع و هر گونه اطلاعات درباره اختراعات و طرحها و طريقه‌هاي مربوط به صنعت نفت و صنايع وابسته به آن. ط ـ انعقاد قرارداد خريداران به منظور صدور نفت خام و گاز و محصولات نفتي و مشتقات آن.
	+ ‌ماده 6 ـ استخدام كارشناسان و كارمندان و كارگران اعم از دائم و موقت بر طبق آيين‌نامه‌هاي داخلي شركت خواهد بود. ‌استخدام اتباع خارجه منحصراً در مواردي مجاز خواهد بود كه به تشخيص هيأت مديره ايرانياني كه واجد شرايط و تجربيات لازم باشند يافت نشوند و‌يا استفاده از خدمات آنان عملاً ميسر نباشد به منظور تشكيل كادر مجهز لازم براي صنعت نفت و بي‌نياز شدن صنعت نفت مزبور از استخدام كاركنان‌خارجي شركت هر گونه برنامه‌هاي تعليم و تربيت و كارآموزي را كه شايسته بداند مخصوصاً اعزام تعداد كافي دانشجو در هر سال به خارج تنظيم و اجرا‌خواهد نمود.
	+ ‌ماده 7 ـ شركت از تسهيلات زير استفاده خواهد نمود:
		- ‌الف ـ بدون تحصيل هيچ گونه پروانه ولي با انجام تشريفات گمركي آنچه را كه منحصراً براي عمليات خود در ايران ضروري بداند از قبيل ماشين‌آلات كارخانه‌ها و اجراي آن ـ افزار و ادوات قطعات يدكي ـ مواد شيميايي و معدني ـ مصالح ساختماني و اثاثيه كه در ايران نظاير آن ساخته نمي‌شودـ وسايل حمل و نقل ـ وسايل آزمايشگاه ـ دارو و كليه لوازم طبي بيمارستانها و درمانگاهها بدون پرداخت حقوق و عوارض گمركي و هر نوع ماليات و‌عوارض ديگر از خارجه وارد كند.
			* ‌تبصره 1 ـ در مواردي كه دولت از لحاظ سياست و مصالح عمومي كشور اخذ پروانه‌هاي مخصوصي را مانند پروانه ورود مواد محترقه و ادويه‌مخدره ضروري بداند شركت تشريفات اخذ پروانه را انجام خواهد داد وليكن انجام تشريفات مزبور موجب هيچ گونه محدوديتي نسبت به آزادي‌شركت در وارد كردن مواد مورد بحث نخواهد گرديد. ‌مواردي كه رعايت اين گونه تشريفات را ايجاب بنمايد از طرف وزارت دارايي به شركت ابلاغ خواهد شد.
			* ‌تبصره 2 ـ شركت ملي نفت ايران موظف است در موقع ترخيص كالاهايي كه بر طبق بند‌الف اين ماده معافيت دارد ميزان حقوق گمركي را كه بر آن‌كالاها در صورت نداشتن معافيت گمركي تعلق مي‌گيرد از اداره گمرك دريافت دارد و در آخر هر سال براي اين كه معلوم شود چه مبلغ شركت ملي نفت‌ايران از معافيت گمركي استفاده نموده صورتهاي مزبور را به وزارت دارايي تسليم دارد.
		- ب ـ صادرات مواد نفتي از پرداخت حقوق گمركي و هر نوع ماليات و عوارض به دولت و ادارات محلي و شهرداريها معاف خواهد بود ولي‌شركت اظهارنامه‌هايي را كه براي آمار گمركي لازم است تهيه و به گمرك محل تسليم خواهد كرد.
			* ‌تبصره 1 ـ شركت مكلف است بري تهيه وسائل صنعتي يا مواد مصرفي با توجه به مرغوبيت و ارزش جنس و رعايت مصالح اقتصادي كشور‌نسبت به كالاهاي مشابه داخلي حق تقدم قائل شده و محصولات و مصنوعات داخلي را به مصرف برساند.
			* ‌تبصره 2ـ در مورد مواد و اشيايي كه شركت وارد نموده و بعداً به آنها احتياج نداشته باشد شركت در فروش آن در داخل و يا در صدور آن به خارج‌آزاد است ولي چنانچه اشياء مزبور با معافيت از حقوق و عوارض گمركي وارد شده باشد فروش آن در داخل كشور به اطلاع وزارت گمركات و‌انحصارات مشروط به پرداخت حقوق گمركي مي‌باشد.
			* ‌تبصره 3 ـ كليه معافيتهاي مذكور در اين ماده ناظر به عمليات شركت جهت اجراي اين اساسنامه مي‌باشد و آنچه اشياء و لوازم جهت مصرف‌كاركنان شركت از طرف شركت وارد مي‌شود از پرداخت حقوق و عوارض گمركي و ساير عوارض معاف نخواهند بود.
	+ ‌ماده 8 ـ ماليات بر درآمد شركت طبق مقررات ماده 35 قانون ماليات بر درآمد سال 1328 كه طبق ماده 36 قانون ماليات بر درآمد 1335 تأييد گرديده‌از سود ويژه شركت وصول خواهد شد. ‌هيچ گونه ماليات و يا عوارض و حقوق ديگر زايد بر ميزان مقرر از شركت قابل وصول نخواهد بود.
		- ‌تبصره 1 ـ حقوق و عوارضي كه بر طبق قوانين از طرف مقامات دولتي يا محلي در ازاي خدمات درخواست شده و يا خدماتي كه معمولاً براي‌عامه انجام مي‌شود مطالبه مي‌گردد از شركت نيز قابل وصول است.
		- ‌تبصره 2 ـ وجوه صندوق بازنشستگي و پس‌انداز كاركنان ايراني صنعت نفت و كليه عوايد و بهره حاصله از آن وجوه از هر گونه ماليات معاف‌است.
	+ ‌ماده 9 ـ شركت مي‌تواند هزينه و تعهدات ارزي خود را از قبيل بهاي كالاهاي خريداري از خارجه و حقوق كارمندان خارجي و هزينه محصلين و‌كارآموزان اعزامي به خارج كشور و مخارج كارمنداني كه بر طبق مقررات شركت به خارج از كشور براي امور مهمه شركت كه ضرورت ايجاب نمايد‌مسافرت مي‌نمايند از محل درآمد ارزي خود بپردازد. ‌شركت در اول هر سال موافقت مقامات قانوني نظارت ارز را براي استفاده از اعتبارات ارزي ساليانه خود يك جا تحصيل و صورت هزينه‌هاي ارزي را‌هر سه ماه يك مرتبه به مقامات مذكور و خزانه‌داري كل تسليم خواهد نمود.
	+ ‌ماده 10 ـ هر گاه زميني براي انجام عمليات مقرر در اين اساسنامه مورد احتياج شركت واقع شود به ترتيب زير عمل خواهد شد:
		- ‌الف ـ در مورد اراضي موات حيازت و تملك آن از طرف شركت مجاز و تابع احكام كلي است.
		- ب ـ در صورتي كه زمين مورد احتياج باير و متعلق به دولت باشد برحسب پيشنهاد شركت و تصويب هيأت وزيران مجاناً به شركت واگذار‌مي‌شود و در صورتي كه احتياج شركت به زميني كه بدين طرز تحصيل نموده باشد رفع شود شركت حق انتقال آن را به غير نخواهد داشت بلكه بايد آن‌را بلاعوض به دولت مسترد دارد.
		- ج ـ در مورد زمين‌هاي داير متعلق به دولت بهاي عادله آن بايد از طرف شركت به دولت پرداخت شود در صورت اختلاف نسبت به بهاي عادله نظر‌هيأت وزيران قطعي و‌الزام‌آور خواهد بود. چنانچه احتياج شركت از زميني كه از دولت خريداري نموده رفع شود شركت بايد زمين مزبور را در مقابل‌بهاي خريد به دولت واگذار نمايد چنانچه ظرف شش ماه از تاريخ پيشنهاد فروش دولت زمين را ابتياع ننمايد شركت در فروش آن به غير آزاد خواهد بود.
		- ‌د ـ در مورد زمينهايي كه از لحاظ عمليات مقرر در اين اساسنامه مورد احتياج شركت بوده و متعلق به اشخاص باشد شركت آن زمينها را مستقيماً از‌مالكين خريداري خواهد نمود و مالكين بايد آن زمين‌ها را در ازاي دريافت بهاي عادله به شركت واگذار نمايند. ‌چنانچه مالك از فروش ملك خودداري نمايد و يا طرفين در تعيين بهاي عادله توافق نكنند دادگاه شهرستان محل به درخواست شركت در ظرف دو هفته‌از تاريخ درخواست مزبور سه نفر كارشناس مرضي‌الطرفين و يا در صورت عدم تراضي طرفين به قيد قرعه تعيين خواهد نمود كارشناسان مزبور حداكثر‌تا دو هفته پس از تاريخ انتخاب بهاي عادله زمين مورد تقاضا را با اكثريت آراء بر اساس بهاي اراضي مشابه و مجاور بدون در نظر گرفتن منابع نفتي و‌نوع استفاده‌اي كه منظور شركت مي‌باشد به بهاي روز درخواست شركت تعيين و به دادگاه اعلام خواهند نمود. ‌پس از توديع بهاي معينه از طرف شركت در صندوق دادگستري دادگاه مكلف است حكم به تصرف و تملك شركت نسبت به اراضي مورد بحث صادر‌نمايد حكم مزبور نسبت به تصرف و تملك شركت قطعي و غير قابل پژوهش و فرجام خواهد بود لكن چنانچه يكي از طرفين نسبت به بهاي تعيين شده‌از طرف كارشناسان معترض باشد مي‌تواند نسبت به بهاي تعيين شده در ظرف مهلت قانوني درخواست رسيدگي پژوهشي بنمايد درخواستي كه شركت‌به موجب مقررات اين ماده به دادگاه مي‌دهد از لحاظ‌الصاق تمبر طبق ماده 684 قانون آيين دادرسي مدني غيرمالي تلقي خواهد شد.
			* ‌تبصره 1 ـ چنانچه در زمينهاي موضوع اين بند اعياني وجود داشته باشد تقويم اعيان جداگانه از بهاي عرصه بر اساس پنج درصد علاوه بر قيمت‌عادله به عمل خواهد آمد هر گاه اعياني محل سكونت مالك و يا ممر اعاشه منحصر به فرد او باشد پانزده درصد قيمت عادله نيز از اين بابت به او‌پرداخت خواهد گرديد.
			* ‌تبصره 2 ـ در مورد املاك مزروعي در صورتي كه مساحت اراضي مورد احتياج شركت به قدري باشد كه زارعين مجبور به كوچ كردن بشوند شركت‌علاوه بر قيمت ملك كه به مالك پرداخت مي‌نمايد 25 درصد آن را نيز به وسيله شوراي محلي يا در صورتي كه شوراي مزبور وجود نداشته باشد با‌حضور فرماندار يا بخشدار محل بين زارعين محل كه از آنجا كوچ مي‌نمايند تقسيم خواهد كرد.
			* ‌تبصره 3 ـ در صورتي كه مالك يا مالكين ظرف 10 روز پس از قطعيت حكم دادگاه (‌در مورد عدم اعتراض به بهاي معينه در حكم به دوي) يا از‌تاريخ ابلاغ حكم پژوهشي (‌در صورتي كه بهاي معينه در حكم دادگاه به دوي اعتراض شده باشد) براي امضاي سند انتقال حاضر نشوند رييس اداره ثبت‌محل موظف است طبق تقاضاي شركت سند انتقال تنظيم و به شركت تسليم نمايد سند مزبور مطابق مقررات در دفتر اسناد رسمي و دفتر املاك ثبت‌مي‌شود و اداره ثبت بر اساس آن تقاضاي ثبت از شركت پذيرفته و سند مالكيت به نام شركت صادر خواهد نمود.
			* ‌تبصره 4 ـ چنانچه احتياج شركت نسبت به اراضي مذكور در اين بند رفع شود شركت در فروش آن به غير آزاد خواهد بود منتهي فروشنده سابق در‌شرايط مساوي در ظرف مدت 6 ماه از تاريخ ابلاغ حق تقدم خواهد داشت.
		- ه ـ در مورد زمينهايي كه دسترسي به مالك آن غير مقدور باشد و همچنين در مورد زمينهايي كه مالكيت آن مورد اختلاف و يا تشريفات ثبتي انجام‌نيافته باشد با نظر دادستان محل يا متصرفين وقت بهاي آن از طرف دادگاه به نحوي كه به اختلاف موارد در بند (‌د) اين ماده قيد گرديده تعيين مي‌شود و‌پس از توديع بهاي ملك مزبور دادگاه حكم به تصرف شركت صادر مي‌كند در صورتي كه مالك تعيين گرديد و يا اختلاف ثبت رفع شد و يا تشريفات‌ثبتي خاتمه يافت چنانكه مالك يا مالكين به بهاي توديع شده تسليم نشوند طبق مقررات بند (‌د) حق پژوهش خواهند داشت.
			* ‌تبصره 1 ـ نسبت به تنظيم اسناد انتقال املاكي كه طبق مقررات اين بند تحصيل مي‌شود بس از امكان دسترسي به مالك يا رفع اختلاف و انجام‌تشريفات ثبتي طبق مقررات تبصره 3 بند (‌د) عمل خواهد شد.
		- ‌و ـ در مورد تحصيل حقوق ارتفاقي نسبت به اراضي و استفاده از آب و رعايت خسارات مالك نسبت به مجموع آب و زمين در صورت عدم توافق‌از طريق دادگاه اقدام خواهد شد.
			* ‌تبصره 2 ـ چنانچه در زمينهاي موضوع اين بند اعياني وجود داشته باشد طبق تبصره 1 بند (‌د) عمل خواهد شد. ‌رسيدگي دادگاه به درخواست شركت و تعيين ميزان خسارات و صدور حكم تصرف به نحوي خواهد بود كه طي بند (‌د) اين ماده مذكور است.
		- ‌ز ـ تصرف اراضي و ابنيه و تأسيسات قبل از پرداخت يا توديع تمام قيمت مجاز نيست مگر با رضايت مالكين.
		- ح ـ نسبت به املاك موقوفه‌اي كه فروش آنها مجاز نيست به طريق اجاره طويل‌المدت استفاده خواهد شد.
		- ط ـ ملاك احتياج شركت به اراضي تشخيص شركت مي‌باشد. ‌براي احراز عدم انجام تشريفات ثبتي يا اختلاف در مالكيت اراضي گواهينامه اداره ثبت محل و نسبت به عدم دسترسي به مالك اظهار شركت كه متكي‌به نشر آگهي در مجله رسمي و يك روزنامه كثيرالانتشار محل باشد كفايت خواهد كرد.
	+ ‌ماده 11 ـ شركت مي‌تواند در حوزه عمليات و براي مصارف خود در اراضي باير متعلق به دولت يا بلامالك از آب و همچنين از هر نوع خاك و شن‌و آهك و سنگ و گچ و مصالح ساختماني ديگر بدون پرداخت حقوق دولتي و طبق مقررات مربوطه استفاده نمايد اگر عمل شركت براي استفاده از مواد‌مذكور موجب ضرر شخصي گردد شركت بايد جبران خسارت را بنمايد ولي در هر صورت شخص ثالث نمي‌تواند مانع عمليات شركت بشود.
	+ ‌ماده 12 ـ هر گاه دولت در مناطق عمليات شركت قراردادي را براي به كار انداختن معادن ديگر منعقد نمايد بايد مانع عمليات شركت نباشد و هر گاه‌خسارتي وارد شود جبران گردد.
* ‌فصل سوم ـ اركان شركت
	+ ‌ماده 13 ـ اركان شركت عبارتند از: ‌اول ـ مجمع عمومي صاحبان سهام. ‌دوم ـ شوراي عالي. ‌سوم ـ هيأت مديره. ‌چهارم ـ هيأت عالي بازرسي.
	+ ‌قسمت اول ـ مجمع عمومي صاحبان سهام
		- ‌ماده 14 ـ نمايندگي صاحبان سهام در مجمع عمومي با 3 نفر به شرح زير خواهد بود. ‌وزير دارايي و وزير صنايع و معادن و يك نفر از وزراي ديگر به انتخاب هيأت وزيران رياست مجمع عمومي صاحبان سهام با وزير دارايي خواهد بود.
		- ‌ماده 15 ـ جلسات مجمع عمومي صاحبان سهام در اداره مركزي شركت در تهران با حضور رييس هيأت مديره تشكيل مي‌شود مجمع عمومي‌صاحبان سهام سالي يك بار براي رسيدگي به ترازنامه در مرداد ماه منعقد مي‌گردد ولي تا موضوع مندرج در دستور مجمع پايان نيافته جلسات ادامه‌خواهد داشت.
		- ‌ماده 16 ـ در جلسه مجمع عمومي بايد هر سه نفر نمايندگان صاحبان سهام حضور داشته باشند و كليه تصميمات بايد لااقل با موافقت دو نفر از آنها‌باشد. هر گاه يكي از وزيران نتواند حاضر شود هيأت وزيران جانشين او را از ميان ساير وزراء معين خواهد كرد.
		- ‌ماده 17 ـ مجمع عمومي فوق‌العاده ممكن است در هر موقع به تقاضاي وزير دارايي يا اكثريت اعضاء شوراي عالي يا رييس هيأت مديره يا لااقل دو‌نفر از اعضاء هيأت عالي بازرسي تشكيل شود.
			* ‌تبصره 1 ـ دعوت مجمع عمومي صاحبان سهام اعم از عادي و فوق‌العاده از طرف رييس هيأت مديره با قايم‌مقام او به عمل خواهد آمد.
			* ‌تبصره 2 ـ دستور جلسه فوق‌العاده را كساني كه تقاضاي آن را نموده‌اند تعيين مي‌كنند.
			* ‌تبصره 3 ـ در مواردي كه تقاضاي انعقاد جلسات فوق‌العاده از طرف اشخاص مذكور در اين ماده به عمل آيد رييس هيأت مديره مكلف است منتهي‌تا ده روز پس از وصول تقاضا براي تشكيل جلسه دعوت به عمل آورده و دستور جلسه را نيز دعوت‌نامه ضميمه نمايد.
			* ‌تبصره 4 ـ اعضاي شوراي عالي و هيأت مديره و هيأت عالي بازرسي در جلسات مجمع عمومي اعم از عادي و فوق‌العاده حضور خواهند يافت.
			* ‌تبصره 5 ـ در صورتي كه رييس هيأت مديره نتواند در جلسات مجمع عمومي صاحبان سهام شركت نمايد قايم‌مقام رييس هيأت مديره در جلسه‌حضور خواهد يافت.
		- ‌ماده 18 ـ وظايف مجمع عمومي صاحبان سهام به قرار زير است: ‌الف ـ رسيدگي و اتخاذ تصميم نسبت به گزارش ساليانه هيأت مديره و تصويب ترازنامه و حساب سود و زيان شركت با توجه به گزارش هيأت‌عالي بازرسي ـ گزارش هيأت مديره و هيأت عالي بازرسي و ترازنامه ساليانه شركت لااقل يك هفته قبل از تشكيل جلسه مجمع عمومي صاحبان سهام‌بايد در اختيار كليه اعضاء آن گذارده شود. ب ـ انتخاب اعضاي هيأت عالي بازرسي. ج ـ اتخاذ تصميم نسبت به هر موضوعي كه هيأت مديره شركت طبق اين اساسنامه در دستور مجمع عمومي صاحبان سهام منظور شده باشد.
		- ‌ماده 19 ـ امور زير از وظايف خاصه مجمع عمومي فوق‌العاده است: ‌الف ـ اتخاذ تصميم نسبت به هر گونه پيشنهاد راجع به تغيير مواد اساسنامه شركت كه در كليه موارد محتاج به تصويب مجلسين خواهد بود. ب ـ اتخاذ تصميم نسبت به افزايش سرمايه زائد بر ميزان ده هزار ميليون ريال مقرر در ماده 3 و برداشت از اندوخته‌هاي شركت.
		- ‌ماده 20 ـ صورت جلسات مجمع عمومي صاحبان سهام بايد در دفتر مخصوصي كه براي اين منظور تهيه مي‌شود درج شود صورت جلسه پس از‌تصويب به امضاء رييس و منشي جلسه خواهد رسيد.
	+ ‌قسمت دوم ـ شوراي عالي
		- ‌ماده 21 ـ شوراي عالي از 7 نفر به شرح زير تشكيل مي‌شود: ‌الف ـ دو نفر از نمايندگان مجلس سنا و دو نفر از نمايندگان مجلس شوراي ملي. ب ـ وزير دارايي. ج ـ وزير صنايع و معادن. ‌د ـ دادستان كل ديوان عالي كشور. ‌اشخاصي كه از طرف مجلسين انتخاب مي‌شوند مدت مأموريت آنها براي يك سال خواهد بود و همه‌ساله مقارن تجديد انتخاب هيأت رئيسه مجلسين‌انتخاب مي‌شوند و هر يك از آنها تا انتخاب جانشين خود به عضويت شوراي عالي باقي خواهد بود. ‌رياست جلسات شوراي عالي با وزير دارايي مي‌باشد در غياب وزير دارايي رياست جلسه با نايب رييس خواهد بود كه شورا براي مدت يك سال تعيين‌خواهد كرد. ‌در جلساتي كه وزير دارايي غايب باشد معاون وزير دارايي با حق رأي به جاي او حضور خواهد يافت.
		- ‌ماده 22 ـ جلسات شوراي عالي به دعوت رييس هيأت مديره و حضور رييس هيأت مديره به طور عادي سالي دو بار در خرداد و آذر تشكيل‌مي‌شود و در هر موقع به دعوت رييس هيأت مديره و يا به درخواست سه نفر از اعضاي شورا و يا لااقل دو نفر از هيأت عالي بازرسي به طور فوق‌العاده‌منعقد مي‌گردد.
			* ‌تبصره 1 ـ دستور جلسه فوق‌العاده شورا را كساني كه تقاضاي تشكيل آن را نموده‌اند تعيين مي‌كنند و در جلسات شورا غير از آنچه در دستور معين‌شده تصميماتي اتخاذ نخواهد شد.
			* ‌تبصره 2 ـ در مواردي كه تقاضاي انعقاد جلسات فوق‌العاده از طرف اشخاص مذكور در اين ماده به عمل آيد رييس هيأت مديره بايد منتهي تا ده روز‌پس از وصول تقاضا جلسه را تشكيل دهد.
			* ‌تبصره 3 ـ اعضاء هيأت مديره و شركت و هيأت عالي بازرسي بدون حق رأي مي‌توانند در جلسات شورا حاضر شوند.
			* ‌تبصره 4 ـ در صورتي كه رييس هيأت مديره نتواند در جلسه شورا شركت نمايد قايم‌مقام رييس هيأت مديره در جلسه شركت خواهد نمود.
		- ‌ماده 23 ـ جلسات شوراي عالي با حضور اقلاً 5 نفر از اعضاء رسميت خواهد يافت و تصميمات شورا با اكثريت آراء اعضاء معتبر خواهد بود.
		- ‌ماده 24 ـ شوراي عالي عهده‌دار وظايف زير خواهد بود: ‌الف ـ بررسي و تصويب فصول و ارقام كلي بودجه هزينه‌هاي جاري شركت (‌بودجه‌هاي تفصيلي هزينه‌هاي شركت را هيأت مديره خود در حدود‌رقم كلي مزبور تعيين نموده و به موقع اجرا بگذارد) بررسي و تصويب هزينه‌هاي سرمايه‌اي و اعتبارات اضافي و اصلاح بودجه به پيشنهاد هيأت مديره. ب ـ اتخاذ تصميم نسبت به تشكيل يا انحلال شركتهاي فرعي. ج ـ تعيين خط‌مشي عمومي شركت و تصويب برنامه و شرايط كلي فروش و صدور نفت و محصولات نفتي به پيشنهاد هيأت مديره. ‌د ـ بررسي و تصويب كليه آيين‌نامه‌هاي شركت از قبيل آيين‌نامه‌هاي استخدامي و اداري و مالي و فني و غيره با توجه به تعهدات قانوني شركت و‌حفظ هماهنگي در دستگاههاي مختلف صنعت نفت. ه ـ بررسي و تصويب هر گونه تغييري در بهاي فروش بنزين موتور ـ نفت ـ نفت گاز ـ و نفت كوره براي تأمين احتياجات داخلي كشور به پيشنهاد‌هيأت مديره.
		- ‌ماده 25 ـ شورا مي‌تواند نسبت به جريان كارهاي شركت در هر قسمت از عمليات آن كه باشد از جمله در مورد بودجه‌هاي تفصيلي شركت‌توضيحاتي بخواهد و رييس هيأت مديره موظف است اطلاعات مورد احتياج را در اسرع وقت در اختيار شورا بگذارد. ‌هر گاه شورا اجراي هر گونه بازرسي را لازم بداند رييس هيأت مديره وسايل انجام آن را فراهم خواهد نمود.
			* ‌تبصره ـ نمايندگان مجلسين عضو شوراي عالي نفت مكلفند در هر سال يك بار گزارش امور شركت ملي نفت را به هر يك از مجلسين بدهند.
	+ ‌قسمت سوم ـ هيأت مديره و مدير عامل
		- ‌ماده 26 ـ هيأت مديره از يك نفر رييس كه سمت مديريت عامل را نيز خواهد داشت و ده نفر عضو تشكيل مي‌شود رييس و اعضاء هيأت مديره بايد‌ايراني باشند و شرايط انتخاب آنها به شرح زير است: ‌الف ـ رييس هيأت مديره از بين اشخاص انتخاب خواهد شد كه لااقل بيست سال سابقه خدمات دولتي و اجتماعي داشته و در قسمتي از آن مدت‌متصدي كارهاي مهم مملكتي بوده و نيز داراي اطلاعات كلي در مورد مربوط به صنعت نفت باشد ادامه خدمت رييس هيأت مديره تا سن هفتاد مجاز‌خواهد بود. ب ـ شش نفر از اعضاء هيأت مديره از بين اشخاصي انتخاب خواهند شد كه ده سال سابقه خدمت در يكي از قسمتهاي فني ـ بازرگاني ـ حقوقي‌يا اداري صنعت نفت داشته و اقلاً در طي سه سال از آن مدت در يكي از ادارات مربوط به صنعت نفت ايران شغل مهمي را عهده‌دار بوده باشند. ‌شش نفر عضو مزبور موظفاً انجام وظيفه خواهند نمود و بايد تمام وقت آنها در اختيار شركت بوده و به هيچ نوع اشتغال موظف در خارج از شركت‌نداشته باشند. ‌اشتغال غير موظف هر يك از آنها به شرط موافقت رييس هيأت مديره منحصراً در امور فرهنگي مجاز خواهد بود هر يك از اعضاء مزبور كه از مقررات‌اين ماده تخلف كند بركنار خواهد شد. ج ـ ساير اعضاء هيأت مديره از بين شخصيتهاي ذيصلاحيت انتخاب مي‌شوند اعضاء مشمول اين بند بايد تمام وقت در اختيار شركت بوده باشند.
		- ‌ماده 27 ـ براي انتخاب رييس هيأت مديره شوراي عالي سه نفر از اشخاصي را كه واجد شرايط مذكور در بند‌الف ماده 27 باشند به توسط وزير‌دارايي به هيأت وزيران پيشنهاد مي‌نمايد و يك نفر از آنها براي مدت چهار سال انتخاب و به فرمان همايوني به اين سمت منصوب مي‌شود. اعضاء‌هيأت مديره به پيشنهاد رييس هيأت و موافقت وزير دارايي و تصويب هيأت وزيران به موجب فرمان همايوني براي مدت چهار سال تعيين مي‌شوند و‌در انقضاء مدت تجديد انتخاب آنها مانعي نخواهد داشت. ‌مجمع عمومي مي‌تواند تغيير هر يك از اعضاء هيأت مديره را قبل از پايان دوره عضويت هيأت مديره به هيأت دولت پيشنهاد نمايد.
			* ‌تبصره 1 ـ سه ماه قبل از انقضاء دوره خدمت هر يك از اعضاء هيأت مديره رييس هيأت بايد جانشين او را به وزارت دارايي پيشنهاد نمايد و تجديد‌انتخاب او مانعي نخواهد داشت تا زماني كه انتخاب جديد به عمل نيامده اعضاي هيأت مديره به خدمت خود ادامه مي‌دهد.
			* ‌تبصره 2 ـ اعضاء هيأت مديره نفت حق ندارند بيش از يك حقوق از شركت دريافت دارند.
		- ‌ماده 28 ـ رييس هيأت مديره مي‌تواند يكي از اعضاء هيأت مديره را به انتخاب خود به سمت قايم‌مقام رييس تعيين نمايد كه در مواقع غيبت رييس‌هيأت مديره به جاي مشاراليه انجام وظيفه كند.
		- ‌ماده 29 ـ جلسات هيأت مديره تحت رياست يا قايم‌مقام او با حضور لااقل هشت نفر رسميت يافته و براي تصويب هر موضوعي حداقل شش رأي‌موافق ضرورت دارد. ‌هر گاه نسبت به موضوعي كه در هيأت مديره مطرح گرديده رييس هيأت مديره يا قايم‌مقام او شور قبلي با صاحبان سهام را لازم بداند مي‌تواند اتخاذ‌تصميم را موكول به جلب نظر صاحبان سهام بنمايد.
		- ‌ماده 30 ـ حقوق رييس و اعضاء هيأت مديره به پيشنهاد شوراي عالي و تصويب هيأت وزيران در هر سال تعيين مي‌شود.
		- ‌ماده 31 ـ اعضاي شوراي عالي و هيأت مديره و هيأت عالي بازرسي و همچنين كارمندان شركت حق هيچ گونه معامله مستقيم يا غير مستقيم با‌شركت ندارند.
			* ‌تبصره ـ خريد فرآورده‌هاي نفتي و كالاهايي كه شركت با سازمانهاي تعاوني وابسته به آن براي كاركنان خود تهيه مي‌نمايد در حدود مصرف‌شخصي از مقررات اين ماده مستثني است.
		- ‌ماده 32 ـ هر يك از اعضاء هيأت مديره كه در سه جلسه متوالي يا پنج جلسه متناوب در سال بدون عذر موجه در جلسات هيأت مديره حاضر نشود‌بر كنار خواهد شد.
		- ‌ماده 33 ـ در صورت فوت يا استعفاء يا تغيير هر يك از اعضاء هيأت مديره جانشين او طبق مواد 26 و 27 از طرف هيأت وزيران تعيين خواهد شد.
		- ‌ماده 34 ـ اگر در نتيجه بروز اختلافي اكثريت دو ثلث (8 نفر) اعضاء هيأت مديره استعفا كنند انتخاب كليه اعضاء هيأت تجديد مي‌شود و اعضاء‌هيأت سابق ممكن است مجدداً انتخاب شوند.
		- ‌ماده 35 ـ جلسات هيأت مديره اقلاً ماهي يك بار و جلسات فوق‌العاده بر حسب ضرورت تشكيل خواهد شد.
		- ‌ماده 36 ـ دعوت جلسات عادي و فوق‌العاده و اداره جلسات هيأت مديره و اجراء مصوبات و تصميمات از وظايف رييس هيأت مديره و مدير‌عامل مي‌باشد.
		- ‌ماده 37 ـ صورت مذاكرات هيأت مديره در دفتر مخصوصي ضبط شده و به امضاي رييس خواهد رسيد هر قسمت از مذاكرات كه هيأت مديره آن را‌محرمانه تلقي كند محرمانه بودن آن بايد در صورت جلسه قيد شود.
		- ‌ماده 38 ـ هيأت مديره در حدود مقررات اين اساسنامه داراي همه گونه اختيار براي اجراء وظايف مصرح در ماده 4 اين اساسنامه مي‌باشد وظايف‌خاصه هيأت مديره به قرار زير است: ‌الف ـ تصويب برنامه عمليات شركت به طور كلي مخصوصاً برنامه مربوط به امور زير: 1 ـ عمليات اكتشاف اعم از زمين‌شناسي و ژئوفيزيك حفاري‌هاي اكتشافي و توليدي. 2 ـ نصب و به كار انداختن و نگاهداري دستگاههاي توليد و خطوط لوله و انبارهاي نفت خام و محصولات نفتي و وسايل باربري و بارگيري و‌باراندازي و تأسيسات مربوط به تهيه محصولات مختلف از نفت خام و گاز طبيعي به انضمام فرآورده‌هاي شيميايي و صنعتي و تأسيسات مربوط به‌پخش و فروش محصولات مزبور. 3 ـ اجازه انعقاد قراردادها براي انجام عمليات مزبور. 4 ـ تعيين سياست كلي فروش و پخش و صدور نفت خام و مواد نفتي و تهيه پيشنهاد قيمت فروش بنزين موتور نفت و نفت گاز و نفت كوره براي‌مصرف داخلي به منظور بررسي و تصويب شوراي عالي هيأت وزيران. 5 ـ تعيين ساير قيمتها. 6 ـ اعطاء تخفيف متعارف بازرگاني. 7 ـ اجازه تحصيل هر نوع مال و حقوق و منافع و خريد ماشين‌الات و ملزومات و هر نوع كالا براي رفع احتياج شركت. 8 ـ اخذ و پرداخت وجوه و باز كردن حساب در بانكهاي داخلي و خارجي اجازه تحصيل و دادن اعتبار طبق مقررات شركت. 9 ـ دادن اختيار براي سازش و تعيين داور در مورد مسائل مطروحه در دادگاهها و به طور كلي هر اقدامي كه براي حفظ حقوق شركت لازم باشد. ب ـ تعيين خط مشي عمومي شركت و برنامه و شرايط كلي فروش و صدور نفت و محصولات نفتي و پيشنهاد آن به شوراي عالي. ج ـ تصويب بودجه تفصيلي شركت بر طبق بند‌الف ماده 24. ‌د ـ تنظيم كليه آيين‌نامه‌هاي استخدامي و اداري و مالي و فني و غيره شركت و تقديم آن به شوراي عالي براي تصويب. ه ـ تنظيم طرحها و برنامه‌هاي كارآموزي و تعليم صنعتي و حرفه‌اي. ‌و ـ اخذ تصميم نسبت به تشكيل يا انحلال شركتهاي فرعي و تابعه با تصويب شوراي عالي. ‌ز ـ اعمال كليه حقوق شركت در شركتها و شعب و عامليت‌ها و ساير مؤسسات مربوطه. ح ـ تهيه گزارش هيأت مديره و ترازنامه سالانه و حساب سود و زيان براي تقديم به مجمع عمومي و تعيين دستور جلسه مجمع عمومي
			* ‌تبصره ـ هيأت مديره شركت ملي نفت ايران مكلف است با تشريك مساعي و نظر وزارت فرهنگ نسبت به ايجاد توسعه دستگاههاي تعليماتي‌اعم از حرفه‌اي مربوط به صنايع نفت و بالا بردن سطح تعليمات عمومي مناطق نفت‌خيز به منظور آموزش و پرورش كارشناسان و سركارگران و كارگران ايراني‌ اقدام نمايد به خصوص نسبت به توسعه انستيتوي تهران و كالج آبادان با نظر وزارت فرهنگ اقدامات لازم معمول دارد.
		- ‌ماده 39 ـ ‌بند 1 ـ رييس هيأت مديره بر كليه سازمانهاي تابعه شركت رياست داشته و مسئول حسن جريان كليه امور و حفظ حقوق و منافع و اموال شركت‌خواهد بود و براي اداره امور شركت و اجراء مصوبات هيأت مديره داراي همه گونه حقوق و اختيارات بوده و نمايندگي شركت را در مقابل كليه مقامات‌و مؤسسات و اشخاص و دادگاهها و ساير مراجع قضايي با حق توكيل غير خواهد داشت. ‌بند 2 ـ رييس هيأت مديره مي‌تواند هر قسمت از اختيارات خود را به هر يك از اعضاء هيأت مديره و رؤساي ادارات شركت به تشخيص خود با‌توجه به تخصص و صلاحيت آنان تفويض كند كه امور قسمتهاي مختلف شركت را كه به اين طريق به آنها محول مي‌گردد تحت نظر و مسئوليت‌مستقيم رييس هيأت مديره اداره كنند. ‌بند 3 ـ دادن حق امضاء به كارمندان شركت موكول به پيشنهاد يكي از مديران و تصويب رييس هيأت مديره خواهد بود. ‌بند 4 ـ اعمال نظارت‌هاي مالي و محاسباتي و بازرسي عمليات و معاملات و مخارج شركت به منظور حسن جريان امور و حفظ اموال و وجوه‌شركت بر طبق اصول صحيح و متداول حسابداري صنعت نفت و اجراي نظارت لازم در امور حسابداري شركتهاي فرعي و شعب نمايندگي و‌مؤسسات مربوطه ديگر با رييس هيأت مديره و مدير عامل مي‌باشد.
	+ ‌قسمت چهارم ـ هيأت عالي بازرسي
		- ‌ماده 40 ـ هيأت‌هاي بازرسي مركب از پنج نفر خواهد بود كه سه نفر از آنها داراي تجربيات و معلومات كافي در امور حسابداري صنعتي و بازرگاني‌بوده و يك نفر از آنها مهندس در امور مربوطه نفت و يك نفر از كارمندان عالي رتبه دولت خواهد بود.
		- ‌ماده 41 ـ بازرسان عالي از طرف مجمع عمومي براي مدت دو سال انتخاب مي‌شوند و يك نفر از آنها را مجمع عمومي به سمت رييس عالي‌بازرسي تعيين خواهد نمود. هر يك از اعضاي هيأت عالي بازرسي كه مدت دو ساله او پايان يافته باشد ممكن است مجدداً انتخاب شود و تا زماني كه‌تمديد انتخاب به عمل نيامده بازرسان به خدمت خود ادامه خواهند داد.
		- ‌ماده 42 ـ هر گاه در ظرف مدت خدمت محل بازرسي به واسطه فوت يا استعفا يا بركناري از خدمت خالي شود مجمع عمومي به طور فوق‌العاده‌تشكيل يافته و شخصي را كه واجد شرايط باشد براي تصدي آن محل انتخاب خواهد كرد.
		- ‌ماده 43 ـ هيأت عالي بازرسي مي‌تواند براي انجام وظيفه خود از هر نوع كارشناس اعم از داخلي و خارجي به طور موقت استفاده نمايد براي انجام‌اين منظور رييس هيأت عالي بازرسي به مجمع عمومي مراجعه نموده و هيأت مديره مكلف است نظر هيأت مزبور را تأمين نمايد.
		- ‌ماده 44 ـ وظايف هيأت عالي بازرسي از قرار ذيل است: ‌الف ـ تطبيق عمليات شركت با اعتبارات مصوبه و قوانين مربوطه. ب ـ رسيدگي به ترازنامه و حساب عمل كرد و سود و زيان شركت و تصديق مطابقت آن با دفاتر شركت و تهيه گزارش چگونگي عمليات شركت‌براي تقديم به مجمع عمومي گزارش مزبور بايد لااقل يك ماه قبل از انعقاد مجمع عمومي ساليانه به رييس هيأت مديره تسليم شود كه به ضميمه‌نظريات هيأت مديره با ترازنامه به مجمع عمومي تقديم نمايد. ج ـ اعضاي هيأت عالي بازرسي در اجراي وظيفه حق مراجعه به كليه دفاتر و پرونده‌ها و قراردادهاي شركت را خواهند داشت و رونوشت كليه‌مصوبات مالي هيأت مديره و مدارك و اطلاعات مربوطه در اختيار آنها گذارده خواهد شد چنانچه اشتباهات يا تخلفات و يا بي‌ترتيبي‌هايي مشاهده‌نمايد و با مراجعه به مديران و رؤساء مربوطه موضوع حل نشود مطلب را به رييس هيأت مديره گزارش خواهند داد و چنانچه نسبت به اين گزارش اقدام‌به عمل نيايد مراتب را به مجمع عمومي گزارش خواهند داد. ‌د ـ مطالعه گزارش ساليانه هيأت مديره و اظهار نظر نسبت به مندرجات آن. ه ـ شركت در جلسات مجمع عمومي و شوراي عالي بدون حق رأي.
		- ‌ماده 45 ـ اجراي وظايف هيأت عالي بازرسي كه بر طبق مقررات اين اساسنامه تعيين شده نبايد به هيچ وجه مانع جريان عادي كار شركت گردد.
		- ‌ماده 46 ـ حقوق اعضاء هيأت عالي بازرسي از طرف مجمع عمومي تعيين و به دستور وزير دارايي از طرف شركت پرداخت خواهد شد.
		- ‌ماده 47 ـ رييس و اعضاء هيأت عالي بازرسي حق اشتغال موظف ديگري در داخل يا خارج از شركت و شركتهاي وابسته آن را ندارند اشتغال غير‌موظف (‌افتخاري بدون دريافت حقوق) در هر مورد منوط به موافقت وزير دارايي خواهد بود.
* ‌فصل چهارم ـ ترازنامه و حسابهاي سود و زيان
	+ ‌ماده 48 ـ سال مالي شركت از يازدهم دي ماه هر سال شروع شده و در تاريخ دهم دي ماه سال بعد خاتمه مي‌يابد.
	+ ‌ماده 49 ـ تعداد و نوع دفاتر رسمي كه بايد پلمب شوند بر طبق تصميم هيأت مديره خواهد بود.
	+ ‌ماده 50 ـ كليه دفاتر شركت به تاريخ روز آخر سال مالي بسته شده و ترازنامه و حساب سود و زيان شركت و گزارش هيأت مديره اقلاً دو ماه پيش از‌تاريخ انعقاد مجمع عمومي تهيه و در اختيار هيأت عالي بازرسي گذاشته خواهد شد تا پس از مطالعه آن گزارش خود را براي تقديم به مجمع عمومي‌تهيه نمايند.
	+ ‌ماده 51 ـ در ترازنامه اقلام دارايي شركت به بهاي خريد يا تمام شده بعد از منظور كردن استهلاك محسوب مي‌شود مطالبات مشكوك به ارزش‌احتمالي روز تنظيم ترازنامه محسوب مي‌شود و اقلام سوخت شده نبايد جزو دارايي محسوب گردد.
		- ‌تبصره 1 ـ چنانچه هيأت مديره تجديد ارزيابي تمام يا قسمتي از دارايي‌هاي غير منقول شركت را لازم تشخيص دهد مي‌تواند با تصويب مجمع‌عمومي اقدام به تجديد ارزيابي بنمايد در اين صورت چنانچه مازادي حاصل شود به حساب سود شركت منظور نگرديده و جزء دارايي شركت‌محسوب خواهد شد.
		- ‌تبصره 2 ـ استهلاك نسبت به انواع دارائي‌هاي شركت طبق اصول صحيح و متداول صنعت نفت تعيين خواهد شد ولي در هيچ مورد ميزان سالانه‌آن از پنج درصد بهاي تمام شده كمتر نخواهد بود.
	+ ‌ماده 52 ـ شركت مكلف است سالانه دو درصد از درآمد كل خود را به حساب ذخيره عمومي شركت انتقال دهد استفاده از ذخيره عمومي شركت‌موكول به پيشنهاد هيأت مديره و تصويب شوراي عالي خواهد بود.
	+ ‌ماده 53 ـ هيأت مديره مكلف است اندوخته‌هاي مخصوصي به ميزان متناسب براي تأمين احتياجات شركت طبق معمول صنعت نفت از محل‌درآمد كل در نظر گرفته و به تصويب شورا برساند.
	+ ‌ماده 54 ـ درآمد شركت از محل دوازده و نيم درصد مقرر در قرارداد فروش نفت مصوب 7 آبان 1333 و وجوهي كه به عنوان پذيره و حق‌الارض به‌موجب قانون نفت مصوب نهم مرداد 1336 عايد شركت خواهد شد مشمول ماليات نخواهد بود.
	+ ‌ماده 55 ـ تأمين سرمايه به منظور توسعه عمليات شركت و همچنين هر گونه سرمايه‌گذاري به موجب قانون نفت مصوب نهم مرداد 1336 و نيز‌تأمين بودجه سرمايه‌اي از عمليات غير صنعتي مصرح در قانون قرارداد فروش نفت مصوب 7 آبان 1333 بايد از محل درآمد كل به عمل آيد.
	+ ‌ماده 56 ـ آنچه از محل درآمد كل پس از وضع مبالغي كه به موجب مقررات اين اساسنامه برداشت مي‌شود باقي بماند به خزانه‌داري كل پرداخت‌خواهد شد.
	+ ‌ماده 57 ـ درآمد كل عبارت است از سود ويژه به اضافه درآمد حاصل از محل 12.5 درصد مندرج در قرارداد فروش نفت مصوب هفتم آبان ماه 1333 و‌وجوهي كه به عنوان پذيره و حق‌الارض به موجب قانون نفت مصوب نهم مرداد 1336 عايد شركت شود.
		- ‌تبصره ـ سود ويژه عبارت است از درآمد حاصل از عمليات شركت پس از وضع هزينه‌هاي جاري و استهلاك.
* ‌فصل پنجم ـ ساير مقررات
	+ ‌ماده 58 ـ شركت در سرتاسر كشور و فلات قاره و جزاير ايران مسئول حفظ مخازن زيرزميني نفت و گاز طبيعي و هيدروكاربورهاي ديگر و‌جلوگيري از اتلاف مواد مزبور مي‌باشد در مواردي كه مسئوليت اين گونه امور به موجب قانون به عهده مؤسسات ديگري واگذار شده باشد شركت‌نظارت كامل در اجراي وظايف مزبور به عمل خواهد آورد. ‌در مواردي كه در محل عمليات شركت غير از نفت و گاز مواد معدني يا غير معدني قابل استفاده ديگري وجود داشته باشد شركت عمليات خود را به‌طرزي اداره خواهد نمود كه حتي‌الامكان از اتلاف مواد مزبور جلوگيري شود.
	+ ‌ماده 59 ـ اعضاء هيأت مديره و بازرسان و كاركنان شركت حق نخواهند داشت اطلاعاتي را كه براي شركت جنبه محرمانه داشته باشد افشا نمايند‌در صورت تخلف اگر متخلف مدير يا بازرس باشد به پيشنهاد رييس هيأت مديره و تصويب مجمع عمومي و اگر كارمند يا كارگر باشد به تشخيص رييس‌اداره مربوطه از خدمت بركنار خواهد شد متخلف بر طبق مقررات جزايي مربوطه تعقيب خواهد گرديد و در صورت توجه خسارت به شركت مسئول‌جبران زيان وارده خواهد بود.
	+ ‌ماده 60 ـ در مواردي كه كاركنان شركت مرتكب تخلفاتي در انجام امور شركت شوند تعقيب و مجازات اداري آنها بر طبق آيين‌نامه‌هاي استخدامي و‌انضباطي شركت صورت خواهد گرفت چنانچه ضمن تحقيق معلوم شود كه از نظر قوانين خاصي تخلف جنبه جزايي دارد شركت موضوع را به مراجع‌صلاحيتدار قانوني احاله خواهد نمود.
	+ ‌ماده 61 ـ در مواردي كه اختلاف نظر بين شركت و هر يك از مقامات دولتي پيش آيد موضوع از طرف شركت به وزارت دارايي گزارش خواهد شد‌و وزارت دارايي موضوع اختلاف را به كميسيوني مركب از نمايندگان خود و طرفين ارجاع خواهد نمود و كميسيون مزبور از راه سازش به حل اختلاف‌اقدام خواهد نمود. ‌چنانچه موضوع اختلاف به طريق مزبور فيصله نيافت هر يك از طرفين مي‌تواند به ديوان عالي كشور براي رفع اختلاف مراجعه كند.
	+ ‌ماده 62 ـ هيچ يك از كاركنان شركت در محوطه كار خود حق فعاليت سياسي ندارد داير كردن و نشر روزنامه و مجله يا عضويت در هيأت تحريريه‌روزنامه‌ها و مجلات سياسي براي كاركنان شركت ممنوع است ولي انتشار مقالات علمي و فني و ادبي بدون مانع خواهد بود، منتشر كردن هر نوع‌اطلاع راجع به عمليات شركت فقط با اجازه كتبي شركت ممكن است. تخلف از مقررات اين ماده موجب تعقيب اداري و انتظامي طبق آيين‌نامه شركت‌خواهد بود.
	+ ‌ماده 63 ـ شركت مكلف است در تهيه مسكن و وسايل سلامت و آسايش كارمندان و كارگران شركت و حفاظت آنها در مقابل حوادث اهتمام نمايد‌و مخصوصاً در مورد تأسيسات فرهنگي و بهداشتي و فراهم نمودن كمكهاي اجتماعي با توجه به مقررات قوانين كار و سازمان بيمه‌هاي اجتماعي‌كارگران در تمام حوزه‌هاي عمليات خود با تنظيم و اجراي برنامه‌هاي ساليانه اقدام به عمل آورد.
		- ‌تبصره ـ شركت ملي نفت ايران مجاز است از اراضي خالصه دولتي آنچه را كه براي تأمين مسكن كاركنان ايراني صنعت نفت لازم دارد با موافقت‌دولت بدون مزايده خريداري و به همان قيمت تمام شده براي ايجاد مسكن به آنان بفروشد.
* ‌‌[امضاء] قانون فوق مشتمل بر شصت و سه ماده و سي و سه تبصره است در جلسه سه‌شنبه نوزدهم بهمن ماه يك هزار و سيصد و سي و هشت به تصويب‌مجلس شوراي ملي رسيد. ‌رييس مجلس شوراي ملي ـ رضا حكمت ‌قانون بالا در جلسه 1339.2.26 به تصويب مجلس سنا رسيده است

# ‌قانون حفاظت دريا و رودخانه‌هاي مرزي از‌آلودگي با مواد نفتي

* ‌ماده 1 ـ در اصطلاح اين قانون: ‌منظور از "‌درياي زيرزميني" درياي ساحلي موضوع ماده 3 قانون اصلاح قانون تعيين حدود آبهاي ساحلي و منطقه نظارت مصوب 22 فروردين 1338‌مي‌باشد. "‌آلوده كردن اعم است از تخليه يا نشست نفت يا هر گونه مخلوط نفتي در آبهاي مشمول اين قانون. "‌نفت" اعم است از نفت خام يا تصفيه شده خواه به تنهايي و يا به صورت آميخته با فضولات و رسوبات آنها. "‌مخلوط نفتي" هر گونه مخلوطي است كه داراي نفت باشد. "‌كشتي" اعم است از هر نوع وسيله نقليه دريارو و وسايل شناور خواه داراي نيروي محرك باشد يا به نوعي يدك شود. "‌نفتكش" هر گونه كشتي است كه قسمت اعظم مخازن بارگيري آن به منظور حمل و نقل مايعات ساخته شده از نفت و در قسمت مزبور بالفعل بار‌ديگري جز نفت نباشد. "‌ميل" عبارت است از ميل دريايي كه معدل 1852 متر مي‌باشد. "‌گره دريايي" گرده دريايي عبارت است از سرعت حركت كشتي بر حسب ميل دريايي در ساعت. "‌شدت تخليه يا نشست محتوي نفتي" يعني مقدار نفت تخليه شده بر حسب ليتر در ساعت در هر لحظه تقسيم بر سرعت حركت كشتي بر حسب گره‌دريايي در همان لحظه.
* ‌ماده 2 ـ ‌الوده كردن رودخانه‌هاي مرزي و آبهاي داخلي و درياي سرزميني ايران به نفت يا هر نوع مخلوط نفتي خواه توسط كشتي‌ها و خواه توسط‌سكوهاي حفاري يا جزاير مصنوعي (‌اعم از ثابت و شناور) و خواه توسط لوله‌ها و تأسيسات و مخازن نفتي واقع در خشكي يا دريا ممنوع است و‌مرتكب به حبس جنحه‌اي از شش ماه تا دو سال يا پرداخت جزاي نقدي از يك ميليون تا ده ميليون ريال يا به‌هر دو مجازات محكوم مي‌گردد، در‌صورتي كه‌الودگي به واسطه بي‌مبالاتي يا بي‌احتياطي واقع شود. مجازات مرتكب حداقل جزاي نقدي مذكور است. نيروي دريايي شاهنشاهي يا‌ژاندارمري كشور بر حسب مورد به منظور جلب و دستگيري مرتكب و تنظيم صورتمجلس تشخيص ميزان‌الودگي در صورتي كه وسيله‌الوده‌كننده‌نفتكش باشد آن را متوقف و در مورد ساير منابع‌الوده‌كننده از ادامه عمليات آنها جلوگيري به عمل خواهد آورد. ‌تبصره ـ تا هنگامي‌كه نحوه جلوگيري از‌الودگي خليج فارس و بحر عمان از طريق معاهدات چند جانبه بين‌المللي با توافق‌هاي دو جانبه بين‌دولت شاهنشاهي ايران و ساير دول ساحلي مناطق مذكور فوق تعيين نشده باشد مقررات اين قانون در خليج فارس تا حد نهايي آبهاي روي فلات قاره و‌در بحر عمان تا فاصله پنجاه ميل از خط مبداء درياي سرزميني لازم‌الاجراء خواهد بود. ‌در مناطقي كه فلات قاره ايران در خليج فارس به موجب موافقتنامه‌هايي با دول ديگر تعيين و تحديد نگرديده است تا زماني كه به ترتيب ديگر بين‌طرفين توافق نشده باشد اجراي مقررات اين قانون محدود به خط منصفي است كه كليه نقاط آن از نزديك‌ترين نقاط خطوط مبداء درياي سرزميني ايران‌است و كشور مقابل آن به يك فاصله باشد.
* ‌ماده 3 ـ انواع كشتيهاي زير كه در آبها يا بنادر ايران هستند مكلف به تنظيم و نگاهداري دفتري به نام "‌دفتر ثبت نفت" مي‌باشند: ‌الف ـ كليه كشتيهاي نفتكش به ظرفيت غير خالص 150 تن يا بيشتر. ب ـ كليه كشتيهاي غير نفتكش به ظرفيت غير خالص 400 تن يا بيشتر.
* ‌ماده 4 ـ وقايع مشروح زير بايد در هر مورد بلافاصله پس از وقوع به طور كامل و بر حسب تاريخ، ساعت، نام بندر يا بنادر با عرض و طول‌جغرافيايي در دفتر ثبت نفت مقرر در ماده بالا درج شود، گزارش مندرج در دفتر مزبور بايد همان روز توسط افسر يا افسران مسئول كشتي امضاء و عيناً‌به گواهي فرمانده كشتي برسد. ‌الف ـ آبگيري در مخازن به منظور حفظ توازن و همچنين تخليه آن با قيد: 1 ـ نام و يا شماره مخازن مورد نظر بر حسب نقشه گنجايش كشتي. 2 ـ نوع مواد نفتي كه قبلاً در هر كدام از مخازن مذكور بار بوده است. 3 ـ مقدار تقريبي نفت مخلوط با آب در مواقع انتقال آن به مخازن گنداب (‌با حداكثر ده درصد تقريب). ب ـ شستشوي مخازن نفت با ذكر 1 ـ نام و يا شماره مخازن شسته شده. 2 ـ نوع مواد نفتي كه قبلاً در هر كدام از مخازن مذكور بار بوده است. 3 ـ نام يا شماره مخازن گنداب كه آب و نفت مخازن اصلي به آنها منتقل گرديده است (‌در صورتي كه آب و نفت مزبور به دريا تخليه گردد بايد ذكر‌گردد). ج ـ ته‌نشين شدن آب از نفت در مخازن گنداب و تخليه آب آن به دريا با قيد: 1 ـ نام و يا شماره مخازن گنداب كشتي. 2 ـ دفعات و ساعات ته‌نشين شدن آب در مخازن گنداب. 3 ـ مقدار آب ته‌نشين شده كه به دريا تخليه شده است. 4 ـ مقدار تقريبي نفت مانده در مخازن گنداب و نسبت آن به گنجايش كشتي. ‌د ـ تخليه فضولات نفتي از مخازن گنداب و يا ساير مخازن يا قسمتهاي ديگر كشتي با ذكر: 1 ـ روش تخليه و محل آن (‌خواه در ساحل باشد يا دريا). 2 ـ نام و يا شماره مخازن و يا قسمتهاي ديگر. 3 ـ مقدار و نوع مواد نفتي تخليه شده. ه ـ فرار نفت در اثر بروز حادثه، موارد استثنايي و يا اتفاقي با تعيين: 1 ـ مقدار تقريبي و نوع مواد نفتي با تقريب ده درصد. 2 ـ چگونگي فرار نفت و علت آن. ‌تبصره 1 ـ علاوه بر موارد فوق لازم است مراتب زير نيز در مورد كشتي‌هاي نفتكش در دفتر ثبت نفت قيد گردد: 1 ـ گزارش بارگيري محمولات نفتي. 2 ـ كيفيت انتقال نفت به مخازن مختلف كشتي در اثناي حمل. 3 ـ گزارش بستن يا باز كردن شيرها و ساير دستگاههاي مرتبط‌كننده مخازن حمل نفت قبل يا بعد از عمليات بارگيري يا تخليه. 4 ـ باز كردن يا بستن شيرهايي كه لوله‌هاي نفت را با آب توازن مرتبط مي‌سازند. 5 ـ باز كردن يا بستن شيرهاي طرفين كه به آب دريا مرتبط مي‌شوند در حين بارگيري يا تخليه يا پس از هر يك از اين دو كار. 6 ـ گزارش تخليه محمولات نفتي. ‌تبصره 2 ـ ثبت وقايع در دفتر ثبت نفت به يكي از زبانهاي فارسي يا انگليسي يا فرانسه خواهد بود. ‌تبصره 3 ـ هر دفتر ثبت نفت تا مدت شش ماه پس از ثبت آخرين واقعه در آن بايد در كشتي نگاهداري شود و پس از آن به سازمان بنادر و كشتيراني‌ايران ارسال گردد كه حداقل مدت شش سال در آن سازمان نگهداري شود. ‌تبصره 4 ـ پاك نمودن هر گونه اشتباه از دفتر ثبت نفت ممنوع است و اشتباه بايد طوري خط زده شود كه خوانا باشد و صحيح آن دوباره نوشته‌شود.
* ‌ماده 5 ـ مأمورين سازمان بنادر و كشتيراني مي‌توانند تا زماني كه‌هر كشتي اعم از ايراني يا خارجي در آبها و يا بنادر ايران است دفاتر ثبت را‌بازرسي بكنند و از وارده‌هاي دفاتر مزبور رونوشت بگيرند. رونوشت بايد به امضاي افسر مسئول و فرمانده كشتي برسد. همچنين مأمورين مزبور‌مي‌توانند از افسر مسئول يا فرمانده كشتي تحقيقات لازم به عمل آورده و در صورت لزوم از محموله نفتي نمونه‌برداري كنند در نقاطي كه سازمان بنادر و‌كشتيراني اداره يا دفتر يا نمايندگي ندارد ساير مقامات مذكور در ماده 11 به ترتيب فوق عمل خواهند كرد. ‌رونوشتي كه بدين ترتيب تهيه مي‌شود از لحاظ قانوني معتبر شناخته خواهد شد.
* ‌ماده 6 ـ مجازاتهاي مقرر در ماده 2 در موارد زير اعمال نخواهد شد: ‌الف ـ موارد استثنايي‌الودگي كه به خاطر رفع خطر از كشتي و يا نجات جان اشخاص ضروري و غير قابل اجتناب تشخيص داده شود مشروط بر آن كه اولاً‌ميزان‌الودگي با خطري كه كشتي و يا سرنشينان را تهديد مي‌كرده است متناسب باشد و ثانياً پس از وقوع اقدامات فوري به منظور جلوگيري و رفع آثار‌آن صورت گرفته باشد. ب ـ‌الودگي غير عمدي كه درنتيجه نشتي پيش‌بيني نشده و يا معلول خرابي و خلل اتفاقي كشتي و يا خطوط لوله و يا تأسيسات باشد مشروط بر‌آنكه پس از وقوع اقدامات فوري به منظور جلوگيري و رفع آثار آن صورت گرفته باشد. ‌تبصره ـ در كليه موارد مذكور در بالا مسئولين مكلف خواهند بود كه جريان امر را فوراً به مقامات صلاحيتدار نزديك‌ترين بندر ايران اطلاع دهند در‌غير اين صورت متخلفين به حداقل مجازات مذكور در ماده دو محكوم خواهند شد. ج ـ در مورد تخليه يا نشت از كشتيهاي غير نفتكش در حال حركت در صورت احراز كليه شرايط زير: 1 ـ شدت تخليه يا نشست محتوي نفتي از شصت ليتر در هر ميل دريايي تجاوز نكند. 2 ـ نسبت نفت موجود در مخلوط نفتي از يك در ده‌هزار تجاوز نكند. 3 ـ تخليه يا نشت در فاصله حداقل 12 ميلي از نزديك‌ترين نقطه درياي ساحلي ايران صورت گيرد. ‌د ـ در مورد تخليه يا نشت از نفتكشهاي در حال حركت در صورت احراز كليه شرايط زير: 1 ـ شدت تخليه يا نشت محتوي نفتي از شصت ليتر نفت در هر ميل دريايي تجاوز نكند. 2 ـ مقدار كل نفت مخلوط با آب توازن تخليه شده از نفتكش از يك سي هزارم ظرفيت بارگيري آن تجاوز نكند. 3 ـ فاصله نفتكش از نزديك‌ترين نقطه ساحل ايران بيش از پنجاه ميل باشد. ‌تبصره ـ تخليه يا نشت از قسمت تحتاني موتور خانه، تلمبه خانه نفتكش تابع حكم مقرر در بند ج اين ماده خواهد بود. ه ـ در مورد تخليه آب توازن از مخزن نفتكش در صورتي كه پس از حمل آخرين محموله به طوري پاك شده باشد كه مواد تخليه شده از آن به فرض‌متوقف بودن نفتكش در آب تميز و آرام در روزي كه‌هوا صاف باشد اثر مشهودي از نفت و فضولات آن به سطح يا زير آب يا سواحل مجاور باقي‌نگذارد. ‌در صورتي كه كشتي مجهز به دستگاه وارسي باشد يا آب توازن در بندر تخليه شود بايد قبلاً با اندازه‌گيري يا آزمايش آب توازن معلوم شود كه نسبت‌نفت موجود در آن از 15 قسمت در ميليون تجاوز نكند. ‌و ـ در مورد تخليه يا نشت از لوله‌ها، سكوهاي حفاري، جزاير مصنوعي،‌مخازن يا ساير تأسيسات در نتيجه قوه قهريه (‌فرس ماژور) مشروط بر‌آنكه قبلاً كليه اقدامات احتياطي انجام شده و پس از وقوع هم اقدامات فوري به منظور جلوگيري و رفع آثار آن صورت گرفته باشد.
* ‌ماده 7 ـ مسئولين پيش‌بيني شده در اين قانون مكلفند دستوراتي را كه از طرف مقامات صلاحيتدار به منظور جلوگيري از‌الودگي صادر و به آنان‌ابلاغ مي‌شود به موقع اجرا بگذارند. ‌مسئوليني كه از اجراي دستورات كتبي مقامات مزبور خودداري ورزند و نيز مسئولين كشتي كه تكليف راجع به نگهداري دفتر ثبت مقرر در‌ماده 3 اين قانون را انجام ندهند و يا مطلب نادرست و خلاف واقع در آن ثبت كنند به حداقل مجازات مقرر در ماده دو اين قانون محكوم خواهند شد.
* ‌ماده 8 ـ سازمان بنادر و كشتيراني مي‌تواند اقدامات لازم را جهت پيشگيري و جلوگيري از سرايت‌الودگي در موارد سوانح و اتفاقاتي كه موجب‌آلودگي دريا بشود يا به نحوي خطر وقوع‌الودگي را فراهم آورد كه سلامت آبهاي مقرر در ماده دو اين قانون را مورد تهديد قرار دهد به عمل آورد. ‌سازمان مزبور مي‌تواند در بنادر و اسكله‌هايي كه مقتضي بداند تسهيلات و تأسيسات لازم را به منظور تخليه آب توازن و فضولات نفتي از نفتكشها‌ايجاد و اداره نمايد كارمزد استفاده از اين تأسيسات به موجب آيين‌نامه‌اي كه از طرف سازمان بنادر و كشتيراني و شركت ملي نفت ايران تهيه مي‌شود‌تعيين خواهد شد.
* ‌ماده 9 ـ سازمان بنادر و كشتيراني مي‌تواند از طريق شركت ملي نفت ايران شركتهاي نفتي را كه در درياي ساحلي و فلات قاره ايران به اكتشاف و‌توليد و حمل و نقل و صدور نفت اشتغال دارند مكلف كند تا ظرف مدت مناسبي در بنادر صادراتي نفت ايران به ايجاد تأسيسات و تسهيلات مذكور در‌ماده قبل اقدام نمايد. در هر حال شركتهاي مزبور مكلفند كه در جريان اداره عمليات خود مقررات و نظاماتي را كه براي حفظ دريا از‌الودگي توسط دولت‌اعلام مي‌شود رعايت نمايند. ‌تبصره ـ در نقاطي كه تأسيسات و تسهيلات مذكور در اين ماده و ماده قبل ايجاد گرديده يا خواهد گرديد كشتيهايي كه قصد تخليه آب توازن‌الوده به‌نفت و فضولات نفتي خود را داشته باشند ملزم به استفاده از اين تأسيسات خواهند بود و شركت ملي نفت ايران مكلف است ترتيب اداره تأسيسات و تسهيلات مذكور را در بنادر صادراتي نفت ايران فراهم آورد.
* ‌ماده 10 ـ كشتيهاي مشمول اين قانون ملزم خواهند بود كه در حين ورود به درياي ساحلي ايران در مقابل خسارات احتمالي ناشي از‌الودگي كردن‌دريا بيمه شده باشند. ‌كشتيهايي كه بيمه نشده باشند بايد حامل تعهدنامه مالي جهت جبران خسارات باشند شرايط بيمه‌نامه يا تعهدنامه مالي و تعيين حداقل و حداكثر مبلغ‌هر يك به موجب آيين‌نامه‌اي خواهد بود كه به تصويب هيأت وزيران مي‌رسد.
* ‌ماده 11 ـ مقام صلاحيتدار اجراي اين قانون از طرف وزارت راه و ترابري، بنادر و كشتيراني مي‌باشد. ‌نيروهاي دريايي و هوايي شاهنشاهي و اداره كل هواپيمايي كشوري ايران و شركت ملي نفت ايران و سازمان حفاظت محيط زيست و ژاندارمري كشور‌مكلفند همكاري لازم را با سازمان بنادر و كشتيراني بنمايند.
* ‌ماده 12 ـ مأمورين سازمان بنادر و كشتيراني كه از طرف سازمان مزبور كشف و تعقيب جرائم در اين قانون مي‌شوند در صورتي كه وظايف ضابطين‌دادگستري را در كلاس مخصوص زير نظر دادستان شهرستان تعليم گرفته و موفق به دريافت گواهي لازم از دادستان شده باشند از لحاظ اجراي اين قانون‌در حدود وظايف قانوني خود در رديف ضابطين دادگستري محسوب مي‌شوند. ‌رسيدگي به جرائم مندرج در اين قانون تا زماني كه دادگاههاي اختصاصي مقرر در قانون دريايي ايران تشكيل نگرديده در صلاحيت دادگاه جنحه خواهد‌بود.
* ‌ماده 13 ـ در صورتي كه تخلف از مقررات اين قانون موجب توجه‌هر گونه خسارتي به بندرها و دريا بارها (‌پلاژها) يا ساير تأسيسات ساحلي ايران‌بشود و يا خسارتي به آبزيان و منابع طبيعي وارد آورد دادگاه مسئولين را به پرداخت خسارات وارده نيز محكوم خواهد نمود.
* ‌ماده 14 ـ مسئولين‌الودگي مكلفند كليه‌هزينه‌هايي را كه از طرف مقامات صلاحيتدار و يا به دستور آنان و توسط عاملين ديگر به منظور محدود‌كردن آثار‌الودگي و رفع آن به عمل بيايد بپردازند به طور كلي مقامات مزبور و سازمانها و عاملين وابسته به آنها در مقابل خدماتي كه به منظور فوق انجام‌مي‌دهند مستحق دريافت كارمزد مناسب خواهند بود.
* ‌ماده 15 ـ سازمان بنادر و كشتيراني مي‌تواند در صورت لزوم تأمين خواسته را معادل خسارت وارده از مراجع قضايي صالحه طبق مقررات آيين‌دادرسي كيفري درخواست نمايد.
* ‌ماده 16 ـ دولت مكلف است كه به منظور حفاظت آبهاي موضوع اين قانون از‌الودگي نسبت به‌همكاري و تشريك مساعي با دولتهاي ذينفع اقدام‌و موافقتنامه‌هايي را كه در اين خصوص لازم مي‌داند تنظيم و اجرا نمايد.
* ‌ماده 17 ـ مدت مرور زمان دعوي خسارت موضوع ماده 13 اين قانون شش سال از تاريخ وقوع خسارت خواهد بود.
* ‌ماده 18 ـ هر گونه بررسي شرايط اقليمي‌و بومي‌(‌اكولوژيك) دريايي و همچنين جلوگيري از‌الودگي آبهاي موضوع ماده 2 بغير از موارد مذكور در‌اين قانون كماكان به عهده سازمان حفاظت محيط زيست مي‌باشد.
* ‌ماده 19 ـ وزارت راه و ترابري و وزارت دادگستري موظف به اجراي اين قانون مي‌باشند. ‌آيين‌نامه‌هاي مربوط به اين قانون را سازمان بنادر و كشتيراني با مشاركت سازمان حفاظت محيط زيست و شركت ملي نفت ايران تهيه خواهد كرد. ‌آيين‌نامه‌هاي مزبور پس از تصويب هيأت وزيران به موقع اجرا گذارده خواهد شد.
* [امضاء] ‌قانون فوق مشتمل بر نوزده ماده و هشت تبصره پس از تصويب مجلس سنا در جلسه روز چهارشنبه 1354.9.19، در جلسه روز سه‌شنبه چهاردهم‌بهمن ماه يك هزار و سيصد و پنجاه و چهار شمسي به تصويب مجلس شوراي ملي رسيد. ‌رييس مجلس شوراي ملي ـ عبدالله رياضي

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=88585>

# قانون قرارداد بين كشورهاي منطقه خليج فارس و شركتهاي نفتي در مورد تعيين بهاي نفت خام

* ‌ماده واحده ـ به دولت اجازه داده مي‌شود آن قسمت از ترتيبات مقرر در موافقتنامه كشورهاي اطراف خليج فارس با شركتهاي خريدار نفت خام‌ مورخ 30 دي ماه 1350 (‌برابر با 20 ژانويه 1972) ضميمه اين ماده واحده را كه مربوط به ايران مي‌باشد به موقع اجراء بگذارد.
* [امضاء] قانون فوق مشتمل بر يك ماده و متن قرارداد ضميمه پس از تصويب مجلس شوراي ملي در جلسه روز سه‌شنبه 12/1/1351 در جلسه روز دوشنبه‌ بيست و دوم خرداد ماه يك هزار و سيصد و پنجاه و يك شمسي به تصويب مجلس سنا رسيد. ‌رييس مجلس سنا ـ جعفر شريف‌امامي
* ‌قرارداد بين كشورهاي منطقه خليج فارس و شركتهاي نفتي در مورد تعيين بهاي نفت خام قرارداد ‌ابوظبي. ايران. عراق. كويت. قطر و عربستان سعودي (‌كه از اين پس در اين قرارداد به نام "‌كشورهاي خليج" خوانده مي‌شوند و شركتهاي نامبرده در‌ضميمه شماره يك اين قرارداد و شركتهاي وابسته آنها (‌كه از اين پس در اين قرارداد به نام "‌شركتها" خوانده مي‌شوند) قبلاً ترتيبات مختلفي از جمله ‌قراردادهاي نامبرده در زير را منعقد ساخته‌اند. ‌قرارداد مورخ 14 فوريه 1971 بين كشورهاي خليج و برخي از شركتها راجع به نفت صادر از خليج، قرارداد مورخ 14 مه 1971 بين كويت و عربستان‌سعودي و شركت نفت عربي راجع به نفت صادر از خليج، قرارداد مديترانه شرقي مورخ 7 ژوئن 1971 بين عراق و برخي از شركتها و قراردادهاي مورخ23 ژوئن 1971 بين عربستان سعودي و شركت نفت عربي آمريكايي راجع به فروش نفت خام براي تحويل در بندر صيدون (‌لبنان) و مرتبط با قرارداد‌مورخ 14 فوريه 1971 در زمينه فروش نفت خام توسط آرامكو براي صدور از خليج. (‌كليه قراردادهاي ياد شده بالا در اين قرارداد به نام "‌قراردادهاي مربوط"خوانده مي‌شوند). ‌طرفين موافقت كرده‌اند كه ترتيبات مزبور را تا حدود و به نحو مقرر در اين قرارداد تكميل نمايند. و از اين رو درباره مراتب زير به توافق رسيده‌اند.
	+ 1 ـ اين قرارداد مكمل و جزئي از ترتيبات موجود بين هر يك از كشورهاي خليج و هر يك از شركتها، از جمله "‌قراردادهاي مربوط" نامبرده بالا مي‌باشد كليه ترتيبات مزبور "‌از جمله جزء الف و جزء ب بند 3 قرارداد مورخ 14 فوريه 1971 تسري داده شده به صادرات كشورهاي خليج از بنادر مديترانه ‌شرقي (‌كه از اين پس در اين قرارداد به صادرات مديترانه شرقي" خوانده مي‌شوند) بر طبق شرايط مربوط به قوت خود باقي خواهند ماند. اما عراق و‌ عربستان سعودي ذيحق خواهند بود تعديلات ديگري در قيمت‌هاي "‌صادرات مديترانه شرقي" خواستار شوند و شركتهاي مربوط بايد اين تعديلات را‌با حسن نيت مورد بررسي قرار دهند و از قبول آنها بدون دليل معوق استنكاف نورزند مشروط بر اين كه: ‌الف ـ هر قراردادي كه همان مواد مصرح در اين قرارداد را مورد توجه قرارداده و يكي از قراردادهاي موجود را اصلاح كند، بين يكي از توليدكنندگان‌ منطقه مديترانه و يكي از شركتهاي بزرگ نفتي (‌به شرح مذكور در قرارداد مورخ 14 فوريه 1971) منعقد شده باشد، و ب ـ افزايش‌هايي در قيمت‌هاي اعلام شده در چنين قراردادي مقرر گرديده باشند كه وقتي به صورت درصد بيان شوند از درصد افزايش حاصل از ‌اجراي مدلول ضميمه شماره 2 اين قرارداد در مورد "‌صادرات مديترانه شرقي" زيادتر باشند، و ج ـ افزايش‌هايي در قيمت‌هاي اعلان شده در چنين قراردادي مقرر گرديده باشند كه از افزايش‌هايي كه بر مبناي فرمولي از لحاظ مفهوم كلي همانند ‌مدلول ضميمه 2 اين قرارداد، پس از در نظر گرفتن عوامل مختلف و سايرنابرابريهاي مربوط اگر وجود داشته باشند، محاسبه شوند، زيادتر باشند.
	+ 2 ـ شركتها متعهد مي‌شوند كه تعديلات قيمتهاي نفت خام مقرر در قراردادهاي مربوط. از جمله افزايش‌هاي دوره‌اي را با تعديلات اضافي ديگري در ‌قيمتهاي نفت خام كه ممكن است به موجب ضميمه شماره 2 كه پيوست اين قرارداد است و جزئي از اين قرارداد محسوب مي‌شود مقرر گردد تكميل ‌نمايند.
	+ 3 ـ الف ـ براي انجام ترتيباتي كه به موجب آن هر يك از شركتها عمليات خود را در قلمرو هر يك از كشورهاي خليج ادامه مي‌دهند براي تبديل ‌قيمتهاي اعلان شده به پولهايي غير از ليره و تبديل بدهي‌هاي به‌دولتها يا مؤسسات دولتي، كه به پولهايي غير از پول قابل پرداخت محاسبه يا نشان داده‌شده باشند به پول قابل پرداخت. 1 ـ نرخ ارز مورد عمل در هر ماه براي پولهايي غير از پول كشور مربوط عبارت خواهد بود از ميانگين ساده گواهي شده بانك نشنال وست مينيستر لندن (‌يا هر بانك ديگر كه مورد قبول طرفين باشد) ميانگين‌هاي روزانه نرخ خريد و فروش انتقالات تلگرافي پولهاي مورد بحث كه در روزهايي كه از هر ماه‌كه بازار ارز خارجي لندن باز باشد از طرف بانك در ساعت ده و نيم صبح به وقت گرينويچ اعلان شده باشد، و 2 ـ نرخ ارز مورد عمل در هر ماه براي پول كشور مربوط عبارت خواهد بود از ميانگين موزون ماهانه نرخي كه بر مبناي آن پول مزبور توسط شركت در‌آن ماه خريداري شده است. ب ـ هر شركت ذيحق خواهد بود پول محلي مورد نياز براي انجام تعهدات خود به موجب قراردادهاي موجود را به نرخ‌هاي پولي تجارتي كه معمولاً‌بدون تبعيض در دسترس مي‌باشد خريداري نمايد.
	+ 4 ـ هر يك از كشورهاي خليج قبول مي‌كند كه تعهدات شركتها به‌موجب اين قرارداد و "‌قراردادهاي مربوط" نامبرده بالا "‌براي كليه دعاوي و هدفهاي‌كشورهاي خليج نسبت به تغييراتي كه در ارزش هر پول" چه بر حسب يك معيار مشترك و چه بر حسب پول ديگري پديد آمده، و يا ممكن است پديد ‌آيد، و نيز براي تغييرات در قدرت خريد، يا ارزش واقعي درآمد حاصل از صادرات نفت از كشورهاي خليج در طي مدتي كه در 31 دسامبر 1975 پايان ‌مي‌يابد. از جمله دعاوي و هدفهايي كه مربوط به اين مسائل مي‌باشند، و در قطعنامه‌هاي اوپك، به ويژه قطعنامه‌هاي شماره 32، 90، 103، 122، 131‌و 140 بدان‌ها اشاره شده يا تصريح شده، در حكم توافقي عادلانه و مناسب و قطعي به شمار مي‌آيند.
	+ 5 ـ هر يك از كشورهاي خليج در قلمرو خود تدابير لازم را براي اجراي مقررات اين قرارداد اتخاذ خواهد كرد.
	+ 6 ـ هر يك از شركتهاي طرف اين قرارداد كه طرف "‌قراردادهاي مربوط" نامبرده بالا نبوده است با امضاي اين قرارداد مقررات قرارداد مورخ 14 فوريه1971 را تا جايي كه مربوط به عملياتش در قلمرو هر يك از كشورهاي خليج مي‌شود، از تاريخ اجراي اين قرارداد مي‌پذيرد و رعايت مي‌كند.
	+ 7 ـ "‌شركت وابسته" هر شركت عبارت است از هر شركتي كه تمام يا قسمتي از آن به طور مستقيم يا غير مستقيم در تملك آن شركت باشد.
	+ 8 ـ "‌تاريخ اجراء" اين قرارداد 20 ژانويه 1972 مي‌باشد. ‌ژنو ـ 20 ژانويه 1972 ‌از طرف كشورهاي خليج: از طرف شركتها: ‌مناسعيد عتيبه ـ ابوظبي جورج تي. پيرسي ‌جمشيد آموزگار ـ ايران ب.‌ا. كارلايل ‌رشيدالرفاعي ـ عراق ا.‌سي. دكران (‌جوييور) ‌عبدالرحمن العتيقي ـ كويت جي. دبليو. سيمونز ‌حسن كامل ـ قطر جي. دبليو. آر. ساتكليف ‌احمد زكي يماني ـ عربستان سعودي
* ‌ضميمه شماره 1 ‌شركت نفت انگليس محدود. ‌شركت فرانسوي نفت. ‌شركت گالف اويل. ‌شركت موبيل اويل. ‌شركت نفت شل محدود و شركت نفت شل ان.‌وي ‌شركت استاندارد اويل كاليفرنيا. ‌شركت استاندارد اويل (‌نيوجرزي). ‌شركت تگزاگو. ‌شركت نفت كنتينانتال. ‌شركت آتلانتيك ريچفيلد ‌شركت استاندارد اويل (‌اوهايو). ‌شركت سهامي نفت هيسپانيكا. ‌شركت نفت امريكن اينديپندنت ايران. ‌شركت نفت سيگنال (‌ايران). ‌شركت نفت عربي محدود. ‌شركت نفت فيليپس.
* ‌ضميمه شماره 2
	+ 1 ـ از تاريخ اجراء قيمت كنوني اعلان شده براي هر نوع نفت خام صادر از كشورهاي خليج به ميزان 8.49 درصد افزايش خواهد يافت. در مورد ‌قيمت‌هاي اعلان شده "‌صادرات مديترانه شرقي" اين افزايش به قيمت‌هاي اعلان شده "‌بدون اضافه پرداخت كانال سوئز و امتياز موقت حمل و نقل" و‌به ميزان اضافه پرداخت كانال سوئز و امتياز موقت حمل و نقل كه گاه به‌گاه مورد عمل واقع شود جداگانه تعلق خواهد گرفت.
	+ 2 ـ از آن به بعد تعديل قيمت‌هاي اعلان شده به شرح زير خواهد بود: ‌الف ـ ميانگين ساده تغييرات "‌نرخ ارز" 9 پول ديگر "‌كشورهاي گروه ده" در مقابل دلار امريكا (‌برحسب نرخهاي مركزي برابري صندوق بين‌المللي پول ‌در30 آوريل 1971) به طوري كه در الحاقي (‌الف) نشان داده شده 11.02 درصد مي‌باشد و اين ميانگين ساده از اين پس در اين قرارداد (‌ميانگين مبدأ)‌ خوانده مي‌شود. ب ـ در اول مارس، اول ژوئن، اول سپتامبر و اول دسامبر هر سال ميانگين ساده تغييرات "‌نرخ ارز" 9 پول نامبرده در مقابل دلار امريكا با برابريهاي ‌مورد عمل صندوق بين‌المللي پول در 30 آوريل 1971 مجدداً محاسبه خواهد گرديد. چنانچه در نتيجه اين تجديد محاسبه اختلافي به‌ميزان 2 درصد‌تمام يا بيشتر بالاتر يا پايين‌تر از "‌ميانگين مبدأ" (‌يا آخرين "‌ميانگين مورد عمل" بر حسب مورد) مشاهده شود ميانگين جديد حاصل از اين تجديد ‌محاسبه از اولين دوره سه‌ماهه تقويمي بعد به عنوان "‌ميانگين مورد عمل" محسوب خواهد شد "‌نرخ ارز" مورد بحث در اين قرارداد عبارت است از نرخ‌تبديل موجود بين هر يك از 9 پول و دلار آمريكا كه در نتيجه توافق در مورد تجديدنظر در نرخ‌هاي ارز "‌كشورهاي گروه ده" يا نرخهاي ديگري كه‌ جانشين آنها باشند حاصل شده و به اطلاع صندوق بين‌المللي پول رسانيده شده باشد. ‌چنانچه هر يك از پول‌هاي نه گانه مربوط در آينده در مقابل دلار مجاز به نوسان گردد (‌بدين معني كه نرخ تبديل آن ديگر از طرف بانك مركزي كشور ‌مربوط بين حدود عمومي مورد عمل اعضاي صندوق بين‌المللي پول حفظ نشود) نرخ تبديلي كه براي آن پول در محاسبه پيش گفته به كار خواهد رفت ‌عبارت خواهد بود از ميانگين ساده ميانگينهاي نرخ خريد و فروش انتقالات تلگرافي پول مربوط بر حسب دلار آمريكا كه در ساعت ده و نيم صبح به ‌وقت گرينويچ در روزهايي از ماه تقويمي قبل از ماه محاسبه كه بازار ارز خارجي لندن باز است به وسيله بانك ناشنال وست مينيستر محدود در لندن ‌اعلام شده و مورد گواهي بانك نامبرده باشد. ج ـ از تاريخ برقراري "‌ميانگين مورد عمل" جديد قيمت اعلان شده هر نفت خام به شرح زير تعديل خواهد شد. 1 ـ در مورد قيمت‌هاي اعلان شده نفت خام صادر از خليج: (‌قيمت اعلان شده تعديل شده) مساوي است با 849% (BـA\* T ) 2./11 (‌قيمت اعلان شده "‌شامل كليه افزايش‌هاي دوره‌اي قابل اعمال به‌موجب قرارداد مربوط" كه در اولين روز دوره سه‌ماهه در صورت عدم كاربرد اين ‌آخرين تعديل حكمفرما مي‌بود). 2 ـ در مورد قيمتهاي اعلان شده "‌صادرات مديترانه شرقي" فرمول مشروح در شق (1) بالا به طور جداگانه براي قيمتهاي اعلان شده (‌بدون اضافه‌ پرداخت كانال سوئز و امتياز موقت حمل و نقل ولي با كليه افزايش‌هاي دوره‌اي كه به موجب قرارداد مربوط قابل اعمال شده باشند) مجري خواهد‌گرديد. ‌مجموع چنين اضافه پرداخت‌ها و امتيازها كه در هر مورد قابل اعمال باشند در فرمول زير ضرب خواهد شد و حاصل ضرب به نتيجه محاسبه‌اي كه ‌براي قيمت اعلان شده به شرح مذكور در جمله اول شق (2) از جزء ج بالا به دست آمده اضافه خواهد شد. (‌ميزان تعديل شده اضافه پرداخت كانال سوئز و امتياز موقت حمل و نقل) مساوي است با (‌اضافه پرداخت كانال سوئز و امتياز موقت حمل و نقل كه به ‌موجب قرارداد مربوط بدون در نظر گرفتن هرگونه تعديلات موضوع اين قرارداد تعيين گرديده) ضربدر (849/.\*B+1) 2./11 كه در آن =T قيمت ‌اعلان شده مورد عمل در روز قبل از تاريخ اجراي اين قرارداد به‌نحوي كه در قرار داد مربوط مقرر گرديده. =A آخرين "‌ميانگين مورد عمل" قبل از تاريخ تغيير پول (‌يا "‌ميانگين مبدأ" در صورتي كه ميانگين مورد عمل قبلي‌اي جانشين آن نشده باشد). ‌و =B‌ ميانگين مورد عمل جديد مي‌باشد. ‌د ـ عليرغم جزء ج بالا هيچ قيمت اعلان شده‌اي در هيچ دوره‌اي از ميزاني كه بدون در نظر گرفتن آثار تعديلات موضوع اين قرارداد در آن دوره به ‌موجب قراردادي مربوط مورد عمل واقع مي‌شد كمتر نخواهد بود. چنانچه نتيجه محاسبه مذكور در جزء ج به قيمت اعلان شده تعديل شده‌اي برسد كه ‌از ميزان مزبور كمتر باشد اين محاسبه همچنان گاه به‌گاه به صورتي كه اگر قيمت اعلان شده به ميزان قيمت اعلان شده تعديل شده كاهش مي‌يافت ادامه‌ مي‌يابد و هرگاه نتيجه محاسبه مجدداً قيمت اعلان شده تعديل شده‌اي به دست دهد كه از آن ميزان فزون‌تر باشد قيمت اعلان شده تعديل خواهد يافت. ‌الحاقي "‌الف" به ضميمه شماره 2 ‌تغييرات نرخ ارز در مقابل دلار آمريكا: (‌نرخ‌هاي مركزي مورد عمل در تاريخ اجراي قرارداد در مقابل نرخهاي مورد عمل صندوق بين‌المللي پول در 30 آوريل 1971). ‌بلژيك % 11.57+ ‌فرانسه % 8.57 + ‌آلمان % 13.58+ ‌ايتاليا % 7.48 + ‌ژاپن % 16.88+ ‌هلند % 11.57+ ‌سوئد % 7.49 + ‌انگلستان % 8.57 + ‌سوييس % 13.50+ ـــــــــــــــــ ‌جمع 99.21+ ‌ميانگين ساده = (99.21) = 11.02" درصد + ‌ 9
	+ [امضاء] قرارداد فوق منضم به قانون قرارداد بين كشورهاي منطقه خليج فارس و شركتهاي نفتي در مورد تعيين بهاي نفت خام مي‌باشد. رييس مجلس سنا ـ جعفر شريف‌امامي

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=78727>

# ‌قانون قرارداد الحاقي به قرارداد بين شركت ملي نفت ايران و شركت پان‌امريكن پتروليوم كورپوريشن (‌شركت نفت اموكو‌ايران)

* ‌ماده واحده ـ قرارداد الحاقي به قرارداد بين شركت ملي نفت ايران و شركت پان‌امريكن پتروليوم كورپوريشن (‌شركت نفت اموكو ايران) مصوب ‌هيجدهم ارديبهشت 1337 را كه مشتمل بر يك مقدمه و چهار ماده به‌شرح پيوست مي‌باشد و به امضاي شركت ملي نفت ايران از يك طرف و شركت‌نفت اموكو ايران از طرف ديگر رسيده و طبق مقررات ماده دوم قانون نفت مصوب هفتم مرداد ماه يك هزار و سيصد و سي و شش مورد تأييد دولت ‌واقع گرديده است تصويب و به دولت اجازه مبادله و اجراي آن داده مي‌شود. ‌وزارت دارايي مي‌تواند نسبت به اختلافات مالياتي تا آخر سال 1971 با توجه به مقررات قرارداد الحاقي حاضر به نحو مقتضي با شركت نفت اموكو‌ايران توافق نموده و مفاصا حساب مالياتي صادر نمايد.
* [امضاء] قانون فوق مشتمل بر يك ماده و متن قرارداد الحاقي پس از تصويب مجلس شوراي ملي در جلسه روز يكشنبه 8/11/1351 در جلسه روز دوشنبه‌سي‌ام بهمن ماه يك هزار و سيصد و پنجاه و يك شمسي به‌تصويب مجلس سنا رسيد. رييس مجلس سنا ـ جعفر شريف امامي
* ‌قرارداد الحاقي به قرارداد بين شركت ملي نفت ايران و شركت پان‌امريكن پتروليوم كورپوريشن (‌شركت نفت اموكو ايران) ‌اين قرارداد الحاقي بين شركت ملي نفت ايران (‌كه از اين پس "‌طرف اول"ناميده مي‌شود) و اموكو ايران اويل كمپاني (‌شركتي كه به موجب قوانين ‌ايالات دلاوار از كشورهاي متحده آمريكا تشكيل يافته و از اين پس "‌طرف دوم" ناميده مي‌شود) منعقد مي‌گردد. ‌نظر بر اينكه قراردادي براي ايجاد يك دستگاه مختلط بين طرف اول و شركت پان‌امريكن پتروليوم كورپوريشن منعقد گرديده و از تاريخ 15 خرداد1337 مطابق با پنجم ژوئن 1958 به موقع اجرا گذارده شده است (‌كه از اين پس "‌قرارداد اصلي" ناميده مي‌شود). ‌و نظر بر اينكه پان‌امريكن پتروليوم كورپوريشن به موجب مقررات ماده 36 قرارداد اصلي كليه منافع و حقوق و تعهداتي را كه به موجب آن قرارداد ‌داشته به شركت پان‌امريكن اينترنشنال اويل كمپاني انتقال داده است. ‌و نظر بر اينكه شركت پان‌امريكن اينترنشنال اويل كمپاني از تاريخ اول مهرماه 1348 (‌دهم اكتبر 1969) نام خود را به شركت نفت اموكو ايران تغيير‌داده است. ‌و نظر بر اينكه طرفهاي اول و دوم به دنبال مذاكراتي نسبت به اصلاح و توضيح برخي از مقررات قرارداد اصلي موافقت كرده‌اند. ‌عليهذا بدين وسيله طرفين به شرح زير توافق حاصل نمودند:
	+ ‌ماده 1ـ نرخ ماليات بر درآمد كه در بند(‌الف) ماده 31 قرارداد اصلي ذكر شده است از تاريخ 22 آبان 1349 (14 نوامبر 1970) به موجب قانون مورخ19 اسفند 1349 مبني بر اصلاح ماده 173 قانون مالياتهاي مستقيم مورخ 28 اسفند 1345 به پنجاه و پنج درصد تغيير يافته است.
	+ ‌ماده 2ـ همانطوركه در بند 11ماده 15 قرارداد اصلي مقرر است مبلغي كه طرف دوم از بابت استهلاك كليه هزينه‌هاي اكتشافي (‌و‌منجمله كليه ‌مبلغي كه به موجب مقررات بند 12از ماده 15 قرارداد اصلي به طرف اول پرداخت مي‌شود) در هر دوره مالياتي از درآمد ناويژه خود كسر مي‌كند ‌هيچگاه از معادل ده سنت نسبت به هر بشكه نفت صادر شده كمتر نخواهد بود. ‌كسر مبلغي اضافه بر ده سنت مذكور موكول به موافقت قبلي و كتبي وزارت دارايي و طرف اول خواهد بود.
	+ ‌ماده 3ـ ماليات بر درآمد متعلق به پنجاه درصد سهم هر يك از طرفهاي اول و دوم از بابت نفت خام در هر دوره مالياتي مستقيماً توسط طرف مربوط‌پرداخت خواهد شد علاوه بر مالياتي كه به شرح فوق تأديه مي‌شود شركتهاي فرعي هيچيك از طرفين از بابت خريد يا صدور نفت خام توليد شده از‌ناحيه قرارداد مشمول هيچگونه پرداختي به هيچيك از مقامات دولتي ايران اعم از مركزي يا محلي نخواهد بود.
	+ ‌ماده 4ـ اين قرارداد الحاقي كه توسط طرفين امضاء شده به تصويب مجلسين ايران خواهد رسيد و از تاريخي كه قانون مربوط به تصويب آن به‌صحه ملوكانه برسد قابل اجرا خواهد بود. ‌اين قرارداد الحاقي در تاريخ روز سوم ماه آبان 1351 مطابق با بيست و پنجم اكتبر 1972 در تهران منعقد و مبادله گرديد. ‌شركت ملي نفت ايران ‌شركت نفت اموكو ايران ‌رييس هيأت مديره و مدير عامل.
	+ [امضاء] قرارداد فوق مشتمل بر يك مقدمه و چهار ماده منضم به قانون قرارداد الحاقي به قرارداد بين شركت ملي نفت ايران و شركت پان‌امريكن پتروليوم‌كورپوريشن (‌شركت نفت اموكو ايران) مي‌باشد. رييس مجلس سنا ـ جعفر شريف امامي

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=79484>

# ‌قانون قرارداد‌الحاقي سوم به قرارداد فروش نفت و گاز

‌قانون قرارداد‌الحاقي سوم به قرارداد فروش نفت و گاز

* ‌ماده واحده ـ قرارداد‌الحاقي سوم به قرارداد فروش نفت و گاز مصوب هفتم آبان ماه 1333 كه مشتمل بر يك مقدمه و چهار بند مي‌باشد و به‌امضاي ‌دولت ايران و شركت ملي نفت ايران به عنوان طرفهاي اول و شركتهاي مفصلهْْ‌الاسامي ‌زير: ‌گلف اويل كورپوريشن (Gulf Oil Corporation) ‌موبيل اويل كورپوريشن (Mobil Oil Corporation) ‌استاندارد اويل كمپاني (Standard Oil Company) ‌استاندارد اويل كمپاني آو كاليفرنيا (Standard Oil Company of California) ‌تكساكو اينكورپوريتد (Texaco INC) ‌دي بريتيش پتروليوم كمپاني ليميتد (The British petroleum Company Limited) ‌شل پتروليوم ان. وي ـ كمپاني فرانسزده پترول ـ گلف اينترنشنال كمپاني (Shell Petroleum N. V.) (CompanyFrancaise des Petroles)(Gulf International Company) ‌موبيل اويل ايران اينكورپوريتد (Mobil Oil (Iran) Inc. ‌اسوتريدينگ كمپاني آو ايران (Esso Trading company of Iran) ‌ايران كاليفرنيا اويل كمپاني ـ تكساكو ايران ليميتد (Iran California Oil Company texaco Iran Ltd) ‌ندرلندز ايرانز اردولي‌هاندل ماتشاپاي (Netherlands Iraanse Aardolie HandelMaatschappij) ‌اويل تريدينگ كمپاني (‌ايران) ليميتد (Oil Trading Company (Iran) Limited) ‌امريكن اينديپندنت اويل كمپاني (American Independent Oil Company) ‌آتلانتيك ريچفيلد كمپاني ـ كنتينانتال اويل كمپاني (Atlantic Richfield Company) Continental Oil Company) ‌گتي اويل كمپاني ـ دي سيگنال كمپانيز اينكورپوريتد (Getty Oil Company) (The Signal Companies Inc) ‌دي استاندارد اويل كمپاني (‌اوهايو) (The Standard Oil Company (Ohio) ‌امريكن ايندي‌پندنت اويل كمپاني آو ايران (American Independent Oil Company of Iran) ‌آركو ايران اينكورپوريتد (Arco Iran, Inc) ‌گتي ايران ليميتد ـ كالتكس (‌ايران) ليميتد (Getty Iran Ltd) (Caltex Iran) Limited) ‌سان جاسينتو ايسترن كورپوريشن (San Jacinto Eastern CorP) ‌سيگنال (‌ايران) پتروليوم كمپاني (Signal (Iran) petroleum Company) ‌ساهايو ـ ايران تريدينگ اينكورپوريتد (Sohio ـ Iran Trading, Inc) ‌ايرانز اردولي رافيناج ماتشاپاي (Iraanse Aardolie Raffinge Maatschappij) (‌شركت سهامي‌تصفيه نفت ايران) ن. و ‌ايرانز اردولي اكسپلورتي آن پرودكتي ماتشاپاي (Iraanse Aardolie Exploratie on Productie Maatschappij) (‌شركت سهامي‌اكتشاف و توليد نفت ايران) ن. و ‌به عنوان طرفهاي دوم رسيده است تصويب و به دولت اجازه اجرا و مبادله آن داده مي‌شود. ‌قانون فوق مشتمل بر يك ماده و متن قرارداد ضميمه پس از تصويب مجلس شوراي ملي در جلسه روز يكشنبه 13/10/1349 در جلسه روز دوشنبه ‌ششم ارديبهشت ماه يك هزار و سيصد و پنجاه شمسي به تصويب مجلس سنا رسيد.
* [امضاء] رييس مجلس سنا ـ جعفر شريف‌امامي
* ‌قرارداد‌الحاقي سوم ‌اين قرارداد‌الحاقي بين ايران از طريق دولت شاهنشاهي ايران و شركت ملي نفت ايران (‌شركتي كه طبق قوانين ايران تشكيل يافته و وجود دارد) به‌عنوان طرفهاي اول و شركتهاي نامبرده زير به عنوان طرفهاي دوم منعقد شده است: ‌گلف اويل كورپوريشن Gulf Oil Corporation (‌شركتي كه طبق قوانين پنسيلوانياي ممالك متحده امريكا تشكيل يافته و وجود دارد) ‌و ‌موبيل اويل كورپوريشن Mobil Oil Corporation (‌شركتي كه طبق قوانين نيويورك ممالك متحده امريكا تشكيل يافته و وجود دارد) ‌و ‌استاندارد اويل كمپاني Standard Oil Company (‌شركتي كه طبق قوانين نيوجرزي ممالك متحده امريكا تشكيل يافته و وجود دارد) ‌و ‌استاندارد اويل كمپاني آو كاليفرنيا Standard Oil Company of California (‌شركتي كه طبق قوانين دلاوار ممالك متحده امريكا تشكيل يافته و وجود دارد) ‌و ‌تكساكو اينكورپوريتد Texaco INC (‌شركتي كه طبق قوانين دلاوار ممالك متحده امريكا تشكيل يافته و وجود دارد) ‌و ‌دي بريتيش پتروليوم كمپاني ليميتد The British petroleum Company Limited (‌شركتي كه طبق قوانين انگليس تشكيل يافته و وجود دارد) ‌و ‌شل پتروليوم ان. وي Shell Petroleum N. V. (‌كه سابقاً باتافسه پتروليوم ماتشاپاي ن. و ناميده مي‌شد) (‌شركتي كه طبق قوانين هلند تشكيل يافته و وجود دارد) ‌و ‌كمپاني فرانسزده پترول Company Francaise des Petroles (‌شركتي كه طبق قوانين فرانسه تشكيل يافته و وجود دارد) (‌كه از اين به بعد مجتمعاً "‌شركتهاي عضو ‌اصلي" ناميده مي‌شود) ‌و ‌گلف انترنشنال كمپاني Gulf International Company ‌و ‌موبيل اويل ايران اينكورپوريتد Mobil Oil Iran Inc. ‌و ‌اسو تريدينگ كمپاني آو ايران Esso Trading company of Iran ‌و ‌ايران كاليفرنيا اويل كمپاني Iran California Oil Company ‌و ‌تكساكو ايران ليميتد texaco Iran Ltd ‌و ‌ندرلندز ايرانز اردولي‌هاندل ماتشاپاي (‌ندرلندز ايرانين اويل تردينگ كمپاني) ن. و Netherlands Iraanse Aardolie Handel Maatschappij (Netherlands Iranian Oil Trading Co.) N. V. ‌و ‌اويل تريدينگ كمپاني (‌ايران) ليميتد و امريكن ايندي‌پندنت اويل كمپاني (‌شركتي كه طبق قوانين دلاوار ممالك متحده امريكا تشكيل يافته و وجود دارد) Oil Trading Company (Iran) Limited ‌و ‌آتلانتيك ريچفيلد كمپاني (‌شركتي كه طبق قوانين پنسيلوانياي ممالك متحده امريكا تشكيل يافته و وجود دارد) Atlantic Richfield Company ‌و ‌كنتينانتال اويل كمپاني Continental Oil Company (‌شركتي كه طبق قوانين دلاوار ممالك متحده امريكا تشكيل يافته و وجود دارد) ‌و ‌گتي اويل كمپاني Getty Oil Company (‌شركتي كه طبق قوانين دلاوار ممالك متحده امريكا تشكيل يافته و وجود دارد) ‌و دي سيگنال كمپانيز اينكورپوريتد The Signal Companies Inc (‌شركتي كه طبق قوانين دلاوار ممالك متحده امريكا تشكيل يافته و وجود دارد و سابقاً سيگنال اويل اندگس كمپاني ناميده مي‌شد) ‌و ‌دي استاندارد اويل كمپاني (‌اوهايو) The Standard Oil Company (Ohio) (‌شركتي كه به موجب قوانين اوهايو ممالك متحده امريكا تشكيل يافته و وجود دارد) ‌و ‌امريكن اينديپندنت اويل كمپاني آو ايران American Independent Oil Company of Iran ‌و ‌آركو ايران اينكورپوريتد Arco Iran, Inc (‌كه سابقاً ايران آتلانتيك كمپاني Iran Atlantic Company ناميده مي‌شد) ‌و ‌گتي ايران ليميتد Getty Iran Ltd (‌كه سابقاً پاسيفيك وسترن ايران ليميتد Pacific Western ـ Iran Ltd‌ ناميده مي‌شد) ‌و ‌كالتكس ايران ليميتد Caltex (Iran) Limited ‌و ‌سان جاسينتو ايسترن كورپوريشن San Jacinto Eastern Corp. ‌و ‌سيگنال (‌ايران) پتروليوم كمپاني Signal (Iran) petroleum Company ‌و ‌ساهايو ـ ايران تريدينگ اينكورپوريتد Sohio ـ Iran Trading, Inc ‌و ‌ايرانز اردولي اكسپلورتي آن پرودكتي ماتشاپاي (‌شركت سهامي‌اكتشاف و توليد نفت ايران) ن. و Iraanse Aardolie Exploratie on Productie Maatschappij (Iranian Oil Exploration and producing Company) N. V. (‌شركتي كه به موجب قوانين هلند تشكيل يافته و وجود دارد) ‌و ‌ايرانز اردولي رافيناج ماتشاپاي (‌شركت سهامي‌تصفيه نفت ايران) ن. و Iraanse Aardolie Raffinge Maatschappij (Iranian Oil Refining Company) N. V. (‌شركتي كه به موجب قوانين هلند تشكيل يافته و وجود دارد) ‌نظر به اينكه گتي اويل كمپاني Getty Oil Company و تايد واتر اويل كمپاني Tide Water Oil Company و شركتهاي بازرگاني آنها در ايران ‌پاسيفيك وسترن ايران ليميتد Pacific Western Iran Ltd و تايد واتر ايران ليميتد Tide Water ـ Iran Ltd در نتيجه مزج و ادغام به يكديگر‌وابسته شده‌اند و به موجب قانون كليه دارايي و ديون تايد واتر اويل كمپاني Tide Water Oil Company جزو دارايي و ديون گتي اويل كمپاني Getty Oil Company شده است و نظر به اينكه در نتيجه مزج و ادغام پاسيفيك وسترن ـ ايران ليميتد Pacific Western ـ Iran Ltd و تايد‌واتر ـ ايران ليميتد Tide Water ـ Iran Ltd به‌صورت شركت بازرگاني در ايران وجود ندارد. ‌نظر به اينكه در جلساتي كه در اكتبر 1970 در لندن و در نوامبر 1970 در تهران بين نمايندگان طرفين تشكيل گرديد موارد چندي مربوط به مباني‌ محاسبه ماليات و ميزان قيمتهاي اعلان شده شركتهاي بازرگاني در ايران مطرح و مورد مذاكره قرار گرفت بنابراين بين طرفين به شرح زير توافق به عمل‌آمد: 1 ـ با وجود مقررات مندرج در قرارداد فروش نفت و گاز مصوب هفتم آبان ماه 1333 (‌قرارداد اصلي) كه به انضمام كليه توافقها و قرارهاي بعدي ‌مربوطه ذيلاً به عنوان "‌قراردادها" خوانده مي‌شود شركتهاي بازرگاني و شركتهاي عامل مشمول اصلاحيه قانون ماليات بر درآمدي خواهند بود كه ‌همزمان با اين قرارداد‌الحاقي سوم به مجلسين تقديم و از تاريخ 23 آبان 1349 به مورد اجرا گذارده مي‌شود و به موجب آن مالياتي اضافي به ميزان پنج ‌درصد (‌يعني پنج درصد اضافه بر نرخ پنجاه درصدي كه تا تاريخ اجراي اين قانون مشمول آن بودند) بر درآمد ويژه حاصله در ايران شركتهاي نفتي كه در‌ايران عمل مي‌كنند مقررمي‌گردد. 2 ـ‌ الف ـ دولت شاهنشاهي ايران و شركت ملي نفت ايران موافقت دارند كه اين قرارداد ‌الحاقي سوم به عنوان يك ترتيب منصفانه و مناسب و قطعي‌كليه امور راجع به مبناي احتساب ماليات مربوطه و ميزان قيمت‌هاي اعلان شده تا تاريخ 23 آبان ماه 1349 (14 نوامبر 1970) محسوب مي‌گردد. ‌در نتيجه اين توافق دولت شاهنشاهي ايران و شركت ملي نفت ايران قبول مي‌نمايند كه قيمتهاي فروش هر يك از شركتهاي بازرگاني در تمام مدت قبل‌از 23 آبان ماه 1349 طوري بوده است كه تعهدات آنها به موجب ماده 25 قرارداد اصلي ايفا شده است. ‌اعضاي كنسرسيوم تأييد مي‌نمايند كه موافقت ايران و شركت ملي نفت ايران به نحوي كه فوقاً ذكر گرديده فقط ناظر و مؤثر بر دوره پيش از 23 آبان ماه1349 مي‌باشد. ب ـ هيچيك از مواد مندرجه در اين موافقتنامه نبايد طوري تعبير و يا به كار برده شود كه به وضع هر يك از طرفهاي قرارداد در مورد بهاي اعلان شده‌ نفت خام پس از تاريخ 23 آبان ماه 1349 به نحوي از انحاء لطمه‌اي وارد آورد و يا مؤثر واقع شود. 3 ـ اين قرارداد‌الحاقي سوم به منزله جزئي از قرارداد اصلي محسوب مي‌شود و به استثناء تغييراتي كه صريحاً در اين قرارداد ذكر گرديده مقررات"‌قراردادها" كاملاً به اعتبار خود باقي خواهد بود. 4 ـ اين قرارداد‌الحاقي سوم پس از تصويب مجلسين و توشيح اعليحضرت همايون شاهنشاه آريا مهر از تاريخ 23 آبان 1349 به مرحله اجرا گذارده مي‌شود. ‌تهران به تاريخ آذر ماه 1349 ‌ از طرف دولت ايران ‌تهران به تاريخ آذر ماه 1349 ‌ از طرف شركت ملي نفت ايران ‌گلف اويل كورپوريشن. ‌موبيل اويل كورپوريشن. ‌استاندارد اويل كمپاني. ‌استاندارد اويل كمپاني آو كاليفرنيا. ‌تكساكو اينكورپوريتد. ‌دي بريتيش پتروليوم كمپاني ليميتد. ‌شل پتروليوم ان. وي. ‌كمپاني فرانسزده پترول. ‌گلف اينترنشنال كمپاني. ‌موبيل اويل ايران اينكورپوريتد. ‌اسو تريدينگ كمپاني آو ايران. ‌ايران كاليفرنيا اويل كمپاني. ‌تكساكو ايران ليميتد. ‌ندرلندز ايرانز اردولي‌هاندل ماتشاپاي. ‌اويل تريدينگ كمپاني (‌ايران) ليميتد. ‌امريكن ايندي‌پندنت اويل كمپاني. ‌آتلانتيك ريچفيلد كمپاني. ‌كنتينانتال اويل كمپاني. ‌گتي اويل كمپاني. ‌دي سيگنال كمپانيز اينكورپوريتد. ‌دي استاندارد اويل كمپاني (‌اوهايو). ‌امريكن ايندي‌پندنت اويل كمپاني آو ايران. ‌اركو ايران اينكورپوريتد. ‌گتي ايران ليميتد. ‌كالتكس (‌ايران) ليميتد. ‌سان جاسينتو ايسترن كورپوريشن. ‌سيگنال (‌ايران) پتروليوم كمپاني. ‌ساهايو ـ ايران تريدينگ انكورپوريتد. به وسيله نماينده مجاز. ‌تهران به تاريخ آذر ماه 1349 ‌ايرانز اردولي رافيناج ماتشاپاي. (‌شركت سهامي‌تصفيه ايران) ن.‌و. تهران به تاريخ آذر ماه 1349 ‌ايرانز اردولي اكسپلورتي آن پرودكتي ماتشاپاي. (‌شركت سهامي‌اكتشاف و توليد نفت ايران) ن.‌و. تهران به تاريخ آذر‌ماه 1349
	+ [امضاء] ‌قرارداد فوق منضم به قانون قرارداد‌الحاقي سوم به قرارداد فروش نفت و گاز مي‌باشد. رييس مجلس سنا ـ جعفر شريف‌امامي

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=75344>

# قانون اجازه اجراي موافقتنامه ايران با شركتهاي خريدار نفت خام

* ‌ماده واحده ـ به وزارت دارايي اجازه و اختيار داده مي‌شود كه آن قسمت از ترتيبات مقرر در موافقتنامه كشورهاي اطراف خليج فارس با شركتهاي‌خريدار نفت خام مورخ يكشنبه 25 بهمن ماه 1349 برابر با 14 فوريه 1971 ضميمه اين ماده واحده را كه مربوط به ايران مي‌باشد به موقع اجرا بگذارد.
* [امضاء] ‌‌قانون فوق مشتمل بر يك ماده و قرارداد ضميمه پس از تصويب مجلس شوراي ملي در جلسه روز يكشنبه 16/3/1350 در جلسه روز دوشنبه سي و‌يكم خرداد ماه يك هزار و سيصد و پنجاه شمسي به تصويب مجلس سنا رسيد. رييس مجلس سنا جعفر شريف‌امامي
* ‌قرارداد‌ابوظبي، ايران، عراق، قطر و عربستان سعودي (‌شش كشور مزبور تا جايي كه به صادرات نفت آنها از خليج فارس مربوط مي‌گردد از اين پس در اين‌ قرارداد به نام "‌كشورهاي خليج" خوانده مي‌شود) و شركتهاي نامبرده در ضميمه شماره 1 و شركتهاي وابسته آنها (‌كه از اين پس در اين قرارداد به نام"‌شركتها" خوانده مي‌شوند) به منظور تأمين عرضه و تثبيت ترتيبات مالي موافقت مي‌نمايند":<BR>1 ـ ترتيبات موجود بين هر يك از شورهاي خليج و هر يك از شركتها كه اين قرارداد براي آنها به مثابه اصلاحيه كلي محسوب مي‌شود طبق شرايط‌ مربوط به قوت خود باقي خواهند ماند.<BR>2 ـ مقررات ذيل متضمن تعيين شرايط مربوط به سهم دولت و ساير تعهدات مالي شركتهاي عامل در كشورهاي خليج با رعايت مفاد قطعنامه‌هاي اوپك‌ و صادرات نفت از خليج براي مدت بين 15 فوريه 1971 لغايت 31 دسامبر 1975 مي‌باشد، اين مقررات براي كشورهاي خليج و شركتهاي لازم‌الاجراء مي‌باشد.<BR>
* size=2>725/1</FONT></SPAN></TD></TR></TBODY></TABLE>
* ‌ضميمه شماره 3 ‌كرايه حمل و نقل در مسافت كوتاه ‌مقررات ذيل در مورد اجراي جزء د از بند 3 قرارداد كه در اين ضميمه جزيي از آن است نافذ خواهد بود. (1) ـ هر شركت بزرگ نفتي مربوط آن قسمت از "‌مبلغ توازني" را (‌به عنوان پرداخت مكمل) به هر يك از كشورهاي خليج خواهد پرداخت كه برابر‌باشد با نسبتي كه مقدار صادرات نفت خام توليدي شركت مزبور از بنادر خليج (‌شامل خط لوله عربستان ـ بحرين) در هر يك از كشورهاي خليج به‌جمع صادرات نفت خام آن شركت از بنادر كليه كشورهاي خليج در منطقه خليج در آن دوره داشته است. (2) ــ "‌مبلغ توازني" برابر خواهد بود با مبلغ پولي مازاد پرداختهاي شركت به ليبي براي آن دوره نسبت به مبلغي كه در آن دوره به ليبي مي‌پرداخت اگر‌تمام كاهشي را كه به موجب قرارداد با ليبي مجاز بود اعمال كند، يا كاهشي در امتياز برابر با بيست و يك و نيم سنت براي هر بشكه كه به عنوان امتياز‌حمل و نقل در مسافت كوتاه مورد توافق كشورهاي خليج قرار گرفته است (‌هر كدام از اين دو كاهش كه كمتر باشد)‌به كارمي‌رود. (3) ـ منظور از "‌شركت بزرگ نفتي" مذكور در بند فوق هر يك از شركتهاي اسو، تكزاكو، استاندارد اويل كاليفرنيا، گالف، موبيل، نفت انگليس، شل و‌فرانسوي نفت مي‌باشد. (4) ـ مثال نمايشگر اعمال شرايط اين ضميمه در نمودار‌الف ضميمه اين قرارداد داده شده است. ‌نمودار‌الف ‌مثال براي تعيين "‌مبلغ توازني" سنت. بشكه ـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــ ‌امتياز حمل و نقل از لحاظ كوتاهي مسافت ‌مورد توافق با كشورهاي خليج 21.5 21.5 21.5 21.5 ‌امتياز ليبي من باب نمونه 30.0 24.0 21.5 18.0 ‌كاهش امتياز حمل و نقل ليبي يا بيست و يك و ‌نيم سنت بشكه (‌هر كدام كمتر باشد). 1 ـ كاهش امتياز ليبي به ميزان 25 درصد كه ‌صورت نگرفته است 7.5 6.0 5.375 4.5 2 ـ كاهش امتياز ليبي به ميزان 50 درصد كه ‌صورت نگرفته است 15.10 12.0 10.75 9.0 3 ـ كاهش امتياز ليبي به ميزان 100 درصد كه ‌صورت نگرفته است 21.5 21.5 21.5 18.0 4 ـ كاهش امتياز ليبي به ميزان 100 درصد كه ‌فقط به 50 درصد كاهش يافته است. 15.0 12.0 10.75 9.0 5 ـ كاهش امتياز ليبي به ميزان 100 درصد كه ‌فقط به 25 درصد كاهش يافته است. 21.5 18.0 16.125 13.5 ‌براي به دست آوردن مبلغ توازني: ‌الف ـ ارقام مندرج در رديفهاي 1 تا 5 را در نرخ كلي ماليات بر درآمد ليبي به اضافه (‌صد درصد منهاي نرخ ماليات) بهره مالكانه ضرب كنيد و حاصل، در‌مورد كشور توليدكننده مربوط مجري است. ب ـ رقم دلار. بشكه حاصله طبق بند‌الف فوق را در تعداد بشكه‌هاي صادره از ليبي توسط شركت بزرگ نفتي ضرب كنيد.

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=76082>

# ‌قانون اجازه مبادله و اجراي سه فقره قرارداد نفت

* ‌ماده واحده ـ سه فقره قرارداد ضميمه كه به استناد ماده 2 قانون نفت مصوب مرداد ماه 1336 به منظور اجراي عمليات تفحص و اكتشاف و‌بهره‌برداري و فروش و صدور نفت از مناطق مصرح در قراردادهاي مزبور بين شركت ملي نفت ايران از يك طرف و شركتهاي نامبرده زير: 1 ـ امرادا هس كورپوريشن (AMERADA HESS CORPORATION) 2 ـ موبيل اويل كورپوريشن (MOBIL OIL CORPORATION) 3 ـ گروه شركتهاي ژاپني تي‌جين ليميتد (TEIJIN LIMITED) ‌و نورث سوماترا اويل دولوپمنت كوئوپريشن كمپاني ليميتد (NORTH SUMATRA OIL DEVELOPMENT COOPERATION CO. LTD.) ‌و ميتسويي اند كمپاني ليميتد (MITSUI & CO. LTD.) ‌و ميتسوبيشي شوجي كيشا ليميتد (MITSUBISHI SHOJI KSISHA LTD) ‌و شركت موبيل اويل (MOBIL OIL CORPORATION) ‌از طرف ديگر امضا شده و به تأييد هيأت دولت نيز رسيده است تصويب و اجازه مبادله و اجراي آنها داده مي‌شود.
* [امضاء] ‌قانون فوق مشتمل بر يك ماده و متن قراردادهاي ضميمه پس از تصويب مجلس شوراي ملي در جلسه روز پنجشنبه 11/9/1350 در جلسه روز‌دوشنبه ششم دي ماه يك هزار و سيصد و پنجاه شمسي به تصويب مجلس سنا رسيد. رييس مجلس سنا ـ جعفر شريف‌امامي

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=76762>

# ‌قانون قرارداد پيمانكاري اكتشاف و توليد بين شركت ملي نفت ايران و شركتهاي اروپايي

* ‌ماده واحده ـ قرارداد بين شركت ملي نفت ايران و شركتهاي انترپريز دورشرش اداكتيويته پترولير "‌اراپ" آجيپ اس.پ.‌آ. هيسپانيكادوپترولئوس اس‌آ "‌هيسپانويل" پتروفينا "‌اس آ" و اوستور ايشه مينراوال فروآلتونگ آگ "‌او. ام. و" كه مشتمل بر يك مقدمه و سي و نه ماده و يك ضميمه و دو نامه ‌متبادله مي‌باشد و در تاريخ 1347.12.12 امضاء و مبادله گرديده تصويب و به دولت اجازه داده مي‌شود مفاد آن را به مورد اجرا بگذارد.
* [امضاء] قانون فوق مشتمل بر يك ماده و متن قرارداد ضميمه كه در جلسه روز پنجشنبه پانزدهم خرداد ماه يك هزار و سيصد و چهل و هشت به ‌تصويب ‌مجلس شوراي ملي رسيده بود در جلسه روز شنبه سي و يكم خرداد ماه يك هزار و سيصد و چهل و هشت شمسي به تصويب مجلس سنا رسيد. ‌رييس مجلس سنا ـ جعفر شريف امامي
* ‌قرارداد پيمانكاري اكتشاف و توليد بين شركت ملي نفت ايران و شركتهاي اروپايي
	+ ‌مقدمه ‌اين قرارداد در تهران در تاريخ 12 اسفند 1347 برابر 3 مارس 1969 بين شركت ملي نفت ايران به عنوان طرف اول و 1 ـ انترپريز دوروشرش اداكتيويته پترولير اراپ (‌الف) مؤسسه دولتي نفتي فرانسوي كه اداره مركزي آن در شماره 7 خيابان نلاتون پاريس 15 فرانسه‌ واقع است. 2 ـ آجيپ اس.پ.‌آ. (‌آجيپ) شركت ايتاليايي كه مركز آن در سان دوناتاميلانز (‌ايتاليا) واقع است. 3 ـ هيسپانيكا دوپترولئوس اس آ (‌هيسپانويل) شركت اسپانيايي كه مركز آن در پلازادوواسكزد وملا شماره 12 در مادريد (‌اسپانيا) واقع است. 4 ـ پتروفينا اس آ شركت بلژيكي كه مركز آن در خيابان لالوا شماره 33 در بروكسل (‌بلژيك) واقع است. 5 ـ اوستريشه مينرالئول فروالتونگ آگ (‌او. ام. و) شركت اتريشي كه مركز آن در شماره 5 از اتوواگنر پلاتز در وين 9 (‌اتريش) واقع است. ‌كه از اين پس مجتمعاً به عنوان طرف دوم ناميده خواهند شد منعقد گرديد. ‌تفاهم حاصل است كه استفاده و منافع اقتصادي طرف دوم به موجب اين قرارداد به نحو مقرر در ماده 31 مشاعاً متعلق به ‌هر يك از اعضاي نامبرده بالا‌ مي‌باشد. ‌نظر به اين كه شركت ملي نفت ايران مايل است همكاري و خدمات پيمانكار ذيصلاحيتي را به منظور تأمين سرمايه‌گذاري و انجام عمليات نفتي در قسمتي از‌ سرزمين ايران جلب نمايد. ‌نظر به اين كه اعضاي طرف دوم كه اسامي‌آنها در بالا ذكر شد سرمايه و صلاحيت فني و تخصص اداري و امكانات بازاريابي لازم را براي به عهده گرفتن ‌و انجام موفقيت‌آميز عمليات به منظور توسعه توليد و صادرات نفت خام ايران دارا مي‌باشد. ‌نظر به اين كه‌هر دو طرف قصد دارند كه مقررات قرارداد را با صميميت و حسن نيت به موقع اجرا بگذارند. ‌عليهذا بدين وسيله طرف اول و طرف دوم به شرح زير توافق مي‌نمايند:
	+ ‌ماده 1 ـ تعريفات ‌جز در مواردي كه سياق عبارت مفهوم ديگري را اقتضا كند معني بعضي از اصطلاحاتي كه در اين قرارداد به كار رفته از لحاظ اين قرارداد به‌شرح تعاريف‌ زير خواهد بود: 1 ـ "‌شركت ملي نفت" شركت ملي نفت ايران. 2 ـ "‌طرف دوم" عبارت است از اراپ (‌الف)، آجيپ، هيسپانويل، پتروفينا، او. ام. و، يا هر شركتي كه مطابق مقررات ماده 31 اين قرارداد طرف انتقال ‌شناخته شود. 3 ـ "‌قرارداد" عبارت است از اين سند و ضميمه يا ضمائم آن. 4 ـ "‌كارگزار" عبارت است از شخصي كه طبق مقررات بند (1) از ماده (2) اين قرارداد توسط طرف دوم تعيين شود. 5 ـ "‌پيمانكار كل" عبارت است از اراپ (‌الف) يا شركت وابسته آن به نام سوسيته فرانسزده پترول ايران (‌سوفيران) كه جهت انجام عمليات مشروحه در ‌اين قرارداد تعيين شده است. 6 ـ "‌نفت" عبارت است از نفت خام و گاز طبيعي و يا هر يك از آنها. 7 ـ "‌نفت خام" عبارت است از نفت خام ـ آسفالت طبيعي و كليه ‌هيدروكاربورهاي مايع و منجمله‌ هيدروكربورهاي فشرده كه به حالت طبيعي حاصل ‌شود. 8 ـ "‌گاز طبيعي" يعني گاز تر و كليه‌هيدروكاربورهاي گازي ديگر كه از چاه‌هاي نفت يا گاز توليد مي‌گردد و هيدروكاربورهاي مايع كه از طريق جدا كردن ‌از گاز طبيعي به دست مي‌آيد و نيز گاز باقيمانده (‌منجمله گاز ترش) كه پس از سوا كردن هيدروكربورهاي مايع از گاز تر باقيمانده باشد. 9 ـ "‌قيمت" از لحاظ اين قرارداد عبارت است از قيمتهايي كه بر طبق مقررات ماده 28 اين قرارداد تعيين مي‌گردد. 10 ـ "‌عمليات نفتي" عبارت است از كليه كارهاي مشروحه در ماده 8 اين قرارداد. 11 ـ "‌متر مكعب" عبارت است از يك متر مكعب در شصت درجه فارنهايت تحت فشار عادي جو. 12 ـ "‌تاريخ اجرا" عبارت از تاريخي است كه قانون مربوط به تصويب اين قرارداد به توشيح ملوكانه برسد. 13 ـ "‌بشكه" عبارت است از 42 گالن امريكايي در شصت درجه فارنهايت. 14 ـ "‌اراضي" عبارت است از اراضي پوشيده از آب و غير آن. 15 ـ "‌تأسيسات" عبارت است از كليه تأسيسات ثابت و منقول. 16 ـ "‌تأسيسات ثابت" عبارت است از تأسيسات نصب شده يا كار گذاشته شده يا ساخته شده كه به طور ثابت مستقر گرديده و براي عمليات موضوع اين قرارداد مورد استفاده قرار گيرد. 17 ـ "‌تأسيسات منقول" عبارت است از كليه ماشين آلات ـ لوازم ـ ابزار ـ آلات ادوات ـ اسباب ـ قطعات يدكي ـ مصالح ـ وسايل خودرو و ساير ‌وسايط نقليه ـ اثاث مواد خواربار و كليه اجناس ديگري جز تأسيسات ثابت كه براي انجام عمليات و وظايف مقرر در اين قرارداد به شرح مندرج در جزء1 از ماده 8 مورد نياز باشد. 18 ـ "‌ناحيه واگذاري شده" عبارت از ناحيه مشخص شده در ضميمه الف يا نواحي كه بعد از تقليل ناحيه مزبور به موجب مقررات ماده 13 اين قرارداد ‌باقي بماند. 19 ـ "‌ناحيه بهره‌برداري" عبارت از ناحيه‌اي است كه در ماده 17 ماده مشخص گرديده است. 20 ـ "‌تاريخ آغاز بهره‌برداري تجاري عبارت است از تاريخي كه به موجب بند 4 از ماده 4 اين قرارداد معين شده باشد.
	+ ‌ماده 2 ـ كارگزار و پيمانكار كل ‌جزء 1 ـ اعضاي طرف دوم از ميان خود يكي را به اتفاق آراء به عنوان كارگزار خود منصوب خواهند كرد و انتصاب مزبور را كتباً به شركت ملي نفت‌اعلام خواهند نمود. ‌جزء 2 ـ شركت ملي نفت بدين وسيله اراپ (‌الف) را به سمت پيمانكار كل خود منصوب مي‌كند تا وظايف مقرر در اين قرارداد را انجام دهد. ‌اراپ (‌الف) تكاليف و وظايف خود را به عنوان پيمانكار كل به سوفيران واگذار مي‌كند سوفيران شركتي وابسته و تحت كنترل اراپ (‌الف) است كه پاي ‌اين قرارداد را امضاء كرده است. اعضاي طرف دوم بدين وسيله مجتمعاً و منفرداً تضمين مي‌كنند كه تعهدات پيمانكار كل كه در اين قرارداد مقرر است ‌صحيحاً به موقع اجرا گذارده خواهد شد. ‌جزء 3 ـ طرف دوم بدين وسيله اطمينان مي‌دهد كه پيمانكار كل در وضعي خواهد بود كه بتواند از خدمات فني اعضاي طرف دوم و شركتهاي فرعي‌آنها در هر مورد كه براي اجراي تكاليف و وظايف مقرر در اين قرارداد لازم باشد استفاده كند.
	+ ‌ماده 3 ـ موضوع قرارداد ‌طرف دوم خدمات مشروح در زير را به نحو مقرر در اين قرارداد براي شركت ملي نفت انجام خواهد داد: ‌الف ـ خدمات فني ـ اراپ (‌الف) به عنوان پيمانكار كل اداره و انجام كليه عمليات لازم را كه مربوط به اكتشاف و بهره‌برداري نفت در ناحيه واگذاري‌ باشد بر عهده خواهد داشت. ب ـ خدمات مالي ـ اعضاي طرف دوم از طريق كارگزار خود وجوه لازم براي انجام و تكميل عمليات اكتشافي و همچنين در صورت كشف نفت وجوه ‌لازم جهت انجام عمليات ارزيابي و توسعه را كه به موجب اين قرارداد مقتضي باشد در اختيار شركت ملي نفت قرار خواهد داد. ‌عمليات اكتشاف مطابق مقررات اين قرارداد منحصراً به ريسك طرف دوم خواهد بود و بنابراين وجوه مصرف شده در عمليات مزبور به صورت وام‌ بدون بهره تلقي مي‌شود كه بازپرداخت آن موقوف به كشف و توليد نفت به ميزان تجاري خواهد بود. وجوهي كه از طريق كارگزار به منظور تأمين‌ هزينه‌هاي ارزيابي و توسعه در اختيار شركت ملي نفت قرار داده مي‌شود به عنوان وام با بهره تلقي و بر طبق روش مقرر در اين قرارداد بازپرداخت ‌خواهد شد. ج ـ خدمات بازرگاني ـ اعضاي طرف دوم از طريق كارگزار خود مقاديري نفت خام را به نحو مقرر در اين قرارداد از طرف شركت ملي نفت در بازارهاي‌ دنيا به فروش خواهند رسانيد. ‌د ـ اجرت ـ شركت ملي نفت بدين وسيله تضمين مي‌كند كه به عنوان اجرت در قبال خدماتي كه طرف دوم انجام مي‌دهد مقاديري از نفت خام توليدي ‌از نواحي مورد بهره‌برداري را كه به موجب مقررات اين قرارداد عمليات توسعه در آن انجام شده و به عنوان ذخيره ملي كنار گذاشته نشده باشد به قيمتي‌كه توافق گردد به طرف دوم بفروشد.
	+ ‌ماده 4 ـ مدت قرارداد ‌جزء 1 ـ مدت اين قرارداد از تاريخ اجراي آن شامل دو مرحله متوالي خواهد بود كه بر طبق مقررات مواد 12 و 15 تعيين خواهد گرديد. ‌جزء 2 ـ دوره اكتشاف هشت سال خواهد بود ولي شركت ملي نفت هرگاه ضرورت ايجاب نمايد مي‌تواند از پيمانكار كل بخواهد كه عمليات اكتشافي ‌را براي يك مرحله اضافي دو سال ادامه دهد. به مجرد چنين تقاضايي پيمانكار كل عمليات اكتشافي را براي مدت اضافي مذكور طبق مقررات بند 8‌ ماده 12 اين قرارداد ادامه خواهد داد. همچنين شركت ملي نفت در صورت تحقق شرايط مشروح در ماده 12 با تقاضاي پيمانكار كل مبني بر ادامه‌ عمليات اكتشافي به مدت دو سال موافقت خواهد كرد. ‌چنانچه در پايان دوره هشت‌ساله عمليات اكتشافي منتج به ثبوت ناحيه بهره‌برداري نگردد دوره اكتشاف با رعايت مقررات جزء 4 از ماده 12 به‌خودي‌ خود پايان خواهد يافت و اين قرارداد پايان خواهد پذيرفت. ‌در صورتي كه پيمانكار كل اجازه ادامه عمليات اكتشافي را براي يك مدت اضافي دوساله دريافت كرده باشد مقررات فوق عيناً در خاتمه دوره ده‌ساله نيز ‌قابل اطلاق خواهد بود. ‌چنانچه در انقضاي دوره اكتشاف مزبور وجود ناحيه يا نواحي بهره‌برداري تجاري ثابت شده باشد عمليات طبق مقررات اين قرارداد فقط در ناحيه يا ‌نواحي بهره‌برداري مزبور ادامه خواهد يافت. ‌جزء 3 ـ آغاز دوره بهره‌برداري موقعي خواهد بود كه كشف نخستين چاه تجاري بر طبق تعريف ماده 16 محرز شده باشد. مدت اين قرارداد از لحاظ‌ دوره بهره‌برداري 25 سال از تاريخ آغاز نخستين توليد تجاري در ناحيه واگذار شده خواهد بود. ‌جزء 4 ـ تاريخ آغاز بهره‌برداري تجاري كه در بالا ذكر شد در مورد هر ميدان تجاري تاريخي خواهد بود كه در آن تاريخ كليه تأسيسات و وسايل لازم‌ براي حمل و نقل و صدور نفت خام حاصله از آن ميدان بر يك مبناي منظم به شرح مقرر در مواد 20 و 21 تكميل گرديده و به علاوه حداقل يكصد‌ هزار متر مكعب نفت توليدي آن ميدان بر يك مبناي صادرات منظم فروش و تحويل شده باشد.
	+ ‌ماده 5 ـ تأمين وجوه ‌جزء 1 ـ مسئوليت مالي عمليات موضوع اين قرارداد هميشه بر عهده شركت ملي نفت خواهد بود با اين تفاهم كه كليه وجوه لازم براي انجام عمليات ‌اكتشافي و ارزيابي و توسعه توسط طرف دوم از طريق كارگزار طرف مزبور تأمين خواهد گرديد تا آن گاه كه وجوه حاصله از عمليات موضوع اين قرارداد‌ كه عايد شركت ملي نفت مي‌گردد به حدي برسد كه شركت ملي نفت را قادر بر تأمين هزينه‌هاي عمليات ارزيابي و توسعه بنمايد. ‌جزء 2 ـ همچنين تفاهم حاصل است كه مسئوليت شركت ملي نفت در مقابل طرف دوم نسبت به بازپرداخت وجوهي كه طبق جزء (1) فوق پرداخته ‌مي‌شود فقط در صورتي خواهد بود كه ميدان تجاري به شرح تعريف ماده 18 اين قرارداد كشف و توليد به ميزان تجاري شروع شده باشد.
	+ ‌ماده 6 ـ مالكيت شركت ملي نفت در مورد نفت و تأسيسات ‌جزء 1 ـ نفتي كه به موجب مقررات اين قرارداد توليد مي‌شود كلاً در سر چاه به شركت ملي نفت تعلق خواهد داشت. ‌جزء 2 ـ كليه تأسيساتي كه براي عمليات پيمانكار كل ايجاد شده و يا مورد استفاده قرار گرفته باشد به شرح مقررات زير در تملك شركت ملي نفت‌ خواهد بود. ‌الف ـ كليه اراضي و تأسيسات ثابت به نام شركت ملي نفت تحصيل خواهد شد و در مالكيت آن شركت خواهد بود. ب ـ كليه اموال منقول كه به منظور استفاده در انجام عمليات موضوع اين قرارداد تحصيل شده باشد تابع مقررات زير خواهد بود: 1) هرگاه پيمانكار كل اين طور تلقي كند كه اموال منقول در تمام مدتي كه براي استهلاك آنها در نظر گرفته است مورد استفاده كامل نخواهد بود از‌شركت ملي نفت درخواست خواهد كرد تا با استفاده موقت از آنها موافقت نمايد و شركت ملي نفت بدون دليل از اعطاي اين موافقت خودداري نخواهد‌ ورزيد. هرگاه شركت ملي نفت ظرف سي روز از تاريخ اعلام پيمانكار كل جواب ندهد موافقت شركت ملي نفت تحصيل شده تلقي خواهد شد. اين ‌اموال تا مدتي كه تمام بهاي استهلاك آن به حساب عمليات منظور نگرديده باشد در مالكيت پيمانكار كل باقي خواهد ماند و موقعي كه كاملاً مستهلك‌گرديد در مالكيت شركت ملي نفت وارد خواهد شد. هرگاه پيمانكار كل اين گونه اموال را كه كلاً مستهلك نشده است از ايران صادر كند شركت ملي‌نفت مختار خواهد بود موقعي كه پيمانكار كل مطابق مقررات جزء 2 از ماده 33 درخواست موافقت آن شركت را مي‌كند اموال مزبور را با پرداخت مانده‌بهاي دفتري آنها خريداري نمايد. ‌در مورد مالي كه كاملاً مستهلك نشده و فروش آن به بهاي ويژه‌اي بالاتر از مانده بهاي دفتري ميسر باشد شركت ملي نفت مي‌تواند به‌درخواست ‌پيمانكار با فروش آن در داخل و يا خارج ايران موافقت كند مشروط بر اين كه عوايد فروش به بستانكار و مانده بهاي دفتري به بدهكار حسابهاي اكتشاف ‌يا بهره‌برداري (‌بر حسب مورد) منظور گردد. 2) در كليه موارد ديگر اموال به محض تحصيل در مالكيت شركت ملي نفت وارد خواهد شد. تمام هزينه خريد اموالي كه به منظور مصرف در عمليات ‌اكتشافي يا بهره‌برداري تحصيل مي‌شود بر حسب مورد به عنوان جزوي از وام اكتشافي و يا وام بهره‌برداري در همان سال منظور خواهد شد. ‌جزء 3 ـ كليه موجوديهاي انبار و مواد مصرفي كه توسط پيمانكار كل براي استفاده در عمليات موضوع اين قرارداد تحصيل شده باشد به محض تحصيل ‌در مالكيت شركت ملي نفت در خواهد آمد و بر حسب استفاده‌اي كه عملاً از آن شده به عنوان جزئي از وام اكتشافي يا وام بهره‌برداري منظور خواهد‌گرديد. ‌جزء 4 ـ در مدت اعتبار اين قرارداد پيمانكار كل حق استفاده كامل از كليه اراضي و تأسيسات ثابت و اموال منقول تحصيل شده به موجب اين قرارداد را‌ در ناحيه واگذار شده دارا خواهد بود. همچنين تفاهم حاصل است كه پيمانكار كل مي‌تواند از نفت توليد شده در ناحيه واگذاري تا آن جا كه براي اجراي ‌عمليات مجاز به موجب اين قرارداد لازم و مقتضي باشد مجاناً استفاده نمايد.
	+ ‌ماده 7 ـ ثبت كارگزار و پيمانكار كل ‌كارگزار و پيمانكار كل مكلف است ظرف مدت شصت روز از تاريخ اجرا درخواست ثبت خود را طبق قوانين و مقررات ثبت شركتها در ايران به ادار ‌ثبت ايران تسليم نمايد. توافق حاصل است كه كليه عمليات و وظايف كارگزار و پيمانكار كل كه طبق اين قرارداد مقرر است غير انتفاعي خواهد بود.
	+ ‌ماده 8 ـ عمليات مجاز ‌جزء 1 ـ عملياتي كه اجازه انجام به موجب اين قرارداد داده شده است عبارت است از: ‌الف ـ اكتشاف نفت از طريق زمين‌شناسي ـ ژئوفيزيكي و روشهاي ديگر منجمله حفر چاه براي نفت و هرگونه وظايف ديگري كه به طور معمول با ‌عمليات اكتشاف و بهره‌برداري مربوط باشد. ب ـ حمل نفتي كه بر طبق مقررات اين قرارداد توليد شده از ميدانها به كنار دريا و انبار كردن نفت توليد شده از ناحيه واگذاري به‌هر طريق منجمله ‌بارگيري در كشتي و هرگونه وظايف ديگري كه به طور معمول با انبار كردن و حمل نفت مربوط باشد. ‌جزء 2 ـ بدين وسيله به پيمانكار كل اجازه داده مي‌شود تا فعاليتهايي را كه براي انجام عمليات مقرر در اين قرارداد لازم و با به طور معقول مرتبط به آن‌ باشد بر عهده گيرد. ‌تفاهم حاصل است كه آباد كردن اراضي و ايجاد جزيره‌ها و ساختمان راههاي آهن، بنادر، تلفن، تلگراف و سرويسهاي بي‌سيم و وسايل هوايي و استفاده ‌از آنها مشروط به اجازه قبلي و كتبي دولت خواهد بود. براي تحصيل اجازه مزبور از طريق شركت ملي نفت اقدام خواهد شد و شركت ملي نفت كوشش ‌خواهد نمود كه اجازه مزبور ظرف مدت معقول و بدون تأخير ناموجه تحصيل شود. ‌به منظور تسريع در اجراي عمليات مقرر در اين قرارداد پيمانكار كل مي‌تواند بدون اين كه از ميزان مسئوليت او در برابر شركت ملي نفت چيزي كاسته‌ شود و با رعايت مقررات جزء 3 از ماده 10 پيمانكاران فرعي را به كار گمارد.
	+ ‌ماده 9 ـ اراضي، آب و حقوق ارتفاقي ‌اراضي، آب و حقوق ارتفاقي كه به نحو معقول مورد احتياج پيمانكار كل براي انجام عمليات مقرر در اين قرارداد باشد توسط شركت ملي نفت تحصيل ‌و در اختيار پيمانكار كل گذارده خواهد شد. ‌تحصيل اراضي آب و حقوق ارتفاقي بر طبق روش و مقررات مندرج در اساسنامه شركت ملي نفت به عمل خواهد آمد و تابع شرايط مقرره در اساسنامه‌ مذكور خواهد بود. ‌بهاي خريد يا مال‌الاجاره پرداختي بابت تحصيل اراضي، آب و حقوق ارتفاقي مذكور به علاوه‌ هزينه‌هاي مربوط به آن بر حسب مورد جزء هزينه‌هاي ‌اكتشاف يا بهره‌برداري مقرر در اين قرارداد منظور خواهد شد.
	+ ‌ماده 10 ـ اداره عمليات ‌جزء 1 ـ اداره عمليات نفتي مربوط به ناحيه واگذار شده با رعايت مقررات اين قرارداد از تاريخ اجرا به پيمانكار كل محول مي‌گردد. ‌جزء 2 ـ پيمانكار كل مخصوصاً ملزم به انجام تعهدات زير خواهد بود: ‌الف ـ بذل مساعي در اجراي عمليات اكتشافي در ناحيه واگذار شده به‌حد اعلا بر طبق روش خوب صنعت نفت. ب ـ مطلع نگاه داشتن شركت ملي نفت ايران مستمراً در جريان كليه عملياتي كه بايد به موجب مقررات اين قرارداد صورت گيرد و تسليم گزارش‌ ماهانه پيشرفت كار به شركت ملي نفت در مورد عمليات انجام يافته و همچنين تسليم گزارش جامع و نهايي در پايان هر كار معين. ج ـ فراهم كردن وسايل تا نمايندگان شركت بتوانند در هر موقع معقولي عمليات مقرر در اين قرارداد را بازرسي نمايند. ‌د ـ نگاهداري ارقام و اطلاعات كامل از جميع عمليات فني كه طبق اين قرارداد انجام مي‌گردد. ه ـ نگاهداري حسابهاي عمليات خود به طريقي كه ارقام و اطلاعات مربوط به‌هزينه‌هاي عمليات به طرز درست و روشن و دقيق نشان داده شود و ‌اتخاذ روش حسابداري مناسب براي اين منظور كه با توافق طرفين تعيين و گاه به گاه با توجه به پيشرفتهايي كه در آيند حاصل مي‌شود مورد تجديد‌نظر‌قرار خواهد گرفت. ‌و ـ محدود كردن استخدام كارمندان خارجي به حداقل با تأمين اين منظور كه تا آن جا كه به طور معقول عملي باشد كارمندان خارجي فقط براي تصدي ‌مشاغل تخصصي فني كه ايرانيان حائز معلومات و تجربه لازم براي احراز آن مشاغل يافت نشوند استخدام گردند. ‌ز ـ توجه دايم به حقوق و منافع ايران در جريان عمليات خود. ح ـ تأمين اين منظور كه شركت ملي نفت در هر موقع كه لازم بداند بتواند ظرف مدت معقولي هرگونه اطلاعي را به صورت رونوشت‌هاي دقيق‌ نقشه‌ها و مقاطع و گزارشهاي مربوط به نقشه‌برداري و زمين‌شناسي و ژئوفيزيك و حفاري و توليد و امور مشابه ديگر مربوط به عمليات مقرر در اين ‌قرارداد و همچنين جميع اطلاعات علمي‌و فني را كه در نتيجه عمليات مزبور حاصل شده است به دست آورد. ‌جزء 3 ـ پيمانكار كل مي‌تواند انجام هر قسمت از عمليات مجاز را كه مستقيماً توسط خود او انجام‌پذير نباشد (‌با رعايت مقررات جزء 3 از ماده 2) به ‌پيمانكاران فرعي بسپارد مشروط بر اين كه: ‌الف ـ قبلاً درباره انتخاب هر پيمانكار فرعي كه بهاي قرارداد او بيش از 20000 دلار آمريكايي يا معادل آن باشد با شركت ملي نفت مشاوره نمايد. ب ـ رونوشتي از كليه اين گونه قراردادها تسليم شركت ملي نفت ايران نمايد. ج ـ انتخاب پيمانكار فرعي بر اساس مقايسه صورت گيرد و در صورت تساوي شرايط به پيمانكاران فرعي ايراني حق تقدم داده شود. ‌جزء 4 ـ بدين وسيله طرفين موافقت مي‌نمايند كه در انقضاي 60 ماه از تاريخ آغاز نخستين توليد تجاري: ‌الف ـ سمت مديريت عمليات در سازمان پيمانكار بر عهده يك نفر ايراني كه از طرف شركت ملي نفت تعيين گردد محول خواهد شد. مدير مذكور زير‌نظر مديرعامل مسئوليت اداره عمليات جاري توليد و حمل و نقل و انبارداري و بارگيري را خواهد داشت. ب ـ يك هيأت اجرايي مركب از سه نفر نمايندگان شركت ملي نفت و سه نفر نمايندگان پيمانكار كل جهت نظارت در تهيه و اجراي كليه برنامه‌ها و‌ بودجه‌هاي مربوط به عمليات توسعه و توليد تشكيل خواهد شد. جلسات هيأت مذكور هر سه ماه يك بار يا به دفعات بيشتر هر موقع كه نمايندگان‌ شركت ملي نفت يا پيمانكار كل تقاضا نمايند منعقد خواهد شد. ‌جزء 5 ـ پيمانكار كل و شركت ملي نفت هموار سعي كامل خواهند نمود براي تأمين اين منظور كه عمليات با صرفه‌دارترين هزينه از لحاظ اقتصادي به‌ انجام يابد.
	+ ‌ماده 11 ـ محاسبات پيمانكار كل ‌جزء 1 ـ پيمانكار كل هر سه ماه يك بار صورتحساب هزينه‌ها را تهيه خواهد كرد صورتحساب مزبور بايد هزينه‌هايي را كه طي آن سه ماه توسط‌پيمانكار به موجب اين قرارداد انجام شده و همچنين جمع كل هزينه‌ها را تا پايان آن سه ماه نشان بدهد. صورتحسابهاي مزبور حداكثر ظرف دو ماه بعد از پايان سه ماهي كه‌هزينه‌ها در آن مدت صورت پذيرفته تسليم شركت ملي نفت خواهد شد مگر در مورد صورتحساب سه‌ماهه منتهي به 31 دسامبر‌كه بايستي تا 31 ماه مارس سال بعد براي شركت ملي نفت ارسال شود. شركت ملي نفت حق خواهد داشت كه بدون اين كه لطمه‌اي به حق حسابرسي ‌سالانه او كه ذيلاً مقرر شده است وارد شود، صحت صورتحسابهاي مذكور را مورد رسيدگي و تحقيق قرار دهد و از پيمانكار كل بخواهد كه مدارك و‌اسناد هزينه كافي براي اثبات آنها ارائه بنمايد و همچنين توضيحات لازم را براي توجيه‌ هر يك از اقلام خرج كه در آن صورت حسابها وارد شده است‌بدهد. براي اين منظور شركت ملي نفت حق خواهد داشت كه به موجب درخواست كتبي توضيحات بخواهد و همچنين سند هزينه‌هاي مربوط به‌بعضي از اقلام وارده را مطالبه كند مشروط بر آن كه درخواست مزبور حداكثر ظرف يك ماه از تاريخ ارسال صورتحسابها انجام گيرد. ‌صورتحسابهاي مذكور در بالا به زبان انگليسي تهيه و به شركت ملي نفت ايران ارسال خواهد شد. ‌جزء 2 ـ مخارج فوق پس از آن كه‌هر سال به وسيله يك مؤسسه حسابرسان صلاحيتدار كه معروفيت بين‌المللي داشته و مورد توافق طرفين باشد ‌رسيدگي گردد طبق مقررات اين قرارداد بر حسب مورد به عنوان هزينه‌هاي اكتشافي يا بهره‌برداري توسط طرفين پذيرفته خواهد شد. ‌گزارش حسابرسي اين گونه محاسبات در مورد هر سال مالي حداكثر سه ماه پس از پايان سال مالي مورد گزارش به شركت ملي نفت تسليم خواهد شد.
	+ ‌ماده 12 ـ مدت دوره اكتشاف و حداقل تعهدات ‌جزء 1 ـ دوره اوليه‌هشت‌ساله اكتشاف كه در ماده 4 بالا ذكر شده است به دو مرحله متوالي تقسيم خواهد شد: مرحله نخستين به مدت پنج سال از ‌تاريخ اجرا و مرحله دوم متعاقب آن به مدت سه سال. تفاهم حاصل است كه دوره اوليه مزبور ممكن است براي يك مرحله سوم به مدت دو سال طبق ‌شرايط مذكور در جزء 4 اين ماده تمديد گردد. ‌جزء 2 ـ (‌مرحله نخستين) ـ پيمانكار كل متعهد است كه در طي مرحله نخستين حداقل مبلغ ده ميليون دلار آمريكايي براي عمليات اكتشاف در ناحيه‌ واگذار شده خرج كند. عمليات مذكور شامل حفاري حداقل سه چاه اكتشافي خواهد بود. ‌جزء 3 ـ (‌مرحله دوم) ـ در صورتي كه پيمانكار كل تعهدات مندرج در جزء 2 بالا را انجام داده باشد پس از تقليل ناحيه واگذار شده به نحو مقرر در ماده13 اين قرارداد، به عمليات اكتشافي در مرحله دوم ادامه خواهد داد. در طي مرحله دوم پيمانكار كل حداقل سالي دو ميليون دلار آمريكايي براي‌ عمليات اكتشافي خرج خواهد نمود. ‌جزء 4 ـ (‌مرحله سوم) ـ در پايان مرحله دوم، و بعد از تقليل باقيمانده ناحيه واگذار شده بر طبق جزء 1 ماده 13 قرارداد، پيمانكار كل مكلف خواهد بود در صورتي كه شركت ملي نفت درخواست كند عمليات اكتشافي را براي يك مرحله اضافي به مدت دو سال (‌مرحله سوم) با حداقل تعهد مخارج سالانه دو ميليون دلار آمريكايي ادامه دهد. همچنين ادامه عمليات براي يك مرحله اضافي دوساله مزبور ممكن است به درخواست پيمانكار كل‌ صورت گيرد و شركت ملي نفت با چنين درخواستي موافقت خواهد نمود مشروط بر آن كه مخارج واقعي انجام شده به وسيله پيمانكار كل در طي ‌مراحل اول و دوم معادل هشت ميليون دلار آمريكايي از كل مبلغ حداقل تعهد هزينه كه به شرح بالا براي دو مرحله مزبور مقرر است تجاوز كرده باشد. ‌جزء 5 ـ ‌پيمانكار كل لااقل دو ماه پيش از انقضاي هر مرحله گزارشي حاكي از اين كه حداقل تعهد مخارج پيش‌بيني شده براي مرحله مربوطه انجام‌گرفته و يا در جريان اتمام است (‌با رعايت مقررات جزء 7 زيرين) تسليم شركت ملي نفت خواهد نمود. هرگاه شركت ملي نفت ايران ظرف شصت روز‌از تاريخ تسليم گزارش مذكور جوابي به پيمانكار كل ندهد چنين تلقي خواهد شد كه پيمانكار كل حداقل مخارج ناظر به مرحله مربوطه را انجام داده است و لذا عمليات ناظر به مرحله مربوطه را انجام خواهد داد و عمليات را براي مرحله بعدي در ناحيه تقليل‌يافته ادامه خواهد داد. ‌جزء 6 ـ در صورتي كه حداقل مبلغ مخارج سالانه كه در مورد دو سال اول مرحله دوم يا اولين سال مرحله سوم پيش‌بيني شده تماماً خرج نشده باشد ‌مبلغ خرج‌نشده باقيمانده به حساب سال بعد منتقل و در آن سال خرج خواهد شد. ‌جزء 7 ـ الف ـ هرگاه در انقضاي مرحله اول حداقل تعهد مخارج مصرح در جزء 2 اين ماده تماماً خرج نشده باشد شركت ملي نفت حق خواهد داشت‌كه با رعايت بند ب زير اين قرارداد را بدون اين كه تعهدي براي او در قبال پيمانكار و يا اعضاي طرف دوم ايجاد شود فسخ نمايد. ب ـ معذلك شركت ملي نفت در صورت خواست پيمانكار كل با ادامه عمليات اكتشافي موافقت خواهد كرد به شرط آن كه: 1 ـ هرگاه كل مبلغ مخارج واقعي انجام شده توسط پيمانكار كل در طي مرحله نخستين كمتر از حداقل تعهد اكتشافي باشد ولي اين تفاوت از ده درصد ‌حداقل تعهد مخارج مزبور تجاوز ننمايد مابه‌التفاوت خرج‌ نشده به‌حساب سالهاي بعد منتقل و به كل مبلغ حداقل تعهد مخارج مربوط به‌مرحله دوم‌ اضافه خواهد شد. 2 ـ هرگاه كل مبلغ مخارج واقعي انجام شده توسط پيمانكار كل در طي مرحله نخستين كمتر از حداقل تعهد اكتشافي باشد و اين تفاوت از ده درصد حداقل تعهد مخارج مزبور تجاوز نمايد پيمانكار كل مبلغي معادل مابه‌التفاوت زايد بر ده درصد حداقل تعهد مخارج به شركت ملي نفت خواهد‌پرداخت و مبلغ مزبور جزو مخارج اكتشاف محسوب نخواهد شد. بديهي است كه در اين صورت مبلغي معادل ده درصد حداقل تعهد مخارج به‌حساب سالهاي بعد منتقل و به كل مبلغ حداقل تعهد مخارج مربوط به‌مرحله دوم اضافه خواهد شد. ‌جزء 8 ـ در طول مرحله اول پيمانكار كل حق نخواهد داشت كه عمليات اكتشافي را تحت هيچ عنواني به جز در موارد فرس‌ماژور به نحو مقرر در اين‌ قرارداد متوقف يا تعطيل نمايد ليكن در پايان مرحله اول و در پايان هر يك از دوره‌هاي يكساله بعدي در صورتي كه پيمانكار كل ملاحظه نمايد شرايط ‌زيرزميني ناحيه واگذاري شده طوري است كه نمي‌توان به‌طور معقولي انتظار داشت كه نفت به ميزان تجاري كشف گردد مي‌تواند از ادامه عمليات ‌اكتشافي خودداري نمايد و در اين صورت بايد قصد خود را به‌شركت ملي نفت اعلام نموده به عمليات خاتمه دهد. ليكن قبلاً بايد ثابت نمايد كه كليه ‌امور اكتشافي تا تاريخ اعلام مزبور بر طبق برنامه به موقع اجرا گذارده شده و كليه حداقل تعهد مخارجي كه بر حسب مورد براي مرحله يا دوره سالانه‌پيش‌بيني شده مقدم بر اعلام مزبور تماماً خرج شده است. معذلك هرگاه تا تاريخ مزبور مبلغي خرج نشده باقيمانده باشد پيمانكار كل بايد نصف مبلغ‌ باقيمانده مزبور را به شركت ملي نفت بپردازد. ‌جزء 9 ـ مخارج واقعي كه در طي مرحله اول اضافه بر حداقل تعهد مخارج مرحله مزبور انجام گرفته باشد به حساب حداقل تعهد مخارج مرحله دوم‌ منظور خواهد شد. ‌جزء 10 ـ الف ـ چنان چه در خاتمه مرحله اول نفت به مقاديري تجاري در ناحيه واگذار شده باشد پيمانكار كل حق نخواهد داشت عمليات اكتشافي را‌ در مراحل دوم و سوم متوقف يا تعطيل نمايد و بايستي تعهدات مربوط به ادامه عمليات را بر طبق جزء‌هاي 3 و 4 اين ماده انجام دهد. تفاهم حاصل‌است كه تمديد عمليات اكتشافي به مرحله سوم تابع مقررات جزء 4 بالا خواهد بود. ب ـ هرگاه در پايان مرحله دوم و يا سوم اكتشاف (‌هر كدام كه مورد پيدا كند) حداقل تعهد مخارج مقرر در جزء‌هاي 3 و 4 اين ماده تماماً انجام نپذيرفته باشد پيمانكار كل با رعايت جزء 7 ب اين ماده مبلغي برابر با نصف مبلغ خرج‌ نشده را به شركت ملي نفت بپردازد. مبلغ مزبور جزيي از مخارج اكتشافي ‌تلقي نخواهد شد. ‌جزء 11 ـ به شرط رعايت مقررات جزء 9 اين ماده: ‌الف ـ هرگاه در پايان مرحله دوم مقرر در جزء 3 اين ماده پيمانكار كل حداقل تعهد مخارجي را كه بر طبق جزء 3 مذكور پيش‌بيني شده است انجام نداده‌ اشد دوره اكتشاف خاتمه‌يافته تلقي خواهد شد و همين حكم جاري خواهد بود در صورتي كه پيمانكار كل تعهد خود را داير بر اجراي مستمر عمليات ‌به درخواست شركت ملي نفت طبق جزء 4 اين ماده انجام ندهد. از آن پس حدود عمليات پيمانكار كل منحصر به عمليات در ناحيه يا نواحي‌بهره‌برداري (‌در صورت وجود چنين ناحيه يا نواحي) كه بر طبق مقررات ماده 17 تحديد حدود مي‌گردد خواهد شد. در صورتي كه چنين ناحيه‌ بهره‌برداري موجود نباشد شركت ملي نفت حق خواهد داشت بدون آن كه براي او تعهدي در قبال پيمانكار يا اعضاي طرف دوم ايجاد شود اين قرارداد ‌را فسخ نمايد. ب ـ در صورتي كه پيمانكار كل بر طبق مقررات جزء 4 وارد مرحله اضافي دوساله شده اما در انقضاي مرحله مزبور حداقل تعهد مخارجي را كه براي آن‌مرحله معين شده انجام نداده باشد شركت ملي نفت حق خواهد داشت به‌ همان طريقي كه در بند الف بالا راجع به پايان مرحله دوم مقرر گرديده است‌اقدام نمايد. ‌جزء 12 ـ در كليه مواردي كه در اين ماده پيش‌بيني شده است شركت ملي نفت مختار خواهد بود هر موقع كه به تشخيص خود اوضاع و احوال را ‌مقتضي بداند براي انجام تعهدات پيمانكار كل حداكثر تا شش ماه مهلت بدهد و اعطاي اين مهلت حقي را كه پيمانكار كل راجع به تمديد بر وفق‌ مقررات ماده 36 اين قرارداد ممكن است داشته باشد مخدوش نخواهد ساخت.
	+ ‌ماده 13 ـ ناحيه واگذار شده و تقليلهاي بعدي آن ‌جزء 1 ـ در پايان مرحله اول ناحيه واگذار شده به ميزان 40% تقليل خواهد يافت. هرگاه در پايان مرحله دوم عمليات اكتشافي طبق مقررات جزء 4 ماده12 اين قرارداد وارد مرحله سوم شود باقيمانده ناحيه واگذار شده بار ديگر به ميزان 50% ناحيه‌اي كه در خاتمه مرحله دوم باقيمانده است تقليل خواهد ‌يافت. ‌جزء 2 ـ پيمانكار حق دارد كه محدوده‌هايي را كه به منظور تقليل يا تقليلهاي مشروحه فوق بايستي از ناحيه واگذار شده خارج گردد و نيز شكل و اندازه‌ آنها را آزادانه انتخاب نمايد مشروط بر اين كه محدوده‌هاي مزبور از قطعاتي تشكيل شود كه مساحت هر كدام از آنها از 200 كيلومتر مربع كمتر نبوده و ‌متوسط طول هر يك از قطعات بيشتر از شش برابر ميزان متوسط عرض آن نباشد. در صورتي كه اجراي روش مزبور براي انتخاب محدوده‌هاي مورد‌ تقليل مناسب نباشد شكل و اندازه محدوده‌هاي مزبور به‌نحوي كه شركت ملي نفت مقتضي بداند معين خواهد شد. ‌جزء 3 ـ بعد از انجام هر يك از تقليلهاي مشروحه فوق پيمانكار كل محدوده‌هايي را كه پس از تقليل به موجب مقررات اين قرارداد نگاه خواهد داشت ‌به اطلاع شركت ملي نفت ايران خواهد رسانيد اطلاع مزبور در گزارشي كه در جزء 5 ماده 12 اين قرارداد به آن اشاره شده است گنجانيده خواهد شد. ‌در صورتي كه پيمانكار كل ظرف مهلتي كه براي ارسال گزارش مزبور مقرر شده نظريات خود را راجع به محدوده‌هايي كه بايستي خارج گردد به اطلاع‌ شركت ملي نفت نرساند اين شركت محدوده‌هاي مزبور را بنا بر تشخيص خود تعيين خواهد كرد. تصميم مزبور قطعي بوده و محدوده‌هايي كه بدين‌ترتيب توسط شركت ملي نفت مشخص مي‌گردد از تاريخ اعلام به‌ پيمانكار به عنوان محدوده‌هاي خارج شده از ناحيه واگذاري تلقي خواهد شد. ‌جزء 4 ـ در پايان "‌دوره اكتشاف" به شرح مقرر در ماده 12 "‌ناحيه واگذار شده" به طور نهايي تقليل خواهد يافت به نحوي كه فقط محدود به ناحيه يا‌ نواحي بهره‌برداري گردد كه وجود ميدان، يا ميدانهاي تجاري به شرح تعريف ماده 18 در آن محقق شده باشد.
	+ ‌ماده 14 ـ تنظيم برنامه‌ها و بودجه عمليات اكتشافي ‌جزء 1 ـ پيمانكار كل با مشورت شركت ملي نفت براي هر سال تقويمي، برنامه‌ها و بودجه‌هاي اكتشافي را براي ناحيه واگذار شده تنظيم خواهد نمود به‌نحوي كه دست‌كم انجام حداقل تعهداتي كه در ماده 12 تصريح گرديده است تأمين شود. مشورت مزبور بايستي قبل از پانزدهم سپتامبر هر سال به عمل‌آيد. ‌جزء 2 ـ برنامه‌ها و بودجه‌هاي مقرر در جزء 1 فوق براي هر سال تقويمي ‌منتهي تا پايان روز سي‌ام اكتبر سال قبل تسليم شركت ملي نفت خواهد‌گرديد. ‌هرگاه پيمانكار كل در ضمن اجراي برنامه‌هاي مزبور تجديد نظري را در آنها مقتضي بداند به شركت ملي نفت اطلاع خواهد داد و حق خواهد داشت كه‌ بلافاصله نسبت به اجراي كارهاي مربوط به قسمت تجديد نظر شده اقدام نمايد به شرط آن كه تجديد نظرهاي مزبور در هر سال مجموعاً از ده درصد‌ بودجه سالانه تجاوز ننمايد.
	+ ‌ماده 15 ـ مدت دوره بهره‌برداري ‌جزء 1 ـ "‌دوره اكتشاف" در هر قسمت از ناحيه واگذار شده موقعي پايان خواهد يافت كه "‌نخستين چاه تجاري" طبق تعريف ماده 16 اين قرارداد در‌قسمت مزبور كشف شده باشد. در مورد هر "‌ناحيه بهره‌برداري" كه حدود آن بر طبق ماده 17 تعيين مي‌شود آغاز "‌دوره بهره‌برداري" از تاريخ احراز"‌نخستين چاه تجاري" خواهد بود. ‌جزء 2 ـ "‌دوره بهره‌برداري" در يك "‌ناحيه بهره‌برداري" مشتمل به سه مرحله جداگانه به شرح زير خواهد بود: ‌الف ـ مرحله ارزيابي: از تاريخ تحقق "‌نخستين چاه تجاري" تا تاريخي كه ميدان بر طبق مقررات ماده 18 اين قرارداد تجاري شناخته شود. ب ـ مرحله توسعه: از تاريخ تجاري شناخته شدن "‌ميدان" تا "‌تاريخ شروع توليد به ميزان تجاري". ج ـ مرحله توليد: از "‌تاريخ شروع توليد به ميزان تجاري" تا خاتمه "‌دوره بهره‌برداري". ‌جزء 3 ـ "‌دوره بهره‌برداري" در مورد تمام "‌ناحيه واگذار شده" در خاتمه 25 سال از "‌تاريخ شروع توليد تجاري" از "‌نخستين ميدان تجاري" پايان خواهد ‌يافت.
	+ ‌ماده 16 ـ نخستين چاه تجاري ‌جزء 1 ـ همين كه پيمانكار كل به اين نتيجه رسيد كه "‌نخستين چاه تجاري" كشف و تكميل گرديده است اظهاريه‌اي حاكي از اين امر به شركت ملي نفت‌ تسليم خواهد نمود. دلائل اثبات اين اظهار در گزارش بعدي كه درباره تكميل چاه تجاري مزبور تهيه و تسليم مي‌گردد مندرج خواهد بود. گزارش مزبور ‌بايستي حاوي تاريخچه مفصل چاه منجمله اطلاعات و ارقام مربوط به زمين‌شناسي ـ حفاري ـ مهندسي نفت و ذخائر نفتي توليد باشد. تفاهم حاصل ‌است كه آزمايشهايي كه باري اثبات كشف چاه تجاري مزبور به عمل مي‌آيد در حضور نمايندگان شركت ملي نفت انجام خواهد گرفت و به‌همين منظور‌ هرگونه دلائل و علائم وجود نفت فوراً به اطلاع شركت ملي نفت رسانيده خواهد شد. ‌جزء 2 ـ چاه موقعي "‌تجاري" شناخته خواهد شد كه يا: ‌الف ـ قابليت بهره‌دهي فرضي آن كه بر اساس ضخامت طبقه بهره‌ده و خصوصيات پتروفيزيكي سنگهاي مخزن و اطلاعات حاصله از تجزيه و آزمايش‌عوامل فشار و حجم و درجه حرارت سيالات موجود در مخزن (P,V.T) و ضريب‌هاي بهره‌دهي در ميزانهاي مختلف توليد و حريم زهكشي مفروضي‌ به شعاع نيم ميل در اطراف حلقه چاه برآورد گرديده باشد حاكي از اين باشد كه چاه در ظرف مدت 12 سال مي‌تواند مقادير كافي نفت توليد كند به طوري‌كه ارزش فعلي آن بر اساس بهاي مربوطه در تاريخ تقويم با احتساب 5% تخفيف حداقل معادل يك و نيم برابر هزينه تمام شده حفاري و تكميل آن چاه‌باشد. ‌و يا: ب ـ به ثبوت رسد كه مي‌توان در جريان طبيعي نفت خامي‌به ميزان روزانه دو هزار بشكه در طول مدت پانزده روز متوالي در افقهايي به حداكثر 2500‌متر عمق توليد كند. ‌اين قدرت توليد در مورد چاهي كه افق عميق‌تر از ميزان مذكور داشته باشد روزانه سه هزار بشكه منظور خواهد شد. ‌جزء 3 ـ صرف كشف چاه تجاري به مفهومي‌كه در جزء 2 اين ماده تعريف گرديده است به خودي خود كافي نخواهد بود كه ساختمان تحت‌الارضي و‌مخازن نفتي مربوطه تشكيل يك ميدان تجاري بدهد. ‌جزء 4 ـ مقررات مندرجه در اين ماده در مورد نخستين چاه يا چاه‌هاي تجاري كه بعداً هم در قسمتهاي ديگر ناحيه واگذاري كشف گردد عيناً قابل اجرا‌خواهد بود.
	+ ‌ماده 17 ـ ناحيه بهره‌برداري ‌جزء 1 ـ هر زمان كه "‌نخستين چاه تجاري" به شرح تعريف جزء 2 ماده 16 تحقق يافت مرحله ارزيابي مذكور در جزء 2 ماده 15 در ناحيه بهره‌برداري كه ‌توسط پيمانكار كل تعيين مي‌گردد شروع خواهد شد. حدود موقتي چنين ناحيه‌اي فوراً به اطلاع شركت ملي نفت رسانده خواهد شد. ‌جزء 2 ـ هر "‌ناحيه بهره‌برداري" به وسيله كثيرالاضلاعي مشخص مي‌گردد كه مختصات جغرافيايي قطعي آن را پيمانكار كل تعيين خواهد كرد. ناحيه‌اي‌كه به اين نحو مشخص مي‌شود از حدود كثيرالاضلاعي كه محيط بر پست‌ترين خطوط ميزان ساختمان طبقات‌الارضي و يا به اختلاف مورد محيط بر‌حدود ناحيه قابل بهره‌برداري نفتي باشد تجاوز نخواهد نمود. "‌ناحيه بهره‌برداري" بايد در داخل ناحيه واگذار شده قرار داشته و بر اساس اطلاعات‌ مربوطه مشخص گردد. حدود هر ناحيه بهره‌برداري ممكن است بر اساس نتايج حاصله از چاههاي ارزيابي مورد تجديد نظر قرار گيرد. ‌جزء 3 ـ هرگاه حدود موقتي "‌ناحيه بهره‌برداري" طبق مقررات بالا پيش از پايان دوره اكتشاف يا مراحل تمديدي آن (‌به موجب مقررات اجزاء (1) و(12) ماده 12) تعيين گرديد، شركت ملي نفت به پيمانكار كل اجازه خواهد داد كه عمليات لازم براي تكميل كارهاي مربوط به ارزيابي را در ناحيه ‌بهره‌برداري مذكور پس از خاتمه دوره اكتشاف و مرحله تمديدي آن انجام دهد مشروط بر آن كه كارهاي مزبور از شش ماه تجاوز ننمايد.
	+ ‌ماده 18 ـ ميدان تجاري ‌جزء 1 ـ به مجرد اين كه پيمانكار كل به اين نتيجه رسيد كه عمليات وي در يك "‌ناحيه بهره‌برداري" منتج به كشف "‌ميدان تجاري" شده است گزارش ‌تفصيلي نتيجه‌گيري خود را به شركت ملي نفت تسليم خواهد نمود. ‌جزء 2 ـ گزارشي كه پيمانكار كل به موجب جزء 1 فوق به شركت ملي نفت تسليم مي‌كند بايد به طور وضوح حاوي اطلاعات فني و منجمله مراتب زير ‌باشد: ‌الف ـ اطلاعات زمين‌شناسي و ژئوفيزيكي ـ ضخامت طبقه بهره‌ده فاصله يا فواصل بين سطوح مختلف تماس سيالات ـ خصوصيات پتروفيزيكي ‌سنگهاي مخزن ـ تجزيه و آزمايش عوامل فشار و حجم و درجه حرارت سيالات موجود در مخزن P.V.T ـ قابليت بالقوه بهره‌دهي مخزن ـ قابليت ‌بالقوه بهره‌دهي روزانه‌ هر چاه ـ خصوصيات و تركيبات مربوطه نفت خام مكشوفه ـ عمق ـ فشار و ساير خصوصيات مخزن و سيالات موجود در آن. ب ـ فاصله و ميزان دسترس بودن مخزن از كنار دريا و نقاط عمده پخش يا مصرف ـ فراهم بودن وسايل حمل و نقل تا بازارهاي جهاني يا ميزان هزينه ‌ايجاد يا تكميل وسايل مزبور. ج ـ هرگونه اطلاعات مربوطه ديگري كه پيمانكار كل به آن اتكاء نموده و نتايجي از آن گرفته باشد. ‌د ـ نظرياتي كه به وسيله كارشناس يا كارشناساني كه اجراي عمليات به آنها سپرده شده ابراز گرديده باشد. ‌جزء 3 ـ شركت ملي نفت گزارش مزبور را ظرف مدت معقولي مورد بررسي قرار خواهد داد تا تشخيص دهد كه آيا "‌ميدان تجاري" بدان معني كه در‌ جزء 4 اين ماده تعريف گرديده كشف شده است يا نه. ‌جزء 4 ـ ميدان فقط در موقعي تجاري تلقي مي‌شود كه مقدار نفت خامي‌كه طبق پيش‌بيني معقول از آن ميدان قابل استخراج است به حدي باشد كه‌ تحويل نفت خام در كنار دريا بر اساس زير امكان‌پذير باشد: ‌هرگاه از ارزش بالفعل مجموع مقادير نفت خامي‌كه انتظار مي‌رود در ظرف مدت اولين 25 سال توليد گردد و ارزش مزبور بر اساس قيمت مربوطه ‌محاسبه شده باشد (‌از اين پس در اين قرارداد "‌ارزش تخفيف ‌يافته" ناميده مي‌شود) اقلام زير را: ‌الف ـ ارزش بالفعل مجموع هزينه‌هاي جاري بابت مقادير نفت خامي‌كه انتظار مي‌رود در ظرف اولين 25 سال توليد گردد منجمله ‌هزينه‌هاي برداشت ـ عمل آوردن ـ انبار كردن ـ حمل و نقل ـ بارگيري و مخارج ديگر. ب ـ مجموع هزينه‌هاي اكتشافي كه طبق اين قرارداد تا تاريخ كشف ميدان تجاري صرف شده باشد به اضافه ‌هزينه‌هاي اكتشافي برآورد شده كه بايد در‌ بقيه دوره اكتشاف خرج گردد. ج ـ هزينه‌هاي پيش‌بيني شده ارزيابي و توسعه به اضافه ارزش بالفعل بهره سرمايه قابل پرداخت توسط شركت ملي نفت در مورد ميدان مربوطه. ‌د ـ مبلغي معادل دوازده و نيم درصد "‌ارزش تخفيف‌يافته" مذكور در بالا كسر كنند سودي باقي بماند كه كمتر از 20 درصد قيمت تخفيف داده شده ‌نباشد. ‌جزء 5 ـ به منظور احتساب "‌ارزش بالفعل" در كليه مواردي كه در اين ماده ذكر شده است نرخ تنزيل به قرار 5 درصد به مدت 25 منظور خواهد شد. ‌جزء 6 ـ موافقت مي‌شود در مواردي كه تشخيص داده شود ميداني در مرز تجاري بودن قرارداد به درخواست پيمانكار كل تبادل نظر بين شركت ملي ‌نفت و پيمانكار كل براي تجاري اعلام نمودن چنين ميداني به عمل خواهد آمد با اين تفاهم كه استهلاك و بازپرداخت وجوهي كه به حساب مجموع‌ هزينه اكتشاف توسط شركت ملي نفت از طريق كارگزار به طرف دوم تأديه خواهد شد بر اساس تعداد معيني سنت براي هر بشكه صورت گيرد تا شركت‌ ملي نفت و پيمانكار كل بتوانند ميدان را بر طبق مقررات اين ماده و مادام كه ميدان تجاري ديگري كشف نشده باشد تجاري اعلام نمايند. ‌جزء 7 ـ مقررات اين ماده عيناً در مورد هر ميدان ديگري كه متعاقب كشف گردد قابل اجرا خواهد بود با اين تفاهم كه‌ هزينه واحدي براي موضوع واحد‌ بيش از يك بار در محاسبه منظور نخواهد شد.
	+ ‌ماده 19 ـ ذخاير ملي ‌جزء 1 ـ تفاهم حاصل است كه پنجاه درصد ذخاير مكشوفه قابل استخراج از شمول مقررات اين قرارداد خارج و به عنوان ذخاير ملي كنار گذارده‌ خواهد شد تسهيم ذخايري كه به موجب اين ماده به عنوان ذخاير ملي كنار گذارده مي‌شود بر حسب توافق بين شركت ملي نفت و پيمانكار كل بر اساس‌ اطلاعات فني موجود صورت خواهد گرفت. ‌جزء 2 ـ به منظور كنار گذاردن ذخاير ملي مقررات زير مجري خواهد بود: ‌الف ـ تسليم ذخاير فقط در صورتي انجام خواهد شد كه محرز گردد كه نخستين ميدان يا ميدانهاي تجاري مكشوفه (‌طبق مقررات جزء 4 از ماده 18)‌ بازپرداخت مجموع هزينه‌هاي واقعي اكتشاف و همچنين حداقل هزينه مورد تعهد براي بقيه دوره اكتشاف را كه بايد به شرح ماده 25 از طريق كارگزار به‌طرف دوم تأديه شود تكافو خواهد نمود. تفاهم حاصل است كه در مورد ميدانهايي كه در مرز تجاري بودن قرار دارند در ميزان هزينه‌هاي اكتشافي مزبور‌از لحاظ اين ماده به نحوي كه در جزء 6 از ماده 18 مقرر است تقليل داده خواهد شد. ب ـ تسهيم ذخاير به شرح فوق حتي‌الامكان به صورتي خواهد بود كه تعدادي از ميدانهاي مكشوفه به طور جدا و پيش از توسعه به عنوان ذخاير ملي ‌به شركت ملي نفت تخصيص داده شود. ج ـ قبل از اين كه ميدانهاي نفت مذكور در بند (ب) اين ماده به شركت ملي نفت تخصيص داده شود تعداد كافي چاه ارزيابي بر طبق روش خوب ‌صنعت نفت و به شرح مذكور در جزء 2 ماده 20 در هر يك از نواحي بهره‌برداري حفر خواهد شد تا ارزيابي و برآورد صحيح ذخاير قابل استخراج هر ‌ناحيه ميسر گردد. ‌د ـ هرگاه اجراي مقررات بند (ب) فوق كلاً يا جزئاً امكان‌پذير نباشد فرمولي مورد توافق قرار خواهد گرفت كه به موجب آن نحوه تسهيم توليد نفت ‌مقرر در ماده 27 از ميدانهايي كه به مرحله توسعه رسيده‌اند تعديل گردد. ه ـ تسهيم ذخاير ملي در فواصل معين مورد تعديل قرار خواهد گرفت تا بتوان ميدانهاي مكشوفه جديد يا امتداد ذخاير در ناحيه بهره‌برداري موجود را به حساب آورد. ‌و ـ تفاهم حاصل است كه اجراي مقررات بند (‌د) و (هـ) بالا هيچ گونه تغييري در خصوصيات تجاري يا مالي اقتصادي اين قرارداد ايجاد نخواهد كرد و از ‌اين نقطه نظر نسبت موجود بين ارزش ذخاير توسعه‌يافته و ذخاير توسعه ‌نيافته مورد توجه قرار خواهد گرفت.
	+ ‌ماده 20 ـ تنظيم برنامه و بودجه عمليات بهره‌برداري ‌جزء 1 ـ در طول مدت بهره‌برداري برنامه‌هاي عمليات و بودجه‌هاي مربوطه به وسيله پيمانكار كل با مشورت شركت ملي نفت تهيه و به شرح زير به‌ مورد اجرا گذارده خواهد شد. ‌جزء 2 ـ در مرحله ارزيابي، پيمانكار كل بعد از مشورت با شركت ملي نفت و يا رعايت دقيق روش صحيح صنعت نفت به اجراي برنامه‌ها و بودجه‌هاي ‌مربوطه مبادرت خواهد كرد. ‌در مورد هر يك از نواحي بهره‌برداري برنامه‌ها و بودجه‌هاي جداگانه تنظيم و ظرف مدت دو ماه از تاريخ اعلام كشف نخستين چاه تجاري به شرح مقرر‌ در ماده 16 به اطلاع شركت ملي نفت رسانيده خواهد شد. برنامه‌ها و بودجه‌هاي مزبور ممكن است براي مدتي متجاوز از يك سال باشد. ‌برنامه ارزيابي براي هر "‌ناحيه بهره‌برداري" اصولاً محدود به حفر حداقل دو چاه علاوه بر "‌نخستين چاه تجاري" مي‌باشد مگر در مواردي كه بين شركت ‌ملي نفت و پيمانكار كل بر وفق روش صحيح صنعت نفت به نحو ديگري توافق شود. اين برنامه در موارد لزوم عمليات لرزه‌نگاري تفصيلي را نيز شامل‌ خواهد بود تا مناسب‌ترين محل را براي چاههاي ارزيابي مشخص گرداند. پيمانكاران كل مي‌تواند گاه به گاه بر اساس نتايج حاصله در برنامه مزبور و‌ بودجه مربوطه آن تجديد نظر نمايد و چنين تفاهم حاصل است كه پيمانكار كل تجديد نظر مذكور را پس از مشاوره با شركت ملي نفت به‌موقع اجرا‌خواهد گذاشت. ‌جزء 3 ـ به محض اين كه ميداني از طرف شركت ملي نفت تجاري شناخته شد پيمانكار كل برنامه‌هاي سالانه و بودجه‌هاي مربوطه را براي تصويب ‌شركت ملي نفت تنظيم خواهد نمود و در تنظيم اين برنامه‌ها برنامه پنج‌ساله‌اي كه به منظور تعيين ظرفيت توليد مشروحه در ماده 21 تهيه مي‌شود مورد‌نظر قرار خواهد گرفت. برنامه‌ها و بودجه‌هاي مزبور قبل از 15 اكتبر هر سال براي سال بعد تسليم شركت ملي نفت خواهد گرديد و پس از تصويب ‌شركت ملي نفت به وسيله پيمانكار به موقع اجراء گذارده خواهد شد. از تاريخ تشكيل كميته اجرايي مقرر در جزء 4 ماده 10 ـ برنامه‌ها و بودجه‌هاي ‌مورد بحث به شرحي كه فوقاً ذكر شد از طريق اين كميته به شركت ملي نفت تسليم خواهد شد. ‌جزء 4 ـ پيمانكار كل موظف است كه حداكثر تا آخر روز 31 مارس هر سال گزارش سالانه‌اي مشتمل بر اطلاعات كامل درباره اجراي برنامه‌ها و ‌بودجه‌ها در سال قبل تسليم شركت ملي نفت نمايد.
	+ ‌ماده 21 ـ ظرفيت توليد ‌جزء 1 ـ با در نظر گرفتن: ‌الف ـ ذخاير قابل استخراج "‌ميدانهاي تجاري" كه در "‌ناحيه يا نواحي بهره‌برداري" كشف گردد (‌به شرط آن كه از شمول اين قرارداد خارج نباشد) و ب ـ مجموع امكانات بالقوه و قابل پيش‌بيني طرفين در مورد بازار شركت ملي نفت و پيمانكار كل درباره ميزان توسعه ميدان (‌يا ميدانها) مشتركاً اتخاذ ‌تصميم خواهند نمود و به اين ترتيب ظرفيت توليد را كه "‌ظرفيت توليد توسعه‌يافته" هر ميدان ناميده مي‌شود تعيين خواهند نمود. "‌ظرفيت توليد توسعه‌يافته" ميدانها هيچ گاه نبايد از حدود MER ميدان مربوطه با رعايت روش صحيح صنعت نفت تجاوز كند. ‌جزء 2 ـ بر اساس "‌ظرفيت توليد توسعه‌يافته" يك برنامه توسعه پنج‌ساله براي اجرا تهيه خواهد شد. ‌اين برنامه ميزان توليد سالانه را پيش‌بيني خواهد نمود. ميزان توليد ممكن است هر سال مشتركاً مورد تجديد نظر قرار گيرد در اين صورت "‌ظرفيت‌تصحيح شده توليد" مطابق روش صحيح صنعت نفت تعيين خواهد گرديد. ‌جزء 3 ـ مجموع امكانات بالقوه قابل پيش‌بيني طرفين در مورد بازار به شرحي كه در جزء 1 فوق ذكر گرديده عبارت از مجموع اقلام زير خواهد بود: ‌الف ـ احتياجات شركت ملي نفت براي بازارهاي خود. ب ـ احتياجات شركت ملي نفت براي مقاديري كه پيمانكار كل طبق مقررات ماده 29 به نمايندگي از طرف شركت ملي نفت براي آن بايد بازار پيدا كند. ج ـ احتياجات طرف دوم در حدود مقاديري كه حق دارد به قيمتهاي تضمين شده فروش به نحو مقرر در ماده 27 از شركت ملي نفت خريداري نمايد. ‌جزء 4 ـ بدون اين كه خدشه‌اي در مقررات بالا وارد شود هر يك از طرفين حق خواهد داشت كه توسعه ميدان (‌يا ميدانها) را تا حداكثر قابليت ‌بهره‌برداري ميدان (M.E. R) درخواست نمايد و طرف ديگر با چنين تقاضايي مخالفت نخواهد كرد تا در نتيجه توسعه مزبور امكان برداشت طرف ‌متقاضي نسبت به درصد سهميه خود به شرح مقرر در ماده 27 بر اساس حداكثر قابليت بهره‌برداري ميدان تأمين گردد ليكن طرف متقاضي هميشه‌ فروش مقادير اضافه بر احتياجات پيش‌بيني شده طرف ديگر به موجب بند (‌الف) (ب) يا (ج) جزء 3 بالا را تحت ترتيبات مقرر در ماده 22 تضمين ‌خواهد نمود.
	+ ‌ماده 22 ـ روش برداشت ‌جزء 1 ـ همين كه ميداني تجاري اعلام گرديد شركت ملي نفت و كارگزار يك كميته چهار نفري "‌تعيين سهميه" كه دو نفر از آنها را شركت ملي نفت و نفر‌ديگر را كارگزار تعيين خواهد كرد تشكيل خواهند داد. اعضاي كميته تعيين سهميه بعد از مطلع ساختن يكديگر از احتياجات طرفين قبل از سي‌ام ژوئن‌هر سال تشكيل جلسه خواهند داد تا در آن تاريخ مقاديري را كه در ظرف سال تقويمي‌بعد بايد در سر چاه توسط شركت ملي نفت برداشت شود و‌ همچنين مقاديري را كه به منظور تأمين احتياجات طرفين بايد در نقطه بارگيري تحويل گردد به اطلاع پيمانكار برسانند. ‌جزء 2 ـ هر يك از طرفين حق خواهد داشت كه در مدت اين قرارداد به طور متوسط درصد سهميه خود را از "‌ظرفيت توليد توسعه ‌يافته" هر ميدان بر‌طبق مقررات ماده 27 اين قرارداد در محل بارگيري برداشت نمايد. ‌جزء 3 ـ براي اين كه امكان كسري برداشت طرفين ملحوظ گرديده و اجازه جبران اين گونه كسري‌ها داده شود ممكن است كه حق برداشت طرفين را بر‌مبناي "‌ظرفيت توليد توسعه يافته" يا "‌ظرفيت توليد تصحيح شده" كه در هيچ مورد از 90 درصد "‌ظرفيت توليد توسعه‌يافته" كمتر نخواهد بود احتساب ‌نمود. براي انجام اين منظور موافقت مي‌شود كه: ‌الف ـ چنان چه احتياجات طرفين با درصد سهميه مربوطه آنها بر مبناي "‌ظرفيت توليد توسعه‌يافته" مساوي باشد برنامه توليد آن سال برابر با "‌ظرفيت ‌توليد توسعه‌يافته" خواهد بود. ب ـ چنان چه احتياجات طرفين از درصد سهميه مربوطه آنها بر مبناي "‌ظرفيت توليد توسعه‌يافته" كمتر باشد هر دو طرف حق خواهند داشت كه‌كسري برداشت سهميه خود را ظرف سالهاي بعد جبران نمايند. براي اين كه اجازه جبران كسري برداشت داده شود و مقاديري كه طرفين ظرف سالهاي ‌بعد تا تكميل كسري حق برداشت دارند بر مبناي "‌ظرفيت توليد تصحيح شده" احتساب خواهد شد. تفاوت بين "‌ظرفيت توليد توسعه يافته" و "‌ظرفيت ‌توليد تصحيح شده" به منظور جبران كسري برداشت به‌نسبت مقادير كسري كه بايد توسط هر يك از طرفين جبران گردد سرشكن خواهد شد. ج ـ چنان چه احتياجات يكي از طرفين از درصد سهميه او كه بر مبناي "‌ظرفيت توليد توسعه‌يافته" محاسبه شده كمتر باشد طرفي كه از درصد سهميه‌خود كمتر برداشت كرده حق خواهد داشت كه در ظرف سالهاي بعد مقاديري را كه تكرار سهميه خود پرداخت نموده است جبران نمايد و براي اين كه‌جبران مقادير مزبور امكان‌پذير گردد درصد سهميه طرفين در سالهاي بعد تا جبران نهايي مقادير مزبور بر مبناي "‌ظرفيت توليد تصحيح شده" احتساب‌خواهد شد و تفاوت بين "‌ظرفيت توليد توسعه‌يافته" و "‌ظرفيت توليد تصحيح شده" براي جبران كسري برداشت طرف مزبور اختصاص داده خواهد‌شد. ‌براي اين كه بتوان سطح توليد را به حداكثر رسانيد هرگاه طرفي كه كسر برداشت داشته كليه مقاديري را كه براي جبران كسري در ظرف يك سال‌تخصيص داده شده است برداشت نكند و يا هرگاه علاوه بر مقادير تخصيص داده شده براي جبران كسري در يك سال ظرفيت اضافي ديگري نيز باقي ‌بماند طرف ديگر مي‌تواند مقادير اضافي موجود مزبور را برداشت نمايد اين مقادير با توافق طرفين در يك يا چند سال ظرف پنج سال آينده از درصد‌ تخصيص داده شده طرفي كه آن را برداشت مي‌كند كم گذارده خواهد شد. ‌د ـ چنان چه احتياجات يكي از طرفين بر مبناي "‌ظرفيت توليد توسعه‌يافته" كمتر از درصد سهميه او باشد طرف ديگر مي‌تواند در صورت موافقت‌ طرف ديگر مقداري را كه به اين نحو موجود است برداشت نمايد و وجه آن را بر مأخذ بهاي منهاي پنج سنت هر بشكه بپردازد و در اين صورت حق ‌جبران كسري طرفي كه از سهميه خود كمتر برداشت نموده است از وي سلب خواهد شد. ‌جزء 4 ـ طرفين تعهد مي‌نمايند كه در برداشت احتياجات خود به‌شرحي كه اطلاع داده‌اند كوتاهي ننموده و همان مقادير را تحويل گيرند.
	+ ‌ماده 23 ـ روش تأمين مخارج ‌جزء 1 ـ تا زماني كه شركت ملي نفت نتواند از محل عوايد حاصله از عمليات مقرر در اين قرارداد هزينه‌هاي برنامه‌هاي ارزيابي و توسعه را تأمين كند ‌اعضاي طرف دوم از طرف كارگزار وجوه لازم براي هزينه‌هاي مزبور را فراهم خواهند نمود. ‌جزء 2 ـ طرف دوم در هر حال كليه وجوه لازم براي تأمين مخارج اكتشاف را فراهم خواهد نمود. و نيز طرف دوم هزينه برنامه‌هاي ارزيابي و توسعه و‌ همچنين هزينه ايجاد وسايلي را كه براي تحويل نفت در نقطه بارگيري و براي انبار كردن و بارگيري نفت در كشتي جهت صدور لازم است تأمين خواهد ‌نمود. تفاهم حاصل است موقعي كه توليد به ميزان تجاري شروع شود عوايد خالص شركت ملي نفت در هر سال مالي از عمليات مقرر در اين قرارداد‌براي پرداخت هزينه‌هاي ارزيابي و توسعه در سال مالي بعد تخصيص داده خواهد شد و به اين ترتيب طرف دوم فقط مسئول تأمين بقيه مخارج خواهد‌بود. ‌جزء 3 ـ منظور از "‌عوايد خالص شركت ملي نفت در هر سال مالي از عمليات مقرر در اين قرارداد" عبارت خواهد بود از تفاوت بين مجموع اقلام (‌الف) و (ب) زير: ‌الف ـ دريافتهاي شركت ملي نفت كه از نفت توليدي به موجب اين قرارداد حاصل مي‌شود از اين قرار: (1) وجوهي كه شركت ملي نفت از محل فروش نفت به طرف دوم طبق ماده 27 قرارداد به دست مي‌آورد. 2 ـ وجوه حاصله از فروش توسط طرف دوم به نمايندگي از طرف شركت ملي نفت به نحوي كه در ماده 29 قرارداد مقرر شده است. (3) ارزش نقدي فروشگاه‌هاي مستقيمي‌كه توسط شركت ملي نفت انجام مي‌شود (‌منجمله معاملات پاياپاي كه بايد بر اساس قيمتهاي مقرر در ماده 28‌احتساب گردد). (4) بهاي تمام شده نفت خامي‌كه شركت ملي نفت براي احتياجات داخلي ايران مصرف مي‌كند. ب ـ پرداختهاي شركت ملي نفت: (1) پرداختهاي علي‌الحساب كه پس از وصول وجوه حاصله از هر فروش بايستي به شرح مقرر در بند (‌الف) و (ب) جزء 5 اين ماده بابت هزينه ‌عمليات به صندوق هزينه‌هاي جاري واريز گردد. (2) وجوه اضافي كه توسط شركت ملي نفت به موجب جزء 5 (ج) اين ماده در موارد افزايش سهم پرداختي طرفين به صندوق هزينه‌هاي جاري در سال‌ مربوطه تأديه شود. (3) بازپرداخت "‌وامهاي بهره‌برداري" و بهره متعلقه به آن براي سال مربوطه طبق مقررات ماده 26. (4) بازپرداخت "‌وامهاي اكتشاف" براي سال مربوطه طبق مقررات ماده 25. (5) مالياتهاي قابل پرداخت شركت ملي نفت به دولت كه از لحاظ اين ماده بر اساس درآمد واقعي حاصله از فروشها و عمليات مقرر در اين قرارداد‌احتساب خواهد شد. ‌جزء 4 ـ وجوهي كه طرف دوم به موجب مقررات جزء 1 و 2 اين ماده بايد تأديه نمايد طبق روش زير تهيه و مورد استفاده قرار خواهد گرفت: ‌الف ـ حسابهاي مخصوص توسط كارگزار در هر جا از ايران و فرانسه كه مقتضي باشد گشوده خواهد شد و طرف دوم وجوهي را كه براي عمليات ‌پيمانكار كل بر طبق اين قرارداد لازم باشد در آن حسابها خواهد ريخت. ب ـ پيمانكار كل اختيار خواهد داشت كه بابت كليه پرداختهايي كه به‌شرح مذكور در اين قرارداد بايد به عمل آورد از حسابهاي مزبور وجه دريافت كند. ج ـ طرف دوم تضمين مي‌نمايد كه در همه اوقات وجوه كافي در حسابهاي مزبور نگاهداري گردد تا پرداخت كليه‌هزينه‌هاي انجام شده توسط پيمانكار‌كل عملي گردد. ‌د ـ موقعي كه درآمد حاصله از عمليات مشروحه در اين قرارداد قادر باشد كه كاملاً تكافوي مخارج عمليات مزبور را بنمايد به نحوي كه شركت ملي‌نفت بتواند كليه ‌هزينه‌هاي بعدي ارزيابي و توليد را از محل عوايد خالص نقدي حاصله از عمليات به شرح مقررات جزء 3 بالا تأمين نمايد حسابهاي ‌مزبور بسته شده و تتمه آن (‌در صورت وجود تتمه‌اي) به طرف دوم برگشت داده خواهد شد. ‌جزء 5 ـ الف ـ هزينه‌هاي جاري ناحيه بهره‌برداري به موجب اين قرارداد كه به مرحله توليد تجاري رسيده باشد از صندوق در گردش هزينه‌هاي جاري‌كه در ايران نگاهداري و وجوه آن مشتركاً به وسيله شركت ملي نفت و طرف دوم تأمين مي‌شود پرداخت خواهد شد. ميزان وجوه اوليه صندوق مزبور ‌به محض اين كه شركت ملي نفت و كارگزار ظرفيت توليد توسعه ‌يافته اولين ميدان را براي رسيدن به مرحله توليد تعيين نمودند با توافق معين خواهد‌گرديد. ب ـ هزينه‌هاي جاري از صندوق مزبور پرداخت خواهد گرديد و شركت ملي نفت وجوه مربوطه را به صندوق مسترد خواهد داشت تا موجودي ‌صندوق به ميزاني كه توسط طرفين پرداخته شده بود برسد و براي اين منظور شركت ملي نفت بعد از وصول عوايد حاصله از هر فروش مبلغي را كه از‌ بابت هزينه‌هاي جاري جزء بهاي نفت خام مورد فروش طبق تعريف جزء 2 (ج) ماده 27 منظور شده به بستانكار حساب صندوق واريز خواهد كرد. ج ـ ميزان وجوه صندوق در فواصل معين بر حسب تغييراتي كه در ميزان هزينه‌هاي جاري به عمل مي‌آيد با پرداختهاي جديدي به وسيله طرفين تعديل‌خواهد شد. ‌د ـ مشاركت طرف دوم در ايجاد و نگاهداري صندوق مزبور طبق مقررات زير خواهد بود. ‌نسبت وجوه پرداختي طرف دوم به كل وجوه پرداختي به صندوق مزبور همواره معادل نسبت درصد توليد خواهد بود كه طبق مقررات ماده 27 طرف‌دوم حق خريداري آن را از شركت ملي نفت دارد. ه ـ وجوهي كه‌هر يك از طرفين به صندوق پرداخت مي‌كنند به عنوان پيش‌پرداخت در حساب جاري تلقي خواهد شد و بهره به آن تعلق نخواهد گرفت ‌و تتمه آن (‌در صورت وجود تتمه) كلاً در پايان دوره قرارداد به‌نسبت وجوهي كه‌ هر كدام از طرفين در صندوق ريخته‌اند به آنان مسترد خواهد شد و نيز‌هرگاه طرفين توافق نمايند كه حفظ وجوه صندوق به ميزان موجود لزومي‌ ندارد ممكن است قسمتي از موجودي به‌همان ترتيب به طرفين استرداد‌ شود.
	+ ‌ماده 24 ـ نحوه عمل تهيه وجوه توسط طرف دوم ‌جزء 1 ـ وجوهي كه به توسط طرف دوم از طريق كارگزار طبق جزء 1 و 2 ماده 23 قرارداد تهيه مي‌گردد بر حسب مورد به عنوان وام اكتشاف يا وام ‌بهره‌برداري براي شركت ملي نفت تلقي خواهد شد. ‌جزء 2 ـ مخارجي كه بابت عمليات اكتشافي صورت گرفته منجمله مخارج مربوط به نخستين چاه تجاري در هر يك از نواحي بهره‌برداري به‌عنوان ‌وامهاي اكتشافي تلقي خواهد شد كه بازپرداخت آنها به نحو مقرر در ماده 25 اين قرارداد منوط به شروع و ادامه توليد به ميزان تجاري خواهد بود. ‌جزء 3 ـ در مورد وجوهي كه براي اجراي عمليات ارزيابي به مصرف مي‌رسد به شرح زير عمل خواهد شد: ‌الف ـ با وجود مقررات جزء 1 از ماده 15، هزينه‌هاي مربوط به عمليات ارزيابي انجام‌ يافته در هر يك از نواحي بهره‌برداري كه به عنوان ذخاير ملي كنار‌گذارده نشده يا به عنوان ميدان تجاري شناخته نشده باشد وام اكتشافي تلقي خواهد شد. ب ـ كليه ‌هزينه‌هايي كه بعد از تكميل نخستين چاه تجاري در يك ناحيه بهره‌برداري صورت گرفته باشد و آن ناحيه بعداً به موجب مقررات اين قرارداد‌ به عنوان ذخاير ملي كنار گذارده شود يا به عنوان ميدان تجاري شناخته شود وام بهره‌برداري تلقي خواهد شد. ‌جزء 4 ـ تكليف وامهاي مربوط به‌هزينه‌هاي مصرف شده در عمليات ارزيابي هر يك از نواحي بهره‌برداري بعد از تكميل نخستين چاه تجاري و پس از‌آن كه تصميم نهايي در مورد ناحيه مزبور گرفته شد معين و طبق اين تصميم درباره آن وامها تعديل به عمل خواهد آمد. تصميم مزبور ممكن است ناظر ‌به يكي از سه شق زير باشد: 1 ـ استرداد ناحيه بهره‌برداري. 2 ـ كنار گذاردن آن به عنوان ذخيره ملي. 3 ـ آماده كردن آن براي بهره‌برداري به موجب اين قرارداد. ‌جزء 5 ـ كليه مخارجي كه براي عمليات توسعه‌اي صورت مي‌گيرد به‌عنوان وام بهره‌برداري تلقي خواهد شد كه بازپرداخت آن به نحو مذكور در ماده26 انجام خواهد گرفت. ‌جزء 6 ـ مخارج مذكور در جزء 2 و 3 (‌الف) اين ماده و همين طور مخارج مذكور در جزء 3 (ب) و 5 اين ماده در 31 دسامبر هر سال تا حدودي كه‌ معرف هزينه‌هاي واقعي پيمانكار كل در سال مزبور بوده و طبق روش مقرر در ماده 11 حسابرسي شده باشد به عنوان وام جداگانه يك كاسه خواهد‌گرديد ولي به منظور احتساب بهره طبق ماده 26 كه به‌‌وامهاي مشروحه در جزء 3 (ب) و 5 اين ماده تعلق مي‌گيرد تاريخ يك كاسه نمودن آنها عبارت ‌خواهد بود از آخرين روز دوره سه‌ماهه‌اي كه در آن مدت مخارج مزبور انجام يافته باشد.
	+ ‌ماده 25 ـ بازپرداخت وامهاي اكتشافي ‌جزء 1 ـ وامهايي كه طرف دوم از طريق كارگزار به منظور تأمين مخارج عمليات اكتشافي مشروحه در جزء 2 و 3 (‌الف) ماده 24 در اختيار شركت ملي‌نفت مي‌گذارد بدون بهره بوده و مطابق نرخ استهلاك سالانه از طريق كارگزار به طرف دوم مسترد خواهد شد به جز در مواردي كه مقررات جزء 6 از ماده18 اين قرارداد اجرا مي‌گردد استهلاك سالانه مزبور معادل خواهد بود با يك پانزدهم كل مبلغ وامهاي اكتشافي مذكور در جزء 2 و 3 (‌الف) ماده 24‌مربوط به مخارجي كه تا 31 دسامبر سال مربوطه انجام گرفته است يا ده سنت آمريكايي براي هر بشكه نفت خام توليد و حفظ شده (‌هر كدام كه بيشتر‌باشد) اجراي مقررات جزء 6 ماده 18 مانع از استرداد بقيه قسمت وام اكتشافي مربوطه به طرف دوم نخواهد بود ولي استرداد مزبور موقوف به آن‌خواهد بود كه بعداً ثابت گردد كه ميزان توليد از ناحيه (‌يا نواحي) بهره‌برداري به حد كفايت رسيده باشد به طوري كه اعمال مقررات عام استهلاك به‌شرح مذكور در بالا به كليه مبلغ وام ميسر باشد. ‌جزء 2 ـ به منظور استرداد وجوه فوق طرف دوم حق خواهد داشت كه در هر سه ماه مبلغي برابر با استهلاك سالانه فوق‌الذكر از شركت ملي نفت ‌دريافت نمايد. مبلغ استهلاك مذكور به وسيله شركت ملي نفت به عنوان يكي از اقلام هزينه در محاسبه قيمت خريد مورد اشاره در جزء 2 ماده 27‌منظور خواهد شد. ‌جزء 3 ـ مبلغ استهلاك سالانه در موقع "‌شروع توليد تجاري" احتساب و در آخر هر سال با در نظر گرفتن عوامل زير تعديل خواهد گرديد: ‌الف ـ مبالغ اضافي وامهاي اكتشافي مقرر در جزء 2 و 3 (‌الف) ماده 24 قرارداد ناظر به مخارج انجام ‌يافته در آن سال. ب ـ مقادير واقعي نفت خام توليد و حفظ شده از ميدانهايي كه به‌موجب مقررات اين قرارداد وارد مرحله توسعه شده است بدين گونه كه ‌هرگاه ترتيب ‌استهلاك هزينه‌هاي اكتشاف بر مبناي احتساب تعداد معيني سنت براي هر بشكه ملاك عمل قرار نگيرد مبلغ استهلاك سالانه براي هر بشكه مساوي با‌يك پانزدهم كل هزينه‌هاي اكتشاف تقسيم بر مقدار كل نفت خامي ‌كه در سال مربوطه توليد و حفظ گرديده است خواهد بود. ‌جزء 4 ـ در موردي كه‌هزينه‌هاي اكتشاف بر مبناي استهلاك درصد مذكور در جزء 1 بالا (‌يعني بر مأخذ يك‌پانزدهم كل مبلغ وامهاي اكتشاف) مسترد مي‌گردد مبلغ اين استهلاك به شرح زير محاسبه خواهد شد: ‌مبلغ استهلاك در هر سال معادل خواهد بود با يك‌پانزدهم مبلغ كليه وامهاي اكتشافي كه در تاريخ استرداد يك كاسه گرديده و هنوز تماماً مسترد نشده‌ باشد. به منظور انجام اين محاسبه وامهاي اكتشافي به شرح زير تفكيك خواهد شد: ‌الف ـ وامهاي اوليه يعني كليه وامهاي اكتشافي كه پيش از اولين استهلاك يك كاسه شده باشد. ب ـ وامهاي اضافي يعني مخارج اكتشاف كه در پايان هر يك از سالهاي بعدي يك كاسه شده باشد با اين تفاهم كه مبالغي كه در پايان هر يك از سالهاي ‌مزبور يك كاسه شده باشد به عنوان وامهاي جداگانه تلقي خواهند شد.
	+ ‌ماده 26 ـ بازپرداخت وامهاي بهره‌برداري ‌جزء 1 ـ وامهايي كه طرف دوم براي تأمين مخارج برنامه‌هاي ارزيابي در ناحيه يا نواحي بهره‌برداري مذكور در اجزاء 3 (ب) و 4 ماده 24 و همچنين‌ براي تأمين مخارج برنامه‌هاي توسعه مربوط به نواحي بهره‌برداري كه به وسيله پيمانكار كل به نحو مذكور در جزء 5 ماده 24 توسعه يافته در اختيار‌ شركت ملي نفت مي‌گذارد، توسط شركت مذكور و از طريق كارگزار به طرف دوم مسترد خواهد شد اين وام با احتساب بهره‌اي به شرح اجزاء 3 و 4 اين‌ماده ظرف مدت پنج سال از تاريخ آغاز بهره‌برداري تجاري و با اقساط پنج‌ساله معادل يك ‌پنجم وام طبق روشي كه در اين ماده مقرر گرديده است‌پرداخت خواهد گرديد. ‌جزء 2 ـ در مورد هر "‌ميدان تجاري" استرداد هر "‌وام بهره‌برداري" طبق مقررات جزء 1 بالا در ده قسط شش‌ماهه كه اولين قسط آن بايستي شش ماه بعد ‌از تاريخ يك كاسه نمودن وام پرداخته شود به عمل خواهد آمد. ولي در مورد وامهايي كه يك كاسه كردن آنها تا پايان سالي كه توليد تجاري در ظرف آن‌ سال شروع گرديده است صورت گيرد قسط اول شش ماه پس از اتمام سالي كه توليد تجاري به شرح مذكور در جزء 4 ماده 4 در ظرف آن سال شروع ‌شده است قابل پرداخت خواهد بود. ‌جزء 3 ـ مبلغ هر قسط به شرح زير احتساب خواهد شد: ‌الف ـ قسط اول عبارت خواهد بود از مجموع اقلام زير: (1) مبلغي معادل بهره‌اي كه متعلق به تمام مبلغ وام تعلق مي‌گيرد. (2) مبلغي معادل با يك‌ دهم اصل وام. ب ـ هر يك از اقساط بعدي عبارت خواهد بود از مجموع اقلام زير: (1) مبلغي معادل بهره‌اي كه براي مدت شش ما به تتمه باقيمانده اصل وام پس از پرداخت آخرين قسط تعلق مي‌گيرد. (2) مبلغي معادل با يك‌دهم اصل وام. ‌بهره وام بر اساس مدت واقعي وام بر حسب ماههاي تقويمي‌از تاريخ يك كاسه كردن كه به شرح جزء 6 ماده 24 هر سه ماه يك بار صورت مي‌گيرد تا ‌تاريخ پرداخت قسط مربوطه احتساب خواهد شد. ‌جزء 4 ـ بهره مزبور در تاريخ يك كاسه كردن هر قسمت از وام به نرخ جاري تنزيل ناظر بر وامهاي متوسط‌المدت اوراق قرضه اروپايي(Eurobonds) در بازار اروپا محاسبه خواهد شد اوراق قرضه مزبور بايستي توسط شركتهاي درجه اول كه از لحاظ اعتبار بازرگاني با شركت ملي نفت ‌و اعضاي طرف دوم قابل مقايسه و نيز داراي فعاليت در بازار مالي بين‌المللي باشند منتشر شده باشد. ‌طرفين بدين وسيله توافق مي‌نمايند كه به منظور تعيين نرخ جاري مزبور نرخي را كه توسط لهن برادرز (Lehman Brothers) و در صورت عدم ‌اعلام او توسط وايت ولد اند كمپاني (White Weld and Co.) در پايان هر سه ماه در بازار لندن به آنها اعلام گردد ملاك عمل قرار دهند و چنين ‌تفاهم حاصل است كه‌هرگاه نرخي كه به شرح فوق براي وامهاي يك كاسه شده در هر دوره سه ‌ماهه اعلام مي‌گردد از هفت درصد در سال تجاوز نمايد‌ نرخ قابل اعمال براي سه‌ماهه مزبور به قرار هفت درصد در سال تثبيت خواهد شد.
	+ ‌ماده 27 ـ فروش تضمين شده به پيمانكار كل ‌جزء 1 ـ شركت ملي نفت در ظرف مدت 25 سال از "‌تاريخ آغاز نخستين بهره‌برداري تجاري در ناحيه واگذار شده" به شرح مقرر در جزء 4 ماده 4‌ مقداري از نفت خام توليدي در ناحيه واگذار شده را به قيمتي كه در جزء 2 زير مقرر است فوب كشتي به طرف دوم خواهد فروخت. ‌مقدار نفت خام مزبور بر اساس زير تعيين خواهد شد: ‌الف ـ 45 درصد "‌ظرفيت توسعه‌يافته" يا "‌ظرفيت تصحيح شده" نسبت به قسمتي از ظرفيت توليد كه كمتر از 275.000 هزار بشكه روزانه يا مساوي با‌آن باشد. ب ـ 30 درصد نسبت به قسمتي كه از ظرفيت توليد مزبور كه زايد بر 275.000 بشكه روزانه باشد. ‌جزء 2 ـ قيمت نفتي كه بايد طرف دوم در برابر فروش تضمين شده مذكور بالا بپردازد به دلار امريكايي يا فرانك فرانسوي يا ليره استرلينگ خواهد بود ‌مشروط بر اين كه پولهاي مزبور قابل انتقال باشد. قيمت قابل پرداخت مزبور براي هر سال مجموع مبالغ زير خواهد بود: ‌الف ـ مبلغي به شرح مقرر در جزء 1 ماده 25 معادل استهلاك مخارج اكتشاف مشروحه در جزء 2 و 3 (‌الف) ماده 24. ب ـ مبلغي معادل استهلاك سالانه‌هزينه‌هاي ارزيابي و توسعه به شرح جزء 3 (ب) و 5 ماده 24 به اضافه مخارج توسعه كه مستقيماً توسط طرف اول ‌صورت گرفته باشد مشروط بر آن كه: (1) اين استهلاك سالانه به قرار هر بشكه بر حسب نسبت هزينه عمليات ارزيابي و توسعه به آن مقدار فرضي نفت خام كه در نتيجه ضرب كردن ظرفيت ‌توليد توسعه‌يافته سالانه در عدد ده به دست مي‌آيد احتساب خواهد شد. نرخ استهلاك سالانه مزبور عنداللزوم بر طبق مقررات (2) و (3) زير تعديل ‌خواهد گرديد. (2) چنان چه در پايان پنج‌ساله اول مقادير واقعي نفت توليدي كمتر (‌يا بيشتر) از كل مقادير تخصيص داده شده باشد (‌بر اساس ظرفيت توسعه‌يافته‌ مشروح در (1) بالا) نرخ استهلاك سالانه بر حسب مورد به طوري افزايش (‌يا كاهش) خواهد يافت كه‌هزينه‌هاي ارزيابي و توسعه ظرف مدت پنج سال ‌بعدي بالتمام مستهلك گردد. (3) هرگاه وسايل حمل و بارگيري براي تحويل نفت خامي‌كه از بيش از يك ميدان توليد شده است به كار رود هزينه آنها (‌كه معادل با مبلغ استهلاك ‌تأسيسات مذكور بر طبق محاسبه مذكور در بالا خواهد بود) در پايان هر سال بر حسب برداشتهاي واقعي از هر ميدان تعديل خواهد گرديد. ج ـ مبلغي معادل هزينه‌هاي جاري هر بشكه بابت مخارج توليد و حمل و نقل و انبار كردن و بارگيري در مورد هر ميدان كه از طريق صندوق كل ‌هزينه‌هاي جاري مشروحه در جزء 5 ماده 23 تأمين گرديده است. ه ـ مبلغي معادل با 2 درصد جمع اقلام (‌الف) و (ب) و (ج) فوق. ‌و ـ مبلغي معادل 50 درصد مابه‌التفاوت بين قيمت تعيين شده بر طبق ماده 28 و جمع اقلام (‌الف) و (ب) و (ج) فوق. تفاهم حاصل است كه ميزان 50‌ درصد مذكور فوق معادل نرخ ماليات بر درآمدي مي‌باشد كه در مواقع مختلف شامل شركتهايي مي‌شود كه به‌ همكاري شركت ملي نفت در ايران به كار‌مشغول هستند. ‌جزء 3 ـ طرف دوم قيمت خريد نفت خامي‌را كه به نحو مشروحه فوق تحويل او گردد در خاتمه‌هر مدت سه‌ماهه مالي پرداخت خواهد نمود.
	+ ‌ماده 28 ـ تعيين قيمتها ‌جزء 1 ـ قيمتهاي مذكور در اين قرارداد به نحو زير تعيين خواهد شد: ‌الف ـ يك كميته چهار نفري مركب از افرادي كه در امور صنعت نفت تخصص داشته و دو نفر آنها توسط شركت ملي نفت و دو نفر ديگر توسط طرف‌ دوم تعيين گرديده باشد دو بار در هر سال در آخر ماههاي مارس و سپتامبر و يا به دفعات بيشتر بنا به تقاضاي كتبي شركت ملي نفت يا طرف دوم جهت ‌انجام منظورهاي زير تشكيل جلسه خواهند داد. ‌تحقيق قيمتهاي فروش تجاري فوب نفت خام كه در خليج فارس در طي دوازده ماه گذشته توسط عرضه‌كنندگان نفت (‌و من جمله طرف اول) به‌اشخاص ثالث فروخته و تحويل مي‌شود. اين قيمتها بايد از طريق گواهي و هرگونه وسايل ديگر اخذ اطلاعات دقيق به تحقيق بپيوندد. ‌تعيين قيمتهاي فوب نفت خامي‌كه به موجب اين قرارداد به طرف دوم تحويل مي‌شود قيمت مزبور بر مبناي متوسط قيمتهايي كه به طريق بالا دريافت شده تعيين مي‌گردد و در تعيين آن حجم خريد و فروشها ـ مدت قراردادهاي مربوطه موقعيت جغرافيايي بنادر بارگيري و همچنين درجه وزن‌ مخصوص و كيفيت نفت خامهايي كه به طور عموم به وسيله فروشندگان و خريداران در خليج فارس در مقايسه با هم مورد توجه قرار خواهد گرفت‌ليكن معاملاتي (‌به معني معاملات پاياپاي يا معامله با شركتهاي فرعي و تابعه) كه ملاحظه تصنعي در آنها دخالت دارد به‌ هيچ وجه مورد استناد نخواهد‌بود. ب ـ قيمتهاي فوب تعيين شده به نحو مذكور در بند (‌الف) فوق اساس محاسبات زير خواهد بود: (1) محاسبه كليه پرداختهاي موقتي طرف دوم در ظرف دوازده ماه بعد بابت نفت خامي‌كه طبق اين قرارداد تحويل او مي‌گردد. (2) تعديل و تصفيه نهايي كليه پرداختهاي موقت كه طرف دوم طي 12 ماه قبل از بابت نفت خامي‌كه طبق اين قرارداد تحويل گرفته به عمل آورده‌ است. ج ـ هرگاه كميته مذكور در بند (‌الف) فوق تشكيل جلسه دهد ولي بتواند به توافق نرسد طرفين ابتدا نظر يك كارشناس صلاحيتدار بين‌المللي بيطرف را‌كه با توافق هم انتخاب مي‌كنند كسب خواهد نمود و هرگاه نظر كارشناس مزبور مورد قبول يكي از طرفين نباشد مقررات ماده 38 به موقع اجرا گذارده ‌خواهد شد.
	+ ‌ماده 29 ـ كمك در امر بازاريابي ‌جزء 1 ـ طرف دوم متعهد است علاوه بر مقدار تضمين شده نفت خامي‌كه به موجب ماده 27 به او فروخته مي‌شود به درخواست شركت ملي نفت‌ مقادير از نفت خام توليدي به موجب اين قرارداد را به شرح زير ظرف مدت ده سال از تاريخ آغاز نخستين بهره‌برداري تجاري براي خود خريداري نمايد ‌و يا از طرف شركت ملي نفت به فروش برساند. ‌الف ـ تا دو ميليون تن در سال براي مدتي كه ظرفيت توليد توسعه‌ يافته ناحيه (‌يا نواحي) بهره‌برداري مشمول اين قرارداد از پنج ميليون تن در سال ‌تجاوز نكرده باشد. ب ـ تا سه ميليون تن در سال در صورت تجاوز ظرفيت توليد مزبور را از پنج ميليون تن تا آن گاه كه به ده ميليون تن در سال بالغ شود. ج ـ تا چهار ميليون تن در سال در صورتي كه ظرفيت توليد مزبور از ده ميليون تن در سال تجاوز كند. ‌تفاهم حاصل است كه‌هر موقع كه ظرفيت توليد افزايش يابد تعهدات طرف دوم براي فروش مقادير اضافي مقرر در بندهاي (ب) و (ج) بالا از اول سال‌تقويمي‌ بعد تحقق خواهد پذيرفت. ‌جزء 2 ـ طرف دوم بهاي نفت خامي‌را كه به موجب اين ماده از شركت ملي نفت خريداري مي‌كند يا از طرف آن شركت مي‌فروشد به طور ماهانه به ‌دلار آمريكا يا فرانك فرانسه يا ليره استرلينگ (‌به شرط قابل انتقال بودن آن پولها) و به قيمت مقرر در ماده 28 خواهد پرداخت و از اين بابت مبلغي در‌ ازاي هزينه‌هاي بازرگاني خود به عنوان هزينه بالا سري كسر خواهد گذاشت كسري مزبور معادل ارقام زير خواهد بود: 1 ـ نيم سنت امريكايي در هر بشكه براي مقادير خريداري شده يا فروخته شده تا ميزان دو ميليون تن در يك سال. 2 ـ يك و نيم سنت در هر بشكه براي مقادير زايد بر دو ميليون تن كه در يك سال خريداري يا فروش شده باشد. ‌مشروط بر اين كه طرف دوم يا كارگزار او هيچ گاه حق مطالبه‌ هيچ‌گونه هزينه يا حق‌العمل يا وجه ديگري از شركت ملي نفت بابت كمك در امر‌بازاريابي جز آن چه كه در بالا ذكر شد نخواهد داشت.
	+ ‌ماده 30 ـ گاز طبيعي ‌جزء 1 ـ گاز طبيعي كه توأماً با نفت خام توليد مي‌گردد با رعايت ترتيب تقدم مشروحه زير مورد استفاده قرار خواهد گرفت: ‌الف ـ استفاده پيمانكار كل در جريان عمليات مقرر در اين قرارداد. ب ـ احتياجات شركت ملي نفت ايران براي مصرف داخلي كه شامل احتياجات مربوط به مواد اوليه پتروشيمي‌نيز خواهد بود. ج ـ تخصيص به طرفين قرارداد به نسبت مقرر در ماده 27 با اين تفاهم كه براي احتساب نسبت مذكور هر هزار متر مكعب گاز طبيعي در 15 درجه‌سانتيگراد معادل يك متر مكعب نفت خام تلقي خواهد شد. ‌جزء 2 ـ در موارد مذكور در جزء 1 (‌الف) و (ب) تحويل گاز در سر دستگاههاي تفكيك گاز از نفت به عمل خواهد آمد و هيچ يك از طرفين به‌هيچ عنواني پرداختي از اين بابت به طرف ديگر نخواهد نمود. ‌جزء 3 ـ هرگاه پس از منظور نمودن مقادير تخميني حداكثر احتياجات موضوع جزء 1 (‌الف) و (ب) مقدار اضافي گاز طبيعي همراه با نفت باقي بماند ‌شركت ملي نفت ايران از طريق كارگزار از طرف دوم درخواست خواهد نمود كه ظرف شش ماه به وي اطلاع دهد آيا مايل است كه سهميه مقرر خود را‌بر طبق جزء 1 (ج) بالا از گاز اضافي مورد بحث خريداري نمايد يا خير. اظهار طرف دوم كه به نحو فوق اعلام شده باشد قطعي و غير قابل تغيير خواهد‌بود. ‌هرگاه طرف دوم سهميه مقرر خود را از مقادير گاز قابل تحويل به او طبق شرح بالا خريداري نمايد در اين صورت قيمت قابل پرداخت به شركت ملي‌نفت ايران و همچنين كليه شرايط ديگر مربوطه به تحويل گاز مذكور با توافق في‌مابين طرفين و بر مبناي اصولي كه در اين قرارداد پيش‌بيني شده است ‌تعيين خواهد گرديد. ‌در صورتي كه طرف دوم از خريد و تحويل گرفتن سهميه مقرر خود به‌شرح مذكور در جزء 1 (ج) خودداري نمايد كليه مقادير گاز مذكور كه پس از‌ منظور داشتن احتياجات موضوع جزء 1 (‌الف) باقي بماند توسط شركت ملي نفت در سر دستگاههاي تفكيك گاز از نفت برداشت خواهد شد و به‌نحوي كه آن شركت مقتضي بداند مورد استفاده قرار خواهد گرفت و هيچ پرداختي از اين بابت به عمل نخواهد آمد. ‌جزء 4 ـ در صورت كشف ناحيه بهره‌برداري گاز طبيعي مقررات زير اجراء خواهد شد: ‌الف ـ وجود ناحيه بهره‌برداري گاز طبيعي موقعي محرز تلقي مي‌گردد كه نخستين چاه گاز تجاري به شرح جزء 6 اين ماده تكميل شده باشد در چنين ‌موردي پيمانكار كل حدود ناحيه بهره‌برداري گاز را به‌همان نحوي كه در ماده 17 ذكر گرديده مشخص خواهد نمود و پس از مشاوره با شركت ملي نفت‌نسبت به اجراي برنامه ارزيابي كه متناسب با چنين ناحيه بداند تصميم اتخاذ خواهد نمود. ب ـ در خاتمه كارهاي ارزيابي به شرح مذكور در فوق، كارگزار پس از مشورت با شركت ملي نفت تصميم خواهد گرفت. ‌كه يا ‌ناحيه بهره‌برداري گاز مورد نظر را استرداد نمايد معذلك در مخارجي كه براي چنين ناحيه گازي انجام گرفته باشد در محاسبه حداقل مخارجي كه به موجب ماده 12 براي انجام عمليات اكتشافي تضمين شده منظور و به حساب ناحيه يا نواحي بهره‌برداري نفت خام كه وارد مرحله توسعه شده‌اند‌گذارده خواهد شد. ‌و يا: ‌ناحيه بهره‌برداري گاز مربوطه را بر اساس مقررات مندرج در اين قرارداد توسعه دهد (‌با توجه به مقررات مربوط به ذخاير ملي) در چنين صورتي قبل از ‌اجراي هرگونه برنامه توسعه و بهره‌برداري موافقت طرفين درباره شرايط ناظر بر هزينه‌هاي توليد و قيمت با توجه به نوع و تركيب گاز مزبور لازم خواهد ‌بود. ‌جزء 5 ـ هرگاه يك ناحيه بهره‌برداري كه از بابت ذخيره ملي كنار گذاشته نشده است داراي نفت خام و گاز طبيعي هر دو باشد و آن ناحيه از نظر توليد‌نفت خام به موجب مقررات اين قرارداد به عنوان يك ميدان تجاري شناخته نشود در صورتي كه طرفين بخواهند كه ناحيه بهره‌برداري مزبور را به منظور ‌توليد گاز طبيعي توسعه بدهند ممكن است طرز عمل مقرر در جزء 4 (ب) بالا را در آن مورد به موقع اجرا بگذارند. ‌جزء 6 ـ منظور از "‌نخستين چاه گاز تجاري" چاه گازي است كه قابليت توليد آن در جريان طبيعي به ميزان روزانه يك ميليون متر مكعب براي مدت‌پانزده روز متوالي محرز گرديده باشد.
	+ ‌ماده 31 ـ انتقال و واگذاري ‌جزء 1 ـ اعضاي طرف دوم بدين وسيله مجتمعاً و منفرداً در برابر شركت ملي نفت ايران مسئوليت انجام صحيح و به موقع تعهداتي را كه به موجب اين‌قرارداد بر عهده طرف دوم مي‌باشد تقبل مي‌نمايند. ‌جزء 2 ـ درصد اوليه مشاركت اعضاي طرف دوم در تعهدات و مزايا و منافع اقتصادي اين قرارداد به شرح زير است: 1 ـ انترپريز دوشرش اداكتيويته پترولير اراپ (‌الف) 32% 2 ـ آجيپ اس.پ.‌آ.(‌آجيپ) 28% 3 ـ هيسپانيكاد و پترولئوس اس آ (‌هيسپانويل) 20% 4 ـ پتروفينا اس آ 15% 5 ـ اوستريشه مينرالئول فروالتونگ آگ (‌او.‌ام.‌فو) 5% ‌به شرط موافقت كتبي و قبلي شركت ملي نفت ايران (‌كه بدون دليل موجه از اعطاي آن خودداري نخواهد شد) هر يك از اعضاي طرف دوم به‌شرح ‌مذكور در بالا مي‌تواند هر موقع كه بخواهد همه و يا قسمتي از تعهدات و مزايا و منافع اقتصادي را كه به موجب اين قرارداد مقرر است به‌هر يك از ‌اعضاي ديگر طرف دوم منتقل نمايد مشروط بر آن كه: ‌الف ـ اين گونه انتقالات نسبت به مسئوليت طرف دوم در برابر شركت ملي نفت ايران به شرح جزء 1 بالا مؤثر نخواهد افتاد. ب ـ اراپ (‌الف) و يا شركت فرعي اراپ (‌الف) كه به موجب جزء 3 زير منتقل‌اليه شناخته شده باشد در ميان اعضاي طرف دوم همواره بالاترين درصد‌ مشاركت را دارا خواهد بود. ‌جزء 3 ـ هر يك از اعضاي طرف دوم مي‌تواند در هر موقع كه مقتضي بداند تمام يا قسمتي از تعهدات و مزايا و منافع اقتصادي خود را كه به‌موجب اين ‌قرارداد مقرر است به شركتهاي زير منتقل نمايد: ‌الف ـ شركت يا شركتهايي كه انتقال‌دهنده تحت كنترل آنها باشد. ب ـ شركت يا شركتهايي كه تحت كنترل انتقال‌دهنده باشد. ج ـ شركت يا شركتهايي كه تحت كنترل شركت يا شركتهاي مذكور در (‌الف) يا (ب) فوق باشند. ‌از لحاظ مقررات اين جزء منظور از كنترل يك شركت عبارت است از مالكيت مستقيم يا غير مستقيم اكثريت منافع در سهام آن شركت، چنين انتقالي ‌طرف انتقال‌دهنده را از تعهداتي كه طبق اين قرارداد بر عهده دارد به‌هيچ وجه معاف و مبري نخواهد كرد. ‌جزء 4 ـ اراپ (‌الف) به شرط موافقت قبلي و كتبي شركت ملي نفت مي‌تواند هر موقع كه بخواهد وظايف و حقوق و تعهداتي را كه به عنوان پيمانكار‌كل دارد به شركت يا شركتهاي ديگر انتقال دهد مشروط بر آن كه اراپ (‌الف) به طور مستقيم يا غير مستقيم كنترل لااقل نود درصد سهام شركت يا‌ شركتهاي مزبور را در اختيار داشته باشد. ‌جزء 5 ـ هرگونه انتقالي توسط هر كدام از اعضاي طرف دوم به جز آن چه كه طبق اجزاء 2 و 3 و 4 فوق اجازه داده شده است محتاج به كسب موافقت‌ كتبي و قبلي شركت ملي نفت خواهد بود و شركت مزبور بايد قبل از ابراز موافقت تأييد هيأت وزيران و تصويب قوه مقننه را نيز تحصيل نمايد. ‌جزء 6 ـ هر شخصي كه به واسطه تحصيل حق يا عنواني در مزايا و منافع اقتصادي طرف دوم به موجب قرارداد طرف قرارداد شناخته شود كليه‌ تعهدات هر يك از اعضاي طرف دوم را كه به موجب اين قرارداد مقرر است بر عهده خواهد گرفت. ‌جزء 7 ـ هرگونه انتقال يا واگذاري كه به موجب مقررات اين ماده عملي گردد از پرداخت هرگونه ماليات و حقوق و عوارضي در ايران معاف خواهد بود.
	+ ‌ماده 32 ـ اطلاعات محرمانه ‌كليه طرحها و نقشه‌ها و مقاطع و گزارشها و جداول و اطلاعات علمي‌و فني و هرگونه اطلاعات مشابه مربوط به عمليات فني پيمانكار كل كه به‌موجب اين قرارداد مقرر است توسط طرف دوم پيمانكار كل محرمانه تلقي خواهند شد بدين معني كه مندرجات يا مفهوم آنها را نبايد بدون رضايت‌ شركت ملي نفت ايران افشا كنند و شركت از دادن رضايت بدون دليل موجه امتناع يا در اعلام آن تأخير نخواهد كرد.
	+ ‌ماده 33 ـ واردات و گمرك ‌جزء 1 ـ كليه ماشين آلات ـ وسايل ـ وسايل نقليه آبي ـ دستگاهها ـ افزار ادوات ـ قطعات يدكي ـ مصالح ـ مواد شيميايي ـ مواد ضروري براي ‌اختلاط و امتزاج وسايل خودرو و ساير وسايط نقليه ـ هواپيما ـ هر نوع مصالح ساختمان ـ آلات فولادي ـ لوازم اداري ـ اشياء و اثاث ـ حوايج‌كشتي ـ مواد خواربار ـ البسه و لوازم استحفاظي دستگاههاي تعليماتي ـ محصولات نفتي كه در ايران موجود نباشد و كليه اجناس ديگري كه منحصرا ً‌از لحاظ صرفه‌جويي و حسن جريان عمليات و وظايف پيمانكار كل ضروري باشد بدون پرداخت هيچ گونه حقوق گمرك و ماليات به نام شركت ملي‌نفت به ايران وارد خواهد شد. ‌مواد فوق شامل حوايج طبي و جراحي و لوازم بيمارستان و محصولات طبي و دارو و اسباب طبي و اثاث و ادواتي كه در تأسيس و گرداندن بيمارستان‌ و داروخانه ضروري باشد نيز خواهد بود. ‌جزء 2 ـ پيمانكار كل با تصويب شركت ملي نفت حق خواهد داشت هر وقت كه مقتضي باشد اشيايي را كه براي استفاده موقت وارد كرده است با‌ معافيت از حقوق صادراتي و مالياتها مجدداً صادر نمايد. ‌جزء 3 ـ پيمانكار كل نيز حق خواهد داشت كه با موافقت شركت ملي نفت ايران (‌كه به طور غيرموجه در اعطاي آن امتناع يا تأخير نخواهد شد) اشيايي‌را كه به طور موقت وارد شده است در ايران بفروش رساند در اين صورت مسئوليت پرداخت حقوق مربوطه و همچنين انجام تشريفات لازم طبق‌ مقررات جاري و تسليم اسناد لازم ترخيص به پيمانكار كل بر عهده خريدار خواهد بود. ‌جزء 4 ـ اجناسي را كه براي استفاده يا مصرف كارمندان كارگزار و پيمانكار كل و وابستگان تحت تكفل كارمندان مزبور مناسب تشخيص گردد با رعايت ‌مقررات و آيين‌نامه‌هاي مربوطه جاري در ايران و با پرداخت هرگونه حقوق وارداتي و گمركي و ساير مالياتها كه در موقع ورود معمولاً به آن تعلق ‌مي‌گيرد مي‌توان وارد كرد. ‌جزء 5 ـ پيمانكار كل تعهد مي‌كند كه در تحصيل لوازم و حوايج خود نسبت به اشيايي كه در ايران ساخته و يا مهيا مي‌شود رجحان قايل شود مشروط بر‌آن كه اشياء مذكور از لحاظ نوع جنس و قيمت و موجود بودن به‌هنگام و به مقادير مورد نياز و قابليت مصرف در امور مورد نظر در مقام مقايسه با اشياء‌ خارجي در شرايط مساعد مساوي قرار داشته باشد. در مقايسه قيمت اشياء وارداتي با اشياء ساخته و مهيا شده در ايران كرايه و هرگونه حقوق گمركي و‌ مالياتهايي كه طبق اين قرارداد نسبت به اشياء وارداتي مزبور قابل پرداخت باشد بايد ملحوظ گردد. ‌جزء 6 ـ كليه واردات و صادرات مذكور در اين قرارداد مشمول تنظيم اسناد و تشريفات گمركي بوده كه اين تكاليف از آن چه معمولاً مجري است‌سنگين‌تر نخواهد بود (‌ولي مشمول پرداختهايي كه به موجب مقررات مربوطه اين قرارداد از آن معاف گرديده نمي‌باشد).
	+ ‌ماده 34 ـ ماليات ‌هيچ قسمت از خدماتي كه طرف دوم به موجب مقررات ماده 3 اين قرارداد انجام مي‌دهد موجب مسئوليت براي پرداخت ماليات نخواهد بود. ‌عمليات پيمانكار كل كه از نوع غير انتفاعي مي‌باشد مشمول ماليات نخواهد بود. ‌شركت ملي نفت ايران در مورد درآمد ويژه خود از فروش نفتي كه به موجب اين قرارداد به عمل مي‌آيد بر طبق مقررات اساسنامه خود مشمول ماليات ‌خواهد بود. ‌در مواردي كه پيمانكار كل طبق مقررات جزء 3 از ماده 10 قسمتي از عمليات خود را به پيمانكار فرعي واگذار مي‌كند مقررات مالياتي جاري ايران در‌مورد پيمانكار فرعي مزبور اجراء خواهد شد.
	+ ‌ماده 35 ـ پول رايج و ارز خارجي ‌جزء 1 ـ كارگزار و پيمانكار كل به شرح مفاد اين ماده در مورد كليه عمليات مقرر در اين قرارداد مشمول مقررات و آيين‌نامه‌هاي ارزي جاري ايران‌خواهد بود. ‌جزء 2 ـ كارگزار به منظور تأمين احتياجات پيمانكار كل وجوه لازم را به دلار آمريكايي يا هر پول ديگري كه مقتضي باشد در حسابهاي مخصوص مقرر‌ در جزء 4 ماده 23 خواهد ريخت. ‌جزء 3 ـ مبالغي كه طرف دوم به شركت ملي نفت وام مي‌دهد توسط شركت اخير به دلار آمريكايي فرانك فرانسه يا ليره استرلينگ مسترد خواهد شد‌ مشروط بر اين كه ارزهاي مزبور قابل انتقال باشند. ‌بدون آن كه در كليات مراتب فوق محدوديتي حاصل شود قيمت خريد مقادير فروشهاي تضمين شده مذكور در جزء 2 ماده 27 و همچنين پرداختهايي‌كه به موجب جزء 2 ماده 29 بايستي به عمل آيد توسط طرف دوم به دلار آمريكايي فرانك فرانسه يا ليره استرلينگ به طرف اول پرداخت خواهد شد به ‌شرط اين كه ارزهاي مزبور قابل انتقال باشند. ‌جزء 4 ـ الف ـ دفاتر اصلي و محاسبات پيمانكار كل يا كارگزار به دلار آمريكايي نگاهداري خواهد شد و به اين منظور تبديل پول ايران به‌دلار‌آمريكايي به نرخ معدل واقعي ماهيانه‌اي تسعير خواهد شد كه با آن نرخ پول ايران توسط پيمانكار كل يا كارگزار در ماه مزبور در مقابل دلار آمريكايي‌ خريداري شده است و هرگاه اين گونه خريد ظرف ماه مزبور به عمل نيامده باشد نرخ خريد نزديكترين ماههاي پيش مأخذ تسعير خواهد شد. ب ـ هرگونه‌ هزينه انجام شده يا وجوه وصول شده به‌هر پولي جز دلار آمريكايي يا ريال ايراني بر اساس متوسط نرخ خريد و فروش آن پول در‌نيويورك در پايان وقت اداري روزي كه انجام هزينه و يا وصول وجوه در آن روز صورت گرفته باشد به دلار آمريكايي تسعير خواهد شد و نرخ مزبور بايد‌به گواهي بانك مركزي ايران برسد. ‌هرگاه روزي نرخ خريد و فروش ارز در نيويورك اعلام نشود نرخي كه به جاي متوسط نرخ خريد و فروش ارز در نيويورك بايد ملاك عمل قرار بگيرد‌عبارت خواهد بود از متوسط آخرين نرخهاي قبلي ارز مورد بحث در نيويورك كه به گواهي بانك مركزي ايران رسيده باشد. در صورتي كه نرخ براي ارز ‌خارجي مورد بحث در نيويورك اعلام نشده باشد نرخي كه بايد براي منظورهاي مذكور در بالا به جاي متوسط نرخهاي خريد و فروش ارز در نيويورك‌به كار رود عبارت از نرخي خواهد بود كه بانك مركزي ايران با توجه به معاملاتي كه با ارز مزبور صورت مي‌گيرد مناسب تشخيص دهد. ج ـ در پايان هر دوره سالانه‌هرگونه تفاوت ارزي در دفاتر پيمانكار كل يا كارگزار كه در نتيجه تغييرات حاصله در نرخهاي مذكور ارزي صورت گرفته ‌باشد بر حسب مورد به اقلام مربوطه افزوده و يا از آنها كم خواهد شد. ‌جزء 5 ـ دولت ايران وسايلي فراهم خواهد كرد كه كارگزار يا پيمانكار كل بتوانند پول ايران را كه براي عمليات مورد احتياج است در مقابل دلار‌ آمريكايي يا هر پول ديگري كه مورد قبول بانك مركزي ايران باشد به نرخ ارز بازرگاني بانك و بدون تبعيض عليه آنها خريداري نمايند.‌نرخ ارز بازرگاني ‌عبارت است از نرخ ارز رايج يا متداول بانك در روز مورد بحث براي خريد پول ايران در ازاء پول غير ايراني كه كلاً يا بعضاً از صدور كالاهاي عمده‌ صادراتي ايران (‌به ترتيب ارزش) غير از نفت خام توليد شده در ايران و محصولات آن به دست آمده باشد هر موقع كه بيش از يك چنين نرخ بانك ‌موجود باشد نرخ تسعير نرخي خواهد بود كه در مقابل آن حداكثر واحدهاي پول ايران به دست بيايد تمام بهاي گواهينامه ارزي يا امثال آن جزء لاينفك‌نرخ ارز محسوب خواهد شد. ‌جزء 6 ـ كارگزار يا پيمانكار كل ملزم به تبديل هيچ قسمت از وجوه خود به پول ايران نخواهند بود ولي وجوهي را كه براي پرداخت هزينه‌هاي عمليات‌خود در ايران لازم مي‌دانند بايد از طريق بانكهاي مجاز به پول ايراني تبديل كنند. ‌جزء 7 ـ در طول مدت اين قرارداد و پس از پايان آن اعضاي طرف دوم و يا كارگزار و يا پيمانكار كل مجاز خواهند بود كه‌هرگونه وجوه يا دارايي را‌ آزادانه در خارج از ايران داشته باشند يا آن را نقل و انتقال دهند ولو آن كه اين وجوه يا دارايي از عمليات آنها در ايران به دست آمده باشد و همچنين مجاز‌ خواهند بود كه حسابهايي به ارز خارجي در بانك مركزي ايران داشته باشند و وجوه موجود در بستانكار حسابهاي خود را تا حدودي كه وجوه و ‌دارايي‌هاي مزبور به وسيله كارگزار و يا پيمانكار كل طبق مقررات اين قرارداد به ايران وارد شده و يا از عمليات آنها حاصل شده باشد آزادانه نگاهداشته و‌يا منتقل و صادر نمايند.‌به شرط آن كه داراييهاي مزبور طبق ماده 6 اين قرارداد به مالكيت شركت ملي نفت درنيامده باشد. براي تعيين قيمتي كه به ارزي‌ غير از دلار آمريكايي اعلام شده باشد نرخ تغيير مربوطه عبارت خواهد بود از متوسط نرخهاي خريد و فروش ارز كه به وسيله بانك مركزي ايران اعلام‌شده باشد و در صورتي كه نرخي براي ارز مورد بحث توسط آن بانك اعلام نشده باشد متوسط نرخهاي خريد و فروش نيويورك براي ارز مورد نظر در‌پايان وقت اداري روزي كه آن ارز دريافت شده طبق گواهي يونيون بانك سويس زوريخ ملاك عمل قرار خواهد گرفت. ‌جزء 8 ـ بعد از خاتمه اين قرارداد دولت ايران وسايلي فراهم خواهد كرد كه وجوهي كه به پول ايران در اختيار كارگزار و يا پيمانكار كل باشد تا آن جا كه‌ وجوه مزبور از عمليات مقرر در اين قرارداد حاصل شده باشد به‌درخواست آنان و بدون هيچ گونه تبعيض به نرخي بانكي ارز كه به طور عموم در‌دسترس خريداران دلار آمريكايي يا فرانك فرانسه يا ليره انگليسي قرار مي‌گيرد به ارزهاي ياد شده قابل تبديل باشد. ‌جزء 9 ـ مديران و كاركنان غير ايراني پيمانكار كل يا كارگزار و خانواده‌هاي آنها ممنوع نخواهند بود از اين كه وجوه يا دارايي را كه در خارج از ايران دارند‌آزادانه نگاهداشته يا انتقال دهند و مي‌توانند هر قسمت از اين وجوه را كه براي حوايج آنها ولي نه به منظور سفته‌بازي ضروري باشد به ايران انتقال دهند‌اين قبيل اشخاص مجاز نخواهند بود كه در ايران معاملات ارزي از هر قبيل به غير از طريق بانك مجاز يا طريق ديگر كه دولت تصويب كند انجام دهند. ‌جزء 10 ـ مديران يا كاركنان غير ايراني كارگزار يا پيمانكار كل كه حقوق آنان به ريال پرداخت مي‌شود حق خواهند داشت طي هرسال در مدت ادامه‌ خدمت خود در ايران مبلغي معادل حداكثر 50 درصد حقوق خالص (‌پس از كسر ماليات) خود در آن سال را به ارز كشور محل اقامت عادي خود آزادانه‌از ايران خارج كند. ‌جزء 11 ـ مديران يا كاركنان غير ايراني كارگزار يا پيمانكار كل در خاتمه خدمت خود در ايران كه ايران را ترك مي‌نمايند حق خواهند داشت مبلغي كه از‌پنجاه درصد حقوق ناويژه 24 ماه اخير خدمت آنها متجاوز نباشد به ارز كشور محل اقامت عادي خود آزادانه از ايران خارج كنند.
	+ ‌ماده 36 ـ قوه قهريه (‌فرس ماژور) ‌جزء 1 ـ هيچ گونه قصور يا ترك هيچ كدام از طرفين در اجراي هيچ يك از مقررات و شرايط اين قرارداد موجب ادعاي طرف ديگر بر عليه او نخواهد بود و به عنوان نقض قرارداد تلقي نخواهد شد به شرط آن كه و در حدود آن كه قصور و ترك مزبور از پيشامد قوه قهريه ناشي شده باشد. ‌جزء 2 ـ بدون آن كه در كليات حكم بالا محدوديتي حاصل شود و مخصوصاً هرگاه پيشامد قوه قهريه كه از حيطه اقتدار هر كدام از طرفين خارج باشد ‌اجراي هرگونه تعهد يا اعمال هرگونه حقي را كه به موجب اين قرارداد مقرر است غير ممكن سازد يا تأخيري در آن ايجاد كند به طريق زير عمل خواهد‌شد: ‌الف ـ مدتي كه تأخير در اجرا و اعمال تعهد و حق مزبور طول كشيده شده باشد به مدتي كه طبق قرارداد مقرر است اضافه خواهد شد و ب ـ هرگاه ادامه مدت قوه قهريه كمتر از يك سال نباشد اين قرارداد به‌خودي خود براي دوره‌اي مساوي با مدت مزبور تمديد خواهد شد و اين امر به‌حقوقي كه به موجب قرارداد در مورد تمديدهاي اضافي در نظر گرفته شده است خدشه‌اي وارد نخواهد آورد. ‌جزء 3 ـ مفاد اين ماده مانع نخواهد شد از اين كه طرفين اين مسأله را كه آيا قرارداد به علت آن كه اجراي آن كاملاً غير مقدور گرديده است بايستي فسخ‌شود بر طبق مقررات ماده 38 به داوري مراجعه كنند.
	+ ‌ماده 37 ـ ارجاع اختلاف به كارشناس ‌گذشته از مواردي كه در اين قرارداد جلب نظر كارشناس براي حل مسايل مخصوصي مصرحاً پيش‌بيني شده است طرفين حق خواهند داشت پيش از ‌اين كه اختلافات مربوط به اجرا يا تعبير ناشي از اين قرارداد را طبق مقررات ماده 38 به‌ هيأت داوري مراجعه دهند نظر يك كارشناس بي‌طرف را نسبت‌به قضيه مورد اختلاف استعلام نمايند طرفي كه اقدام به أخذ نظر كارشناس مي‌كند بايستي تصميم خود را به اطلاع طرف ديگر برساند. ‌كارشناس با توافق طرفين مدت 15 روز از تاريخ دريافت اطلاعيه تعيين خواهد شد در صورتي كه طرفين ظرف مدت مذكور از تعيين كارشناس‌خودداري نمايند اين طور تلقي خواهد شد كه از ترتيب خاص ارجاع امر به كارشناس صرف نظر نموده‌اند. ‌هرگاه طرفين در تعيين نام كارشناس ظرف مهلت مقرر فوق توافق نمودند خصوصيات مأموريت وي را طي نامه مشتركي با تأكيد روي نظرياتي كه‌هر‌كدام در مسايل مورد اختلاف دارند به اطلاع كارشناس خواهند رسانيد. ‌در صورتي كه كارشناس مأموريت خود را قبول كند نظريات طرفين و همچنين نظريات مشاورين آنها را پيش از تنظيم گزارش خود استماع خواهند نمود.‌گزارش كارشناس متضمن اظهار نظري خواهد بود كه مستند بر اسباب موجهه در مورد مسايل مورد اختلاف باشد. ‌كارشناس نسخه‌اي از گزارش خود را ظرف سه ماه از تاريخي كه مأموريت او اعلام گرديده است به‌هر يك از طرفين تسليم خواهد نمود. مدت مزبور‌ ممكن است به مدت طولاني‌تري تمديد گردد مشروط بر اين كه طرفين پيش از انقضاي سه‌ماهه اوليه تصميم به تمديد آن بگيرند. در صورتي كه‌ كارشناس نتواند نظر خود را ظرف مدت مقرر بالا تسليم نمايد مأموريت وي بخودي به خود پايان‌يافته تلقي خواهد شد. ‌نظر كارشناس فقط در صورتي براي طرفين الزام‌آور خواهد بود كه به‌اتفاق آراء مورد قبول آنان قرار گرفته باشد هر يك از طرفين كه با نظر مزبور موافق ‌نباشد حق خواهد داشت كه مسئله ارجاع شده به كارشناس را طبق مقررات ماده 38 قرارداد به‌هيأت داوري ارجاع نمايد. در آن صورت طرفين كاملاً حق‌خواهند داشت كه گزارش كارشناس را ضمن جريان رسيدگي در برابر هيأت داوري مورد استناد قرار دهند.
	+ ‌ماده 38 ـ داوري ‌جزء 1 ـ هرگونه اختلاف ناشي از اجراء يا تعبير مقررات اين قرارداد توسط يك هيأت داوري مركب از سه نفر حل و فصل خواهد شد. هر يك از طرفين‌ يك نفر داور و دو داور مزبور قبل از شروع به رسيدگي داور ثالثي را انتخاب خواهند كرد كه سمت رياست هيأت داوري را خواهد داشت. هرگاه دو نفر‌ داور نتوانند ظرف چهار ماه از تاريخ ارجاع داوري نسبت به داور ثالث تراضي كنند و هرگاه طرفين به طرز ديگري توافق ننمايند داور ثالث به‌درخواست ‌هر يك از طرفين به وسيله رييس عاليترين دادگاه دانمارك (‌يا قاضي همطراز او) تعيين خواهد شد. ‌جزء 2 ـ اگر يكي از طرفين ظرف دو ماه از تاريخ ارجاع امر به داوري داور خود را انتخاب ننمايد و يا انتخابي را كه نموده است به اطلاع طرف ديگر‌نرساند طرف ديگر حق خواهد داشت كه به رييس عاليترين دادگاه دانمارك (‌يا قاضي همطراز او) مراجعه و تقاضاي تعين سه نفر داور بنمايد. داوراني كه توسط رييس مزبور برگزيده مي‌شوند نبايستي مستخدم ايران يا فرانسه يا ايتاليا يا اسپانيا يا بلژيك و يا اتريش بوده باشد و نبايد تبعه‌هيچ يك از ممالك ‌مزبور باشد و يا ارتباط نزديك با يكي از آن كشورها داشته باشد. ‌جزء 3 ـ داوران قبولي خود را ظرف سي روز از تاريخ دريافت اعلام تعيين خود به طرفين قرارداد (‌و در صورتي كه توسط رييس عاليترين دادگاه ‌دانمارك و يا قاضي همطراز او تعيين شده باشند به رييس مزبور) اطلاع خواهند داد و در غير اين صورت چنين تلقي خواهد شد كه سمت مزبور را رد‌كرده‌اند و انتخاب مجدد طبق همان مقررات به عمل خواهد آمد. ‌جزء 4 ـ اگر اختلاف به‌هيأت داوري ارجاع شود رأي ممكن است به اكثريت صادر شود و طرفين تعهد مي‌نمايند كه مفاد آن را با حسن نيت به مورد‌اجرا بگذارند. ‌جزء 5 ـ محل و تشريفات داوري را طرفين تعيين خواهند كرد چنانچه در اين باب توافق نشود محل و تشريفات داوري از طرف هيأت داوري تعيين‌ خواهد شد. ‌جزء 6 ـ طرفين همه نوع تسهيلات (‌منجمله حق ورود به حوزه عمليات نفتي) را براي هيأت داوري فراهم خواهند كرد تا هرگونه اطلاعاتي را كه براي ‌تعيين تكليف اختلاف لازم باشد به دست آورند. ‌عدم حضور يا امتناع يكي از طرفين داوري نمي‌تواند مانع يا مخل جريان داوري در تمام يا هر يك از مراحل داوري بشود. ‌جزء 7 ـ مادام كه تصميم يا رأي داوري صادر نشده توقف عمليات يا فعاليتهايي كه موضوع داوري از آن ناشي شده است الزام نيست. در صورتي كه‌ تصميم يا رأي داوري دائر بر موجه بودن شكايت باشد ضمن تصميم يا رأي مزبور ممكن است ترتيب مقتضي براي جبران خسارات شاكي مقرر گردد. ‌جزء 8 ـ هزينه‌هاي داوري به تشخيص هيأت داوري تعيين خواهد شد. ‌جزء 9 ـ هرگاه به‌هر علت يكي از اعضاي هيأت داوري پس از قبول وظايفي كه به او محول شده قادر يا مايل به شروع يا تكميل رسيدگي به‌مورد ‌اختلاف نباشد و چنان چه طرفين به صورت ديگري هم توافق ننمايند هر يك از طرفين مي‌توانند از رييس عاليترين دادگاه دانمارك يا قاضي همطراز او‌ تقاضا كند كه جانشين عضو مزبور را بر طبق مقررات اين ماده تعيين نمايد. ‌جزء 10 ـ تا حدي كه مورد داشته باشد ضمن تصميمات داوري كه بر طبق اين ماده صادر مي‌شود بايد مهلت اجرا تصريح گردد. ‌جزء 11 ـ ظرف مدت پانزده روز از تاريخ ابلاغ تصميم يا رأي به‌‌‌طرفين هر يك از آنها مي‌تواند از هيأت داوري تصميم يا رأي اوليه را صادر نموده و ‌تقاضاي تفسير آن را بنمايد. اين تقاضا در اعتبار تصميم يا رأي تأثيري نخواهد داشت تفسير مزبور بايد ظرف مدت يك ماه از تاريخ تقاضا داده شود و ‌اجراي تصميم يا رأي تا صدور تفسير يا انقضاي يك ماه (‌هر كدام زودتر واقع شود) معوق خواهد ماند. ‌جزء 12 ـ مقررات مربوط به داوري كه در اين قرارداد ذكر شده در صورتي هم كه قرارداد خاتمه پيدا كند معتبر خواهد بود. ‌جزء 13 ـ هرگاه طرفين در موضوع امري كه به داوري مراجعه شده است پيش از آن كه ‌هيأت داوري رأي خود را صادر كند به توافق برسند اين توافق به ‌صورت (‌رأي داوري مبتني بر رضايت طرفين) ثبت خواهد شد و با ثبت آن مأموريت هيأت داوري پايان خواهد پذيرفت.
	+ ‌ماده 39 ـ زبانهاي متن قرارداد ‌متن فارسي و فرانسه و متن انگليسي اين قرارداد هر سه معتبر است در صورتي كه اختلافي پيش آيد و به داوري ارجاع شود هر سه متن به‌هيأت داوري ‌عرضه خواهد شد كه قصد طرفين را از روي هر سه متن تفسير نمايند. هرگاه بين سه متن مزبور اختلافي در مورد حقوق و وظايف طرفين پيدا شود متن ‌انگليسي معتبر خواهد بود. ‌به تاريخ 12 اسفند 1347 مطابق با 3 مارس 1969 در تهران ‌امضاء و مبادله گرديد. ‌شركت ملي نفت ايران ‌به وسيله: دكتر منوچهر اقبال ‌رياست هيأت مديره و مديريت عامل ‌انتريريز دورشرش اداكتيويته پتروليه اراپ (‌الف) ‌به وسيله: آجيپ اس.پ.‌آ. ‌به وسيله: ‌هيسپانويل دوپترولئوس اس آ (‌هيسپانويل) ‌به وسيله: ‌پتروفينا اس آ ‌به وسيله: اوستريشه مينرالئول فروالتونگ آگ (‌او ام اف) ‌از لحاظ قبول تكاليف و وظايف مربوطه ‌سوسيته فرانسز دپترول ديران (‌سوفيران)
* ‌ضميمه الف ‌تعريف ناحيه واگذار شده ‌ناحيه واگذار شده از جهت مغرب و شمال و مشرق محدود به خطوط مستقيمي‌خواهد بود كه در نقاط مشخصه زير متعاقباً به‌هم برسند. ـ 24 (‌طول جغرافيايي 51 درجه و 23 ثانيه عرض جغرافيايي 27 درجه و 50 دقيقه و 20 ثانيه) كه در خط سه ميلي دريايي قرارداد با شركتهاي عامل‌نفت ايران واقع است. ـ 23 (‌طول جغرافيايي 52 درجه و 38 دقيقه و 30 ثانيه عرض جغرافيايي 28 درجه و 18 دقيقه و 30 ثانيه) ـ 22 (‌طول جغرافيايي 51 درجه و 59 دقيقه و 56 ثانيه عرض جغرافيايي 28 درجه و 46 دقيقه و صفر ثانيه) ‌الف ـ (‌طول جغرافيايي 51 درجه و 59 دقيقه و 56 ثانيه عرض جغرافيايي 29 درجه و 37 دقيقه و صفر ثانيه) ب ـ عرض جغرافيايي (‌طول جغرافيايي 53 درجه و 52 دقيقه و صفر ثانيه عرض جغرافيايي 28 درجه و 37 دقيقه و صفر ثانيه) ـ 32 (‌طول جغرافيايي 53 درجه و 52 دقيقه و صفر ثانيه عرض جغرافيايي 28 درجه و 29 دقيقه و صفر ثانيه). ـ 31 (‌طول جغرافيايي 53 درجه و 24 دقيقه و 18 ثانيه عرض جغرافيايي 26 درجه و 56 دقيقه و 50 ثانيه) كه در خط سه ميلي دريايي قرار دارد با‌شركتهاي عامل نفت ايران واقع است. ‌از نقطه 31 تا 24 حد جنوبي همان حد سابق واقع در سه ميلي دريا خواهد بود كه به عنوان حدود ناحيه عمليات در قرارداد با شركتهاي عامل نفت ايران‌تعيين گرديده است. ‌انترپريز دورشرش اداكتيويته پتروليه ‌شماره 7 خيابان تلاتون ناحيه 15 پاريس (‌فرانسه) ‌آجيپ اس.پ.‌آ. ‌سان دو ناتو ـ ميلان (‌ايتاليا) ‌هيسپانيكا دوپترولئوس.‌اس.‌آ ‌شماره 12 پلازا دو واسكوزدوملا ‌مادريد (‌اسپانيا) ‌پتروفينا.‌اس.‌آ ‌شماره 33 خيابان دولالوا ‌بروكسل (‌بلژيك) ‌اوستريشه مينرالئول فروالتونگ آگ ‌شماره 5 اتوواگنر پلاتز ‌ناحيه 9 وين (‌اتريش) ‌تاريخ سوم مارس 1969 ‌جناب آقاي دكتر منوچهر اقبال ‌رياست هيأت مديره و مديريت عامل ‌شركت ملي نفت ايران ‌خيابان تخت‌جمشيد ‌تهران
* ‌[پيوست] عاليجناب: ‌عطف به قرارداد پيمانكاري كه در تاريخ سوم مارس 1969 بين شركت ملي نفت ايران و اعضاي طرف دوم به امضاء رسيده است. ‌به اطلاع مي‌رساند كه ما قبول مي‌نماييم كه ‌هر بهره‌اي كه در نتيجه وامهاي مشروحه در مواد 3 (ب) و 24 و 26 اين قرارداد به طرف دوم تعلق مي‌گيرد و‌ نيز بهره وامهايي كه امكاناً طرف دوم جهت انجام عمليات مقرر در اين قرارداد از منابع ديگر تحصيل كند جزء استهلاك سالانه (‌به نسبت هربشكه)‌ هزينه‌هاي ارزيابي و توسعه مذكور در جزء 2 (ب) از ماده 27 قرارداد منظور شود. ‌خوشوقت خواهيم شد كه در صورت موافقت با مراتب فوق اين نامه را امضاء و نسخه‌هاي ضميمه را مرجوع فرماييد. ‌با تقديم احترامات صميمانه ‌اراپ (‌الف) آجيپ اس.پ.‌آ. هيسپانويل پتروفينا.‌او.‌ام.‌فو ‌موافقت شركت ملي نفت ‌به تاريخ سوم مارس 1969 ‌انترپريز دورشرش ادواكتيويته پتروليه ‌شماره 7 خيابان تلاتون ناحيه 15 پاريس (‌فرانسه) ‌آجيپ اس.پ.‌آ. ‌سان دو ناتو ـ ميلان (‌ايتاليا) ‌هيسپانيكا دوپترولئوس اس آ ‌شماره 12 پلازادوواسكوزدوملا ‌مادريد اسپانيا ‌پتروفينا اس آ ‌شماره 33 خيابان دولالوا ‌بروكسل (‌بلژيك) ‌اوستريشه مينرالئول فروالتونگ آگ ‌شماره 5 اتوواگنر پلاتز ‌ناحيه 9 وين (‌اتريش) ‌تاريخ سوم مارس 1969 ‌جناب آقاي دكتر منوچهر اقبال ‌رياست هيأت مديره و مديريت عامل ‌شركت ملي نفت ايران ‌خيابان تخت‌جمشيد ‌تهران ‌عاليجناب: ‌عطف به جزء 2 از ماده 31 قرارداد كه در اين تاريخ بين طرفين به‌امضاء رسيده است تفاهم ما اين است كه شركت ملي نفت ايران از اعطاي موافقت ‌نسبت به انتقالاتي كه در خاتمه مرحله اول دوره اكتشاف يا در خاتمه ‌هر يك از سالهاي مرحله يا مراحل بعدي بين اعضاي طرف دوم به‌عمل آيد ‌خودداري نخواهد كرد مشروط بر آن كه: 1 ـ در تاريخ انتقال توليد تجاري هنوز شروع نشده باشد. 2 ـ چنين انتقالي منتج به اين نشود كه ميزان سهم‌الشركه اوليه انتقال ‌دهنده بيش از 50 درصد تقليل پيدا كند. 3 ـ اراپ (‌الف) و يا شركتهاي فرعي آن كه طبق جزء 3 ماده 31 قرارداد طرف انتقال قرار مي‌گيرند هميشه در بين اعضاي طرف دوم بيشترين سهم‌الشركه‌را دارا باشند. ‌با تقديم احترامات صميمانه ‌اراپ (‌الف) آجيپ اس.پ.‌آ. هيسپانويل پتروفينا.‌او.‌ام.‌فو ‌موافقت شركت ملي نفت ‌به تاريخ سوم مارس 1969
	+ [امضاء] قرارداد فوق مشتمل بر يك مقدمه و سي و نه ماده و يك ضميمه و دو نامه متبادله منضم به قانون قرارداد پيمانكاري اكتشاف و توليد بين شركت ملي ‌نفت ايران و شركتهاي اروپايي مي‌باشد. ‌رئيس مجلس سنا ـ جعفر شريف‌امامي

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=70727>

# قانون اجازه مبادله قرارداد نفت با شركت كنتينانتال

* ‌‌ماده واحده ـ قرارداد ضميمه راجع به پيمانكاري و اكتشاف و توليد نفت در قطعه جنوبي سه استردادي از كنسرسيوم (Consortiom ) در ‌بندرعباس به مساحت تقريبي 12860 كيلومتر مربع كه بين شركت ملي نفت ايران با شركت نفت امريكايي كنتينانتال ( Continental) امضاء و به ‌تصويب هيأت دولت رسيده است تصويب و اجازه مبادله و اجراء آن داده مي‌شود.
* [امضاء] قانون فوق مشتمل بر يك ماده و متن قرارداد ضميمه در جلسه روز پنجشنبه نوزدهم تير ماه يك هزار و سيصد و چهل و هشت به تصويب مجلس ‌شوراي ملي و در جلسه فوق‌العاده روز چهارشنبه دوم مهر ماه يك هزار و سيصد و چهل و هشت به تصويب مجلس سنا رسيده است. ‌رييس مجلس سنا ـ جعفر شريف‌امامي ‌
* قرارداد پيمانكاري اكتشاف و توليد‌بين‌شركت ملي نفت ايران‌و‌شركت نفت كنتينانتال ‌قرارداد نفت با شركت كنتينانتال
	+ ‌مقدمه ‌قرارداد منعقده در تهران به تاريخ هفدهم فروردين يك هزار و سيصد و چهل و هشت بين شركت ملي نفت ايران از يك طرف و شركت نفت كنتينانتال(‌شركتي كه مطابق قوانين كشور دلاوار از كشورهاي متحده امريكا) از طرف ديگر. ‌نظر به اينكه شركت ملي نفت ايران مايل است همكاري و خدمات پيمانكار ذيصلاحيتي را به منظور تأمين مخارج و انجام عمليات نفتي در قسمتي از‌ قلمرو كشور ايران جلب نمايد. ‌نظر به اينكه شركت كنتينانتال سرمايه و صلاحيت فني و تخصص اداري و امكانات بازاريابي لازم را براي به عهده گرفتن و انجام موفقيت‌آميز عمليات به‌منظور توسعه توليد و صادرات نفت خام ايران دارا مي‌باشد. ‌نظر به اينكه‌ هر دو طرف قصد دارند كه مقررات قرارداد را با صميميت و حسن‌نيت به موقع اجراء بگذارند. ‌عليهذا شركت ملي نفت ايران و شركت كنتينانتال اويل به شرح زير توافق مي‌نمايند:
	+ ‌ماده 1 ـ تعريفات ‌جز در مواردي كه سياق عبارت مفهوم ديگري را اقتضاء كند معني بعضي از اصطلاحاتي كه در اين قرارداد به كار رفته از لحاظ اين قرارداد به شرح‌تعاريف زير خواهد بود: 1 ـ "‌شركت ملي نفت" عبارت است از شركت ملي نفت ايران. 2 ـ "‌پيمانكار كل" عبارت است از شركت نفت كنتينانتال يا هر شركتي كه به موجب مقررات ماده 31 اين قرارداد طرف انتقال شناخته شود. 3 ـ "‌قرارداد" عبارت است از اين سند و ضميمه يا ضمائم آن. 4 ـ "‌نفت" عبارت است از نفت خام و گاز طبيعي و يا هر يك از آنها. 5 ـ "‌نفت خام" عبارت است از نفت خام طبيعي، اسفالت طبيعي و كليه‌هيدروكاربورهاي مايع و منجمله‌هيدروكاربورهاي فشرده كه به حالت طبيعي‌حاصل شود. 6 ـ "‌گاز طبيعي" يعني گاز تر و كليه‌هيدروكاربورهاي گازي ديگر كه از چاههاي نفت يا گاز و هيدروكاربورهاي مايع كه از طريق جدا كردن از گاز طبيعي ‌به دست مي‌آيد و نيز گاز باقيمانده كه پس از سواكردن هيدروكاربورهاي مايع از گاز تر باقيمانده باشد. 7 ـ "‌قيمت" از لحاظ اين قرارداد عبارت است از قيمتهايي كه بر طبق مقررات ماده 28 اين قرارداد تعيين مي‌گردد. 8 ـ "‌عمليات نفتي" عبارت است از كليه كارهاي مشروحه در ماده 8 اين قرارداد. 9 ـ "‌متر مكعب" عبارت است از يك متر مكعب در شصت درجه فارنهايت تحت فشار عادي جو. 10 ـ "‌تاريخ اجراء" عبارت است از تاريخي كه قانون مربوط به تصويب اين قرارداد به توشيح ملوكانه برسد. 11 ـ "‌بشكه" عبارت است از 42 گالن امريكايي در شصت درجه فارنهايت. 12 ـ "‌اراضي" عبارت است از اراضي پوشيده از آب و غير آن. 13 ـ "‌اموال" عبارت است از كليه تأسيسات ثابت و اموال منقول. 14 ـ "‌تأسيسات ثابت" عبارت است از تأسيسات نصب شده يا كار گذاشته شده يا ساخته شده كه به طور ثابت مستقر گرديده و براي عمليات موضوع ‌اين قرارداد مورد استفاده قرار گيرد. 15 ـ "‌اموال منقول" عبارت است از كليه ماشين آلات ـ لوازم ـ ابزار ـ آلات ـ ادوات ـ اسباب ـ قطعات يدكي ـ مصالح ـ وسائل خودرو و ساير ‌وسائط نقليه ـ اثاث ـ مواد خواربار و كليه اجناس ديگري جز تأسيسات ثابت كه براي انجام عمليات و وظائف مقرر در اين قرارداد به شرح مندرج در‌ جزء 1 از ماده 8 مورد نياز باشد. 16 ـ "‌ناحيه واگذاري شده" يا "‌واگذار شده" عبارت از ناحيه مشخص شده در ضميمه الف يا نواحي كه بعد از تقليل ناحيه مزبور به موجب مقررات ماده13 اين قرارداد باقي بماند. 17 ـ "‌ناحيه بهره‌برداري" عبارت است از ناحيه‌اي كه در ماده 17 مشخص گرديده است. 18 ـ "‌تاريخ آغاز توليد تجاري" عبارت است از تاريخي كه به موجب بند 4 از ماده 4 اين قرارداد معين شده باشد.
	+ ‌ماده 2 ـ پيمانكار كل ‌شركت نفت كنتينانتال بدين وسيله از طرف شركت ملي نفت به سمت پيمانكار كل منصوب مي‌گردد تا عمليات و وظائف مقرر در اين قرارداد را انجام ‌دهد.
	+ ‌ماده 3 ـ موضوع قرارداد ‌پيمانكار كل خدمات مشروح در زير را به نحو مقرر در اين قرارداد براي شركت ملي نفت انجام خواهد داد: ‌الف ـ خدمات فني ‌پيمانكار كل اداره و انجام كليه عمليات لازم را كه مربوط به اكتشاف و بهره‌برداري نفت در ناحيه واگذاري باشد بر عهده خواهد داشت. ب ـ خدمات مالي ‌پيمانكار كل وجوه لازم براي انجام و تكميل عمليات اكتشافي و همچنين در صورت پيدايش نفت وجوه لازم جهت انجام عمليات ارزيابي و توسعه را‌ كه به موجب اين قرارداد مقتضي باشد در اختيار شركت ملي نفت قرار خواهد داد. عمليات اكتشاف مطابق مقررات اين قرارداد منحصراً بريسك ‌پيمانكار كل صورت خواهد گرفت و بنابراين وجوه مصرف شده در عمليات مزبور به صورت وام بدون بهره تلقي مي‌شود كه بازپرداخت آن موقوف به‌كشف و توليد نفت به ميزان تجاري خواهد بود. وجوهي كه به‌منظور هزينه‌هاي ارزيابي و توسعه در اختيار شركت ملي نفت قرار داده مي‌شود به عنوان ‌وام با بهره تلقي و بر طبق روش مقرر در اين قرارداد بازپرداخت خواهد شد. ج ـ خدمات بازرگاني ‌پيمانكار كل تعهد مي‌كند كه مقاديري نفت خام به نحو مقرر در اين قرارداد از طرف شركت ملي نفت در بازارهاي دنيا به فروش برساند. ‌د ـ اجرت ‌شركت ملي نفت بدين وسيله تضمين مي‌كند كه به عنوان اجرت در قبال خدمات انجام شده مقاديري از نفت خام توليدي از نواحي مورد بهره‌برداري را‌ كه به موجب مقررات اين قرارداد عمليات توسعه در آن انجام شده و به عنوان ذخيره ملي كنار گذاشته نشده باشد به قيمتي كه توافق گردد به پيمانكار كل ‌بفروشد.
	+ ‌ماده 4 ـ مدت قرارداد ‌جزء 1 ـ مدت اين قرارداد از تاريخ اجراي آن شامل دو مرحله متوالي خواهد بود كه بر طبق مقررات مواد 12 و 15 تعيين خواهد گرديد. ‌جزء 2 ـ حداكثر دوره اكتشاف پيش‌بيني شده به موجب اين قرارداد مشروط به رعايت مقررات ماده 12 نه سال خواهد بود. ‌هرگاه در پايان دوره‌ هفت‌ساله مقرر در ماده 12 عمليات اكتشافي منتج به ثبوت ناحيه بهره‌برداري نگردد دوره اكتشاف به خودي خود پايان خواهد يافت‌و اين قرارداد خاتمه خواهد پذيرفت مگر اينكه دوره اكتشاف مطابق مقررات جزء 5 ماده 12 براي دو سال ديگر تمديد شده باشد كه در آن صورت ‌قرارداد در انقضاي دوره 9‌ساله پايان خواهد يافت. ‌معذلك چنانچه در انقضاي دوره اكتشاف مزبور وجود ناحيه يا نواحي بهره‌برداري به ثبوت رسيده باشد عمليات طبق مقررات اين قرارداد فقط در ناحيه‌يا نواحي بهره‌برداري مزبور ادامه خواهد يافت. ‌جزء 3 ـ آغاز دوره بهره‌برداري موقعي خواهد بود كه كشف نخستين چاه تجاري بر طبق تعريف ماده 16 محرز شده باشد. مدت اين قرارداد از لحاظ ‌دوره بهره‌برداري مزبور 25 سال از تاريخ آغاز نخستين توليد تجاري در ناحيه واگذار شده خواهد بود. ‌جزء 4 ـ تاريخ آغاز توليد تجاري مذكور بالا در مورد هر ميدان تجاري تاريخي خواهد بود كه در آن تاريخ كليه تأسيسات و وسائل لازم براي حمل و نقل ‌و صدور نفت خام حاصله از ميدان مزبور بر يك مبناي منظم به شرح مقرر در مواد اين قرارداد تكميل گرديده و بعلاوه حداقل يكصد هزار متر مكعب ‌نفت خام توليدي آن ميدان بر مبناي صادرات منظم فروش و تحويل شده باشد.
	+ ‌ماده 5 ـ تأمين وجوه ‌جزء 1 ـ كليه وجوه لازم براي عمليات اكتشاف ارزيابي و توسعه پيش‌بيني شده در اين قرارداد توسط پيمانكار كل تأمين خواهد شد تا آنگاه كه وجوه‌ حاصله از عمليات موضوع اين قرارداد كه عايد شركت ملي نفت مي‌شود به حدي برسد كه شركت ملي نفت را قادر بر تأمين هزينه‌هاي عمليات ارزيابي ‌و توسعه بنمايد. ‌جزء 2 ـ همچنين تفاهم حاصل است كه مسئوليت شركت ملي نفت در برابر پيمانكار كل نسبت به بازپرداخت وجوهي كه طبق جزء (1) بالا پرداخته ‌مي‌شود فقط در صورتي خواهد بود كه ميدان تجاري به شرح تعريف ماده 18 اين قرارداد كشف و توليد به ميزان تجاري شروع شده باشد.
	+ ‌ماده 6 ـ مالكيت شركت ملي نفت در مورد نفت و اموال ‌جزء 1 ـ نفتي كه به موجب مقررات اين قرارداد توليد مي‌شود كلاً در سر چاه به شركت ملي نفت تعلق خواهد داشت. ‌جزء 2 ـ كليه اموالي كه براي عمليات پيمانكار كل تهيه شده و يا مورد استفاده قرار گرفته باشد به شرح مقررات زير در تملك شركت ملي نفت خواهد ‌بود. ‌الف ـ كليه اراضي و تأسيسات ثابت به نام شركت ملي نفت تحصيل خواهد شد و در مالكيت آن شركت خواهد بود. ب ـ كليه اموال منقول كه به منظور استفاده در انجام عمليات موضوع اين قرارداد تحصيل شده باشد تابع مقررات زير خواهد بود: 1 ـ هرگاه پيمانكار كل اين طور تلقي كند كه اموال منقول در تمام مدتي كه براي استهلاك آنها در نظر گرفته است مورد استفاده كامل نخواهد بود از‌ شركت ملي نفت درخواست خواهد كرد تا با استفاده موقت از آنها موافقت نمايد. ‌هرگاه شركت ملي نفت ظرف سي روز از تاريخ اعلام پيمانكار كل جواب ندهد موافقت شركت ملي نفت تحصيل شده تلقي خواهد شد. اين اموال تا‌مدتي كه تمام بهاي استهلاك آن به حساب عمليات منظور نگرديده باشد در مالكيت پيمانكار كل باقي خواهد ماند و موقعي كه كاملاً مستهلك گرديد در‌مالكيت شركت ملي نفت وارد خواهد شد. ‌هرگاه پيمانكار كل بخواهد اينگونه اموال را كه كلاً مستهلك نشده است از ايران صادر كند شركت ملي نفت مختار خواهد بود موقعي كه پيمانكار كل‌ مطابق مقررات جزء 2 از ماده 33 درخواست موافقت آن شركت را مي‌كند اموال مزبور را با پرداخت مانده بهاي دفتري آنها خريداري نمايد. 2 ـ در كليه موارد ديگر اموال به محض تحصيل در مالكيت شركت ملي نفت وارد خواهد شد و تمام هزينه خريد آنها بر حسب آنكه به منظور مصرف ‌در عمليات اكتشاف و يا بهره‌برداري تحصيل شده باشد به عنوان جزوي از وام اكتشافي و يا وام بهره‌برداري در همان سال منظور خواهد شد. ‌جزء 3 ـ كليه موجوديهاي انبار و اجناس مصرفي كه توسط پيمانكار كل براي استفاده در عمليات موضوع اين قرارداد تحصيل شده باشد به‌محض‌تحصيل در مالكيت شركت ملي نفت در خواهد آمد و بر حسب استفاده‌اي كه عملا از آن شده به عنوان جزيي از وام اكتشافي و يا وام بهره‌برداري منظور‌ خواهد گرديد. ‌جزء 4 ـ در مدت اعتبار اين قرارداد پيمانكار كل حق استفاده كامل از كلي اراضي و تأسيسات ثابت و اموال منقول تحصيل شده به موجب اين قرارداد را‌ در ناحيه واگذار شده دارا خواهد بود. همچنين تفاهم حاصل است كه پيمانكار كل مي‌تواند از نفت توليد شده در ناحيه واگذاري تا آنجا كه براي اجراي ‌عمليات مجاز به موجب اين قرارداد لازم و مقتضي باشد مجاناً استفاده نمايد.
	+ ‌ماده 7 ـ ثبت پيمانكار كل ‌پيمانكار كل مكلف است ظرف مدت شصت روز از تاريخ اجرا درخواست ثبت خود را طبق قوانين و مقررات ثبت شركتها در ايران به اداره ثبت ايران‌تسليم نمايد.
	+ ‌ماده 8 ـ عمليات مجاز ‌جزء 1 ـ عملياتي كه اجازه انجام آن به موجب اين قرارداد داده شده است عبارتست از: ‌الف ـ اكتشاف نفت از طريق زمين‌شناسي ـ ژئوفيزيكي و روشهاي ديگر منجمله حفر چاه براي نفت و هرگونه وظائف ديگري كه به طور معمول با‌ عمليات اكتشاف و بهره‌برداري مربوط باشد. ب ـ حمل نفتي كه بر طبق اين قرارداد توليد شده از ميدانها به كنار دريا و انبار كردن نفت و تحويل نفت توليدي از ناحيه واگذار شده به ‌هر وسيله ‌منجمله بارگيري در كشتي و هرگونه وظائف ديگري كه به طور معمول با انبار كردن و حمل نفت مربوط باشد. ‌جزء 2 ـ پيمانكار كل فعاليتهايي را كه براي انجام عمليات موضوع اين قرارداد لازم و يا به طور معقول مرتبط به آن باشد بر عهده خواهد داشت. ‌تفاهم حاصل است كه آباد كردن اراضي و ايجاد جزيره‌ها و ساختمان راههاي آهن‌، بندر‌، تلفن‌، تلگراف و سرويسهاي بي‌سيم و سرويسهاي هوايي و ‌استفاده از آنها مشروط به اجازه قبلي و كتبي دولت خواهد بود. اجازه مزبور از مجراي شركت ملي نفت به عمل خواهد آمد و شركت ملي نفت كوشش‌خواهد نمود كه اجازه مزبور ظرف مدت معقول و بدون تأخير ناموجه تحصيل شود. ‌به منظور تسريع در اجراي عمليات مقرر در اين قرارداد پيمانكار كل مي‌تواند بدون اينكه از ميزان مسئوليت او در برابر شركت ملي نفت چيزي كاسته‌ شود و با رعايت مقررات جزء 3 از ماده 10 پيمانكاران فرعي را به كار بگمارد.
	+ ‌ماده 9 ـ اراضي، آب و حقوق ارتفاقي ‌اراضي، آب و حقوق ارتفاقي كه به نحو معقول مورد احتياج پيمانكار كل براي انجام عمليات مقرر در اين قرارداد باشد توسط شركت ملي نفت تحصيل‌ و در اختيار پيمانكار كل گذارده خواهد شد. ‌تحصيل اراضي آب و حقوق ارتفاقي بر طبق روش و مقررات مندرج در اساسنامه شركت ملي نفت ايران به عمل خواهد آمد و تابع شرايط مقرر در ‌اساسنامه مذكور خواهد بود. ‌بهاي خريد يا مال‌الاجاره پرداختي بابت تحصيل اراضي، آب و حقوق ارتفاقي مذكور به علاوه ‌هزينه‌هاي مربوط به آن بر حسب مورد جزء هزينه‌هاي ‌اكتشاف يا بهره‌برداري مقرر در اين قرارداد منظور خواهد شد.
	+ ‌ماده 10 ـ اداره عمليات ‌جزء 1 ـ اداره عمليات نفتي مربوط به ناحيه واگذار شده با رعايت مقررات اين قرارداد از تاريخ اجرا به پيمانكار كل محول مي‌گردد. ‌جزء 2 ـ پيمانكار كل مخصوصاً ملزم به انجام تعهدات زير خواهد بود: ‌الف ـ بذل مساعي در اجراي عمليات اكتشافي در ناحيه واگذار شده به‌حد اعلا و بر طبق روش خوب صنعت نفت. ب ـ مطلع نگاهداشتن شركت ملي نفت مستمراً از جريان كليه عملياتي كه بايد به موجب مقررات اين قرارداد صورت گيرد و تسليم گزارش ماهانه‌ پيشرفت كار در مورد عمليات انجام يافته و همچنين تسليم گزارش جامع و نهايي در پايان هر كار معين. ج ـ فراهم كردن وسائل تا نمايندگان شركت ملي نفت بتوانند در هر موقع معقولي عمليات مقرر در اين قرارداد را بازرسي نمايند. ‌د ـ نگاهداري ارقام و اطلاعات كامل از جميع عمليات فني كه طبق اين قرارداد انجام مي‌گردد. ه ـ نگاهداري حسابهاي عمليات خود به طريقي كه ارقام و اطلاعات مربوط به‌ هزينه‌هاي عمليات به طرز درست و روشن و دقيق نشان داده شود و ‌اتخاذ روش حسابداري مناسب براي اين منظور كه با توافق طرفين تعيين و گاه به گاه با توجه به پيشرفتهايي كه در آينده حاصل مي‌شود مورد تجديد نظر‌قرار خواهد گرفت. ‌و ـ محدود كردن استخدام كارمندان خارجي به حداقل با تأمين اين منظور كه تا آنجا كه به طور معقول عملي باشد كارمندان خارجي فقط براي تصدي ‌مشاغل تخصصي فني كه ايرانيان حائز معلومات و تجربه لازم براي احراز آن مشاغل يافت نشود استخدام شوند. ‌ز ـ توجه دائم به حقوق و منافع ايران در جريان عمليات خود. ح ـ تأمين اين منظور كه شركت ملي نفت در هر موقع كه لازم بداند بتواند ظرف مدت معقولي هرگونه اطلاعي را به صورت رونوشتهاي دقيق نقشه‌ها‌ و مقاطع و گزارشهاي مربوط به نقشه‌برداري و زمين‌شناسي و ژئوفيزيك و حفاري و توليد و ساير امور مشابه مربوط به عمليات مقرر در اين قرارداد و ‌همچنين جميع اطلاعات علمي‌و فني كه در نتيجه عمليات مزبور حاصل شده باشد به دست آورد. جزء 3 ـ پيمانكار كل مي‌تواند انجام هر قسمت از عمليات مجاز را به‌پيمانكاران فرعي بسپارد مشروط بر اينكه: ‌الف ـ قبلاً درباره انتخاب هر پيمانكار فرعي كه بهاي قرارداد او بيش از 20000 دلار يا معادل آن باشد با شركت ملي نفت مشاوره نمايد. ب ـ رونوشتي از كليه اينگونه قراردادها تسليم شركت ملي نفت نمايد. ج ـ پيمانكار فرعي بر اساس تشخيص محتاطانه بازرگاني و با توجه به‌مقررات جزء 5 اين ماده انتخاب شود و در صورت تساوي شرايط به پيمانكاران ‌فرعي ايراني حق تقدم داده شود. ‌جزء 4 ـ بدين وسيله طرفين موافقت مي‌نمايند كه در انقضاي شصت ماه از تاريخ آغاز نخستين توليد تجاري: ‌الف ـ سمت مديريت عمليات در سازمان پيمانكار كل بر عهده يك نفر ايراني كه از طرف شركت ملي نفت تعيين گردد محول خواهد شد. ‌مدير مذكور زير نظر مديرعامل كه از جانب پيمانكار كل تعيين مي‌گردد مسئوليت اداره عمليات جاري توليد و حمل و نقل و انبارداري و بارگيري را‌ خواهد داشت. ب ـ يك هيئت اجرايي مركب از دو نفر نماينده شركت ملي نفت و دو نفر نماينده پيمانكار كل جهت نظارت در تهيه و اجراي كليه برنامه‌ها و‌ بودجه‌هاي مربوط به عمليات توسعه و توليد تشكيل خواهد شد. ‌جلسات هيئت مذكور هر سه ماه يك بار يا به دفعات بيشتر هر موقع كه نمايندگان شركت ملي نفت يا پيمانكار كل تقاضا نمايند منعقد خواهد شد. ‌جزء 5 ـ پيمانكار كل و شركت ملي نفت همواره سعي كامل خواهند نمود براي تأمين اين منظور كه عمليات با صرفه‌دارترين هزينه از لحاظ اقتصادي به ‌انجام رسد.
	+ ‌ماده 11 ـ محاسبات پيمانكار كل ‌جزء 1 ـ پيمانكار كل هر سه ماه يك بار صورتحساب هزينه‌ها را تهيه خواهد كرد صورتحساب مزبور بايد هزينه‌هايي را كه طي آن سه ماه توسط ‌پيمانكار كل به موجب اين قرارداد انجام شده و همچنين جمع كل هزينه‌ها را تا پايان آن سه ماه نشان بدهد. صورتحسابهاي مزبور حداكثر ظرف دو ماه ‌بعد از پايان سه ماهي كه‌هزينه‌ها در آن مدت صورت پذيرفته تسليم شركت ملي نفت خواهد شد مگر در مورد صورتحساب سه‌ماهه منتهي به 3‌‌ دسامبر كه بايستي تا 31 ماه مارس سال بعد براي شركت ملي نفت ارسال شود. ‌شركت ملي نفت حق خواهد داشت كه بدون اينكه لطمه‌اي به حق حسابرسي سالانه او كه ذيلاً مقرر شده است وارد شود صحت صورتحسابهاي ‌مذكور را مورد رسيدگي و تحقيق قرار دهد و از پيمانكار كل بخواهد كه مدارك و اسناد هزينه كافي براي اثبات آنها ارائه بنمايد و همچنين توضيحات‌لازم را براي توجيه‌هر يك از اقلام خرج كه در آن صورتحسابها وارد شده است بدهد. براي اين منظور شركت ملي نفت حق خواهد داشت كه به موجب‌درخواست كتبي توضيحات بخواهد و همچنين سند هزينه‌هاي مربوط به بعضي از اقلام وارده را مطالبه كند مشروط بر آنكه درخواست مزبور حداكثر‌ظرف يك ماه از تاريخ ارسال صورتحسابها انجام گيرد. ‌جزء 2 ـ مخارج فوق پس از آنكه‌هر سال به وسيله يك مؤسسه حسابرسان صلاحيتدار كه معروفيت بين‌المللي داشته و مورد قبول طرفين باشد ‌رسيدگي گرديد، طبق مقررات اين قرارداد بر حسب مورد به عنوان هزينه‌هاي اكتشافي يا بهره‌برداري صحيح توسط طرفين پذيرفته خواهد شد. ‌گزارش حسابرسي اينگونه محاسبات در مورد هر سال مالي حداكثر سه ماه پس از پايان سال مالي مورد گزارش به شركت ملي نفت تسليم خواهد شد. ‌جزء 3 ـ پيمانكار كل در محاسبات خود تمام هزينه‌هايي را كه در ايران و يا خارج از ايران منحصراً و الزاماً به منظور اجراي عمليات مقرر در اين قرارداد‌ انجام داده است به قيمت واقعي منظور خواهد نمود. هزينه‌هايي كه پيمانكار كل جزو حسابهاي خود منظور مي‌كند ممكن است شامل بخش معقولي از‌ هزينه‌هاي اداري او در ايران باشد كه بر اساس اصول حسابداري متداول كه به طور يكنواخت رعايت خواهد شد احتساب مي‌گردد. ‌بهاي خدماتي كه ممكن است به وسيله شركت مادر و شركتهاي فرعي يا وابسته پيمانكار كل به عمل آيد به حساب بدهكار هزينه عمليات منظور خواهد ‌شد با اين تفاهم كه اين قبيل مخارج به ‌هيچ عنوان شامل عوامل هزينه بالاسري و حق‌الزحمه و بهره و سود و يا هرگونه‌هزينه‌هاي ديگري كه ممكن ‌است به قيمت واقعي خدمات اضافه گردد نخواهد بود به‌استثناي بهره متعلق به وامهاي ارزيابي و توسعه و به استثناي حق‌الزحمه بازاريابي كه به نحو ‌مقرر در مواد 26 و 29 قرارداد در حساب منظور مي‌گردد.
	+ ‌ماده 12 ـ مدت دوره اكتشاف و حداقل تعهدات ‌جزء 1 ـ پيمانكار كل متعهد است مبلغ ده ميليون دلار امريكايي به‌عنوان پذيره تحت شرايط زير به شركت ملي نفت ايران بپردازد: ‌الف ـ يك ميليون دلار امريكايي طرف سي روز از تاريخ اجراي اين قرارداد. ب ـ سالي يك ميليون دلار امريكايي در سالروزهاي هر يك از چهار سال متعاقب تاريخ اجراي قرارداد (‌جمعاً به مبلغ چهار ميليون دلار امريكايي). ج ـ يك ميليون دلار امريكايي به مجرد كشف نخستين ميدان تجاري به شرح مقرر در ماده 18 اين مبلغ ظرف سي روز از تاريخ اعلام شركت ملي نفت‌به پيمانكار كل داير بر اينكه ميدان را تجاري شناخته است پرداخت خواهد شد. ‌د ـ دو ميليون دلار امريكايي به محض اينكه سطح توليد در ناحيه واگذار شده در طول مدت پانزده روز متوالي به طور متوسط به يكصد هزار بشكه در ‌روز برسد پرداخت اين مبلغ ظرف سي روز از آخرين روز پانزده روز متوالي مذكور صورت خواهد گرفت. ه ـ دو ميليون دلار امريكايي به محض اينكه سطح توليد در ناحيه واگذار شده در طول مدت پانزده روز متوالي به طور متوسط به يكصد و پنجاه ‌هزار‌ بشكه در روز برسد. پرداخت اين مبلغ ظرف سي روز از آخرين روز پانزده روز متوالي مذكور صورت خواهد گرفت. ‌پيمانكار كل مبالغ فوق را به حساب شركت ملي نفت نزديكي از بانكهاي شهر نيويورك (‌كشورهاي متحد امريكا) توديع خواهد نمود. شماره حساب و ‌نام و آدرس بانك مذكور به وسيله شركت ملي نفت تعيين و كتباً به اطلاع پيمانكار كل خواهد رسيد. ‌جزء 2 ـ دوره اكتشاف هفت‌ساله مذكور در ماده 4 بالا به دو مرحله متوالي تقسيم مي‌شود. ‌مرحله اول به مدت پنج سال از تاريخ اجراي قرارداد و مرحله دوم متعاقب آن به مدت دوساله خواهد بود معذلك تفاهم حاصل است كه دوره مزبور ‌ممكن است براي يك مرحله سوم به مدت دو سال تحت شرايطي كه در جزء 5 زير پيش‌بيني شده است تمديد گردد. ‌جزء 3 ـ (‌مرحله اول) پيمانكار كل مكلف است در طول مرحله اول حداقل 8 ميليون دلار امريكايي براي عمليات اكتشاف در ناحيه واگذار شده خرج‌ كند. عمليات مذكور شامل حفاري لااقل سه چاه اكتشافي خواهد بود. ‌جزء 4 ـ (‌مرحله دوم) در صورتي كه پيمانكار كل تعهدات مندرج در جزء 3 مذكور فوق را انجام داده باشد مجاز خواهد بود كه اگر مايل باشد پس از‌ تقليل ناحيه به نحو مقرر در ماده 13 قرارداد به عمليات اكتشافي در مرحله دوم مبادرت ورزد. در چنين صورتي پيمانكار كل اقلاً تا دو ماه پيش از پايان ‌مرحله اول قصد خود را دائر به ادامه عمليات اكتشافي براي مرحله دوم به اطلاع شركت ملي نفت خواهد رسانيد در طول مرحله دوم پيمانكار كل‌حداقل سالي دو ميليون دلار امريكايي براي عمليات اكتشافي خرج خواهد كرد. ‌جزء 5 ـ (‌مرحله سوم) در پايان مرحله دوم و بعد از تقليل قسمت باقيمانده ناحيه واگذار شده به نحو مقرر در جزء 1 ماده 13 قرارداد پيمانكار كل ‌مي‌تواند يك ماه زودتر از خاتمه مرحله دوم درخواست تمديد دو سال اضافي بنمايد. شركت ملي نفت در قبول يا رد درخواست مزبور مختار خواهد‌ بود. در صورتي كه شركت ملي نفت چنين درخواستي را قبول نمايد مراتب را ظرف شصت روز پس از وصول درخواست به پيمانكار كل اعلام خواهد‌ نمود. در اين صورت پيمانكار كل مكلف خواهد بود كه عمليات اكتشافي را براي يك مرحله اضافي دوساله مرحله سوم و با تعهد هزينه حداقل سالي ‌دو ميليون دلار امريكايي به موقع اجراء بگذارد. ‌جزء 6 ـ پيمانكار كل لااقل دو ماه پيش از انقضاي هر مرحله گزارشي حاكي از اينكه حداقل تعهد مخارج پيش‌بيني شده براي مرحله مربوطه انجام گرفته‌ يا در جريان اتمام است (‌با رعايت مقررات جزء 8 زيرين) تسليم شركت ملي نفت خواهد نمود. هرگاه شركت ملي نفت ظرف شصت روز از تاريخ ‌تسليم گزارش مذكور جوابي به پيمانكار كل ندهد چنين تلقي خواهد شد كه پيمانكار كل حداقل مخارج ناظر به مرحله مربوطه را انجام داده است و لذا‌ عمليات ناظر به مرحله مربوطه را انجام خواهد داد و عمليات را براي مرحله بعدي در ناحيه تقليل يافته ادامه خواهد داد. ‌جزء 7 ـ در صورتي كه حداقل مبلغ مخارج سالانه كه در مورد اولين سال مرحله دوم يا اولين سال مرحله سوم پيش‌بيني شده تماماً خرج نشده باشد‌ مبلغ خرج نشده باقيمانده به حساب سال بعد منتقل و در آن سال صرف خواهد شد. ‌جزء 8 ـ هرگاه در انقضاي مرحله اول حداقل تعهد مخارج مصرح در جزء 3 اين ماده تماماً خرج نشده باشد شركت ملي نفت حق خواهد داشت كه اين ‌قرارداد را بدون اينكه تعهدي براي او در قبال پيمانكار ايجاد شود فسخ نمايد. ‌جزء 9 ـ در طول مرحله اول پيمانكار كل حق نخواهد داشت كه عمليات اكتشافي را تحت هيچ عنواني به جز در موارد فرس‌ماژور به نحو مقرر در اين‌قرارداد متوقف يا تعطيل نمايد ليكن در پايان مرحله اول و در پايان هر يك از دوره‌هاي يكساله بعدي در صورتي كه پيمانكار كل ملاحظه نمايد شرايط ‌زيرزميني ناحيه واگذار شده طوري است كه نمي‌توان به طور معقولي انتظار داشت كه نفت به ميزان تجاري كشف گردد مي‌تواند از ادامه عمليات ‌اكتشافي خودداري نمايد و در اين صورت بايد قصد خود را به‌شركت ملي نفت اعلام نموده به عمليات خاتمه دهد ليكن قبلاً بايد ثابت نمايد كه كليه‌امور اكتشافي تا تاريخ اعلام مزبور بر طبق برنامه به موقع اجرا گذارده شده و حداقل تعهد مخارج پيش‌بيني شده براي مرحله يا دوره سالانه (‌بر حسب ‌مورد) مقدم بر اعلام مزبور تماماً خرج شده است. معذلك هرگاه تا تاريخ اعلام مزبور مبلغي خرج نشده باقيمانده باشد پيمانكار كل بايد نصف مبلغ ‌باقيمانده مزبور را به شركت ملي نفت بپردازد. ‌جزء 10 ـ با وجود مقررات فوق پيمانكار كل مختار است كه در خاتمه سال سوم از مرحله اول از قرارداد دست بكشد مشروط بر آنكه حداقل مبلغ چهار‌ميليون دلار امريكايي در امور اكتشافي خرج و حداقل سه ميليون دلار به‌شرح مقرر در جزء 1 اين ماده در وجه شركت ملي نفت پرداخت نموده باشد.‌ در چنين صورتي اين قرارداد به مجرد اعمال اين حق فسخ خواهد گرديد. ‌جزء 11 ـ مخارج واقعي كه در ضمن مرحله اول اضافه بر حداقل تعهد مخارج مرحله مزبور انجام گرفته باشد به حساب حداقل تعهد مخارج مرحله‌ دوم منظور خواهد شد. ‌جزء 12 ـ الف ـ هرگاه در پايان مرحله اول نفت به مقادير تجاري در ناحيه واگذار شده كشف شده باشد پيمانكار كل حق نخواهد داشت عمليات‌اكتشافي را در مراحل دوم و سوم متوقف يا تعطيل نمايد و بايستي تعهدات مربوط به ادامه عمليات را بر طبق جزء‌هاي 4 و 5 اين ماده انجام دهد. تفاهم‌ حاصل است كه انجام عمليات اكتشافي در مرحله سوم تابع مقررات جزء 5 فوق خواهد بود. ب ـ هرگاه در پايان مرحله دوم يا سوم اكتشاف (‌هر كدام كه مورد پيدا كند) حداقل تعهد مخارج مقرر در جزء‌هاي 4 و 5 اين ماده كلاً انجام نپذيرفته باشد‌ پيمانكار كل بايد مبلغي برابر با نصف مبلغ خرج نشده به‌شركت ملي نفت بپردازد. مبلغ مزبور در جزو مخارج اكتشاف منظور نخواهد شد. ‌جزء 13 ـ الف ـ هرگاه در پايان مرحله دوم مقرر در جزء 4 اين ماده پيمانكار كل حداقل تعهد مخارجي را كه بر طبق جزء 4 مذكور پيش‌بيني شده انجام ‌نداده باشد دوره اكتشاف خاتمه يافته تلقي خواهد شد و همين حكم جاري خواهد بود در صورتي كه پيمانكار كل تعهد خود را به شرح مقرر در جزء 5‌ اين ماده انجام ندهد. از آن پس حدود عمليات پيمانكار كل منحصر به عمليات در ناحيه يا نواحي بهره‌برداري (‌در صورت وجود چنين ناحيه يا نواحي)‌كه بر طبق مقررات ماده 17 تحديد حدود مي‌گردد خواهد شد. در صورتي كه چنين ناحيه بهره‌برداري موجود نباشد شركت ملي نفت حق خواهد داشت ‌بدون اينكه براي او تعهدي در قبال پيمانكار كل ايجاد شود اين قرارداد را فسخ نمايد. ب ـ در صورتي كه پيمانكار كل بر طبق مقررات جزء 5 وارد مرحله اضافي دوساله شده اما در انقضاي مرحله مزبور حداقل تعهد مخارجي را كه براي آن ‌مرحله معين شده انجام نداده باشد شركت ملي نفت حق خواهد داشت به‌ همان طريقي كه در بند (‌الف) بالا راجع به پايان مرحله دوم مقرر گرديده است ‌اقدام نمايد. ‌جزء 14 ـ در كليه مواردي كه در اين ماده پيش‌بيني شده است شركت ملي نفت مختار خواهد بود هر موقع كه اوضاع و احوال را مقتضي بداند براي ‌انجام تعهدات پيمانكار كل حداكثر تا شش ماه مهلت بدهد.
	+ ‌ماده 13 ـ ناحيه واگذار شده و تقليلهاي بعدي آن ‌جزء 1 ـ در پايان مرحله اول "‌ناحيه واگذار شده" به ميزان 50% تقليل خواهد يافت. ‌هرگاه در پايان مرحله دوم عمليات اكتشافي طبق مقررات جزء 5 ماده 12 اين قرارداد وارد مرحله سوم شود باقيمانده "‌ناحيه واگذار شده" بار ديگر به‌ميزان 50% ناحيه‌اي كه در خاتمه مرحله دوم باقيمانده است تقليل خواهد يافت. ‌جزء 2 ـ پيمانكار كل محدوده‌هايي را كه به منظور تقليل يا تقليلهاي مشروحه فوق بايستي از "‌ناحيه واگذار شده" خارج گردد و نيز شكل و اندازه آنها را ‌انتخاب خواهد نمود مشروط بر اينكه محدوده‌هاي مزبور از قطعاتي تشكيل شود كه مساحت هر كدام از آنها از 200 كيلومتر مربع كمتر نبوده و متوسط‌ طول هر يك از قطعات بيشتر از شش برابر ميزان متوسط عرض آن نباشد. در صورتي كه اجراي روش مزبور در انتخاب محدوده‌هاي مورد تقليل مناسب‌ نباشد شكل و اندازه محدوده‌هاي مزبور به نحوي كه شركت ملي نفت مقتضي بداند معين خواهد شد. ‌جزء 3 ـ بعد از انجام هر يك از تقليلهاي مشروحه فوق پيمانكار كل محدوده‌هايي را كه پس از تقليل به موجب مقررات اين قرارداد نگاه خواهد داشت ‌به اطلاع شركت ملي نفت خواهد رسانيد. ‌اطلاع مزبور در گزارشي كه در جزء 6 ماده 12 اين قرارداد به آن اشاره شده است گنجانده خواهد شد. ‌در صورتي كه پيمانكار كل ظرف مهلتي كه براي ارسال گزارش مزبور مقرر شده نظريات خود را راجع به محدوده‌هايي كه بايستي خارج گردد به‌اطلاع‌ شركت ملي نفت نرساند شركت محدوده‌هاي مزبور را بنا بر تشخيص خود تعيين خواهد كرد. تصميم مزبور قطعي بوده و محدوده‌هائي كه بدين ترتيب ‌توسط شركت ملي نفت مشخص مي‌گردد از تاريخ اعلام به‌پيمانكار كل به عنوان محدوده‌هاي خارج شده از ناحيه واگذاري تلقي خواهد شد. ‌جزء 4 ـ در پايان "‌دوره اكتشاف" به شرح مقرر در ماده 12 "‌ناحيه واگذار شده" به طور نهايي تقليل خواهد يافت به نحوي كه فقط محدود به‌ناحيه يا ‌نواحي بهره‌برداري گردد كه وجود ميدان يا ميدانهاي تجاري به‌شرح تعريف ماده 18 در آن محقق شده باشد.
	+ ‌ماده 14 ـ تنظيم برنامه و بودجه عمليات اكتشافي ‌جزء 1 ـ پيمانكار كل با مشورت شركت ملي نفت براي هر سال تقويمي ‌برنامه‌ها و بودجه‌هاي اكتشافي "‌ناحيه واگذار شده" را تنظيم خواهد نمود به ‌نحوي كه دست كم انجام حداقل تعهداتي كه در ماده 12 تصريح گرديده است تأمين شود. ‌مشورت مزبور بايستي قبل از پانزدهم سپتامبر هر سال به عمل آيد. ‌جزء 2 ـ برنامه‌ها و بودجه‌هاي مقرر در جزء 1 فوق براي هر سال تقويمي‌منتهي تا پايان روز سي‌ام اكتبر سال قبل تسليم شركت ملي نفت خواهد گرديد. ‌هرگاه پيمانكار كل در ضمن اجراي برنامه‌هاي مزبور تجديد نظري را در آنها مقتضي بداند مراتب را به شركت ملي نفت اطلاع خواهد داد و حق خواهد ‌داشت كه نسبت به اجراي كارهاي مربوط به قسمت تجديد نظر شده اقدام نمايد به شرط آنكه افزايش مربوطه در بودجه سالانه از ده درصد تجاوز ‌ننمايد.
	+ ‌ماده 15 ـ مدت دوره بهره‌برداري ‌جزء 1 ـ "‌دوره اكتشاف" در هر قسمت از "‌ناحيه واگذار شده" موقعي پايان خواهد يافت كه "‌نخستين چاه تجاري" طبق تعريف ماده 16 اين قرارداد در‌قسمت مزبور كشف شده باشد. ‌در مورد هر "‌ناحيه بهره‌برداري" كه حدود آن بر طبق ماده 17 تعيين مي‌شود آغاز "‌دوره بهره‌برداري" از تاريخ احراز "‌نخستين چاه تجاري" خواهد بود. ‌جزء 2 ـ "‌دوره بهره‌برداري" در يك "‌ناحيه بهره‌برداري" مشتمل بر سه مرحله جداگانه به شرح زير خواهد بود: ‌الف ـ مرحله ارزيابي ـ از تاريخ تحقق "‌نخستين چاه تجاري" طبق ماده 16 تا تاريخي كه ميدان بر طبق مقررات ماده 18 اين قرارداد تجاري شناخته ‌شود. ب ـ مرحله توسعه ـ از تاريخ تجاري شناخته شدن ميدان تا "‌تاريخ شروع توليد به ميزان تجاري" ج ـ مرحله توليد ـ از "‌تاريخ شروع توليد به ميزان تجاري" تا خاتمه "‌دوره بهره‌برداري". ‌جزء 3 ـ "‌دوره بهره‌برداري" در مورد تمام "‌ناحيه واگذار شده" در خاتمه 25 سال از"‌تاريخ شروع توليد تجاري" از "‌نخستين ميدان تجاري" پايان خواهد‌يافت.
	+ ‌ماده 16 ـ نخستين چاه تجاري ‌جزء 1 ـ همين كه پيمانكار كل به اين نتيجه رسيد كه "‌نخستين چاه تجاري" كشف و تكميل گرديده است اظهاريه‌اي حاكي از اين امر به شركت ملي نفت‌تسليم خواهد نمود. ‌دلايل اثبات اين اظهار در گزارش بعدي كه درباره تكميل چاه تجاري مزبور تهيه و تسليم مي‌گردد مندرج خواهد بود. گزارش مزبور بايستي حاوي ‌تاريخچه مفصل چاه منجمله اطلاعات و ارقام مربوط به زمين‌شناسي ـ حفاري ـ مهندسي نفت و ذخائر نفتي ـ توليد باشد تفاهم حاصل است كه ‌آزمايشهايي كه براي اثبات كشف چاه تجاري مزبور به عمل مي‌آيد در حضور نمايندگان شركت ملي نفت انجام خواهد گرفت و به‌همين منظور هرگونه‌ دلايل و علائم وجود نفت فوراً به اطلاع نماينده شركت ملي نفت رسانيده خواهد شد. ‌جزء 2 ـ چاه موقعي "‌تجاري" شناخته خواهد شد كه يا: ‌الف ـ قابليت بهره دهي فرضي آن كه بر اساس ضخامت طبقه بهره ده و خصوصيات پتروفيزيكي سنگهاي مخزن و اطلاعات حاصله از تجزيه و‌آزمايش عوامل فشار و حجم و درجه حرارت سيالات موجود در مخزن (PVT) و ضريبهاي بهره دهي در ميزانهاي مختلف توليد و حريم زهكشي ‌مفروضي به شعاع نيم ميل در اطراف حلقه چاه برآورد گرديده باشد حاكي از اين باشد كه چاه در ظرف مدت 6 سال مي‌تواند مقادير كافي نفت توليد كند‌ به طوري كه ارزش فعلي آن بر اساس بهاي مربوطه در تاريخ تقويم با احتساب 5% تخفيف حداقل معادل يك و نيم برابر هزينه تمام شده حفاري و تكميل آن چاه باشد و يا: ب ـ به ثبوت برسد كه مي‌تواند در جريان طبيعي نفت خامي‌به ميزان روزانه دو هزار بشكه در طول مدت پانزده روز متوالي در افقهايي به حداكثر 2500‌متر عمق توليد كند. ‌اين قدرت توليد در مورد چاهي كه افق عميق‌تر از ميزان مذكور داشته باشد روزانه سه‌هزار بشكه منظور خواهد شد. ‌جزء 3 ـ صرف كشف چاه تجاري به مفهومي‌كه در جزء 2 اين ماده تعريف گرديده است به خودي خود كافي نخواهد بود كه ساختمان تحت‌الارضي و‌مخازن نفتي مربوطه تشكيل يك ميدان تجاري بدهد. ‌جزء 4 ـ مقررات مندرج در اين ماده در مورد نخستين چاه يا چاه‌هاي تجاري كه بعداً هم در قسمتهاي ديگر "‌ناحيه واگذار شده" كشف گردد عيناً قابل ‌اجرا خواهد بود.
	+ ‌ماده 17 ـ ناحيه بهره‌برداري ‌جزء 1 ـ هر زمان كه "‌نخستين چاه تجاري" به شرح تعريف جزء 2 ماده 16 تحقق يافت مرحله ارزيابي مذكور در جزء 2 ماده 15 در ناحيه بهره‌برداري ‌شروع خواهد شد. حدود موقتي چنين ناحيه‌اي فوراً به اطلاع شركت ملي نفت رسانده خواهد شد. ‌جزء 2 ـ هر "‌ناحيه بهره‌برداري" به وسيله كثيرالاضلاعي مشخص مي‌گردد كه مختصات جغرافيايي قطعي آن را پيمانكار كل تعيين خواهد كرد. ناحيه‌اي‌ كه به اين نحو مشخص مي‌شود از حدود كثيرالاضلاعي كه محيط بر پست‌ترين خطوط ميزان ساختمان طبقات‌الارضي و يا به اختلاف مورد محيط بر‌حدود ناحيه قابل بهره‌برداري نفتي باشد تجاوز نخواهد نمود. "‌ناحيه بهره‌برداري" بايد در داخل ناحيه واگذار شده قرار داشته و بر اساس اطلاعات ‌مربوطه مشخص گردد. ‌حدود هر ناحيه بهره‌برداري ممكن است بر اساس نتايج حاصله از چاههاي ارزيابي يا چاههاي توسعه‌اي در طول "‌دوره بهره‌برداري" مورد تجديد نظر‌قرار گيرد.
	+ ‌ماده 18 ـ ميدان تجاري ‌جزء 1 ـ به مجرد اينكه پيمانكار كل به اين نتيجه رسيد كه عمليات وي در يك "‌ناحيه بهره‌برداري" منتج به كشف "‌ميدان تجاري" شده است گزارش ‌تفصيلي نتيجه‌گيري خود را به شركت ملي نفت تسليم خواهد نمود. ‌جزء 2 ـ گزارشي كه پيمانكار كل به موجب جزء 1 فوق به شركت تسليم مي‌كند بايد به طور وضوح حاوي اطلاعات فني و منجمله مراتب زير باشد: ‌الف ـ اطلاعات زمين‌شناسي و ژئوفيزيكي ـ ضخامت طبقه بهره ده ـ فاصله يا فواصل بين سطوح مختلف تماس سيالات ـ خصوصيات پتروفيزيكي ‌سنگهاي مخزن ـ تجزيه و آزمايش عوامل فشار و حجم و درجه حرارت سيالات موجود در مخزن P.V.T ‌قابليت بالقوه بهره دهي مخزن ـ قابليت ‌بالقوه بهره دهي روزانه‌هر چاه ـ خصوصيات و تركيبات مربوطه نفت خام مكشوفه ـ عمق ـ فشار ـ و ساير خصوصيات مخزن و سيالات موجود در‌آن. ب ـ فاصله و ميزان دسترس بودن مخزن از كنار دريا و نقاط عمده پخش يا مصرف ـ فراهم بودن وسائل حمل و نقل تا بازارهاي جهاني يا ميزان هزينه‌ايجاد يا تكميل وسائل مزبور. ج ـ هرگونه اطلاعات مربوطه ديگري كه پيمانكار كل به آن اتكا نموده و نتايجي كه از آن گرفته است. ‌د ـ نظرياتي كه به وسيله كارشناس يا كارشناساني كه اجراي عمليات به آنها سپرده شده ابراز گرديده باشد. ‌جزء 3 ـ شركت ملي نفت گزارش مزبور را ظرف مدت معقولي مورد بررسي قرار خواهد داد تا تشخيص دهد كه آيا "‌ميدان تجاري" بدان معني كه در‌جزء 4 اين ماده تعريف گرديده كشف شده است يا نه. ‌جزء 4 ـ از لحاظ اين قرارداد طرفين موافقت مي‌نمايند كه ميدان فقط در موقعي تجاري تلقي مي‌شود كه مقدار نفت خامي‌كه طبق پيش‌بيني معقول از‌آن ميدان قابل استخراج است به حدي باشد كه تحويل نفت خام در كنار دريا بر اساس زير امكان‌پذير باشد: ‌هرگاه از "‌ارزش فعلي" مجموع مقادير نفت خامي‌كه انتظار مي‌رود در ظرف مدت اولين 25 سال توليد گردد و ارزش مزبور بر اساس قيمت مربوطه ‌محاسبه شده باشد (‌از اين پس در اين قرارداد"‌ارزش تخفيف يافته" ناميده مي‌شود) اقلام زير را: ‌الف ـ "‌ارزش فعلي" مجموع هزينه‌هاي جاري بابت مقادير نفت خامي ‌كه انتظار مي‌رود در ظرف اولين 25 سال توليد گردد منجمله ‌هزينه‌هاي برداشت ـ عمل آوردن ـ انبار كردن ـ حمل و نقل ـ بارگيري و مخارج ديگر. ب ـ مجموع هزينه‌هاي اكتشافي كه طبق اين قرارداد تا تاريخ كشف ميدان تجاري صرف شده باشد به اضافه‌ هزينه‌هاي اكتشافي برآورد شده كه بايد در‌ بقيه دوره اكتشافي خرج گردد. ج ـ هزينه‌هاي پيش‌بيني شده ارزيابي و توسعه به اضافه ارزش فعلي بهره سرمايه قابل پرداخت توسط شركت ملي نفت در مورد ميدان مربوطه. ‌د ـ مبلغي معادل (2).(1) 12 درصد"‌ارزش تخفيف يافته" مذكور در بالا كسر كنند. ‌سودي باقي بماند كه كمتر از 20 درصد "‌ارزش تخفيف يافته" نباشد. ‌جزء 5 ـ به منظور احتساب "‌ارزش فعلي" در كليه مواردي كه در اين ماده ذكر شده است نرخ تنزل به قرار 5 درصد به مدت 25 سال منظور خواهد شد. ‌جزء 6 ـ مقررات اين ماده عيناً در مورد هر ميدان ديگري كه متعاقباً كشف گردد قابل اجرا خواهد بود با اين تفاهم كه‌ هزينه واحدي براي موضوع واحد ‌بيش از يك بار در محاسبه منظور نخواهد شد.
	+ ‌ماده 19 ـ ذخائر ملي ‌جزء 1 ـ تفاهم حاصل است كه پنجاه درصد ذخائر مكشوفه قابل استخراج از شمول مقررات اين قرارداد خارج و به عنوان ذخائر ملي كنار گذارده‌ خواهد شد انتخاب ذخائري كه به موجب اين ماده به عنوان ذخائر ملي كنار گذارده مي‌شود بر حسب توافق بين شركت ملي نفت و پيمانكار كل بر‌اساس اطلاعات فني موجود صورت خواهد گرفت. ‌جزء 2 ـ به منظور كنار گذاردن ذخائر ملي مقررات زير مجري خواهد بود: ‌الف ـ تسهيم ذخائر فقط در صورتي انجام خواهد شد كه محرز گردد كه نخستين ميدان يا ميدانهاي تجاري مكشوفه (‌طبق مقررات جزء 4 از ماده 18) ‌بازپرداخت مجموع هزينه‌هاي واقعي اكتشاف و همچنين حداقل هزينه مورد تعهد براي بقيه دوره اكتشاف را كه بايد به شرح ماده 25 به‌پيمانكار كل ‌تأديه شود تكافو خواهد نمود. ب ـ تسهيم ذخائر به شرح فوق حتي‌الامكان به صورتي خواهد بود كه تعدادي از ميدانهاي مكشوفه به طور جدا به عنوان ذخائر ملي به شركت ملي‌نفت تخصيص داده شود. ج ـ قبل از اينكه ميدانهاي نفت مذكور در بند (ب) اين ماده به شركت ملي نفت تخصيص داده شود تعداد كافي چاه ارزيابي بر طبق روش صحيح ‌صنعت نفت در هر يك از نواحي بهره‌برداري حفر خواهد شد تا ارزيابي و برآورد صحيح ذخائر قابل استخراج هر ناحيه ميسر گردد. ‌د ـ هرگاه اجراي مقررات بند (ب) فوق كلاً يا جزئاً امكان‌پذير نباشد فرمولي مورد توافق قرار خواهد گرفت كه به موجب آن نحوه تسهيم توليد نفت مقرر‌در ماده 27 از ميدانهايي كه به مرحله توسعه رسيده‌اند تعديل گردد. ه ـ تسهيم ذخائر ملي در فواصل معين مورد تعديل قرار خواهد گرفت تا بتوان ميدانهاي مكشوفه جديد يا امتداد ذخائر در ناحيه بهره‌برداري موجود را به ‌حساب آورد. ‌و ـ تفاهم حاصل است كه اجراي مقررات بند (‌د) بالا در حقوقي كه براي پيمانكار كل به موجب ماده 27 از لحاظ نفت توليد شده منظور گرديده است ‌هيچگونه تغييري نخواهد داد اما آن مقدار نفت كه براي ذخيره ملي تخصيص داده شده است مستثني خواهد بود.
	+ ‌ماده 20 ـ تنظيم برنامه و بودجه عمليات بهره‌برداري ‌جزء 1 ـ در طول مدت بهره‌برداري برنامه‌هاي عمليات و بودجه‌هاي مربوطه به وسيله پيمانكار كل با مشورت شركت ملي نفت تهيه و به شرح زير به ‌مورد اجرا گذارده خواهد شد: ‌جزء 2 ـ در مرحله ارزيابي پيمانكار كل بعد از مشورت با شركت ملي نفت و با رعايت دقيق روش صحيح صنعت نفت به اجراي برنامه‌ها و بودجه‌هاي‌ مربوطه مبادرت خواهد كرد. ‌در مورد هر يك از نواحي بهره‌برداري برنامه‌ها و بودجه‌هاي جداگانه تنظيم و ظرف مدت دو ماه از تاريخ اعلام كشف نخستين چاه تجاري به‌شرح مقرر‌در ماده 16 به اطلاع شركت ملي نفت رسانيده خواهد شد. برنامه‌ها و بودجه‌هاي مزبور ممكن است براي مدتي متجاوز از يك سال باشد. ‌جزء 3 ـ به محض اينكه ميداني از طرف شركت ملي نفت تجاري شناخته شد پيمانكار كل برنامه‌هاي سالانه توسعه و بودجه‌هاي مربوطه را براي ‌تصويب شركت ملي نفت تنظيم خواهد نمود و در تنظيم اين برنامه‌ها برنامه پنجساله‌اي كه به منظور تعيين ظرفيت توليد مشروحه در ماده 21 تهيه‌ مي‌شود مورد نظر قرار خواهد گرفت. ‌برنامه‌ها و بودجه‌هاي مزبور قبل از 15 اكتبر هر سال براي سال بعد تسليم شركت ملي نفت خواهد گرديد و پس از تصويب شركت ملي نفت به‌وسيله‌ پيمانكار كل به موقع اجرا گذارده خواهد شد. از تاريخ تشكيل كميته اجرايي مقرر در جزء 4 ماده 10 برنامه‌ها و بودجه‌هاي مورد بحث به شرحي كه فوقاً ‌ذكر شد از طريق اين كميته به شركت ملي نفت تسليم خواهد شد. ‌جزء 4 ـ پيمانكار كل موظف است كه حداكثر تا آخر روز 31 مارس هر سال گزارش سالانه‌اي مشتمل بر اطلاعات كامل درباره اجراي برنامه‌ها و‌بودجه‌ها در سال قبل تسليم شركت ملي نفت نمايد.
	+ ‌ماده 21 ـ ظرفيت توليد ‌جزء 1 ـ با در نظر گرفتن: ‌الف ـ ذخائر قابل استخراج "‌ميدانهاي تجاري" كه در "‌ناحيه يا نواحي بهره‌برداري" كشف گردد (‌به شرط آنكه از شمول اين قرارداد خارج نباشد). ب ـ مجموع امكانات بالقوه و قابل پيش‌بيني طرفين در مورد بازار. ‌شركت ملي نفت و پيمانكار كل درباره ميزان توسعه ميدان (‌يا ميدانها) مشتركاً اتخاذ تصميم خواهند نمود و به اين ترتيب ظرفيت توليد را كه "‌ظرفيت ‌توليد توسعه يافته" هر ميدان ناميده مي‌شود تعيين خواهند نمود. "‌ظرفيت توليد توسعه يافته" ميدانها هيچگاه نبايد از حدود (MER) ميدان مربوطه با رعايت روش صحيح صنعت نفت تجاوز كند. ‌جزء 2 ـ بر اساس "‌ظرفيت توليد توسعه يافته" يك برنامه توسعه پنجساله براي اجراء تهيه خواهد شد. ‌اين برنامه ميزان توليد سالانه را پيش‌بيني خواهد نمود. ميزان توليد ممكن است هر سال مشتركاً مورد تجديد نظر قرار گيرد در اين صورت "‌ظرفيت ‌تصحيح شده توليد" مطابق روش صحيح صنعت نفت تعيين خواهد گرديد. ‌جزء 3 ـ مجموع امكانات بالقوه قابل پيش‌بيني طرفين در مورد بازار به‌شرحي كه در جزء 1 فوق ذكر گرديده عبارت از مجموع اقلام زير خواهد بود: ‌الف ـ احتياجات شركت ملي نفت براي بازارهاي خود. ب ـ احتياجات شركت ملي نفت براي مقاديري كه پيمانكار كل طبق مقررات ماده 29 به نمايندگي از طرف شركت ملي نفت براي آن بايد بازار پيدا كند. ج ـ احتياجات پيمانكار كل در حدود مقاديري كه حق دارد به قيمتهاي فروش تضمين شده به نحو مقرر در ماده 27 از شركت ملي نفت خريداري نمايد. ‌جزء 4 ـ بدون اينكه خدشه‌اي در مقررات بالا وارد شود هر يك از طرفين حق خواهد داشت كه توسعه ميدان (‌يا ميدانها) را تا حداكثر قابليت ‌بهره‌برداري ميدان MER درخواست نمايد و طرف ديگر با چنين تقاضايي مخالفت نخواهد كرد تا در نتيجه توسعه مزبور امكان برداشت طرف متقاضي ‌نسبت به درصد سهميه خود به شرح مقرر در ماده 27 بر اساس حداكثر قابليت بهره‌برداري ميدان تأمين گردد ليكن طرف متقاضي هميشه فروش مقادير‌اضافه بر احتياجات پيش‌بيني شده طرف ديگر به موجب بند (‌الف) (ب) يا (ج) جزء 3 بالا را تحت ترتيبات مقرر در ماده 22 تضمين خواهد نمود.
	+ ‌ماده 22 ـ روش برداشت ‌جزء 1 ـ همين كه ميداني تجاري اعلام گرديد شركت ملي نفت و پيمانكار كل يك كميته دو نفري "‌تعيين سهميه" كه يك نفر از آنها را شركت ملي نفت و‌نفر ديگر را پيمانكار كل تعيين خواهد كرد تشكيل خواهند داد. اعضاي كميته تعيين سهميه بعد از مطلع ساختن يكديگر از احتياجات طرفين قبل از‌سي‌ام ژوئن هر سال تشكيل جلسه خواهند داد تا در آن تاريخ مقاديري را كه در ظرف سال تقويمي‌بعد به منظور تأمين احتياجات طرفين بايد توليد گردد‌به اطلاع پيمانكار كل برسانند. ‌جزء 2 ـ هر يك از طرفين حق خواهد داشت كه در مدت اين قرارداد به طور متوسط درصد سهميه خود را از "‌ظرفيت توليد توسعه يافته" هر ميدان بر‌طبق مقررات ماده 27 اين قرارداد در سر چاه برداشت نمايد. ‌جزء 3 ـ براي اينكه امكان كسري برداشت طرفين ملحوظ گرديده و اجازه جبران اينگونه سريها داده شود ممكن است كه حق برداشت طرفين را بر ‌مبناي "‌ظرفيت توليد توسعه يافته" يا "‌ظرفيت توليد تصحيح شده" كه در هيچ مورد از 90 درصد "‌ظرفيت توليد توسعه يافته" كمتر نخواهد بود احتساب ‌نمود. براي انجام اين منظور موافقت مي‌شود كه: ‌الف ـ چنانچه احتياجات طرفين با درصد سهميه مربوطه آنها بر مبناي "‌ظرفيت توليد توسعه يافته" مساوي باشد برنامه توليد آن سال برابر با "‌ظرفيت ‌توليد توسعه يافته" خواهد بود. ب ـ چنانچه احتياجات طرفين از درصد سهميه مربوطه آنها بر مبناي "‌ظرفيت توليد توسعه يافته" كمتر باشد هر دو طرف حق خواهند داشت كه كسري برداشت سهميه خود را ظرف پنج سال آينده جبران نمايند. براي اينكه اجازه جبران كسري برداشت داده شود مقاديري كه طرفين ظرف سالهاي بعد تا‌تكميل كسري حق برداشت دارند بر مبناي "‌ظرفيت توليد تصحيح شده" احتساب خواهد شد. تفاوت بين "‌ظرفيت توليد توسعه يافته" و "‌ظرفيت توليد ‌تصحيح شده". به منظور جبران كسري برداشت به نسبت مقادير كسري كه بايد توسط هر يك از طرفين جبران گردد اختصاص خواهد يافت. ج ـ براي اينكه سطح توليد بتواند به حداكثر برسد يك طرف (‌منظور طرفي است كه بيشتر برداشت مي‌كند) مي‌تواند در ظرف هر سال اضافه بر سهميه‌مقرر خود از "‌ظرفيت توليد توسعه يافته" برداشت و بدين وسيله تفاوت حاصله از قصور طرف ديگر را كه نتوانسته است سهم مقرر خود را از ظرفيت ‌مزبور برداشت كند اصلاح نمايد. ‌در اين صورت طرفي كه كمتر برداشت نموده است حق خواهد داشت ظرف پنج سال آينده كسري برداشت خود را جبران كند و براي اينكه اين جبران‌كسري مقدور گردد درصد سهميه طرفين ظرف پنج سال آينده يا تا موقعي كه كسر برداشت حاصله تماماً جبران شود (‌هر كدام كه زودتر باشد) بر مبناي و"‌ظرفيت توليد تصحيح شده" احتساب خواهد شد و تفاوت بين "‌ظرفيت توليد توسعه يافته" و "‌ظرفيت توليد تصحيح شده" براي جبران كسر برداشت ‌طرف مزبور اختصاص داده خواهد شد. ‌د ـ چنانچه احتياجات يكي از طرفين براي يك دوره پنجساله بر مبناي "‌ظرفيت توليد توسعه يافته" كمتر از درصد سهميه او باشد طرف ديگر مي‌تواند ‌در صورت موافقت هر دو طرف مقداري را كه به اين نحو موجود است خريداري نمايد و وجه آن را بر مأخذ بها منهاي پنج سنت هر بشكه بپردازد و در ‌اين صورت حق جبران كسري طرفي كه از سهميه خود كمتر برداشت نموده است براي مقادير خريداري شده از وي سلب خواهد شد. ‌جزء 4 ـ طرفين تعهد مي‌نمايند كه در برداشت احتياجات خود به‌شرحي كه اطلاع داده‌اند كوتاهي ننموده و همان مقادير را تحويل گيرند.
	+ ‌ماده 23 ـ روش تأمين مخارج ‌جزء 1 ـ تا زماني كه شركت ملي نفت نتواند از محل عوايد حاصله از عمليات مقرر در اين قرارداد هزينه‌هاي برنامه‌هاي ارزيابي و توسعه را تأمين كند‌پيمانكار كل وجوه لازم براي هزينه‌هاي مزبور را فراهم خواهد نمود. ‌جزء 2 ـ پيمانكار كل در هر حال كليه وجوه لازم براي تأمين مخارج اكتشاف را فراهم خواهد نمود و نيز پيمانكار كل هزينه برنامه‌هاي ارزيابي و توسعه ‌را تأمين خواهد نمود هزينه برنامه‌هاي ارزيابي و توسعه شامل هزينه ايجاد وسائلي كه براي تحويل نفت در نقطه بارگيري و براي انبار كردن و بارگيري ‌نفت در كشتي جهت صدور لازم است خواهد بود بدون اينكه منحصر به اين اقلام باشد. تفاهم حاصل است كه موقعي كه توليد به ميزان تجاري شروع‌ شود عوايد خالص شركت ملي نفت در هر سال مالي از عمليات مقرر در اين قرارداد براي پرداخت هزينه‌هاي ارزيابي و توسعه در سال مالي بعد ‌تخصيص داده خواهد شد و به اين ترتيب پيمانكار كل فقط مسئول تأمين بقيه مخارج خواهد بود. ‌جزء 3 ـ منظور از "‌عوايد خالص شركت ملي نفت در هر سال مالي از عمليات مقرر در اين قرارداد" عبارت خواهد بود از تفاهم بين مجموع اقلام (‌الف)‌و (ب) زير: ‌الف ـ دريافتيهاي شركت ملي نفت كه از نفت توليدي به موجب اين قرارداد حاصل مي‌شود از اين قرار: 1 ـ وجوهي كه شركت ملي نفت از محل فروش نفت به پيمانكار كل طبق ماده 27 قرارداد به دست مي‌آورد. 2 ـ وجوه حاصله از فروش توسط پيمانكار كل به نمايندگي از طرف شركت ملي نفت به نحوي كه در ماده 29 قرارداد مقرر شده است. 3 ـ ارزش نقدي فروشهاي مستقيمي‌كه توسط شركت ملي نفت انجام مي‌شود. 4 ـ بهاي تمام شده نفت خامي‌كه شركت ملي نفت براي احتياجات داخلي ايران مصرف مي‌كند. ب ـ پرداختهاي شركت ملي نفت: 1 ـ پرداختهاي علي‌الحساب كه پس از وصول وجوه حاصله از هر فروش بايستي به شرح مقرر در بند (‌الف) و (ب) جزء 4 اين ماده بابت هزينه‌ عمليات به صندوق هزينه‌هاي جاري واريز گردد. 2 ـ وجوه اضافي كه در نتيجه افزايش سهم پرداختي طرفين به صندوق هزينه‌هاي جاري در سال مربوطه بر طبق مقررات جزء 4 (ج) اين ماده به ‌صندوق مزبور تأديه شود. 3 ـ بازپرداخت "‌وامهاي بهره‌برداري" و بهره متعلقه به آن براي سال مربوطه طبق مقررات ماده 26. 4 ـ بازپرداخت "‌وامهاي اكتشاف" براي سال مربوطه طبق مقررات ماده 25. 5 ـ مالياتهاي قابل پرداخت شركت ملي نفت به دولت كه از لحاظ اين ماده بر اساس درآمد واقعي حاصله از فروشهاي مستقيم و عوايد فروشهاي مقرر‌ در ماده 29 احتساب خواهد شد. ‌جزء 4 ـ الف ـ هزينه‌هاي جاري هر ناحيه بهره‌برداري كه به موجب اين قرارداد نگهداري شده و به مرحله توليد تجاري رسيده باشد از صندوق در‌گردش هزينه‌هاي جاري كه در ايران نگاهداري و وجوه آن مشتركاً به‌وسيله شركت ملي نفت و پيمانكار كل تأمين مي‌شود پرداخت خواهد شد. ميزان‌ وجوه اوليه صندوق مزبور به محض اينكه شركت ملي نفت پيمانكار كل ظرفيت توليد توسعه يافته اولين ميدان براي رسيدن به مرحله توليد تعيين ‌نمودند با توافق معين خواهد گرديد. ب ـ هزينه‌هاي جاري از صندوق مزبور پرداخت خواهد گرديد و شركت ملي نفت وجوه مربوطه را به صندوق مسترد خواهد داشت تا موجودي ‌صندوق به ميزاني كه توسط طرفين پرداخته شده بود برسد و براي اين منظور شركت ملي نفت بعد از وصول عوايد حاصله از هر فروش مبلغي را كه از بابت هزينه‌هاي جاري جزء بهاي نفت خام مورد فروش طبق تعريف جزء 2 ماده 27 منظور شده به بستانكار حساب صندوق واريز خواهد كرد. ج ـ ميزان وجوه صندوق در فواصل معين بر حسب تغييراتي كه در ميزان هزينه‌هاي جاري به عمل مي‌آيد با پرداختهاي جديدي به وسيله طرفين تعديل‌ خواهد شد. ‌د ـ مشاركت پيمانكار كل در ايجاد و نگاهداري صندوق مزبور طبق مقررات زير خواهد بود: ‌نسبت وجوه پرداختي پيمانكار كل به مجموع وجوه پرداختي به‌صندوق مزبور همواره معادل نسبت درصد توليد خواهد بود كه طبق مقررات ماده 27‌پيمانكار كل حق خريداري آن را از شركت ملي نفت دارد. ه ـ وجوهي كه هر يك از طرفين به شرح فوق به صندوق پرداخت مي‌كنند به عنوان پيش پرداخت در حساب جاري تلقي خواهد شد و بهره به آن تعلق ‌نخواهد گرفت و تتمه آن (‌در صورت وجود تتمه) كلاً در پايان دوره قرارداد به نسبت وجوهي كه‌هر كدام از طرفين در صندوق ريخته‌اند به آنان مسترد‌ خواهد شد و نيز هرگاه طرفين توافق نمايند كه حفظ وجوه صندوق به ميزان موجود لزومي‌ندارد ممكن است كه قسمتي از موجودي به‌همان ترتيب به‌ طرفين استرداد شود.
	+ ‌ماده 24 ـ نحوه عمل تهيه وجوه توسط پيمانكار كل ‌جزء 1 ـ وجوهي كه به توسط پيمانكار كل طبق جزء 1 و 2 ماده 23 قرارداد تهيه مي‌گردد بر حسب مورد به عنوان وام اكتشاف يا وام بهره‌برداري براي‌ شركت ملي نفت تلقي خواهد شد. ‌جزء 2 ـ مخارجي كه بابت عمليات اكتشاف صورت گرفته منجمله مخارج مربوط به نخستين چاه تجاري در هر يك از نواحي بهره‌برداري به عنوان وام ‌اكتشافي تلقي خواهد شد كه بازپرداخت آن به نحو مقرر در ماده 25 اين قرارداد منوط به شروع و ادامه توليد به ميزان تجاري خواهد بود. ‌جزء 3 ـ در مورد وجوهي كه براي اجراي عمليات ارزيابي به مصرف مي‌رسد به شرح زير عمل خواهد شد. ‌الف ـ هزينه‌هاي مربوط به ارزيابي چاههاي خشك (‌در هر كجا كه چنين چاههايي حفر شده باشد) و همچنين هزينه‌هاي مربوط به ارزيابي چاههاي ‌حفاري شده در هر ناحيه بهره‌برداري كه به عنوان ميدان تجاري شناخته نشده باشد وام اكتشافي تلقي خواهد شد. ب ـ هزينه‌هاي مربوط به ارزيابي چاههاي تجاري به عنوان وام بهره‌برداري تلقي خواهد شد در هر كجا كه چنين چاههايي حفر شده باشد اعم از: 1 ـ ناحيه يا نواحي بهره‌برداري كه به موجب ماده 19 به عنوان ذخيره ملي كنار گذاشته شود و يا 2 ـ ناحيه بهره‌برداري كه به موجب مقررات اين قرارداد نگه داشته شود. ‌جزء 4 ـ كليه مخارجي كه براي عمليات توسعه‌اي صورت مي‌گيرد به‌عنوان وام بهره‌برداري تلقي خواهد شد كه بازپرداخت آن به نحو مذكور در ماده26 انجام خواهد گرفت. ‌جزء 5 ـ مخارج مذكور در جزء 2 و 3 (‌الف) اين ماده و همينطور مخارج مذكور در جزء 3 (ب) و 4 اين ماده در 31 دسامبر هر سال تا حدودي كه معرف‌ هزينه‌هاي واقعي پيمانكار كل در سال مزبور بوده و طبق روش مقرر در ماده 11 حسابرسي شده باشد به عنوان وام جداگانه يك كاسه خواهد گرديد ولي ‌به منظور احتساب بهره طبق ماده 26 كه به‌وامهاي مشروحه در جزء 3 (ب) و 4 اين ماده تعلق مي‌گيرد تاريخ يك كاسه نمودن آنها عبارت خواهد بود از‌آخرين روز دوره سه ‌ماهه‌اي كه در آن مدت مخارج مزبور انجام يافته باشد.
	+ ‌ماده 25 ـ بازپرداخت وامهاي اكتشافي ‌جزء 1 ـ وامهايي كه پيمانكار كل به منظور تأمين مخارج عمليات اكتشافي مشروحه در جزء 2 و 3 (‌الف) ماده 24 در اختيار شركت ملي نفت مي‌گذارد ‌بدون بهره بوده و مطابق نرخ استهلاك سالانه مسترد خواهد شد. استهلاك سالانه مزبور معادل خواهد بود با يك پانزدهم كل مبلغ وامهاي اكتشافي ‌مذكور در جزء 2 و 3 (‌الف) ماده 24 مربوط به مخارجي كه تا 31 دسامبر سال مربوطه انجام گرفته است يا ده سنت امريكايي براي هر بشكه نفت خام‌ توليد و حفظ شده (‌هر كدام بيشتر باشد). ‌جزء 2 ـ به منظور استرداد وجوه فوق پيمانكار كل حق خواهد داشت كه در هر سه ماه مبلغي متناسب با استهلاك سالانه فوق‌الذكر از شركت ملي نفت ‌دريافت نمايد. ‌مبلغ استهلاك مذكور به وسيله شركت ملي نفت به عنوان يكي از اقلام هزينه در محاسبه قيمت خريد مورد اشاره در جزء 2 ماده 27 منظور خواهد شد. ‌جزء 3 ـ مبلغ استهلاك سالانه در موقع "‌شروع توليد تجاري" احتساب و در آخر هر سال با در نظر گرفتن عوامل زير تعديل خواهد گرديد: ‌الف ـ مبالغ اضافي وامهاي اكتشافي مقرر در جزء 2 و 3 (‌الف) ماده 24 قرارداد ناظر به مخارج انجام يافته در آن سال. ب ـ مقادير واقعي نفت خام توليد و حفظ شده از ميدانهايي كه موجب مقررات اين قرارداد وارد مرحله توسعه شده است بدين گونه كه ‌هرگاه ترتيب ‌استهلاك هزينه‌هاي اكتشاف بر مبناي احتساب تعداد معيني سنت براي هر بشكه ملاك عمل قرار نگيرد مبلغ استهلاك سالانه براي هر بشكه مساوي با‌يك پانزدهم كل هزينه‌هاي اكتشاف تقسيم بر مقدار كل نفت خامي‌كه در سال مربوطه توليد و حفظ گرديده است خواهد بود. ‌جزء 4 ـ در موردي كه‌هزينه‌هاي اكتشاف بر مبناي استهلاك درصد مذكور در جزء 1 بالا مسترد مي‌گردد مبلغ اين استهلاك به شرح زير احتساب خواهد‌شد: ‌مبلغ استهلاك در هر سال معادل خواهد بود با يك پانزدهم مبلغ كليه وامهاي اكتشافي كه در تاريخ استرداد يك كاسه گرديده و هنوز تماماً مسترد نشده ‌باشد. ‌به منظور انجام اين محاسبه وامهاي اكتشافي به شرح زير تفكيك خواهد شد: ‌الف ـ وامهاي اوليه يعني كليه وامهاي اكتشافي كه پيش از اولين استهلاك يك كاسه شده باشد. ب ـ وامهاي اضافي يعني مخارج اكتشاف كه در پايان هر يك از سالهاي بعد يك كاسه شده باشد با اين تفاهم كه مبالغي كه در پايان هر يك از سالهاي ‌مزبور يك كاسه شده باشد به عنوان وامهاي جداگانه تلقي خواهند شد.
	+ ‌ماده 26 ـ بازپرداخت وامهاي بهره‌برداري ‌جزء 1 ـ وامهايي كه پيمانكار كل براي تأمين مخارج عمليات ارزيابي در ناحيه يا نواحي بهره‌برداري مذكور در جزء 3 (ب) ماده 24 و همچنين براي‌تأمين مخارج عمليات توسعه مربوط به نواحي بهره‌برداري (‌كه به‌وسيله پيمانكار كل به نحو مذكور در جزء 4 ماده 24 توسعه يافته) در اختيار شركت‌ملي نفت مي‌گذارد توسط شركت مذكور به پيمانكار كل مسترد خواهد شد اين وام با احتساب بهره‌اي به شرح مندرج در جزء 3 اين ماده ظرف مدت پنج ‌سال از تاريخ "‌آغاز توليد تجاري" و به اقساط سالانه معادل يك پنجم وام طبق روشي كه در اين ماده مقرر گرديده است پرداخت خواهد گرديد. ‌جزء 2 ـ در مورد هر "‌ميدان تجاري" استرداد هر "‌وام بهره‌برداري" طبق مقررات جزء 1 بالا در ده قسط شش‌ماهه كه اولين قسط آن بايستي شش ماه بعد‌از تاريخ يك كاسه نمودن وام پرداخته شود به عمل خواهد آمد. ولي در مورد وامهايي كه يك كاسه كردن آنها تا پايان سالي كه توليد تجاري در ظرف آن ‌سال شروع گرديده است صورت گيرد قسط اول شش ماه پس از اتمام سالي كه توليد تجاري به شرح مذكور در جزء 4 ماده 4 در ظرف آن سال شروع ‌شده است قابل پرداخت خواهد بود. ‌جزء 3 ـ مبلغ هر قسط به شرح زير احتساب خواهد شد: ‌الف ـ قسط اول عبارت خواهد بود از مجموع اقلام زير: 1 ـ مبلغي معادل بهره‌اي كه به تمام مبلغ وام تعلق مي‌گيرد. 2 ـ مبلغي معادل با يك دهم اصل وام. ب ـ هر يك از اقساط بعدي عبارت خواهد بود از مجموع اقلام زير: 1 ـ مبلغي معادل بهره‌اي كه مدت شش ماه به تتمه باقيمانده اصل وام پس از پرداخت آخرين قسط تعلق مي‌گيرد. 2 ـ مبلغي معادل با يك دهم اصل وام. ‌بهره وام بر اساس مدت واقعي وام بر حسب ماههاي تقويمي‌از تاريخ يك كاسه كردن كه به شرح جزء 5 ماده 24 هر سه ماه يك بار صورت مي‌گيرد تا‌ تاريخ پرداخت قسط مربوطه احتساب خواهد شد. ‌جزء 4 ـ بهره مزبور به نرخ جاري تنزيل در تاريخ يك كاسه كردن وام كه به وسيله‌ هيئت فدرال رزرو كشورهاي متحده امريكا اعلام شده باشد به‌اضافه‌ يك و نيم درصد محاسبه خواهد شد و چنين تفاهم حاصل است كه‌ هرگاه نرخي كه به شرح فوق براي وام‌هاي يك كاسه شده در هر دوره سه‌ماهه‌ محاسبه مي‌گردد از هفت درصد در سال تجاوز نمايد نرخ قابل اعمال براي سه‌ماهه مزبور به قرار حداكثر هفت درصد در سال تثبيت خواهد شد. ‌بهره‌اي كه به موجب اين جزء احتساب مي‌شود مشمول ماليات ايران نخواهد بود.
	+ ‌ماده 27 ـ انتقال نفت به پيمانكار كل ‌جزء 1 ـ شركت ملي نفت در ظرف مدت 25 سال از "‌تاريخ آغاز نخستين توليد تجاري" در "‌ناحيه واگذار شده" به شرح مقرر در جزء 4 ماده 4 مقداري از‌نفت خام توليدي در ناحيه واگذار شده را براي فروش در بازارهاي جهاني خارج ايران در سر چاه به پيمانكار كل انتقال خواهد داد. ‌مقدار نفت خامي‌كه توسط شركت ملي نفت به پيمانكار كل انتقال داده خواهد شد بر اساس زير تعيين خواهد گرديد: ‌الف ـ 45 درصد "‌ظرفيت توسعه يافته" يا "‌ظرفيت تصحيح شده" نسبت به قسمتي از ظرفيت توليد كه كمتر از 275000 بشكه روزانه يا مساوي با آن‌ باشد. ب ـ 30 درصد نسبت به قسمتي از ظرفيت توليد مزبور كه زايد بر 275000 بشكه روزانه باشد. ‌جزء 2 ـ پيمانكار كل بابت نفت خامي‌كه انتقال و تحويل مي‌گيرد قسمت متناسبي از جمع هزينه‌هاي توليد را به اضافه مبلغي برابر با دو درصد آن‌قسمت از هزينه‌هاي مذكور به شركت ملي نفت خواهد پرداخت. ‌هزينه‌هاي توليد مشروحه در بالا بر اساس اصول متداول حسابداري كه به طور يكنواخت اعمال گردد احتساب خواهد شد و شامل كليه ‌هزينه‌هاي ‌مربوطه منجمله قسمت صحيحي از هزينه‌هاي جاري و استهلاك مخارج اكتشاف و بهره‌برداري و بهره متعلقه به آن خواهد بود ولي اقلام مذكور به‌هيچوجه حكم فوق را محدود نمي‌نمايد. ‌جزء 3 ـ پيمانكار كل بابت هر دوره سه‌ماهه بدهي تخميني خود را طبق مقررات جزء فوق به شركت ملي نفت پرداخت خواهد نمود. پرداخت مزبور ‌ظرف پانزده روز پس از دريافت صورتحسابي كه شركت ملي نفت بر اساس برآورد خود از هزينه‌هاي توليد براي پيمانكار مي‌فرستد به عمل خواهد آمد.‌ ظرف سه ماه پس از انقضاي هر سال شركت ملي نفت صورتحسابهاي مربوط به آن سال را روي مأخذ قطعي هزينه‌هاي توليد اصلاح خواهد نمود و‌ اختلاف حساب بر حسب مورد به حساب بدهكار يا بستانكار پيمانكار كل گذارده خواهد شد.
	+ ‌ماده 28 ـ تعيين قيمتها ‌جزء 1 ـ قيمتهاي مذكور در اين قرارداد به نحو زير تعيين خواهد شد: ‌الف ـ يك كميته چهار نفري مركب از افرادي كه در امور صنعت نفت تخصص داشته و دو نفر آنها توسط شركت ملي نفت و دو نفر ديگر توسط پيمانكار‌كل تعيين گرديده باشد دو بار در هر سال در آخر ماههاي مارس و سپتامبر و يا به دفعات بيشتر بنا به تقاضاي كتبي شركت ملي نفت يا پيمانكار كل جهت‌انجام منظورهاي زير تشكيل جلسه خواهد داد. ‌تحقيق قيمتهاي فروش تجاري فوب نفت خام كه در خليج فارس در طي دوازده ماه گذشته به طور عموم توسط خريداران و فروشندگان معامله شده‌است اين قيمتها بايد از طريق مراجعه به اسناد و گواهي و هرگونه وسائل ديگر اخذ اطلاعات دقيق به تحقيق بپيوندد. ‌تعيين قيمتهاي فوب نفت خامي‌كه به موجب اين قرارداد به پيمانكار كل تحويل مي‌شود. قيمت مزبور بر مبناي متوسط قيمتهايي كه به طريق بالا ‌دريافت شده تعيين مي‌گردد و در تعيين آن حجم خريد و فروشها ـ مدت قراردادهاي مربوطه ـ موقعيت جغرافيايي بنا در بارگيري و همچنين درجه و ‌وزن مخصوص و كيفيت نفت خامهايي كه به طور عموم به وسيله فروشندگان و خريداران در خليج فارس خريد و فروش مي‌شود در مقايسه با هم مورد ‌توجه قرار خواهد گرفت ليكن معاملاتي (‌به معني معاملات پاياپاي يا معامله با شركتهاي فرعي و تابعه) كه ملاحظه تصنعي در آنها دخالت دارد به‌ هيچوجه مورد استناد نخواهد بود. ب ـ قيمتهاي فوب تعيين شده به نحو مذكور در بند (‌الف) فوق اساس محاسبات زير خواهد بود. 1 ـ محاسبه كليه پرداختهاي موقتي پيمانكار كل در ظرف دوازده ماه بعد بابت نفت خامي‌كه طبق اين قرارداد تحويل او مي‌گردد. 2 ـ تعديل و تصفيه نهايي كليه پرداختهاي موقت كه پيمانكار كل طي 12 ماه قبل از بابت نفت خامي‌كه طبق اين قرارداد تحويل گرفته به عمل آورده ‌است. ج ـ هرگاه كميته مذكور در بند (‌الف) فوق تشكيل جلسه دهد ولي به‌توافق نرسد طرفين ابتدا نظر يك كارشناس صلاحيتدار بين‌المللي بي‌طرف را كه با‌توافق هم انتخاب مي‌كنند كسب خواهند نمود و هرگاه نظر كارشناس مزبور مورد قبول يكي از طرفين نباشد مقررات ماده 38 به موقع اجرا گذارده‌ خواهد شد.
	+ ‌ماده 29 ـ كمك در امر بازاريابي ‌جزء 1 ـ پيمانكار كل متعهد است علاوه بر مقدار تضمين شده نفت خامي‌كه به موجب ماده 27 به او انتقال داده مي‌شود به درخواست شركت ملي نفت ‌بالغ بر شصت هزار بشكه در روز از نفت خام توليدي به موجب اين قرارداد را ظرف مدت پنج سال اول از تاريخ "‌آغاز نخستين توليد تجاري" و از آن پس ‌تا هشتاد هزار بشكه در روز طي بقيه مدت قرارداد از شركت ملي نفت خريداري نمايد. ‌جزء 2 ـ پيمانكار كل در هر سال مقادير نفت خام مذكور در جزء 1 بالا را خريداري خواهد نمود مگر اينكه شركت ملي نفت به پيمانكار كل كتباً اطلاع ‌دهد كه براي مدت معيني از نظر فروش تمام يا قسمتي از مقادير مصرحه فوق احتياج به كمك پيمانكار كل ندارد اطلاعيه مذكور بايستي لااقل يك سال‌جلوتر داده شود. ‌جزء 3 ـ پيمانكار كل بهاي نفت خامي‌را كه به موجب اين ماده از شركت ملي نفت خريداري مي‌كند ظرف مدت شصت روز از تاريخ بارنامه كشتي به ‌دلار امريكايي يا به ارزهاي محكم ديگر كه آزادانه قابل تبديل و مورد قبول شركت ملي نفت باشد نقداً و به قيمت مقرر در ماده 28 خواهد پرداخت و از‌اين بابت مبلغ يك درصد در ازاي هزينه‌هاي بازرگاني خود به عنوان هزينه بالاسري كسر خواهد گذاشت مشروط بر اينكه پيمانكار كل به استثناي يك ‌درصد مذكور هيچگاه حق مطالبه‌ هيچگونه ‌هزينه يا حق‌العمل يا وجه ديگري از شركت ملي نفت بابت كمك در امر بازاريابي نخواهد داشت.
	+ ‌ماده 30 ـ گاز طبيعي ‌جزء 1 ـ گاز طبيعي كه توأماً با نفت خام توليد مي‌گردد با رعايت ترتيب تقدم مشروحه زير مورد استفاده قرار خواهد گرفت. ‌الف ـ استفاده پيمانكار كل در جريان عمليات مقرر در اين قرارداد. ب ـ احتياجات شركت ملي نفت ايران براي مصرف داخلي ايران كه شامل احتياجات مربوط به مواد اوليه پتروشيمي‌نيز خواهد بود. ج ـ تخصيص به طرفين قرارداد به نسبت مقرر در ماده 27 با اين تفاهم كه براي احتساب نسبت مذكور هر هزار متر مكعب گاز طبيعي در 15 درجه‌ سانتيگراد معادل يك متر مكعب نفت خام تلقي خواهد شد. ‌جزء 2 ـ در موارد مذكور در جزء 1 (‌الف) و (ب) تحويل گاز در سر دستگاههاي تفكيك گاز از نفت به عمل خواهد آمد و هيچيك از طرفين به‌هيچ‌ عنواني پرداختي از اين بابت به طرف ديگر نخواهد نمود. ‌جزء 3 ـ هرگاه پس از منظور نمودن مقادير تخميني حداكثر احتياجات موضوع جزء 1 (‌الف) و (ب) مقدار اضافي گاز طبيعي همراه با نفت باقي بماند ‌شركت ملي نفت ايران از پيمانكار كل درخواست خواهد نمود كه ظرف شش ماه به وي اطلاع دهد آيا مايل است كه سهميه مقرر خود را بر طبق جزء 1(ج) بالا از گاز اضافي مورد بحث خريداري نمايد يا خير. اظهار پيمانكار كل كه به نحو فوق اعلام شده باشد قطعي و غير قابل تغيير خواهد بود. ‌هرگاه پيمانكار كل سهميه مقرر خود را از مقادير گاز قابل تحويل به او طبق شرح بالا خريداري نمايد در اين صورت قيمت قابل پرداخت به‌‌شركت ملي‌نفت و همچنين كليه شرايط ديگر مربوط به تحويل گاز مذكور با توافق في ‌مابين طرفين و بر مبناي اصولي كه در اين قرارداد پيش‌بيني شده است تعيين‌خواهد گرديد. ‌در صورتي كه پيمانكار كل نظر خود را ظرف شش ماه مذكور در بالا به‌اطلاع شركت ملي نفت نرساند و يا از خريد و تحويل گرفتن سهميه مقرر خود به ‌شرح مذكور در جزء (ج) خودداري نمايد كليه مقادير گاز مذكور كه پس از منظور داشتن احتياجات موضوع جزء 1 (‌الف) باقي بماند توسط شركت ملي ‌نفت برداشت خواهد شد و به نحوي كه آن شركت مقتضي بداند مورد استفاده قرار خواهد گرفت و هيچ پرداختي از اين بابت به عمل نخواهد آمد. ‌جزء 4 ـ در صورت كشف ناحيه بهره‌برداري گاز طبيعي مقررات زير اجرا خواهد شد: ‌الف ـ وجود ناحيه بهره‌برداري گاز طبيعي موقعي محرز تلقي مي‌گردد كه نخستين چاه گاز تجاري به شرح جزء 5 اين ماده تكميل شده باشد در چنين‌ موردي پيمانكار كل حدود ناحيه بهره‌برداري گاز را به ‌همان نحوي كه در ماده 17 ذكر گرديده مشخص خواهد نمود و پس از مشاوره با شركت ملي نفت ‌نسبت به اجراي برنامه ارزيابي كه متناسب با چنين ناحيه بداند تصميم اتخاذ خواهد نمود. ب ـ در خاتمه كارهاي ارزيابي به شرح مذكور در فوق پيمانكار كل پس از مشورت با شركت ملي نفت تصميم خواهد گرفت. ‌كه يا: ‌ناحيه بهره‌برداري گاز مورد نظر را استرداد نمايد معذلك مخارجي كه براي چنين ناحيه گازي انجام گرفته باشد در محاسبه حداقل مخارجي كه به موجب‌ ماده 12 براي انجام عمليات اكتشافي تضمين شده است منظور و به حساب ناحيه يا نواحي بهره‌برداري نفت خام كه وارد مرحله توسعه شده‌اند گذارده ‌خواهد شد. ‌و يا: ‌ناحيه بهره‌برداري گاز مربوطه را بر اساس مقررات مندرج در اين قرارداد توسعه دهد (‌با توجه به مقررات مربوط به ذخائر ملي) در چنين صورتي قبل از‌اجراي هرگونه برنامه توسعه و بهره‌برداري موافقت طرفين درباره شرايط ناظر بر هزينه‌هاي توليد و قيمت و مسائل مربوطه ديگر لازم خواهد بود. ‌جزء 5 ـ منظور از "‌نخستين چاه گازي تجاري" چاه گازي است كه قابليت توليد آن در جريان طبيعي به ميزان روزانه يك ميليون متر مكعب براي مدت ‌پانزده روز متوالي محرز گرديده باشد.
	+ ‌ماده 31 ـ انتقال و واگذاري ‌جزء 1 ـ پيمانكار كل مي‌تواند در هر موقع كه مقتضي بداند تمام يا قسمتي از تعهدات و مزايا و منافع اقتصادي خود را كه به موجب اين قرارداد مقرر ‌است به شركتهاي زير منتقل نمايد: ‌الف ـ شركت يا شركتهايي كه پيمانكار كل تحت كنترل آنها باشد. ب ـ شركت يا شركتهايي كه تحت كنترل پيمانكار كل باشند. ج ـ شركت يا شركتهايي كه تحت كنترل شركت يا شركتهاي مذكور در (‌الف) يا (ب) فوق باشند. ‌از لحاظ مقررات اين جزء منظور از كنترل يك شركت عبارت است از مالكيت مستقيم يا غيرمستقيم اكثريت منافع در سهام آن شركت. چنين انتقالي ‌طرف انتقال دهنده را از تعهداتي كه طبق اين قرارداد بر عهده دارد به‌هيچوجه معاف و مبري نخواهد كرد. ‌جزء 2 ـ هرگونه انتقالي توسط پيمانكار كل به جز آنچه كه طبق جزء 1 فوق اجازه داده شده است محتاج به كسب موافقت كتبي و قبلي شركت ملي ‌نفت خواهد بود و شركت مزبور بايد قبل از ابراز موافقت تأييد هيأت وزيران و تصويب قوه مقننه را نيز تحصيل نمايد. ‌جزء 3 ـ هر شخصي كه به واسطه تحصيل حق يا عنواني در مزايا و منافع اقتصادي اين قرارداد طرف قرارداد شناخته شود كليه تعهدات پيمانكار كل را ‌كه به موجب اين قرارداد مقرر است بر عهده خواهد گرفت. ‌جزء 4 ـ هرگونه انتقال يا واگذاري كه به موجب مقررات اين ماده عملي گردد از پرداخت هرگونه ماليات و حقوق و عوارضي در ايران معاف خواهد بود.
	+ ‌ماده 32 ـ اطلاعات محرمانه ‌پيمانكار كل كليه طرحها و نقشه‌ها و مقاطع و گزارشها و جداول و اطلاعات علمي ‌و فني و هرگونه اطلاعات مشابه مربوط به عمليات فني پيمانكار كل ‌را كه به موجب اين قرارداد مقرر است محرمانه تلقي خواهد كرد بدين معني كه مندرجات يا مفهوم آنها نبايد بدون رضايت شركت ملي نفت ايران افشا‌ شود. شركت ملي نفت بدون دليل موجه از دادن رضايت امتناع يا در اعلام آن تأخير نخواهد كرد.
	+ ‌ماده 33 ـ واردات و گمرك ‌جزء 1 ـ كليه ماشين آلات ـ وسائل ـ وسايط نقليه آبي ـ دستگاهها ـ افزار ـ ادوات ـ قطعات يدكي ـ مصالح ـ مواد شيميايي ـ مواد ضروري براي ‌اختلاط و امتزاج ـ وسائل خودرو و ساير وسائط نقليه ـ هواپيما ـ هرنوع مصالح ساختمان آلات فولادي ـ لوازم اداري ـ اشياء و اثاث ـ حوائج‌ كشتي ـ مواد خواربار ـ البسه و لوازم استحفاظي ـ دستگاههاي تعليماتي ـ محصولات نفتي كه در ايران موجود نباشد و كليه اجناس ديگري كه‌ منحصراً از لحاظ صرفه‌جويي و حسن جريان عمليات و وظائف پيمانكار كل ضروري باشد بدون پرداخت هيچگونه حقوق گمركي و ماليات به نام‌ شركت ملي نفت به ايران وارد خواهد شد. ‌مواد فوق شامل حوائج طبي و جراحي و لوازم بيمارستان و محصولات طبي و دارو و اسباب طبي و اثاث و ادواتي كه در تأسيس و گرداندن بيمارستان ‌و داروخانه ضروري باشد نيز خواهد بود. ‌جزء 2 ـ پيمانكار كل با تصويب شركت ملي نفت حق خواهد داشت اشيايي را كه براي استفاده موقت وارد كرده است با معافيت از حقوق صادراتي و‌ مالياتها مجدداً صادر نمايد. ‌جزء 3 ـ پيمانكار كل نيز حق خواهد داشت كه با موافقت شركت ملي نفت ايران اشيايي را كه به طور موقت وارد شده است در ايران به فروش رساند در‌ اين صورت مسئوليت پرداخت حقوق مربوطه و همچنين انجام تشريفات لازم طبق مقررات جاري و تسليم اسناد لازم ترخيص به پيمانكار كل بر عهده‌ خريدار خواهد بود. ‌جزء 4 ـ اجناسي را كه براي استفاده يا مصرف كارمندان پيمانكار كل و وابستگان تحت تكفل كارمندان مزبور مناسب تشخيص گردد با رعايت مقررات و ‌آيين‌نامه‌هاي مربوطه جاري در ايران و با پرداخت هرگونه حقوق وارداتي و گمركي و ساير مالياتها كه در موقع ورود معمولاً به آن تعلق مي‌گيرد مي‌توان‌ وارد كرد. ‌جزء 5 ـ پيمانكار كل تعهد مي‌كند كه در تحصيل لوازم و حوائج خود نسبت به اشيايي كه در ايران ساخته يا مهيا مي‌شود رجحان قائل شود مشروط بر‌آن كه اشياء مذكور از لحاظ نوع جنس و قيمت و موجود بودن به‌هنگام و به مقادير مورد نياز و قابليت مصرف در امور مورد نظر در مقام مقايسه با اشياء ‌خارجي در شرايط مساعد مساوي قرار داشته باشد. در مقايسه قيمت اشياء وارداتي با اشياء ساخته و مهيا شده در ايران كرايه و هرگونه حقوق گمركي و‌مالياتهايي كه طبق اين قرارداد نسبت به اشياء وارداتي مزبور قابل پرداخت باشد بايد ملحوظ گردد. ‌جزء 6 ـ كليه واردات و صادرات مذكور در اين قرارداد مشمول تنظيم اسناد و تشريفات گمركي بوده كه اين تكاليف از آنچه معمولاً مجري است‌سنگين‌تر نخواهد بود (‌ولي مشمول پرداختهايي كه به موجب مقررات مربوطه اين قرارداد از آن معاف گرديده نمي‌باشد).
	+ ‌ماده 34 ـ ماليات ‌جزء 1 ـ پيمانكار كل بابت سود ويژه حاصله از عملياتش طبق قوانين ماليات بردرآمد ايران كه در هر موقع قابل اجراء باشد مشمول پرداخت ماليات بر‌درآمد خواهد بود. ‌جزء 2 ـ درآمد ناويژه پيمانكار كل در هر سال مالي معادل اقلام زير خواهد بود. ‌الف ـ در مورد نفت خامي‌كه بر طبق ماده 27 قرارداد به او منتقل و تحويل مي‌گردد ارزش نفت خام مزبور بر اساس بهاي مربوطه مقرر در ماده 28. ب ـ در مورد نفت خامي‌كه به موجب مقررات ماده 29 از شركت ملي نفت خريداري مي‌شود يك درصد هزينه بالاسري. ‌جزء 3 ـ براي تعيين درآمد ويژه پيمانكار اقلام زير از درآمد ناويژه كسر خواهد شد. ‌الف ـ مبالغي كه پيمانكار كل بايد به شركت ملي نفت بابت نفت خامي‌كه به موجب ماده 27 تحويل گرفته است بپردازد به استثناي 2% مذكور در جزء2 ماده 27. ب ـ مبلغي معادل يك درصد هزينه بالاسري مذكور در جزء 3 ماده 29. ج ـ استهلاك هر پذيره‌اي كه موجب اين قرارداد از طرف پيمانكار كل پرداخته شده است به قرار (25).(1) مبلغ كل در هر سال مالي از تاريخ شروع ‌نخستين توليد تجاري. براي اينكه تمام پرداختهايي كه به عنوان پذيره به عمل آمده است پيش از انقضاي دوره بهره‌برداري به طوركامل مستهلك گردد‌ ميزان استهلاك سالانه مزبور گاه به گاه بر حسب ضرورت مورد تعديل قرار خواهد گرفت. ‌جزء 4 ـ دولت ايران تضمين مي‌نمايد كه نرخهاي ماليات بر درآمد شامل پيمانكار كل نامساعدتر از نرخهايي نخواهد بود كه شامل ساير شركتهايي ‌مي‌شود كه در ايران به عمليات نفتي اشتغال داشته و جمعاً بيش از پنجاه درصد نفت خام ايران را توليد و يا موجبات توليد آن را فراهم مي‌كنند. ‌جزء 5 ـ جز در مورد: ‌الف ـ تعهدات از لحاظ قانون ماليات بر درآمد ايران طبق مقررات اين ماده. ب ـ حقوق وارداتي و گمركي بر طبق مقررات ماده 33 اين قرارداد. ج ـ پرداختهايي كه بابت ماليات بايد از حقوق كارمنداني كه در ايران در استخدام پيمانكار كل مي‌باشند كسر شود. ‌د ـ پرداختهايي كه بابت ماليات بايد از وجوه پرداختي به پيمانكاران فرعي كه طبق جزء 3 ماده 10 كار مي‌كنند كسر شود. ه ـ ماليات عوارض و حقوق بابت خدمات انجام شده توسط مقامات دولتي به شرط عدم تبعيض. ‌و ـ ماليات و حقوق خالي از تبعيضي كه شامل عموم است از قبيل حق تمبر اسناد و حق‌الثبت امور حقوقي و بازرگاني و حق‌الثبت اختراعات و‌ تأليفات. ‌پيمانكار كل از پرداخت هرگونه ماليات به‌ هر نحو كه باشد در برابر مقامات دولتي اعم از مركزي و محلي معاف خواهد بود و هيچگونه ماليات و‌حقوقي بر نفت خامي‌كه توسط پيمانكار كل صادر مي‌شود يا بر سود سهامي ‌كه از محل درآمد حاصله از عمليات اين قرارداد توسط پيمانكار كل پرداخته‌ مي‌شود تعلق نخواهد گرفت.
	+ ‌ماده 35 ـ پول رايج و ارز خارجي ‌جزء 1 ـ پيمانكار كل به شرح مفاد اين ماده در مورد كليه عمليات مقرر در اين قرارداد مشمول مقررات و آيين‌نامه‌هاي ارزي جاري ايران خواهد بود. ‌جزء 2 ـ مبالغي كه پيمانكار كل به شركت ملي نفت وام مي‌دهد توسط شركت اخير به دلار امريكايي يا هر ارز ديگري كه مورد قبول پيمانكار كل باشد به‌او مسترد خواهد شد در صورتي كه ارزهاي مزبور آزادانه قابل تبديل به دلار امريكايي باشد پيمانكار كل بدون علت موجه از قبول آن خودداري نخواهد ‌نمود. ‌كليه پرداختهايي كه به موجب اين قرارداد توسط پيمانكار كل به شركت ملي نفت به عمل خواهد آمد به دلار امريكايي با به‌هر ارز ديگري خواهد بود كه ‌مورد قبول شركت ملي نفت باشد در صورتي كه ارزهاي مزبور آزادانه قابل تبديل به دلار امريكايي باشد شركت ملي نفت بدون علت موجه از قبول آن‌خودداري نخواهد نمود. ‌جزء 3 ـ الف ـ دفاتر اصلي و محاسبات پيمانكار كل به دلار امريكايي نگاهداري خواهد شد و به اين منظور تبديل پول ايران به دلار امريكايي به‌نرخ ‌معدل واقعي ماهيانه‌اي تسعير خواهد شد كه به آن نرخ پول ايران توسط پيمانكار كل در ماه مزبور در مقابل دلار امريكايي خريداري شده است و هرگاه ‌اينگونه خريد ظرف ماه مزبور به عمل نيامده باشد نرخ خريد نزديكترين ماههاي پيش مأخذ تسعير خواهد بود. ب ـ هرگونه ‌هزينه انجام شده يا وجوه وصول شده به‌ هر پولي جز دلار امريكايي يا ريال ايراني بر اساس متوسط نرخ خريد و فروش آن پول در‌ نيويورك در پايان وقت اداري روزي كه انجام هزينه و يا وصول وجوه در آن روز صورت گرفته باشد به دلار امريكايي تسعير خواهد شد و نرخ مزبور بايد ‌به گواهي بانك مركزي ايران برسد. ‌هرگاه روزي نرخ خريد و فروش ارز در نيويورك اعلام نشود نرخي كه به جاي متوسط نرخ خريد و فروش ارز در نيويورك بايد ملاك عمل قرار بگيرد‌ عبارت خواهد بود از متوسط آخرين نرخهاي قبلي ارز مورد بحث در نيويورك كه به گواهي بانك مركزي ايران رسيده باشد در صورتي كه نرخ براي ارز‌ خارجي مورد بحث در نيويورك اعلام نشده باشد نرخي كه بايد براي منظورهاي مذكور در بالا به جاي متوسط نرخهاي خريد و فروش ارز در نيويورك‌ به كار رود عبارت از نرخي خواهد بود كه بانك مركزي ايران با توجه به معاملاتي كه با ارز مزبور صورت مي‌گيرد مناسب تشخيص دهد. ج ـ در پايان هر دوره سالانه‌ هرگونه تفاوت ارزي در دفاتر پيمانكار كل كه در نتيجه تغييرات حاصله در نرخهاي مذكور ارزي صورت گرفته باشد بر‌حسب مورد به اقلام مربوطه افزوده و يا از آنها كم خواهد شد. ‌جزء 4 ـ دولت ايران وسائلي فراهم خواهد كرد كه پيمانكار كل بتواند پول ايران را كه براي عمليات مورد احتياج است در مقابل دلار امريكايي يا هر پول ‌ديگري كه مورد قبول بانك مركزي ايران باشد به نرخ ارز بازرگاني بانك و بدون تبعيض عليه او خريداري نمايد. نرخ ارز بازرگاني عبارتست از نرخ ارز ‌رايج يا متداول بانك در روز مورد بحث براي خريد پول ايران در ازاء پول غيرايراني كه كلاً يا بعضاً از صدور كالاهاي عمده صادراتي ايران (‌به‌ترتيب ‌ارزش) غير از نفت خام توليد شده در ايران و محصولات آن به‌دست آمده باشد هر موقع كه بيش از يك چنين نرخ بانك موجود باشد نرخ تسعير نرخي‌خواهد بود كه در مقابل آن حداكثر واحدهاي پول ايران به دست بيايد تمام بهاي گواهينامه ارزي يا امثال آن جزء لاينفك نرخ ارز محسوب خواهد شد. ‌جزء 5 ـ پيمانكار كل ملزم به تبديل هيچ قسمت از وجوه خود به پول ايران نخواهد بود ولي وجوهي را كه براي پرداخت هزينه‌هاي عمليات خود در ‌ايران لازم مي‌داند بايد از طريق بانكهاي مجاز به پول ايراني تبديل كند. ‌جزء 6 ـ در طول مدت اين قرارداد و پس از پايان آن پيمانكار كل مجاز خواهد بود كه‌ هرگونه وجوه را آزادانه در خارج از ايران داشته باشد يا آن را نقل و ‌انتقال دهد ولو آن كه اين وجوه از عمليات او در ايران به دست آمده باشد و همچنين مجاز خواهد بود كه حسابهايي به ارز خارجي در بانك مركزي ايران‌ داشته باشد و وجوه موجود در بستانكار حسابهاي خود را تا حدودي كه وجوه و داراييهاي مزبور به وسيله پيمانكار كل طبق مقررات اين قرارداد به ايران ‌وارد شده و يا از عمليات او حاصل شده باشد آزادانه نگاه داشته يا منتقل و صادر نمايد. ‌جزء 7 ـ بعد از خاتمه اين قرارداد دولت ايران وسائلي فراهم خواهد كرد كه وجوهي كه به پول ايران در اختيار پيمانكار كل باشد تا آنجا كه وجوه مزبور‌ از عمليات مقرر در اين قرارداد حاصل شده باشد به درخواست و بدون هيچگونه تبعيض به نرخ بانكي ارز كه به طور عموم در دسترس خريداران قرار‌مي‌گيرد به دلار امريكايي تبديل شود. ‌جزء 8 ـ مديران و كارمندان غير ايراني پيمانكار كل و خانواده‌ها آنها ممنوع نخواهند بود از اينكه وجوهي را كه در خارج از ايران دارند آزادانه نگاهداشته‌يا انتقال دهند و مي‌توانند هر قسمت از اين وجوه را كه براي حوائج آنها ولي نه به منظور سفته بازي ضروري باشد به ايران انتقال دهند پيمانكار كل و‌كارمندان او مجاز نخواهند بود كه در ايران معاملات ارزي از هر قبيل به غير از طريق بانك مجاز يا طرق ديگر كه دولت تصويب كند انجام دهند. ‌جزء 9 ـ مديران يا كارمندان غير ايراني پيمانكار كل كه حقوق آنان به‌ريال پرداخت مي‌شود حق خواهند داشت طي هر سال در مدت ادامه خدمت خود ‌در ايران مبلغي معادل حداكثر 50 درصد حقوق خالص (‌پس از كسر ماليات) خود در آن سال را به ارز كشور محل اقامت عادي خود آزادانه از ايران خارج‌كنند. ‌جزء 10 ـ مديران يا كارمندان غير ايراني پيمانكار كل در خاتمه خدمت خود در ايران كه ايران را ترك مي‌نمايند حق خواهند داشت مبلغي كه از پنجاه ‌درصد حقوق ناويژه 24 ماه اخير خدمت آنها متجاوز نباشد به‌ارز كشور محل اقامت عادي خود آزادانه از ايران خارج كنند.
	+ ‌ماده 36 ـ قوه قهريه (‌فرس‌ماژور) ‌جزء 1 ـ هيچ گونه قصور يا ترك هيچ كدام از طرفين در اجراي هيچ يك از مقررات و شرايط اين قرارداد موجب ادعاي طرف ديگر بر عليه او نخواهد بود و به عنوان نقض قرارداد تلقي نخواهد شد به شرط آن كه و در حدود آن كه قصور و ترك مزبور از پيش آمده قوه قهريه ناشي شده باشد. ‌فرس ‌ماژور شامل موارد زير است (‌ولي منحصر به آن موارد نيست): ‌اعتصابات ـ بسته شدن كارگاهها ـ اغتشاشات كارگري ـ آفات سماوي ـ حوادث غير قابل جلوگيري ـ قانون احكام مقررات و يا دستورهاي صادره از ‌مقامات مملكتي و ايالتي و يا مقامات ديگر دولتي اعم از داخله و خارجه ـ اقدامات جنگي (‌خواه اعلان جنگ شده باشد و يا نه) يا هر امر ديگري كه به‌طور معقول از حيطه اقتدار طرفين اين قرارداد خارج باشد. ‌جزء 2 ـ بدون آن كه در كليت حكم بالا محدوديتي حاصل شود و مخصوصاً هرگاه پيش آمد قوه قهريه كه از حيطه اقتدار هر كدام از طرفين خارج باشد ‌اجراي هرگونه تعهد يا اعمال هرگونه حقي را كه به موجب اين قرارداد مقرر است غير ممكن سازد يا تأخيري در آن ايجاد كند مدتي كه تأخير در اجراء و‌اعمال تعهد و حق مزبور طول كشيده باشد به مدتي كه طبق قرارداد مقرر است اضافه خواهد شد. ‌جزء 3 ـ مفاد اين ماده مانع نخواهد شد از اينكه طرفين اين مسأله را كه آيا قرارداد به علت آنكه اجراي آن كاملاً غير مقدور گرديده است بايستي فسخ‌ شود بر طبق مقررات ماده 38 به داوري مراجعه كنند.
	+ ‌ماده 37 ـ ارجاع اختلافات به كارشناس ‌گذشته از مواردي كه در اين قرارداد جلب نظر كارشناس براي حل مسائل مخصوصي مصرحاً پيش‌بيني شده است طرفين حق خواهند داشت پيش از‌ اينكه اختلافات مربوط به اجراء يا تعبير ناشي از اين قرارداد را طبق مقررات ماده 38 به‌هيأت داوري مراجعه دهند نظر يك كارشناس بي‌طرف را نسبت ‌به قضيه مورد اختلاف استعلام نمايند طرفي كه اقدام به اخذ نظر كارشناس مي‌كند بايستي تصميم خود را به اطلاع طرف ديگر برساند. ‌كارشناس با توافق طرفين ظرف مدت 15 روز از تاريخ دريافت اطلاعيه تعيين خواهد شد در صورتي كه طرفين ظرف مدت مذكور از تعيين كارشناس‌خودداري نمايند اين طور تلقي خواهد شد كه از ترتيب خاص ارجاع امر به كارشناس صرف نظر نموده‌اند. ‌هرگاه طرفين در تعيين نام كارشناس ظرف مهلت مقرر فوق توافق نمودند خصوصيات مأموريت وي را طي نامه مشتركي با تأكيد روي نظرياتي كه‌ هر‌كدام در مسائل مورد اختلاف دارند به اطلاع كارشناس خواهند رسانيد. ‌در صورتي كه كارشناس مأموريت خود را قبول كند نظريات طرفين و همچنين نظريات مشاورين آنها را پيش از تنظيم گزارش خود استماع خواهد نمود.‌ گزارش كارشناس متضمن اظهار نظري خواهد بود كه مستند بر اسباب موجهه در مورد مسائل مورد اختلاف باشد. ‌كارشناس نسخه‌اي از گزارش خود را ظرف سه ماه از تاريخي كه مأموريت او اعلام گرديده است به‌ هر يك از طرفين تسليم خواهد نمود مدت مزبور ‌ممكن است به مدت طولاني‌تري تمديد گردد مشروط بر اينكه طرفين پيش از انقضاي سه‌ماهه اوليه تصميم به تمديد آن بگيرند. در صورتي كه‌كارشناس نتواند نظر خود را ظرف مدت مقرر بالا تسليم نمايد مأموريت وي به خودي خود پايان يافته تلقي خواهد شد. ‌نظر كارشناس فقط در صورتي براي طرفين الزام آور خواهد بود كه به‌اتفاق آراء مورد قبول آنان قرار گرفته باشد هر يك از طرفين كه با نظر مزبور موافق ‌نباشد حق خواهد داشت كه مسأله ارجاع شده به كارشناس را طبق مقررات ماده 38 قرارداد به‌ هيأت داوري ارجاع نمايد. در آن صورت طرفين كاملاً حق‌خواهند داشت كه گزارش كارشناس را ضمن جريان رسيدگي در برابر هيئت داوري مورد استناد قرار دهند.
	+ ‌ماده 38 ـ داوري ‌جزء 1 ـ هرگونه اختلاف ناشي از اجراء يا تعبير مقررات اين قرارداد توسط يك هيئت داوري مركب از سه نفر حل و فصل خواهد شد. هر يك از طرفين ‌يك نفر داور و دو داور مزبور قبل از شروع به رسيدگي داور ثالثي را انتخاب خواهند كرد كه سمت رياست هيئت داوري را خواهد داشت. ‌جزء 2 ـ اگر يكي از طرفين ظرف دو ماه از تاريخ ارجاع امر به داوري داور خود را انتخاب ننمايد و يا انتخابي را كه نموده است به اطلاع طرف ديگر‌ نرساند طرف ديگر حق خواهد داشت كه به رييس عاليترين دادگاه دانمارك (‌يا قاضي دانماركي همطراز او) مراجعه و تقاضاي تعيين داور دوم را بنمايد. ‌داوري كه توسط رييس (‌يا قاضي همطراز او) برگزيده مي‌شود نبايستي مستخدم ايران يا كشورهاي متحده آمريكا بوده باشد و نبايد تبعه ‌هيچ يك از‌ممالك مزبور باشد و يا ارتباط نزديك با يكي از آن كشورها داشته باشد. ‌جزء 3 ـ هرگاه دو نفر داور ظرف دو ماه از تاريخ تعيين داور دوم نتواند نسبت به انتخاب داور ثالث توافق نمايند داور مزبور به درخواست يكي از ‌طرفين توسط رييس عاليترين دادگاه دانمارك (‌يا قاضي دانماركي همطراز او) تعيين خواهد شد مگر آن كه طرفين به نحو ديگري توافق نمايند. ‌جزء 4 ـ داوران قبولي خود را ظرف سي روز از تاريخ دريافت اعلام تعيين خود به طرفين قرارداد (‌و در صورتي كه توسط رييس عاليترين دادگاه ‌دانمارك و يا قاضي دانماركي همطراز او تعيين شده باشند به رييس يا قاضي مزبور) اطلاع خواهند داد و در غير اين صورت چنين تلقي خواهد شد كه‌ سمت مزبور را رد كرده‌اند و انتخاب مجدد طبق همان مقررات به‌عمل خواهد آمد. ‌جزء 5 ـ رأي داوري قطعي و الزام آور تلقي خواهد شد رأي ممكن است به اكثريت صادر شود و طرفين تعهد مي‌نمايند مفاد آن را با حسن نيت به‌مورد‌ اجرا بگذارند هر يك از طرفين مي‌تواند اجراي رأي داوري را از دادگاهي كه صلاحيت اجراي آن را بر عليه طرف ديگر دارد درخواست نمايد. ‌جزء 6 ـ محل داوري تهران خواهد بود مگر آن كه طرفين نسبت به‌محل ديگري توافق نمايند تشريفات داوري را طرفين تعيين خواهند كرد چنانچه در‌اين باب توافق نشود تشريفات مزبور از طرف هيأت داوري تعيين خواهد شد. ‌جزء 7 ـ طرفين همه نوع تسهيلات (‌منجمله حق ورود به حوزه عمليات نفتي) را براي هيئت داوري فراهم خواهند كرد تا هرگونه اطلاعاتي را كه براي ‌تعيين تكليف اختلاف لازم باشد به دست آورند. عدم حضور يا امتناع يكي از طرفين داوري نمي‌تواند مانع يا مخل جريان داوري در تمام يا هريك از‌ مراحل داوري بشود. ‌جزء 8 ـ مادام كه تصميم يا رأي داوري صادر نشده توقف عمليات يا فعاليتهايي كه موضوع داوري از آن ناشي شده است الزامي ‌نيست. در صورتي كه‌ تصميم يا رأي داوري دائر بر موجه بودن شكايت باشد ضمن تصميم يا رأي مزبور ممكن است ترتيب مقتضي براي جبران خسارات شاكي مقرر گردد. ‌جزء 9 ـ هزينه‌هاي داوري به تشخيص هيئت داوري تعيين خواهد شد. ‌جزء 10 ـ هرگاه به‌هر علت يكي از اعضاي هيئت داوري پس از قبول وظايفي كه به او محول شده قادر يا مايل به شروع يا تكميل رسيدگي به‌مورد ‌اختلاف نباشد و چنانچه طرفين به صورت ديگري هم توافق ننمايند هريك از طرفين مي‌توانند از رييس عاليترين دادگاه دانمارك يا قاضي دانماركي ‌همطراز او تقاضا كند كه جانشين عضو مزبور را بر طبق مقررات اين ماده تعيين نمايد. ‌جزء 11 ـ تا حدي كه مورد داشته باشد ضمن تصميم يا رأي داوري كه بر طبق اين ماده صادر مي‌شود بايد مهلت اجراء تصريح گردد. ‌جزء 12 ـ ظرف مدت پانزده روز از تاريخ ابلاغ تصميم يا رأي به‌طرفين هر يك از آنها مي‌تواند از هيئت داوري كه تصميم يا رأي اوليه را صادر نموده ‌تقاضاي تفسير آن را بنمايد. اين تقاضا در اعتبار تصميم يا رأي تأثيري نخواهد داشت تفسير مزبور بايد ظرف مدت يك ماه از تاريخ تقاضا داده شود و‌اجراي تصميم يا رأي تا صدور تفسير يا انقضاي يك ماه (‌هر كدام زودتر واقع شود) معوق خواهد ماند. ‌جزء 13 ـ مقررات مربوط به داوري كه در اين قرارداد ذكر شده در صورتي هم كه قرارداد خاتمه پيدا كند معتبر خواهد بود. ‌جزء 14 ـ هرگاه طرفين در موضوع امري كه به داوري مراجعه شده است پيش از آنكه‌هيئت داوري رأي خود را صادر كند به توافق برسند اين توافق به‌ صورت (‌رأي داوري مبتني بر رضايت طرفين) ثبت خواهد شد و با ثبت آن مأموريت هيئت داوري پايان خواهد پذيرفت.
	+ ‌ماده 39 ـ زبانهاي متن قرارداد ‌متن فارسي و انگليسي اين قرارداد هر دو معتبر است در صورتي كه اختلافي پيش آيد و به داوري ارجاع شود هر دو متن به‌ هيئت داوري عرضه خواهد ‌شد كه قصد طرفين را از روي هر دو متن تفسير نمايند.
	+ ‌ماده 40 ـ اخطارها ‌كليه اخطارهايي كه به موجب اين قرارداد مقرر گرديده و يا اجازه صدور آنها داده شده است كتبي خواهد بود. تسليم اخطار به شخص نماينده مجاز يكي ‌از طرفين و يا ارسال آن با پست يا تلگراف (‌به شرط آن كه تأييدي آن هم به وسيله پست فرستاده شود) به نشاني يكي از طرفين كه در زير قيد شده است ‌ابلاغ صحيح به طرف مزبور تلقي خواهد شد. ‌شركت ملي نفت ايران كنتينانتال اوپل كمپاني ‌خيابان تخت جمشيد 30 ركفلر پلازا ‌تهران نيويورك ان.‌و.‌اي ‌ايران
	+ ‌ماده 41 ـ تناقض با ساير قوانين ‌مقررات قانون معادن مصوب سال 1336 در مورد اين قرارداد مجري نخواهد بود و قوانين و مقرراتي كه كلاً يا بعضاً مباين با شرايط اين قرارداد باشد در‌حدودي كه مباينت دارد نسبت به مقررات اين قرارداد بلااثر خواهد بود. ‌به تاريخ هفدهم فروردين يك هزار و سيصد و چهل و هشت مطابق با ششم آوريل 1969 در تهران امضاء و مبادله گرديد. ‌شركت ملي نفت ايران كنتينانتال اوپل كمپاني
* ‌ضميمه الف ‌تعريف ناحيه واگذار شده: ‌ناحيه واگذار شده از جهت شمال و مشرق و جنوب و مغرب محدود به خطوط مستقيمي‌خواهد بود كه نقاط مشخصه زير را متعاقباً به‌هم متصل‌مي‌سازد. ‌بر اساس اينترنشنال‌اليپسويد ـ نقطه 25 (‌طول جغرافيايي 56 درجه و 6 دقيقه و 57 ثانيه و عرض جغرافيايي 28 درجه و 1 دقيقه و 33 ثانيه). ـ نقطه 18 (‌طول جغرافيايي 57 درجه و 20 دقيقه و صفر ثانيه و عرض جغرافيايي 27 درجه و 30 دقيقه و صفر ثانيه). ـ نقطه 30 (‌طول جغرافيايي 57 درجه و 19 دقيقه و 59 ثانيه و عرض جغرافيايي 27 درجه و 16 دقيقه و صفر ثانيه). ‌كه در حد خشكي ناحيه عمليات قرارداد 1954 شركتهاي عامل نفت ايران واقعند. ـ نقطه 29 (‌طول جغرافيايي 56 درجه و 43 دقيقه و 30 ثانيه و عرض جغرافيايي 27 درجه و 27 دقيقه و 45 ثانيه). ـ نقطه 28 (ط‌ول جغرافيايي 55 درجه و 41 دقيقه و 30 ثانيه و عرض جغرافيايي 27 درجه و 11 دقيقه و صفر ثانيه). ـ نقطه 27 (‌طول جغرافيايي 55 درجه و 2 دقيقه و 30 ثانيه و عرض جغرافيايي 27 درجه و 19 دقيقه و صفر ثانيه). ـ نقطه 26 (‌طول جغرافيايي 55 درجه و صفر دقيقه و صفر ثانيه و عرض جغرافيايي 27 درجه و 44 دقيقه و 45 ثانيه). ‌نقاط فوق بر روي خطي كه طبق قرارداد 1966 الحاقي به قرارداد 1954 شركتهاي عامل حدود ناحيه عمليات شركتهاي مذكور را مشخص مي‌سازد قرار‌دارند. ‌و از آنجا به: ـ نقطه 25 (‌طول جغرافيايي 56 درجه و 6 دقيقه و 57 ثانيه و عرض جغرافيايي 28 درجه و 1 دقيقه و 33 ثانيه).
	+ [امضاء] قرارداد فوق مشتمل بر يك مقدمه و چهل و يك ماده و ضميمه الف منضم به قانون اجازه مبادله قرارداد نفت با شركت كنتينانتال مي‌باشد. ‌رييس مجلس سنا ـ جعفر شريف‌امامي

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=70774>

# ‌قانون اجازه مبادله و اجراء قرارداد پيمانكاري اكتشاف و توليد نفت با اراپ

* ‌ماده واحده ـ قرارداد ضميمه كه طبق ماده دوم قانون نفت مصوب 1336 راجع به پيمانكاري اكتشاف و توليد بين شركت ملي نفت ايران از يك‌طرف و آنترپريز دورشرش اداكتيويته پترلير (‌اراپ) (Entreprise de Recherche et d`Activite Petroliere (ERAP)) ‌از طرف ديگر امضاء شده و به تاييد دولت رسيده و مشتمل بر 44 ماده و يك ضميمه است تصويب و به دولت اجازه مبادله و اجراء آن داده مي‌شود.
* [امضاء] ‌قانون بالا مشتمل بر ماده واحده و متن قرارداد ضميمه در جلسه روز سه‌شنبه اول آذر ماه يك هزار و سيصد و چهل و پنج به تصويب مجلس شوراي‌ملي رسيد. ‌رييس مجلس شوراي ملي ـ مهندس عبدالله رياضي ‌قانون فوق در جلسه روز شنبه 19/9/1345 به تصويب مجلس سنا رسيده است.
* قرارداد پيمانكاري اكتشاف و توليد نفت با اراپ
	+ ‌مقدمه ‌نظر به اينكه دولت ايران به منظور تأمين منافع بيشتري براي مملكت ايران و توسعه مناسبات اقتصادي بين دو مملكت ايران و فرانسه علاقه‌مند است‌كه همكاري پيمانكاران ذيصلاحيت فرانسوي را جلب نمايد. نظر به اين كه شركت ملي نفت ايران به منظور تأمين مخارج و انجام عمليات نفتي در‌قسمتي از نواحي دريايي و زميني كشور ايران مايل است همكاري پيمانكار ذيصلاحيتي را جلب نمايد. نظر به اين كه مقامات فرانسوي مايلند‌پيمانكاران فرانسوي را در بذل هر گونه كمك ممكنه فني و مالي به‌مقصود توسعه روابط اقتصادي بين دو مملكت تشويق نمايند. نظر به اين كه مؤسسه‌دولتي فرانسوي اراپ داراي سرمايه و صلاحيت فني و تخصصي لازم در امور اداري براي به عهده گرفتن و انجام موفقيت‌آميز عمليات به‌مقصود توسعه‌توليد و صادرات نفت خام ايران مي‌باشد. نظر به اين كه شركت ملي نفت ايران و اراپ (‌يا شركتهاي وابسته به آن) مصمم مي‌باشند كه شرايط اين قرارداد‌را با صميميت و حسن نيت به موقع اجراء بگذراند. عليهذا طرفين به شرح زير توافق مي‌نمايند.
	+ ‌ماده 1 ـ تعريفات ‌جز در مواردي كه سياق عبارت مفهوم ديگري را اقتضاء كند معني بعضي از اصطلاحاتي كه در اين قرارداد به كار رفته از لحاظ اين قرارداد به‌شرح‌تعاريف زير خواهد بود: ‌الف ـ منظور از كلمه "‌قرارداد" عبارت است از اين سند و ضميمه آن. ب ـ "‌پيمانكار كل" عبارت است از شركت وابسته‌اي كه از طرف اراپ جهت انجام عمليات مشروحه در قسمت اول اين قرارداد تشكيل گرديده است. ج ـ "‌نفت" عبارت است از نفت خام و گاز طبيعي. ‌د ـ "‌نفت خام" عبارت است از نفت خام طبيعي ـ آسفالت طبيعي ـ و كليه هيدروكربورهاي مايع كه به حالت طبيعي يافت شود منجمله موادي كه در‌نتيجه جدا كردن باقي مي‌ماند. ه ـ "‌گاز طبيعي" يعني گاز تر و گاز خشك و كليه هيدروكربورهاي گازي ديگر كه از چاه‌هاي نفت يا گاز و هيدروكربورهاي مايع كه از طريق جدا كردن از‌گاز طبيعي به دست مي‌آيد و نيز گاز باقيمانده (‌منجمله گاز ترش) كه پس از سوا كردن هيدروكربورهاي مايع از گاز تر باقيمانده باشد. ‌و ـ "‌قيمتهاي واقعي" عبارت است از قيمتهايي كه بر طبق مقررات ماده 30 اين قرارداد تعيين مي‌گردد. ‌ز ـ "‌عمليات نفتي" عبارت است از كليه كارهاي مشروحه در ماده 8 اين قرارداد. ح ـ "‌متر مكعب" عبارت است از يك متر مكعب در شصت درجه فارنهايت تحت فشار عادي جو. ط ـ "‌تاريخ اجراء" عبارت از تاريخي است كه قانون مربوط به تصويب اين قرارداد به توشيح اعليحضرت همايوني مي‌رسد. ي ـ "‌اراضي" عبارت است از اراضي پوشيده از آب و غيره آن. ك ـ "‌تأسيسات" عبارت است از كليه تأسيسات ثابت و منقول. ل ـ "‌تأسيسات ثابت" عبارت است از تأسيسات نصب شده يا كار گذاشته شده يا ساخته شده كه به طور ثابت مستقر گرديده و مستقيماً براي عمليات‌موضوع اين قرارداد مورد استفاده قرار گيرد. م ـ تأسيسات منقول عبارت است از كليه ماشين آلات ـ وسائل ـ وسائط نقليه آبي ـ دستگاهها ـ افزار ـ ادوات ـ قطعات يدكي ـ مصالح ـ وسائل‌خودرو و ساير وسائط نقليه ـ اثاثيه ـ مواد خواربار و كليه اجناس ديگري كه براي انجام عمليات و وظائف مقرر در اين قرارداد به شرح مندرج در جزء 1‌از ماده 35 اين قرارداد مورد نياز باشد. ن ـ ناحيه اصلي (‌در خشكي يا دريا) عبارت از ناحيه‌اي است كه در ضميمه (‌الف) مشخص گرديده است. س ـ "‌ناحيه واگذاري" (در ‌خشكي يا دريا) عبارت از ناحيه‌اي است كه در مواد 14 و 16 مشخص گرديده است. ع ـ "‌ناحيه بهره‌برداري" (‌در خشكي يا دريا) عبارت از ناحيه‌اي است كه در ماده 18 مشخص گرديده است. ف ـ ناحيه عمليات (‌خشكي يا دريا) عبارت است از ناحيه اصلي و يا ناحيه واگذاري و يا ناحيه بهره‌برداري كه عمليات مقرر در اين قرارداد مي‌تواند در‌آنجا انجام گيرد.
	+ ‌ماده 2 ـ طرفين قرارداد ‌طرفهاي اين قرارداد به شرح زير مي‌باشند: 1 ـ شركت ملي نفت ايران كه از اين به بعد در اين قرارداد شركت ناميده مي‌شود. 2 ـ الف ـ انترپريز دورشرش اداكتيويته پترولير (‌اراپ) كه از اين به بعد در اين قرارداد "‌اراپ" ناميده مي‌شود. ب ـ سوسيته فرانسزده پترول ديران (‌سوفيران) كه يك شركت وابسته اراپ مي‌باشد كه تعهدات آن از طرف اراپ ضمانت گرديده و از اين به بعد در اين‌قرارداد "‌پيمانكار كل" ناميده مي‌شود.
	+ ‌ماده 3 ـ موضوع قرارداد ‌طرفهاي مذكور در ماده 2 اين قرارداد براي خدمات فني مالي و بازرگاني كه بر طبق مقررات زير توسط اراپ و يا شركتهاي وابسته به آن انجام خواهد‌گرفت و حق‌الزحمه‌اي كه در ازاي آن خدمات پرداخت خواهدشد بدين وسيله به عقد قرارداد مبادرت مي‌نمايند. ‌الف ـ خدمات فني ‌شركت وظايف پيمانكار كل را به طور مانع‌الغير به عهده سوفيران مي‌گذارد.‌وظايف مزبور شامل اداره و انجام عمليات نفتي مربوط به اكتشاف و‌بهره‌برداري نفت به شرح مذكور در اين قرارداد خواهد بود كه اراپ راساً يا به‌توسط پيمانكاران فرعي انجام خواهد داد. توافق حاصل است كه با رعايت ‌مقررات اين قرارداد پنجاه درصد از ذخائر قابل استخراج كشف شده به شرح مقرر در اين قرارداد به عنوان ذخاير ملي باقيمانده و كنار گذارده خواهد شد. پ ـ خدمات مالي ‌براي اينكه شركت بتواند هزينه‌هاي مربوطه را تأمين كند اراپ به شرح مقرر در اين قرارداد وجوه لازم براي عمليات اكتشافي و در صورت پيدايش نفت‌جهت انجام عمليات ارزيابي و توسعه در اختيار شركت خواهد گذارد وجوه مزبور مربوط به عمليات اكتشافي به صورت وام بدون بهره تأديه خواهد شد‌و استرداد آن موكول به كشف و توليد نفت به مقادير تجارتي خواهد بود. وجوه مربوط به مخارج ارزيابي و توسعه وام با بهره تلقي شده و طبق روش‌مقرر در اين قرارداد مسترد خواهد شد. ج ـ خدمات بازرگاني ‌اراپ به عنوان واسطه مقادير معيني از نفت خام را از طرف شركت در بازارهاي جهان به فروش خواهد رسانيد و طبق مقررات اين قرارداد قسمتي از‌وجوه حاصله از فروش را بابت استرداد وامهاي مربوطه برداشت نموده و قسمت ديگر وجوه مزبور را شركت و دولت ايران براي خريد كالا و خدمات‌فرانسوي به مصرف خواهند رسانيد. ‌د ـ در قبال خدماتي كه اراپ انجام خواهد داد شركت فروش مقادير معيني نفت خام را به اراپ به بهاي توافق شده‌اي در مدت بهره‌برداري از ميدان‌هاي‌نفت تجاري طبق اين قرارداد تضمين خواهد نمود.
	+ ‌ماده 4 ـ مدت قرارداد ‌جزء 1 ـ مدت اين قرارداد از تاريخ اجراي آن شامل دو مرحله متوالي خواهد بود كه بر طبق مقررات مواد 13 ـ 15 ـ 18 تعيين خواهد گرديد. ‌جزء 2 ـ مرحله اكتشاف براي نواحي واقع در خشكي و دريا به مدت شش سال خواهد بود ولي شركت هرگاه ضرورت ايجاب نمايد مي‌تواند از‌پيمانكار كل تقاضاي ادامه عمليات اكتشافي براي يك دوره دوساله اضافي در نواحي خشكي و يك دوره سه‌ساله اضافي در نواحي دريايي بنمايد. به‌مجرد وصول چنين تقاضايي پيمانكار كل عمليات اكتشافي را براي مدت‌هاي اضافي مذكور ادامه خواهد داد. چنانچه در پايان مرحله شش‌ساله اوليه يا‌در آخر سال هشتم در مورد ناحيه واقع در خشكي يا در پايان سال نهم در مورد ناحيه واقع در دريا عمليات اكتشافي منتج به كشف ميدان تجاري نگردد‌مرحله اكتشاف بخودي خود پايان خواهد يافت و اين قرارداد خاتمه يافته تلقي خواهد شد. معذلك چنانچه در انقضاي مدت مرحله اكتشاف مزبور در‌ميدان يا ميدان‌هاي تجاري كشف شده باشد فقط ناحيه يا نواحي مورد بهره‌برداري به طوري كه در ماده 18 تشريح گرديده است در اختيار پيمانكار كل‌باقي خواهد ماند. ‌جزء 3 ـ شروع مرحله توليد در مورد هر يك از نواحي واگذاري موقعي خواهد بود كه كشف چاه تجاري بر طبق تعريف ماده 19 محرز شده باشد. مدت‌اين قرارداد نسبت به هر يك از نواحي مورد بهره‌برداري كه طبق اين قرارداد محرز گرديده باشد 25 سال از تاريخ شروع توليد تجاري خواهد بود. ‌جزء 4 ـ شروع بهره‌برداري تجاري در تاريخي خواهد بود كه تا تاريخ مزبور مقدار يكصد هزار متر مكعب نفت توليدي را از ناحيه مورد بهره‌برداري بر‌اساس صدور منظم صادر و تحويل شده باشد.
	+ ‌ماده 5 ـ تأمين مخارج ‌جزء 1 ـ شركت در همه اوقات مسئوليت مالي كليه عمليات موضوع اين قرارداد را به عهده خواهد داشت با اين تفاهم كه كليه وجوه لازم براي انجام‌عمليات اكتشافي و ارزيابي و توسعه از طرف اراپ تأمين خواهد گرديد و اين وضع ادامه خواهد داشت تا زماني كه وجوه حاصله از عمليات موضوع‌اين قرارداد كه عايد شركت مي‌گردد به حدي برسد كه شركت بتواند مخارج عمليات ارزيابي و توسعه را راساً تأمين كند. ‌جزء 2 ـ همچنين تفاهم حاصل است كه شركت فقط در موقعي مسئول استرداد كليه وجوه پرداختي از طرف اراپ خواهد بود كه ميدان نفت تجاري به‌شرح تعريف ماده 20 اين قرارداد كشف و توليد به ميزان تجاري شروع شده باشد.
	+ ‌ماده 6 ـ حق مالكيت شركت نسبت به نفت و تأسيسات ‌جزء 1 ـ تمام نفتي كه به موجب مقررات اين قرارداد توليد مي‌شود كلاً در سر چاه به شركت تعلق خواهد داشت. ‌جزء 2 ـ شركت به شرح مقررات زير مالك كليه تأسيساتي خواهد بود كه براي عمليات پيمانكار كل ايجاد و يا مورد استفاده قرار مي‌گيرد: ‌الف ـ اراضي (‌منقول كه به منظور انجام عمليات) تحصيل به ملكيت شركت در خواهد آمد. ب ـ اموال منقول كه به منظور انجام عمليات موضوع اين قرارداد اختصاص يافته تنها در مواردي به شركت متعلق خواهند گرديد كه به طور دائم براي‌عمليات نفتي مورد استفاده قرار گيرند و كليه بهاي آنها به طور مؤثري به حساب مخارج عمليات برده شده و قرار باشد بهاء آن از طرف شركت بر طبق‌روش استرداد وجوه به شرح مقرر در مواد 27 و 28 مسترد گردد. اموال منقولي كه به طور موقت مورد استفاده قرار خواهد گرفت و بهاي آنها به كلي‌مستهلك نشده است در ملكيت پيمانكار كل باقي خواهدماند مشروط بر اين كه موافقت شركت نسبت به استفاده از آنها به‌طور موقت قبلاً تحصيل و‌هزينه استهلاك آنها فقط براي مدت مربوطه به‌حساب عمليات منظور و جزء هزينه آورده شده باشد. تفاهم حاصل است كه پيمانكار كل حق خواهد‌داشت چنين اموالي را با اجازه شركت آزادانه از ايران خارج نمايد، ارزش به حساب آورده شده كليه تأسيساتي كه در مدت هر سال مالي خريداري و‌ايجاد مي‌گردد در 31 مارس سال بعد يا قبل از تاريخ مزبور به اطلاع شركت رسانيده خواهد شد. ‌جزء 3 ـ در مدت اعتبار اين قرارداد پيمانكار حق استفاده كامل از كليه اراضي و تأسيسات ثابت و اموال منقول مشروحه در فوق در ناحيه و يا نواحي ‌عمليات را دارا بوده و شركت اقدام به واگذاري آنها به ديگري نخواهد نمود. ‌پيمانكار كل: وظايف و خدمات ‌الف ـ مقررات كلي
	+ ‌ماده 7 ـ ثبت پيمانكار كل ‌پيمانكار كل مكلف است ظرف مدت شصت روز از تاريخ اجراء درخواست ثبت خود را طبق قوانين و مقررات ثبت شركتها در ايران به اداره ثبت ايران‌تسليم نمايد توافق حاصل است كه كليه وظايف و عمليات پيمانكار كل از نوع غير انتفاعي خواهد بود.
	+ ماده 8 ـ عمليات مجاز ‌جزء 1 ـ عمليات مجاز عبارت است از : ‌الف ـ اكتشاف نفت از طريق زمين‌شناسي ـ ژئوفيزيكي و طريق ديگر منجمله حفر چاه به منظور تعيين شرايط زمين‌شناسي ـ حفاري چاه‌هاي نفت و‌هر گونه وظايف ديگري كه به طور معمول با عمليات اكتشاف و توليد مربوط باشد. ب ـ حمل نفتي كه بر طبق مقررات اين قرارداد توليد شده از مناطق توليد به تصفيه خانه‌ها و دستگاه‌هاي توزيع و ساير وسائل حمل و نقل و يا به كنار‌دريا و چنانچه موجب مقررات اين قرارداد پالايشگاههايي ايجاد گردند حمل نفت از پالايشگاه‌هاي مزبور به نقاط مذكور در فوق ـ انبار كردن نفت و تحويل‌نفت توليدي ناحيه قرارداد با هر نوع وسيله منجمله وسائل بارگيري در كشتي و هر گونه وظائف ديگري كه به طور معمول با انبار كردن و حمل نفت مربوط‌باشد. ‌جزء 2 ـ پيمانكار كل حقوق و اختيارات لازم را خواهد داشت كه تا حدودي كه امور زير براي اجراي عمليات مقرر در اين قرارداد لازم باشد در مورد آباد‌كردن اراضي و ايجاد جزيره‌ها و نيز در اجراي عمليات حفر و گودكني و سوراخ كردن و ساختمان و نصب و پي‌ريزي كردن و تهيه و گرداندن و‌نگاهداري كردن و اداره كردن نسبت به حفره‌ها گودالها و چاهها و خندقها و حفارها و سدها و فاضل آبها و مجاري آب و دستگاهها و مخازن آبگيرها و‌ساير انواع انبارها و دستگاه‌هاي تقطير ميدان نفت و دستگاه‌هاي استخراج گازولين در سر چاه و كارخانجات گوگرد و ساير دستگاه‌هاي لازم براي توليد‌و عمل آوردن نفت ـ خطوط لوله و تلمبه خانه‌ها و مراكز كوچك و بزرگ توليد نيرو و خطوط انتقال نيرو و تلگراف و تلفن و راديو و ساير وسائل‌مخابراتي و كارخانجات و انبارها و ساختمان‌هاي اداري و منازل و عمارات و بنادر و حوضچه‌ها و لنگرگاهها و اسكله‌هاي كوچك و بزرگ و‌دستگاه‌هاي لاروبي و موج‌شكنها و لوازم بارگيري زير دريايي و ساير وسائل بارگيري انتهايي و كشتيها و وسائط نقل و انتقال و خطوط آهن و راه‌ها و‌پلها و پلهاي متحرك و سرويسهاي هوايي و فرودگاه‌ها و ساير لوازم نقليه و گاراژها و آشيانه‌هاي هواپيما و كارگاه‌هاي تعمير و كارگاه‌هاي ريخته‌گري و‌مراكز تعمير و كليه سرويسهاي فرعي كه براي اجراي عمليات مقرر در اين قرارداد لازم يا به آن مرتبط باشد و نيز كليه حقوق اضافي ديگري را كه براي‌اجراي چنين عملياتي لازم بوده يا بشود و يا به طور معقولي مرتبط به‌آن باشد و اقدامات لازم به عمل آورد دستگاه‌هاي مذكور ممكن است در محل يا‌محلهايي كه تعيين مي‌گردد قرار داده شود مشروط بر اين كه: ‌الف ـ چنانچه بنا باشد دستگاه‌هاي مزبور در خارج از ناحيه قرار گيرد تعيين محل آن با موافقت شركت خواهد بود. اعطاي موافقت مزبور با توجه به‌حداكثر رعايت صرفه و اقتضاي عمليات خواهد بود و نبايد بدون دليل معقول رد شود و يا به تأخير افتد. ب ـ در مورد آباد كردن اراضي و ايجاد جزيره و ساختمان راه‌آهن و بندر و سرويسهاي تلفن و تلگراف و بي‌سيم و وسائل سرويسهاي هوايي در ايران‌اجازه قبلي و كتبي دولت ايران لازم خواهد بود كه شركت آن را در مدت معقولي تحصيل خواهد نمود. به منظور تسريع در اجراي عمليات مقرر در اين‌قرارداد پيمانكار كل مي‌تواند بدون اين كه از ميزان مسئوليت پيمانكار كل در برابر شركت طبق مقررات ماده 11 اين قرارداد چيزي كاسته شود اجراي هر‌يك از عمليات و وظايف مشروح در اين قرارداد را بر عهده پيمانكاراني كه واجد صلاحيت بداند بگذارد.
	+ ‌ماده 9 ـ استفاده از اراضي و آب ‌جزء 1 ـ پيمانكار كل حق خواهد داشت كه از كليه اراضي باير متعلق به دولت كه براي استفاده به منظور عمليات مقرر در اين قرارداد به نحو معقول‌مورد لزوم باشد مجاناً استفاده نمايد استفاده از اين گونه اراضي مشروط به موافقت قبلي و كتبي دولت خواهد بود درخواست موافقت از طريق شركت‌به عمل خواهد آمد و نبايد به طور غير معقول مورد رد يا تأخير واقع شود. ‌جزء 2 ـ در مواردي كه پيمانكار كل براي اجراي عمليات مقرر در اين قرارداد احتياج به استفاده از اراضي دائر متعلق به دولت داشته باشد تحصيل اين‌اراضي در مقابل پرداخت بهاي عادله يا مال‌الاجاره به دولت خواهد بود درخواست تحصيل اراضي مزبور از طريق شركت انجام خواهد گرفت. ‌جزء 3 ـ هرگاه پيمانكار كل احتياج به اراضي داشته باشد كه متعلق به مالك خصوصي باشد خريد يا اجاره آنها از طريق مذاكره مستقيم با مالك انجام‌خواهد گرفت معذالك شركت مي‌تواند در مذاكرات مزبور مداخله و با استفاده از مقررات اساسنامه شركت در مورد تحصيل اراضي به پيمانكار كل كمك‌كند. ‌جزء 4 ـ پيمانكار كل مي‌تواند براي عمليات خود كه در اين قرارداد مقرر گرديده با موافقت كتبي دولت از كليه آبهايي كه در سطح يا در تحت اراضي كه‌به موجب اين قرارداد حق استفاده از آن را دارد و يا در اراضي متعلق به دولت كه مورد استفاده دولت يا ديگران نباشد يافت شود استفاده نمايد‌درخواست موافقت از طريق شركت به عمل خواهد آمد و نبايد به طور غير معقول مورد رد يا تأخير واقع شود. استفاده از آب مجاني ليكن مشروط به‌رعايت حقوق اشخاص ثالث و پرداختهاي متداول ديگر خواهد بود. ‌جزء 5 ـ هرگاه پيمانكار كل به طور معقول احتياج به استفاده از آبهايي داشته باشد كه در اراضي غير از آنچه فوقاً ذكر شد واقع باشد براي كسب حقوق‌مزبور از طريق مذاكره مستقيم اقدام خواهد كرد بها يا مال‌الاجاره‌اي كه در مقابل حقوق مزبور پرداخته مي‌شود بايد معقول بوده و از بهاي عادله حقوق‌مشابه در اراضي مجاور تجاوز ننمايد. ‌جزء 6 ـ هيچگونه تقليلي كه به موجب مقررات مواد 14 و 16 اين قرارداد در ناحيه حاصل مي‌شود نسبت به حقوقي كه به موجب مقررات اين ماده در‌اراضي مورد استرداد كسب شده باشد مؤثر نخواهد بود.
	+ ‌ماده 10 ـ حقوق ارتفاقي ـ مصالح ساختماني ‌جزء 1 ـ هرگاه پيمانكار كل به منظور انجام عمليات خود در حدود معقول در سطح دريا يا در زيرزمين (‌خواه در داخل ناحيه عمليات يا خارج از آن)‌حقي از قبيل حقوق ارتفاقي و حق عبور و مرور و حق احداث و كشيدن راه و راه‌آهن و لوله و خطوط لوله و مجراي فاضلاب و زه‌كشي سيم‌كشي و‌خطوط و نظاير آن لازم داشته باشد مراتب را كتباً به شركت اطلاع خواهد داد و شركت حقوقي را كه پيمانكار كل لازم دارد در مورد اراضي مشروح در‌بند 1 ماده 9 به طور مجاني و در موارد ديگر در مقابل پرداخت قيمت يا اجاره بهاي عادله براي پيمانكار كل تحصيل خواهد نمود. ‌جزء 2 ـ پيمانكار كل مي‌تواند براي عمليات خود و با رعايت حقوق اشخاص ثالث از زمينهايي كه مورد استفاده اوست و همچنين از زمينهايي كه در‌داخل ناحيه عمليات متعلق به دولت است و مورد استفاده دولت يا ديگران نيست هر نوع خاك و شن و آهك و سنگ و گچ و ساير مصالح ساختماني را‌برداشت و استفاده نمايد مشروط بر اين كه خسارات وارده بر اشخاص ثالث را كه در نتيجه اين برداشت يا استفاده ممكن است متضرر بشوند به ميزان‌عادلانه‌اي جبران نمايد.
	+ ‌ماده 11 ـ اداره عمليات ‌جزء 1 ـ بدين وسيله به پيمانكار كل از تاريخ اجراء قرارداد اجازه و حق انحصاري اداره عمليات نفتي مربوط به ناحيه و يا نواحي عمليات با رعايت‌مقررات مواد 17 و 22 اين قرارداد اعطاء مي‌گردد. ‌جزء 2 ـ پيمانكار كل ملزم به انجام تعهدات زير خواهد بود: ‌الف ـ سعي كامل در اين كه عمليات اكتشافي در نواحي اصلي و واگذاري در خشكي و دريا به حد اعلاء طبق اصول صحيح فني معمول به‌صنعت نفت‌ جريان يابد. ب ـ تسليم گزارش ماهيانه پيشرفت كار در مورد عملياتي كه انجام شده و تسليم گزارش جامع و گزارش نهايي در پايان كار به شركت. ج ـ فراهم كردن وسائل تا نمايندگان شركت بتوانند در هر موقع معقولي عمليات مقرر در اين قرارداد را بازرسي نمايند. ‌د ـ نگاهداري ارقام و اطلاعات كامل از جميع عمليات فني كه طبق اين قرارداد انجام مي‌گردد. ه ـ نگاهداري حسابهاي عمليات خود به طريقي كه ارقام و اطلاعات مربوط به هزينه‌هاي عمليات مزبور به طرز درست و واضح و دقيق نشان داده شود‌و براي انجام اين منظور بايد روش حسابداري مناسبي اتخاذ كند و روش مزبور گاه به گاه با توجه به پيشرفتهايي كه در آينده حاصل مي‌شود تجديد نظر‌به عمل آورد. ‌و ـ استخدام حداقل كارمندان خارجي و اطمينان از اين كه تا حدودي كه به طور معقول عملي باشد بيگانگان فقط براي تصدي مقاماتي استخدام شوند‌كه پيمانكار كل نتواند ايرانياني حائز معلومات و تجربه لازم براي احراز آن مقامات بيابد. ‌ز ـ توجه دائم به حقوق و منافع ايران در جريان عمليات خود. ج ـ تأمين اين منظور كه شركت در هر موقع كه لازم بداند بتواند ظرف مدت معقولي هر گونه اطلاعي به صورت رونوشتهاي دقيق نقشه‌ها و مقاطع و‌گزارشهاي مربوط به نقشه‌برداري و زمين‌شناسي و ژئوفيزيكي و حفاري و توليد و ساير امور مربوط به عمليات مقرر در اين قرارداد و همچنين جميع‌اطلاعات علمي و فني مهم را كه در نتيجه عمليات مزبور حاصل شده باشد به دست آورد. ‌جزء 3 ـ پيمانكار كل مجاز خواهد بود كه انجام هر قسمت از عمليات مجاز خود را آزادانه به هر پيمانكاري بسپارد مشروط بر اين كه: ‌الف ـ قبلاً درباره انتخاب پيمانكار با شركت مشاوره نمايد. ب ـ رونوشتي از قرارداد مربوطه تسليم شركت نمايد. ج ـ پيمانكار بر اساس مناقصه انتخاب گردد و در صورت تساوي شرائط به پيمانكاران ايراني حق تقدم داده شود.
	+ ماده 12 ـ حسابرسي ‌رسيدگي ساليانه محاسبات پيمانكار كل به وسيله هيأتي مركب از دو نفر حسابرس به عمل خواهد آمد كه يكي از آنها از طرف شركت و ديگري از طرف‌اراپ منصوب خواهد شد نتيجه حسابرسي مزبور براي هر سال مالي در 31 مارس سال بعد يا قبل از تاريخ مزبور تسليم شركت خواهد گرديد.
	+ ماده 13 ‌ ب ـ مرحله اكتشاف مدت مرحله اكتشاف و حداقل تعهد ـ در ناحيه واقع در دريا ‌جزء 1 ـ دوره اوليه شش‌ساله در ناحيه در دريا بدو مرحله متوالي سه‌ساله تقسيم خواهد شد. ‌جزء 2 ـ در مرحله سه‌ساله اول كه از تاريخ اجراء شروع خواهد شد پيمانكار كل عمليات مشروحه زير را انجام خواهد داد. ‌الف ـ سال اول ـ تكميل 6000 كيلومتر خطوط لرزه‌نگاري در منطقه اصلي به شرح مذكور در ضميمه. (‌الف) به منظور انتخاب ناحيه واگذاري مشروحه در ماده 14 اين قرارداد. ب ـ سالهاي دوم و سوم ـ حفاري حداقل 3 چاه در ناحيه واگذاري. ‌جزء 3 ـ در صورتي كه پيمانكار كل تعهدات خود را كه در جزء 2 اين ماده مقرر گرديده انجام داده باشد مي‌تواند بعد از تقليل ناحيه واگذاري واقع در دريا‌طبق مقررات ماده 14 اين قرارداد براي يك مرحله دوم سه‌ساله به‌عمليات اكتشافي ادامه دهد در مرحله مزبور پيمانكار كل عمليات اكتشافي را با‌حداقل هزينه ساليانه 15 ميليون فرانك فرانسه انجام خواهد داد. ‌جزء 4 ـ در خاتمه دوره دوم مرحله سه‌ساله و بعد از تقليل قسمت باقيمانده ناحيه واگذاري بر طبق جزء 2 از ماده 14 اين قرارداد در صورت احراز لزوم‌و بالنتيجه تقاضاي شركت پيمانكار كل براي مرحله ديگري به‌مدت 3 سال با مخارج حداقل ساليانه 15 ميليون فرانك فرانسه به عمليات اكتشافي ادامه‌خواهد داد ضمناً خود پيمانكار كل نيز مي‌تواند درخواستي مبني بر ادامه عمليات براي مرحله سه‌ساله سوم تسليم نمايد بديهي است كه تمديد مزبور‌منوط به تصويب شركت خواهد بود. ‌جزء 5 ـ پيمانكار كل مكلف است حداقل دو ماه قبل از انقضاي اولين سال مرحله اول عمليات و از آن به بعد حداقل دو ماه قبل از انقضاي هر يك از‌مراحل سه‌ساله گزارشي تسليم شركت نمايد گزارش مزبور بايد دال بر اين باشد كه پيمانكار حداقل تعهدات خود را نسبت به سال يا مرحله مربوطه‌انجام داده است و يا در حال انجام دادن آن مي‌باشد هرگاه ظرف مدت شصت روز بعد از تسليم هر يك از گزارشات مزبور شركت پاسخي درباره آن براي‌پيمانكار كل نفرستد چنين تلقي خواهد شد كه پيمانكار كل حداقل تعهدات خود را نسبت به سال يا مرحله مربوطه انجام داده است و لذا حق ادامه‌عمليات در ناحيه تقليل يافته را نمي‌توان از او سلب نمود. ‌جزء 6 ـ هرگاه مبلغ حداقلي كه براي سالهاي اول و دوم مراحل دوم و سوم مقرر گرديده خرج نشده باشد پيمانكار كل مي‌تواند مبلغ باقيمانده را كه‌خرج نشده است به حساب سال بعد انتقال دهد. ‌جزء 7 ـ الف ـ هرگاه پيمانكار كل عملياتي را كه در قسمت (‌الف) جزء 2 اين ماده قيد گرديده در پايان سال اول مرحله سه‌ساله اوليه به اتمام نرسانيده‌باشد شركت حق خواهد داشت پيمانكار كل را از ادامه عمليات ممنوع نموده و بدون اين كه تعهدي در قبال پيمانكار كل داشته باشد اين قرارداد را فسخ‌نمايد. ب ـ هرگاه در پايان مرحله سه‌ساله اوليه پيمانكار كل كارهاي تعهد شده را كه در جزء 2 اين ماده تصريح گرديده است انجام نداده باشد شركت حق‌خواهد داشت بدون اين كه تعهدي در قبال پيمانكار كل داشته‌باشد اين قرارداد را فسخ نمايد. ‌جزء 8 ـ در طول مدت مرحله سه‌ساله اول پيمانكار كل حق نخواهد داشت كه عمليات اكتشافي را تحت هيچ عنواني به جز در موارد فرس ماژور به‌نحو مقرر در اين قرارداد متوقف يا تعطيل نمايد ليكن در انقضاي مرحله سه‌ساله مزبور و هر يك از دوره‌هاي يك‌ساله بعدي در صورتي كه پيمانكار كل‌ملاحظه نمايد كه شرايط زيرزميني ناحيه واگذاري واقع در دريا طوري است كه نمي‌توان به طور معقولي انتظار داشت كه نفت به ميزان تجاري كشف‌گردد مي‌تواند از ادامه عمليات اكتشافي خودداري نمايد و در اين صورت بايد قصد خود را به شركت اعلام نموده و از حقوق خود نسبت به‌ناحيه مزبور‌صرفنظر كند ليكن بايد ثابت نمايد كه كليه امور اكتشافي تا تاريخ اعلام مزبور طبق برنامه به موقع اجراء گذارده شده و حداقل تعهداتي كه براي مخارج‌دوره مقدم بر اعلام مزبور پيش‌بيني شده بود تماماً خرج شده است هرگاه تا تاريخ اعلام مزبور مبلغي باقيمانده باشد كه خرج نشده است اراپ بايد نصف‌مبلغ باقيمانده مزبور را به شركت بپردازد. ‌جزء 9 ـ الف ـ چنانچه در پايان مرحله سه‌ساله اوليه نفت به مقادير تجاري در ناحيه واگذاري واقع در دريا كشف شده باشد پيمانكار كل حق نخواهد‌داشت كه عمليات اكتشافي را در طول مدت مرحله سه‌ساله دوم يا سوم موقوف يا تعطيل نمايد و بايستي تعهدات خود را نسبت به ادامه عمليات به‌موجب جزء‌هاي 3 و 4 اين ماده انجام دهد تفاهم حاصل است كه ادامه عمليات اكتشافي به مرحله سه‌ساله سوم تابع مقررات جزء 4 اين ماده خواهد‌بود. ب ـ هرگاه در پايان مرحله سه‌ساله دوم و مرحله سه‌ساله سوم (‌هر كدام كه مورد پيدا كند) مبلغ حداقل مقرر در جزء‌هاي 3 و 4 فوق خرج نشده باشد‌اراپ بايد نصف مبلغ خرج نشده مزبور را به شركت بپردازد. ‌جزء 10 ـ با رعايت مقررات جزء 9 اين ماده: ‌الف ـ هرگاه در پايان مرحله سه‌ساله دوم پيمانكار كل حداقل تعهدي را كه در جزء 3 اين ماده تصريح گرديده انجام نداده باشد مرحله اكتشاف خاتمه‌يافته تلقي خواهد شد و همچنين هرگاه پيمانكار كل به تعهد خود مبني بر ادامه عمليات به تقاضاي شركت طبق جزء 4 اين ماده عمل ننمايد معهذا‌مرحله اكتشاف خاتمه يافته تلقي خواهد شد و از آن پس حدود عمليات پيمانكار كل منحصر به عمليات در ناحيه يا نواحي مورد بهره‌برداري (‌در‌صورت وجود چنين ناحيه يا نواحي) مشروحه در ماده 18 اين قرارداد خواهد گرديد در صورتي كه چنين نواحي مورد بهره‌برداري موجود نباشد شركت‌حق خواهد داشت بدون اين كه براي او تعهدي در قبال پيمانكار كل ايجاد شود اين قرارداد را فسخ نمايد. ب ـ هرگاه پيمانكار كل بر طبق مقررات جزء 4 اين ماده وارد مرحله سه‌ساله سوم شده اما در پايان مدت مرحله مزبور حداقل تعهداتي را كه براي ادامه‌عمليات تعيين گرديده است انجام نداده باشد شركت حق خواهد داشت به نحوي كه در بند (‌الف) اين جزء راجع به پايان مرحله سه‌ساله دوم تصريح‌گرديده است اقدام نمايد. ‌جزء 11 ـ در كليه مواردي كه در اين ماده پيش‌بيني شده است شركت مختار خواهد بود چنانچه اوضاع و احوال را مقتضي تشخيص دهد براي انجام‌ تعهدات پيمانكار كل حداكثر شش ماه ديگر به او بدهد.
	+ ‌ماده 14 ـ ناحيه واقع در دريا و تقلبهاي بعدي آن ‌جزء 1 ـ در پايان سال اول ناحيه اصلي واقع در دريا به ميزان 50 درصد تقليل خواهد يافت و پيمانكار كل از آن پس به عمليات اكتشافي در قسمت ‌باقيمانده كه ذيلاً "‌ناحيه واگذاري در دريا" ناميده مي‌شود خواهد پرداخت. ‌جزء 2 ـ در پايان مرحله سه‌ساله اول ناحيه واگذاري در دريا به ميزان يك ثلث تقليل خواهد يافت هرگاه در پايان مرحله سه‌ساله دوم عمليات اكتشافي‌طبق مقررات جزء 4 ماده 13 اين قرارداد مرحله سوم شود قسمت باقيمانده ناحيه واگذاري در دريا بار ديگر به ميزان يك ثلث ناحيه واگذاري در دريا‌تقليل خواهد يافت. ‌جزء 3 ـ پيمانكار كل حق خواهد داشت محدوده‌هايي را كه به منظور تقليل يا تقليل‌هاي مشروحه فوق كسر مي‌گردد و نيز شكل و اندازه آنها را آزادانه‌انتخاب نمايد مشروط بر اين كه چنين محدوده‌ها از قطعاتي تشكيل شود كه مساحت هر كدام از آنها از 200 كيلومتر مربع كمتر نبوده و متوسط طول هر‌يك از قطعات بيشتر از شش برابر ميزان متوسط عرض آن نباشد در صورتي كه اجراي روش مزبور در انتخاب محدوده‌هاي مورد تقليل مناسب نباشد‌شكل و اندازه محدوده‌هاي مزبور به نحوي كه شركت مقتضي بداند معين خواهد شد. ‌جزء 4 ـ بعد از انجام هر يك از تقليلهاي مشروحه فوق پيمانكار كل نواحي را كه پس از تقليل به موجب مقررات اين قرارداد باقي خواهد ماند به اطلاع‌شركت خواهد رسانيد اطلاع مزبور در گزارشي كه در جزء 5 ماده 13 اين قرارداد به آن اشاره شده است گنجانيده خواهد شد.
	+ ‌ماده 15 ـ مدت مرحله اكتشاف و حداقل تعهد ـ در ناحيه واقع در خشكي ‌جزء 1 ـ دوره اوليه شش‌ساله در ناحيه واقع در خشكي بر طبق مقررات زير بدو مرحله متوالي يك به مدت 4 ساله و ديگري به مدت 2 سال تقسيم‌خواهد شد. ‌جزء 2 ـ در مرحله 4 ساله اول كه از تاريخ اجراء شروع خواهد شد پيمانكار كل عمليات مشروحه زير را انجام خواهد داد: ‌الف ـ سال اول ـ نقشه‌برداري و عمليات مقدماتي زمين‌شناسي و ژئوفيزيكي در ناحيه اصلي به شرح مقرر در ضميمه الف به منظور انتخاب "‌ناحيه‌گذاري در خشكي" مصرحه در ماده 16 اين قرارداد. ب ـ سالهاي دوم و سوم و چهارم ـ انجام عمليات لرزه‌نگاري منجمله لااقل 2000 كيلومتر خطوط لرزه‌نگاري و حفاري لااقل 3 چاه در ناحيه واگذاري‌در خشكي. ‌جزء 3 ـ در صورتي كه پيمانكار كل تعهدات خود را طبق مقررات جزء 2 اين ماده انجام داده باشد براي يك مرحله دوساله ديگر به عمليات اكتشافي‌ادامه خواهد داد. در مرحله مزبور پيمانكار كل عمليات اكتشافي را با هزينه‌اي كه حداقل آن ساليانه 10 ميليون فرانك فرانسوي خواهد بود انجام خواهد‌داد. ‌جزء 4 ـ در پايان مرحله دو ساله مقرر در جزء 2 و بعد از تقليل قسمت باقيمانده ناحيه واگذاري در خشكي به شرح مقرر در جزء 2 ماده 16 اين قرارداد‌در صورت لزوم و بالنتيجه تقاضاي شركت پيمانكار كل براي يك دوره اضافي دوساله با مخارج حداقل 10 ميليون فرانك در سال به عمليات اكتشافي‌ادامه خواهد داد ضمناً خود پيمانكار كل نيز مي‌تواند درخواستي مبني بر ادامه عمليات براي مرحله اضافي دوساله تسليم نمايد بديهي است كه تمديد‌مزبور منوط به موافقت شركت خواهد بود. ‌جزء 5 ـ پيمانكار كل مكلف است حداقل دو ماه قبل از انقضاي مرحله اول چهارساله و سپس نيز حداقل دو ماه قبل از انقضاي هر يك از مراحل دو‌ساله گزارشي تسليم شركت بنمايد دال بر اين كه حداقل تعهد خود را كه نسبت به مرحله مربوطه مقرر گرديده است انجام داده است و يا در حال انجام‌دادن آن مي‌باشد هرگاه شركت در ظرف مدت 60 روز بعد از تسليم هر يك از گزارشات مزبور پاسخي درباره آن براي پيمانكار كل نفرستد اين طور تلقي‌خواهد شد كه پيمانكار كل حداقل تعهدات خود را نسبت به‌مرحله مربوطه انجام داده است و لذا حق ادامه عمليات در ناحيه تقليل يافته را نمي‌توان از‌ او سلب نمود. ‌جزء 6 ـ هرگاه مبلغي كه براي سال اول مرحله دوساله دوم يا سوم منظور شده است خرج نشده باشد پيمانكار كل حق خواهد داشت مبلغ باقيمانده‌خرج نشده را به وجوهي كه براي مخارج سال بعد پيش‌بيني شده اضافه نمايد. ‌جزء 7 ـ هرگاه در انقضاي مرحله چهارساله اول پيمانكار كل تعهد خود را در مورد انجام كارهاي مقرر در جزء 2 اين ماده انجام نداده باشد شركت حق‌خواهد داشت بدون اين كه براي او تعهدي در قبال پيمانكار كل ايجاد شود اين قرارداد را فسخ نمايد. ‌جزء 8 ـ در طول مدت مرحله چهارساله اول پيمانكار كل حق نخواهد داشت كه عمليات اكتشافي را تحت هيچ عنواني به جز در مورد فرس ماژور به‌نحو مقرر در اين قرارداد متوقف يا تعطيل نمايد ليكن در پايان مرحله چهارساله مزبور و در پايان هر يك از دوره‌هاي يك‌ساله بعدي در صورتي كه‌پيمانكار كل ملاحظه نمايد شرايط زيرزميني ناحيه واگذاري در خشكي طوري است كه نمي‌توان به طور معقولي انتظار داشت كه نفت به ميزان تجاري‌كشف گردد مي‌تواند از ادامه عمليات اكتشافي خودداري نمايد و در اين صورت بايد قصد خود را به شركت اعلام نموده و از حقوق خود نسبت به ناحيه‌مزبور صرفنظر كند ليكن بايد ثابت نمايد كه كليه امور اكتشافي تا تاريخ اعلام مزبور پيش‌بيني شده بود تماماً خرج شده است هرگاه تا تاريخ اعلام مزبور‌مبلغي باقيمانده باشد كه خرج نشده است اراپ بايد نصف مبلغ باقيمانده مزبور را به شركت بپردازد. ‌جزء 9 ـ الف ـ چنانچه در انقضاي مرحله چهارساله اول نفت به مقادير تجاري در ناحيه واگذاري در خشكي كشف شده باشد پيمانكار كل حق نخواهد‌داشت كه عمليات اكتشافي را در طول مدت مرحله دوساله دوم يا سوم متوقف يا تعطيل نمايد و بايستي تعهدات مربوط به ادامه عمليات را بر طبق‌جزء‌هاي 3 و 4 اين ماده انجام دهد. تفاهم حاصل است كه ادامه عمليات اكتشافي در مرحله سوم دوساله تابع مقررات جزء 4 فوق خواهد بود. ب ـ هرگاه در پايان مرحله دوساله دوم و مرحله دوساله سوم (‌هر كدام كه مورد پيدا كند) حداقل مبلغي كه در جزء‌هاي 3 و 4 فوق تصريح گرديده است‌خرج نشده باشد اراپ بايد نصف مبلغ خرج نشده مزبور را به‌شركت بپردازد. ‌جزء 10 ـ با رعايت مقررات جزء 9 اين ماده: ‌الف ـ با وجود شرائط مذكور فوق هرگاه تا پايان مرحله دوساله مقرر در جزء 3 مانده پيمانكار كل حداقل متعهدي را كه در جزء 3 اين ماده مقرر گرديده انجام نداده باشد و يا هرگاه پيمانكار كل تعهد ادامه‌كار را به‌تقاضاي شركت بر طبق جزء 4 اين ماده انجام نداده باشد مرحله اكتشاف خاتمه يافته تلقي خواهد شد و از آن پس حدود عمليات پيمانكار كل‌منحصر به‌عمليات در ناحيه يا نواحي بهره‌برداري (‌در صورت وجود چنين ناحيه يا نواحي) مشروحه در ماده 18 اين قرارداد خواهد گرديد در صورتي‌كه چنين نواحي مورد بهره‌برداري موجود نباشد شركت حق خواهد داشت بدون اين كه براي او تعهدي در قبال پيمانكار كل ايجاد شود اين قرارداد را‌فسخ نمايد. ب ـ هرگاه پيمانكار كل بر طبق مقررات جزء 4 اين ماده وارد مرحله اضافي دوساله شده اما در انقضاي مرحله مزبور حداقل تعهداتي را كه براي ادامه‌عمليات در مرحله مزبور مقرر گرديده است انجام نداده باشد شركت حق خواهد داشت به همان طريقي كه در بند (‌الف) فوق راجع به پايان مرحله دو‌ساله مقرر گرديده است اقدام نمايد. ‌جزء 11 ـ در كليه مواردي كه در اين ماده پيش‌بيني شده است شركت مختار خواهد بود چنانچه اوضاع و احوال را مقتضي تشخيص دهد براي انجام‌تعهدات پيمانكار كل حداكثر شش ماه ديگر به او مهلت بدهد.
	+ ‌ماده 16 ـ ناحيه واقع در خشكي و تقليلهاي بعدي آن ‌جزء 1 ـ در پايان سال اول مرحله اول پيمانكار كل با موافقت شركت 20000 كيلومتر مربع از ناحيه اصلي واقع در خشكي را انتخاب خواهد نمود تا در‌حدود ناحيه‌اي كه به اين ترتيب انتخاب مي‌نمايد و از اين به بعد در اين قرارداد ناحيه واگذار در خشكي ناميده مي‌شود به عمليات اكتشافي بپردازد. ‌جزء 2 ـ در پايان مرحله چهارساله اول ناحيه واگذاري در خشكي به‌ميزان 50 درصد تقليل خواهد يافت هرگاه در پايان مرحله دوم (‌دوساله) عمليات‌اكتشاف طبق مقررات جزء 4 ماده 15 اين قرارداد تا مرحله سوم (‌دوساله) ادامه يابد قسمت باقيمانده ناحيه واگذاري در خشكي مجدداً به‌ميزان 25‌درصد از ناحيه واگذاري در خشكي تقليل خواهد يافت. ‌جزء 3 ـ مقررات جزء 3 و جزء 4 ماده 14 اين قرارداد ناظر بر تقليلهاي مقرر در جزء 2 فوق نيز خواهد بود.
	+ ‌ماده 17 ـ تنظيم برنامه و بودجه عمليات اكتشافي ‌جزء 1 ـ پيمانكار كل براي هر سال تقويمي برنامه و بودجه جداگانه‌اي براي ناحيه واگذاري در خشكي و ناحيه واگذاري در دريا تنظيم خواهد‌نمود به‌نحوي كه دست كم انجام و اجراي حداقل تعهداتي كه در مواد 13 و 15 اين قرارداد تصريح گرديده است تأمين شود. ‌جزء 2 ـ برنامه‌ها و بودجه‌هاي مقرر در جزء 1 فوق براي هر سال تقويمي حداكثر تا 15 اكتبر سال ماقبل آن تسليم شركت خواهد گرديد و اجراي آنها‌پس از مشاوره با شركت شروع خواهد شد. ج ـ دوره بهره‌برداري ارزيابي ـ توسعه و توليد
	+ ‌ماده 18 ـ مقررات مربوط به دوره بهره‌برداري ‌جزء 1 ـ دوره اكتشاف در تمام يا قسمتي از نواحي واگذاري در خشكي يا دريا موقعي پايان خواهد پذيرفت كه يك چاه تجارتي به مفهومي كه در ماده19 اين قرارداد تعريف گرديده است كشف گردد و دوره بهره‌برداري در مورد "‌ناحيه بهره‌برداري" مربوطه از تاريخ كشف چاه تجاري شروع خواهدگرديد ‌و حدود ناحيه بهره‌برداري منطبق خواهد بود با پست‌ترين خطوط منحني طراز در اطراف ساختمان تحت‌الارضي كه چاه تجاري در آن حفر شده است‌ناحيه يا نواحي بهره‌برداري مزبور به شرط رعايت مقررات مواد 4 و 13 و 15 اين قرارداد از بقيه ناحيه واگذاري كه در آن عمليات اكتشافي ادامه خواهد‌يافت مجزا خواهد گرديد. ‌جزء 2 ـ دوره بهره‌برداري مشتمل بر 3 مرحله جداگانه به شرح زير خواهد بود: ‌الف ـ مرحله ارزيابي ـ از تاريخ كشف اولين چاه تجارتي در ناحيه بهره‌برداري تا تاريخي كه ساختمان تحت‌الارضي مربوطه به عنوان ميزان نفت‌تجاري بر طبق مقررات ماده 20 اين قرارداد شناخته شود. ب ـ مرحله توسعه ـ از تاريخ شناختن ميدان نفت به عنوان يك ميدان تجاري تا تاريخ شروع توليد به ميزان تجاري. ج ـ مرحله توليد ـ از تاريخ شروع توليد به ميزان تجاري در هر ميدان نفت تجاري آغاز خواهد گرديد و براي مدت 25 سال ادامه خواهد يافت.
	+ ‌ماده 19 ـ چاه تجاري ‌جزء 1 ـ به مجرد اين كه پيمانكار كل به اين نتيجه رسيد كه چاه نفت تجاري كشف گرديده است اظهاريه‌اي حاكي از اين امر به شركت تسليم خواهد‌نمود اين اظهاريه بعداً بايد به وسيله گزارشي كه درباره تكميل چاه تجاري تنظيم و تسليم خواهد شد مورد تاييد قرار گيرد. تفاهم حاصل است كه‌آزمايشهايي كه براي اثبات تكميل چاه تجاري به عمل مي‌آيد در حضور نمايندگان شركت انجام خواهد گرفت و به اين منظور وجود نفت به هر نوع كه‌باشد بايد فوراً به اطلاع نماينده شركت برسد. ‌جزء 2 ـ صرف كشف چاه تجاري به مفهومي كه در جزء 3 اين ماده تعريف گرديده است دليل قاطعي بر اين نخواهد بود كه ساختمان تحت‌الارضي و‌مخازن نفتي مربوطه ميدان تجاري باشد. ‌جزء 3 ـ چاه موقعي تجاري شناخته خواهد شد كه قابليت بهره‌دهي فرضي آن بر اساس ضخامت طبقه بهره ده و خصوصيات پتوفيزيكي سنگهاي‌مخزن و اطلاعات حاصله از تجزيه و آزمايش عوامل فشار و حجم و درجه حرارت سيالات موجود در مخزن PVT‌و ضريب‌هاي بهره دهي در‌ميزان‌هاي مختلف توليد و حريم زهكشي مفروضي به شعاع نيم ميل در اطراف حلقه چاه حاكي از اين باشد كه چاه در ظرف مدت دوازده سال مي‌تواند‌مقادير كافي نفت توليد كند به طوري كه ارزش آن بر اساس قيمت واقعي مربوطه معادل يك و نيم برابر هزينه تمام شده حفر چاه مزبور باشد.
	+ ‌ماده 20 ـ ميدان نفت تجاري ‌جزء 1 ـ به مجرد اين كه پيمانكار كل به اين نتيجه رسيد كه عمليات وي به كشف ميدان قابل توليد به ميزان تجاري منجر شده است گزارش تفضيلي‌نتيجه‌گيري خود را به شركت تسليم خواهد كرد. ‌جزء 2 ـ گزارشي كه پيمانكار كل به موجب جزء 1 فوق به شركت تسليم مي‌كند بايد به طور وضوح حاوي اطلاعات حمل و نقل ـ بارگيري و مخارج‌ديگر. ب ـ مجموع هزينه‌هاي اكتشافي در نواحي واقع در خشكي و دريا كه تا تاريخ كشف ميدان تجاري صرف شده باشد به اضافه هزينه‌هاي اكتشافي برآورد شده كه بايد در مدت باقيمانده مرحله شش‌ساله اكتشاف خرج گردد. ج ـ هزينه‌هاي پيش‌بيني شده ارزيابي و توسعه به اضافه بهره سرمايه‌اي كه شركت براي ميدان مربوطه پرداخت مي‌نمايد (‌بهره مزبور بر اساس "‌ارزش فعلي" محاسبه شود). ‌د ـ مبلغي معادل (2).(1)12 درصد ارزش تخفيف يافته. ‌جزء 5 ـ به منظور احتساب "‌ارزش فعلي" در كليه مواردي كه در اين ماده ذكر شده است نرخ تخفيف عبارت بود از 5 درصد به مدت 25 سال. ‌جزء 6 ـ موافقت مي‌شود كه هرگاه تجاري بودن ميداني باشد طرفين به تقاضاي اراپ براي تجاري اعلام نمودن چنين ميداني با يكديگر مشورت بنمايند‌مشروط بر اين كه ميزان استهلاك و وجوه پرداختي شركت به اراپ بابت استرداد كل هزينه‌هاي اكتشافي بر مبناي تعداد معيني سنت براي هر بشكه‌تعيين گردد تا به اين ترتيب طرفين بتوانند مادام كه ميدان تجاري ديگري كشف نگرديده است ميدان مزبور را بر طبق مقررات اين ماده به عنوان يك ‌ميدان تجاري بشناسند. ‌جزء 7 ـ مقررات اين ماده متساوياً در مورد هر ميدان ديگري كه متعاقباً كشف گردد نيز قابل اجرا خواهد بود.
	+ ‌ماده 21 ـ ذخائر ملي ‌جزء 1 ـ به عنوان يك اصل كلي تفاهم حاصل است كه 50 درصد ذخائر مكشوفه قابل استخراج از حدود اين قرارداد خارج بوده و به عنوان ذخائر ملي‌نگاهداري و كنار گذارده خواهد شد. تخصيص ذخائر به ترتيب مزبور بر اساس اطلاعات فني موجود با توافق طرفين در مورد ميدان‌هاي مكشوفه در‌ناحيه واقع در دريا و در ناحيه واقع در خشكي جداگانه به عمل خواهد آمد. ‌جزء 2 ـ اصل فوق طبق مقررات مشروحه زير در مورد نواحي در خشكي و در دريا جداگانه اعمال مي‌شود. ‌الف ـ تخصيص ذخائر فقط در صورتي به عمل خواهد آمد كه اين نكته محرز شود كه درآمدهاي حاصله از اولين ميدان (‌ميدان‌هاي) مكشوفه تجاري(‌به شرح مذكور در جزء 4 ماده 20) تكافوي آن را مي‌نمايد كه تمام هزينه‌هاي اكتشاف كه واقعاً مصرف شده است و همچنين هزينه انجام حداقل‌تعهداتي كه در بقيه مدت مرحله اكتشاف بايد مصرف شود به نحو مقرر در جزء 4 ماده 20 به اراپ مسترد‌گردد. ب ـ تخصيص ذخائر به شرح فوق حتي‌الامكان عبارت خواهد بود از اختصاص تعداد جداگانه‌اي از ميدان‌ها قبل از مرحله توسعه به شركت به عنوان‌ذخائر ملي. ج ـ قبل از اين كه ميدان‌هاي نفت مذكور در بند (ب) اين ماده به‌شركت تخصيص داده شود تعداد كافي چاه كه طبق اصول صحيح و متداول صنعت‌نفت در هر يك از ميدان‌ها حفر خواهد شد به منظور ارزيابي مورد استفاده قرار خواهد گرفت تا بتوان ذخائر قابل استخراج ‌هر ميدان را به نحو صحيحي ارزيابي و برآورد كرد. ‌د ـ هرگاه اجراي مقررات بند (ب) فوق كلاً يا جزاً امكان‌پذير نباشد نسبت به روش تعديل مجدد نحوه تخصيص نفت توليدي كه در ماده 29 مقرر‌گرديده توافق حاصل خواهد شد. ه ـ تقسيم ذخائر بين ميدان‌ها در فواصل معين به طور صحيحي مورد تعديل قرار خواهد گرفت تا بتوان ميدان‌هاي مكشوفه جديد را نيز منظور داشت. ‌و ـ تفاهم حاصل است كه با رعايت نسبت موجود بين ارزش ذخائر مورد بهره‌برداري و ذخائري كه بهره‌برداري نمي‌شود مقررات فوق‌الذكر در‌خصوصيات بازرگاني و مالي اقتصاد اين قرارداد تغييري حاصل نخواهد نمود.
	+ ‌ماده 22 ـ تنظيم برنامه‌ها و بودجه عمليات بهره‌برداري ‌جزء 1 ـ در طول مدت بهره‌برداري برنامه‌هاي عمليات و بودجه‌هاي مربوطه به وسيله پيمانكار كل با مشورت شركت تهيه و به شرح زير به‌مورد اجراء‌گذارده خواهد شد. ‌جزء 2 ـ در مرحله ارزيابي پيمانكار كل بعد از مشورت با شركت و با رعايت كامل اصول صحيح صنعت نفت به اجراي برنامه‌ها و بودجه‌هاي مربوطه‌مبادرت خواهد كرد. برنامه‌ها و بودجه‌ها براي هر يك از نواحي مورد بهره‌برداري تهيه و ظرف مدت دو ماه از تاريخ اعلام اولين چاه تجاري به‌شرح‌مقرر در ماده 19 به اطلاع شركت رسانيده خواهد شد. برنامه‌ها و بودجه‌هاي مزبور ممكن است براي مدتي متجاوز از يك سال باشد. ‌جزء 3 ـ به محض اين كه ميداني از طرف شركت تجاري شناخته شد پيمانكار كل با در نظر گرفتن برنامه پنج‌ساله‌اي كه به منظور تعيين ميزان توليد‌مذكور در ماده 23 تهيه مي‌گردد برنامه‌هاي ساليانه توسعه و بودجه‌هاي مربوطه را تنظيم خواهد نمود. برنامه‌ها و بودجه‌هاي مزبور قبل از 15 اكتبر هر‌سال براي سال بعد تسليم شركت خواهد گرديد و قبل از آن كه به موقع اجراء گذارده شود بايستي مورد توافق مشترك شركت و پيمانكار كل قرار گيرد. ‌جزء 4 ـ در 31 مارس هر سال يا قبل از آن پيمانكار كل گزارش ساليانه‌اي مشتمل بر اطلاعات كامل درباره اجراي برنامه‌ها و بودجه‌ها در سال قبل تسليم‌شركت خواهد نمود.
	+ ‌ماده 23 ـ ميزان توليد ‌جزء 1 ـ با در نظر گرفتن ذخائر قابل استخراج ميدانهاي تجاري مكشوفه و توسعه قابل پيش‌بيني بازارهاي مربوطه آنها شركت و اراپ درباره ميزان‌بهره‌برداري ميدانهاي مزبور مشتركاً اتخاذ تصميم خواهند نمود و به اين ترتيب ظرفيت توليد را كه "‌ظرفيت توليد قابل بهره‌برداري" ميدان ناميده مي‌شود‌تعيين خواهند نمود. ‌جزء 2 ـ بر اساس "‌ظرفيت توليد قابل بهره‌برداري" برنامه توسعه پنج‌ساله‌اي براي اجراء تهيه خواهد شد. برنامه مزبور ميزان توليد ساليانه را تعيين‌خواهد نمود اين ميزان توليد ممكن است هر سال به منظور تعيين "‌ظرفيت توليد تصحيح شده" به شرح مقرر در ماده 24 مشتركاً مورد تجديد نظر قرار‌گيرد برنامه مزبور با روش صحيح صنعت نفت انطباق داشته باشد.
	+ ‌ماده 24 ـ روش برداشت نفت خام ‌جزء 1 ـ به مجرد اين كه ميداني تجاري اعلام گرديد شركت و اراپ يك كميسيون تعيين سهميه چهار نفري كه دو نفر از آنها را شركت و دو نفر را اراپ‌تعيين خواهند كرد تشكيل خواهند داد. اعضاي كميسيون تعيين سهميه بعد از مطلع شدن از احتياجات طرفين قبل از تاريخ 30 ژوئن هر سال تشكيل‌جلسه خواهند داد تا در آن تاريخ به پيمانكار كل اطلاع دهند كه در سال بعد چه مقدار نفت در سر چاه به نمايندگي از طرف شركت بايد برداشت كند و در‌محل بارگيري به منظور تأمين احتياجات طرفين تحويل دهد. ‌جزء 2 ـ هر يك از طرفين حق خواهند داشت كه در مدت اين قرارداد به طور متوسط سهميه خود را از درصد "‌ظرفيت توليد قابل بهره‌برداري" هر ميدان‌به موجب مقررات ماده 29 اين قرارداد در محل بارگيري در كشتي برداشت نمايد. كميسيون تعيين سهميه با در نظر گرفتن ظرفيت توليد قابل بهره‌برداري‌و مقادير مورد احتياج خود شركت و مقادير فروش تضمين شده مقرر در ماده 29 مقاديري را كه: ‌الف ـ براي استرداد وامهاي مربوط به مراحل ارزيابي و توسعه به موجب مقررات ماده 28 بايد تحويل اراپ شود. ب ـ طبق مقررات ماده 31 (‌فروش اختياري) بايد تحويل اراپ شود. تعيين خواهد كرد. ‌جزء 3 ـ براي اين كه امكان كسري برداشت طرفين و جبران اين قبيل كسر برداشت ملحوظ گردد حق برداشت طرفين را مي‌توان بر مبناي ظرفيت توليد‌قابل بهره‌برداري يا ظرفيت توليد تصحيح شده كه در هيچ مورد از 90 درجه ظرفيت توليد قابل بهره‌برداري كمتر نخواهد بود احتساب كرد. براي انجام‌اين منظور موافقت مي‌شود كه: ‌الف ـ چنانچه احتياجات طرفين با درصد سهميه هر يك از آنها بر مبناي ظرفيت توليد قابل بهره‌برداري مساوي باشد برنامه توليد سال مربوطه برابر با‌ظرفيت توليد قابل بهره‌برداري خواهد بود. ب ـ چنانچه احتياجات طرفين از درصد سهميه هر يك از آنها بر مبناي ظرفيت توليد قابل بهره‌برداري كمتر باشد هر دو طرف حق خواهند داشت كه‌كسري برداشت سهميه خود را در سالهاي بعد جبران نمايند. بر اي اين كه جبران كسري برداشت امكان‌پذير گردد حق برداشت هر يك از طرفين در سالهاي‌بعد بر مبناي ظرفيت توليد تصحيح شده احتساب خواهد شد و براي جبران كسري برداشت طرفين تفاوت بين ظرفيت توليد قابل بهره‌برداري و ظرفيت‌توليد تصحيح شده به نسبت كسري برداشت هر يك به آنها اختصاص داده خواهد شد. ج ـ چنانچه احتياجات يكي از طرفين از درصد سهميه او كه بر مبناي ظرفيت توليد قابل بهره‌برداري محاسبه شده كمتر باشد و احتياجات طرف ديگر با‌درصد سهميه او كه بر مبناي ظرفيت توليد قابل بهره‌برداري محاسبه شده مساوي باشد طرفي كه از درصد سهميه خود كمتر برداشت كرده حق خواهد‌داشت كه در ظرف سالهاي بعد مقاديري را كه كمتر از سهميه خود برداشت نموده است جبران نمايد و براي اين كه جبران مقادير مزبور امكان‌پذير گردد‌درصد سهميه طرفين در سالهاي بعد تا جبران نهايي مقادير مزبور بر مبناي ظرفيت توليد تصحيح شده احتساب خواهد شد و تفاوت بين ظرفيت توليد‌قابل بهره‌برداري و ظرفيت توليد تصحيح شده براي جبران كسري برداشت طرف مربوطه اختصاص داده خواهد شد. ‌د ـ چنانچه احتياجات يكي از طرفين بر مبناي ظرفيت توليد قابل بهره‌برداري كمتر از درصد سهميه او باشد طرف ديگر مي‌تواند در صورت توافق هر دو‌طرف مقداري را كه به اين نحو موجود است برداشت نمايد و قيمت آن را بر مبناي بهاي واقعي منهاي 5 سنت در هر بشكه بپردازد و در اين صورت حق‌جبران كسري طرفي كه از سهميه خود كمتر برداشت نموده از وي سلب خواهد شد. ‌جزء 4 ـ شركت تعهد مي‌نمايد مقادير مشروحه فوق را برداشت نموده و در محل بارگيري تحويل دهد و هر دو طرف تا آنجايي كه به آنها مربوط است‌متعهدند در مورد مقدار مورد احتياج خود به شرحي كه اعلام نموده‌اند آن مقدار را تحويل گيرند. ‌استرداد پيش پرداخت ـ حق‌الزحمه اراپ و فروش نفت ‌الف ـ استرداد پيش پرداخت
	+ ‌ماده 25 ـ روش تأمين مخارج ‌جزء 1 ـ تا زماني كه شركت نتواند از محل درآمد حاصله از عمليات مقرر در اين قرارداد هزينه‌هاي عمليات ارزيابي و توسعه و تأمين كند اراپ وجوه‌لازم براي هزينه‌هاي مزبور را فراهم خواهد نمود. ‌جزء 2 ـ اراپ در هر حال كليه وجوه لازم براي مخارج اكتشاف را فراهم خواهد نمود و همچنين اراپ هزينه‌هاي برنامه‌هاي ارزيابي و توسعه و نيز‌وسائلي كه براي تحويل نفت در محل بارگيري و براي انبار كردن و بارگيري نفت در كشتي جهت صدور لازم است تأمين خواهد نمود. تفاهم حاصل‌است كه موقعي كه توليد به ميزان تجاري شروع شود وجوهي كه در هر سال مالي از عمليات مقرر در اين قرارداد عايد شركت مي‌گردد براي پرداخت‌هزينه‌هاي ارزيابي و توسعه در سال مالي بعد تخصيص داده خواهدشد و به اين ترتيب اراپ فقط مسئول تأمين بقيه مخارج خواهد بود. ‌جزء 3 ـ به موجب اين قرارداد درآمد خالصي كه ساليانه از عمليات عايد شركت مي‌شود تفاوت بين دو قلم زير خواهد بود: ‌الف ـ دريافتي‌هاي شركت ‌فروش نفت به وسيله شركت به اراپ (‌رجوع شود به ماده 29). ‌فروش مستقيم به وسيله شركت به اشخاص ثالث منجمله براي مصارف ‌داخلي. ‌فروش نفت به وسيله اراپ به عنوان واسطه شركت (‌رجوع شود به مواد 31 و 32 اين قرارداد). ب ـ پرداختيهاي شركت ‌پرداختيهايي كه بعد از هر فروش بايستي به شرح مقرر در بند (‌الف) و (ب) جزء 5 اين ماده بابت هزينه عمليات به صندوق هزينه‌هاي جاري واريز گردد. ‌وجوهي كه در نتيجه افزايش سهم پرداختي طرفين به صندوق هزينه‌هاي جاري در سال مربوطه بر طبق مقررات بند (ج) جزء 5 اين ماده بايد به صندوق‌مزبور بپردازد. ‌استرداد وامهاي مربوط به عمليات ارزيابي و توسعه و بهره متعلقه به آن براي سال مربوطه (‌رجوع شود به ماده 28). ‌استرداد وامهاي مربوط به عمليات اكتشافي در سال مربوط (‌رجوع شود به ماده 27). ‌به اضافه استهلاك ساليانه هزينه‌هايي كه شركت براي تهيه اسناد زمين‌شناسي و ژئوفيزيكي مربوط به نواحي اصلي متحمل شده است (‌رجوع شود به‌بند ب از جزء 2 ماده 29). ‌عين مالياتهايي كه شركت بابت فروش نفت بايد بپردازد. ‌جزء 1 ـ وجوهي كه بايد از طرف اراپ بر طبق مقررات جزء 1 و 2 اين ماده تأديه شود فراهم خواهد شد و بر طبق روش زير مورد استفاده قرار خواهد‌گرفت: ‌الف ـ حسابهاي مخصوصي در ايران و يا در فرانسه گشوده خواهد شد كه اراپ وجوه لازم را بر اساس برآورد هزينه‌ها كه به وسيله پيمانكار كل به‌عمل‌خواهد آمد در آن واريز خواهد نمود. ب ـ پيمانكار كل اختيار خواهد داشت كه بابت كليه پرداختهايي كه به‌شرح مذكور در فوق بايد به وسيله اراپ به عمل آيد از حسابهاي مزبور براي‌دريافت وجه استفاده كند. ج ـ اراپ تضمين مي‌نمايد كه در همه اوقات وجوه كافي در حسابهاي مزبور نگاهداري گردد تا كليه هزينه‌هايي كه پيمانكار كل به طور صحيح صرف‌نموده است به موقع پرداخت كند. ‌د ـ موقعي كه وجوه لازم براي عمليات مرحله توليد از محل درآمدهاي حاصله قابل پرداخت باشد به طوري كه اراپ تعهدي براي تهيه وامهاي ديگري‌براي عمليات ارزيابي و توسعه نداشته باشد حسابهاي مزبور بسته شده و تتمه آن (‌در صورت وجود تتمه‌اي) به اراپ برگشت داده خواهد شد. ‌جزء 5 ـ الف ـ هزينه‌هاي جاري هر يك از ميدانها كه به مرحله بهره‌برداري تجاري برسد از صندوق كل هزينه‌هاي جاري كه وجوه آن مشتركاً به وسيله‌شركت و اراپ تأمين و نگاهداري مي‌شود پرداخت خواهد شد. ميزان وجوه اوليه صندوق مزبور به محض اين كه شركت و اراپ ظرفيت توليد قابل‌بهره‌برداري اولين ميدان را براي رسيدن به مرحله بهره‌برداري تعيين نمودند يا توافق طرفين معين خواهد گرديد. ب ـ هزينه‌هاي جاري از صندوق مزبور پرداخت خواهد گرديد و شركت وجوه مربوطه را به صندوق مسترد خواهد داشت به اين نحو كه به شركت بعد‌از هر فقره فروش مبلغي را كه بابت هزينه‌هاي جاري جزء بهاي نفت مورد فروش طبق تعريف ماده 29 منظور شده به بستانكار حساب صندوق مزبور‌واريز خواهد كرد. ج ـ ميزان وجوه صندوق در فواصل معين بر حسب تغييراتي كه در ميزان هزينه‌هاي جاري به عمل مي‌آيد تعديل خواهد شد. ‌د ـ مشاركت اراپ در ايجاد و نگاهداري صندوق مزبور طبق مقررات زير خواهد بود: ‌نسبت وجوه پرداختي اراپ به كل وجوه پرداختي به صندوق مزبور معادل نسبت درصد توليد كه طبق مقررات ماده 29 به اراپ تخصيص داده شده‌است خواهد بود. ه ـ وجوه پرداختي هر يك از طرفين در ملكيت آنها خواهد ماند و به‌عنوان پيش پرداخت حساب جاري تلقي خواهد شد و تتمه آن در پايان دوره‌قرارداد كلاً و در هر موقعي كه توافق شود كه نگاهداري تمام موجودي صندوق مورد احتياج نيست جزاً به طرفين مسترد خواهد گرديد.
	+ ‌ماده 26 ـ نحوه عمل در مورد پيش پرداختهاي اراپ ‌جزء 1 ـ وجوهي كه به توسط اراپ به موجب جزء 1 و 2 ماده 25 اين قرارداد به طور پيش پرداخت تأديه مي‌شود به عنوان وامي تلقي خواهد شد كه در‌اختيار شركت گذارده مي‌شود ولي نوع هر يك از وامهاي مزبور بستگي به ماهيت مخارجي دارد كه وام براي آن مخارج مورد استفاده قرار مي‌گيرد. ‌جزء 2 ـ وجوهي كه براي اجراي برنامه‌هاي اكتشافي منجمله حفاري اولين چاه تجاري در هر يك از نواحي بهره‌برداري به مصرف مي‌رسد به‌عنوان‌وامهاي اكتشافي تلقي خواهد شد كه استرداد آنها مشروط به شروع و ادامه توليد به ميزان تجاري به نحو مقرر در ماده 27 اين قرارداد خواهد بود. ‌جزء 3 ـ در مورد وجوهي كه براي اجراي برنامه‌هاي ارزيابي به مصرف مي‌رسد به شرح زير عمل خواهد شد: ‌الف ـ وجوه مزبور چنانچه به مصرف چاههاي ارزيابي فاقد نفت (‌در هر كجا كه چنين چاههايي حفر شده باشد) برسد يا چنانچه به مصرف چاههاي‌ارزيابي برسد كه در يكي از نواحي بهره‌برداري حفر گرديده ولي آن ناحيه ميدان تجاري شناخته نشده باشد وام اكتشافي تلقي خواهد گرديد (‌رجوع شود‌به ماده 27). ب ـ وجوه مزبور چنانچه به مصرف ارزيابي چاههاي تجاري (‌در هر كجا كه چنين چاههايي حفر گرديده باشد) برسد وام توسعه‌اي تلقي خواهد شد (‌رجوع شود به ماده 28) اعم از اين كه: 1 ـ در ناحيه بهره‌برداري باشد كه به عنوان ذخيره ملي مشروحه در ماده 21 كنار گذارده شده است يا. 2 ـ در ناحيه بهره‌برداري باشد كه به موجب اين قرارداد آن بهره‌برداري مي‌شود. ‌جزء 4 ـ وجوهي كه براي انجام برنامه‌هاي توسعه‌اي به مصرف مي‌رسد وام توسعه‌اي تلقي خواهد شد (‌رجوع شود به ماده 28). ‌جزء 5 ـ وامهاي مذكور در جزء 3 و 4 اين ماده در 31 دسامبر هر سال تا حدودي كه به مصرف هزينه‌هاي واقعي پيمانكار كل در آن سال رسيده و طبق‌روش مقرر در ماده 12 حسابرسي شده باشد يك كاسه خواهند گرديد ولي به منظور احتساب بهره متعلقه به وامهاي مزبور (‌رجوع شود به ماده 28) يك‌كاسه نمودن وامها عطف به ماسبق شده و براي هر دوره سه‌ماهه سال يك بار عملي خواهد شد و بهره از آخرين روز هر دوره سه‌ماهه مالي احتساب‌خواهد گرديد.
	+ ‌ماده 27 ـ استرداد وامهاي اكتشافي ‌جزء 1 ـ وامهايي كه براي هزينه‌هاي اكتشافي در نواحي واقع در خشكي و در دريا به وسيله اراپ در اختيار شركت گذارده مي‌شود (‌رجوع شود به جزء2 و بند الف جزء 3 ماده 26 قرارداد) بدون بهره بوده و مطابق ميزان استهلاك كه شركت به حساب مخارج توليد منظور مي‌دارد به اراپ مسترد خواهد‌گشت. به جزء در مواردي كه مقررات جزء 6 از ماده 20 اين قرارداد اجرا مي‌گردد استهلاكهاي ساليانه مزبور معادل خواهد بود با يك پانزدهم كليه‌هزينه‌هاي اكتشاف تا تاريخ 31 دسامبر سال مربوطه و يا ده سنت آمريكايي براي هر بشكه نفت خام توليد و يا حفظ شده (‌هركدام كه بيشتر باشد). ‌جزء 2 ـ اراپ به منظور استرداد وجوه فوق حق خواهد داشت كه مبلغي معادل استهلاك ساليانه مزبور را از قيمت خريد نفت خام تحويلي شركت به‌اراپ (‌طبق ماده 29) كه اراپ بايستي به شركت بپردازد كسر نمايد. ‌جزء 3 ـ مبلغ استهلاك ساليانه در موقع شروع توليد به ميزان تجاري احتساب و در آخر هر سال با در نظر گرفتن عوامل زير تعديل خواهد گرديد: ‌الف ـ هزينه‌هاي اكتشافي بعد در صورتي كه صرف شده باشد. ب ـ هزينه‌هاي مربوط به چاههاي ارزيابي فاقد نفت مقرر در بند (‌الف) از جزء 3 ماده 26. ج ـ مخارج مربوط به چاههاي ارزيابي كه در ناحيه بهره‌برداري حفر گرديده و آن ناحيه ميدان تجاري شناخته نشده باشد (‌طبق بند الف از جزء3). ماده26 ‌د ـ مقادير واقعي نفتي كه از ميدانهايي كه به موجب مقررات قرارداد وارد مرحله توسعه شده است توليد و حفظ شده باشد به اين ترتيب كه اگر در مورد‌استهلاك هزينه‌هاي اكتشاف مبناي احتساب تعداد معين سنت براي هر بشكه ملاك عمل قرار نگيرد مبلغ استهلاك ساليانه براي هر بشكه مساوي با يك‌پانزدهم كليه هزينه‌هاي اكتشاف تقسيم بر مقدار كل نفت خامي كه در سال مربوطه توليد و حفظ گرديده است بشود.
	+ ‌ماده 28 ـ استرداد وامهاي مربوط به عمليات ارزيابي و توسعه ‌جزء 1 ـ وامهايي را كه اراپ براي تأمين هزينه‌هاي ارزيابي نواحي بهره‌برداري (‌رجوع شود به بند ب از جزء 3 ماده 26) و تأمين هزينه‌هاي توسعه‌ميدانهاي تجاري (‌كه به وسيله پيمانكار كل انجام شده) به شركت مي‌دهد شركت بايد با بهره‌اي به شرح محاسبه مندرج در جزء 5 اين ماده ظرف مدت 5‌سال و هر سال مبلغي معادل يك پنجم وامهاي مزبور به‌طريقي كه در اين ماده مقرر گرديده است به اراپ مسترد نمايد. ‌جزء 2 ـ پرداخت اقساط طي پنج سال مذكور در جزء 1 فوق از تاريخ شروع توليد به ميزان تجاري در هر يك از ميدانهاي نفت بر طبق يكي از روشهاي‌زير به انتخاب شركت به عمل خواهد آمد: ‌الف ـ استرداد نقدي وامهاي فوق‌الذكر با بهره متعلقه در نه قسط مساوي 6‌ماهه كه اولين قسط 6 ماه بعد از تاريخ شروع توليد به ميزان تجاري خواهد‌بود پرداخت شود يا. ب ـ استرداد وامهاي فوق‌الذكر و بهره متعلقه از طريق فروش نفت خام به شرح زير به عمل آيد: 1 ـ اراپ به عنوان واسطه به نمايندگي از طرف شركت ساليانه حداكثر يك ميليون تن نفت به مدت پنج سال از تاريخ شروع توليد به ميزان تجاري‌خواهد فروخت و وجوه حاصله از فروش مزبور را كه بر اساس قيمتهاي واقعي منهاي دو درصد حق‌العمل احتساب خواهد شد نزد خود نگاه خواهند‌داشت. 2 ـ هرگاه وجوه حاصله از فروش مذكور در قسمت 1 بند (ب) فوق كمتر از يك پنجم مبلغ وام فوق‌الذكر و بهره متعلقه به آن باشد اراپ حق خواهد‌داشت از قيمت خريد مربوط به فروش تضمين شده مشروحه در ماده 29 مبلغي معادل اقلام (ه) و (‌و) از جزء 2 ماده مذكور نزد خود نگاهدارد. 3 ـ هرگاه در آخر سال پرداختهاي مذكور در قسمت (1) و (2) اين بند كفاف قسط ساليانه را ننمايد شركت مبلغ باقيمانده را نقداً پرداخت خواهد نمود‌يا. ج ـ استرداد وامهاي فوق‌الذكر و بهره متعلقه به آن قسمتي بر طبق مقررات بند (‌الف) و قسمتي بر طبق مقررات بند (ب) فوق به عمل آيد. ‌جزء 3 ـ شركت قبل از آغاز مرحله توسعه به اراپ اطلاع خواهد داد كه كدام از يك شقوق مقرر در جزء 2 اين ماده را انتخاب نموده است اين انتخاب در‌مورد هر يك از ميدانها براي مدت پنج سال قطعيت خواهد داشت. ‌جزء 4 ـ مقررات قسمت (1) از بند (ب) جزء 2 فوق فقط براي مدت 5 سال بعد از تاريخ شروع توليد به ميزان تجاري در اولين ميدان تجاري قابل اجراء‌خواهد بود. ‌جزء 5 ـ هر يك از اقساط ساليانه مشتمل بر مبلغي بابت استرداد وام بهره متعلقه به آن خواهد بود بهره مزبور مشمول ماليات نبوده و بر مبناي نرخ بهره‌بانك فرانسه به اضافه 2.5 درصد احتساب خواهد شد. تاريخ شروع احتساب بهره تاريخ يك كاسه كردن وامها به شرح مذكور در جزء 5 ماده 26 خواهد‌بود براي محاسبه اقساط ساليانه مذكور مبلغ وامها به طور متوالي و به ترتيب تاريخ به حساب خواهد آمد و احتساب بهره در تاريخهاي زير به‌عمل‌ خواهد آمد: ‌الف ـ در صورت انتخاب شق (‌الف) يا (ج) مذكور در جزء 2 فوق در تاريخ سررسيد قسط هر شش ماه يك بار و در صورتي كه مقررات قسمت (3) بند(ب) از جزء 2 فوق ملاك عمل قرار گيرد هر سال يك بار يا. ب ـ در مورد فروشهاي مقرر در قسمتهاي (1) و (2) بند (ب) از جزء 2 فوق در پايان هر دوره 3‌ماهه متوالي متعاقب تاريخ تحويل. ب ـ حق‌الزحمه اراپ
	+ ‌ماده 29 ـ فروش تضمين شده به اراپ ـ تعيين مقدار و قيمت ‌جزء 1 ـ در ظرف مدت 25 سال كه تاريخ شروع آن تاريخ آغاز توليد به ميزان تجاري در هر يك از ميدانها خواهد بود شركت متعهد است كه از 35‌درصد تا 45 درصد از ظرفيت توليد قابل بهره‌برداري يا تصحيح شده هر ميدان را (‌رجوع شود به مواد 23 و 24) به قيمتهاي مشروحه زير به‌صورت‌فوب در محل بارگيري در كشتي به اراپ بفروشد. براي انجام اين منظور شركت مقدار درصدي از ظرفيت توليد مزبور را كه بر اساس فاصله ميدان تا كنار‌دريا و بر مبناي طول لوله نفت خام از ميدان مزبوره به محل بارگيري براي صدور تعيين خواهد شد به اراپ اختصاص خواهد داد تعيين نسبت درصد‌مربوطه به شرح زير خواهد بود: ‌الف ـ چنانچه ميدان در فاصله 100 كيلومتري يا در فاصله كمتري از كنار دريا قرار گرفته باشد 35 درصد. ب ـ چنانچه ميدان در فاصله 500 كيلومتري يا در فاصله بيشتري از كنار دريا قرار گرفته باشد 45 درصد. ج ـ چنانچه ميدان در فاصله بين 100 كيلومتر تا 500 كيلومتر از كنار دريا واقع شده باشد ميزان درصد متناسب با فاصله مربوطه بين 35 درصد تا 45‌درصد. ‌جزء 2 ـ در مورد فروشهاي تضمين شده مقرر در فوق قيمت خريدي كه اراپ به شركت خواهد پرداخت از حاصل جمع اقلام زير به دست خواهد آمد: ‌الف ـ مبلغي معادل استهلاك هزينه‌هاي اكتشاف مذكور در جزء 2 و بند (‌الف) از جزء 3 ماده 26. ب ـ مبلغي معادل استهلاك ساليانه هر بشكه بابت مخارج شركت براي تهيه اسناد زمين‌شناسي و ژئوفيزيكي مربوط به نواحي اصلي كه قبل از آغاز‌عمليات اكتشافي به اطلاع اراپ رسانيده شده باشد. استهلاك مزبور به‌نحو مقرر در جزء 1 ماده 27 اين قرارداد احتساب خواهد شد. ج ـ مبلغي معادل استهلاك ساليانه هزينه عمليات ارزيابي و توسعه كه براي تأمين ظرفيت توليد قابل بهره‌برداري ميدان مربوطه مورد نياز است با رعايت‌ نكات زير: 1 ـ مبلغ استهلاك ساليانه مزبور براي هر بشكه بر حسب نسبت هزينه عمليات ارزيابي و توسعه به آن مقدار فرضي نفتي كه در نتيجه ضرب نمودن‌ظرفيت توليد قابل بهره‌برداري ساليانه در عدد ده (‌سال) به دست مي‌آيد احتساب خواهد شد نرخ استهلاك ساليانه مزبور بر طبق مقررات قسمتهاي 2 و3 زير عنداللزوم تعديل خواهد گرديد. 2 ـ چنانچه در پايان 5 سال اول مقادير واقعي نفت توليدي كمتر از كل مقدار تخصيص يافته بر مبناي ظرفيت قابل بهره‌برداري مشروحه در (1) فوق‌باشد نرخ استهلاك ساليانه به طوري افزايش خواهد يافت كه ظرف مدت پنج سال بعد سرمايه‌اي را كه براي عمليات ارزيابي و توسعه به كار رفته به توان‌كاملاً مستهلك نمود. 2 ـ چنانچه وسائل حمل و بارگيري براي تحويل نفت خامي كه از پيش از يك ميدان توليد شده به كار رود هزينه آنها (‌كه معادل با مبلغ استهلاك ‌تأسيسات مزبور طبق محاسبه فوق‌الذكر در اين جزء خواهد بود) در آخر سال بر طبق برداشتهاي واقعي از هر ميدان تعديل خواهد گرديد. ‌د ـ مبلغي معادل هزينه‌هاي جاري هر بشكه بابت مخارج توليد و حمل و نقل و انبار كردن و بارگيري در مورد هر ميدان كه از طريق صندوق كل‌هزينه‌هاي جاري مشروحه در جزء 5 ماده 25 تأمين گرديده است. ه ـ مبلغي معادل 2 درصد جمع اقلام (‌الف) و (ب) و (ج) و (‌د) فوق. ‌و ـ مبلغي معادل 50 درصد از مابه‌التفاوت بين قيمت واقعي هر بشكه كه طبق ماده 30 تعيين مي‌شود و جمع اقلام (‌الف) و (ب) و (ج) و (‌د) فوق‌تفاهم حاصل است كه ميزان 50 درصد مذكور فوق معادل نرخ ماليات بر درآمدي مي‌باشد كه در مواقع مختلف شامل شركت‌هايي كه با همكاري شركت‌در ايران به كار مشغولند مي‌شود. ‌جزء 3 ـ اراپ به شرط رعايت مقررات مواد 27 و 28 راجع به استرداد وامها قيمت خريد نفت خامي را كه به نحو مشروحه فوق تحويل او گردد در‌خاتمه هر مدت سه‌ماهه مالي پرداخت خواهد نمود.
	+ ‌ماده 30 ـ تعيين قيمت واقعي ‌جزء 1 ـ قيمت واقعي مذكور در مواد 28 و 19 و 30 به نحو زير تعيين خواهد گرديد: ‌الف ـ يك كميسيون چهار نفري مركب از افرادي كه در امور صنعت نفت تخصص داشته و دو نفر آنها از طرف شركت و دو نفر ديگر از طرف اراپ‌تعيين خواهند گرديد دو بار در هر سال در آخر ماه مارس و سپتامبر براي انجام منظورهاي زير تشكيل جلسه خواهند داد. تحقيق و تعيين قيمتهاي‌فروش فوب نفت خام كه در خليج فارس به اشخاص ثالث تحويل و فروخته شده پس از مطالعه اسناد و مدارك و به هر وسيله ديگري كه بتوان‌اطلاعات دقيق و صحيح را به دست آورد. تعيين قيمت واقعي نفت خامي كه به موجب اين قرارداد به اراپ تحويل مي‌گردد بر مبناي اطلاعاتي كه به‌طريق فوق به دست آمده باشد با در نظر گرفتن مقادير نسبي فروشها و مدت قراردادهاي فروش و درجه و وزن مخصوص و نوع نفت خامي كه براي‌فروش عرضه شده است. ب ـ هرگاه كميسيون مذكور در بند (‌الف) فوق تشكيل جلسه داده ولي به توافق نرسد طرفين ابتدا نظر يك نفر متخصص ذيصلاحيت بين‌المللي‌بي‌طرف را كه با توافق طرفين انتخاب خواهد شد كسب خواهند نمود و چنانچه نظري كه از طرف متخصص مزبور اظهار مي‌گردد مورد قبول يكي از‌طرفين نباشد مقررات ماده 41 اجرا خواهد شد. ‌جزء 2 ـ منظور از اصطلاح "‌شخص ثالث" كه در اين ماده به كار برده شده عبارت است از هر مشتري اراپ كه چنانچه شركت باشد حداقل 51 درصد‌سرمايه آن متعلق به شركت يا شركتهايي غير از اعضاي تشكيل دهنده شركت فروشنده باشد. ج ـ فروشهاي اختياري
	+ ‌ماده 31 ـ فروشهاي وابسته به خريد اجناس و خدمات فرانسوي ‌جزء 1 ـ اراپ علاوه بر تعهد فروش نفت كه به موجب قسمت (1) از بند (ب) جزء 2 ماده 28 عهده‌دار گرديده است به عنوان واسطه شركت متعهد‌است كه مقادير نفت مشروحه زير را كه به موجب مقررات اين قرارداد توليد مي‌گردد به درخواست شركت ظرف مدتهاي مشروحه زير به بازارهاي‌جهاني صادر نمايد: ‌الف ـ سه ميليون تن در سال ظرف مدت پنج سال از تاريخ شروع توليد به ميزان تجاري. ب ـ چهار ميليون تن در سال ظرف مدت پنج سال دوم از تاريخ شروع توليد به ميزان تجاري. ‌جزء 2 ـ مقادير فوق شامل نفت خامي كه اراپ به موجب مقررات ماده 29 فوق خريداري مي‌نمايد نخواهد بود در اين مورد هرگاه با در نظر گرفتن‌مقررات ماده 29 راجع به فروشهاي تضمين شده 35 درصد تا 45 درصد ظرفيت توليد قابل بهره‌برداري ظرفيت توليد ميدان يا ميدانهاي نفت براي‌تحويل مقادير فوق‌الذكر كافي نباشد مقادير مزبور به نسبت ظرفيت توليد قابل بهره‌برداري ميدانهاي نفت تقليل داده خواهد شد. ‌جزء 3 ـ اراپ قيمت نفت خام تحويل شده به موجب اين ماده را بر مبناي قيمت واقعي شركت پرداخت خواهد نمود و در موقع پرداخت وجوه مزبور‌حق خواهد داشت دو درصد را به عنوان حق‌العمل برداشت نمايد. ‌جزء 4 ـ تفاهم حاصل است كه مقررات اين ماده موكول به اين خواهدبود كه دولت ايران طبق شرائطي كه بعداً تعيين خواهد شد وجوه حاصله از اين‌عمليات را صرف خريد لوازم و محصولات ساخت فرانسه به وسيله ايران به‌موجب توافق حاصله في‌مابين دولتين ايران و فرانسه و يا براي استفاده ‌ايران از خدمات فرانسوي طبق توافق حاصله في‌مابين دولتين مزبور بنمايد. ‌مقررات كلي
	+ ‌ماده 32 ـ گاز طبيعي ‌جزء 1 ـ گاز طبيعي كه توام با نفت خام توليد مي‌گردد. استفاده از گاز طبيعي كه تواماً با نفت خام توليد مي‌گردد با رعايت ترتيب تقدم به شرح مذكور در‌زير خواهد بود: ‌الف ـ استفاده پيمانكار كل در جريان عمليات كل. ب ـ احتياجات شركت براي مصرف داخلي در ايران. ج ـ تخصيص به طرفين به نسبت مقرر در ماده 29. ‌در موارد مذكور در بند (‌الف) و (ب) فوق گاز در سر دستگاههاي تفكيك نفت و گاز تحويل خواهد شد و هيچ يك از طرفين به هيچ عنوان از اين بابت‌پرداختي به طرف ديگر نخواهد نمود. در مورد مقادير گازي كه به‌موجب بند (ج) فوق به اراپ تحويل مي‌شود قيمتي كه به شركت قابل پرداخت خواهد‌بود با توافق في‌مابين طرفين و بر مبناي اصولي كه براي تعيين قيمت نفت خام در اين قرارداد مقرر شده است تعيين خواهد گرديد. ‌جزء 2 ـ در صورت كشف يك ميدان گاز طبيعي اراپ يكي از دو شق مذكور در زير را انتخاب نموده مراتب را به اطلاع شركت خواهد رسانيد: ‌الف ـ اراپ هر گونه حقوقي را در مورد چنين ميدان مكشوفه‌اي از خود سلب مي‌نمايد. در اين صورت كليه مخارجي كه براي ميدان مزبور شده است از‌مبلغ حداقل تعهدات عمليات اكتشافي قابل كسر بوده و براي ميدانهاي نفت خام كه وارد مرحله بهره‌برداري شده است منظور خواهد شد. ب ـ اراپ تصميم مي‌گيرد از حقوق خود استفاده نمايد در اين صورت درباره شرايط بهره‌برداري شركت و اراپ از اين قبيل ميدانهاي گاز (‌كه تا حد‌امكان با ساير مقررات اين قرارداد هماهنگ خواهد بود) في‌مابين طرفين توافق به عمل خواهد آمد از لحاظ اين ماده اصطلاح ميدان گاز طبيعي عبارت‌است از ميداني كه فقط داراي ذخائر گاز باشد و نيز ميداني كه هم داراي نفت خام و هم گاز بوده ولي نتوان آن را ميدان تجاري نفت شناخت.
	+ ‌ماده 33 ـ انتقال و واگذاري ‌جزء 1 ـ اراپ به شرط موافقت شركت مي‌تواند قراردادهاي مشاركت با يك يا چند شركت نفتي اروپايي امضاء نمايد و به موجب آن قراردادهاي شركت‌يا شركتهاي مزبور را در عمليات و مخارج و حقوق و منافع مقرر در اين قرارداد سهيم سازد مشروط بر آن كه: ‌الف ـ مجموع منافع و سهام چنين شركت يا شركتها از 49 درصد كل سهام و منافع موضوع اين قرارداد تجاوز ننمايد تا بدين وسيله اراپ بتواند نظارت و‌كنترل خود را به نحو مؤثري بر عمليات شركاء مزبور حفظ نمايد و ب ـ عملياتي را كه شركت يا شركتهاي مزبور به عهده مي‌گيرند به‌طور وضوح معين شده باشد و اراپ در همه اوقات در قبال شركت مسئول انجام‌تعهدات شركت يا شركتهاي مزبور باقي بماند. ‌جزء 2 ـ طرفين موافقت مي‌نمايند كه به شرط رعايت مقررات بندهاي (‌الف) و (ب) فوق اراپ در همه اوقات مجاز خواهد بود كه شركت وابسته خود‌موسوم به سوسيته ناسيونال ده پترول دآكيتن S.N.P.A‌را در فعاليتهاي فني و مالي خود به نحوي كه در اين قرارداد تعريف گرديده است شريك سازد‌در اين صورت سوسيته ناسيونال ده پترول دآكيتن با اعلام كتبي اراپ به شركت خودبخود به عنوان يكي از طرفهاي اين قرارداد شناخته خواهد شد. ‌جزء 3 ـ اراپ و سوسيته ناسيونال ده پترول دآكيتن در هر موقع و گاه‌بگاه مي‌توانند تمام يا قسمتي از منافع خود نسبت به حقوقي كه تحصيل نموده‌اند‌و تعهداتي كه به موجب اين قرارداد بر عهده گرفته‌اند به‌شركتهاي زير انتقال دهند: ‌الف ـ شركت يا شركتهايي كه كنترل هر يك از آنها را در اختيار داشته باشند. ب ـ شركت يا شركتهايي كه تحت كنترل آنها باشند. ج ـ شركت يا شركتهايي كه تحت كنترل هر شركت يا شركتهايي كه در بند (‌الف) يا (ب) فوق تعريف گرديده است باشند، از لحاظ مقررات اين بند ‌منظور از كنترل يك شركت عبارت است از مالكيت مستقيم يا غير مستقيم اكثريت سهام آن شركت. چنين انتقالي طرف انتقال دهنده را از تعهداتي كه‌طبق اين قرارداد بر عهده دارد به هيچ وجه معاف و بري نخواهد كرد. ‌جزء 4 ـ هر گونه انتقال توسط اراپ يا سوسيته ناسيونال ده پترول دآكيتن به جز آنچه كه طبق جزء‌هاي 2 و 3 فوق مجاز گرديده است محتاج به كسب‌موافقت كتبي و قبلي شركت خواهد بود و شركت بايد قبل از ابراز موافقت تاييد هيأت وزيران و تصويب قوه مقننه را نيز تحصيل نمايد. ‌جزء 5 ـ هر گونه انتقالي كه به موجب مقررات اين ماده عملي گردد از پرداخت هر گونه ماليات انتقال و حقوق و عوارضي معاف خواهد بود.
	+ ‌ماده 34 ـ اطلاعات محرمانه ‌اراپ و پيمانكار كل كليه طرحهاي نقشه‌ها مقاطع و گزارشها و جداول و اطلاعات علمي و فني و هر گونه اطلاعات مشابه مربوط به عمليات فني‌پيمانكار كل را كه به موجب اين قرارداد مقرر گرديده محرمانه تلقي خواهند كرد. بدين معني كه مندرجات يا مفهوم آنها نبايد به وسيله اراپ و پيمانكار‌كل بدون رضايت شركت افشا شود شركت از دادن رضايت بدون دليل موجه امتناع يا در اعلام آن تأخير نخواهد كرد.
	+ ‌ماده 35 ـ واردات و گمرك 1 ـ كليه ماشين آلات ـ وسائل ـ وسائط نقليه آبي ـ دستگاهها ـ افزار ـ ادوات ـ قطعات يدكي ـ مصالح ـ الوار ـ مواد شيميايي ـ مواد ضروري براي‌اختلاط و امتزاج ـ وسائل خودرو و ساير وسائط نقليه ـ هواپيما ـ هر نوع مصالح ساختماني ـ آلات فولادي ـ اشياء و اثاثيه و لوازم اداري ـ حوائج‌كشتي ـ مواد خواربار ـ البسه و لوازم استحفاظي دستگاههاي تعليماتي ـ محصولات نفتي كه در ايران به دست نيايد و كليه اجناس ديگري كه منحصراً‌از لحاظ صرفه‌جويي و حسن جريان عمليات و وظايف پيمانكار كل ضروري باشد به نام شركت بدون پروانه ورودي و با معافيت از هر گونه حقوق‌گمركي و عوارض شهرداري و ساير مالياتها يا پرداختهاي ديگر به ايران وارد خواهد شد موارد فوق شامل حوائج طبي و جراحي و لوازم بيمارستان و‌محصولات طبي و دارو و اسباب طبي و اثاثيه و ادواتي كه در تأسيس و گرداندن بيمارستان و داروخانه ضروري باشد نيز خواهد بود. 2 ـ پيمانكار كل با اطلاع شركت حق خواهد داشت در هر موقع كه مايل باشد اشيايي را كه به وسيله او وارد شده بدون هيچگونه پروانه و با معافيت از‌هر گونه حقوق و ماليات و يا پرداختي مجدداً صادر نمايد. 3 ـ پيمانكار كل نيز حق خواهد داشت با تصويب شركت كه بدون جهت از تصويب مزبور خودداري نشده و تأخير در آن رخ نخواهد داد اشيايي را كه به‌طور موقت وارد كرده‌اند در ايران به فروش رسانند. در اين صورت مسئوليت پرداخت حقوق مربوطه و همچنين انجام تشريفات لازمه طبق مقررات‌جاري و تهيه اسناد ترخيص براي پيمانكار كل به عهده خريدار خواهد بود. 4 ـ اجناسي كه براي استفاده و مصرف كاركنان پيمانكار كل و وابستگان تحت تكفل كاركنان مزبور مناسب تشخيص گردد بدون لزوم هيچگونه پروانه‌ورودي و يا معافيت از مقررات هر نوع انحصار دولتي ولي با پرداخت حقوق گمركي و ساير مالياتهايي كه در موقع ورود معمولاً به آن تعلق مي‌گيرد وارد‌خواهد شد. اين قبيل اجناس قابل فروش نخواهد بود مگر به‌كاركنان و مكفولين مذكور آن هم منحصراً براي استفاده و مصرف آنها. 5 ـ بدون آن كه در كليات حقوق فوق‌الذكر محدوديتي حاصل شود پيمانكار كل در تحصيل لوازم و حوايج خود بايد نسبت به اشيايي كه در ايران ساخته‌و مهيا مي‌شود رجحان قائل شود با اين قيد كه اشياء مذكور با مقايسه با اشياء مشابه خارجي با همان شرائط مساعد از لحاظ نوع جنس و قيمت و‌سهل‌الحصول بودن آن در موقع لزوم به مقادير مورد نياز و قابل مصرف بودن آن در مواردي كه براي آن منظور شده در ايران به دست بيايد. در مقايسه‌قيمت اشياء وارداتي با اشياء ساخته و مهيا شده در ايران كرايه و هر گونه حقوق گمركي كه طبق اين قرارداد نسبت به اشياء وارداتي مزبور قابل پرداخت‌باشد بايد ملحوظ گردد. 6 ـ كليه واردات و صادرات مذكور در اين قرارداد مشمول تنظيم اسناد و تشريفات گمركي بوده كه اين تكاليف از آنچه معمولاً مجري است سنگين‌تر‌نخواهد بود (‌ولي مشمول پرداختهايي كه به موجب مقررات مربوطه اين قرارداد از آن معاف گرديده نمي‌باشد) اين قبيل تشريفات و تنظيم اسناد به طور‌ساده و سريع انجام خواهد شد و به اين منظور بين شركتهاي مربوطه و مقامات گمركي ممكن است عنداللزوم ترتيبات مقتضي داده شود.
	+ ‌ماده 36 ـ ماليات ‌هيچ قسمت از وظائفي كه اراپ به موجب اين قرارداد بر عهده گرفته است مشمول ماليات نخواهد بود عمليات پيمانكار كل به لحاظ اين كه غير انتفاعي‌مي‌باشد مشمول ماليات نخواهد بود شركت در مورد درآمد ويژه خود از فروش نفت كه به موجب اين قرارداد به عمل مي‌آيد بر طبق مقررات اساسنامه‌خود مشمول ماليات خواهد بود. در مواردي كه پيمانكار كل قسمتي از عمليات خود را به پيمانكار فرعي واگذار مي‌نمايد مقررات مالياتي جاري ايران در‌مورد پيمانكار فرعي مزبور قابل اجرا خواهد بود.
	+ ‌ماده 37 ـ پول رايج و ارز خارجي ‌جزء 1 ـ به منظور تأمين احتياجات پيمانكار كل اراپ وجوه لازم را به‌فرانك فرانسه يا فرانك قابل تبديل فرانسه (‌هر كدام كه مورد پيدا كند) در حساب‌يا حسابهاي مخصوص مذكور در جزء 4 از ماده 25 اين قرارداد واريز خواهد نمود. ‌جزء 2 ـ شركت وامهايي را كه اراپ به او مي‌دهد به فرانك فرانسه بر طبق مقررات جزء 3 اين ماده مسترد خواهد كرد. بدون آن كه در كليات مراتب فوق‌محدوديتي حاصل شود اراپ قيمت خريد مقادير فروشهاي تضمين شده مقرر در ماده 29 را به فرانك فرانسه كه قابل تبديل باشد پرداخت خواهد كرد. ‌جزء 3 ـ در مورد وامهاي مربوط به عمليات ارزيابي و يا توسعه اراپ مي‌تواند آزادانه تصميم بگيرد كه وامهاي مزبور را به چه پول رايجي تأديه نمايد و‌شركت وامهاي مزبور را به همان پول مسترد خواهد ساخت. ‌جزء 4 ـ دفاتر اصلي و محاسبات پيمانكار كل به فرانك فرانسه نگاهداري خواهد شد و به اين منظور تبديل پول رايج ايران و يا دلار امريكا و يا هر پول‌ديگري كه براي عمليات پيمانكار كل مورد احتياج باشد به نرخ متوسط ماهيانه‌اي تسعير خواهد شد كه اراپ و يا شركت وابسته‌اش به آن نرخ پول ايران‌و يا دلار آمريكايي و يا هر پول ديگري را براي عمليات پيمانكار كل در همان ماه با فرانك فرانسه خريداري كرده‌اند و هرگاه اين گونه خريداري ظرف‌ ماه مزبور به عمل نيامده باشد نرخ خريد در نزديكترين ماه قبلي مأخذ تسعير خواهد بود. در آخر هر دوره ساليانه مابه‌التفاوت حاصل از تغييرات نرخ‌ارز كه در دفاتر مربوطه منعكس است بر حسب مورد به هزينه‌هاي جاري اضافه يا از آن كسر خواهد شد. ‌جزء 5 ـ دولت ايران وسائلي فراهم خواهد كرد كه اراپ و يا شركت وابسته به اراپ و يا پيمانكار كل مطمئناً بتوانند پول ايران و يا هر پول ديگري را كه‌براي عمليات پيمانكار كل مورد احتياج است در مقابل فرانك فرانسه و يا در مقابل پولي كه وامهاي مذكور در جزء 3 اين ماده به آن پول تأديه شده است‌به نرخ ارز بازرگاني بانك و بدون تبعيض عليه آنها خريداري نمايند. نرخ ارز بازرگاني بانك عبارت است از نرخ ارز رايج يا متداول بانك در روز مورد‌بحث براي خريد پول ايران در ازاء پول غيرايراني كه كلاً يا بعضاً از صدور كالاهاي عمده صادراتي ايران (‌به ترتيب ارزش) غير از نفت خام توليد شده‌در ايران و محصولات آن به دست آمده باشد اگر در هر موقع بيش از يك چنين نرخ بانك موجود باشد نرخ تسعير نرخي خواهد بود كه در مقابل آن‌حداكثر واحدهاي پول ايران به دست بيايد تمام بهاي گواهينامه ارزي و حق‌العمل و يا امثال آن جزء لاينفك نرخ ارز محسوب خواهد شد. ‌جزء 6 ـ اراپ و يا شركت وابسته به اراپ و يا پيمانكار كل ملزم به‌تبديل هيچ قسمت از وجوه خود به پول ايران نخواهند بود ولي وجوهي را كه براي‌پرداخت هزينه‌هاي عمليات خود در ايران لازم مي‌دانند بايد از طريق بانكهاي مجاز به پول ايراني تبديل كنند. ‌جزء 7 ـ در طول مدت اين قرارداد و پس از پايان آن اراپ و يا شركت وابسته به اراپ و يا پيمانكار كل ممنوع نخواهند بود از اين كه هر گونه وجوه يا‌دارايي را آزادانه در خارج از ايران داشته باشند يا آن را نقل و انتقال دهند ولو آن كه اين وجوه يا دارايي از عمليات آنها در ايران به دست آمده باشد و‌همچنين ممنوع نخواهند بود از اين كه حسابهايي به ارز خارجي در بانك ملي ايران داشته باشند و وجوه موجود در بستانكار حسابهاي خود را تا‌حدودي كه وجوه و دارايي‌هاي مزبور به وسيله اراپ و يا شركت وابسته به‌اراپ و يا پيمانكار كل طبق مقررات اين قرارداد به ايران وارد شده و يا از‌عمليات آنها حاصل شده باشد آزادانه نگاه داشته يا منتقل و صادر نمايند. ‌جزء 8 ـ براي تعيين قيمت واقعي كه با ارزي غير از دلار آمريكايي باشد و يا براي تبديل نهايي هر قيمت واقعي به فرانك فرانسه نرخ تسعير مربوطه بر‌اساس ارزش برابري روز كه طبق مقررات اساسنامه صندوق بين‌المللي پول تعيين شده باشد خواهد بود در صورتي كه ارزش برابري مزبور تعيين نشده‌باشد شركت و اراپ سعي خواهند كرد كه در خصوص تعيين اساس قابل قبولي براي تسعير مزبور توافق حاصل نمايند در صورت عدم حصول توافق‌تسعير بر اساس متوسط نرخهاي خريد و فروش ارز بين فرانك فرانسه و ارز مذكور در پايان وقت اداري روز مورد بحث در زوريخ طبق گواهي بانك‌مركزي ايران به عمل خواهد آمد. هرگاه روزي نرخ خريد و فروش ارز در زوريخ معين نگردد نرخي كه به جاي متوسط نرخ خريد و فروش ارز در زوريخ‌بايد ملاك عمل قرار گيرد عبارت خواهد بود از متوسط آخرين نرخهاي قبلي ارز مورد بحث در زوريخ كه به وسيله بانك مركزي ايران گواهي شده باشد. ‌جزء 9 ـ بعد از خاتمه اين قرارداد دولت ايران وسائلي فراهم خواهد كرد كه وجوهي كه به پول ايران در اختيار اراپ و يا شركت وابسته به اراپ باشد تا‌آنجا كه وجوه مزبور طبق اين قرارداد به ايران وارد شده يا از عملياتي كه به‌موجب اين قرارداد به عهده دارند حاصل شده باشد به درخواست آنان و بدون‌هيچگونه تبعيض به نرخ بانكي ارز كه به طور عموم در دسترس خريداران فرانك فرانسه باشد به فرانك فرانسه قابل تبديل باشد. ‌جزء 10 ـ مديران و كاركنان غيرايراني شركت وابسته به اراپ يا پيمانكار كل و خانواده‌هاي آنها ممنوع نخواهند بود از اين كه وجوه يا دارايي را كه در‌خارج از ايران دارند آزادانه نگاه داشته يا انتقال دهند و مي‌توانند هر قسمت از اين وجوه را كه براي حوائج آنها ولي نه به منظور سفته‌بازي ضروري باشد‌به ايران انتقال دهند. اين قبيل اشخاص مجاز نخواهند بود كه در ايران معاملات ارزي از هر قبيل به غير از طريق بانك مجاز يا طريق ديگر كه دولت‌تصويب كند انجام دهند. ‌جزء 11 ـ مديران يا كاركنان غيرايراني شركت وابسته اراپ و يا پيمانكار كل كه حقوق آنان به ريال پرداخت مي‌شود حق خواهند داشت طي هر سال در‌مدت ادامه خدمت خود در ايران مبلغي معادل حداكثر 50 درصد حقوق خالص (‌پس از كسر ماليات) خود در آن سال را به ارز كشور محل اقامت عادي‌خود آزادانه از ايران خارج كنند. ‌جزء 12 ـ مديران يا كاركنان غيرايراني شركت وابسته اراپ و يا پيمانكار كل در خاتمه خدمت خود در ايران كه ايران را ترك مي‌نمايند حق خواهند‌داشت مبلغي كه از پنجاه درصد حقوق ناويژه 24 ماه اخير خدمت آنها متجاوز نباشد به ارز كشور محل اقامت عادي خود آزادانه از ايران خارج كنند.
	+ ‌ماده 38 ـ قوه قهريه (‌فرس ماژور) 1 ـ در مواردي كه به حكم قوه قهريه (‌فرس ماژور) مانعي پيش آيد كه به طور معقول از حيطه اختيار اراپ يا پيمانكار كل خارج بوده و اجراي تعهدات يا‌اعمال حقوق مقرر در اين قرارداد را غير ممكن يا موقوف گرداند و يا تأخيري در آن ايجاد كند: ‌الف ـ اين عدم انجام يا تأخير اراپ يا پيمانكار كل در اجراي تعهدات مزبور به عنوان قصور يا تخلف از اجراي اين قرارداد تلقي نخواهد شد و. ب ـ مدتي كه تأخير در اجرا و اعمال حقوق و تعهدات مزبور طول كشيده باشد به مدتي كه طبق قرارداد مقرر است اضافه خواهد شد و. ج ـ هرگاه ادامه مدت فوق قهريه كمتر از يك سال نباشد اين قرارداد به خودي خود براي دوره‌اي مساوي با مدت مزبور تمديد خواهد شد و اين امر به‌حقوقي كه به موجب قرارداد براي تمديدهاي اضافي در نظر گرفته شده است خدشه‌اي وارد نخواهد ساخت. 2 ـ در موردي كه اراپ يا پيمانكار كل از انجام تعهدي كه به موجب مقررات اين قرارداد نموده در نتيجه اطاعت از هر نوع قوانين يا احكام يا مقررات يا‌تصويب‌نامه‌هاي دولتي قصور يا تخلف ورزد قصور يا تخلف مزبور به عنوان قصور يا تخلف در انجام مقررات اين قرارداد تلقي نخواهد شد مشروط بر‌اين كه ثابت شود كه قصور يا تخلف مزبور نتيجه لازم اجراي قانون يا حكم يا مقررات يا تصويب‌نامه مربوطه بوده است. 3 ـ مفاد اين ماده مانع نخواهد شد از اين كه اراپ يا پيمانكار كل نسبت به اين موضوع كه آيا قرارداد به علت آن كه اجراي آن به كلي غيرمقدور شده‌ بايستي فسخ شود بر طبق مقررات ماده 40 قرارداد به داوري مراجعه كند.
	+ ‌ماده 39 ـ ضمانت اجرا ‌در مورد مقررات مواد 14 و 16 اين قرارداد راجع به تقليل نواحي هرگاه اراپ در مهلتهاي مصرحه شركت را از نظر خود درباره نواحي كه بايد خارج‌گردند مطلع نسازد شركت چنين نواحي را به تشخيص خود تعيين خواهد نمود. اين تعيين قطعيت داشته و نواحي را كه شركت به اين نحو تعيين نمايد‌از تاريخ ابلاغ خارج از نواحي اصلي يا واگذاري تلقي خواهد شد.
	+ ‌ماده 40 ـ سازش 1 ـ هرگاه اختلافي مربوط به اجرا يا تفسير اين قرارداد پيش آيد طرفين مي‌توانند موافقت كنند كه موضوع به هيأت سازش مختلطي مركب از چهار عضو‌مراجعه شود كه هر يك از طرفين دو نفر آن را تعيين خواهند نمود و وظيفه آنها كوشش در حل موضوع به طريق دوستانه خواهد بود هيأت سازش پس‌از استماع اظهارات نمايندگان طرفين رأي خود را در ظرف سه ماه از تاريخ ارجاع شكايت به هيأت سازش صادر خواهد كرد. رأي مزبور در صورتي‌الزام‌آور خواهد بود كه به اتفاق صادر شده باشد. 2 ـ هرگاه طرفين ظرف سي روز نسبت به ارجاع اختلاف به هيأت سازش توافق ننمايند و يا اختلاف بعد از ارجاع به هيأت مزبور حل نشده باشد طريق‌حل آن منحصراً ارجاع به داوري طبق مقررات ماده 41 خواهد بود.
	+ ‌ماده 41 ـ داوري 1 ـ هر گونه اختلاف ناشي از اجراء يا تعبير مقررات اين قرارداد توسط يك هيأت داوري مركب از سه نفر حل و فصل خواهد شد. تشريفات داوري با‌اخطار كتبي طرفي كه درخواست رسيدگي داوري مي‌نمايد به طرف ديگر شروع خواهد شد رونوشتي از اخطار مزبور به رييس عاليترين دادگاه دانمارك(‌يا قاضي همطراز) ارسال خواهد شد و تاريخ دريافت اخطار فوق‌الذكر به عنوان تاريخ ارجاع امر به داوري به شرح مذكور در زير تلقي خواهد شد. هر‌يك از طرفين يك نفر داور و دو داور مزبور قبل از شروع به‌رسيدگي داور ثالثي را انتخاب خواهند كرد كه سمت رياست هيأت داوري را خواهد داشت.‌چنانچه دو نفر داور نتوانند ظرف چهار ماه از تاريخ ارجاع به داوري نسبت به داور ثالث تراضي كنند و چنانچه طرفين به طرز ديگري توافق ننمايند داور‌ثالث به درخواست هر يك از طرفين به وسيله رييس عاليترين دادگاه دانمارك (‌يا قاضي همطراز) تعيين خواهد شد. 2 ـ اگر يكي از طرفين ظرف دو ماه از تاريخ ارجاع امر به داوري خود را انتخاب ننمايد و يا انتخابي را كه نموده است به اطلاع طرف ديگر نرساند طرف‌ديگر حق خواهد داشت كه به رييس عاليترين دادگاه دانمارك (‌يا قاضي همطراز او) مراجعه و تقاضاي تعيين داور واحد بنمايد. شخصي كه توسط رييس‌مزبور به سمت داور ثالث يا داور واحد برگزيده مي‌شود نبايستي مستخدم ايران يا فرانسه بوده يا باشد و نبايد تبعه هيچ يك از ممالك مزبور باشد.‌چنانچه ثابت شود كه روابط وي با يكي از طرفين يا با منافعي كه مربوط به اختلاف است به نحوي مي‌باشد كه به طور معقول ممكن است اين ظن را‌ايجاد نمايد كه نحوه رسيدگي او نمي‌تواند به كلي عاري از تبعيض باشد ممكن است به تقاضاي يكي از طرفين از وي سلب صلاحيت گردد معذلك‌چنانچه از دو نفر كه به اين سمت انتخاب گرديده‌اند به دليل فوق سلب صلاحيت شده باشد طرفين ملزم به قبول هر شخص ثالثي كه انتخاب گردد‌خواهند بود. 3 ـ داور ثالث يا داور واحد (‌هر كدام كه مورد پيدا كند) قبولي خود را ظرف سي روز از تاريخ دريافت اعلام تعيين خود به طرفين قرارداد (‌و در صورتي‌كه توسط رييس عاليترين دادگاه دانمارك تعيين شده باشد به‌رييس مزبور) اطلاع خواهد داد و در غير اين صورت چنين تلقي خواهد شد كه او سمت‌مزبور را رد كرده است و انتخاب مجدد طبق همان مقررات به عمل خواهد آمد. 4 ـ اگر اختلاف به هيأت داوري ارجاع شود رأي ممكن است با اكثريت صادر شود. رأي صادره نهايي و داراي اثر حقوقي خواهد بود و طرفين تعهد‌مي‌نمايند مفاد آن را با حسن نيت به مورد اجرا بگذارند و از هر لحاظ هر گونه حق اعتراض به استناد اصل Lis. Pendens(‌غير قابل انتقال بودن مال‌متنازع‌فيه مادام كه حكم قطعي از طرف دادگاه صادر نشده است) و يا امكان ارجاع قبلي امر به مقام قضايي ديگري را از خود سلب مي‌نمايند. 5 ـ محل و تشريفات داوري را طرفين تعيين خواهند كرد چنانچه در اين باب توافق نشود محل و تشريفات داوري از طرف داور واحد يا داور ثالث(‌هركدام كه مورد پيدا كند) تعيين خواهد شد. موافقت مي‌شود كه هيچ اصل خاص حقوقي براي هيأت داوري يا داور واحد در صدور رأي محدوديتي‌ايجاد نخواهد كرد و آنها اختيار خواهند داشت رأي خود را بر مبناي ملاحظات انصاف و اصول حقوقي مورد قبول عام و علي‌الخصوص اصول حقوق‌بين‌المللي قرار دهند. 6 ـ طرفين همه نوع تسهيلات (‌منجمله حق ورود به حوزه عمليات نفتي) را براي هيأت داوري يا داور واحد فراهم خواهند كرد تا هرگونه اطلاعاتي را‌كه براي تعيين تكليف اختلاف لازم باشد به دست آورند. عدم حضور يا امتناع يكي از طرفين داوري نمي‌تواند مانع يا مخل جريان داوري در تمام يا هر‌يك از مراحل داوري بشود. در چنين موردي هيأت داوري يا داور واحد حق خواهد داشت رأي غيابي صادر نمايد و رأي مزبور داراي همان اثر حقوقي‌خواهد بود كه با حضور هر دو طرف صادر شده باشد. 7 ـ مادام كه تصميم يا رأي داوري صادر نشده توقف عمليات يا فعاليتهايي كه موضوع داوري از آن ناشي شده است الزامي نيست معذلك هيأت داوري‌يا داور واحد حق مطلق خواهد داشت كه احكام موقت متضمن دستورات موقتي لازم درباره هر دو طرف يا يكي از آنها صادر نمايد. دستورات مزبور‌براي طرفين داراي اثر حقوقي رأي نهايي خواهد بود. در صورتي كه تصميم يا رأي داوري دائر بر موجه بودن شكايت باشد ضمن تصميم يا رأي مزبور‌ممكن است ترتيب مقتضي براي جبران خسارات شاكي مقرر گردد. 8 ـ تعيين مسئوليت پرداخت هزينه‌هاي داوري بسته به تشخيص هيأت داوري يا داور واحد (‌هر كدام كه مورد پيدا كند) خواهد بود. 9 ـ چنانچه به هر علت يكي از اعضاي هيأت داوري يا داور واحد پس از قبول وظايفي كه به او محول شده قادر يا مايل به شروع يا تكميل رسيدگي به‌مورد اختلاف نباشد و چنانچه طرفين به صورت ديگري هم توافق ننمايند هر يك از طرفين مي‌توانند از رييس عاليترين دادگاه دانمارك تقاضا كند كه‌جانشين عضو مزبور يا داور واحد را (‌هر كدام كه مورد پيدا كند) بر طبق مقررات اين ماده تعيين نمايد. 10 ـ تا حدي كه مورد داشته باشد ضمن تصميمات داوري كه بر طبق اين ماده صادر مي‌شود بايد مهلت اجرا تصريح گردد. 11 ـ ظرف مدت پانزده روز از تاريخ ابلاغ تصميم يا رأي به طرفين هر يك از آنها مي‌تواند از هيأت داوري يا داور واحدي (‌هر كدام كه مورد پيدا كند) كه‌تصميم يا راي اوليه را صادر نموده تقاضاي تفسير آن را بنمايد. اين تقاضا در اعتبار تصميم يا رأي تأثيري نخواهد داشت تفسير مزبور بايد ظرف مدت‌يك ماه از تاريخ تقاضا داده شود و اجراي تصميم يا رأي تا صدور تفسير يا انقضاي يك ماه (‌هر كدام زودتر واقع شود) معوق خواهد ماند. 12 ـ مقررات مربوط به داوري كه در اين قرارداد ذكر شده در صورتي هم كه قرارداد خاتمه پيدا كند معتبر خواهد بود. 13 ـ هرگاه تعيين داور واحد يا داور ثالث طبق مقررات اين ماده به هر علت انجام نپذيرد تعيين مزبور (‌جز در مواردي كه طرفين به ترتيب ديگري كتباً‌توافق نمايند) به درخواست يكي از طرفين توسط رييس عاليترين دادگاه (‌يا قاضي همطراز وي) از يكي از كشورهاي زير به ترتيبي كه نام برده مي‌شود‌صورت خواهد گرفت. سوئد ـ نروژ ـ سويس.
	+ ‌ماده 42 ـ اجراي رأي داوري 1 ـ چنانچه تصميم يا رأي نهايي صادر شده طبق ماده 41 اين قرارداد فقط داير به الزام پرداخت مبلغ معين مصرح در تصميم يا رأي مزبور به‌شركت به‌وسيله اراپ باشد و مبلغ مزبور ظرف مدت مقرر در تصميم يا رأي مذكور يا در صورت عدم قيد مدت در تصميم يا رأي ظرف سه ماه از تاريخ آن تصميم‌يا رأي پرداخت نشود شركت حق خواهد داشت كه كليه اموال متعلق به اراپ را توقيف و از هر گونه پرداخت يا فروش نفت خام كه قرار بوده است به‌اراپ بشود خودداري نمايد. 2 ـ در مواردي كه تصميم يا رأي نهايي بر طبق اين قرارداد صادر شده باشد چنانچه طرفي كه موظف به اجراي رأي مي‌باشد ظرف مهلت مقرر در رأي يا‌تصميم يا (‌چنانچه مهلتي ضمن رأي يا تصميم معين نشده باشد) در ظرف شش ماه پس از ابلاغ رأي يا تصميم به طرفين مفاد رأي يا تصميم را اجرا نكند‌طرفي كه رأي يا تصميم به نفع او صادر شده حق خواهد داشت كه اعلام خاتمه اين قرارداد را به وسيله تصميم هيأت داوري يا داور واحد كه بر طبق بند(3) اين ماده را اتخاذ خواهد شد بخواهد تصميم مزبور نسبت به حقوق و تعهداتي كه از اجراي اين قرارداد تا تاريخ خاتمه قرارداد (‌طبق اين قرارداد)‌ناشي شده و يا بشود تأثيري نخواهد داشت. حقوق و يا پرداخت وجوه و خسارات ديگري هم كه به موجب رأي هيأت داوري يا داور واحد مقرر شده‌باشد در همين حكم خواهد بود. 3 ـ تصميمي كه بر طبق مقررات بند (2) اين ماده پيش‌بيني شده فقط با رعايت شرايط زير ممكن است اتخاذ شود: ‌الف ـ فقط هيأت داوري يا داور واحدي كه رأي تصميم نهايي مربوطه را صادر كرده مي‌تواند اين تصميم را اتخاذ كند. ب ـ چنانچه هيأت داوري يا داور واحدي كه رأي يا تصميم مزبور را صادر كرده به هر علتي قادر يا مايل به اقدام نباشد موضوع خاتمه يافتن قرارداد به‌علت عدم اجراي رأي بر طبق اين قرارداد و به طرزي كه براي حل اختلاف پيش‌بيني شده به داوري ارجاع خواهد شد. 4 ـ هيأت داوري يا داور واحد قبل از اخذ تصميم داير بر خاتمه يافتن اين قرارداد بايستي اول يك مدت اضافي (‌كه از نود روز كمتر نخواهد بود) براي‌اجراي تصميم يا رأي مقرر نمايد و تصميم دائر بر خاتمه دادن قرارداد را فقط در صورتي اتخاذ خواهد كرد كه مدت اضافي مقرر منقضي شده و طبق نظر‌آنها مفاد رأي يا تصميم اجرا نگرديده باشد.
	+ ‌ماده 43 ـ زبانهاي متن قرارداد ‌متن فارسي و فرانسه و انگليسي اين قرارداد هر سه معتبر است در صورتي كه اختلافي پيش آيد و به داوري ارجاع شود هر سه متن به هيأت داوري يا‌داور واحد (‌هر كدام كه مورد داشته باشد) عرضه خواهد شد كه قصد طرفين را از روي هر سه متن تفسير نمايند. هرگاه بين سه متن مزبور اختلافي در‌مورد حقوق و وظايف طرفين پيدا شود متن انگليسي معتبر خواهد بود.
	+ ‌ماده 44 ‌مقررات قانون معادن مصوب سال 1336 در مورد اين قرارداد مجري نخواهد بود و قوانين و مقرراتي كه كلاً يا بعضاً مباين با شرايط اين قرارداد باشد در‌حدودي كه مباينت دارند نسبت به مقررات اين قرارداد بلااثر خواهد بود. ‌به تاريخ ...... مطابق با ...... در تهران ‌امضاء و مبادله گرديد ‌شركت ملي نفت ايران ‌دكتر منوچهر اقبال ‌انتريرپز دورشرش ادآكتيويته پترولير ج ـ بلانكار ‌قائم مقام رييس ‌سوسيته فرانسزده پترول ديران ج ـ بلانكار ‌از طرف اراپ ـ مدير
	+ ‌ضميمه
		- الف ـ حدود نواحي اصلي ‌حدود نواحي اصلي مذكور در اين قرارداد به شرح زير مي‌باشد: ‌الف ـ ناحيه واقع در دريا. ‌ناحيه اصلي واقع در دريا كه در بخش 2 بخشهاي نفتي ايران واقع است شامل آبهاي ساحلي و فلات قاره ايران در حدود مشروحه زير خواهدبود به‌اضافه كليه جزايري كه در ناحيه مزبور و تحت حاكميت ايران مي‌باشد به استثناء جزاير كيش و هندورابي و قشم و هنگام و آبهاي ساحلي آنها تا حدود 3‌ميل. حدود ناحيه اصلي واقع در دريا به شرح زير است: ‌حد غربي آن از نقطه شماره 19 كه در زير تشريح گرديده است شروع در جهت جنوب در امتداد نصف‌النهار 53 درجه و 34 دقيقه طول جغرافيايي شرقي‌تا جايي كه حد فلات قاره ايران را قطع كند ادامه مي‌يابد. ‌نقطه 19 جايي است كه نصف‌النهار مزبور حدود دريايي سه ميلي ناحيه عمليات شركتهاي عامل نفت ايران را قطع مي‌نمايد مختصات جغرافيايي‌تقريبي نقطه مزبور به شرح زير است: 53 درجه 34 دقيقه طول جغرافيايي شرقي 26 درجه 38 دقيقه عرض جغرافيايي شمالي ‌حد شمالي آن از نقطه 19 شروع و در امتداد حدود دريايي سه ميلي مذكور در فوق تا جايي كه حدود مزبور نصف‌النهار 56 درجه طول جغرافيايي شرقي‌را در نقطه ت قطع مي‌نمايد ادامه مي‌يابد مختصات تقريبي نقطه ت به شرح زير است: 56 درجه طول جغرافيايي شرقي 26 درجه 40 دقيقه 15 ثانيه عرض جغرافيايي شمالي ‌حد شمالي آن از نقطه ت شروع و در جهت جنوب در امتداد نصف‌النهار 56 درجه طول شرقي تا جايي كه نصف‌النهار مزبور حد فلات قاره ايران را قطع‌كند ادامه مي‌يابد.
		- ب ـ ناحيه اصلي واقع در خشكي. ‌ناحيه اصلي واقع در خشكي شامل 3 قطعه مي‌باشد: 1 ـ قطعه يك ‌اين قطعه با بخش 18 از بخشهاي نفتي ايران انطباق دارد و در داخل نقاط تقاطع نصف‌النهارهاي 54 درجه و 57 درجه طول جغرافيايي شرقي از يك‌طرف و نصف‌النهارهاي 34 درجه و 36 درجه عرض جغرافيايي شمالي واقع است. 2 ـ قطعه 2 ‌اين قطعه شامل بخش 14 بخشهاي نفتي ايران و قسمت شمال شرقي بخش 8 بخشهاي نفتي ايران مي‌باشد و در داخل خطوط مستقيمي كه نقاط زير را‌به هم متصل مي‌نمايد واقع است از نقطه 101 با مختصات جغرافيايي. 51 درجه طول جغرافيايي شرقي 34 درجه عرض جغرافيايي شمالي ‌تا نقطه 102 با مختصات جغرافيايي. 51 درجه طول جغرافيايي شرقي 32 درجه عرض جغرافيايي شمالي ‌تا نقطه 103 مختصات جغرافيايي. 54 درجه طول جغرافيايي شرقي 30 درجه و 26 دقيقه و 30 ثانيه عرض جغرافيايي شمالي ‌تا نقطه 104 با مختصات جغرافيايي. 54 درجه طول جغرافيايي شرقي 34 درجه عرض جغرافيايي شمالي ‌و سپس تا نقطه 101 فوق. 3 ـ قطعه 3 ‌اين قطعه شامل بخش 12 و قسمت شمالي بخش 6 و قسمت غربي بخش 11 از بخشهاي نفتي ايران مي‌باشد و بين نصف‌النهارهاي 57 درجه و 56‌درجه طول جغرافيايي شرقي و مدارهاي 28 درجه 18 دقيقه و 32 درجه عرض جغرافيايي شمالي واقع است. ‌تبصره ـ خطوط مستقيم فوق‌الذكر خطوط معرفت‌الارضي بين نقاطي مبتني بر "‌بيضي كلارك 1880" مي‌باشد. نقاط فوق‌الذكر كه با شماره مشخص شده‌اند نقاطي مي‌باشند كه در نقشه بخشهاي نفتي شركت و نواحي قراردادها نشان داده شده‌اند.
	+ [امضاء] ‌قرارداد فوق مشتمل بر چهل و چهار ماده و يك ضميمه منضم به قانون اجازه مبادله و اجراء قرارداد پيمانكاري اكتشاف و توليد نفت با اراپ مي‌باشد. ‌رييس مجلس شوراي ملي ـ مهندس عبدالله رياضي

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=60854>

# ‌قانون قرارداد شركت نفت خليج فارس

* ‌ماده واحده ـ قرارداد ضميمه در 43 ماده و يك ضميمه راجع به‌اجراء عمليات تفحص و اكتشاف و بهره‌برداري و فروش نفت كه بين شركت ملي‌نفت ايران از يك طرف و شركت‌هاي نامبرده زير: 1 ـ دويچه اردال اكتين گزل شافت. Deutsche Erdol ـ Aktiengesellschaft 2 ـ دويچه شاخت باو ـ اوند تيفبور گزل شافت. Deutsche Schachtbau ـ und Tiefbohrgesellschaft 3 ـ گلزن كيرشنربرگ وركس ـ آكتين گزل شافت. Gelsenkirchner Bergwerks Aktiengesellschaft 4 ـ گورك شافت الورات. Gewerkschaft Elwerath 5 ـ پرويساگ آكتين گزل شافت. Preussag Aktiengesellschaft 6 ـ شولفن ـ شمي آكتين گزل شافت. ScholvenـChemie Aktiengesellschaft 7 ـ وينترزهال آكتين گزل شافت. Wintershell Aktiengesellschaft ‌از طرف ديگر امضاء شده و طبق ماده 2 قانون نفت به تأييد هيأت دولت نيز رسيده است تصويب و اجازه مبادله و اجراء آن به دولت داده مي‌شود.
* [امضاء] قانون بالا كه مشتمل بر يك ماده است در جلسه روز پنجشنبه دهم تير ماه يك هزار و سيصد و چهل و چهار به تصويب مجلس شوراي ملي رسيد. ‌رييس مجلس شوراي ملي ـ مهندس عبدالله رياضي ‌قانون فوق در جلسه روز دوشنبه 1344.4.21 به تصويب مجلس سنا رسيده است.
* ‌قرارداد شركت نفت خليج فارس "‌پگويكو" ‌قرارداد دستگاه مختلط بين شركت ملي نفت ايران و 1 ـ دويچه اردال اكتين گزل شافت Deutsche Erdol ـ Aktiengesellschaft 2 ـ دويچه شاخت باو ـ اوند تيفبور گزل شافت Deutsche Schachtbau ـ und Tiefbohrgesellschaft 3 ـ گلزن كيرشنربرگ وركس ـ آكتين گزل شافت Gelsenkirchner Bergwerks Aktiengesellschaft 4 ـ گورك شافت الورات Gewerkschaft Elwerath 5 ـ پرويساگ آكتين گزل شافت Preussag Aktiengesellschaft 6 ـ شولفن ـ شمي آكتين گزل شافت Scholven ـ Chemie Aktiengesellschaft 7 ـ وينترزهال آكتين گزل شافت Wintershell Aktiengesellschaft
	+ ‌فهرست مطالب ‌مقدمه ‌ماده 1 تعريفات و اصلاحات ‌ماده 2 تأسيس دستگاه مختلط ‌ماده 3 ناحيه عمليات و استرداد قطعات ‌ماده 4 ثبت طرف دوم ‌ماده 5 ثبت شركت پگويكو ‌ماده 6 هيأت مديره و حساب‌رسان ‌ماده 7 اخذ رأي در مجامع عمومي ‌ماده 8 سرمايه شركت پگويكو ‌ماده 9 وجوه اضافي مورد مورد احتياج ‌ماده 10 عمليات مجاز ‌ماده 11 پيمانكاران ‌ماده 12 تعهدات طرف دوم ‌ماده 13 تعهدات پگويكو ‌ماده 14 اطلاعات محرمانه ‌ماده 15 پايان مرحله اكتشاف و وصول به بهره‌برداري تجارتي ‌ماده 16 تعهدات مربوط به حفاري ‌ماده 17 استفاده از اراضي ‌ماده 18 حقوق ارتفاقي ‌ماده 19 استفاده از آب ‌ماده 20 مصالح ساختماني ‌ماده 21 تهيه برنامه فروش و تحويل ‌ماده 22 تحويل نفت به‌طرفهاي اول و دوم قرارداد به منظور صادرات ‌ماده 23 مالكيت و صدور نفت ‌ماده 24 قيمتهاي اعلان شده ‌ماده 25 نفت خام براي مصرف داخله ‌ماده 26 گاز طبيعي ‌ماده 27 مقررات مربوط به پول ‌ماده 28 حسابها به چه پولي نگاه داشته خواهد شد ـ ارز ‌ماده 29 تعهدات مربوط به مخارج و حق‌الارض ‌ماده 30 ماليات ‌ماده 31 حدود ماليات ‌ماده 32 واردات و گمرك ‌ماده 33 مدت قرارداد ‌ماده 34 خاتمه قرارداد و تصفيه تأسيسات ‌ماده 35 انتقال ‌ماده 36 فورس‌ماژور ‌ماده 37 تضمين مربوط به اجراء و ادامه عمليات ‌ماده 38 سازش ‌ماده 39 داوري ‌ماده 40 اجراي رأي داوري ‌ماده 41 ضمانت اجرايي ‌ماده 42 زبانهاي متن قرارداد ‌ماده 43 تناقض با ساير قوانين
	+ ‌ [متن] اين قرارداد بين شركت ملي نفت ايران كه از اين به بعد "‌طرف اول" خوانده مي‌شود و گروه شركتهايي مركب از اعضاي زير: ‌دوچه اردال آكتين گزل شافت (‌هامبورك 13 ـ ميتل و يك 180) ‌دويچه شاخت باو ـ اوند تيفبور گزل شافت (‌ام، بي.‌ها، لينگن 1. مس، والد شتراسه 39) ‌گلزن كيرشنربرگ وركس ـ آكتين گزل شافت (‌اسن، روزاشتراسه 2). ‌گورك شافت الورات (‌هانور، هيندنبورگ شتراسه 28). ‌پرويساگ آكتين گزل شافت (‌هانور، ليب نيتز = آفر 9). ‌شولفن ـ شمي آكتين گزل شافت (‌گلزن كيرشن ـ بور. دورشتنرشتراسه 227). ‌وينترهال آكتين گزل شافت (‌كاسل، اگوست ـ روسترگ‌هاوس). ‌و از اين پس به عنوان طرف دوم ناميده مي‌شوند منعقد مي‌گردد. طرفين صريحاً توافق دارند كه حقوق و منافع طرف دوم به طور مشاع متعلق به هر يك‌از شركتهاي مذكور فوق مي‌باشد. ‌نظر به اين كه طرف اول مايل است توليد و صدور نفت ايران را افزايش دهد به طوري كه منتج به حصول منافع بيشتري براي ايران گردد و اين منظور هر‌چه زودتر عملي شود. ‌و نظر به اين كه طرف اول به موجب قانون نفت نهم مرداد 1336 اجازه عقد اين قبيل قراردادها را دارد. ‌و نظر به اين كه طرف دوم سرمايه و صلاحيت فني و تخصص اداري لازم براي اجراي عمليات مشروحه زير را دارا مي‌باشد. ‌و مخصوصاً بازارهاي لازم براي فروش نفتي كه در نتيجه عمليات مزبور به دست آيد در اختيار دارد. ‌و نظر به اين كه طرفين قصد دارند مقررات اين قرارداد با صميميت و حسن نيت به موقع اجرا گذارده شود عليهذا بدين وسيله بين طرفهاي اول و دوم به‌قرار زير توافق حاصل شد:
		- ‌ماده 1 ـ تعريفات و اصطلاحات ‌جز در مواردي كه سياق عبارت مفهوم ديگري را اقتصاد كند معني بعضي از اصطلاحاتي كه در اين قرارداد به كار رفته از لحاظ اين قرارداد به‌شرح‌ تعاريف زير خواهد بود: ب ـ "‌طرف اول" يعني شركت ملي نفت ايران يا قائم مقام آن. ج ـ "‌طرف دوم" يعني دويچه اردال اكتين گزل شافت ـ دويچه شاخت باو ـ اوند تيفبور گزل شافت ـ گلزن كيرشنربرگ وركس ـ آكتين گزل شافت ـ‌گورك شافت الورات ـ پرويساگ آكتين گزل شافت ـ شولفن، شمي آكتين گزل شافت ـ وينترزهال آكتين گزل شافت و يا هر شخصي كه طبق مقررات‌اين قرارداد طرف انتقال قرار گرفته باشد. ‌د ـ "‌قانون نفت" عبارت از قانون نفت مورخ نهم مرداد 1336 مي‌باشد. ه ـ "‌نفت" شامل نفت خام و گاز طبيعي مي‌باشد. ‌و ـ "‌نفت خام" شامل نفت تصفيه نشده و اسفالت و هر گونه مواد هيدروكربور مايع است كه به حالت طبيعي يافت شود و يا از گاز طبيعي به‌وسيله‌ فشردن و يا جداكردن به دست آيد. ‌ز ـ "‌گاز طبيعي" يعني گاز تر و گاز خشك و كليه هيدروكاربورهاي گازي ديگر كه از چاههاي نفت يا گاز به دست آمده و نيز بقيه گازي كه پس از سواكردن‌هيدروكاربورهاي مايع از گازهاي تر باقي مانده باشد. ح ـ "‌مصرف داخلي در ايران" عبارت است از مصرف نفت و محصولات نفتي يا مواد فرعي كه در داخله ايران مصرف مي‌شود نه آنچه از ايران صادر‌مي‌گردد. ط ـ "‌قيمت اعلان شده" عبارت است از قيمت منتشر شده فوب براي هر درجه و وزن مخصوص و نوع از نفت كه به منظور صادرات در نقاط صدور‌مربوطه براي خريداران به طور عموم عرضه مي‌شود قيمت مزبور با توجه لازم به قيمت‌هاي اعلان شده مشابه از لحاظ درجه و وزن مخصوص و نوع در‌خليج فارس و با رعايت موقعيت جغرافيايي نقاط صدور تعيين خواهد شد. ي ـ "‌عمليات نفتي" عبارت است از كليه عمليات مشروحه در بند 2 از ماده 10 اين قرارداد. ك ـ "‌متر مكعب" عبارت از يك متر مكعب در شصت درجه فارنهايت تحت فشار عادي جو. ل ـ "‌تاريخ اجرا" عبارت از تاريخي است كه قانون مربوط به تصويب اين قرارداد به توشيح ملوكانه رسيده باشد و هر مراجعه‌اي كه در قانون نفت به‌تاريخ قرار داده شده باشد از لحاظ اين قرارداد اشاره "‌به تاريخ اجرا" تلقي خواهد شد. م ـ اصطلاح "‌اراضي" اعم است از اراضي پوشيده از آب و غير آن. ن ـ "‌تأسيسات ثابت" عبارت است از تأسيسات نصب شده يا كار گذاشته شده يا ساخته شده كه به طور ثابت مستقر گرديده و مستقيماً براي عمليات‌موضوع اين قرارداد مورد استفاده قرار گيرد. ص ـ اصطلاح "‌دوره مالياتي" عبارت است از يك سال دوازده‌ماهه تقويمي كه در يكم ژانويه هر سال شروع مي‌شود و يا هر دوره ديگري كه بين طرفين‌مورد توافق قرار گرفته و مورد تصويب وزارت دارايي ايران نيز واقع شده باشد. ع ـ اصطلاح "‌ناحيه" عبارت است از كل ناحيه يا نواحي موضوع بند 1 ماده 3 اين قرارداد يا هر قسمت يا قسمتهايي از ناحيه مزبور كه عملياتي كه طبق‌اين قرارداد مجاز تلقي گرديده در آن به مورد اجرا گذارده شود. ف ـ هزينه توليد يك واحد براي هر يك از طرفين كه در بند 2 (ب) ماده 22 به آن اشاره شده و هزينه‌هايي كه طرف دوم مستقيماً يا از طريق شركت‌يگويكو بابت نفت تحويل شده به طرف اول جهت مصرف داخلي طبق مفاد بند 4 ماده 25 و بندهاي 4 (ب) و 5 (‌الف) ماده 26 از طرف اول مسترد‌خواهد داشت فقط شامل سهمي از مجموع هزينه‌هاي اكتشافي خواهد بود كه به ازاء هر واحد توليد توسط طرف دوم خرج شده به علاوه سهمي از كليه‌هزينه‌هاي شركت (‌پگويكو) به ازاء هر واحد توليد به استثناي آنچه بابت هزينه اكتشاف به حساب طرف دوم منظور گرديده است. تسهيم هزينه‌هاي‌مزبور بايد بر طبق اصول موجه حسابداري معمول صنعت نفت به‌نحوي كه هر چند گاه يك بار به توافق طرفين معين خواهد شد صورت گيرد ولي در‌تسهيم مزبور مخارجي كه بابت حق‌الارض يا پذيره نقدي و غيره كه توسط طرف دوم پرداخت شده باشد منظور نخواهد گرديد. ‌حق‌الارض و پذيره نقدي فقط به حساب طرف دوم جزو ساير هزينه‌هاي او كه در بند 2(ج) از ماده 22 ذكر شده است منظور خواهد شد.
		- ‌ماده 2 ـ ايجاد دستگاه مختلط 1 ـ طرفين اول و دوم قرارداد بدين وسيله توأماً "‌دستگاه مختلطي" را ايجاد مي‌كنند و به طوري كه در قانون نفت پيش‌بيني گرديده در اثر اين اختلاط‌شخصيت حقوقي جداگانه‌اي به وجود نخواهد آمد. هيچ يك از طرفين ملزم نخواهند بود كه هيچ گونه پرداخت مشخصي كه به موجب ماده 8 قانون‌نفت مقرر گرديده (‌و در حال حاضر ميزان آن 12.5 درصد است) به نقد يا به جنس بپردازد. 2 ـ طرفين اين قرارداد در دستگاه مختلط مزبور به استثناي مواردي كه به موجب اين قرارداد و قانون نفت مقرر گرديده به طور مساوي شركت خواهند‌نمود. طرفين اول و دوم در برخي از موارد اين قرارداد مجتمعاً به‌عنوان "‌طرفين" و يا به عنوان "‌دستگاه مختلط" خوانده شده‌اند. 3 ـ كليه نفتي كه به موجب اين قرارداد از ناحيه قرارداد توليد گرديده و كليه دستگاهها و ماشين آلات و تأسيسات و اموال ديگري كه به موجب اين‌قرارداد به هزينه مشترك طرفين خريداري و يا تحصيل گرديده در مالكيت طرفين (‌پنجاه درصد طرف اول و پنجاه درصد طرف دوم) خواهدبود و كليه‌هزينه‌هاي لازم براي عمليات اين قرارداد (‌به جز مخارج و هزينه‌هايي كه تأمين و پرداخت آن طبق بند (ه) ماده 12 قرارداد تنها بر عهده طرف دوم است)‌به وسيله طرفين يعني پنجاه درصد به وسيله طرف اول و پنجاه درصد به وسيله طرف دوم تأمين و پرداخت خواهد شد. ‌هر يك از طرفين حق دارد كه سهم نفت خود را به شرحي كه در اين قرارداد ذكر شده است براي خود يا براي نماينده خود به جنس مطالبه نمايد.
		- ‌ماده 3 ـ ناحيه عمليات و استرداد آن 1 ـ ناحيه‌اي به شرح مذكور در جدول 1 ضميمه به طور مانع‌للغير در اختيار دستگاه مختلط گذارده مي‌شود تا عمليات مقرر در اين قرارداد را به‌عامليت‌شركت پگوپكو كه طبق مقررات ماده (5) اين قرارداد به وسيله طرفين تشكيل خواهد يافت در آن به موقع اجرا بگذارد. 2 ـ حداكثر تا پايان سال پنجم پس از تاريخ اجرا كل ناحيه مشروحه در بند 1 اين ماده به ميزان حداقل 25 درصد كسر خواهد شد و بعد از آن نيز حداكثر‌ضمن يك دوره پنج‌ساله ديگر ناحيه مزبور در صورت لزوم مجدداً تقليل خواهد يافت به طوري كه كل ناحيه باقي مانده از پنجاه درصد ناحيه اصلي‌تجاوز ننمايد. 3 ـ ناحيه‌اي كه به منظور تقليل مشروح در بند 2 اين ماده از ناحيه قرارداد خارج خواهد شد از قطعاتي تشكيل خواهد شد كه مساحت هر كدام از آنها از200 كيلومتر مربع كمتر نبوده و متوسط طول هر كدام از قطعات بيشتر از شش برابر ميزان متوسط پهناي آن نباشد در صورتي كه از اجراي ترتيب مزبور‌مناسب نباشد قطعات به اشكال و اندازه‌هايي كه طرف اول آن را متناسب تشخيص دهد معين خواهد شد. 4 ـ طرف دول لااقل سه ماه جلوتر از استرداد قطعات ناحيه به شرح مذكور در بند 2 اين ماده مشخصات حدود قسمت مورد استرداد را به طرف اول‌اعلام خواهد نمود. 5 ـ چنانچه در پايان سال دوازدهم از تاريخ اجرا طرف دوم به مرحله بهره‌برداري تجاري در ناحيه عمليات به معني مشروحه در اين قرارداد نرسيده باشد‌ناحيه مذكور به طرف اول مسترد خواهد شد. 6 ـ چنانچه در پايان سال دوازدهم از تاريخ اجراء بهره‌برداري تجاري انجام شده باشد فقط قسمتهايي از ناحيه عمليات كه در آن ميدانهاي قابل‌بهره‌برداري تجاري كشف شده باشد در اختيار طرفين باقي خواهد ماند. هر يك از قسمتهاي مزبور به شكل كثيرالاضلاعي مشخص مي‌گردد كه‌مختصات جغرافيايي قطعي آن توسط طرف دوم معين خواهد شد. ناحيه‌اي كه به اين ترتيب مشخص مي‌گردد از حدود كثيرالاضلاعي كه محيط‌ بر پست‌ترين خطوط ميزان ساختمان طبقات‌الارضي و يا به اختلاف موارد محيط بر حدود ناحيه قابل بهره‌برداري نفتي باشد تجاوز نخواهد نمود. ناحيه‌قابل بهره‌برداري مزبور كه در داخل ناحيه عمليات واقع است بايد بر اساس اطلاعات مربوطه مشخص گردد.
		- ‌ماده 4 ـ ثبت طرف دوم ‌شركتهايي كه جزو طرف دوم مي‌باشند يا منتقل‌اليهم آنها (‌كه طبق ماده 35) مكلفند ظرف مدت سي روز از تاريخ اجرا درخواست ثبت خود را طبق‌قوانين و مقررات ثبت شركتها در ايران به اداره ثبت ايران تسليم نمايند.
		- ‌ماده 5 ـ ثبت شركت نفت خليج فارس 1 ـ طرفهاي اين قرارداد ظرف شصت روز از تاريخ اجرا يك شركت سهامي تشكيل داده و در اداره ثبت ايران به ثبت خواهند رساند اين شركت يك‌شركت غير انتفاعي بوده و عمليات مقرر در اين قرارداد را به حساب مشترك طرفين و به عنوان عامل طرفين انجام خواهد داد و ليكن در مورد اجرا و‌انجام عمليات اكتشافي كه به موجب اين قرارداد بر عهده طرف دوم محول گرديده شركت مذكور فقط عامل طرف دوم خواهد بود. شركت سهامي مزبور‌شركت نفت خليج فارس ناميده خواهد شد و از اين پس دز اين قرارداد نام شركاء پگوپكو به آن اطلاق مي‌شود. ‌شركت پگوپكو داراي تابعيت ايراني بوده و نسبت به مواردي كه تكليف آن در اساسنامه شركت مذكور تعيين نشده باشد مشمول مقررات قانون تجارت‌ايران خواهد بود. 2 ـ شركت پگوپكو عملياتي را كه موضوع اين قرارداد بوده يا اجازه انجام آن به موجب اين قرارداد داده شده انجام خواهد نمود و كليه مخارج و‌هزينه‌هاي لازم براي عمليات مزبور توسط طرفين قرارداد توأماً يا به‌تنهايي (‌هر كدام كه طبق مواد اين قرارداد مورد پيدا كند) از طريق عامليت شركت‌پگوپكو پرداخت خواهد شد. كليه قراردادهاي پيمانكاري به نام شركت پگوپكو منعقد خواهد شد و در هر يك از اين قراردادها پيمانكار به‌عنوان عامل‌دستگاه مختلط تلقي خواهد گرديد. 3 ـ مخارج و هزينه‌هاي لازم براي تجهيز و استخدام كارمندان و اداره و به كار انداختن اداره يا ادارات شركت پگوپكو بر اساس عادله و منصفانه و بر‌طبق روش صحيح حسابداري بين طرفين اين قرارداد بنا به عمل يا عملياتي كه در هر مورد انجام مي‌شود تسهيم خواهد شد و طرفين اين قرارداد از‌مخارج مزبور هر كدام سهم مربوط به خود را بر عهده داشته و پرداخت خواهند نمود. ‌بدون اين كه محدوديتي در عموميت مقررات فوق حاصل شود مخارج و هزينه‌هاي مذكور در اين بند شامل حقوق و دستمزد كاركنان شركت پگوپكو و‌كاركناني كه به طور موقت يا براي قسمتي از ساعات كار و يا به‌طور دائم توسط يكي از طرفين اين قرارداد به شركت پگوپكو قرض داده شده باشند‌خواهد بود و نيز شامل مخارج و هزينه‌هاي مرخصي‌ها و ايام بيماري و بهداشت و بيمارستان و حقوق بازنشستگي و وجوه صرفه‌جويي و پس‌انداز و‌ساير وجوه مربوط به طرحهاي مزاياي كارمندان كه طبق شرايط و نرخهاي معمول روز صنعت نفت براي كارمندان ايراني و خارجي بر عهده شركت و يا‌هر يك از طرفهاي قرارداد كه كارمندان مزبور را به قرض داده‌اند قرار گرفته باشد خواهد بود و همچنين شامل مبالغ پرداختي به پيمانكاران و مبالغي كه به‌وسيله طرفين اين قرارداد يا يكي از آنها در ازاي انجام خدماتي توسط يكي از ادارات مربوطه آنها مورد مطالبه قرار مي‌گيرد نيز خواهد بود و اين گونه‌خدمات فقط به موجب قراردادهاي كتبي با شركت پگوپكو و بر حسب تصويب هر دو طرف اين قرارداد انجام خواهد شد. 4 ـ كليه وجوهي كه هر يك از طرفين اين قرارداد بابت مخارج و هزينه‌هاي مذكور در اين ماده به شركت پگوپكو يا به وسيله آن شركت پرداخت نمايند‌علاوه بر اقلام قابل كسر ديگر در احتساب سود ويژه طرف مربوطه طبق قانون جاري ماليات بر درآمد ايران به عنوان اقلام قابل كسر هزينه تلقي خواهد‌شد.
		- ‌ماده 6 ـ هيأت مديره و حساب‌رسان 1 ـ هر يك از طرفين اين قرارداد نصف سرمايه شركت پگوپكو را تعهد و پرداخت خواهند نمود. اصل تساوي در مشاركت طرفين نسبت به‌شركت‌پگوپكو در اداره شركت مزبور منعكس خواهد بود. و بنابراين اين نصف عده اعضاي هيأت مديره شركت توسط طرف اول و نصف ديگر توسط طرف‌دوم تعيين خواهند شد. ‌انتخاب رييس هيأت مديره و مدير عامل از ميان اعضاي هيأت طبق دستوري خواهد بود كه در اساسنامه شركت مقرر گرديده است رييس هيأت مديره به‌وسيله طرف اول و مدير عامل به وسيله طرف دوم از ميان مديران تعيين خواهند گرديد. 2 ـ هيأت حسابرسي از دو نفر تشكيل خواهد شد كه هر كدام از طرفين يكي از آنها را انتخاب خواهد كرد.
		- ‌ماده 7 ـ اخذ رأي در مجامع عمومي ‌در مجامع عمومي شركت پگوپكو كه رياست آن بر عهده رييس هيأت‌مديره خواهد بود هر سهم حق يك رأي دارد. در مواردي كه اكثريت براي اتخاذ‌تصميم حاصل نشود موضوع مورد اختلاف معوق خواهد ماند تا در جلسه ديگري كه به فاصله يك ماه از تاريخ اولين مجمع يا در موعد ديرتري به‌توافق طرفين تشكيل مي‌گردد مورد بررسي مجدد قرار گيرد. تعويق جلسه به ترتيب مذكور جز براي يك بار ميسر نخواهد بود چنانچه بعد از اجراي‌ترتيب فوق باز هم اكثريت آراء حاصل نگردد بر طبق مقررات ماده 12 قانون نفت عمل خواهد شد.
		- ‌ماده 8 ـ سرمايه شركت نفت خليج فارس 1 ـ سرمايه مجاز اوليه شركت پگوپكو دو ميليون و هشتصد هزار ريال خواهد بود سرمايه مزبور به طرزي كه در اساسنامه شركت پگوپكو مقرر گرديده‌در هر موقع قابل افزايش خواهد بود. 2 ـ پنجاه درصد سرمايه اوليه مذكور فوق و نيز پنجاه درصد هر گونه افزايش آن توسط طرف اول يا توسط شركت يا شركتهايي كه تماماً متعلق به طرف‌اول باشند تأمين خواهد شد. پنجاه درصد ديگر توسط طرف دوم يا توسط شركت يا شركتهايي كه تماماً متعلق به طرف دوم باشند تأمين خواهد شد.‌مقصود از شركتي كه تماماً متعلق به يكي از طرفين باشد شركتي است كه كليه سهام داراي حق رأي آن متعلق به طرف مزبور يا شركت اصلي طرف‌مزبور باشد.
		- ‌ماده 9 ـ وجوه اضافي مورد نياز ‌قطع نظر از سرمايه اصلي شركت پگوپكو و هر گونه افزايش بعدي آن و نيز صرفنظر از دوره پيش از شروع بهره‌برداري تجارتي چنانچه وجوه ديگري‌لازم باشد طرفهاي اول و دوم قرارداد هر يك نيمي از وجوه مورد احتياج را به ترتيبي كه مورد توافق طرفين واقع شود تأمين خواهند نمود.
		- ‌ماده 10 ـ عمليات مجاز 1 ـ شركت پگوپكو به عنوان عامل طرفين اين قرارداد يا به عنوان عامل طرف دوم (‌هر جا كه مورد پيدا كند) مجاز است و حق دارد كه به طور مانع‌للغير‌عمليات نفتي را به نحو مقرر در اين قرارداد در ناحيه عمليات و يا نسبت به آن اداره و اجرا نمايد. 2 ـ عمليات نفتي عبارتند از: ‌الف ـ اكتشاف نفت از طريق زمين‌شناسي ـ ژئوفيزيكي و طرق ديگر منجمله حفر چاه به منظور تعيين شرايط زمين‌شناسي ـ حفاري و توليد و برداشت‌نفت ـ و هر گونه وظائف ديگري كه به طور معمول با عمليات اكتشاف و توليد مرتبط باشد. ب ـ حمل نفت از مناطق توليد به تصفيه خانه‌ها و دستگاههاي توزيع وسائل حمل و نقل و يا به كنار دريا و نيز حمل نفت از تصفيه خانه‌ها به هر كدام از‌نقاط مزبور (‌چنانچه مقررات اين قرارداد در آينده شامل هر يك از امور مذكور نيز گردد) انبار كردن نفت و تحويل نفت توليد شده با جميع وسايل‌منجمله وسائل بارگيري كشتي و هر گونه وظايف ديگري كه به طور معمول با انبار كردن و حمل نفت مرتبط باشد. 3 ـ شركت پگوپكو حقوق و اختيارات لازم را خواهد داشت كه تا حدودي كه امور زير براي اجراي عمليات مقرر در اين قرارداد لازم باشد در مورد آباد‌كردن اراضي و ايجاد جزيره‌ها و نيز در اجراي عمليات حفر و گودكني و سوراخ كردن و ساختمان و نصب و پي‌ريزي كردن و تهيه و گرداندن و‌نگاهداري كردن و اداره كردن نسبت به حفره‌ها و گودالها و چاه‌ها و خندقها و حفارها و سدها و فاضلابها و مجاري آب و دستگاه‌ها و مخازن و آبگيرها و‌ساير انواع انبارها و دستگاه‌ها تقطير ميدان نفت و دستگاه‌هاي استخراج گازولين در سر چاه و كارخانجات گوگرد و ساير دستگاههاي لازم براي توليد و‌عمل آوردن نفت خطوط لوله و تلمبه خانه‌ها و مراكز كوچك و بزرگ توليد و نيرو و خطوط انتقال نيرو و تلگراف و تلفن و راديو و ساير وسايل‌مخابراتي و كارخانجات و انبارها و ساختمانهاي اداري و منازل و عمارات و بنادر و حوضچه‌ها و لنگرگاهها و اسكله‌هاي كوچك و بزرگ و دستگاههاي‌لاروبي و موج‌شكنها و لوازم بارگيري با لوله‌هاي زير دريايي و ساير وسايل بارگيري انتهايي و كشتيها و وسايط نقل و انتقال و خطوط آهن و راهها و پلها‌و پلهاي متحرك و سرويسهاي هوايي و فرودگاهها و ساير لوازم نقليه و گاراژها و آشيانه‌هاي هواپيما و كارگاههاي تعمير و كارگاههاي ريخته‌گري و مراكز‌تعمير و كليه سرويسهاي فرعي كه به نظر طرفين اين قرارداد يا به‌نظر طرف دوم (‌در موردي كه مربوط به او باشد) براي اجراي عملياتشان لازم بوده يا به‌اين عمليات مرتبط مي‌باشد اقدامات لازم به‌عمل آورد و نيز كليه حقوق اضافي ديگري را كه براي اجراي عمليات آنها لازم يا به طور معقولي مرتبط به‌آن باشد خواهد داشت. دستگاههاي مذكور ممكن است توسط طرف مربوطه در محل يا محلهايي كه معين مي‌نمايد قرار داده شود مشروط بر اين كه: ‌الف ـ چنانچه بنا باشد دستگاههاي مزبور در خارج از ناحيه قرار گيرد تعيين محل آن بعد از مشاور بين طرفين اين قرارداد با توجه به حداكثر ملاحظه‌صرفه و اقتضاي عمليات خواهد بود و ب ـ در مورد آباد كردن اراضي و ايجاد جزيره و ساختمان راه‌آهن و بندر و تلفن و تلگراف و بي‌سيم و سرويس هوايي در ايران اجازه قبلي و كتبي‌دولت ايران لازم خواهد بود و اعطاي اجازه مزبور نبايد بدون دليل معقول رد شود و يا به تأخير افتد. 4 ـ طرفين اين قرارداد كه از طريق شركت پگوپكو عمل خواهند كرد به شرط رعايت مقررات اين قرارداد حق تصدي و اداره كامل مانع‌للغير و مؤثر و‌تعيين نحوه كليه عمليات خود را مشتركاً خواهند داشت مگر در مورد عمليات اكتشافي (‌كه شامل حفاري اكتشافي نيز خواهد بود) كه در مورد اين‌عمليات طرف دوم كه از طريق شركت پگوپكو عمل خواهد كرد با رعايت مقررات ماده 12 داراي حق تصدي و اداره كامل و مانع‌للغير و تعيين نحوه‌ عمل خواهد بود.
		- ‌ماده 11 ـ پيمانكاران ‌به منظور تسريع در اجراي عمليات مقرر در اين قرارداد طرفين قرارداد مي‌توانند بدون اين كه از ميزان مسئوليت طرفين اين قرارداد در برابر ايران چيزي‌كاسته شود به شرط رعايت مقررات ماده 4 قانون نفت در مواردي كه مقتضي مي‌دانند اجراي هر يك از عمليات و وظايف مشروح در اين قرارداد را به‌وسيله شركت پگوپكو بر عهده پيمانكاران بگذارند و از نظر مقررات ماده سوم قانون نفت طرف اول بدين وسيله موافقت خود را نسبت به موارد مزبور ‌اعطاء مي‌نمايد.
		- ‌ماده 12 ـ تعهدات طرف دوم 1 ـ طرف دوم كه از طريق شركت پگوپكو عمل خواهد كرد در مورد عمليات اكتشافي (‌كه شامل حفاري اكتشافي نيز خواهد بود) تعهدات زير را بر‌عهده خواهد داشت: ‌الف ـ سعي كامل در اين كه عمليات اكتشافي در حوزه قرارداد طبق اصول فني معمول به صنعت نفت به حد اعلاي خود جريان يابد. ب ـ تنظيم طرح عمليات خود با مشورت طرف اول و اجراي جدي طرح مزبور به هزينه خود هر گونه مخارج مربوط به استفاده از اراضي جزء‌هزينه‌هاي مذكور محسوب خواهد شد. ج ـ تسليم گزارشهاي تفصيلي پيشرفت كار به طرف اول و نيز تسليم گزارش جامع نهايي. ‌د ـ فراهم كردن وسايل براي نمايندگان طرف اول كه در هر موقع مناسبي عمليات او را كه بر طبق اين قرارداد انجام مي‌دهد بازرسي نمايند. ه ـ تحمل كليه هزينه‌هاي اكتشافي اعم از سهم طرف اول و سهم خود و شامل مخارج اداري و ساير هزينه‌هاي شركت پگوپكو در طي دوره اكتشاف نيز‌خواهد بود. ‌و ـ رعايت مقررات بندهاي 2 و 3 و 5 و 7 و 8 ماده 13. 2 ـ با وجود مقررات ديگر اين قرارداد شركتهاي جزو طرف دوم به‌شرح مذكور در مقدمه اين قرارداد هر كدام مجتمعاً و منفرداً مسئول انجام كليه‌تعهدات و تأديه كامل كليه مالياتها و حقوق و عوارض و هر گونه پرداخت ديگري كه به موجب اين قرارداد مقرر گرديده است خواهند بود.
		- ‌ماده 13 ـ تعهدات شركت پگوپكو ‌طرفين اين قرارداد كه از طريق شركت پگوپكو و به هزينه مشترك خود عمل خواهند نمود ملزم به انجام تعهدات زير خواهند بود: 1 ـ به كاربردن حداكثر كوشش براي توسعه هر يك از مناطق كشف شده به حد اعلا طبق روش فني صحيح صنعت نفت ـ استخراج نفت كشف شده با‌ توجه لازم به فراهم بودن بازارها در همه اوقات به ميزاني كه آن قسمت از ذخائر مكشوفه كه استخراج آن با استفاده از جديدترين اصول و طرق معمول‌صنعت نفت از نقطه نظر اقتصادي موجه باشد در طي مدت قرارداد تماماً مورد استخراج قرار بگيرد. و مخصوصاً رعايت اصول صحيح فني و مهندسي‌در حفاظت ذخائر هيدروكربور و اجراي عمليات مقرر در اين قرارداد به طور عموم. 2 ـ نگاهداري ارقام و اطلاعات كامل از جميع عمليات فني كه طبق اين قرارداد انجام شود 3 ـ نگاهداري حسابهاي عمليات خود به طريقي كه ارقام و اطلاعات مربوط به هزينه‌هاي عمليات مزبور به طرز درست و واضح و دقيق نمايش داده‌شود. براي انجام اين منظور بايستي روش حسابداري مناسبي انتخاب گرديده و در روش مزبور بر طبق تحولاتي كه بعداً ممكن است پيش آيد تجديد‌نظر به عمل آيد. 4 ـ فراهم كردن وسايل براي نمايندگان يكديگر كه در هر موقع مناسبي عمليات مورد اين قرارداد و وسايل اندازه‌گيري و سنجش و آزمايش را بازرسي‌نمايند. كليه هزينه‌هاي بازرسي به استثناء حقوق كارمندان مربوطه بر عهده شركت پگوپكو خواهد بود و به حساب هزينه عمليات منظور خواهد شد. 5 ـ استخدام حداقل كارمندان خارجي و اطمينان از اين كه تا حدودي كه معقولاً عملي باشد بيگانگان فقط براي تصدي مقاماتي استخدام شوند كه‌شركت پگوپكو و طرف دوم (‌هر جا كه مربوط به او باشد) نتواند ايرانياني حائز معلومات و تجربه كافي براي احراز آن مقامات بيابند. 6 ـ تهيه طرح و برنامه‌ها براي كارآموزي و تعليم صنعتي و فني و همكاري در اجراي آنها با توجه با اين هدف كه در نتيجه اجراي برنامه‌هاي مذكور‌تقليل تدريجي و مرتب كارمندان خارجي به نحوي ميسر گردد كه در خاتمه ده سال از تاريخ اجرا عده كارمندان خارجي شركت پگوپكو از دو درصد كل‌كارمنداني كه در استخدام آن شركت مي‌باشند تجاوز ننمايد و مقامات عالي اجرايي كه توسط كارمندان غير ايراني اشغال شده از 49 درصد كل مقامات‌اجرايي موجود بيشتر نباشد. 7 ـ توجه دائم به حقوق و منافع ايران در جريان عمليات خود. 8 ـ فراهم آوردن وسايل براي اين كه هر كدام از طرفين كه بخواهد بتواند ظرف مدت معقولي هر گونه اطلاعاتي را كه لازم بداند از قبيل رونوشتهاي‌دقيق نقشه‌ها و مقاطع و گزارشهاي مربوط به نقشه‌برداري و زمين‌شناسي و ژئوفيزيكي و حفاري و توليد و ساير امور مربوط به عمليات مقرر در اين‌قرارداد و همچنين جميع اطلاعات علمي و فني مهم كه در نتيجه عمليات آنها به دست آمده باشد از طريق نمايندگي شركت پگوپكو دريافت نمايد. هر‌گونه اطلاعي كه توسط شركت پگوپكو در اختيار يكي از طرفين گذاشته شود بايد در همان موقع رونوشت كامل آن براي طرف ديگر نيز فرستاده شود. 9 ـ شركت پگوپكو در تهيه و اجراي طرحهاي مربوط به بهداشت ـ بازنشستگي ـ پس‌انداز و طرحهاي مشابه ديگري كه كارمندان دائمي شركت يا افراد‌تحت تكفل آنان ممكن است از آن استفاده نمايند بايستي قوانين و مقررات مربوطه ايران را مراعات نموده و در تمام اوقات توجه لازم به روشهاي مرد‌عمل در صنعت نفت ايران بنمايد.
		- ‌ماده 14 ـ اطلاعات محرمانه ‌طرف اول و طرف دوم و شركت پگوپكو كليه طرحها نقشه‌ها مقاطع و گزارشها و جداول و اطلاعات علمي و فني و هر گونه اطلاعات مشابه مربوط به‌عمليات فني طرف دوم يا شركت پگوپكو را كه به موجب اين قرارداد مقرر است محرمانه تلقي خواهند كرد. بدين معني كه اسناد يا محتويات آن نبايد به‌وسيله هيچ كدام از طرفين يا شركت پگوپكو بدون رضايت طرفين اين قرارداد افشا بشود منتها در دادن چنين رضايت بدون دليل موجه امتناع يا تأخير‌نبايد به عمل آيد.
		- ‌ماده 15 ـ پايان اكتشاف و آغاز بهره‌برداري تجاري 1 ـ پايان مرحله اكتشاف در مورد هر ميدان نفتي تاريخي خواهد بود كه طرف دوم اظهاريه‌اي كتبي حاكي از تكميل اولين چاه تجاري به‌ترتيبي كه در‌زير تعريف شده است تسليم نمايد. ‌در تعقيب اظهاريه مزبور بايد گزارشي حاوي دلايل و مستندات مربوطه آن به طرف اول داده شود. ‌چاه موقعي تجاري شناخته خواهد شد كه قابليت بهره‌دهي آن بر اساس ضخامت طبقه بهره‌ده ـ خصوصيات پتروفيزيكي سنگهاي مخزن ـ اطلاعات‌حاصله از تجزيه و آزمايش عوامل فشار و حجم و درجه حرارت سيالات موجود در مخزن (PVT) ضريب‌هاي بهره‌دهي در ميزانهاي مختلف توليد و‌در صورت فرض حريمي به شعاع نيم ميل در اطراف حلقه چاه حاكي از اين باشد كه چاه در ظرف يك مدت دوازده‌ساله مي‌تواند مقادير كافي نفت‌توليد كند به طوري كه ارزش آن بر اساس بهاي اعلان شده‌اي كه تخمين زده مي‌شود معادل دو برابر قيمت تمام شده حفر چاه مزبور باشد. ‌آزمايشهاي لازم براي اثبات تجاري بودن چاه بايستي در حضور نمايندگان طرفين انجام گيرد. صرف اثبات تجاري بودن چاه طبق تعريف فوق كافي‌نخواهد بود كه ساختمان تحت‌الارضي و مخازن نفتي مربوطه قطعاً به عنوان يك ميدان تجاري شناخته شود. 2 ـ به محض اين كه طرف دوم به اين نتيجه رسيد كه عمليات وي به‌مرحله كشف ميدان قابل توليد به ميزان تجاري رسيده است گزارش تفصيلي‌استنباط خود را به طرف اول تسليم خواهد نمود. 3 ـ گزارشي كه طرف دوم به موجب بند 2 ماده فوق به طرف اول تسليم مي‌نمايد بايد به طور وضوح حاوي اطلاعات فني منجمله مراتب زير باشد: ‌الف ـ اطلاعات زمين‌شناسي و ژئوفيزيكي ـ ضخامت طبقه بهره‌ده ـ فاصله يا فواصل بين سطوح مختلف تماس سيالات ـ خصوصيات پتروفيزيكي‌سنگهاي مخزن تجزيه و آزمايش عوامل فشار و حجم و درجه حرارت سيالات موجود در مخزن (PVT) ـ قابليت بالقوه و بهره‌دهي مخزن قابليت‌بالقوه بهره‌دهي روزانه هر چاه خصوصيات و تركيبات مربوطه نفت مكشوفه ـ عمق ـ فشار و ساير خصوصيات مخزن. ب ـ فاصله و ميزان دسترس بودن مخزن از كنار دريا و نقاط عمده پخش و مصرف ـ فراهم بودن وسائل حمل و نقل تا بازارهاي فروش يا ميزان‌مخارجي كه براي ايجاد يا تكميل وسائل مزبور مورد نياز باشد. ج ـ هر گونه اطلاعات مربوطه ديگر كه مورد استناد طرف دوم قرار گرفته و استنباطات وي مبتني بر آن بوده باشد. ‌د ـ نظرياتي كه به وسيله كارشناس يا كارشناساني كه تصدي عمليات را بر عهده داشتند ابراز گرديده باشد. 4 ـ طرف اول گزارش طرف دوم را فوراً و با كمال حسن نيت مورد بررسي قرار خواهد داد تا تشخيص دهد كه آيا ميدان تجاري بدان معني كه در بند 5‌اين ماده تعريف گرديده كشف شده است يا نه. 5 ـ ميدان فقط وقتي تجاري تلقي مي‌شود كه مقدار نفتي كه استخراج آن از ميدان مزبور به طور معقول قابل پيش‌بيني است طوري باشد كه در صورت‌تحويل نفت در كنار دريا اگر مخارج بهره‌برداري را با هزينه اكتشاف (‌به شرح مقرر در بند 7 (ب) ماده 30) و با هزينه‌هاي حمل و بارگيري و همچنين با‌رقمي معادل 12.5 درصد قيمت اعلان شده مربوطه براي نفتي از مشخصات مشابه جمع كنند و رقم حاصله را از قيمت اعلان شده مذكور موضوع‌نمايند سود ويژه‌اي باقي بماند كه ميزان آن از 25 درصد قيمت اعلان شده مربوطه كمتر نباشد. 6 ـ هرگاه طرف اول استنباط طرف دوم را دائر بر كشف ميدان تجاري موجه تشخيص دهد مراتب را به طرف دوم اطلاع خواهد داد. كليه مخارجي كه‌از تاريخ تسليم اظهاريه طرف دوم دائر بر كشف اولين اول چاه تجاري تا تاريخ شروع بهره‌برداري تجاري به معني مشروح در بند 2 ماده 33 اين قرارداد‌انجام گرديده به عنوان مخارج توسعه و بهره‌برداري تلقي خواهد شد. هرگاه طرف اول معتقد باشد كه استنباط طرف دوم دائر بر كشف ميدان تجاري غير‌موجه است نظريات و دلايل خود را به طرف دوم اطلاع خواهد داد. در اين صورت طرف دوم مي‌تواند عمليات حفاري بيشتري را انجام دهد و هر گاه‌در نتيجه اين حفاريهاي اضافي وجود ميدان قابل بهره‌برداري به ميزان تجاري ثابت شود كليه مخارجي كه در فاصله تاريخ اظهاريه مربوط به اولين چاه‌تجاري و تاريخ شروع بهره‌برداري تجاري صورت گرفته باشد به‌عنوان مخارج توسعه و بهره‌برداري تلقي خواهد شد. 7 ـ مقررات اين ماده نسبت به ميدانهايي كه بعد از ميدان اولي كشف شود نيز جاري خواهد بود. 8 ـ طرف دوم تقبل مي‌نمايد كه به محض كشف هر ميدان تجاري در صورتي كه طرف اول درخواست بنمايد علاوه بر سهم خود هزينه‌هاي طرف اول‌را (‌پنجاه درصد) نيز كه براي توسعه و بهره‌برداري چنين ميداني تا تاريخ شروع بهره‌برداري تجاري مورد لزوم است (‌به شرح مذكور در بند 6 اين ماده) ‌تأمين نمايد مشروط بر اين كه: ‌الف ـ طرف اول بهره‌اي معادل نرخ تنزيل شعبه نيويورك فدرال رزرو بانك آمريكا به اضافه (2).(1)1 درصد بپردازد. ب ـ طرف اول هزينه‌هاي مزبور را به دلار آمريكايي در چهار قسط مساوي سالانه به طرف دوم بپردازد اولين قسط پرداختهاي مزبور در سررسيد شش ماه پس از تاريخ شروع بهره‌برداري تجاري و اقساط بعدي هر كدام به فاصله يك سال از يكديگر خواهد بود. 9 ـ از تاريخ شروع بهره‌برداري تجاري طرفين قرارداد توأماً مسئوليت پرداخت كليه هزينه‌هايي را كه بعد از تاريخ مزبور براي عمليات نفتي ميدان مورد‌بحث لازم باشد بر عهده خواهند گرفت.
		- ‌ماده 16 ـ تعهدات حفاري 1 ـ عمليات اكتشافي بايستي قبل از خاتمه شش ماه از تاريخ اجراي قرارداد آغاز شود. 2 ـ عمليات حفاري بايستي با نهايت سرعت معقول و بر طبق روش صحيح صنعت نفت آغاز شود ولي طرف دوم به حال حداكثر ظرف 18 ماه از‌تاريخ اجراي قرارداد بايستي اقلاً حفاري يك چاه نفت را در ناحيه‌اي كه به موجب اين قرارداد به دستگاه مختلط واگذار شده است آغاز كرده باشد. 3 ـ اگر در خاتمه دوازده سال از تاريخ اجراي قرارداد طرف دوم به‌بهره‌برداري تجاري در ناحيه‌اي كه به موجب اين قرارداد به دستگاه مختلط واگذار‌گرديده نرسد قرارداد حاضر كان‌لم‌يكن تلقي و شركت پگوپكو منحل خواهد شد.
		- ‌ماده 17 ـ استفاده از اراضي 1 ـ شركت پگوپكو حق خواهد داشت كه از كليه اراضي باير متعلق به‌دولت كه براي استفاده به منظور عمليات مقرر در اين قرارداد به نحو معقول مورد‌لزوم باشد مجاناً استفاده نمايد. استفاده از اين گونه اراضي مشروط به موافقت قبلي و كتبي دولت خواهد بود. درخواست موافقت توسط طرف اول به‌عمل خواهد آمد و نبايد به طور غير معقول مورد رد يا تأخير واقع شود. 2 ـ در مواردي كه شركت پگوپكو براي اجراي عمليات مقرر در اين قرارداد احتياج به استفاده از اراضي دائر متعلق به دولت داشته باشد تحصيل اين‌اراضي در مقابل پرداخت بهاي عادله يا مال‌الاجاره به دولت خواهد بود. ‌درخواست تحصيل اراضي مزبور از طريق طرف اول انجام خواهد گرفت. 3 ـ هرگاه شركت پگوپكو احتياج به اراضي داشته باشد كه متعلق به‌مالك خصوصي باشد خريد يا اجاره آنها از طريق مذاكره مستقيم با مالك انجام‌خواهد گرفت. معذالك شركت پگوپكو مي‌تواند از طرف اول تقاضا كند كه در مذاكرات مزبور مداخله و با استفاده از مقررات اساسنامه شركت ملي نفت‌ايران در مورد تحصيل اراضي به شركت مزبور كمك كند. 4 ـ هيچ گونه تقليلي كه به موجب مقررات ماده 3 اين قرارداد در ناحيه عمليات حاصل مي‌شود نسبت به حقوقي كه به موجب مقررات اين ماده در‌اراضي مورد استرداد كسب شده باشد مؤثر نخواهد بود.
		- ‌ماده 18 ـ حقوق ارتفاقي ‌هر گاه شركت پگوپكو به منظور انجام عمليات خود در حدود معقول در رو يا در زير زمين (‌خواه در داخل ناحيه عمليات يا خارج از آن) حقي "‌از قبيل‌حقوق ارتفاقي و حق عبور و مرور و حق احداث و كشيدن راه و راه‌آهن و لوله و خطوط لوله و مجراي فاضلاب و زه‌كشي و سيم‌كشي و خطوط نظاير‌آن لازم داشته باشد" مراتب را كتباً به طرف اول اطلاع خواهد داد. طرف اول حقوقي را كه شركت پگوپكو لازم دارد در مورد اراضي مشروح در بند 1‌ماده 17 به طور مجاني و در موارد ديگر در مقابل پرداخت قيمت يا اجاره بهاي عادله براي شركت مزبور تحصيل خواهد نمود. مبالغي كه بدين ترتيب‌توسط طرف اول پرداخت مي‌شود از طرف دستگاه مختلط (‌متساوياً به وسيله طرفين اين قرارداد) به طرف اول مسترد خواهد گرديد.
		- ‌ماده 19 ـ استفاده از آب 1 ـ شركت پگوپكو مي‌تواند به منظور اجراي عمليات مقرر در اين قرارداد با موافقت كتبي دولت از كليه آبهايي كه در سطح يا در تحت اراضي كه به‌موجب اين قرارداد حق استفاده از آن را دارد و يا در اراضي متعلق به دولت كه مورد استفاده دولت يا ديگران نباشد يافت شود استفاده نمايد. درخواست ‌موافقت از طريق طرف اول به عمل خواهدآمد و نبايد به طور غير معقول مورد رد يا تأخير واقع شود. استفاده از آب مجاني ليكن مشروط به‌رعايت‌حقوق اشخاص ثالث و پرداخت‌هاي متداول ديگر خواهد بود. 2 ـ هر گاه شركت پگوپكو به طور معقول احتياج به استفاده از آبهايي داشته باشد كه در اراضي غير از آنچه فوقاً ذكر شد واقع باشد براي كسب حقوق‌مزبور از طريق مذاكره مستقيم اقدام خواهد كرد. بها يا اجاره‌اي كه در مقابل حقوق مزبور پرداخته مي‌شود بايد معقول بوده و از بهاي عادله حقوق مشابه‌در اراضي مجاور تجاوز ننمايد.
		- ‌ماده 20 ـ مصالح ساختماني ‌شركت پگوپكو مي‌تواند براي عمليات خود و با رعايت حقوق اشخاص ثالث از زمينهايي كه مورد استفاده او است و همچنين از زمينهايي كه در داخل‌ناحيه عمليات متعلق به دولت است و مورد استفاده دولت يا ديگران نيست هر نوع خاك و شن و آهك و سنگ و گچ و ساير مصالح ساختماني را‌برداشت و استفاده نمايد مشروط بر اين كه خسارات وارده بر اشخاص ثالث را كه در نتيجه اين برداشت يا استفاده ممكن است متضرر بشوند به‌ميزان‌ عادلانه‌اي جبران نمايد.
		- ‌ماده 21 ـ تهيه برنامه فروش و تحويل 1 ـ هر يك از طرفين نهايت مساعي خود را به كار خواهد برد تا فروش يا برداشت نفت را به حداكثر ميزاني كه از نقطه نظر اقتصادي موجه باشد تأمين‌نمايد. 2 ـ برنامه بهره‌برداري براي هر سال توسط شركت پگوپكو حداقل شش ماه جلوتر از پايان سال قبل طبق شرايط زير و با رعايت نحوه تقدم و تأخير‌مذكور در اين ماده تهيه خواهد شد: ‌الف ـ شركت پگوپكو براي اجراي عمليات خود در ايران كه به موجب اين قرارداد مقرر شده حق خواهد داشت از نفتي كه توليد كرده يا ساخته به طور‌مجاني مصرف نمايد. استفاده مزبور محدود به مصرف اختصاصي و مورد لزوم آن شركت خواهد بود. ‌هر گاه طي دوره اكتشافي وجود يك ميدان تجاري محرز شناخته شود طرف دوم نصف قيمت تمام شده نفتي را كه در عمليات اكتشافي مربوطه به‌مصرف رسيده باشد به طرف اول خواهد پرداخت. ب ـ شركت پگوپكو نفت مورد احتياج مصرف داخلي را طبق مقررات ماده 25 به طرف اول تحويل خواهد داد. ج ـ شركت پگوپكو مقادير نفتي را كه طرفين اول و دوم قرارداد براي انجام تعهداتي كه به موجب قراردادهاي فروش و احتياجات بازار لازم داشته‌باشند طبق ماده 22 تحويل خواهد داد. 3 ـ طرفين قرارداد جزئيات طرز عمل مربوط به احتياجات و برنامه‌هاي برداشت نفت را با توافق معين خواهند كرد.
		- ‌ماده 22 ـ تحويل نفت به طرفين قرارداد به منظور صادرات 1 ـ تعيين مقادير نفتي كه به موجب جزء ج از بند 2 ماده 21 بايد به‌طرفين اول و دوم تحويل شود به نحو مذكور زير انجام خواهد گرفت: ‌شركت پگوپكو بايستي برآورد توليد خود را كه مطابق بند 2 ماده 21 تهيه مي‌كند به‌طرفين اول و دوم اعلام نمايد هر يك از طرفين مي‌تواند نصف مقدار ‌نفت آماده صدور را از شركت دريافت نمايد و نيز مي‌تواند هر قسمت از نصف ديگر را تا حدي كه طرف ديگر مايل به‌ تحويل گرفتن آن نباشد خريداري ‌كند. 2 ـ چنانچه يكي از طرفين قرارداد در عرض سال تقويمي بيش از سهم خود (‌پنجاه درصد) برداشت نمايد نصف مابه‌التفاوت مقادير برداشت‌هاي‌مربوطه طرفين به عنوان خريد از طرف ديگر تلقي مي‌شود و بايد بابت آن مبلغي به طرف مزبور پرداخت نمايد. ‌اين مبلغ معادل حاصل ضرب حجم اضافه برداشت در نصف مجموع ارقام زير خواهد بود: ‌الف ـ متوسط واقعي سالانه بهاي اعلان شده. ب ـ هزينه توليد يك واحد. ج ـ هر گونه مخارج ديگري كه طبق مقررات مالياتي بتوان آن را جزو هزينه توليد به حساب آورد. 3 ـ در صورتي كه تغييراتي در مباني قيمت گذاري نفت خام خاور ميانه و يا در مقررات مالياتي ايران حاصل شود كه در مقررات بند 2 اين ماده تأثير‌نمايد طرفين قرارداد به منظور اتخاذ ترتيبات جديدي با هم مذاكره خواهند كرد. ترتيبات جديد بايد به نحوي باشد كه در مقام مقايسه با ترتيبات موجود‌يكي از طرفين نتواند به زيان طرف ديگر از آن منتفع گردد.
		- ‌ماده 23 ـ مالكيت و صدور نفت 1 ـ پنجاه درصد از نفتي كه در ناحيه عمليات توليد شود در سر چاه به‌ملكيت طرف اول و پنجاه درصد ديگر به ملكيت طرف دوم در خواهد آمد. 2 ـ صادرات نفت توليد شده از ناحيه عمليات از حقوق گمركي و ماليات صادراتي معاف بوده و مشمول هيچ گونه ماليات يا عوارض يا پرداختهاي ‌ديگري به مقامات دولتي ايراني اعم از مركزي يا محلي نخواهد بود. 3 ـ طرف اول و طرف دوم و مشتريان آنها مي‌توانند نفت را از ايران و آزادانه و بدون احتياج به هيچ گونه پروانه و تشريفات خاصي مگر تنظيم اسناد و‌انجام تشريفات مقرر در بند 6 ماده 32 اين قرارداد صادر نمايند. 4 ـ در مورد آنچه راجع به صادرات در اين ماده قيد شده و آنچه راجع به واردات و صدور مجدد آن در ماده 32 مقرر است صادركننده يا واردكننده‌نسبت به بيمه كشتي و ملوانان و محصولات و كرايه حمل و تعيين بيمه‌گر و تشخيص ميزان بيمه مزبور مختار خواهد بود. 5 ـ طرف دوم در شرايط معقول نسبت به حمل نفت خام و محصولات نفتي از طريق خطوط لوله‌اي كه در اختيار طرف اول و يا توسط نفتكشهايي كه‌در مالكيت ايراني مي‌باشد اولويت قائل خواهد شد.
		- ‌ماده 24 ـ قيمت‌هاي اعلان شده ‌طرفين اول و دوم هر كدام قيمتهاي اعلان شده نفت را به مبلغي كه توسط هيأت مديره شركت پگوپكو معين و مورد تصويب قرار گرفته باشد منتشر‌خواهند نمود. قيمتهاي اعلان شده مزبور بر اساس تعريفي كه بند ط ماده يك مقرر است معين خواهد شد. ‌نفت خامي كه به موجب اين قرارداد توليد شده باشد توسط طرفين اول و دوم و يا هر شركت بازرگاني (‌كه يكي از طرفين تأسيس نموده باشند) به‌قيمتهاي اعلان شده منهاي هر گونه تخفيفي كه طبق مقررات جزء ط از ماده يازده قانون نفت به تصويب طرف اول رسيده باشد در نقاط صدور در ايران‌برداشت يا فروخته خواهد شد. ‌اين مقررات شامل مواردي كه نفت به موجب ماده 25 اين قرارداد براي مصرف داخلي تحويل مي‌شود و يا توسط يكي از طرفين به طرف ديگر يا توسط‌يكي از آنها به يك شركت بازرگاني (‌كه يكي از طرفين تأسيس نموده باشند) فروخته شود نخواهد بود.
		- ‌ماده 25 ـ نفت خام براي مصرف داخلي 1 ـ شركت پگوپكو مقاديري از نفت خام توليد و ذخيره شده در ناحيه عمليات را كه طرف اول براي مصرف داخلي ايران درخواست كند تحويل خواهد‌داد مشروط بر آن كه: ‌الف ـ طرف اول به موجب اعلام كتبي احتياجات خود را طبق ترتيبي كه بايد مورد توافق قرار گيرد به شركت پگوپكو اطلاع دهد. ب ـ تا ميزاني كه شركت پگوپكو براي اجراي عمليات خود احتياج به‌مصرف نفت خام داشته باشد طرف اول از شركت مزبور تقاضاي تحويل نفت‌خام ننمايد. ج ـ ميزان تقاضاي طرف اول براي تحويل نفت خام از شركت پگوپكو در مورد هر دوره ساليانه نبايد با ميزان تقاضاي وي از عاملين ديگر كه در كشور‌ايران انجام عمليات مشابهي را متعهد مي‌باشند نامتناسب باشد و به‌هر حال ميزان تقاضاي مزبور در هر دوره ساليانه نبايد از ده درصد كل توليد دستگاه ‌مختلط تجاوز نمايد. ‌د ـ شركت پگوپكو ملزم نباشد كه براي تأمين احتياجات طرف اول مقدار توليد نفت خام را به ميزاني زايد بر حداكثر معقول بالا ببرد. 2 ـ نفت خامي كه تحويل آن طبق بند 1 اين ماده مورد تقاضا واقع مي‌گردد توسط شركت پگوپكو در هر نقطه از ميدان توليد يا نقاط مجاور آن كه شركت‌پگوپكو تعيين نمايد به طرف اول تحويل خواهد گرديد. طرفين اول و دوم هر يك سهم متساوي از مقدار تحويلي مزبور را بر عهده خواهند داشت و‌مالكيت نفت خام تحويلي در محل به طرف اول منتقل خواهد شد. 3 ـ طرف اول در برابر نفت خامي كه طبق مقررات بند 1 اين ماده از طرف دوم تحويل مي‌گيرد مبلغي معادل قيمتي كه سهم مزبور براي طرف دوم تمام‌شده به اضافه حق‌العملي مساوي چهارده سنت آمريكايي براي هر متر مكعب نفت به طرف دوم خواهد پرداخت. پرداخت مزبور ظرف پانزده روز از‌تاريخي كه طرف دوم صورت حساب موقتي آن را ارائه مي‌نمايد انجام خواهدگرفت ظرف سه ماه بعد از خاتمه هر سال تقويمي طرف دوم‌صورتحساب‌هاي خود را بر اساس تعيين قطعي قيمت تمام شده كه از طرف شركت پگوپكو به عمل مي‌آيد تعديل خواهد نمود و تفاوتهاي حاصله به‌اختلاف موارد در بدهكار يا بستانكار حساب طرف اول ملحوظ خواهد شد و تصفيه حساب ظرف پانزده روز از ارائه صورت بدهكار يا بستانكار مزبور‌به عمل خواهد آمد. 4 ـ قيمت تمام شده مذكور در بند 3 اين ماده از طريق تقسيم هزينه كل واحد توليدي مربوطه به ناحيه بر اساس متر مكعب طبق روش صحيح‌محاسباتي معمول صنعت نفت تعيين خواهد گرديد.
		- ‌ماده 26 ـ گاز طبيعي 1 ـ شركت پگوپكو از گاز طبيعي كه توليد مي‌نمايد در حدودي كه دستگاه مختلط بعد از تأمين مصرف عمليات مقرر در اين قرارداد موجود داشته باشد‌هر مقدار كه براي تأمين مصرف داخلي ايران مورد احتياج طرف اول باشد بدون هيچ گونه پرداختي غير از آنچه در همين ماده مقرر است به‌طرف مزبور‌تحويل خواهد نمود مصرف داخلي گاز در ايران شامل احتياجات مربوط به تهيه مشتقات در ايران نيز خواهد بود اعم از اين كه مشتقات مزبور مصرف‌داخلي داشته يا براي صادرات باشد. 2 ـ شركت پگوپكو بعد از تأمين احتياجات مشروح در بند 1 اين ماده هر مقدار از گاز كه براي تأمين تعهدات طرفين اول و دوم كه ممكن است در مقابل‌خريداران بر عهده گرفته باشند لازم باشد به طرفين مزبور تحويل خواهد نمود. مقادير قابل تحويل به هر يك از طرفين طبق شرايط مقرر در ماده 22‌تعيين خواهد گرديد. 3 ـ در مورد گاز طبيعي كه توأماً با نفت خام توليد مي‌شود محل تحويل به طرف اول در دستگاه جداكننده نفت از گاز طبيعي در ميدان نفت خواهد بود‌در مواردي ديگر محل تحويل محلي خواهد بود در ميدان گاز و يا در مجاورت آن به نحوي كه شركت پگوپكو تعيين كند. 4 ـ در مواردي كه گاز طبيعي كه به طرف اول تحويل شده و يا خواهدشد گازي باشد كه در نتيجه توليد نفت خام به دست آيد مقررات زير مجري‌خواهد بود: ‌الف ـ چنانچه براي تحويل گاز طبيعي به طرف اول ايجاد وسايل اضافي ضروري گردد سرمايه لازم براي چنين عملي به عهده طرف اول خواهد بود. ‌گرداندن اين وسائل اضافي و همچنين ساير وسائل توليد و تحويل گاز طبيعي به طرف اول با شركت پگوپكو خواهد بود. ب ـ طرف اول هزينه‌هايي را كه شركت پگوپكو بابت تحويل گاز طبيعي سهم طرف دوم (‌منجمله هزينه‌هاي گرداندن وسائل مربوطه)‌بر عهده مي‌گيرد‌به طرف دوم خواهد پرداخت. 5 ـ در مواردي كه گاز طبيعي تحويلي به طرف اول از ميداني توليد شده باشد كه محصول آن در درجه اول گاز طبيعي باشد مقررات زير مجري خواهد‌بود: ‌الف ـ اگر گاز توليد شده از ميدان مزبور منحصراً براي تحويل به طرف اول باشد سرمايه‌اي كه براي ايجاد وسائل اضافي به منظور آماده كردن ميدان براي‌بهره‌برداري و توليد و تحويل گاز پس از ورود به مرحله توليد لزوم پيدا كند به عهده طرف اول خواهد بود. گرداندن تمام اين گونه وسائل اضافي و‌همچنين كليه وسائل توليد و تحويل گاز طبيعي به طرف اول با شركت پگوپكو خواهد بود. طرف اول هزينه‌هايي را كه شركت پگوپكو براي توليد سهم‌طرف دوم از گاز طبيعي و تحويل آن به طرف اول متحمل شده (‌منجمله هزينه‌هاي گرداندن تمام دستگاههاي مربوط به توليد و تحويل سهم طرف دوم)‌به طرف دوم خواهد پرداخت. ب ـ اگر شركت پگوپكو و يا طرف دوم نيز از گاز طبيعي ميداني برداشت كنند كليه هزينه‌هاي جاري بين استفاده‌كنندگان از گاز به نسبت برداشت هر يك‌تقسيم خواهد شد.
		- ‌ماده 27 ـ مقررات پولي بين طرفين ‌طرفين اول و دوم تقبل مي‌نمايند كه هر يك نصف وجوهي را كه براي عمليات شركت پگوپكو لازم باشد تأمين نمايند.
		- ماده 28 ـ حسابها به چه پولي نگاهداشته خواهد شد ـ ارز 1 ـ پرداخت ماليات بر درآمد بابت عمليات موضوع اين قرارداد و هر مبلغ ديگري كه مشمول مقررات بند 2 ماده 22 و ماده 29 باشد به دلار آمريكايي يا‌به ليره انگليسي يا به هر پول ديگري كه مورد قبول بانك مركزي ايران باشد انجام خواهد گرفت. جز در مواردي كه به موجب اين ماده استثنا شده باشد‌هر گونه پرداخت ديگر به طرف اول يا به دولت ايران و نيز هر گونه پرداخت از طرف اول به شركت پگوپكو يا به طرف دوم به پول رايج ايران به عمل‌خواهد آمد. 2 ـ دفاتر اصلي و محاسبات شركت پگوپكو و طرف دوم به دلار آمريكايي نگاهداري خواهد شد و به اين منظور تبديل پول ايران به دلار آمريكايي و‌دلار آمريكايي به پول ايران به نرخ معدل واقعي ماهيانه‌اي تسعير خواهد شد كه به آن نرخ پول ايران توسط شركت پگوپكو يا طرف دوم در ماه مزبور در‌مقابل دلار آمريكايي خريداري شده است و هر گاه اينگونه خريد ظرف ماه مزبور به عمل نيامده باشد نرخ خريد نزديك‌ترين ماههاي پيش مأخذ تسعير‌خواهدبود. در آخر هر دوره ساليانه مابه‌التفاوت حاصل از تغييرات نرخ ارز در دفاتر شركت پگوپكو يا در دفاتر طرف دوم بر حسب مورد به‌مخارج‌عمليات شركت پگوپكو يا طرف دوم اضافه يا كسر خواهد شد. 3 ـ دولت ايران وسايلي فراهم خواهد كرد كه شركت پگوپكو و طرف دوم و شركتهاي بازرگاني مطمئناً بتوانند پول ايران را در مقابل دلار آمريكايي ‌بدون تبعيض و به نرخ تسعير بانك كه در روز معين براي مشتريان پول ايران در مقابل دلار آمريكايي به طور عموم در دسترس باشد خريداري نمايند. ‌منظور از نرخ تسعير بانك عبارت است از نرخ ارز رايج يا متداول بانك در روز مورد بحث براي خريد پول ايران در ازاء پول غير ايراني كه كلاً يا بعضاً از‌طريق صدور كالاهاي عمده صادراتي ايران (‌به ترتيب ارزش) غير از نفت خام و مواد مشتقه آن حاصله در حوزه عمليات به دست آمده باشد. ‌چنانچه در هر موقع چندين نرخ تسعير بانكي موجود باشد نرخي كه بيشترين مبلغ پول ايران را عايد مي‌سازد ملاك عمل قرار خواهد گرفت. كليه بهاي‌گواهي‌نامه ارزي، حق‌العمل، دستمزد و امثال آن جزء نرخ ارز محسوب خواهد شد. 4 ـ شركت پگوپكو يا طرف دوم ملزم به تبديل هيچ قسمت از وجوه خود به پول ايران نخواهند بود ولي وجوهي را كه براي پرداخت هزينه‌هاي ‌عمليات خود در ايران لازم مي‌دانند بايد از طريق بانكهاي مجاز به پول ايران تبديل كنند. 5 ـ در مدت اين قرارداد و پس از پايان مدت اين قرارداد شركت پگوپكو يا طرف دوم ممنوع نخواهند بود از اين كه هر گونه وجوه يا دارايي را آزادانه در‌خارج از ايران داشته باشند يا آن را نقل و انتقال دهند ولو آن كه اين وجوه يا دارايي از عمليات آنها در ايران به دست آمده باشد و همچنين ممنوع ‌نخواهند بود از اين كه حسابهايي به ارز خارجي بانك مركزي ايران داشته باشند و وجوه موجود در بستانكار حسابهاي خود را تا حدودي كه وجوه‌دارايي‌هاي مزبور به وسيله شركت پگوپكو يا به وسيله طرف دوم طبق مقررات اين قرارداد به ايران وارد شده و يا از عمليات آنها حاصل شده باشد ‌آزادانه نگاهداشته يا منتقل و صادر نمايند. 6 ـ هزينه‌ها و عايداتي كه به ارزي غير از دلار آمريكايي يا پول ايران باشد بر اساس متوسط نرخهاي خريد و فروش ارز مورد بحث در نيويورك در پايان‌ وقت اداري در روزي كه هزينه‌ها يا عايدات مزبور صورت گرفته‌باشد (‌طبق گواهي چيس مانهاتان بانك نيويورك) به دلار آمريكايي تسعير خواهد شد. 7 ـ الف ـ از نظر اين قرارداد و براي تعيين درآمد ناويژه حاصله در ايران از نقطه نظر ماليات بر درآمد دولت ايران چنانچه بهاي اعلان شده به ارزي غير از‌ دلار آمريكايي باشد تسعير آن به دلار آمريكايي بر اساس ارزش برابري روز كه طبق مقررات اساسنامه صندوق بين‌المللي پول تعيين شده باشد خواهد‌بود. ‌در صورتي كه ارزش برابري مزبور تعيين نشده باشد طرف اول و طرف دوم سعي خواهند كرد در خصوص تعيين اساس قابل قبولي براي تسعير مزبور ‌توافق حاصل نمايند. در صورت عدم حصول توافق تسعير بر اساس متوسط نرخهاي خريد و فروش ارز بين دلار آمريكايي و ارز مذكور در پايان وقت ‌اداري روز مورد بحث در نيويورك طبق گواهي بانك مركزي ايران به‌عمل خواهد آمد. ب ـ هر گاه روزي نرخ خريد و فروش ارز در نيويورك معين نگردد نرخي كه به جاي متوسط نرخ خريد و فروش ارز در نيويورك بايد ملاك عمل قرار‌گيرد عبارت خواهد بود از متوسط آخرين نرخهاي قبلي ارز مورد بحث در نيويورك كه به وسيله بانك ملي ايران گواهي شده باشد در صورتي كه ارز‌خارجي مورد بحث در نيويورك نرخ‌بندي نشده باشد نرخي كه بايد براي منظورهاي مذكور در فوق به جاي متوسط نرخهاي خريد و فروش ارز در‌نيويورك به كار رود عبارت از نرخي خواهد بود كه اتحاديه بانك‌هاي سويس ـ زوريخ با توجه به معاملات با آن ارز مناسب تشخيص دهد. 8 ـ دولت ايران اطمينان مي‌دهد كه بعد از خاتمه اين قرارداد وجوهي كه به پول ايران در اختيار شركت پگوپكو يا در اختيار طرف دوم باشد تا آنجا كه‌وجوه مزبور طبق اين قرارداد به ايران وارد شده يا از عملياتي كه به موجب ايران قرارداد بر عهده دارند حاصل شده باشد به‌درخواست آنان و بدون هيچ‌گونه تبعيض به نرخ بانكي كه به طور عموم مورد دسترس خريداران دلار آمريكايي باشد به دلار آمريكايي قابل تبديل خواهد بود. 9 ـ مديران و كاركنان غير ايراني شركت پگوپكو يا طرف دوم و خانواده‌هاي آنها ممنوع نخواهند بود از اين كه وجوه يا دارايي را كه در خارج از ايران‌دارند آزادانه نگاهداشته يا انتقال دهند و مي‌توانند هر قسمت از اين وجوه را كه براي حوائج آنها ولي نه به منظور سفته‌بازي ضروري باشد به ايران انتقال‌دهند اين قبيل اشخاص مجاز نخواهند بود كه در ايران معاملات ارزي از هر قبيل به غير از بانك مجاز يا طريق ديگر كه دولت تصويب كند انجام دهند. 10 ـ مديران يا كارمندان غير ايراني شركت پگوپكو يا طرف دوم كه حقوق آنان به ريال پرداخت مي‌شود حق خواهند داشت طي هر سال در مدت ادامه‌خدمت خود در ايران مبلغي حداكثر 50% حقوق خالص (‌پس از كسر ماليات) خود در آن سال را به ارز كشور محل اقامت عادي خود آزادانه از ايران‌خارج كنند. 11 ـ مديران يا كاركنان غير ايراني شركت پگوپكو يا طرف دوم در خاتمه خدمت خود در ايران كه ايران را ترك مي‌نمايند حق خواهند داشت مبلغي كه‌از پنجاه درصد حقوق ناويژه 24 ماه اخير خدمت آنها متجاوز نباشد به ارز كشور محل اقامت عادي خود آزادانه از ايران خارج كنند.
		- ‌ماده 29 ـ <P>تعهد مخارج و حق‌الارض 1ـ طرف دوم قبل از انقضاي مدت سي روز از تاريخ اجرا مبلغ پنج ميليون دلار آمريكايي (5000000 دلار) به عنوان پذيره به طرف اول خواهد‌پرداخت مبلغ مزبور در يكي از بانكها به حساب طرف اول گذاشته خواهد شد شماره حساب مزبور و نام و آدرس بانك مذكور به وسيله طرف اول‌حداقل ده روز جلوتر از تاريخي كه پرداخت آن بايد انجام گيرد كتباً به‌طرف دوم اخطار خواهد شد. 2ـ طرف دوم با رعايت مقررات بند 3 زير طي دوازده سال اول از تاريخي اجرا حداقل مبلغ ده ميليون دلار (10000000 دلار) براي عملياتي كه به‌موجب اين قرارداد متعهد گرديده است مستقيماً و يا از طريق شركت پگوپكو خرج خواهد كرد. از حداقل مزبور مقداري كه براي هر يك از دوازده سال‌بايد خرج شود طبق جدول زير خواهد بود: ‌دوره‌هاي ساليانه بعد از تاريخ اجرا ‌دوره ساليانه اول و هر يك از دوره‌هاي ساليانه ‌بعدي تا خاتمه سال چهارم 2000000 دلار آمريكايي ‌دوره ساليانه پنجم و هر يك از دوره‌هاي سالهاي ‌بعدي تا خاتمه سال دوازدهم 250000 دلار آمريكايي 3 ـ ظرف شصت روز بعد از خاتمه سال چهارم ميزان كل مخارجي كه طرف دوم در عمليات خود ضمن چهار سال گذشته به مصرف رسانيده است ‌معين خواهد گرديد. ‌الف ـ چنانچه مخارج مزبور از ميزاني كه براي خرج در دوره مورد بحث معين گرديده بود كمتر باشد تفاوت آن طبق بند 6 اين ماده به حساب دستگاه‌مختلط در عمليات توسعه خرج خواهد شد و يا 50% از تفاوت مزبور به طرف اول پرداخت خواهد گرديد. ب ـ چنانچه مخارج مزبور از ميزاني كه براي خرج در دوره مورد بحث معين گرديده بود بيشتر باشد اضافه آن از مبلغي كه براي مخارج هشت‌ساله آينده‌تعيين گرديده است كم خواهد شد. ج ـ در صورتي كه به علت پيش‌آمد فرس‌ماژور به نحو مقرر در اين قرارداد اجراي عمليات طرف دوم غير ممكن گردد يا به علت مزبور اجراي آن‌عمليات در يك يا چند سال به مانعي برخورد كند يا به تأخير افتد اين امر تأثيري در ميزان تقسيم مخارجي كه به شرح جدول مندرج در بند 2 اين ماده‌مقرر است نخواهد داشت مشروط بر اين كه طرف دوم بعد از رفع پيش آمد مزبور كليه تعهداتي را كه به موجب بند 2 فوق بر عهده دارد قبل از انقضاي‌سال دوازدهم از تاريخ اجرا يا در صورتي كه قرارداد به علت پيش آمد فرس ماژور تمديد شده باشد قبل از انقضاي مدت اضافي مذكور انجام داده باشد. 4 ـ در طول مدت چهار سال اول عمليات اكتشافي تحت هيچ عنواني به جز در موارد فرس ماژور به نحو مقرر در اين قرارداد موقوف يا تعطيل نخواهد‌شد ليكن در انقضاي مدت مزبور و نيز در انقضاي هر يك از هشت سال بعدي در صورتي كه طرف دوم ملاحظه نمايد كه شرايط زيرزميني ناحيه‌عمليات به شرح مقرر در ضميمه الف طوري است كه كشف نفت به‌ميزان تجاري براي او غير مقدور به نظر مي‌رسد مي‌تواند از ادامه دادن به‌عمليات‌اكتشافي در ناحيه مزبور خودداري نمايد در اين صورت بايد قصد خود را به طرف اول اعلام نموده از حقوق خود نسبت به ناحيه مزبور صرفنظر كند‌ليكن بايد ثابت نمايد كه كليه امور اكتشافي تا تاريخ اعلام مزبور طبق برنامه به موقع اجرا گذارده شده و كليه مبالغي كه براي خرج كردن در دوره مقدم بر‌اعلام مزبور در نظر گرفته شده بود بالتمام خرج شده است. هر گاه تا تاريخ اعلام مزبور مقداري از مبالغ مزبور خرج نشده باشد طرف دوم بايد نصف‌مقدار خرج نشده مزبور را به طرف اول بپردازد. طرف دوم در تاريخ اجرا ضمانت‌نامه‌اي از بانك ملي ايران به مبلغ هشت ميليون دلار آمريكايي(8000000 دلار) كه معادل حداقل تعهد مخارج اكتشافي طرف دوم ظرف چهار سال اول است به طرف اول تسليم خواهد نمود. مبلغ ضمانت‌نامه‌مذكور هر سال به نسبت مبالغي كه طرف دوم بابت عمليات اكتشافي در آن سال تلقي شود قابل تقليل خواهد بود. ‌طرف دوم صورتحساب مخارجي كه طرف هر دوره دوازده‌ماهه بعد از تاريخ اجرا به موجب بندهاي 3 و 6 اين ماده به مصرف عمليات رسيده است به‌طرف اول تسليم خواهد نمود. مخارج مزبور بايد در آخرين ترازنامه طرف دوم منعكس بوده و به گواهي حسابرسان شركت پگوپكو رسيده باشد. 5 ـ در صورتي كه در انقضاي سال دوازدهم نفت كشف شده ليكن حداقل مبلغي كه به موجب بند 2 اين ماده مقرر است كلاً به مصرف نرسيده باشد ‌طرف دوم ملزم خواهد بود كه نصف مقدار خرج نشده را به طرف اول بپردازد. 6 ـ پس از كشف نفت در ناحيه عمليات به ميزان تجاري طرف دوم مي‌تواند اقلاً شصت روز پيش از شروع هر دوره ساليانه به طرف اول اعلام كند كه‌قصد دارد به جاري اجراي تمام يا قسمتي از بقيه تعهدات مربوط به‌مخارج مشروح در بند دوم اين ماده مبلغ معيني به حساب دستگاه مختلط براي‌عملياتي غير از اكتشاف خرج كند مخارجي كه به اين ترتيب به عمل آيد به منزله مخارجي خواهد بود كه در اجراي مقررات بند 2 اين ماده به‌عمل آمده‌باشد و در اين صورت از تعهدات طرف اول براي پرداخت هزينه عمليات دستگاه مختلط به ميزان نصف مخارج مزبور كسر خواهدشد. 7 ـ هر گاه كليه تعهدات مربوط به مخارج به شرح مقرر در بند 2 اين ماده انجام گرديده اما قسمتي از مخارج به نحو مقرر در بند 6 براي عملياتي غير از‌امور اكتشافي به مصرف رسيده باشد و چنانچه بعداً به نظر طرف دوم براي امور اكتشافي ظرف بقيه دوره دوازده‌ساله اكتشاف مخارج اضافي لازم شود‌مخارج اضافي مزبور ممكن است توسط طرف دوم انجام شود و چنين مخارج اضافي بر عهده طرف دوم خواهد بود. 8 ـ طرف دوم براي هر قسمت از ناحيه عمليات (‌با توجه به تقليلي كه در نتيجه استرداد حاصل شده) كه طبق بند 2 ماده 33 و بند 6 از ماده 3 اين‌قرارداد در آن بهره‌برداري تجاري به ثبوت رسيده باشد حق‌الارض سالانه‌اي به دلار آمريكايي معادل مبلغي كه در ستون الف زير معين گرديده به طرف‌اول خواهد پرداخت.;&nbsp;&nbsp;&nbsp;&nbsp;&nbsp;&nbsp;&
		- ‌هر گاه بهره‌برداري تجاري قبل از خاتمه دوازده سال دوره اكتشافي شروع گردد از حق‌الارض‌هاي فوق نسبت به هر سال مبلغي به شرح زير كسر خواهد‌ شد. ستون الف ‌تاريخ پرداخت حق‌الارض براي هر كيلومتر مربع ‌در سالروز اول و دوم از تاريخ اجرا 52.50 دلار آمريكايي ‌در سالروز سوم و چهارم از تاريخ اجرا 105 دلار آمريكايي ‌در سالروز پنجم و ششم از تاريخ اجرا 157.50 دلار آمريكايي ‌در سالروز هفتم و هشتم از تاريخ اجرا 210 دلار آمريكايي ‌در سالروز نهم و دهم از تاريخ اجرا 262.50 دلار آمريكايي ‌در سالروز يازدهم و دوازدهم از تاريخ اجرا 315 دلار آمريكايي ‌حق‌الارض‌هايي كه طبق مقررات اين ماده پرداخت مي‌گردد جزء هزينه‌هاي جاري منظور خواهد شد. 9 ـ هر وقت كه سطح توليد از ناحيه عمليات يا هر قسمت از آن به‌شرح مندرج در ضميمه الف اين قرارداد روزانه به ميزان متوسط دويست هزار بشكه‌آمريكايي رسيد و مدت سي روز متوالي از آن سطح پائين نيامد طرف دوم مبلغ پنج ميليون دلار آمريكايي به عنوان پذيره بهره‌برداري به‌طرف اول‌خواهد پرداخت، پرداخت مبلغ مزبور ظرف سي روز از آخرين دوره سي روزه متوالي مذكور در فوق انجام خواهد شد. </P>
		- ‌ماده 30 ـ ماليات 1 ـ طرف اول و هر يك از شركتهايي كه به عنوان طرف دوم رد اين قرارداد ناميده شده‌اند و هر شركت بازرگاني نسبت به سود ويژه حاصله از عمليات‌مقرر در اين قرارداد طبق مقررات قانون ماليات بر درآمد ايران كه در هر موقع قابل اجرا باشد مشمول پرداخت ماليات خواهند بود. 2 ـ دولت ايران تضمين مي‌نمايد كه نرخ ماليات بر درآمد يا ساير مقررات مربوط به تعيين سود ويژه ناظر بر طرف اول و شركتهاي جزو طرف دوم و هر‌شركت بازرگاني نامساعدتر از نرخها و مقرراتي نباشد كه ناظر بر ساير شركتهايي است كه در ايران به عمليات مشابه اشتغال داشته و جمعاً بيش از پنجاه‌درصد نفت خام ايران را توليد يا موجبات توليد آن را فراهم مي‌كنند. 3 ـ شركت پگوپكو كه صرفاً به عنوان عامل غير انتفاعي طبق مقررات اين قرارداد عمل مي‌كند مشمول ماليات نخواهد بود و همچنين ارتباطي كه بين‌طرفين قرارداد به عنوان دستگاه مختلط ايجاد گرديده مشمول تعهدات مالياتي نخواهد بود. 4 ـ بدهي مالياتي طرف اول و هر يك از شركتهاي جزو طرف دوم و هر شركت بازرگاني بر اساس سود ويژه حاصله از عمليات مقرر در اين قرارداد‌تعيين و بر طبق روش حسابداري معمول صنعت نفت احتساب خواهد گرديد. ‌از ميزان بدهي مالياتي كه به اين ترتيب تعيين مي‌گردد هر گونه مبلغي كه طرف مزبور به موجب اين قرارداد و بر طبق قانون نفت و مقررات قوانين ماليات‌بر درآمد وقت (‌با رعايت مقررات بند 2 اين ماده) حق داشته‌باشد به بستانكار خود محسوب نمايد و يا هر مبلغي كه حق داشته‌باشد از بدهي مالياتي‌خود كسر كند كسر خواهد شد. 5 ـ درآمد ناويژه طرف اول و هر يك از شركتهاي جزو طرف دوم و هر شركت بازرگاني در هر دوره مالياتي معادل مبلغ زير خواهد بود. ‌الف ـ در مورد طرف اول و هر يك از شركتهاي جزو طرف دوم ارزش سهم وي از نفت خامي كه توسط شركت پگوپكو به منظور مصرف داخلي ايران‌به طرف اول تحويل مي‌شود. ارزش مزبور بر اساس بهايي احتساب خواهد شد كه طبق ماده 25 اين قرارداد تعيين مي‌گردد. در صورتي كه پرداختي به‌موجب ماده 26 بابت گاز طبيعي به عمل آمده باشد پرداخت مزبور نيز جزو درآمد ناويژه منظور خواهد گرديد و ... ب ـ در مورد طرف اول و هر يك از شركتهاي جزو طرف دوم نسبت به‌مقدار نفتي كه بر طبق بند ماده 22 توسط يك طرف به طرف ديگر فروخته‌مي‌شود مبلغي كه به موجب همان بند تعيين مي‌گردد. ج ـ ارزش كليه نفت خامي كه به طريقي غير از طريق فوق توسط طرف اول يا هر يك از شركتهايي كه جزو طرف دوم هستند يا شركتهاي بازرگاني‌فروخته يا صادر شده يا تحويل شده باشد (‌به جز نفت خامي كه به‌عللي خارج از اختيار شركت پگوپكو ضايع گرديده يا در جريان عمليات به‌مصرف‌رسيده باشد) كه ارزش آن بر اساس بهاي اعلان شده نفت خام مربوطه در روز فروش يا صدور يا تحويل منهاي هر گونه تخفيف كه به‌موجب بند (ط) از‌ماده 11 قانون نفت مورد تصويب طرف اول قرار گرفته باشد احتساب خواهد شد مشروط بر آن كه در مورد فروشهايي كه به‌شركتهاي بازرگاني مي‌شود‌ارزش نفت خام عبارت خواهد بود از مبلغي كه از شركت بازرگاني مورد بحث براي نفت خام وصول مي‌شود. 6 ـ هر يك از طرفين يا هر يك از شركتهايي كه جزو طرف دوم هستند ضمن تعيين درآمد ويژه خود مي‌تواند آن قسمت از مخارج و هزينه‌ها و پرداختها‌را كه براي اجراي عمليات مقرر در اين قرارداد خواه خود، خواه به‌وسيله شركت پگوپكو براي اجراي عمليات مقرر در اين قرارداد متحمل شده به شرح‌زير از سهم درآمد ناويژه خود كسر كند مشروط بر اين كه هزينه‌هاي مزبور مستند به اسناد يا اقلام وارده در دفاتر باشد: ‌الف ـ پرداختهاي مربوط به حق‌الارض به نحوي كه در ماده 29 قرارداد مقرر گرديده است. ب ـ سهم هر يك از طرفين يا سهم هر يك از شركتهاي جزو طرف دوم از كليه مخارج و هزينه‌هايي كه شركت پگوپكو انجام داده باشد مشروط بر اين‌كه مخارج و هزينه‌هاي مزبور الزاماً و منحصراً با اجراي عمليات مقرر در اين قرارداد بستگي داشته باشد. هزينه‌هاي اداري و تأسيساتي و تشكيلات و‌نيز حقوق و اجاره بها و يا پرداختهاي ديگري كه در مقابل استفاده از هر گونه اموال تأديه شده باشد و همچنين مخارج حفاري چاههايي كه استحصال‌نفت آنها به ميزان تجاري نبوده و قيمت تمام شده اجناس و خدمات خارجي كه براي نقشه‌برداريهاي زميني و هوايي و دريايي شده و مخارج مربوط به‌حفر و تنقيه و عميق كردن يا تكميل چاهها يا آماده كردن آنها جزو مخارج و هزينه‌هاي مزبور خواهد بود مگر در مواردي كه مخارج و هزينه‌هاي مربوطه‌به حساب سرمايه‌گذاري شده و مبلغ استهلاك درباره آنها منظور شده باشد. ج ـ مبلغي در هر سال براي استهلاك فرسودگي و متروك شدن و تمام شدن و تهي شدن به منظور استهلاك هزينه‌هاي سرمايه‌اي كه توسط شركت‌پگوپكو در مورد عملياتش در ايران انجام گرفته استهلاكها به نرخ ساليانه 10 درصد بر اساس قيمت تمام شده اوليه احتساب خواهد شد. ‌د ـ قسمتي از ضررهاي جبران نشده مخارج عمليات كه در دوره‌هاي مالياتي قبلي بر هر طرف يا هر يك از شركتهاي جزو طرف دوم وارد آمده و به‌حساب دوره‌هاي بعد منتقل گرديده است مشروط بر آن كه انتقال اين حسابها از سالي به سالي بيش از 10 سال از دوره مالياتي كه اين ضررها در آن دوره‌ايجاد گرديده است نباشد. ه ـ سهم هر يك از طرفين يا سهم هر يك از شركتهاي جزو طرف دوم از زيانهاي متحمله در مورد انجام عمليات در ايران مشروط بر آن كه به‌وسيله بيمه‌يا به نحو ديگري جبران نشده باشد اين خسارات شامل مطالبات غير قابل وصول و زيانهاي ناشيه از دعاوي خسارت مربوط به‌عمليات انجام شده در‌ايران و زيان ناشيه از خسارات وارده به ذخاير تجارتي يا هر گونه دارايي كه براي عمليات مزبور در ايران استعمال شود يا انهدام يا از دست دادن آنها‌ خواهد بود. ‌و ـ هر مبلغي كه براي خريد نفت خام طبق بند 2 ماده 22 به طرف ديگر پرداخت شده باشد. 7 ـ به علاوه هر يك از شركتهاي جزو طرف دوم مي‌تواند اقلام زير را طي هر دوره مالياتي از درآمد ناويژه مربوط خود كسر كند: ‌الف ـ مبلغي معادل 10 درصد كل پذيره‌اي كه طبق بند 1 ماده 29 به‌طرف اول پرداخت نموده است (‌تا مدتي كه پذيره مزبور كلاً مستهلك شود). ب ـ در مورد استهلاك كليه هزينه‌هاي اكتشافي كه بر طبق بند 1 (ه) از ماده 12 متحمل گرديده مبلغي معادل يك پانزدهم هزينه‌هاي مزبور يا ده سنت‌آمريكايي براي هر بشكه نفت توليد شده هر كدام كه بيشتر باشد. ج ـ مبلغي براي استهلاك كليه هزينه‌هايي كه (‌طرف دوم) براي عمليات غير از عمليات اكتشافي بر طبق بند 6 ماده 29 متحمل گرديده و نرخ آن از قرار‌ده درصد در سال خواهد بود. 8 ـ چنانچه در مورد هر سال تعهدات مالياتي شركتهايي كه جزو طرف دوم هستند به اضافه تعهدات مالياتي شركتهاي بازرگاني بابت نفت خامي كه از‌محل پنجاه درصد سهم طرف دوم از شركت جزو طرف مزبور خريداري مي‌كنند كمتر از مبلغي معادل 12.5 درصد ارزش پنجاه درصد نفت خام توليد‌طرف مزبور به قيمت اعلان شده باشد شركتهاي جزو طرف دوم مبلغ اضافي معادل مابه‌التفاوت مزبور به دولت ايران پرداخت خواهندنمود. مبالغي كه‌به اين ترتيب پرداخت شده باشد به سالهاي بعد انتقال داده خواهد شد و در اين صورت مبالغ مزبور به عنوان پيش‌پرداختهاي مالياتي براي سالهاي مورد‌بحث تلقي مي‌گردد انتقال مزبور فقط تا ده سال (‌از سالي كه پرداخت اضافي در آن به عمل آمده) مجاز خواهد بود و همچنين انتقال مزبور در مورد هيچ‌سالي نبايد مبلغ پرداختي ماليات به دولت ايران را از ميزان 12.5 درصد ارزش سهم شركت جزو مزبور از پنجاه درصد سهم طرف دوم از نفت خام توليد‌شده (‌بر مأخذ بهاي اعلان شده) تقليل دهد. 9 ـ "‌شركت بازرگاني" عبارت از شركتي است كه در هر كجا تشكيل شده باشد بر طبق قوانين مربوطه در ايران ثبت و نفت خامي كه به موجب اين‌قرارداد توليد مي‌شود از طرف اول يا از يك يا چند شركت جزو طرف دوم خريداري و در ايران به فروش رسانيده و از اين طريق درآمدي تحصيل نمايد.‌هر شركت بازرگاني مي‌تواند ظرف هر دوره مالياتي از عوائد ناويژه خود مبلغي را كه به طرف اول يا به هر شركت جزو طرف دوم در مورد نفت خام‌خريداري شده پرداخته است كسر نمايد. 10 ـ هر گاه يك شركت بازرگاني ماليات خود را از درآمد ويژه‌اي كه از بابت نفت خام خريداري شده از طرف اول يا طرف دوم و فروش شده در ايران حاصل مي‌نمايد طبق مقررات اين قرارداد نپردازد طرفي (‌يا هر شركت جزو آن) كه نفت خام را به آن شركت بازرگاني فروخته است مسئول پرداخت ‌خواهد بود. 11 ـ طرف اول و هر شركت جزو طرف دوم و نيز هر شركت بازرگاني ملزم خواهد بود كه اظهارنامه مالياتي خود را جداگانه تسليم و ماليات متعلقه را‌ بپردازد.
		- ماده 31 ـ حدود ماليات بر درآمد 1 ـ به استثناي موارد زير: ‌الف ـ ماليات بر درآمد كه طبق مقررات اين قرارداد بايد به دولت ايران پرداخت شود. ب ـ حقوق گمركي به نحو مقرر در ماده 32. ج ـ پرداختهاي مقرر به طرف اول طبق اين قرارداد. ‌د ـ پرداختهايي كه بابت ماليات طبق قانون ماليات بر درآمد بر حقوق كارمندان تعلق مي‌گيرد و همچنين پرداختهايي كه بايد از مقاطعه‌كاران و عاملين‌بابت كارهايي كه در ايران انجام مي‌دهند كسر شود. ه ـ عوارض و حقوق معقول و خالي از تبعيضي كه به مقامات دولتي در مقابل خدمات درخواست شده و يا خدماتي كه به طور عموم براي عامه انجام‌مي‌شود از قبيل عوارض راه حق آب و عوارض بهداشت و عوارض فاضلاب پرداخته شود. ‌و ـ ماليات و حقوق خالي از تبعيض كه شامل عموم است از قبيل حق تمبر اسناد و حق‌الثبت امور حقوقي و بازرگاني و حق‌الثبت اختراعات و تأليفات. ‌شركتهاي جزو طرف دوم و شركتهاي بازرگاني و شركتهاي وابسته به آنها (‌تا آنجا كه مربوط شود به خريد يا فروش يا صدور يا حمل و نقل مواد نفتي‌حاصله از ناحيه عمليات و يا درآمد حاصله از چنين خريد و فروش و صدور و حمل و نقل) از هر گونه مالياتي كه مقامات دولتي در ايران (‌چه مركزي و‌چه محلي) وضع نمايند و همچنين از هر گونه پرداخت يا مطالبه‌اي از هر قبيل كه به نفع مقامات مزبور به عمل آيد معاف خواهند بود و نيز سود سهامي‌كه هر يك از آنها بابت درآمد حاصله از خريد و فروش و يا صدور و يا حمل و نقل نفت خام و گاز طبيعي ايران و مواد حاصله از هر يك از اين دو طبق‌اين قرارداد بپردازد از هر گونه ماليات معاف خواهد بود. ‌شركت پگوپكو تا جايي كه مورد پيدا كند مشمول معافيت‌هاي فوق خواهد بود.
		- ماده 32 ـ واردات و گمرك 1 ـ كليه ماشين آلات ـ وسائل ـ وسائط نقليه آبي ـ دستگاهها ـ افزار ـ ادوات ـ قطعات يدكي ـ مصالح ـ الوار ـ مواد شيميايي ـ مواد ضروري براي‌اختلاط و امتزاج ـ وسائل خودرو و ساير وسائط نقليه ـ هواپيما ـ هر نوع مصالح ساختماني ـ آلات فولادي ـ اشياء و اثاثيه و لوازم اداري ـ حوائج‌كشتي ـ مواد خواربار ـ البسه و لوازم استحفاظي دستگاههاي تعليماتي ـ محصولات نفتي كه در ايران به دست نيايد و كليه اجناس ديگري كه منحصراً‌از لحاظ صرفه‌جويي و حسن جريان عمليات و وظايف طرف دوم يا شركت ضروري باشد بدون پروانه ورودي و با معافيت از هر گونه حقوق گمركي و‌عوارض شهرداري و ساير مالياتها يا پرداختهاي ديگر به ايران وارد خواهد شد. مواد فوق شامل حوائج طبي و جراحي و لوازم بيمارستان و محصولات‌طبي و دارو و اسباب طبي و اثاثيه و ادواتي كه در تأسيس و گرداندن بيمارستان و داروخانه ضروري باشد نيز خواهد بود. 2 ـ طرف دوم و شركت پگوپكو با اطلاع طرف اول حق خواهند داشت در هر موقع كه مايل باشند اشيايي را كه به وسيله آنها وارد شده بدون هيچ‌گونه‌ پروانه و يا معافيت از هرگونه حقوق و ماليات و يا پرداختي مجدداً صادر نمايند. 3 ـ طرف دوم و شركت پگوپكو نيز حق خواهند داشت با تصويب طرف اول كه بدون جهت از تصويب مزبور خودداري نشده و تأخير در آن رخ‌نخواهد داد اشياء مذكوري كه وارد كرده‌اند در ايران به فروش برسانند. در اين صورت مسئوليت پرداخت حقوق مربوطه و همچنين انجام تشريفات ‌لازمه طبق مقررات جاري و تهيه اسناد ترخيص براي طرف دوم يا شركت پگوپكو به عهده خريدار خواهد بود. 4 ـ اجناسي كه براي استفاده و مصرف مديران و كاركنان طرف دوم شركت پگوپكو و وابستگان تحت تكفل مديران و كاركنان مزبور مناسب تشخيص‌گردد بدون لزوم هيچ گونه پروانه ورودي و با معافيت از مقررات هر نوع انحصار دولتي ولي با پرداخت حقوق گمركي و ساير فعاليتهايي كه در موقع‌ورود معمولاً به آن تعلق مي‌گيرد وارد خواهد شد. اين قبيل اجناس قابل فروش نخواهد بود مگر به مديران و كاركنان و مكفولين مذكور آنهم منحصراً‌براي استفاده و مصرف آنها. 5 ـ بدون آن كه در كليات حقوق فوق‌الذكر محدوديتي حاصل شود طرف دوم يا شركت پگوپكو در تحصيل لوازم و حوايج خود بايد نسبت به‌اشيايي‌كه در ايران ساخته و مهيا مي‌شود رجحان قائل شوند با اين قيد كه اشياء مذكور با مقايسه با اشياء مشابه خارجي با همان شرايط مساعد از لحاظ نوع‌جنس و قيمت و سهل‌الحصول بودن آن در موقع لزوم به مقادير مورد نياز و قابل مصرف بودن آن در مواردي كه براي آن منظور شده در ايران به دست‌بيايد. در مقايسه قيمت اشياء وارداتي با اشياء ساخته و مهيا شده در ايران كرايه و هر گونه حقوق گمركي كه طبق اين قرارداد نسبت به‌اشياء وارداتي‌مزبور قابل پرداخت باشد بايد ملحوظ گردد. 6 ـ كليه واردات و صادرات مذكور در اين قرارداد مشمول تنظيم اسناد و تشريفات گمركي بوده كه اين تكاليف از آنچه معمولاً مجري است سنگين‌تر‌نخواهد بود (‌ولي مشمول پرداختهايي كه به موجب مقررات مربوطه اين قرارداد از آن معاف گرديده نمي‌باشد) اين قبيل تشريفات و تنظيم اسناد به طور‌ساده و سريع انجام خواهد شد و به اين منظور بين شركتهاي مربوطه و مقامات گمركي ممكن است عنداللزوم ترتيبات مقتضي داده شود.
		- ماده 33 ـ مدت قرارداد 1 ـ مدت اين قرارداد براي هر يك از نواحي مقرر در ماده سه كه ميدانهاي قابل بهره‌برداري به ميزان تجاري در آن كشف شده باشد 25 سال از تاريخ‌شروع به بهره‌برداري تجاري در ناحيه مربوطه خواهد بود. 2 ـ تاريخ شروع بهره‌برداري تجاري تاريخي خواهد بود كه صد هزار متر مكعب از مواد نفتي توليد شده از قسمت مربوطه ناحيه عمليات به منظور‌صادرات به طور منظم فروش و تحويل شده باشد. 3 ـ قبل از پايان 23 سال طرف دوم مي‌تواند قصد خود را دائر به‌تمديد اين قرارداد به طرف اول اطلاع دهد در اين صورت تمديد براي مدت 5سال از‌پايان سال بيست و پنجم به خودي خود و بر طبق مواد اين قرارداد عملي خواهد گرديد. 4 ـ دو تمديد اضافي پنج‌ساله نيز يكي از خاتمه سال سي‌ام و ديگري از خاتمه سال سي و پنجم مجاز خواهدبود و طرف دوم در هر مورد دو سال قبل ‌از پايان مدت جاري بايد قصد خود را مبني بر تمديد به طرف اول اطلاع دهد. 5 ـ در مورد دو تمديد مشروحه در بند 4 مقررات زير رعايت خواهد شد: ‌هر گاه در موقع تقاضاي تمديد به وسيله طرف دوم شركتهاي نفتي خارجي ديگري كه با طرف اول به منظور فعاليتهاي مشابهي مشاركت نموده‌اند و تا آن‌تاريخ از لحاظ توليد نتايجي معادل يا بهتر از آنچه توسط شركت پگوپكو حاصل گرديده به دست آورده باشند قراردادهايي منعقد كرده باشند كه شرايط ‌آن رويهم رفته براي ايران از شرايط اين قرارداد مساعدتر باشد كليه شرايط قراردادهاي مذكور شامل مدت تمديد مورد تقاضاي طرف دوم نيز خواهد بود.
		- ماده 34 ـ خاتمه قرارداد و تصفيه تأسيسات 1 ـ شركت پگوپكو در انقضاي مدت يا خاتمه اين قرارداد منحل گرديده اموال منقول دستگاه مختلط به فروش خواهد رسيد و درآمد آن بين طرفين به‌نسبت مساوي تقسيم خواهد شد. 2 ـ كليه تأسيسات ثابت و اراضي بدون هيچ گونه پرداخت به طرف اول انتقال خواهد يافت.
		- ‌ماده 35 ـ انتقالات 1 ـ هر شركت جزو طرف دوم مي‌تواند در هر موقع كه مقتضي بداند تمام يا قسمتي از منافع خود را در حقوق و تعهداتي كه به موجب قرارداد تحصيل‌كرده يا بر عهده گرفته‌اند به شركتهاي زير انتقال دهد: ‌الف ـ شركت يا شركتهايي كه تحت كنترل شركت جزو مزبور را در اختيار داشته باشند. ب ـ شركت يا شركتهايي كه كنترل شركت جزو مزبور باشند. ج ـ شركت يا شركتهايي كه تحت كنترل شركت يا شركتهاي مذكور در (‌الف) يا (ب) فوق باشد از لحاظ مقررات اين بند منظور از كنترل يك شركت‌عبارت از مالكيت مستقيم يا غير مستقيم كليه سهام آن شركت و منظور از منتقل‌اليه عبارت است از شركتي كه وضع آن با مقررات ماده 4 قانون نفت‌مطابقت بنمايد. انتقالي كه به موجب اين ماده به عملي مي‌آيد ناقل را از تعهداتي كه طبق اين قرارداد بر عهده دارد به‌هيچ وجه بري نخواهد كرد. 2 ـ هر گونه انتقالي توسط طرف دوم بجز آنچه كه طبق بند 1 فوق اجازه داده شده است محتاج به كسب موافقت كتبي و قبلي طرف اول خواهد بود و‌طرف مزبور بايد قبل از ابراز موافقت تأديه هيأت وزراء و تصويب قوه مقننه را نيز تحصيل نمايد.
		- ماده 36 ـ قوه قهريه (‌فرس ماژور) 1 ـ در مواردي كه به حكم قوه قهريه (‌فرس ماژور) مانعي پيش آيد كه به طور معقول از حيطه اختيار طرف دوم يا شركت پگوپكو خارج بوده اجراي‌تعهدات يا اعمال حقوق مقرر در اين قرارداد را غير ممكن يا موقوف گرداند و يا تأخيري در آن ايجاد كند: ‌الف ـ اين عدم انجام يا تأخير طرف دوم يا شركت پگوپكو در اجراي تعهدات مزبور به عنوان قصور يا تخلف از اجراي اين قرارداد تلقي نخواهد شد و ب ـ مدتي كه تأخير در اجرا و اعمال حقوق و تعهدات مزبور طول كشيده باشد به مدتي كه طبق قرارداد مقرر است اضافه خواهد شد و ج ـ هر گاه ادامه مدت قوه قهريه كمتر از يك سال نباشد اين قرارداد به خودي خود براي دوره‌اي مساوي با مدت مزبور تمديد خواهد شد و اين امر در‌حقوقي كه به موجب قرارداد براي تمديدهاي اضافي در نظر گرفته شده است خدشه‌اي وارد نخواهد ساخت. 2 ـ در موردي كه طرف دوم يا شركت پگوپكو از انجام تعهدي كه به‌موجب مقررات اين قرارداد نموده در نتيجه اطاعت از هر نوع قوانين يا احكام يا‌مقررات يا تصويبنامه‌هاي دولتي قصور يا تخلف ورزد قصور يا تخلف مزبور به‌عنوان قصور يا تخلف در انجام مقررات اين قرارداد تلقي نخواهد شد. ‌مشروط بر اين كه ثابت شود كه قصور يا تخلف مزبور نتيجه لازم اجراي قانون يا حكم يا مقررات يا تصويبنامه مربوطه بوده است. 3 ـ مفاد اين ماده مانع نخواهد شد از اين كه طرف دوم نسبت به‌اين موضوع كه آيا قرارداد به علت آن كه اجراي آن به كلي غير مقدور شده بايستي فسخ‌شود بر طبق مقررات ماده 39 قرارداد به داوري مراجعه كند.
		- ماده 37 ـ تضمين مربوط به اجرا و ادامه عمليات 1 ـ طرفين قرارداد متعهد مي‌شوند كه شرايط و مقررات اين قرارداد را بر طبق اصول حسن نيت و صميميت متقابل اجرا نموده و هم عبارات و روح‌شرائط و مقررات مزبور را رعايت كنند. 2 ـ تأييد اين قرارداد طبق ماده 2 قانون نفت از طرف هيأت وزيران به‌منزله قبول تعهداتي است كه طبق مقررات اين قرارداد بر عهده دولت گذارده شده‌است منجمله تعهدات مربوط به اقداماتي كه بايد از طرف دولت انجام شود و يا موافقتهايي كه بايد از طرف دولت به عمل آيد. 3 ـ هر گونه اقدام از هر قبيل براي الغاء يا اصلاح يا تغيير مقررات اين قرارداد فقط با رضايت طرفين ممكن خواهد بود. 4 ـ هر گاه وظايف طرف اول به ديگري كه تحت اختيار دولت ايران يا مسئول در مقابل دولت ايران باشد منتقل شود منتقل‌اليه مزبور تمام تعهداتي را كه‌طرف اول به موجب اين قرارداد دارد به عهده خواهد گرفت. هر گاه طرف اول از ميان برود وظايف آن به ديگري كه تحت اختيار دولت ايران يا مسئول‌در مقابل دولت ايران باشد محول نگردد تمام تعهداتي كه طرف اول به موجب اين قرارداد دارد تعهدات مستقيم دولت ايران خواهد شد. 5 ـ وزارت دارايي مي‌تواند از طرف دولت ايران هر گونه اقدامي به عمل آورد يا هر گونه موافقتي بنمايد كه در مورد اين قرارداد يا براي تأمين اجراي آن‌به طرز بهتر لازم يا مقتضي باشد هر اقدامي كه به بدين نحو انجام يا موافقتي كه به بدين طريق به عمل آمده باشد براي دولت الزام‌آور خواهد بود كليه‌مقامات ايراني بايستي از كليه دستورهاي وزارت دارايي مربوط به اجراي اين قرارداد متابعت نمايند و مقامات مذكور در اجراي اين امر داراي اختيارات‌تام خواهند بود. هر گاه وزارت دارايي به عللي از اختياراتي كه به موجب مقررات اين ماده به آن وزارتخانه داده شده است استفاده ننمايد هيأت دولت‌اختيارات مذكور را به وزارتخانه يا اداره ديگري واگذار خواهد نمود.
		- ماده 38 ـ سازش 1 ـ هر گاه اختلافي مربوط به اجرا يا تفسير اين قرارداد پيش آيد طرفين مي‌توانند موافقت كنند كه موضوع به هيأت سازش مختلطي مركب از چهار‌عضو مراجعه شود كه هر يك از طرفين دو نفر آن را تعيين خواهند‌نمود و وظيفه آنها كوشش در حل موضوع به طريق دوستانه خواهد بود هيأت سازش‌پس از استماع اظهارات نمايندگان طرفين رأي خود را در ظرف سه ماه از تاريخ ارجاع شكايت به هيأت صادر خواهد كرد رأي مزبور در صورتي الزام‌آور‌خواهد بود كه به اتفاق صادر شده باشد. 2 ـ هر گاه طرفين نسبت به ارجاع اختلاف به هيأت سازش توافق ننمايند و يا اختلاف بعد از ارجاع به هيأت مزبور حل نشده باشد طريق حل آن‌منحصراً ارجاع به داوري طبق مقررات ماده 39 خواهد بود.
		- ماده 39 ـ داوري 1 ـ هر گونه اختلاف ناشي از اجرا يا تفسير مقررات اين قرارداد توسط يك هيأت‌داوري مركب از سه نفر حل و فصل خواهد شد. هر يك از طرفين يك ‌نفر داور تعيين خواهد نمود و دو نفر داور مزبور قبل از شروع به‌رسيدگي داور ثالثي را انتخاب خواهند كرد كه سمت رياست هيأت داوري را خواهد‌داشت. ‌چنانچه دو نفر داور نتوانند ظرف چهار ماه از تاريخ ارجاع به داوري نبست به داور ثالث تراضي كنند و چنانچه طرفين به طرز ديگري توافق ننمايند داور‌ثالث به درخواست هر يك از طرفين از طرف رئيس. (‌يا قاضي همطراز) عالي‌ترين دادگاه كشور دانمارك تعيين خواهد شد. 2 ـ اگر يكي از طرفين ظرف دو ماه از تاريخ ارجاع به امر داوري داور خود را انتخاب ننمايد و يا انتخابي را كه نموده است به اطلاع ديگر نرساند طرف‌ديگر حق خواهد داشت كه با رييس (‌يا قاضي همطراز) عالي‌ترين دادگاه دانمارك مراجعه و تقاضاي تعيين داور واحد بنمايد. شخصي كه توسط رييس(‌يا قاضي همطراز) عالي‌ترين دادگاه دانمارك به سمت داور ثالث يا داور واحد برگزيده مي‌شود نبايد با ايران يا جمهوري فدرال آلمان رابطه نزديكي‌داشته يا مستخدم يا تبعه يكي از آن كشورها باشد. 3 ـ داور ثالث يا داور واحد (‌هر كدام كه مورد پيدا كند) قبولي خود را ظرف سي روز از تاريخ دريافت اعلام تعيين خود به طرفين قرارداد و در صورتي‌كه توسط رييس (‌يا قاضي همطراز) عالي‌ترين دادگاه دانمارك تعيين شده باشد به رييس يا قاضي مزبور) اطلاع خواهد دارد و در غير اين صورت چنين‌تلقي خواهد شد كه او سمت مزبور را رد كرده است و انتخاب مجدد طبق همان مقررات به عمل خواهد آمد. 4 ـ اگر اختلاف به هيأت داوري ارجاع شود رأي ممكن است به اكثريت صادر شود و طرفين رأي هيأت داوري يا داور واحد را (‌هر كدام كه مورد پيدا‌كند) با حسن نيت اجرا خواهند كرد. 5 ـ محل و تشريفات داوري را طرفين تعيين خواهند كرد چنانچه در اين باب توافق نشود محل تشريفات مزبور از طرف داور واحد يا داور ثالث (‌هر‌كدام كه مورد پيدا كند) تعيين خواهد شد. 6 ـ طرفين همه نوع تسهيلات (‌منجمله حق ورود به حوزه عمليات نفتي) را براي هيأت داوري يا داور واحد فراهم خواهند كرد تا هر گونه اطلاعاتي را‌كه براي تعيين تكليف اختلاف لازم باشد به دست آورند. ‌عدم حضور يا امتناع يكي از طرفين داوري نمي‌تواند مانع يا مخل جريان داوري در يك يا همه مراحل آن بشود. 7 ـ مادام كه تصميم يا رأي داور صادر نشده توقف عمليات يا فعاليتهايي كه موضوع داوري از آن ناشي شده است الزامي نيست. در صورتي كه تصميم يا‌رأي داوري داير بر موجه بودن شكايت باشد ضمن تصميم يا رأي مزبور ممكن است ترتيب مقتضي براي جبران خسارات شاكي مقرر گردد. 8 ـ تعيين مسئوليت پرداخت هزينه‌هاي داوري بسته به تشخيص هيأت داوري يا داور واحد (‌هر كدام كه مورد پيدا كند) خواهد بود. 9 ـ چنانچه به هر علت يكي از اعضاي هيأت داوري يا داور واحد پس از قبول وظايفي كه به او محول شده قادر يا مايل به شروع يا تكميل رسيدگي به‌مورد اختلاف نباشد و چنانچه طرفين به صورت ديگري هم توافق ننمايند يا چنانچه طرفي كه داوري قادر يا مايل به شروع يا تكميل رسيدگي نبوده‌بدون تأخير نامعقولي داور ديگري را براي او تعيين نكند هر يك از طرفين مي‌تواند از رييس (‌يا قاضي همطراز) عالي‌ترين دادگاه دانمارك تقاضا كند كه‌جانشين عضو مزبور يا داور واحد را (‌هر كدام كه مورد پيدا كند) بر طبق مقررات اين ماده تعيين نمايد. 10 ـ تا حدي كه مورد داشته باشد ضمن تصميمات داوري كه بر طبق اين ماده صادر مي‌شود بايد مهلت اجرا تصريح گردد. 11 ـ ظرف مدت پانزده روز از تاريخ ابلاغ تصميم يا رأي به طرفين هر يك از آنها مي‌تواند از هيأت داوري يا داور واحدي (‌هر كدام كه مورد پيدا كند) كه‌تصميم يا رأي اوليه را صادر نموده تقاضاي تفسير آن را بنمايد. اين تقاضا در اعتبار تصميم يا رأي تأثيري نخواهد داشت تفسير مزبور بايد ظرف مدت‌يك ماه از تاريخ تقاضا داده شود و اجراي تصميم با رأي تا صدور تفسير يا انقضاي يك ماه (‌هر كدام زودتر واقع شود) معوق خواهد ماند. 12 ـ مقررات مربوط به داوري كه در اين قرارداد ذكر شده در صورتي هم كه قرارداد خاتمه پيدا كند معتبر خواهد بود. 13 ـ هر گاه تعيين داور واحد يا داور ثالث طبق مقررات اين ماده به هر علت انجام نپذيرد تعيين مزبور (‌جز در مواردي كه طرفين به ترتيب ديگري كتباً‌توافق نمايند) به درخواست يكي از طرفين توسط رييس عالي‌ترين دادگاه (‌يا قاضي همطراز) از يكي از كشورهاي زير به ترتيبي كه نام برده مي‌شود‌ صورت خواهد گرفت: سوئد ـ نروژ ـ سويس
		- ماده 40 ـ اجراي رأي داوري 1 ـ چنانچه تصميم يا رأي نهايي صادر شده طبق ماده 39 اين قرارداد فقط دائر به الزام پرداخت مبلغ معين مصرح در تصميم يا رأي مزبور به دولت ايران‌يا طرف اول به وسيله طرف دوم باشد و مبلغ مزبور ظرف مدت مقرر در تصميم يا رأي مذكور يا در صورت عدم قيد مدت در تصميم يا رأي ظرف سه ماه از تاريخ آن تصميم يا رأي پرداخت نشود دولت ايران حق خواهد داشت كه كليه اموال متعلق به طرف دوم و همچنين كليه وجوه حاصله از فروش يا‌صدور نفت از ايران به وسيله طرف دوم را تا وقتي كه مبلغ مزبور پرداخت نشود توقيف كند. 2 ـ در موردي كه تصميم يا رأي نهايي بر طبق اين قرارداد صادر شده باشد چنانچه طرفي كه موظف به اجراي رأي مي‌باشد ظرف مهلت مقرر در رأي يا‌تصميم يا (‌چنانچه مهلتي ضمن رأي يا تصميم معين نشده باشد) در ظرف شش ماه پس از ابلاغ رأي يا تصميم به طرفين مفاد رأي يا تصميم را اجرا نكند‌طرفي كه رأي يا تصميم به نفع او صادر شده حق خواهد داشت كه اعلام خاتمه اين قرارداد را به وسيله تصميم هيأت داوري يا داور واحد كه بر طبق بند(3) اين ماده اتخاذ خواهد شد بخواهد. تصميم مزبور نسبت به حقوق و تعهداتي كه از اجراي اين قرارداد تا تاريخ خاتمه قرارداد (‌طبق اين قرارداد)‌ناشي شده و يا بشود تأثيري نخواهد داشت حقوق و يا پرداخت وجوه و خسارات ديگري هم كه به موجب رأي هيأت داوري يا داور واحد مقرر شده‌باشد در همين حكم خواهد بود. 3 ـ تصميمي كه بر طبق مقررات بند (2) اين ماده پيش‌بيني شده فقط با رعايت شرايط زير ممكن است اتخاذ شود: ‌الف ـ فقط هيأت داوري يا داور واحدي كه رأي يا تصميم نهايي مربوطه را صادر كرده مي‌تواند اين تصميم را اتخاذ كند. ب ـ چنانچه هيأت داوري يا داور واحدي كه رأي يا تصميم مزبور را صادر كرده به هر علتي قادر يا مايل به اقدام نباشد موضوع خاتمه يافتن قرارداد به‌علت عدم اجراي رأي بر طبق اين قرارداد به طرزي كه براي حل اختلاف پيش‌بيني شده به داوري ارجاع خواهد شد. 4 ـ هيأت داوري يا داور واحد قبل از اخذ تصميم داير بر خاتمه يافتن اين قرارداد بايستي اول يك مدت اضافي (‌كه از نود روز كمتر نخواهد بود) براي‌اجراي تصميم يا رأي مقرر نمايد و تصميم دائر بر خاتمه دادن قرارداد را فقط در صورتي اتخاذ خواهد كرد كه مدت اضافي مقرر منقضي شده و طبق نظر‌آنها مفاد رأي يا تصميم اجرا نگرديده باشد.
		- ماده 41 ـ ضمانت اجرا 1 ـ در صورتي كه طرف دوم حق‌الارض مقرر در ماده 29 را كه در تاريخهايي كه در اين قرارداد تعيين شده نپردازد طرف اول مراتب عدم پرداخت را طي‌اخطار كتبي به طرف دوم اعلام خواهد نمود. هر گاه طرف دوم حق‌الارض مربوطه را ظرف يك ماه از موعد مقرر به اضافه بهره ديركرد كه بر اساس دو‌برابر حداكثر نرخ بهره مورد عمل بانك ملي ايران به نسبت مدت ديركرد احتساب خواهد شد نپردازد طرف اول حق خواهد داشت كه به اين قرارداد‌ خاتمه دهد. 2 ـ در مورد تعهد دستگاه مختلط راجع به انصراف از حقوق خود نسبت به ناحيه عمليات به نحو مقرر در ماده 3 هر گاه طرف دوم طي مهلت مقرر‌نتواند نظر خود را درباره قسمتهاي مورد انصراف به طرف اول اعلام نمايد طرف اول حق دارد كه طبق نظر خود قسمتهايي را كه بايد مسترد گردد‌مشخص سازد تشخيص مزبور قطعي بوده و از تاريخي كه اعلام گردد قسمتهاي مشخص شده مزبور خارج از ناحيه عمليات تلقي خواهد شد. 3 ـ در صوتي كه طرف دوم تعهدي را كه براي حفاري به موجب بند 2 ماده 16 بر عهده گرفته انجام ندهد طرف اول براي هر يك ماه تأخير (‌كه ناشي از‌قوه قهريه نباشد) مبلغ سيصد و پنجاه هزار دلار آمريكايي از محل ضمانت‌نامه موضوع بند 4 ماده 29 به رسم غرامت ضبط خواهد نمود. هر گاه ظرف‌مدت شش ماه از مهلت مقرر تعهد هنوز انجام نشود طرف اول حق خواهد داشت كه به اين قرارداد خاتمه دهد و نيز طرف اول حق خواهد داشت كه از‌مبلغ ضمانت‌نامه‌اي كه به موجب بند 4 ماده 29 سپرده شده تمام مبالغ خرج نشده مربوط به تعهد هزينه‌هاي اكتشافي چهار سال اول را ضبط نمايد. 4 ـ مقررات ماده 36 درباره قوه قهريه (‌فرس ماژور) در موارد مربوط به‌اين ماده نيز قابل اجرا خواهد بود.
		- ماده 42 ـ زبانهاي متن قرارداد ‌متن فارسي و انگليسي اين قرارداد هر دو معتبر است در صورتي كه اختلافي پيش آيد و به داوري ارجاع شود هر دو متن به هيأت داوري يا داور واحد(‌هر كدام كه مورد داشته باشد) عرضه خواهد شد كه قصد طرفين را از روي هر دو متن تفسير نمايند. هر گاه بين دو متن مزبور اختلافي در مورد حقوق‌وظايف طرفين پيدا شود متن انگليسي معتبر خواهد بود.
		- ماده 43 ـ تناقض با ساير قوانين 1 ـ اين قرارداد بر اساس قانون نفت منعقد گرديده و نسبت به موضوعاتي كه در اين قرارداد مقرراتي براي آن پيش‌بيني نشده مقررات قانون نفت قابل‌اجرا خواهد بود. 2 ـ مقررات قانون معادن مصوب سال 1336 در مورد اين قرارداد مجري نخواهد بود و قوانين و مقرراتي كه كلاً يا بعضاً مباين با شرايط اين قرارداد باشد‌در حدودي كه مباينت دارند نسبت به مقررات اين قرارداد بلااثر خواهد بود. ‌به تاريخ 1344 مطابق به 1965 در تهران امضاء و مبادله گرديد. ‌شركت ملي نفت ايران ‌دكتر منوچهر اقبال ‌رييس هيأت مديره و مدير عامل شركت ملي نفت ايران ‌وينترزهال آكتين گزل شافت ‌دكتر جوزف راست ‌رييس هيأت مديره ‌و همچنين آقاي جوزف راست مرقوم به نمايندگي از: ‌دويچه شاخت باو ـ اوند تيفبور گزل شافت ‌گورك شافت الورات ‌گلزن كيرشنربرگ وركس ـ آكتين گزل شافت ‌شولفن ـ شمي آكتين گزل شافت ‌دويچه اردال آكتين گزل شافت پرويساگ آكتين گزل شافت ‌فري. و. برگس دكتر فردريك گرامر ‌رييس هيأت مديره عضو هيأت مديره
	+ ‌ضميمه الف ‌حدود ناحيه مذكور در ماده 3 اين قرارداد به شرح زير است: ‌نقطه الف تقاطع حد سه ميلي ناحيه قرارداد شركتهاي عامل در آبهاي ساحلي با ‌نصف‌النهار 52 درجه و 45 دقيقه و صفر ثانيه و طول جغرافيايي شرقي مختصات جغرافيايي اين نقطه به طور تقريب عبارت است از. 52 درجه و 45 دقيقه و صفر ثانيه طول جغرافيايي شرقي 27 درجه و 12 دقيقه و 45 ثانيه عرض جغرافيايي شمالي ‌و از آنجا در امتداد خط مستقيم به طرف جنوب تا ‌نقطه شماره 30 با مختصات جغرافيايي زير: 52 درجه و 45 دقيقه و صفر ثانيه طول جغرافيايي شرقي 26 درجه و 47 دقيقه و 30 ثانيه عرض جغرافيايي شمالي ‌و از آنجا به خط مستقيم در جهت شرقي ادامه مي‌يابد تا ‌نقطه شماره 24 با مختصات جغرافيايي زير: 52 درجه و 58 دقيقه و صفر ثانيه طول جغرافيايي شرقي 26 درجه و 47 دقيقه و 30 ثانيه عرض جغرافيايي شمالي ‌و از آنجا به خط مستقيم به سمت جنوب تا ‌نقطه شماره 25 با مختصات جغرافيايي زير: 52 درجه و 58 دقيقه و صفر ثانيه طول جغرافيايي شرقي 26 درجه و 20 دقيقه و 45 ثانيه عرض جغرافيايي شمالي ‌و از آنجا به خط مستقيم در جهت جنوب شرقي تا ‌نقطه شماره 26 با مختصات جغرافيايي زير: 53 درجه و 19 دقيقه و صفر ثانيه طول جغرافيايي شرقي 26 درجه و 3 دقيقه و 30 ثانيه عرض جغرافيايي شمالي ‌و از آنجا خط مستقيم در جهت جنوب غربي تا ‌نقطه شماره 33 با مختصات جغرافيايي زير: 53 درجه و 13 دقيقه و صفر ثانيه طول جغرافيايي شرقي 25 درجه و 57 دقيقه و 45 ثانيه عرض جغرافيايي شمالي ‌و از آنجا به خط مستقيم در جهت جنوب شرقي ادامه يافته و از نقطه شماره 34 با مختصات جغرافيايي: 53 درجه و 30 دقيقه و صفر ثانيه طول جغرافيايي شرقي 25 درجه و 45 دقيقه و صفر ثانيه عرض جغرافيايي شمالي گذشته و به نقطه "‌د" با مختصات جغرافيايي زير متصل مي‌گردد: 53 درجه و 34 دقيقه و صفر ثانيه طول جغرافيايي شرقي 25 درجه و 41 دقيقه و 45 ثانيه عرض جغرافيايي شمالي ‌و از آنجا به خط مستقيم در امتداد نصف‌النهار 53 درجه و 34 دقيقه و صفر ثانيه طول جغرافيايي شرقي در سمت شمال ادامه مي‌يابد تا نقطه شماره 20‌با مختصات جغرافيايي زير: 53 درجه و 34 دقيقه و صفر ثانيه طول جغرافيايي شرقي 26 درجه و 30 دقيقه و صفر ثانيه عرض جغرافيايي شمالي ‌و از آنجا به خط مستقيم در جهت غربي متصل مي‌شود به ‌نقطه شماره 21 با مختصات جغرافيايي زير: 53 درجه و 30 دقيقه و صفر ثانيه طول جغرافيايي شرقي 26 درجه و 30 دقيقه و صفر ثانيه عرض جغرافيايي شمالي ‌و از آنجا به خط مستقيم در جهت جنوبي ادامه مي‌يابد تا ‌نقطه شماره 23 با مختصات جغرافيايي زير: 53 درجه و 12 دقيقه و صفر ثانيه طول جغرافيايي شرقي 26 درجه و 15 دقيقه و صفر ثانيه عرض جغرافيايي شمالي ‌و از آنجا به خط مستقيم در جهت شمالي ادامه مي‌يابد تا ‌نقطه شماره 18 با مختصات جغرافيايي زير: 53 درجه و 12 دقيقه و صفر ثانيه طول جغرافيايي شرقي 26 درجه و 44 دقيقه و صفر ثانيه عرض جغرافيايي شمالي ‌و از آنجا به خط مستقيم در جهت شرق جنوب شرقي ادامه مي‌يابد تا ‌نقطه ج با مختصات جغرافيايي تقريبي زير: 53 درجه و 30 دقيقه و صفر ثانيه طول جغرافيايي شرقي 26 درجه و 39 دقيقه و 15 ثانيه عرض جغرافيايي شمالي ‌و از آنجا به خط مستقيم در جهت شمالي ادامه مي‌يابد تا ‌نقطه ب محل تقاطع نصف‌النهار 53 درجه و 30 دقيقه و صفر ثانيه طول جغرافيايي شرقي با خط سه ميلي آبهاي ساحلي مذكور (‌كه هر نقطه آن از‌نزديك‌ترين نقطه پست‌ترين خط جزر در حد ساحلي ايران سه ميل قانوني فاصله دارد). مختصات جغرافيايي اين نقطه به طور تقريب عبارت است از: 53 درجه و 30 دقيقه و صفر ثانيه طول جغرافيايي شرقي 26 درجه و 27 دقيقه و صفر ثانيه عرض جغرافيايي شمالي ‌و از آنجا منطبق بر خاك سه ميلي مذكور به مجازات خشكي در خاك اصلي و جزاير شيتوار و لاوان ادامه مي‌يابد تا نقطه الف مبدأ ‌تبصره ـ خطوط مستقيم مذكور خطوط ژئودزيك هستند كه در روي بيضوي كلارك 1880 نقاط فوق را به هم وصل مي‌نمايند. ناحيه واقعه بين حدود‌مذكوره تقريباً 5150 كيلومتر مربع مي‌باشد.
		- [امضاء] اين قرارداد مشتمل بر يك مقدمه و چهل و سه ماده و يك ضميمه راجع به اجراي عمليات تفحص و اكتشاف و بهره‌برداري و فروش نفت ضميمه قانون‌قرارداد شركت نفت خليج فارس مي‌باشد. ‌رييس مجلس شوراي ملي ـ مهندس عبدالله رياضي

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=58258>

# لايحه ‌قانوني مربوط به موافقتنامه تفحص و اكتشاف و بهره‌برداري و فروش نفت بين شركت ملي نفت ايران و شركت سهامي‌پان‌آمريكن پتروليوم كورپوريشن

* ‌ماده واحده ـ مجلسين موافقتنامه پيوست را مشتمل بر 45 ماده و يك ضميمه كه براي اجراي عمليات تفحص و اكتشاف و بهره‌برداري و فروش نفت‌بين شركت ملي نفت ايران از يك طرف و شركت سهامي پان‌آمريكن پتروليوم كورپوريشن از طرف ديگر به امضاء رسيده و مفاد آن طبق مقررات ماده 2 قانون‌نفت مصوب نهم مرداد 1336 مورد تأييد دولت واقع گرديده است تصويب نموده و اجازه مبادله و اجراي موافقتنامه مزبور را مي‌دهد.
* موافقتنامه ‌فهرست مطالب ‌مقدمه ـــــــــــــــــــــــــــــــــ ‌ماده 1 ـ تعريفات و اصلاحات. ‌ماده 2 ـ تأسيس دستگاه مختلط. ‌ماده 3 ـ ناحيه عمليات و استرداد قطعات. ‌ماده 4 ـ ثبت طرف دوم. ‌ماده 5 ـ ثبت شركت نفت ايران پان‌آمريكن. ‌ماده 6 ـ هيأت مديره و حسابرسان. ‌ماده 7 ـ سهامي كه در بانك بايد سپرده شود. ‌ماده 8 ـ سرمايه شركت نفت ايران پان‌آمريكن. ‌ماده 9 ـ وجوه اضافي مورد احتياج. ‌ماده 10 ـ عمليات مجاز. ‌ماده 11 ـ پيمانكاران. ‌ماده 12 ـ تعهدات طرف دوم. ‌ماده 13 ـ تعهدات شركت نفت ايران پان‌آمريكن. ‌ماده 14 ـ اطلاعات محرمانه. ‌ماده 15 ـ پايان مرحله اكتشاف و وصول به بهره‌برداري تجارتي. ‌ماده 16 ـ تعهدات مربوط به حفاري. ‌ماده 17 ـ استفاده از اراضي. ‌ماده 18 ـ حقوق ارتفاقي. ‌ماده 19 ـ استفاده از آب. ‌ماده 20 ـ مصالح ساختماني. ‌ماده 21 ـ تهيه برنامه فروش و تحويل. ‌ماده 22 ـ تحويل محصولات به طرفهاي اول و دوم قرارداد به منظور صادرات. ‌ماده 23 ـ مصرف نفت طرف دوم در جريان عمليات. ‌ماده 24 ـ مالكيت و صدور نفت. ‌ماده 25 ـ قيمتهاي اعلان شده و تخفيفات. ‌ماده 26 ـ نفت خام براي مصرف داخله. ‌ماده 27 ـ گاز براي مصرف داخله. ‌ماده 28 ـ مقررات مربوط به پول. ‌ماده 29 ـ حسابها به چه پولي نگاه داشته خواهد شد ـ ارز. ‌ماده 30 ـ تعهدات مربوط به مخارج و حق‌الارض. ‌ماده 31 ـ ماليات. ‌ماده 32 ـ حدود ماليات. ‌ماده 33 ـ واردات و گمرك. ‌ماده 34 ـ مدت قرارداد. ‌ماده 35 ـ خاتمه قرارداد و تصفيه تأسيسات. ‌ماده 36 ـ انتقال. ‌ماده 37 ـ فورس‌ماژور. ‌ماده 38 ـ تضمين مربوط به اجرا و ادامه عمليات. ‌ماده 39 ـ سازش. ‌ماده 40 ـ اختلافات فني و محاسباتي. ‌ماده 41 ـ داوري. ‌ماده 42 ـ اجراي رأي داوري. ‌ماده 43 ـ ضمانت اجرايي. ‌ماده 44 ـ زبانهاي متن قرارداد. ‌ماده 45 ـ عدم تناقض با ساير قوانين. ‌اين قرارداد بين شركت ملي نفت ايران كه از اين به بعد "‌طرف اول" خوانده مي‌شود و شركت پان‌آمريكن پتروليوم كورپوريشن كه به موجب قوانين ايالت‌دلاوار ممالك متحده آمريكا تشكيل يافته و از اين پس به عنوان "‌طرف دوم" ناميده مي‌شود منعقد مي‌گردد. ‌نظر به اين كه طرف اول مايل است توليد و صدور نفت ايران را افزايش دهد به طوري كه منتج به حصول منافع بيشتري براي ايران گردد و اين منظور هر‌چه زودتر عملي شود. ‌و نظر به اين كه طرف اول به موجب قانون نفت نهم مرداد 1336 اجازه عقد اين قبيل قراردادها را دارد. ‌و نظر به اين كه طرف دوم سرمايه و صلاحيت فني و تخصص اداري لازم براي اجراي عمليات مشروحه زير را دارا مي‌باشد. ‌و مخصوصاً بازارهاي لازم براي فروش نفتي كه در نتيجه عمليات مزبور به دست آيد در اختيار دارد و نظر به اين كه طرفين قصد دارند مقررات اين‌قرارداد با صميميت و حسن نيت به موقع اجرا گذارده شود عليهذا بدين وسيله بين طرفهاي اول و دوم به قرار زير توافق حاصل شد:
	+ ‌ماده 1 ـ جز در مواردي كه سياق عبارت مفهوم ديگري را اقتضا كند معني بعضي از اصطلاحاتي كه در اين قرارداد به كار رفته از لحاظ اين قرارداد به‌شرح تعاريف زير خواهد بود: ‌الف ـ منظور از كلمه "‌قرارداد" عبارت است از اين سند و ضميمه پيوست آن. ب ـ "‌طرف اول" يعني شركت ملي نفت ايران يا قائم‌مقام آن. ج ـ "‌طرف دوم" يعني پان‌آمريكن پتروليوم كورپوريشن يا هر شخصي كه بر طبق مقررات اين قرارداد طرف انتقال قرار گيرد. ‌د ـ "‌قانون نفت" عبارت از قانون نفت مورخ نهم امرداد 1336 مي‌باشد. ه ـ "‌نفت" شامل نفت خام و گاز طبيعي مي‌باشد. ‌و ـ "‌نفت خام" شامل نفت تصفيه نشده و آسفالت و هر گونه مواد هيدروكربور مايع است كه به حالت طبيعي يافت شود و يا از گاز طبيعي به وسيله‌فشردن و يا جدا كردن به دست آيد. ‌ز ـ "‌گاز طبيعي" يعني گاز تر و گاز خشك و كليه هيدروكاربورهاي گازي ديگر كه از چاههاي نفت يا گاز به دست آمده و نيز بقيه گازي كه پس از سوا‌كردن هيدروكاربورهاي مايع از گازهاي تر باقي مانده باشد. ح ـ "‌مصرف داخلي در ايران" عبارت است از مصرف نفت و محصولات نفتي يا مواد فرعي كه در داخله ايران مصرف مي‌شود نه آنچه از ايران صادر‌مي‌گردد. ط ـ "‌قيمت اعلان شده" عبارت است از قيمت اعلان شده فوب براي هر درجه و وزن مخصوص و نوع از نفت كه به منظور صادرات در نقاط صدور‌مربوطه براي خريداران به طور عموم عرضه مي‌شود قيمت مزبور با توجه لازم به قيمت‌هاي اعلان شده براي نفت مشابه كه وزن مخصوص و‌مشخصات آن در مورد نقطه صدور مربوطه قبلاً منتشر شده باشد تعيين خواهد شد. ي ـ "‌عمليات نفتي" عبارت است از عمليات توليد و حمل يا فروش كه به موجب اين قرارداد مجاز باشد. ك ـ "‌متر مكعب" عبارت است از يك متر مكعب در شصت درجه فارنهايت تحت فشار عادي جو. ل ـ "‌تاريخ اجرا" عبارت از تاريخي است كه قانون مربوط به تصويب اين قرارداد به توشيح ملوكانه رسيده باشد و هر مراجعه‌اي كه در قانون نفت به‌تاريخ قرارداد شده باشد از لحاظ اين قرارداد اشاره "‌به تاريخ اجرا" تلقي خواهد شد. م ـ اصطلاح "‌اراضي" اعم است از اراضي پوشيده از آب و غير آن. ن ـ "‌تأسيسات ثابت" عبارت است از تأسيسات نصب شده يا كار گذاشته شده يا ساخته شده كه به طور ثابت مستقر گرديده و مستقيماً براي عمليات‌موضوع اين قرارداد مورد استفاده قرار گيرد. ص ـ اصطلاح "‌دوره مالياتي" عبارت است از يك سال دوازده ماهه تقويمي كه در يكم ژانويه هر سال شروع مي‌شود و يا هر دوره ديگري كه بين طرفين‌مورد توافق قرار گرفته و مورد تصويب وزارت دارايي ايران نيز واقع شده باشد. ع ـ اصطلاح "‌ناحيه" عبارت است از كل ناحيه موضوع بند 1 ماده 3 اين قرارداد يا هر قسمتي يا قسمتهايي از ناحيه مزبور كه در آن عملياتي كه طبق اين‌قرارداد مجاز تلقي گرديده در هر موقع به مورد اجرا گذارده شود.
	+ ‌ماده 2 ـ 1 ـ طرفين اول و دوم قرارداد بدين وسيله توأماً "‌دستگاه مختلطي" را ايجاد مي‌كنند و به طوري كه در قانون نفت پيش‌بيني گرديده در اثر اين‌اختلاط شخصيت حقوقي جداگانه‌اي به وجود نخواهد آمد. 2 ـ طرفين اين قرارداد در دستگاه مختلط مزبور به استثناي مواردي كه به موجب اين قرارداد و قانون نفت مقرر گرديده به طور متساوي شركت خواهند‌نمود. ‌طرفين اول و دوم در برخي از موارد اين قرارداد مجتمعاً به عنوان "‌طرفين" و يا به عنوان "‌دستگاه مختلط" خوانده شده‌اند. 3 ـ كليه نفتي كه به موجب اين قرارداد از ناحيه قرارداد توليد گرديده و كليه دستگاهها و ماشين‌الات و لوله‌ها و اموال ديگري كه به موجب اين قرارداد‌به هزينه مشترك طرفين خريداري و يا تحصيل گرديده در مالكيت طرفين (‌پنجاه درصد طرف اول و پنجاه درصد طرف دوم) خواهد بود و كليه‌هزينه‌هاي لازم براي عمليات اين قرارداد (‌به جز مخارج و هزينه‌هايي كه تأمين و پرداخت آن براي عمليات اكتشافي تنها بر عهده طرف دوم است) به‌وسيله طرفين يعني پنجاه درصد به وسيله طرف اول و پنجاه درصد به وسيله طرف دوم تأمين و پرداخت خواهد شد. ‌هر يك از طرفين حق دارد كه سهم نفت خود را براي خود يا براي نماينده خود به جنس مطالبه نمايد.
	+ ‌ماده 3 ـ 1 ـ ناحيه‌اي به شرح مذكور در جدول ضميمه به طور مانع‌للغير در اختيار دستگاه مختلط گذارده مي‌شود تا عمليات مقرر در اين قرارداد را به‌عامليت شركت ملي نفت ايران پان‌آمريكن كه طبق مقررات ماده (5) اين قرارداد به وسيله طرفين تشكيل خواهد يافت در آن به موقع اجرا بگذارد. 2 ـ در پايان سال پنجم پس از تاريخ اجرا از كل ناحيه مشروح در بند 1 اين ماده به ميزان 25 درصد كسر خواهد شد و بعد از آن نيز حداكثر ضمن يك‌دوره پنج‌ساله ديگر ناحيه مزبور مجدداً به ميزان 25 درصد تقليل داده خواهد شد. 3 ـ ناحيه‌اي كه به منظور تقليل مشروح در بند 2 اين ماده از ناحيه قرارداد خارج خواهد شد از قطعاتي تشكيل خواهد شد كه مساحت هر كدام از آنها از200 كيلومتر مربع كمتر نبوده و متوسط طول هر كدام از قطعات بيشتر از شش برابر ميزان متوسط پهناي آن نباشد. 4 ـ طرف دوم لااقل يك ماه جلوتر از استرداد قطعات ناحيه به شرح مذكور در بند 2 اين ماده مشخصات حدود قسمت مورد استرداد را به طرف اول‌اعلام خواهد نمود. 5 ـ چنانچه در پايان سال دوازدهم از تاريخ اجرا طرف دوم به مرحله بهره‌برداري تجارتي در ناحيه عمليات به معني مشروح در اين قرارداد نرسيده باشد‌ناحيه مذكور به طرف اول مسترد خواهد شد. 6 ـ چنانچه در پايان سال دوازدهم از تاريخ اجرا بهره‌برداري تجارتي انجام شده باشد فقط آن قسمت از اراضي كه از نقطه نظر تجارتي منابع قابل‌بهره‌برداري در آن كشف شده باشد در اختيار طرفين باقي خواهد ماند.
	+ ‌ماده 4 ـ طرف دوم مكلف است ظرف مدت سي روز از تاريخ اجرا درخواست ثبت خود را طبق قوانين و مقررات ثبت شركتها در ايران به اداره ثبت‌ايران تسليم نمايد.
	+ ‌ماده 5 ـ 1 ـ طرفهاي اين قرارداد ظرف شصت روز از تاريخ اجرا يك شركت سهامي تشكيل داده و در اداره ثبت ايران به ثبت خواهند رساند اين شركت‌يك شركت غير انتفاعي بوده و عمليات مقرر در اين قرارداد را به حساب مشترك طرفين و به عنوان عامل طرفين انجام خواهد داد و ليكن در مورد اجرا‌و انجام عمليات اكتشافي كه به موجب اين قرارداد بر عهده طرف دوم محول گرديده شركت مذكور فقط عامل طرف دوم خواهد بود. شركت سهامي‌مزبور شركت نفت ايران پان‌آمريكن ناميده خواهد شد و از اين پس در اين قرارداد نام شركت ايران پان‌آمريكن به آن اطلاق مي‌شود شركت ايران‌پان‌آمريكن داراي تابعيت ايراني بوده و نسبت به مواردي كه تكليف آن در اساسنامه شركت مذكور تعيين نشده باشد مشمول مقررات قانون تجارت ايران‌خواهد بود. 2 ـ شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل طرفين اين قرارداد يا فقط به عنوان عامل طرف دوم (‌هر كدام كه مورد پيدا كند) عملياتي را كه موضوع اين‌قرارداد بوده يا اجازه انجام آن به موجب اين قرارداد داده شده انجام خواهد نمود و كليه مخارج و هزينه‌هاي لازم براي عمليات مزبور توسط طرفين‌قرارداد توأماً يا به تنهايي (‌هر كدام كه طبق مواد اين قرارداد مورد پيدا كند) از طريق عامليت شركت ايران پان‌آمريكن پرداخت خواهد شد. طرفين اين‌قرارداد ممكن است در هر موقع اختيار بدهند كه قراردادهاي پيمانكاري نيز به نام شركت ايران پان‌آمريكن بسته شود و در هر يك از اين گونه قراردادها‌پيمانكار به عنوان عامل دستگاه مختلط يا فقط به عنوان عامل طرف دوم (‌بسته به اين كه وظايفي كه انجام آن در قرارداد پيمانكاري پيش‌بيني گرديده‌جزو تعهدات كداميك باشد) تلقي خواهد شد. 3 ـ مخارج و هزينه‌هاي لازم براي تجهيز و استخدام كارمندان و اداره و به كار انداختن اداره يا ادارات شركت ايران پان‌آمريكن بر اساس عادله و منصفانه‌و بر طبق روش صحيح حسابداري بين طرفين اين قرارداد بنا به عمل يا عملياتي كه در هر مورد انجام مي‌شود تسهيم خواهد شد و طرفين اين قرارداد از‌مخارج مزبور هر كدام سهم مربوط به خود را بر عهده داشته و پرداخت خواهند نمود. بدون اين كه محدوديتي در عموميت مقررات فوق حاصل شود‌مخارج و هزينه‌هاي مذكور در اين بند شامل حقوق و دستمزد كاركنان شركت ايران پان‌آمريكن و كاركناني كه به طور موقت يا براي قسمتي از ساعات كار‌و يا به طور دايم توسط يكي از طرفين اين قرارداد به شركت ايران پان‌آمريكن قرض داده شده باشند خواهد بود و نيز شامل مخارج و هزينه‌هاي‌مرخصي‌ها و ايام بيماري و بهداشت و بيمارستان و حقوق بازنشستگي و وجوه صرفه‌جويي و پس‌انداز و پاداش و ساير وجوه مربوط به طرحهاي‌مزاياي كارمندان كه بر عهده شركت ايران پان‌آمريكن و يا هر يك از طرفهاي قرارداد كه كارمندان مزبور را به قرض داده‌اند قرار گرفته باشد خواهد بود و‌همچنين شامل مبالغ پرداختي به پيمانكاران و مبالغي كه به وسيله طرفين اين قرارداد يا يكي از آنها در ازاي انجام خدماتي توسط يكي از ادارات مربوط‌آنها مورد مطالبه قرار مي‌گيرد نيز خواهد بود و اين گونه خدمات فقط به موجب قراردادهاي كتبي با شركت ايران پان‌آمريكن و بر حسب تصويب هر دو‌طرف اين قرارداد انجام خواهد شد. 4 ـ كليه وجوهي كه هر يك از طرفين اين قرارداد بابت مخارج و هزينه‌هاي مذكور در اين ماده به شركت ايران پان‌آمريكن يا از طرف آن شركت يا به‌وسيله آن شركت پرداخت نمايند علاوه بر اقلام قابل كسر ديگر در احتساب سود ويژه طرف مربوطه طبق قانون جاري ماليات بر درآمد ايران به عنوان‌اقلام قابل كسر هزينه تلقي خواهد شد.
	+ ‌ماده 6 ـ 1 ـ هر يك از طرفين اين قرارداد نصف سرمايه شركت ايران پان‌آمريكن را تعهد و پرداخت خواهند نمود اصل تساوي در مشاركت طرفين‌نسبت به شركت ايران پان‌آمريكن در اداره شركت مزبور منعكس خواهد بود. و بنا بر اين نصف عده اعضاي هيأت مديره شركت توسط طرف اول و‌نصف ديگر توسط طرف دوم تعيين خواهند شد. انتخاب رييس هيأت مديره و نايب وي و مدير عامل از ميان اعضاي هيأت طبق دستوري خواهد بود‌كه در اساسنامه شركت مقرر گرديده است رييس هيأت مديره به وسيله طرف اول و نايب رييس هيأت مديره و مدير عامل به وسيله طرف دوم از ميان‌مديران تعيين خواهد گرديد. 2 ـ هيأت حسابرسي از سه نفر تشكيل خواهد شد كه دو نفر آنها هر كدام توسط يكي از طرفين انتخاب خواهد شد و نفر سوم كه سمت رياست هيأت را‌خواهد داشت به وسيله رييس مؤسسه ???????????????????????????????????ـ????????????????? از اتباع ممالكي به جز ايران و‌ممالك متحده آمريكا انتخاب خواهد گرديد.
	+ ‌ماده 7 ـ 1 ـ براي اين كه ادامه عمليات شركت ايران پان‌آمريكن ميسر و تأمين گردد هر يك از طرفين موافقت مي‌كنند تعدادي از سهام شركت ايران‌پان‌آمريكن را كه معادل يك درصد سرمايه شركت مزبور باشد نزد اتحاديه بانكهاي سويس توديع نمايند توديع سهم مزبور با امضاي مشترك طرفين و بر‌اساس وكالت بلاعزلي كه توسط طرفين مشتركاً تنظيم شده باشد انجام خواهد گرفت. مدت اعتبار اين وكالت همان مدت اعتبار اين قرارداد خواهد بود. 2 ـ وكالت مذكور در بند 1 اين ماده متضمن مقررات زير خواهد بود: ‌الف ـ چنانچه اتحاديه بانكهاي سويس از وكالت استعفا نمايد يا به هر وسيله ديگري بدان خاتمه دهد مي‌تواند بانك ديگري را كه داراي همان درجه از‌اهميت باشد به جاي خود تعيين كند. ب ـ بانكي كه به سمت وكيل تعيين گرديده مكلف خواهد بود نسبت به سهامي كه نزد او توديع گرديده ورقه حق حضور در هر مجمع عمومي را به يك‌نفر نماينده كه تعيين او براي هر سال قبلاً و منتهي تا 31 دسامبر سال پيش بايد انجام گيرد تسليم نمايد. نماينده مزبور به توافق طرفين اول و دوم اين‌قرارداد تعيين خواهد شد و در صورتي كه توافق حاصل نشود رييس دادگاه استان (‌تريبونال كانتونال) ژنو نماينده مذكور را از ميان اتباع يك كشور ثالث‌انتخاب خواهد نمود مشروط بر اين كه شخص مزبور در هيچ يك از شركتهاي نفتي ذينفع نبوده و از اعداد كارمندان دولت و مأمورين به خدمات‌عمومي و شهرداريها نيز خارج باشد. ج ـ شخص مزبور كه بدين ترتيب به منظور دادن رأي معين مي‌گردد وظيفه وكالت خود را در حدود مقررات و روح اين قرارداد و منحصراً با توجه به‌منافع شركت ايران پان‌آمريكن انجام خواهد داد. 3 ـ در صورت امتناع اتحاديه بانكهاي سويس از قبول وكالت و نيز در صورتي كه اتحاديه مزبور از تعيين بانك ديگري بجاي خود خودداري نمايد بانكي‌كه بايد توديع سهام در نزد آن به عمل آيد با توافق طرفين و در صورت عدم حصول توافق به داوري تعيين خواهد گرديد.
	+ ‌ماده 8 ـ 1 ـ سرمايه مجاز اوليه شركت ايران پان‌آمريكن هفت ميليون و پانصد هزار ريال خواهد بود سرمايه مزبور به طرزي كه در اساسنامه شركت‌ايران پان‌آمريكن مقرر گرديده در هر موقع قابل افزايش خواهد بود. 2 ـ پنجاه درصد سرمايه اوليه مذكور فوق و نيز پنجاه درصد هر گونه افزايش آن توسط طرف اول يا توسط شركت يا شركت‌هايي كه تماماً متعلق به‌طرف اول باشند تأمين خواهد شد پنجاه درصد ديگر توسط طرف دوم يا توسط شركت يا شركتهايي كه تماماً متعلق به طرف دوم باشند تأمين خواهد‌شد مقصود از شركتي كه تماماً متعلق به يكي از طرفين باشد شركتي است كه كليه سهام داراي حق رأي آن متعلق به طرف مزبور يا شركت اصلي طرف‌مزبور باشد.
	+ ‌ماده 9 ـ چنانچه علاوه بر سرمايه اصلي شركت ايران پان‌آمريكن و هر گونه افزايش بعدي آن وجوه ديگري لازم باشد هر يك از طرفهاي اول و دوم‌نيمي از وجوه مورد احتياج را تأمين خواهند كرد. چنانچه طرفين نتوانند وجوه اضافي مذكور را تأمين نمايند شركت ايران پان‌آمريكن وجوه مورد لزوم را‌به وسيله استقراض از طريق صدور اوراق قرضه يا از هر طريق ديگري كه مورد توافق طرفين اين قرارداد واقع شود تأمين خواهد نمود.
	+ ‌ماده 10 ـ 1 ـ شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل طرفين اين قرارداد يا به عنوان عامل طرف دوم (‌هر جا كه مورد پيدا كند) مجاز است و حق دارد‌كه به طور مانع‌للغير عمليات توليد و حمل و نقل را به نحو مقرر در اين قرارداد در ناحيه عمليات و يا نسبت به آن اداره و اجرا نمايد. 2 ـ عمليات توليد شامل امور زير خواهد بود: ‌اكتشاف نفت از طريق زمين‌شناسي ـ ژئوفيزيكي و طرق ديگر به انضمام حفر چاه به منظور تعيين شرايط زمين‌شناسي ـ حفاري و توليد و برداشت نفتـ انبار كردن نفت و هر گونه وظايف ديگري كه به طور معمول با عمليات توليد مرتبط باشد. 3 ـ عمليات حمل و نقل شامل امور زير خواهد بود: ‌حمل نفت از مناطق توليد به تصفيه خانه‌ها و دستگاه‌هاي توزيع و وسائل حمل و نقل و با به كنار دريا و نيز حمل نفت از تصفيه خانه‌ها به هر كدام از‌نقاط مزبور (‌چنانچه مقررات اين قرارداد در آينده شامل ايجاد تصفيه خانه نيز گردد) انبار كردن نفت و تحويل نفت توليد شده با جميع وسائل به انضمام‌وسائل بارگيري كشتي. 4 ـ شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل طرفين اين قرارداد و يا به عنوان عامل طرف دوم (‌هر جا كه مورد پيدا كند) حقوق و اختيارات لازم را خواهد‌داشت كه تا حدودي كه امور زير براي اجراي عمليات مقرر در اين قرارداد لازم باشد در مورد آباد كردن اراضي و ايجاد جزيره‌ها و نيز در اجراي عمليات‌حفر و گودكني و سوراخ كردن و ساختمان و نصب و پي‌ريزي كردن و تهيه و گرداندن و نگاهداري كردن و اداره كردن نسبت به حفره‌ها و گودالها و‌چاهها و خندق‌ها و حفارها و سدها و فاضلابها و مجاري آب و دستگاهها و مخازن و آبگيرها و ساير انواع انبارها و دستگاههاي تقطير ميدان نفت و‌دستگاههاي استخراج گازولين در سر چاه و كارخانجات گوگرد و ساير دستگاههاي لازم براي توليد و عمل آوردن نفت و خطوط لوله و تلمبه خانه‌ها و‌مراكز كوچك و بزرگ توليد نيرو و خطوط انتقال نيرو و تلگراف و تلفن و راديو و ساير وسايل مخابراتي و كارخانجات و انبارها و ساختمانهاي اداري و‌منازل و عمارات و بنادر و حوضچه‌ها و لنگرگاهها و اسكله‌هاي كوچك و بزرگ دستگاههاي لاروبي و موج‌شكنها و لوازم بارگيري با لوله‌هاي زيردريايي‌و ساير وسايل بارگيري انتهايي و كشتيها و وسايط نقل و انتقال و خطوط آهن و راهها و پلهاي متحرك و سرويسهاي هوايي و فرودگاهها و ساير لوازم نقليه‌و گاراژها و آشيانه‌هاي هواپيما و كارگاههاي تعمير و كارگاههاي ريخته‌گري و مراكز تعمير و كليه سرويسهاي فرعي كه به نظر طرفين اين قرارداد يا به نظر‌طرف دوم (‌در مواردي كه مربوط به او باشد) براي اجراي عملياتشان لازم بوده يا به اين عمليات مرتبط مي‌باشد اقدامات لازم به عمل آورد و نيز كليه‌حقوق اضافي ديگري را كه براي اجراي عمليات آنها لازم يا به طور معقولي مرتبط به آن باشد خواهد داشت. ‌دستگاههاي مذكور ممكن است توسط طرف مربوطه در محل يا محل‌هايي كه معين مي‌نمايد قرار داده شود مشروط بر اين كه: ‌الف ـ چنانچه بنا باشد دستگاههاي مزبور در خارج از ناحيه قرار گيرد تعيين محل آن بعد از مشاوره بين طرفين اين قرارداد با توجه به حداكثر ملاحظه‌صرفه و اقتضاي عمليات خواهد بود و ب ـ در مورد آباد كردن اراضي و ايجاد جزيره و ساختمان راه‌آهن و بندر و تلفن و تلگراف و بي‌سيم و سرويس هوايي در ايران اجازه قبلي و كتبي‌دولت ايران لازم خواهد بود و اعطاي اجازه مزبور نبايد بدون دليل معقول رد شود و يا به تأخير افتد. 5 ـ طرفين اين قرارداد كه از طريق شركت ايران پان‌آمريكن عمل خواهند كرد به شرط رعايت مقررات اين قرارداد حق تصدي و اداره كامل مانع‌للغير و‌مؤثر و تعيين نحوه كليه عمليات خود را خواهند داشت مگر در مورد عمليات اكتشافي (‌كه شامل حفاري اكتشافي نيز خواهد بود) كه در مورد اين‌عمليات طرف دوم كه از طريق شركت ايران پان‌آمريكن عمل خواهد كرد با رعايت مقررات ماده 12 داراي حق تصدي و اداره كامل و مانع‌للغير و تعيين‌نحوه عمل خواهد بود.
	+ ‌ماده 11 ـ به منظور تسريع در اجراي عمليات مقرر در اين قرارداد شركت ايران پان‌آمريكن يا طرف دوم مي‌توانند بدون اين كه از ميزان مسئوليت طرفين‌اين قرارداد در برابر ايران چيزي كاسته شود به شرط رعايت مقررات ماده 4 قانون نفت در مواردي كه مقتضي مي‌دانند اجراي هر يك از عمليات و‌وظايف مشروح در اين قرارداد را بر عهده پيمانكاران بگذراند و از نظر مقررات ماده سوم قانون نفت طرف اول بدين وسيله موافقت خود را نسبت به‌موارد مزبور اعطا مي‌نمايد.
	+ ‌ماده 12 ـ طرف دوم كه از طريق شركت ايران پان‌آمريكن عمل خواهد كرد در مورد عمليات اكتشافي (‌كه شامل حفاري اكتشافي نيز خواهد بود)‌تعهدات زير را بر عهده خواهد داشت: ‌الف ـ سعي كامل در اين كه عمليات اكتشافي حوزه قرارداد طبق اصول فني معمول به صنعت نفت به حد اعلاي خود جريان يابد. ب ـ تنظيم طرح عمليات خود با مشورت طرف اول و اجراي جدي طرح مزبور به هزينه خود. ‌هر گونه مخارج مربوط به استفاده از اراضي جزء هزينه‌هاي مذكور محسوب خواهد شد. ج ـ تسليم گزارشهاي تفصيلي پيشرفت كار به طرف اول و نيز تسليم گزارش جامع نهايي. ‌د ـ فراهم كردن وسايل براي نمايندگان طرف اول كه در هر موقع مناسبي عمليات او را كه بر طبق اين قرارداد انجام مي‌دهد بازرسي نمايند. ه ـ تحمل كليه هزينه‌هاي اكتشافي يعني سهم طرف اول و سهم خود در صورتي كه عمليات اكتشافي منجر به احراز وجود ذخائر نفتي به ميزان‌بهره‌برداري تجارتي نشود. ‌و ـ رعايت مقررات بندهاي 2 و 3 و 5 و 7 و 8 ماده 13
	+ ‌ماده 13 ـ طرفين اين قرارداد كه از طريق شركت ايران پان‌آمريكن به خرج و هزينه مشترك خود عمل خواهند نمود ملزم به انجام تعهدات زير خواهند‌بود: 1 ـ به كار بردن حداكثر كوشش براي توسعه هر يك از مناطق كشف شده به حد اعلا طبق روش فني صحيح صنعت نفت ـ استخراج نفت كشف شده‌به ميزاني كه آن قسمت از ذخاير مكشوفه كه استخراج آن با استفاده از جديدترين اصول و طرق معمول صنعت نفت از نقطه نظر اقتصادي موجه باشد در‌طي مدت قرارداد تماماً مورد استخراج قرار بگيرد. و مخصوصاً رعايت اصول صحيح فني و مهندسي در حفاظت ذخاير هيدروكربور و اجراي عمليات‌مقرر در اين قرارداد به طور عموم. 2 ـ نگاهداري ارقام و اطلاعات كامل از جميع عمليات فني مقرر اين قرارداد. 3 ـ نگاهداري حسابهاي عمليات خود به طريقي كه ارقام و اطلاعات مربوط به هزينه‌هاي عمليات مزبور به طرز درست و واضح و دقيق نمايش داده‌شود. براي انجام اين منظور بايستي روش حسابداري مناسبي انتخاب گرديده و در روش مزبور بر طبق تحولاتي كه بعداً ممكن است پيش آيد تجديد‌نظر به عمل آيد. 4 ـ فراهم كردن وسايل براي نمايندگان يكديگر كه در هر موقع مناسبي عمليات مورد اين قرارداد و وسايل اندازه‌گيري و سنجش و آزمايش را بازرسي‌نمايند. 5 ـ استخدام حداقل كارمندان خارجي و اطمينان از اين كه تا حدودي كه معقولاً عملي باشد بيگانگان فقط براي تصدي مقاماتي استخدام شوند كه‌شركت ايران پان‌آمريكن و طرف دوم (‌هر جا كه مربوط به او باشد) نتوانند ايرانياني حائز معلومات و تجربه كافي براي احراز آن مقامات بيابند. 6 ـ تهيه طرح و برنامه‌ها براي كارآموزي و تعليم صنعتي و فني و همكاري در اجراي آنها با توجه به اين هدف كه در نتيجه اجراي برنامه‌هاي مذكور‌تقليل تدريجي و مرتب كارمندان خارجي به نحوي ميسر گردد كه در خاتمه ده سال از تاريخ اجرا عده كارمندان خارجي شركت ايران پان‌آمريكن از دو‌درصد كل كارمنداني كه در استخدام آن شركت مي‌باشند تجاوز ننمايد و مقامات عالي اجرايي كه توسط كارمندان غير ايراني اشغال شده از 49 درصد كل‌مقامات اجرايي موجود بيشتر نباشد. 7 ـ توجه دائم به حقوق و منافع ايران در جريان عمليات خود. 8 ـ فراهم آوردن وسايل براي اين كه هر كدام از طرفين كه بخواهد بتواند ظرف مدت معقولي هر گونه اطلاعي را كه لازم بداند از قبيل رونوشتهاي دقيق‌نقشه‌ها و مقاطع و گزارشهاي مربوط به نقشه‌برداري و زمين‌شناسي و ژئوفيزيك و حفاري و توليد و ساير امور مربوطه به عمليات مقرر در اين قرارداد كه‌جنبه قطعيت يافته باشد و همچنين جميع اطلاعات علمي و فني مهم كه در نتيجه عمليات آنها به دست آمده باشد از طريق نمايندگي شركت ايران‌پان‌آمريكن دريافت نمايد.
	+ ‌ماده 14 ـ كليه طرحها نقشه‌ها مقاطع و گزارشها و جداول و اطلاعات علمي و فني و هر گونه اطلاعات مشابه مربوط به عمليات فني طرف دوم يا‌شركت ايران پان‌آمريكن كه به موجب اين قرارداد مقرر است از طرف طرف اول و طرف دوم و شركت ايران پان‌آمريكن محرمانه تلقي خواهد شد. به‌دين معني كه محتويات و تأثير آن نبايد به وسيله هيچ كدام از طرفين يا شركت ايران پان‌آمريكن بدون رضايت طرفين اين قرارداد افشا بشود منتهي در‌دادن چنين رضايت بدون دليل موجه امتناع يا تأخير نبايد به عمل آيد.
	+ ‌ماده 15 ـ 1 ـ براي تعيين اين كه مرحله اكتشاف در چه موقع پايان مي‌يابد ضابطه ??????????????????????? طبق تعريف فردريكهـ‌لاهي‌ملاك عمل قرار خواهد گرفت. آزمايشهايي كه حاكي از پايان مرحله مزبور باشد بايستي در حضور نمايندگان طرفين انجام گيرد. 2 ـ به محض اين كه طرف دوم به اين نتيجه رسيد كه عمليات اكتشافي وي به مرحله كشف منبع نفتي قابل توليد به ميزان تجارتي رسيده است گزارش‌تفصيلي اين مطلب را به طرف اول تسليم خواهد نمود. 3 ـ گزارشي كه طرف دوم به موجب بند 2 فوق به طرف اول تسليم مي‌نمايد بايد مراتب زير را به طور وضوح نشان دهد: ‌الف ـ عمق ـ فشار و ساير مشخصات منبع و اندازه و استعداد توليدي و استعداد توليد روزانه هر چاه و مشخصات نفت كشف شده. ب ـ فاصله و ميزان دسترس بودن منبع از كنار دريا و نقاط عمده پخش و مصرف ـ فراهم بودن وسايل حمل و نقل تا بازارهاي فروش ـ يا ميزان‌مخارجي كه براي ايجاد يا تكميل وسايل مزبور مورد نياز باشد. ج ـ هر گونه اطلاعات مربوطه ديگر كه مورد استناد طرف دوم قرار گرفته و استنباطات وي مبتني بر آن بوده باشد. ‌د ـ نظرياتي كه به وسيله كارشناس يا كارشناسان كه عمليات اكتشافي را بر عهده داشتند ابراز گرديده باشد. 4 ـ طرف اول گزارش طرف دوم را فوراً و با كمال حسن نيت مورد بررسي قرار خواهد داد تا تشخيص دهد كه آيا كشف منبع قابل بهره‌برداري به ميزان‌تجارتي بدان معني كه در بند 5 اين ماده تعريف گرديده انجام گرفته يا نه. 5 ـ منبع نفتي كشف شده فقط وقتي قابل بهره‌برداري به ميزان تجارتي تلقي مي‌شود كه مقدار نفتي كه استخراج آن از منبع مزبور به طور معقول قابل‌پيش‌بيني است طوري باشد كه در صورت تحويل نفت در كنار دريا اگر مخارج بهره‌برداري را با هزينه‌هاي حمل و بارگيري و همچنين با رقمي معادل(2).(1)12 درصد قيمت اعلان شده مربوطه براي نفتي از مشخصات مشابه جمع كنند و رقم حاصله را از قيمت اعلان شده مذكور موضوع نمايند سود‌ويژه‌اي باقي بماند كه ميزان آن از 25 درصد قيمت اعلان شده مربوطه كمتر نباشد. 6 ـ هر گاه طرف اول معتقد باشد كه استنباط طرف دوم دائر بر كشف منبع قابل بهره‌برداري به ميزان تجارتي غير موجه است نظريات و دلائل خود را به‌طرف دوم اطلاع خواهد داد. در اين صورت طرف دوم مي‌تواند عمليات حفاري بيشتري را انجام دهد و هر گاه در نتيجه اين حفاريهاي اضافي وجود‌منبع قابل بهره‌برداري به ميزان تجارتي ثابت شود كليه مخارجي كه بعد از خاتمه ??????? به عمل آمده به عنوان مخارج توسعه و بهره‌برداري تلقي‌گرديده و دستگاه مختلط مخارج مزبور را توسط شركت ايران پان‌آمريكن به طرف دوم خواهد پرداخت. 7 ـ مقررات اين ماده نسبت به منابعي كه بعد از منبع اولي كشف شود نيز جاري خواهد بود. 8 ـ به محض اين كه وجود منبع قابل بهره‌برداري تجارتي به معني مشروح در بند 5 اين ماده به ثبوت رسيد طرفين اين قرارداد توأماً مسئوليت كليه‌مخارجي را كه بعد از خاتمه ??????? براي توسعه و بهره‌برداري منبع مورد بحث لازم باشد بر عهده خواهند گرفت. كليه مخارجي كه تا تاريخ مزبور‌بابت اكتشاف در هر قسمتي از ناحيه عمليات انجام گرفته باشد بدون احتياج به تشريفات ديگري از طرف دستگاه مختلط شركت ايران پان‌آمريكن به‌طرف دوم مسترد خواهد شد. 9 ـ بعد از كشف منبع اولي طرف دوم مخارج لازم براي اجراي عمليات اكتشافي در مناطق ديگر را از طريق شركت ايران پان‌آمريكن بطور مساعده‌خواهد پرداخت مخارج مزبور بعد از خاتمه چاه اكتشافي ??????? جديدي به طرف دوم مسترد خواهد شد و در صورتي كه حفر چاه جديد قرين‌موفقيت نباشد مخارج مزبور بعد از انقضاي دوره دوازده‌ساله اكتشاف قابل استرداد خواهد بود. 10 ـ در اجراي تعهدات مربوط به استرداد وجوهي كه در اين ماده مقرر است دستگاه مختلط از طريق شركت ايران پان‌آمريكن مبلغي معادل مخارج‌اكتشاف به بستانكار حساب طرف دوم منظور خواهد نمود و احتساب اين وجوه بر اساس صورت مخارجي خواهد بود كه طرف دوم ظرف دو ماه از‌خاتمه هر يك از دوره‌هاي سه ماهه به شركت ايران پان‌آمريكن ارسال خواهد نمود. شركت ايران پان‌آمريكن حق خواهد داشت كه صحت مخارج مزبور‌ و امور رسيدگي و تحقيق قرار داده و براي تأييد آن ارائه اسناد مثبت را بخواهد و در صورتي كه ظرف مدت 45 روز از تاريخ تسليم صورت مخارج اعتراضي‌نسبت به آن نشود صورت مزبور قطعيت خواهد يافت. 11 ـ پرداخت وجوهي كه مطابق اين ماده به بستانكار حساب طرف دوم منظور شود توسط دستگاه مختلط در كوتاه‌ترين مدت ممكنه و در هر حال به‌اقساط سالانه كه ميزان آن نبايستي هيچ گاه از معادل ده سنت نسبت به هر بشكه نفت صادر شده كمتر باشد به عمل خواهد آمد. 12 ـ پنجاه درصد وجوهي كه بابت استرداد مخارج اكتشاف به طرف دوم تأديه مي‌شود توسط طرف دوم به طرف اول پرداخت خواهد گرديد.
	+ ‌ماده 16 ـ 1 ـ عمليات اكتشافي بايستي قبل از خاتمه شش ماه از تاريخ اجراي قرارداد آغاز شود. 2 ـ عمليات حفاري بايستي با نهايت سرعت معقول و بر طبق روش صحيح صنعت نفت آغاز شود ولي طرف دوم به هر حال حداكثر ظرف 18 ماه از تاريخ ‌اجراي قرارداد بايستي اقلاً حفاري يك چاه نفت را در ناحيه‌اي كه به موجب اين قرارداد به دستگاه مختلط واگذار شده است آغاز كرده باشد. 3 ـ اگر در خاتمه دوازده سال از تاريخ اجراي قرارداد طرف دوم بهره‌برداري تجارتي را در ناحيه‌اي كه به موجب اين قرارداد به دستگاه مختلط واگذار‌گرديده انجام نداده باشد قرارداد حاضر كان‌لم‌يكن تلقي گرديده و شركت ايران پان‌آمريكن منحل خواهد شد.
	+ ‌ماده 17 ـ شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل طرفين قرارداد و يا به عنوان عامل طرف دوم (‌هر جا كه مورد پيدا كند) حق خواهد داشت كه از كليه‌اراضي باير متعلق به دولت كه براي استفاده به منظور عمليات مقرر در اين قرارداد به نحو معقول مورد لزوم باشد مجاناً و به طور مانع‌للغير استفاده‌نمايد. استفاده از اين گونه اراضي مشروط به موافقت قبلي و كتبي دولت خواهد بود. درخواست موافقت توسط طرف اول به عمل خواهد آمد و نبايد به‌طور غير معقول مورد رد يا تأخير واقع شود. 2 ـ در مواردي كه شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل طرفين و يا به عنوان عامل طرف دوم (‌هر جا كه مورد پيدا كند) براي اجراي عمليات مقرر در‌اين قرارداد احتياج به استفاده از اراضي دائر متعلق به دولت داشته باشد تحصيل اين اراضي در مقابل پرداخت بهاي عادله يا مال‌الاجاره به دولت خواهد‌بود. درخواست تحصيل اراضي مزبور از طريق طرف اول انجام خواهد گرفت. 3 ـ هر گاه شركت ايران پان‌آمريكن تحت همان عنوان احتياج به اراضي داشته باشد كه متعلق به مالك خصوصي بوده باشد خريد يا اجاره آنها از طريق‌مذاكره مستقيم با ملاك انجام خواهد گرفت. معذالك شركت ايران پان‌آمريكن مي‌تواند از طرف اول تقاضا كند كه در مذاكرات مزبور مداخله و با استفاده‌از مقررات اساسنامه شركت ملي نفت ايران در مورد تحصيل اراضي به شركت مزبور كمك كند. 4 ـ هيچ گونه تقليلي كه به موجب مقررات ماده 3 اين قرارداد در ناحيه عمليات حاصل مي‌شود نسبت به حقوقي كه به موجب مقررات اين ماده در‌اراضي مورد استرداد كسب شده باشد مؤثر نخواهد بود.
	+ ‌ماده 18 ـ هر گاه شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل طرفين قرارداد و يا به عنوان عامل طرف دوم (‌هر جا كه مقررات اين قرارداد مورد پيدا كند) به‌منظور انجام عمليات خود در حدود معقول در رويا در زيرزمين (‌خواه در داخل ناحيه عمليات يا خارج از آن) حقي كمتر از حق استفاده مانع‌للغير "‌از‌قبيل حقوق ارتفاقي و حق عبور و مرور و حق احداث و كشيدن راه و راه‌آهن و لوله و خطوط لوله و مجراي فاضلاب و زه‌كشي و سيم‌كشي و كابل‌كشي‌و خطوط و نظاير آن لازم داشته باشد" مراتب را كتباً به طرف اول اطلاع خواهد داد. طرف اول حقوقي را كه شركت ايران پان‌آمريكن تحت عنوان مزبور‌لازم دارد در مورد اراضي مشروح در بند 1 ماده 17 به طور مجاني و در موارد ديگر در مقابل پرداخت قيمت يا اجاره‌بهاي عادله براي شركت مزبور‌تحصيل خواهد نمود مبالغي كه بدين ترتيب توسط طرف اول پرداخت مي‌شود از طرف دستگاه مختلط (‌متساوياً به وسيله طرفين اين قرارداد) به طرف‌اول مسترد خواهد گرديد.
	+ ‌ماده 19 ـ 1 ـ شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل طرفين اين قرارداد و يا به عنوان عامل طرف دوم (‌هر جا كه مورد پيدا كند) مي‌تواند به منظور‌اجراي عمليات مقرر در اين قرارداد از كليه آبهايي كه در سطح يا در تحت اراضي مورد استفاده خود و يا اراضي متعلق به دولت كه مورد استفاده دولت‌نباشد يافت شود استفاده نمايد ليكن در مورد شق اخير استفاده از آن آبها مشروط به موافقت دولت خواهد بود. درخواست موافقت از طريق طرف اول‌به عمل خواهد آمد و نيايد به طور غير معقول مورد رد يا تأخير واقع شود استفاده از آب مجاني ليكن مشروط به رعايت حقوق اشخاص ثالث و‌پرداختهاي متداول ديگر خواهد بود. 2 ـ هر گاه شركت ايران پان‌آمريكن تحت همان عنوان به طور معقول احتياج به استفاده از آبهايي داشته باشد كه در اراضي غير از آنچه فوقاً ذكر شد واقع‌باشد براي كسب حقوق مزبور از طريق مذاكره مستقيم اقدام خواهد كرد. بها يا اجاره‌اي كه در مقابل حقوق مزبور پرداخته مي‌شود بايد معقول بوده و از‌بهاي عادله حقوق مشابه در اراضي مجاور نبايستي تجاوز نمايد.
	+ ‌ماده 20 ـ شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل طرفين اين قرارداد و يا به عنوان عامل طرف دوم (‌هر جا كه مورد پيدا كند) مي‌تواند براي عمليات‌خود و با رعايت حقوق اشخاص ثالث از زمينهايي كه مورد استفاده او است و همچنين از زمينهايي كه در داخل ناحيه عمليات متعلق به دولت است‌مورد استفاده دولت يا ديگران نيست هر نوع خاك و شن و آهك و سنگ و گچ و ساير مصالح ساختماني را برداشت و استفاده نمايد مشروط بر اين كه‌خسارات وارده بر اشخاص ثالث را كه در نتيجه اين برداشت يا استفاده ممكن است متضرر بشوند به ميزان عادلانه‌اي جبران نمايد.
	+ ‌ماده 21 ـ 1 ـ هر يك از طرفين نهايت مساعي خود را به كار خواهد برد تا فروش نفت را به حداكثر ميزاني كه از نقطه نظر اقتصادي موجه باشد تأمين‌نمايند. 2 ـ برنامه توليد و فروش براي هر سال توسط شركت ايران پان‌آمريكن حداقل شش ماه جلوتر از پايان سال قبل طبق شرائط زير و با رعايت نحوه تقدم و‌تأخر مذكور در اين ماده تهيه خواهد شد. ‌الف ـ شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل دستگاه مختلط براي اجراي عمليات خود در ايران كه به موجب اين قرارداد مقرر شده حق خواهد داشت‌از نفتي كه توليد كرده يا ساخته به طور مجاني مصرف نمايد استفاده مزبور محدود به مصرف اختصاصي و مورد لزوم آن شركت خواهد بود. ب ـ شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل دستگاه مختلط مورد احتياج مصرف داخلي را طبق مقررات ماده 26 به طرف اول تحويل خواهد داد. ج ـ شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل دستگاه مختلط مقادير نفتي را كه طرفين اول و دوم قرارداد براي انجام تعهدات فروش خود لازم داشته‌باشند طبق مقررات مشروح در ماده 22 تحويل خواهد داد. ‌د ـ شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل دستگاه مختلط انجام هر گونه تعهداتي را كه ممكن است در نتيجه تجربه در بازارهاي جهاني در مورد فروش‌بر عهده گيرد از مقادير اضافي نفت كه بعد از تأمين احتياجات مشروحه در جزء‌هاي‌الف و ب و ج فوق باقي بماند تا حدود مقادير اضافي مزبور تأمين‌خواهد كرد.
	+ ‌ماده 22 ـ 1 ـ تعيين مقادير نفتي كه به موجب جزء ج از بند 2 ماده 21 بايد به طرفين اول و دوم تحويل شود به نحو مذكور زير انجام خواهد گرفت. ‌شركت ايران پان‌آمريكن بايستي برآورد توليد خود را كه مطابق بند 2 ماده 21 تهيه مي‌كند به طرفين اول و دوم اعلام نمايد هر يك از طرفين مي‌توانند‌نصف مقدار نفت آماده صدور را از شركت ايران پان‌آمريكن (‌عامل دستگاه مختلط) دريافت نمايد و نيز مي‌تواند هر قسمت از نصف ديگر را تا حدي كه‌طرف ديگر مايل به تحويل گرفتن آن نباشد خريداري كند. هر گاه طرفين نخواهند كليه مقدار نفت آماده صدور را به شرائطي كه مورد توافق طرفين قرار‌گرفته برداشت و خريداري نمايند شركت ايران (‌پان‌آمريكن) عامل دستگاه مختلط) حق خواهد داشت آن مقدار را به شرائطي كه براي دستگاه مختلط‌نامساعدتر نباشد به خريداران ديگر به فروش رساند. 2 ـ در پايان هر ماه ارزش آن مقدار نفتي كه هر يك از طرفين در ظرف ماه برداشت كرده بر اساس قيمت اعلان شده مربوطه در تاريخ تحويل منهاي هر‌گونه تخفيفي كه بر طبق بند 2 ماده 25 مورد توافق قرار گرفته باشد تعيين خواهد شد چنانچه ارزش مقادير برداشتي يك طرف بيش از مقادير برداشتي‌طرف ديگر باشد طرفي كه برداشت نموده بايد ظرف سي روز پس از تعيين ارزش مقادير برداشتي نصف تفاوت بين ارزش مقادير برداشتي طرفين را به‌عنوان تأديه قيمت مقدار نفتي كه از سهم ديگر برداشت نموده به طرف مزبور بپردازد. پرداخت مزبور به دلار آمريكايي يا ليره انگليسي يا ارز ديگري كه‌مورد قبول طرف دريافت‌كننده باشد به عمل خواهد آمد. 3 ـ هر مقدار نفتي كه طبق مقررات بند 1 اين ماده توسط شركت ايران پان‌آمريكن به فروش برسد نصف آن به حساب طرف اول و نصف ديگر به‌حساب طرف دوم تلقي خواهد شد.
	+ ‌ماده 23 ـ طرف دوم حق دارد در طول مدت اكتشاف از نفت توليد شده در ناحيه عمليات آنچه را كه براي مصرف عمليات خود لازم دارد در برابر‌پرداخت نصف بهاي تمام شده آن به طرف اول استفاده نمايد.
	+ ‌ماده 24 ـ 1 ـ پنجاه درصد از نفتي كه در ناحيه عمليات توليد شود در سر چاه به ملكيت طرف اول و پنجاه درصد ديگر به ملكيت طرف دوم در خواهد‌آمد. 2 ـ صادرات نفت توليد شده از ناحيه عمليات از حقوق گمركي و ماليات صادراتي معاف بوده و مشمول هيچ گونه ماليات يا عوارض يا پرداختهاي‌ديگري به مقامات دولتي ايراني اعم از مركزي يا محلي نخواهد بود: 3 ـ طرف اول و طرف دوم و شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل دستگاه مختلط و مشتريان آنها مي‌توانند نفت را از ايران آزادانه و بدون احتياج به‌هيچ گونه پروانه و تشريفات خاص مگر تنظيم اسناد و انجام تشريفات مقرر در بند 6 ماده 33 اين قرارداد صادر نمايند. 4 ـ در مورد آن چه راجع به صادرات در اين ماده قيد شده و آنچه راجع به واردات و صدور مجدد آن در ماده 33 مقرر است صادركننده و واردكننده‌نسبت به بيمه كشتي و ملوانان و محصولات و كرايه حمل و تشخيص ميزان بيمه مزبور مختار خواهد بود. 5 ـ طرف دوم در مورد حمل و نقل نفت خام و محصولات نفتي براي كشتيهاي نفتكش ايراني حق تقدم قائل خواهد بود.
	+ ‌ماده 25 ـ 1 ـ نفت خام توليد شده در ناحيه عمليات به قيمت‌هاي اعلان شده كه شركت ايران پان‌آمريكن بايستي به نحو مقرر در ماده 1 تعيين و منتشر‌نموده و به اطلاع طرف اول برساند فروخته يا تحويل خواهد شد و ليكن قيمت‌هاي اعلان شده مزبور ممكن است به ميزان تخفيفاتي كه بر طبق بند 2‌اين ماده مقرر مي‌گردد تقليل داده شود. 2 ـ در مواردي كه شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل دستگاه مختلط مصلحت بداند كه تخفيفي از قيمت‌هاي اعلان شده داده شود ميزان تخفيف‌به وسيله كميسيوني مركب از دو نفر از مديران شركت ايران پان‌آمريكن كه هر كدام به وسيله يكي از طرفين قرارداد انتخاب مي‌شوند معين خواهد گرديد.‌تخفيفي كه در مورد هر خريدار اعطا مي‌گردد با توجه به مقدار تحويلي و طول مدت قرارداد فروش و ترتيب منظم تحويل و تضمين پرداخت و ساير‌شرايط معين خواهد شد.
	+ ‌ماده 26 ـ 1 ـ شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل دستگاه مختلط در هر دوره ساليانه كه شروع آن در رأس هر سال از تاريخ اجراي قرارداد است از‌نفت خامي كه از ناحيه عمليات توليد نموده و به دست مي‌آورد هر مقدار كه طرف اول براي تأمين احتياجات مصرفي داخلي در ايران لازم بداند با‌رعايت شرايط زير به طرف مزبور تحويل خواهد نمود: ‌الف ـ پس از شروع بهره‌برداري تجارتي طرف اول احتياجات خود را براي هر سه ماه كتباً به شركت ايران پان‌آمريكن اعلام خواهد نمود اعلام مزبور‌بايد تا شروع دوره سه ماهه‌اي كه تحويل نفت خام براي آن دوره تقاضا مي‌شود حداقل شش ماه فاصله داشته باشد. ب ـ تا ميزاني كه شركت ايران پان‌آمريكن عامل (‌دستگاه مختلط) براي اجراي عمليات خود احتياج به مصرف نفت خام داشته باشد طرف اول از‌شركت مزبور تقاضاي تحويل نفت خام نخواهد نمود. ج ـ ميزان تقاضاي طرف اول براي تحويل نفت خام از شركت ايران پان‌آمريكن (‌عامل دستگاه مختلط) در مورد هر دوره سالانه نيايد با ميزان تقاضاي‌وي از عاملين ديگر كه در كشور ايران انجام عمليات مشابهي را متعهد مي‌باشند نامتناسب باشد و به هر حال ميزان تقاضاي مزبور در هر دوره سالانه‌نبايد از ده درصد كل توليد دستگاه مختلط تجاوز نمايد. ‌د ـ شركت ايران پان‌آمريكن (‌عامل دستگاه مختلط) ملزم نخواهد بود كه براي تأمين احتياجات طرف اول مقدار توليد نفت خام را به ميزاني زايد بر‌حداكثر مقدار معقول بالا ببرد. 2 ـ نفت خامي كه تحويل آن طبق بند 1 اين ماده مورد تقاضا واقع مي‌گردد توسط شركت ايران پان‌آمريكن (‌عامل دستگاه مختلط) در هر نقطه از منطقه‌توليد يا نقطه مجاور آن كه شركت ايران پان‌آمريكن تعيين نمايد به طرف اول تحويل خواهد گرديد. مالكيت نفت خام تحويلي در محل تحويل به طرف‌اول منتقل خواهد شد و طرفين اول و دوم هر يك سهم متساوي از مقدار تحويلي مزبور را بر عهده خواهند داشت. 3 ـ طرف اول در برابر نفت خامي كه طبق مقررات بند 1 اين ماده از طرف دوم تحويل مي‌گيرد مبلغي معادل قيمتي كه سهم مزبور براي طرف دوم تمام‌شده به اضافه حق‌العملي مساوي 14 سنت براي هر متر مكعب نفت به طرف دوم خواهد پرداخت پرداخت مزبور ظرف پانزده روز از تاريخي كه طرف‌دوم صورت حساب موقتي آن را ارائه مي‌نمايد انجام خواهد گرفت ظرف سه ماه بعد از خاتمه هر سال تقويمي طرف دوم صورت حسابهاي خود را‌براي سال مزبور بر اساس تعيين قطعي قيمت تمام شده كه از طرف شركت ايران پان‌آمريكن به عمل مي‌آيد تعديل خواهد نمود و تفاوتهاي حاصله به‌اختلاف موارد در بدهكار يا بستانكار حساب طرف اول ملحوظ خواهد شد و تصفيه حساب ظرف پانزده روز از ارائه صورت بدهكار يا بستانكار مزبور‌به عمل خواهد آمد. 4 ـ قيمت تمام شده مذكور در بند 3 اين ماده از طريق تقسيم هزينه كل عمليات مربوطه به ناحيه بر اساس متر مكعب طبق روش صحيح محاسباتي‌معمول به صنعت نفت تعيين خواهد گرديد.
	+ ‌ماده 27 ـ 1 ـ شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل دستگاه مختلط از گاز طبيعي كه توليد مي‌نمايد در حدودي كه دستگاه مختلط بعد از تأمين‌مصرف عمليات مقرر در اين قرارداد موجود داشته باشد هر مقدار كه براي تأمين مصرف داخلي ايران مورد احتياج طرف اول باشد بدون هيچ گونه‌پرداختي غير از آنچه در همين ماده مقرر است به طرف مزبور تحويل خواهد نمود مصرف داخلي گاز در ايران شامل احتياجات مربوط به تهيه مشتقات‌در ايران نيز خواهد بود اعم از اين كه مشتقات مزبور مصرف داخلي داشته يا براي صادرات باشد. 2 ـ شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل دستگاه مختلط بعد از تأمين احتياجات مشروح در بند 1 اين ماده هر مقدار از گاز كه براي تأمين تعهدات‌طرفين اول و دوم كه ممكن است در مقابل خريداران بر عهده گرفته باشند لازم باشد به طرفين مزبور تحويل خواهد نمود مقادير قابل تحويل به هر يك‌از طرفين طبق شرايط مقرر در ماده 22 تعيين خواهد گرديد. 3 ـ هر گاه بعد از تأمين احتياجات مشروحه در بند 1 و 2 اين ماده مقادير اضافي از گاز طبيعي موجود باشد شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل‌دستگاه مختلط مي‌تواند از آن به منظور انجام تعهدات صادراتي خود استفاده نمايد. 4 ـ در مورد گاز طبيعي كه توأماً با نفت خام توليد مي‌شود محل تحويل به طرف اول در دستگاه جداكننده نفت از گاز در ميدان نفت خواهد بود و در‌موارد ديگر محل تحويلي محلي خواهد بود در ميدان گاز و يا در مجاورت آن به نحوي كه شركت ايران پان‌آمريكن تعيين كند. 5 ـ در مواردي كه گاز طبيعي كه به طرف اول تحويل شده و يا خواهد شد گازي باشد كه در نتيجه توليد نفت خام به دست آيد مقررات زير مجري‌خواهد بود. ‌الف ـ چنانچه براي تحويل گاز طبيعي به طرف اول ايجاد وسايل اضافي ضروري گردد سرمايه لازم براي چنين عملي به عهده طرف اول خواهد بود.‌ولي گرداندن اين وسيله اضافي و همچنين ساير وسائل توليد و تحويل گاز طبيعي به طرف اول با شركت ايران پان‌آمريكن خواهد بود. ب ـ طرف اول هزينه‌هاي شركت ايران پان‌آمريكن را در مورد تحويل گاز كه هزينه‌هاي گرداندن وسايل مربوطه نيز جزو آن خواهد بود نسبت به سهم‌طرف دوم به طرف دوم خواهد پرداخت. 6 ـ در مواردي كه گاز طبيعي تحويلي به طرف اول از ميداني توليد شده باشد كه محصول آن اساساً گاز طبيعي باشد مقررات زير مجري خواهد بود: ‌الف ـ اگر گاز توليد شده از ميدان مزبور منحصراً براي تحويل به طرف اول باشد سرمايه‌اي كه براي ايجاد وسائل اضافي به منظور آماده كردن ميدان براي‌بهره‌برداري و توليد و تحويل گاز پس از ورود به مرحله توليد لزوم پيدا كند به عهده طرف اول خواهد بود. گرداندن تمام اين گونه وسائل اضافي و‌همچنين كليه وسائل توليد و تحويل گاز به طرف اول با شركت ايران پان‌آمريكن خواهد بود. طرف اول هزينه‌هايي را كه شركت ايران پان‌آمريكن براي‌توليد سهم طرف دوم از گاز طبيعي و تحويل آن به طرف اول متحمل شده به انضمام نصف هزينه‌هاي گرداندن تمام دستگاههاي مربوط به توليد و‌تحويل سهم طرف دوم به طرف دوم خواهد پرداخت. ب ـ اگر شركت ايران پان‌آمريكن (‌عامل دستگاه مختلط) و يا طرف دوم نيز از گاز طبيعي يك چنين ميداني استفاده كنند كليه هزينه‌هاي جاري بين‌استفاده‌كنندگان از گاز به نسبت هر يك تقسيم خواهد شد.
	+ ‌ماده 28 ـ 1 ـ طرفين اول و دوم تقبل مي‌نمايند كه هر يك نصف وجوهي را كه دستگاه مختلط براي عمليات خود از طريق شركت ايران پان‌آمريكن‌لازم دارد تأمين نمايد. 2 ـ شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل دستگاه مختلط از نفت توليد شده از ناحيه عمليات آنچه را كه براي فروش در بازارهاي جهاني صادر مي‌كند‌بازارهايي كه براي طرفين اول و دوم قابل قبول بوده و به وسيله بانك ملي ايران اعلان شده خواهد فروخت همچنين اين قبيل فروش‌ها ممكن است به‌ارزهاي كه فقط مورد قبول يكي از طرفين باشد انجام گردد مشروط بر اين كه طرف مربوط متعهد شود كه سهم طرف ديگر را با ارزي كه مورد قبول او‌باشد پرداخت كند.
	+ ‌ماده 29 ـ 1 ـ پرداخت ماليات بر درآمد طبق مقررات اين قرارداد و هر مبلغ ديگري كه مشمول مقررات ماده 30 باشد به دلار آمريكايي يا به ليره‌انگليسي يا به هر ارز ديگري كه مورد قبول بانك ملي ايران باشد انجام خواهد گرفت هر گونه پرداخت ديگر به طرف اول يا به دولت ايران و نيز هر گونه‌پرداخت از طرف اول به شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل دستگاه مختلط يا به طرف دول به پول رايج ايران به عمل خواهد آمد. 2 ـ دفاتر اصلي و محاسبات شركت ايران پان‌آمريكن (‌عامل) يا طرف دوم به دلار آمريكايي نگاهداري خواهد شد و به اين منظور تبديل پول ايران به‌دلار آمريكايي و دلار آمريكايي به پول ايران به نرخ معدل واقعي ماهيانه‌اي تسعير خواهد شد كه به آن نرخ پول ايران توسط شركت ايران پان‌آمريكن يا‌طرف دوم در ماه مزبور در مقابل دلار آمريكايي خريداري شده است و هر گاه اين گونه خريد ظرف ماه مزبور به عمل نيامده باشد نرخ خريد نزديك‌ترين‌ماههاي پيش مأخذ تسعير خواهد بود. در آخر هر دوره ساليانه مابه‌التفاوت حاصل از تغييرات نرخ ارز در دفاتر شركت ايران پان‌آمريكن (‌عامل) يا در‌دفاتر طرف دوم بر حسب مورد به مخارج عمليات شركت ايران پان‌آمريكن (‌عامل) يا طرف دوم اضافه يا كسر خواهد شد. 3 ـ دولت ايران وسائلي فراهم خواهد كرد كه شركت ايران پان‌آمريكن يا طرف دوم مطمئناً بتوانند پول ايران را در مقابل دلار آمريكايي بدون تبعيض و‌به نرخ تسعير بانك كه در روز معين براي مشتريان پول ايران در مقابل دلار آمريكايي به طور عموم در دسترس باشد خريداري نمايند. چنانچه در هر‌موقع چندين نرخ تسعير بانكي موجود باشد نرخي كه بيشترين مبلغ پول ايران را به دست مي‌دهد ملاك عمل قرار خواهد گرفت. كليه بهاي گواهينامه‌ارزي حق‌العمل دستمزد و امثال آن جزء نرخ ارز محسوب خواهد شد. 4 ـ شركت ايران پان‌آمريكن يا طرف دوم ملزم به تبديل هيچ قسمت از وجوه خود به پول ايران نخواهند بود ولي وجوهي را كه براي پرداخت‌هزينه‌هاي عمليات خود در ايران لازم مي‌دانند بايد از طريق بانكهاي مجاز به پول ايران تبديل كنند. 5 ـ در مدت اين قرارداد و پس از پايان مدت اين قرارداد شركت ايران پان‌آمريكن (‌عامل) يا طرف دوم ممنوع نخواهد بود از اين كه هر گونه وجوه يا‌دارايي را آزادانه در خارج از ايران داشته باشند يا آن را نقل و انتقال دهند ولو آن كه اين وجوه يا دارايي از عمليات آنها در ايران به دست آمده باشد و‌همچنين ممنوع نخواهند بود از اين كه حسابهايي به ارز خارجي در بانك ملي ايران داشته باشند و وجوه موجود در بستانكار حسابهاي خود را تا‌حدودي كه وجوه و دارايي‌هاي مزبور به وسيله شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل يا به وسيله طرف دوم طبق مقررات اين قرارداد به ايران وارد‌شده و يا از عمليات آنها حاصل شده باشد آزادانه نگاهداشته يا منتقل و صادر نمايند. 6 ـ هزينه‌ها و عايداتي كه به ارزي غير از دلار آمريكايي يا پول ايران باشد به دلار آمريكايي تسعير خواهد شد. در مورد ارزهايي كه نرخي در ايران براي‌آن اعلان نشده باشد نرخ تسعير عبارت خواهد بود از معدل رياضي متوسط نرخهاي روزانه خريد و فروش دلار آمريكايي نسبت به ارز مزبور طي ماه‌مورد بحث. در مورد ارزهايي كه نرخ آن در ايران اعلان شده باشد ابتدا آن را به ريال تبديل و سپس به مأخذ معدل ماهيانه نرخ تسعير تجارتي بانكي به‌شرحي كه در اين ماده مقرر است به دلار آمريكايي تبديل خواهند نمود. 7 ـ ‌الف ـ از نظر اين قرارداد و براي تعيين درآمد ناويژه حاصله در ايران از نقطه نظر ماليات بر درآمد دولت ايران چنانچه بهاي اعلان شده به ارزي غير از‌دلار آمريكايي باشد تسعير آن به دلار آمريكايي بر اساس ارزش برابري روز كه طبق مقررات اساسنامه صندوق بين‌المللي پول تعيين شده باشد خواهد‌بود در صورتي كه ارزش برابري مزبور تعيين نشده باشد طرف اول و طرف دوم سعي خواهند كرد كه در خصوص تعيين اساس قابل قبولي براي تسعير‌مزبور توافق حاصل نمايند. در صورت عدم حصول توافق تسعير مذكور بر اساس متوسط نرخهاي خريد و فروش ارز بين دلار آمريكايي و ارز مورد‌بحث در پايان كار اداري مربوطه در نيويورك طبق گواهي بانك ملي ايران به عمل خواهد آمد. ب ـ هرگاه روزي نرخ خريد و فروش ارز در نيويورك معين نگردد نرخي كه به جاي متوسط نرخ خريد و فروش ارز در نيويورك بايد ملاك عمل قرار‌گيرد عبارت خواهد بود از متوسط آخرين نرخهاي قبلي ارز مورد بحث در نيويورك كه به وسيله بانك ملي ايران گواهي شده باشد در صورتي كه ارز‌خارجي مورد بحث در نيويورك نرخ‌بندي نشده باشد نرخي كه بايد براي منظورهاي مذكور در فوق به جاي متوسط نرخهاي خريد و فروش ارز در‌نيويورك به كار رود عبارت از نرخي خواهد بود كه اتحاديه بانكًً‌هاي سويس ـ زوريخ با توجه به معاملات به آن ارز مناسب تشخيص دهد. 8 ـ دولت ايران اطمينان مي‌دهد كه بعد از خاتمه اين قرارداد وجوهي كه به پول ايران در اختيار شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل يا در اختيار‌طرف دوم مي‌باشد تا آنجا كه وجوه مزبور طبق اين قرارداد به ايران وارد شده يا از عملياتي كه به موجب اين قرارداد بر عهده دارند حاصل شده باشد به‌درخواست آنان و بدون هيچ گونه تبعيض به نرخ بانكي كه به طور عموم در دسترس خريداران دلار آمريكايي باشد به دلار آمريكايي قابل تبديل خواهد‌بود. 9 ـ مديران و كاركنان غير ايراني شركت ايران پان‌آمريكن يا طرف دوم و خانواده‌هاي آنها ممنوع نخواهند بود از اين كه وجوه يا دارايي را كه در خارج از‌ايران دارند آزادانه نگاهداشته يا انتقال دهند و مي‌توانند هر قسمت از اين وجوه را كه براي حوائج آنها ولي نه به منظور سفته‌بازي ضروري باشد به ايران‌انتقال دهند اين قبيل اشخاص مجاز نخواهند بود كه در ايران معاملات ارزي از هر قبيل به غير از طريق بانكهاي مجاز يا طرق ديگر كه دولت تصويب كند‌انجام دهند. 10 ـ مديران يا كارمندان غير ايراني شركت ايران پان‌آمريكن يا طرف دوم در خاتمه خدمت خود در ايران كه ايران را ترك مي‌نمايند حق خواهند داشت‌مبلغي كه از پنجاه درصد حقوق 24 ماه اخير خدمت آنها متجاوز نباشد به ارز كشور محل اقامت عادي خود آزادانه از ايران خارج كنند.
	+ ‌ماده 30 ـ 1 ـ طرف دوم قبل از انقضاي مدت سي روز از تاريخ اجرا مبلغ بيست و پنج ميليون دلار آمريكايي به عنوان پذيره به طرف اول خواهد‌پرداخت مبلغ مزبور در يكي از بانكهاي نيويورك به حساب طرف اول گذاشته خواهد شد شماره حساب مزبور و نام و آدرس بانك مذكور به وسيله‌طرف اول حداقل ده روز جلوتر از تاريخي كه پرداخت آن بايد انجام گيرد كتباً به طرف دوم اخطار خواهد شد. 2 ـ طرف دوم با رعايت مقررات بند 3 زير طي دوازده سال اول از تاريخ اجرا حداقل مبلغ 82 ميليون دلار آمريكايي براي عملياتي كه به موجب اين‌قرارداد متعهد گرديده است مستقيماً و يا از طريق عامليت شركت ايران پان‌آمريكن خرج خواهد كرد. از حداقل مزبور مقداري كه براي هر يك از دوازده‌سال بايد خرج شود طبق جدول زير خواهد بود: ‌دوره‌هاي ساليانه بعد از تاريخ اجراء مبلغ ـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــ ‌دوره‌هاي ساليانه اول و هر يك از دوره‌هاي ساليانه بعدي ‌تا خاتمه سال چهارم 8500000 دلار ‌دوره ساليانه پنجم و هر يك از دوره‌هاي ساليانه بعدي ‌تا خاتمه سال دوازدهم 6000000 دلار 2 ـ ظرف شصت روز بعد از خاتمه سال چهارم ميزان كل مخارجي كه طرف دوم در عمليات خود ضمن چهار سال گذشته به مصرف رسانيده است‌معين خواهد گرديد. ‌الف ـ چنانچه مخارج مزبور از ميزاني كه براي خرج در دوره مورد بحث معين گرديده بود كمتر باشد تفاوت آن به مبلغي كه براي مخارج هشت سال‌آينده تعيين گرديده است اضافه خواهد شد. ب ـ چنانچه مخارج مزبور از ميزاني كه براي خرج در دوره مورد بحث معين گرديده بود بيشتر باشد اضافه آن از مبلغي كه براي مخارج هشت سال آينده‌تعيين گرديده است كم خواهد شد. ج ـ در صورتي كه به علت پيش آمد فورس‌ماژور به نحو مقرر در اين قرارداد اجراي عمليات طرف دوم غير ممكن گردد يا به علت مزبور اجراي آن‌عمليات در يك يا چند سال به مانعي برخورد يا به تأخير افتد اين امر تأثيري در ميزان تقسيم مخارجي كه به شرح جدول مندرج در بند 2 اين ماده مقرر‌است نخواهد داشت مشروط بر اين كه طرف دوم بعد از رفع پيش آمد مزبور كليه تعهداتي را كه موجب بند 2 فوق بر عهده دارد قبل از انقضاي سال‌دوازدهم از تاريخ اجرا يا در صورتي كه قرارداد به علت پيش آمد فرس ماژر تمديد شده باشد قبل از انقضاي مدت اضافي مذكور انجام داده باشد. 4 ـ در طول مدت چهار سال اول عمليات اكتشافي تحت هيچ عنواني به جز در موارد فرس ماژر به نحو مقرر در اين قرارداد موقوف يا تعطيل نخواهد‌شد ليكن در انقضاي مدت مزبور و نيز در انقضاي هر سال از هشت سال بعدي در صورتي كه طرف دوم ملاحظه نمايد كه شرايط زيرزميني ناحيه طوري‌است كه كشف نفت به ميزان تجارتي براي او غير مقدور به نظر مي‌رسد مي‌تواند از ادامه دادن به عمليات اكتشافي خودداري نمايد و در اين صورت بايد‌قصد خود را به طرف اول اعلام نموده از حقوق خود نسبت به ناحيه عمليات صرف نظر كند ليكن بايد ثابت نمايد كه كليه امور اكتشافي‌الي تاريخ اعلام‌مزبور طبق برنامه به موقع اجرا گذارده شده و كليه مبالغي كه براي خرج كردن در دوره مقدم بر اعلام مزبور در نظر گرفته شده بود بالتمام خرج شده‌است. هر گاه مقداري از مبالغ مزبور خرج نشده باشد طرف دوم بايد نصف مقدار خرج نشده مزبور را به طرف اول بپردازد. 5 ـ در صورتي كه در انقضاي سال دوازدهم نفت كشف شده ليكن حداقل مبلغي كه به موجب بند 2 اين ماده مقرر است كلاً به مصرف نرسيده باشد‌طرف دوم ملزم خواهد بود كه نصف مقدار خرج نشده را به طرف اول بپردازد. 6 ـ پس از كشف نفت در ناحيه عمليات به ميزان تجارتي طرف دوم مي‌تواند اقلاً شصت روز پيش از شروع هر دوره ساليانه به طرف اول اعلام كند كه‌قصد دارد به جاي اجراي تمام يا قسمتي از بقيه تعهدات مخارج مشروع در بند دوم اين ماده مبلغ معيني به حساب دستگاه مختلط براي عملياتي غير از‌اكتشاف خرج كند مخارجي كه به اين شرح به عمل آيد به منزله مخارجي خواهد بود كه در اجراي مقررات بند 2 اين ماده به عمل آمده باشد و در اين‌صورت از تعهدات طرف اول براي پرداخت هزينه عمليات دستگاه مختلط به ميزان نصف مخارج مزبور كسر خواهد شد. 7 ـ هر گاه كليه تعهدات مربوط به مخارج به شرح مقرر در بند 2 اين ماده انجام گرديده اما قسمتي از مخارج به نحو مقرر در بند 6 براي عملياتي غير از‌امور اكتشافي به مصرف رسيده باشد و بعداً به نظر طرف دوم براي امور اكتشافي مخارج اضافي لازم شود شركت ايران پان‌آمريكن مي‌تواند به عنوان‌عامل دستگاه مختلط تا حدود درآمدي كه تا آن موقع از توليد به دست آورده مخارج اضافي مزبور را تأمين نمايد. 8 ـ طرف دوم ظرف مدت باقي قرارداد كه آغاز آن از سال سيزدهم از تاريخ اجرا خواهد بود براي سال سيزدهم و هر يك از سالهاي متعاقب آن‌حق‌الارضي كه مبلغ آن در ستون‌الف زير معين گرديده به نسبت نواحي باقيمانده به طرف اول خواهد پرداخت: ‌تاريخ ستون‌الف كل حق‌الارض براي ‌پرداخت هر كيلومتر مربع ـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــــ ‌در سال سيزدهم و هر يك از سالهاي بعدي ‌تا خاتمه سال هفدهم 400 دلار ‌در سال هيجدهم و هر يك از سالهاي بعدي ‌تا خاتمه سال بيست و دوم 480 دلار ‌در سال بيست و سوم و هر يك از سالهاي بعدي 600 دلار ‌مقررات مربوط به احتساب حق‌الارض جزو هزينه‌هاي عمليات و مواردي كه حق‌الارض به عنوان پرداخت مشخص تلقي خواهد شد به شرحي است‌كه در بند‌الف ماده 9 قانون نفت معين گرديده است.
	+ ‌ماده 31 ـ 1 ـ طرفين اول و دوم ملزم خواهند بود كه نسبت به سود ويژه حاصله از عمليات مقرر در اين قرارداد طبق مقررات قوانين ماليات بر درآمد‌وقت ماليات بپردازند مشروط بر اين كه: ‌الف ـ نرخ ماليات بر درآمدي كه به موجب آن هر يك از طرفين بايد ماليات خود را بپردازند از نرخ پنجاه درصد كه به موجب قانون ماليات بر درآمد‌مورخ 1335 مقرر شده تجاوز ننمايد و ب ـ مقرراتي كه براي تعيين سود ويژه هر يك از طرفين مجري مي‌گردد نامساعدتر از آنچه به موجب ماده 35 قانون ماليات بر درآمد 1328 و تأييد آن‌طي ماده 36 قانون ماليات بر در آمد 1335 تصريح گرديده است نباشد. 2 ـ شركت ايران پان‌آمريكن كه صرفاً به عنوان عامل غير انتفاعي طبق مقررات اين قرارداد عمل مي‌كند مشمول ماليات نخواهد بود و همچنين ارتباطي‌كه بين طرفين قرارداد به عنوان دستگاه مختلط ايجاد گرديده مشمول تعهدات مالياتي نخواهد بود. 3 ـ بدهي مالياتي هر يك از طرفين بر اساس سود ويژه حاصله از عمليات مقرر در اين قرارداد تعيين و بر طبق روش حسابداري معمول صنعت نفت‌احتساب خواهد گرديد از ميزان بدهي مالياتي كه به اين ترتيب تعيين مي‌گردد هر گونه مبلغي كه طرف مزبور به موجب اين قرارداد و بر طبق قانون نفت‌و مقررات قانون ماليات بر درآمد وقت (‌با رعايت مقررات بند 1 اين ماده) حق داشته باشد به بستانكار خود محسوب نمايد و يا هر مبلغي كه حق داشته‌باشد از بدهي مالياتي خود كسر كند كسر خواهد شد. 4 ـ درآمد ناويژه هر يك از طرفين در هر دوره مالياتي معادل مبلغ زير خواهد بود: ‌الف ـ ارزش سهم وي از نفتي كه توسط شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل دستگاه مختلط به منظور مصرف داخلي ايران به طرف اول تحويل‌گرديده باشد ارزش مزبور بر اساس بهايي كه طبق ماده 26 اين قرارداد تعيين مي‌گردد احتساب خواهد شد و نيز در صورتي كه پرداختي به موجب ماده27 بابت گاز طبيعي به عمل آمده باشد جزو در آمد ناويژه منظور خواهد گرديد. ب ـ ارزش پنجاه درصد از كليه نفتي كه به طريقي غير از طريق فوق فروخته يا صادر شده يا منتقل شده باشد (‌به جز نفتي كه در هوا سوخته و به هوا‌رفته يا به طريقي كه خارج از اختيار شركت ايران پان‌آمريكن بوده ضايع گرديده يا در جريان عمليات به مصرف رسيده باشد) كه بر اساس بهاي اعلان‌شده كه در روز فروش يا صدور يا انتقال منتشر گرديده منهاي تخفيفات مقرر در بند 2 ماده 25 محسوب خواهد شد. 5 ـ هر يك از طرفين ضمن تعيين در آمد ويژه خود مي‌توانند آن قسمت از مخارج و هزينه‌ها و پرداخت‌ها را كه براي اجراي عمليات مقرر اين قرارداد‌خواه خود خواه به وسيله عامليت شركت ايران پان‌آمريكن براي اجراي عمليات مقرر در اين قرارداد متحمل شده به شرح زير از سهم در آمد ناويژه خود‌كسر كند مشروط بر اين كه هزينه‌هاي مزبور مستند به اسناد يا اقلام وارده در دفاتر باشد: ‌الف ـ فقط در مورد طرف دوم طي هر يك از ده سال متعاقب تاريخ شروع بهره‌برداري تجارتي مبلغي معادل ده درصد كل پذيره بيست و پنج ميليون‌دلار كه تحت مقررات ماده 30 اين قرارداد بايد به طرف اول پرداخت شود. ب ـ منظور داشتن پرداخت حق‌الارض مقرر در ماده 30 در جزء هزينه‌ها طبق اصولي كه در بند‌الف ماده 9 قانون نفت مقرر گرديده است خواهد بود. ج ـ سهم هر يك از طرفين از كليه مخارج و هزينه‌هايي كه شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل انجام داده باشد مشروط بر اين كه مخارج و‌هزينه‌هاي مزبور‌الزاماً و منحصراً با اجراي عمليات مقرر در اين قرارداد بستگي داشته باشد. هزينه‌هاي اداري و تأسيساتي و تشكيلات و نيز حقوق و‌اجاره بها و يا پرداختهاي ديگري كه در مقابل استفاده هر گونه از اموال تأديه شده باشد و همچنين مخارج حفاري چاههايي كه استحصال نفت آنها به‌ميزان تجارتي نبوده و قيمت اجناس و خدمات و مخارجي كه براي نقشه‌برداريهاي زميني و هوايي و دريايي شده و مخارج مربوط به حفر و تنقيه و‌عميق كردن يا تكميل چاهها يا آماده كردن آنها جزو مخارج و هزينه‌هاي مزبور خواهد بود مگر در مواردي كه مخارج و هزينه‌هاي مربوطه به حساب‌سرمايه گذارده شده و مبلغ استهلاك درباره آنها منظور شده باشد. ‌د ـ مبلغ معقولي در هر سال براي استهلاك فرسودگي و متروك شدن و تمام شدن و تهي شدن به منظور استهلاك هزينه‌هاي سرمايه‌اي توسط شركت‌ايران پان‌آمريكن (‌عامل) در مورد عملياتش در ايران. ه ـ قسمتي از ضررهاي جبران نشده مخارج عمليات كه در دوره‌هاي مالياتي قبلي بر هر يك از طرفين وارد آمده و به حساب دوره‌هاي بعد منتقل‌گرديده است مشروط بر آن كه انتقال اين حسابها از سالي به سالي بيش از 10 سال از دوره مالياتي كه اين ضررها در آن دوره ايجاد گرديده است نباشد. ‌و ـ سهم هر يك از طرفين از زيانهاي متحمله در مورد انجام عمليات در ايران مشروط بر آن كه به وسيله بيمه يا به نحو ديگري جبران نشده باشد اين‌خسارات شامل مطالبات غير قابل وصول و زيانهاي ناشيه از خسارات دعاوي مربوط به عمليات انجام شده در ايران و زيان ناشيه از خسارات وارده به‌ذخاير تجارتي يا هر گونه دارايي كه براي عمليات مزبور در ايران استعمال شود يا انهدام يا از دست دادن آنها خواهد بود.
	+ ‌ماده 32 ـ 1 ـ به استثناي مواد زير: ‌الف ـ ماليات بر درآمد كه طبق مقررات اين قرارداد بايد به دولت ايران پرداخت شود. ب ـ حقوق گمركي به نحو مقرر در ماده 33. ج ـ پرداختهاي مقرر به طرف اول طبق اين قرارداد. ‌د ـ پرداختهايي كه بابت ماليات طبق قانون ماليات بر درآمد بر حقوق كارمندان تعلق مي‌گيرد و همچنين پرداختهايي كه بايد از مقاطعه‌كاران و عاملين‌بابت كارهايي كه در ايران انجام مي‌دهند كسر شود. ه ـ عوارض و حقوق معقول و خالي از تبعيضي كه به مقامات دولتي در مقابل خدمات درخواست شده و يا خدماتي كه به طور عموم براي عامه انجام‌مي‌شود از قبيل عوارض راه حق آب و عوارض بهداشت و عوارض فاضلاب پرداخت شود. ‌و ـ ماليات و حقوق خالي از تبعيضي كه شامل عموم است از قبيل حق تمبر اسناد و حق ثبت امور حقوقي بازرگاني و حق ثبت اختراعات و تأليفات.‌طرف دوم و شركت ايران پان‌آمريكن (‌در مواردي كه مربوط به او باشد) از مطالبه هر گونه پرداختي به طرف اول يا به مقامات دولتي ايران (‌اعم از‌مركزي و محلي) معاف خواهند بود و بر سود سهام پرداختي طرفين اول يا دوم بابت درآمد حاصله از عمليات مقرر در اين قرارداد هيچگونه مالياتي‌تعلق نخواهد گرفت.
	+ ‌ماده 33 ـ 1 ـ كليه ماشين‌الات ـ وسائل ـ وسائل نقليه آبي ـ دستگاهها ـ افزار ـ ادوات ـ قطعات يدكي ـ مصالح ـ‌الوار ـ مواد شيميايي ـ مواد‌ضروري براي اختلاط و امتزاج ـ وسائل خودرو و ساير وسائط نقليه ـ هواپيما ـ هر نوع مصالح ساختماني ـ‌الات فولادي ـ اشياء و اثاثيه لوازم اداريـ حوائج كشتي ـ مواد خواربار ـ‌البسه و لوازم استحفاظي ـ دستگاههاي تعليماتي ـ محصولات نفتي كه در ايران به دست نيايد و كليه اجناس ديگري‌را كه منحصراً از لحاظ صرفه‌جويي و حسن جريان عمليات و وظائف طرف دوم يا شركت ايران پان‌آمريكن به عنوان عامل ضروري باشد بدون پروانه‌ورودي و با معافيت از هر گونه حقوق گمركي و عوارض شهرداري و ساير مالياتها يا پرداختهاي ديگر به ايران وارد خواهد شد. مواد فوق شامل حوائج‌طبي و جراحي و لوازم بيمارستان و محصولات طبي و دارو و اسباب طلبي و اثاثيه وارداتي كه در تأسيس و گرداندن بيمارستان و داروخانه ضروري باشد نيز خواهد بود. 2 ـ طرف دوم و شركت ايران پان‌آمريكن (‌به عنوان عامل) با اطلاع طرف اول حق خواهند داشت در هر موقع كه مايل باشند اشيايي را كه به وسيله آنها‌وارده شده بدون هيچ گونه پروانه و با معافيت از هر گونه حقوق و ماليات و يا پرداختي مجدداً صادر نمايند. 3 ـ طرف دوم و شركت ايران پان‌آمريكن (‌به عنوان عامل) نيز حق خواهند داشت با تصويب طرف اول كه بدون جهت از تصويب مزبور خودداري‌نشده و تأخير در آن رخ نخواهد داد اشياء مذكوري كه وارد كرده‌اند در ايران به فروش برسانند. در اين صورت مسئوليت پرداخت حقوق مربوطه و‌همچنين انجام تشريفات لازمه طبق مقررات جاري و تهيه اسناد ترخيص براي طرف دوم يا شركت ايران پان‌آمريكن (‌به عنوان عامل) به عهده خريدار‌خواهد بود. 4 ـ اجناسي كه براي استفاده و مصرف مديران و كاركنان طرف دوم و شركت ايران پان‌آمريكن و وابستگان تحت تكفل مديران و كاركنان مزبور مناسب‌تشخيص گردد بدون لزوم هيچ گونه پروانه ورودي و با معافيت از مقررات هر نوع انحصار دولتي ولي با پرداخت حقوق گمركي و ساير فعاليتهايي كه در‌موقع ورود معمولاً به آن تعلق مي‌گيرد وارد خواهد شد. اين قبيل اجناس قابل فروش نخواهد بود مگر به مديران و كاركنان و مكفولين مذكور آنهم‌منحصراً براي استفاده و مصرف آنها. 5 ـ بدون آن كه در كليات حقوق فوق‌الذكر محدوديتي حاصل شود طرف دوم يا شركت ايران پان‌آمريكن (‌به عنوان عامل) در تحصيل لوازم و حوائج‌خود بايد نسبت به اشيايي كه در ايران ساخته و مهيا مي‌شود در رجحان قائل شوند با اين قيد كه اشياء مذكور با مقايسه با اشياء مشابه خارجي با همان‌شرائط مساعد از لحاظ نوع جنس و قيمت و سهل‌الحصول بودن آن در موقع لزوم به مقادير مورد نياز و قابل مصرف بودن آن در مواردي كه براي آن‌منظور شده در ايران به دست بيايد. در مقايسه قيمت اشياء وارداتي با اشياء ساخته و مهيا شده در ايران كرايه و هر گونه حقوق گمركي كه طبق اين‌قرارداد نسبت به اشياء وارداتي مزبور قابل پرداخت باشد بايد ملحوظ گردد. 6 ـ كليه واردات و صادرات مذكور در اين قرارداد مشمول تنظيم اسناد و تشريفات گمركي بوده و اين تكاليف از آنچه معقولاً مجري است سنگين‌تر‌نخواهد بود (‌ولي مشمول پرداختهايي كه به موجب مقررات مربوطه اين قرارداد از آن معاف گرديده نمي‌باشد) اين قبيل تشريفات و تنظيم اسناد به طور‌ساده و سريع انجام خواهد شد و با اين منظور بين شركتهاي مربوطه و مقامات گمركي ممكن است در صورت لزوم ترتيبات مقتضي داده شود.
	+ ‌ماده 34 ـ 1 ـ مدت اين قرارداد براي هر يك از نواحي مقرر در ماده سه كه منابع قابل بهره‌برداري به ميزان تجارتي در آن كشف شده باشد 25 سال از‌تاريخ شروع به بهره‌برداري تجارتي در ناحيه مربوطه خواهد بود. 2 ـ از لحاظ مقررات اين ماده تاريخ شروع بهره‌برداري تجارتي تاريخي خواهد بود كه صد هزار متر مكعب از مواد نفتي توليد شده از ناحيه مربوطه‌فروش و تحويل شده باشد. 3 ـ قبل از پايان 23 سال طرف دوم مي‌تواند قصد خود را دائر به تمديد اين قرارداد به طرف اول اطلاع دهد در اين صورت تمديد براي مدت 5 سال از‌پايان سال بيست و پنجم به خودي خود و بر طبق مواد اين قرارداد عملي خواهد گرديد. 4 ـ دو تمديد اضافي پنج‌ساله نيز يكي از خاتمه سال سي‌ام و ديگري از خاتمه سال سي و پنجم مجاز خواهد بود و طرف دوم در هر مورد دو سال قبل‌از پايان مدت جاري بايد قصد خود را مبني بر تمديد به طرف اول اطلاع دهد. 5 ـ در مورد دو تمديد مشروحه در بند 4 مقررات زير رعايت خواهد شد: ‌هر گاه وقتي تقاضاي تمديد به وسيله طرف دوم به عمل مي‌آيد شركتهاي نفتي خارجي ديگري كه با طرف اول به منظور فعاليت‌هاي مشابهي مشاركت‌نموده‌اند و تا آن تاريخ از لحاظ توليد نتايجي معادل يا بهتر از آنچه توسط شركت ايران پان‌آمريكن (به عنوان ‌عامل دستگاه مختلط) حاصل گرديده به دست آورده‌باشند قراردادهايي منعقد كرده باشند كه شرايط آن روي هم رفته براي ايران از شرايط اين قرارداد مساعدتر باشد كليه شرايط قراردادهاي مذكور شامل‌مدت تمديد مورد تقاضاي طرف دوم نيز خواهد بود.
	+ ‌ماده 35 ـ 1 ـ شركت ايران پان‌آمريكن در خاتمه مدت يا فسخ اين قرارداد منحل گرديده اموال منقول دستگاه مختلط به فروش خواهد رسيد و درآمد آن‌بين طرفين به نسبت مساوي تقسيم خواهد شد. 2 ـ كليه تأسيسات و اراضي بدون هيچ گونه پرداخت به طرف اول انتقال خواهد يافت.
	+ ‌ماده 36 ـ طرف دوم مي‌تواند در هر موقع كه مقتضي بداند تمام يا قسمتي از منابع خود را در حقوق و تعهداتي كه به موجب اين قرارداد مقرر است به‌اشخاص زير منتقل نمايد: ‌الف ـ شركت يا شركتهايي كه تحت كنترل آنها باشد. ب ـ شركت يا شركتهايي كه تحت كنترل طرف دوم باشند. ج ـ شركت يا شركتهايي كه تحت كنترل شركت يا شركتهاي مشروحه دو قسمت‌الف و ب فوق باشند. از لحاظ مقررات اين بند مقصود از كنترل يك‌شركت عبارت است از مالكيت مستقيم يا يا غير مستقيم كليه سهام آن شركت. و منتقل‌اليه بايد شركتي باشد كه وضع آن با شرايط مذكور در ماده 4 قانون‌نفت مطابقت نمايد. ‌ضمناً موافقت شد كه طرف دوم قبل از آغاز عمليات مشروحه در اين قرارداد كليه منافع و حقوق و تعهداتي را كه به موجب اين قرارداد به شركت تابعه‌خود به نام شركت پان‌آمريكن انترناشنال‌اويل‌كمپاني كه مالكيت كليه سهام آن با طرف دوم است انتقال دهد. بدون آن كه هيچ گونه خلل و خدشه‌اي به‌تعهدات طرف دوم ناشي از اين قرارداد وارد آورد. 2 ـ هر گونه انتقالي توسط طرف دوم به جز آن چه كه طبق بند 1 فوق اجازه داده شده است محتاج به كسب موافقت كتبي و قبلي طرف اول خواهد بود‌و طرف مزبور بايد قبل از ابراز موافقت تأييد هيأت وزراء و تصويب قوه مقننه را نيز تحصيل نمايد.
	+ ‌ماده 37 ـ 1 ـ در مواردي كه به حكم قوه قهريه (‌فرس ماژر) مانعي پيش آيد كه به طور معقول از حيطه اختيار طرف دوم يا شركت ايران پان‌آمريكن (‌به‌عنوان عامل) خارج بوده اجراي تعهدات يا اعمال حقوق مقرر در اين قرارداد را غير ممكن يا موقوف گرداند يا تأخيري در آن ايجاد كند: ‌الف ـ عدم انجام يا تأخير طرف دوم يا شركت ايران پان‌آمريكن (‌به عنوان عامل) در اجراي تعهدات مزبور به عنوان تخلف از اجراي اين قرارداد تلقي‌نخواهد شد. ب ـ مدتي كه تأخير در اجرا و اعمال حقوق و تعهدات مزبور طول كشيده باشد به مدتي كه طبق قرارداد مقرر است اضافه خواهد شد. ج ـ هر گاه ادامه مدت قوه قهريه كمتر از يك سال نباشد اين قرارداد به خودي خود براي دوره‌اي مساوي با مدت مزبور تمديد خواهد شد و اين امر در‌حقوقي كه به موجب قرارداد براي تمديدهاي اضافي در نظر گرفته شده است خدشه‌اي وارد نخواهد ساخت. 2 ـ منظور از قوه قهريه (‌فرس ماژر) در اين قرارداد همان است كه در عرف حقوق بين‌المللي تعريف شده است.
	+ ‌ماده 38 ـ طرفهاي قرارداد متعهد مي‌شوند كه شرايط و مقررات اين قرارداد را بر طبق اصول حسن نيت و صميميت متقابل اجرا نموده و هم عبارات و‌هم روح شرايط و مقررات مزبور را رعايت كنند. 2 ـ تأييد اين قرارداد طبق ماده 2 قانون نفت از طرف هيأت وزيران به منزله قبول تعهداتي است كه طبق مقررات اين قرارداد بر عهده دولت گذارده شده‌است من جمله تعهدات مربوط به اقداماتي كه بايد از طرف دولت انجام شود و يا موافقت‌هايي كه بايد از طرف دولت به عمل آيد. 3 ـ هيچ گونه اقدام قانونگذاري يا اداري اعم از عمومي و خصوصي و يا عمل ديگر از هر قبيل از طرف دولت و يا مقامات دولتي در ايران (‌اعم از‌مركزي و محلي) يا از جانب طرف اول اين قرارداد را‌الغاء نخواهد نمود و در مقررات آن اصلاح يا تغييري به عمل نخواهد آورد و مانع و مخل حسن‌اجراي مقررات آن نخواهد شد ـ‌الغاء يا اصلاح يا تغيير مزبور فقط در صورت توافق طرفين ممكن خواهد بود. 4 ـ هر گاه وظايف طرف اول به ديگري كه تحت اختيار دولت ايران يا مسئول در مقابل دولت ايران باشد منتقل شود منتقل‌اليه مزبور تمام تعهداتي را كه‌طرف اول به موجب اين قرارداد دارد به عهده خواهد گرفت. هر گاه طرف اول از ميان برود و وظايف آن به ديگري كه تحت اختيار دولت ايران يا مسئول‌در مقابل دولت ايران باشد محول نگردد تمام تعهداتي كه طرف اول به موجب اين قرارداد دارد تعهدات مستقيم دولت ايران خواهد شد. 5 ـ وزارت دارايي مي‌تواند از طرف دولت ايران هر گونه اقدامي به عمل آورد يا هر گونه موافقتي بنمايد كه در مورد اين قرارداد يا براي تأمين اجراي آن‌به طرز بهتر لازم يا مقتضي باشد هر اقدامي كه بدين نحو انجام يا موافقتي كه بدين طريق به عمل آمده باشد براي دولت‌الزام‌آور خواهد بود. كليه مقامات‌ايراني بايستي از كليه دستورهاي وزارت دارايي مربوط به اجراي اين قرارداد متابعت نمايند و مقامات مذكور در اجراي اين امر داراي اختيارات تام‌خواهند بود. هر گاه وزارت دارايي به عللي از اختياراتي كه به موجب مقررات اين ماده به آن وزارتخانه داده شده است استفاده ننمايد هيأت دولت‌اختيارات مذكور را به وزارتخانه يا اداره ديگري واگذار خواهد نمود.
	+ ‌ماده 39 ـ 1 ـ هر گاه اختلافي مربوط به اجرا يا تفسير اين قرارداد پيش آيد طرفين مي‌توانند موافقت كنند كه موضوع به يك هيأت سازش مختلط مركب‌از چهار عضو مراجعه شود كه هر يك از طرفين دو نفر آن را تعيين خواهند نمود و وظيفه آنها كوشش در حل موضوع به طريق دوستانه خواهد بود هيأت‌سازش پس از استماع اظهارات نمايندگان طرفين رأي خود را در ظرف سه ماه از تاريخ ارجاع شكايت به هيأت صادر خواهد كرد. رأي مزبور در صورتي‌الزام‌آور خواهد بود كه به اتفاق صادر شده باشد. 2 ـ هر گاه طرفين نسبت به ارجاع اختلاف به كميسيون سازش توافق ننمايد و يا اختلاف بعد از ارجاع به كميسيون مزبور حل نشده باشد طريق حل آن‌ منحصراً ارجاع به داوري طبق مقررات ماده 41 خواهد بود.
	+ ‌ماده 40 ـ 1 ـ هر گونه اختلاف مربوط به مسائلي فني و يا محاسباتي ممكن است با توافق طرفين يا به كارشناس واحد يا به هيأتي مركب از سه‌كارشناس مراجعه شود دو نفر از سه كارشناس مزبور را طرفين انتخاب خواهند كرد (‌هر يك يك نفر) و سومي به تراضي طرفين تعيين خواهد شد. اگر‌طرفين نتوانند در انتخاب كارشناس واحد يا كارشناس سومي تراضي كنند هر يك از طرفين مي‌توانند. ‌در موارد فني به مدير مؤسسه ???????????????????????? ???????????????????? ‌در موارد محاسباتي به رييس ????????????????????????? ????????????????????????????? ‌مراجعه كند كه كارشناس واحد يا كارشناس سومي را تعيين نمايد. چنانچه ظرف يك ماه از تاريخ ارجاع امر به كارشناس طرفين در باب ارجاع اختلاف به‌كارشناس واحد يا كارشناسهايي به شرح مقرر بالا تراضي ننمايند موضوع بايستي طبق ماده 41 به داروي ارجاع شود. 2 ـ طرفين ظرف يك ماه از تاريخ ارجاع امر به كارشناسي كارشناس و يا كارشناسان را تعيين خواهند كرد كارشناس سوم در صورتي كه به تراضي طرفين‌انتخاب شود ظرف مدتي اضافي يك ماه و در صورتي كه بتراضي طرفين انجام نشده باشد ظرف مدت دو ماه تعيين خواهد شد. تعيين كارشناس واحد‌در مواردي كه به تراضي طرفين عملي نشده باشد ظرف مدت سه ماه از تاريخ ارجاع امر به كارشناسي به عمل خواهد آمد. 3 ـ طرفين بايد در قرارداد ارجاع به كارشناسي مسائل فني يا محاسباتي را كه مورد رسيدگي قرار مي‌گيرد به طرز روشن و صريح توضيح دهند. رأي‌كارشناس واحد يا سه كارشناس بايد ظرف شش ماه از تاريخ تعيين كارشناس واحد يا كارشناس سوم (‌هر كدام كه مورد پيدا كند) صادر شود. اگر اختلاف‌به سه كارشناس مراجع شود رأي كارشناسان ممكن است با اكثريت آراء صادر شود. كارشناس يا كارشناسان بايد رأي خود را منحصراً نسبت به مسائل‌فني يا محاسباتي صادر كنند و رأي مزبور قاطع و براي طرفين‌الزام‌آور خواهد بود. 4 ـ اگر ضمن رسيدگي كه از طرف كارشناس يا كارشناسان به عمل مي‌آيد مسئله‌اي كه به نظر كارشناس يا كارشناسان يا هر يك از طرفين جنبه حقوقي‌داشته باشد (‌با توجه به اين كه هر مسئله‌اي كه مربوط به تفسير اين قرارداد باشد واجد جنبه حقوقي خواهد بود) پيش آيد به طوري كه اخذ تصميم‌نسبت به موضوع فني يا محاسباتي مورد بحث مستلزم تعيين تكليف مسئله حقوقي باشد در آن صورت اگر مسئله مزبور به توافق طرفين حل نشود‌طرفين يا يكي از آنها خواه ابتكاراً از جانب خود خواه به درخواست كارشناس يا كارشناسان مي‌توانند آن را به داوري ارجاع كند. 5 ـ در اين مورد به منظور احتساب مدتهايي كه در اين ماده ذكر شده اخطار يكي از طرفين به طرف ديگر داير به قصد ارجاع مسئله حقوقي به داوري به‌شرح فوق به انضمام توضيح مسئله حقوقي مزبور در حكم ارجاع امر به داوري از طرف اخطاركننده تلقي خواهد شد. 6 ـ در مواردي كه مسئله حقوقي ضمن رسيدگي پيش آمده و به داوري ارجاع شود رسيدگي كارشناس يا كارشناسان‌الزاماً متوقف نخواهد شد مگر در صورتي كه به‌نظر كارشناس يا كارشناسان مسئله حقوقي نوعي باشد كه قبل از تعيين تكليف آن ادامه رسيدگي مفيد نباشد چنانچه رسيدگي تا تعيين تكليف مسئله‌حقوقي معوق بماند به مجرد تعيين تكليف موضوع طرفين شرح آن را به اطلاع كارشناس يا كارشناسان خواهد رسانيد كه رسيدگي موضوع فني يا‌محاسباتي مورد بحث را تعقيب نموده هر چه زودتر به مرحله تصميم نهايي برسانند.
	+ ‌ماده 41 ـ 1 ـ چنانچه طرفين توافق در ارجاع اختلاف به كارشناس يا كارشناسان بر طبق ماده 40 ننمايند و يا چنانچه توافق كرده باشند ولي تعيين‌كارشناس يا صدور رأي در ظرف مدت معين براي اين منظور صورت نگرفته باشد و يا وضعي كه در بند 4 از ماده 40 پيش‌بيني شده پيش آمده و يكي از‌طرفين اقدام براي تعيين تكليف مسئله حقوقي به عمل آورده باشند هر يك از طرفين يك نفر داور تعيين خواهد نمود و دو نفر داور مزبور قبل از شروع‌داوري داور ثالثي را انتخاب خواهند كرد كه سمت رييس هيأت داوري را خواهد داشت. ‌چنانچه دو نفر داور نتوانند در ظرف چهار ماه از تاريخ ارجاع به داروي نسبت به داور ثالث تراضي كنند و چنانچه طرفين به طرز ديگري توافق ننمايند‌داور ثالث به درخواست هر يك از طرفين از طرف رييس دادگاه فدرال سويس تعيين خواهد شد. 2 ـ اگر يكي از طرفين ظرف دو ماه از تاريخ ارجاع امر به داوري داور خود را انتخاب ننمايد و يا انتخابي را كه نموده است به اطلاع طرف ديگر نرساند‌طرف ديگر حق خواهد داشت كه به رييس دادگاه فدرال سويس مراجعه و تقاضاي تعيين داور واحد بنمايد. 3 ـ اگر به هر دليلي انتخاب داور واحد يا داور ثالث بر طبق بند (1) به عمل نيايد و طرفين هم كتباً به طرز ديگري توافق نكرده باشند در آن صورت به‌درخواست هر يك از طرفين انتخاب مزبور از طرف رييس يا قاضي هم عرض رييس عالي‌ترين دادگاه كشورهاي زير به ترتيبي كه ذكر مي‌شود به عمل‌خواهد آمد: دانمارك ـ سوئد ـ برزيل. 4 ـ تعيين داور ثالث يا داور واحد بر طبق بند (1) كاملاً بسته به تشخيص كسي خواهد بود كه اجازه انتخاب دارد و هيچ يك از طرفين نمي‌توانند نسبت‌به تشخيص مزبور ترديد كنند. ‌شخصي كه به اين طريق تعيين مي‌شود نبايد با ايران و يا ممالك متحده آمريكا رابطه نزديكي داشته و يا در خدمت رسمي و يا در تابعيت يكي از آن دو‌كشور باشد. 5 ـ داور ثالث يا داور واحد (‌هر كدام كه مورد پيدا كند) قبولي خود را به اين سمت ظرف سي روز از تاريخ دريافت اعلام تعيين خود اطلاع خواهد داد و‌در غير اين صورت چنين تلقي خواهد شد كه او سمت مزبور را رد كرده است و انتخاب مجدد طبق همان مقررات به عمل خواهد آمد. 6 ـ اگر اختلاف به هيأت داوري ارجاع شود رأي ممكن است با اكثريت صادر شود و طرفين رأي هيأت داوري يا داور واحد را (‌هر كدام كه مورد پيدا‌كند) را با حسن نيت اجراء خواهند كرد. 7 ـ محل و تشريف داوري را طرفين تعيين خواهند كرد چنانچه در اين باب توافق نشود محل و تشريفات مزبور از طرف كارشناس واحد يا كارشناس‌ثالث يا داور واحد يا داور ثالث (‌هر كدام كه مورد پيدا كند) تعيين خواهد شد. 8 ـ طرفين همه نوع تسهيلات (‌منجمله حق ورود به حوزه عمليات نفتي) را براي كارشناس يا كارشناسان يا هيأت داوري يا داور واحد فراهم خواهند‌كرد تا هر گونه اطلاعاتي را كه براي تعيين تكليف اختلاف لازم باشد به دست آورند. ‌عدم حضور يا امتناع يكي از طرفين داوري نمي‌تواند مانع يا مخل جريان داوري در يك يا در همه مراحل آن بشود. 9 ـ مادام كه تصميم يا رأي داوري صادر نشده توقف عمليات يا فعاليتهايي كه موضوع داوري از آن ناشي شده است‌الزامي نيست در صورتي كه تصميم‌يا رأي داوري داير بر موجه بودن شكايت باشد ضمن تصميم يا رأي مزبور ممكن است ترتيب مقتضي براي جبران خسارات شاكي مقرر گرديد. 10 ـ تعيين مسئوليت پرداخت و مبلغ هزينه داوري كاملاً بسته به تشخيص كارشناس يا كارشناسان يا هيأت داوري يا داور واحد (‌هر كدام كه مورد پيدا كند)‌خواهد بود. 1 ـ چنانچه به هر علت كارشناس يا يكي از اعضاي هيأت داوري يا داور واحد پس از قبول وظايفي كه به او محول شده قادر يا مايل به شروع يا تكميل‌رسيدگي به مورد اختلاف نباشد و چنانچه طرفين به صورت ديگري هم توافق ننمايند هر يك از طرفين مي‌تواند از رييس دادگاه فدرال سويس تقاضا كند‌كه در اين باب كه آيا انتخاب اوليه را بايد خاتمه يافته تلقي كرد تصميم اتخاذ كند. اگر تصميم مشاراليه از اين قرار باشد از شخص يا اشخاصي كه انتخاب‌اوليه به وسيله آنها به عمل آمده تقاضا خواهد كرد كه ظرف مدتي كه تعيين خواهد نمود جانشيني تعيين كنند و چنانچه ظرف مدت مقرر جانشين تعيين‌نشود يا در صورتي كه انتخاب اوليه به وسيله خود او به عمل آمده باشد مشاراليه خود جانشين را تعيين خواهد نمود. اگر رييس دادگاه فدرال سويس به‌هر دليلي وظايف خود را اجراء نكند اجراي وظايف مزبور به عهده يكي از اشخاص ديگري محول خواهد گرديد كه در بند (3) اين ماده با ترتيب مقرر‌ذكر شده است. 12 ـ تا حدي كه مورد داشته باشد ضمن تصميمات داوري كه بر طبق اين ماده صادر مي‌شود بايد مهلت اجراء تصريح گردد. 13 ـ ظرف مدت پانزده روز از تاريخ ابلاغ تصميم يا رأي به طرفين هر يك از آنها مي‌تواند از كارشناس يا كارشناسان يا هيأت داوري يا داور واحدي (‌هر‌كدام كه مورد پيدا كند) كه تصميم يا رأي اوليه را صادر نموده تقاضاي تفسير آن را بنمايد اين تقاضا در اعتبار تصميم يا رأي تأثيري نخواهد داشت تفسير‌مزبور بايد ظرف يك ماه از تاريخ تقاضا داده شود و اجراي تصميم يا رأي تا صدور تفسير يا انقضاي يك ماه (‌هر كدام زودتر واقع شود) معوق خواهد‌شد.
	+ ‌ماده 42 ـ 1 ـ چنانچه تصميم يا رأي نهايي صادر طبق ماده 41 اين قرارداد فقط داير به‌الزام پرداخت مبلغ معين مصرح در تصميم يا رأي مزبور به دولت‌ايران يا طرف اول به وسيله طرف دوم باشد و مبلغ مزبور ظرف مدت مقرر در تصميم يا رأي مذكور يا در صورت عدم قيد مدت در تصميم يا رأي ظرف‌سه ماه از تاريخ آن تصميم يا رأي پرداخت نشود دولت ايران حق خواهد داشت كليه وجوه حاصله از فروش يا صدور نفت به وسيله طرف دوم را‌توقيف كند تا وقتي كه مبلغ مزبور پرداخت شود. 2 ـ در موردي كه تصميم يا رأي نهايي بر طبق اين قرارداد صادر شده باشد چنانچه طرفي كه موظف به اجراي رأي مي‌باشد ظرف مهلت مقرر در رأي يا‌تصميم يا (‌چنانچه مهلتي ضمن رأي يا تصميم معين نشده باشد) در ظرف شش ماه پس از ابلاغ رأي يا تصميم به طرفين مفاد رأي يا تصميم را اجراء‌نكند طرفي كه رأي يا تصميم به نفع او صادر شده حق خواهد داشت كه اعلام خاتمه اين قرارداد را به وسيله تصميم هيأت داوري يا داور واحد كه بر‌طبق بند (3) اين ماده اتخاذ خواهد شد بخواهد. تصميم مزبور نسبت به حقوق و تعهداتي كه از اجراي اين قرارداد تا تاريخ خاتمه قرارداد (‌طبق اين‌قرارداد) ناشي شده و يا بشود تأثيري نخواهد داشت حقوق و يا پرداخت وجوه و خسارات ديگري هم كه به موجب رأي هيأت داوري يا داور واحد‌مقرر شده باشد در همين حكم خواهد بود. 3 ـ تصميمي كه بر طبق مقررات بند (2) اين ماده پيش‌بيني شده فقط با رعايت شرايط زير ممكن است اتخاذ شود. ‌الف ـ فقط هيأت داوري يا داور واحدي كه رأي يا تصميم نهايي مربوطه را صادر كرده مي‌تواند اين تصميم را اتخاذ كند. ب ـ چنانچه هيأت داوري يا داور واحدي كه رأي يا تصميم مزبور را صادر كرده به هر علتي قادر يا مايل به اقدام نباشد موضوع خاتمه يافتن قرارداد به‌علت عدم اجراي رأي بر طبق اين قرارداد و به طرزي كه براي حل اختلاف پيش‌بيني شده به داوري ارجاع خواهد شد. 4 ـ هيأت داوري يا داور واحد قبل از اخذ تصميم داير به خاتمه يافتن اين قرارداد بايستي اول يك مدت اضافي (‌كه از نود روز كمتر نخواهد بود) براي‌اجراي تصميم يا رأي مقرر نمايد و تصميم دائر بر خاتمه دادن قرارداد را فقط در صورتي اتخاذ خواهد كرد كه مدت اضافي مقرر منقضي شده و طبق نظر‌آنها مفاد رأي يا تصميم اجراء نگرديده باشد.
	+ ‌ماده 43 ـ 1 ـ در مورد تعهد دستگاه مختلط راجع به انصراف از حقوق خود نسبت به ناحيه عمليات به نحو مقرر در ماده 3 هر گاه طرف دوم طي مهلت‌مقرر نتواند نظر خود را درباره قسمتهاي مورد انصراف به طرف اول اعلام نمايد طرف اول حق دارد كه طبق نظر خود قسمتهايي را كه بايد مسترد گردد‌مشخص سازد تشخيص مزبور قطعي بوده و از تاريخي كه اعلام گردد قسمتهاي مشخص شده مزبور خارج از ناحيه عمليات تلقي خواهد شد. 2 ـ طرف دوم بايد در ظرف ده روز از تاريخ اجرا ضمانت‌نامه‌اي از شركت استاندارد اويل (‌اينديانا) مبني بر تضمين انجام تعهد حفاري كه طرف دوم به‌موجب بند 2 ماده 16 بر عهده دارد به طرف اول تسليم نمايد در صورتي كه تعهد مزبور انجام نگردد شركت استاندارد اويل اينديانا براي هر ماه تأخير كه‌در نتيجه وقوع فرس ماژر نبوده باشد مبلغ سيصد و پنجاه هزار دلار آمريكايي غرامت خواهد پرداخت هر گاه ظرف شش ماه از مهلت مقرر تعهد هنوز‌انجام نشده طرف اول حق خواهد داشت كه اين قرارداد را فسخ نمايد و در صورت فسخ قرارداد پرداخت جريمه ماهيانه مزبور متوقف خواهد شد. 3 ـ مقررات ماده 37 درباره قوه قهريه (‌فرس ماژر) در موارد مربوط به اين ماده نيز قابل اجرا خواهد بود.
	+ ‌ماده 44 ـ متن فارسي و انگليسي اين قرارداد هر دو معتبر است در صورتي كه اختلافي پيش آيد و به داوري ارجاع شود هر دو متن به هيأت داوري يا‌داور واحد (‌هر كدام كه مورد داشته باشد) عرضه خواهد شد كه قصد طرفين را از روي هر دو متن تفسير نمايند ـ هر گاه بين دو متن مزبور اختلافي در‌مورد حقوق و وظايف طرفين پيدا شود متن انگليسي معتبر خواهد بود.
	+ ‌ماده 45 ـ مقررات قانون معادن مصوب سال 1336 تأثيري در اين قرارداد نخواهد داشت و قوانين و مقرراتي كه كلاً يا بعضاً مباين با شرايط اين قرارداد‌باشد در حدودي كه مباينت دارند نسبت به مقررات اين قرارداد بلااثر خواهد بود.
	+ ‌‌[امضاء] به تاريخ 4 ارديبهشت ماه 1337 مطابق 24 آوريل 1958 در تهران امضاء و مبادله گرديد. ‌رييس هيأت مديره شركت ملي نفت ايران وكيل پان‌آمريكن پتروليوم كورپوريشن ‌عبدالله انتظام جرج ـ جن‌كين‌سون
* ‌جدول ضميمه ‌حدود ناحيه عمليات
	+ ‌ناحيه 1 ‌از نقطه (‌الف) واقع در دريا با مختصات تقريبي طول جغرافيايي 48 درجه و 54 دقيقه و عرض جغرافيايي 29 درجه و 38 دقيقه (‌منطبق با نقطه (ب) از‌ناحيه سيريپ كه در پيش آگهي شماره 1.228 ذكر شده) و از آنجا خطي مستقيم به طرف شمال و منطبق با خط منصف خليج كه نقطه مزبور را متصل‌مي‌كند به: ‌نقطه (ب) در محل تقاطع نصف‌النهار طول جغرافيايي 48 درجه و 54 دقيقه با خط سه ميلي در آبهاي ساحلي از حد پست‌ترين خط جزر خاك اصلي به‌عرض جغرافيايي تقريبي 29 درجه و 53 دقيقه و 30 ثانيه از آنجا منطبق با خط سه ميلي در آبهاي ساحلي به شرح مذكور در فوق تا: ‌نقطه (ج) مشخص شده به وسيله تقاطع خط مزبور سه ميلي آبهاي ساحلي با نصف‌النهار 49 درجه و 33 دقيقه و 30 ثانيه و به عرض جغرافيايي تقريبي29 درجه و 57 دقيقه و 30 ثانيه (‌منطبق با نقطه (ج) ناحيه سيريپ كه در پيش آگهي شماره 1.228 ذكر شده) از آنجا خط مستقيمي به طرف نقطه (‌الف)‌به شرح مذكور در فوق. ‌مساحت ناحيه يك مشروح بالا در حدود 1000 كيلومتر مربع مي‌باشد.
	+ ‌ناحيه 2 ‌از نقطه (‌الف) (‌منطبق با نقطه (ه) ناحيه سيريپ كه در پيش آگهي شماره 1.228 ذكر شده) واقع در دريا با مختصات تقريبي طول جغرافيايي 49 درجه‌و 4 دقيقه و عرض جغرافيايي 29 درجه و 15 دقيقه و از آنجا خطي مستقيم كه اين نقطه را متصل مي‌كند به: ‌نقطه (ب) مشخص شده به وسيله محل تقاطع نصف‌النهار 50 درجه و 13 دقيقه با خط سه ميلي در آبهاي ساحلي از پست‌ترين خط جزر خاك اصلي به‌عرض جغرافيايي تقريبي 29 درجه و 49 دقيقه و 30 ثانيه) منطبق با نقطه (‌د) ناحيه سيريپ كه در پيش آگهي شماره 1.228 ذكر شده) و از اين نقطه منطبق با خط‌سه ميلي در آبهاي ساحلي به شرح مذكور در فوق تا: ‌نقطه (ج) مشخص شده به وسيله تقاطع خط مزبور سه ميلي آبهاي ساحلي با نصف‌النهار طول جغرافيايي 50 درجه و 45 دقيقه و به عرض جغرافيايي‌تقريبي 28 درجه و 59 دقيقه و از آنجا خط مستقيمي به: ‌نقطه (‌د) با مختصات طول جغرافيايي 49 درجه و 45 دقيقه و عرض جغرافيايي 28 درجه و 23 دقيقه و از آنجا خطي مستقيم (‌منطبق با خط منصف‌خليج) كه اين نقطه را با نقطه (‌الف) فوق‌الذكر متصل مي‌سازد. ‌مساحت ناحيه 2 مشروح بالا به استثناي جزاير خارك و خاركو و سه ميل از آبهاي ساحلي هر يك از آنها كه محاط در اين ناحيه مي‌باشند تقريباً 15000‌كيلومتر مربع مي‌باشد.
* ‌‌[امضاء]متن موافقتنامه فوق مشتمل بر 45 ماده و جدول ضميمه در جلسه چهارشنبه‌هفتم خردادماه يك هزار و سيصد و سي و هفت از طرف مجلس سنا به تصويب رسيد و صحيح است. ‌نائب رييس مجلس

<http://www.dastour.ir/Print/?LID=233325>

# قانون اعطاي امتياز نفت قسمتي از شرق و شمال شرق به شركت نفت آمريكا و ايران

‌« مصوب 15 بهمن 1315 » وزارت ماليه

‌تعريفات ‌بعضي اصلاحات مستعمله در اين قرارداد قطع نظر از هر معني ديگري كه ممكن است در حال يا در آتيه در موارد ديگر داشته باشد در اين قرارداد مطابق تعريفات ذيل معني خواهد شد: ‌دولت ـ يعني دولت شاهنشاهي ايران ‌شركت ـ ‌يعني شركت نفت آمريك و ايران (‌شركت سهامي "‌دلاوار" از ممالك متحده امريكا) و تمام شركتهاي تابعه آن. ‌شركت نفت آمريك و ايران ـ يعني شركت نفت آمريك و ايران يا هر شخص حقوقي ديگري كه اين امتياز با تصويب دولت ايران مطابق ماده 25 بدو منتقل شود. ‌شركت تابعه ـ يعني شركتي كه (‌اين شركت) حق تعيين بيش از نصف مديران آن را مستقيماً يا به طور غير مستقيم داشته و يا به طور مستقيم يا غيرمستقيم مالك مقداري از سهام آن باشد كه با آن مقدار سهم بيش از پنجاه درصد حق رأي در مجمع عمومي آن براي شركت تضمين شده باشد. ‌حوزه امتياز ـ يعني مساحت مذكور در بند (‌د) ماده (2) اين قرارداد. ‌نفت ـ يعني روغن نفت خام و گازهاي طبيعي و قيرها (‌اسفالتها) و مومهاي طبيعي و تمام محصولات ديگري كه يا از مواد مذكوره حاصل مي‌شود و يا به‌وسيله مخلوط كردن اين مواد با مواد ديگري به دست مي‌آيد. ‌عمليات شركت در ايران ـ يعني تمام عمليات صنعتي و تجاري و فني كه شركت منحصراً براي اجراي اين امتياز انجام مي‌دهد. ‌تاريخ تصويب ـ يعني تاريخي كه امتياز به تصويب مجلس و صحه اعليحضرت همايون شاهنشاهي رسيده است. ‌ليره استرلينگ ـ ‌يعني واحد پول انگليسي. يك شلينگ يك بيستم يك ليره استرلينگ و يك پنس يك دوازدهم يك شلينگ مي‌باشد. ‌تن ـ يعني تن متريك (‌يك هزار كيلوگرم) ‌سال (‌سال تقويمي) و ماه ـ ‌يعني دوره‌هايي از زمان كه مطابق تقويم گرگرين (‌مسيحي) سال و ماه گفته مي‌شود.

‌ماده 1 ـ ‌دولت بر طبق مقررات اين امتياز در حوزه امتياز براي تفتيش و تفحص و جستجو و گمانه زدن و استخراج نفت حق انحصاري به شركت مي‌دهد و به‌علاوه در تمام خاك ايران حق غير انحصاري حمل و تصفيه نفت و به عمل آوردن آن به هر طريقه‌اي كه آن را قابل تجارت كند و انبار كردن و فروختن نفت در ايران و صادر كردن آن را به شركت اعطاء مي‌نمايد.

‌ماده 2 ـ ‌الف ـ در ظرف سه سال اول بعد از تاريخ تصويب شركت در حدود مساحتي كه در نقشه امضاء شده منضم به اين قرارداد با رنگ تعيين شده است‌به طور غير انحصاري حق تفتيش و تفحص و جستجو و گمانه زدن براي پيدا كردن نفت را دارد. ب ـ منتهي تا آخر سال سوم بعد از تاريخ تصويب شركت بايد دو ولايت از ولايات شرق و يا شمال شرق واقع در حوزه‌اي كه در نقشه مذكور در‌بند (‌الف) معين شده و حدود ولايات مربوطه در آن نقشه با رنگ مشخص گرديده انتخاب نمايد. ‌شركت وزارت ماليه را در تهران از انتخابي كه نموده است كتباً مستحضر خواهد داشت. ج ـ شركت بايد منتهي تا آخر سال پانزدهم بعد از تاريخ تصويب در دو ولايت مذكور در بند (ب) يك يا چند قطعه زمين به هر مساحت و وسعتي‌كه مي‌خواهد انتخاب نمايد. ‌مجموع مساحت قطعه يا قطعاتي كه به اين ترتيب انتخاب مي‌شود نبايد بيش از يك صد هزار ميل مربع انگليسي باشد و در هر صورت مساحت مذكور‌نبايد از حدود دو ولايتي كه شركت انتخاب كرده تجاوز كند (‌هر ميل ساده مطابق است با يك هزار و ششصد و نه متر) شركت دولت را از قطعه و يا‌ قطعاتي كه به شرح فوق انتخاب كرده است كتباً مطلع خواهد نمود و به هر اطلاعنامه نقشه‌ها و اطلاعات لازمه براي تشخيص و تحديد قطعه يا قطعات‌منتخبه بايد ضميمه شود. ‌د ـ بعد از انتخاب دو ولايت مذكور در بند (ب) و تا انتخاب يك صد هزار ميل مربع حوزه امتياز عبارت از مجموع دو ولايتي است كه انتخاب شده است و بعد از آنكه يك يا چند قطعه مذكور در بند (ج) انتخاب گرديد حوزه امتياز عبارت از مساحت قطعه يا قطعاتي خواهد بود كه به نحو مذكور در فوق انتخاب شده و دولت نيز به ترتيبي كه ذكر شد از انتخاب آن اطلاع حاصل نموده است.

‌ماده 3 ـ منتهي تا شش ماه بعد از تاريخ تصويب ـ شركت تفتيشات معرفت‌الارضي و ژئوفيزيك و جغرافيايي خود را براي انتخاب دو ولايت مذكور در بند (ب)‌از ماده (2) و تعيين نقاطي كه چاه‌هاي امتحاني در آن نقاط حفر شود شروع خواهد كرد. ‌تفتيشات مزبور بدون وقفه بي وجه تا انتخاب دو ولايت فوق‌الذكر و با صرف نظر كردن از امتياز (‌به طوري كه در ماده 24 اين قرارداد ذكر شده) ادامه خواهد داشت.

‌ماده 4 ـ ‌الف ـ قبل از انقضاي هيجده ماه از تاريخ تصويب شركت شروع خواهد كرد كه لااقل يك دستگاه حفاري براي حفر چاه‌هاي امتحاني به كار بيندازد‌ و قبل از انقضاي پنج سال از تاريخ تصويب لااقل بايد سه دستگاه حفاري بدون وقفه بي وجه دائماً مشغول كار باشد تا چاه‌ها به عمقي كه مناسب با‌ تحصيل نفت باشد برسد. ب ـ هر يك از چاه‌هاي امتحاني بايد لااقل تا عمق يك هزار متر (1000 متر) حفر گردد مگر اينكه در عمق كمتري به نفت قابل استفاده برسد (‌تشخيص اين موضوع به نظر شركت است) و يا آنكه بر زمين‌شناسان شركت مسلم شود كه نفت قابل استفاده در آن نقطه وجود ندارد. ج ـ چنانچه مدلل شود نفت قابل تجارت ممكن است استخراج گردد بايد عده دستگاه‌هاي حفاري لااقل به شش دستگاه رسيده و عمليات بدون وقفه تعقيب شود تا آنكه ذخيره قابل و مهمي از نفت تهيه و يا از امتياز صرفنظر گردد. ‌د ـ هر گاه شركت طبق مقررات ماده (3) و بندهاي (‌الف ـ ب ـ ج) اين ماده عمل ننمايد دولت حق خواهد داشت به شركت اخطار كند كه مايل به‌فسخ اين امتياز مي‌باشد و شش ماه بعد از ابلاغ اخطاريه مزبور به شركت اين امتياز ملغي و كان‌لم‌يكن خواهد بود. ه ـ شركت هر سه ماه گزارشي راجع به كارهاي مربوطه به حفر چاه‌ها و عمق آنها و مقدار نفتي كه از هر حفر تازه به دست آمده است به وزارت ماليه در تهران خواهد داد. به هر گزارشي نقشه‌هايي ضميمه خواهد شد كه در آنها محل چاه‌هايي كه مشغول حفر آنها مي‌باشند و يا چاه‌هايي كه در آن مدت متروك شده‌اند معين شده باشند. ‌و ـ شركت تعهد مي‌نمايد در صورتي كه نفت به مقدار قابل تجارت در نتيجه حفريات خود در حوزه امتياز پيدا نمايد توسعه عمليات مزبور را با‌ جديت و حسن نيت بدون وقفه بيوجه ادامه دهد به نحوي كه استفاده تجارتي از منابع نفت ممكن گرديده و چنانچه استعداد منابع مكتشفه در حوزه امتياز اجازه دهد استخراج ساليانه را لااقل به شش ميليون تن برساند.

‌ماده 5 ـ شركت حق غير انحصاري ساختن و دارا بودن لوله‌هاي نفت را داشته و ابتدا و انتها و جاي لوله‌هاي نفت و ساير مؤسسات و عمليات خود را (‌با رعايت حقوقي كه قبلاً به شركت سهامي نفت انگليس و ايران به موجب قرارداد مورخ بيست و نهم آوريل 1933 داده شده) تعيين مي‌نمايد.

‌ماده 6 ـ 1 ـ وجوهي كه به موجب مقررات اين قرارداد (‌علاوه بر وجوه مذكور در ساير مواد) بايد از طرف شركت به دولت تأديه شود به شرح ذيل است: ‌الف ـ حق‌الامتياز ساليانه مبلغ چهار شلينگ براي هر تن نفتي كه براي مصرف داخلي در ايران به فروش مي‌رسد و يا از ايران صادر بشود. ب ـ پرداخت مبلغي معادل بيست درصد منافعي كه به سهام عادي شركت توزيع مي‌شود پس از وضع پرداخت مبلغي معادل پنج درصد سرمايه‌اي‌كه از طرف شركت در ايران به كار افتاده و قبلاً به سهام عادي شركت توزيع گرديده است خواه منافع توزيع شده به سهام عادي به عنوان سهم منافع يكي‌از سنوات بوده و يا از وجوه ذخيره شركت به عمل بيايد. ‌در هر حال مبلغ پنج درصدي كه به سهام عادي به شرح فوق قبلاً تقسيم مي‌شود هيچ وقت نبايد از سيصد هزار (300000) ليره تجاوز نمايد. ‌ميزان قطعي سرمايه كه از طرف شركت در ايران به كار افتاده در روز شروع به صدور تجارت نفتي كه شركت در ايران به دست آورده است از روي دفاتر‌محاسباتي شركت معين مي‌شود. ج ـ مجموع مبالغي كه براي هر سال مسيحي بر حسب بندهاي (‌الف و ب) فوق از طرف شركت تأديه مي‌شود هيچ وقت از حدود ذيل كمتر ‌نخواهد بود. (1) پس از چهار سال و نه ماه از تاريخ تصويب تا پنج سال ساليانه 300 هزار ليره. (2) از نه سال و نه ماه از تاريخ تصويب ساليانه پانصد هزار ليره. (3) از سيزده سال و نه ماه پس از تاريخ تصويب تا آخر مدت امتياز ساليانه شش صد هزار ليره. 2 ـ تأديه وجوه مذكور در اين ماده به طريق ذيل به عمل خواهد آمد: ‌الف ـ مبلغ حداقل مذكور در بند (1 ج) اين ماده هر سه ماه به اقساط مساوي در سي و يكم مارس و سي‌ام ژوئن و سي‌ام سپتامبر و سي و يكم دسامبر هر سال و اولين دفعه در ربع آخر سال پنجم كامل بعد از تاريخ تصويب تأديه مي‌شود. ب ـ 28 فوريه هر سال مبالغ حق‌الامتياز سال قبل بابت هر تن نفت مذكور در بند (1 الف) بعد از وضع مبلغ حداقل كه قبلاً مطابق بند (2 الف) اين ماده تأديه گرديده است. ج ـ مبالغ لازم‌التأديه به دولت بر حسب بند (1 ـ ب) اين ماده در موقع تقسيم منافع سهام عادي شركت پرداخته خواهد شد. 3 ـ در موقع انقضاي اين امتياز و همچنين در صورت ترك آن از طرف شركت مطابق ماده 24 شركت مبلغ معادل بيست درصد (20%) از بابتهاي ذيل را به دولت ايران تأديه خواهد كرد: ‌الف ـ از مجموع ذخائر شركت در تاريخ انقضاء يا ترك امتياز. ب ـ از مبلغ موجودي شركت در تاريخ انقضاء يا ترك امتياز. ‌پرداخت وجوه لازم‌التأديه به دولت بر حسب اين بند يك ماه بعد از تاريخ تشكيل مجمع عمومي شركت كه بعد از انقضاء يا ترك امتياز تشكيل مي‌شود ‌انجام خواهد گرفت. 4 ـ دولت حق خواهد داشت كه محاسبات مربوط به مقررات اين ماده را كه منتهي تا 28 فوريه هر سال بابت سال گذشته فرستاده مي‌شود تفتيش و رسيدگي نمايد. 5 ـ براي جلوگيري از امكان توجه ضرر به دولت در موقع تغيير قيمت پول انگليس طرفين به شرح ذيل توافق حاصل نمودند: ‌الف ـ هر گاه موقعي قيمت طلا در لندن از شش ليره استرلينگ (6 ليره استرلينگ) در مقابل يك اونس تروي (Ounce troy ) تجاوز نمايد. براي هر پني (Penny) كه علاوه بر شش ليره استرلينگ در مقابل يك اونس تروي (Ounce troy) در روز پرداخت قيمت طلا ترقي نمايد. بر كليه مبالغ لازم‌التأديه به دولت از طرف شركت به موجب اين قرارداد (‌به استثناي مبالغي كه بر حسب جزوهاي 1 ب) و 3 الف و ب) اين ماده بايد به دولت برسد)‌ به ميزان يك يك هزار و چهار صد و چهلم ((1440).(1)) مبالغ مزبوره افزوده خواهد گرديد. ب ـ هر گاه موقعي دولت تصور كرد به اينكه ديگر طلا مبناي عمومي قيمتها و معاملات نيست و طرق تأديه‌هاي مذكور در فوق تضميني را كه‌منظور طرفين است براي دولت فراهم نمي‌نمايد طرفين موافقت مي‌نمايند كه وضعيت تضمين مزبور را تغيير دهند و در صورت عدم حصول موافقت.‌ قضيه مطابق ماده (27) به حكميت ارجاع خواهد شد و حكميت در صورتي كه قائل به تغيير تضمين مذكور در بند (‌الف) مذكور در فوق بشود. شرايطي را كه بايد جانشين تضمين مذكور گردد معين و تاريخ اجراي آن را نيز معلوم خواهد نمود. 6 ـ هر گاه در پرداخت مبالغ لازم‌التأديه به دولت مطابق تاريخهاي مقرر در اين قرارداد اتفاقاً از ناحيه شركت تأخير به عمل آيد. براي مدت تأخير از‌قرار پنج درصد (5%) در سال فرع وجوه مزبوره را شركت خواهد پرداخت.

‌ماده 7 ـ شركت مي‌تواند سهام ممتازه‌اي با منافع شش درصد كه حق اولويت در اخذ منافع داشته باشد به قيمت اسمي بفروشد. منافع شش درصد صاحبان سهام‌ممتازه مزبور قبل از اينكه هيچ گونه وجهي بابت منافع به سهام عادي و يا به دولت داده شود پرداخته خواهد شد. ‌در موقع تصفيه امور و يا موقع انحلال شركت. سهام ممتازه حق خواهند داشت تمام قيمت اسمي خود را به علاوه منافعي كه بابت گذشته طلبكار‌مي‌باشند قبل از تقسيم منافع به سهام عادي و يا به دولت دريافت دارند. ‌شركت حق خواهد داشت كه ميزان سهام ممتازه اشاعه يافته را با پرداخت قيمت كامل آنها و منافعي كه در تاريخ بازخريد طلبكار هستند تقليل دهد.

‌ماده 8 ـ 1 ـ شركت در مدت بيست و پنج سال اول عمليات خود در ايران از هر گونه ماليات و عوارض به نفع دولت يا شهرداري‌ها كه فعلاً معمول است و‌يا در آينده وضع شود معاف بوده و در عوض مبالغ ذيل را به دولت تأديه خواهد نمود. ‌الف ـ در مدت بيست و پنج سال اول اين قرارداد از تاريخ تصويب. در تاريخ بيست و هشتم فوريه هر سال مبلغ نه (9) پنس بابت هر تن از شش‌ميليون تن (6000000 تن) نفتي كه بابت سال گذشته مسيحي مشمول حق‌الامتياز مقرر در جزو (1 الف) از ماده (6) مي‌گردد و شش پنس (6 پنس)‌بابت هر تن نفت اضافه بر رقم شش ميليون تن (6000000 تن) مذكور در فوق. ب ـ شركت تعهد مي‌نمايد مبالغي كه بر طبق بند مذكور در فوق تأديه مي‌نمايد هيچ وقت در مدت تا آخر سال دهم از تاريخ تصويب كمتر از پنجاه‌هزار ليره (50000 ليره) و بعد از تاريخ مزبور كمتر از هفتاد و پنج هزار ليره (75000 ليره) نباشد. ‌اولين تأديه از بابت پرداختي مذكور در فوق يك سال تمام بعد از ربع آخر سال پنجم از تاريخ تصويب به عمل خواهد آمد. 2 ـ قبل از انقضاي بيست و پنجمين سال از تاريخ تصويب. طرفين نسبت به ميزان مبالغي كه شركت در ازاي معافيت كامل عمليات خود از هر گونه ماليات به نفع دولت و شهرداري‌ها در بقيه مدت امتياز بايد بپردازد توافق نظر حاصل خواهند نمود.

‌ماده 9 ـ ‌الف ـ هر زمين باير متعلق به دولت كه شركت براي عمليات خود در ايران لازم بداند و از براي مقاصد عمومي مورد احتياج دولت نباشد مجاناً به شركت واگذار خواهد شد. طريقه تحصيل اراضي مذكور به ترتيب ذيل خواهد بود. ‌هر وقت قطعه‌اي از اراضي مذكوره مورد احتياج شركت واقع مي‌شود بايد شركت يك يا چندين نقشه‌اي كه در روي آن زمين مورد احتياج با رنگ‌آميزي مشخص گرديده باشد به وزارت ماليه ارسال بدارد. ‌دولت در صورتي كه اعتراض نداشته باشد متعهد مي‌شود كه در ظرف سه ماه از تاريخ وصول تقاضاي شركت موافقت خود را اظهار بدارد. ب ـ اراضي دائر متعلق به دولت را كه شركت احتياج پيدا مي‌كند به طريقي كه در جزء قبل مذكور است از دولت تقاضا خواهد كرد و دولت در‌ظرف سه ماه موافقت خود را در مقابل تقاضاي شركت داير به فروش آن اراضي اشعار خواهد داشت در صورتي كه دولت اعتراضي و احتياجي به‌اراضي مزبوره نداشته باشد قيمت اين اراضي را شركت تأديه خواهد كرد قيمت مزبوره بايد عادلانه باشد و از قيمت متعارفي اراضي كه از همان نوع بوده و همان مصرف را داشته و در همان حوزه واقع شده باشد نبايد تجاوز نمايد. ج ـ در صورتي كه دولت در مقابل تقاضاهاي پيش‌بيني شده در جزوهاي (‌الف و ب) مذكور در فوق جوابي ندهد پس از انقضاي دو ماه از تاريخ‌وصول تقاضاهاي مزبور شركت تذكرنامه جديدي به دولت خواهد فرستاد چنانچه به تذكرنامه مزبور نيز در ظرف يك ماه از تاريخ وصول جوابي داده نشود سكوت دولت به منزله تصويب تلقي خواهد گرديد. ‌د ـ اراضي را كه متعلق به دولت نيست و براي شركت لازم باشد با توافق با صاحبان اراضي مزبور و با توسط دولت شركت تحصيل خواهد كرد در‌صورت عدم حصول موافقت در قيمت دولت به صاحبان اراضي مزبور اجازه نخواهد داد كه بيش از نرخ متعارفي اراضي متشابه مجاور مطالبه نمايند‌براي تقويم اراضي مذكور منظوري كه شركت از مصرف آنها دارد مأخذ قرار داده نمي‌شود. ه ـ ابنيه تاريخي و محلهايي كه جنبه تاريخي يا صنعتي دارند و همچنين توابع آنها تا دويست متر مسافت از مقررات مذكوره مستثني هستند. ‌و ـ شركت حق غير انحصاري خواهد داشت كه فقط در حوزه امتيازي نه جاي ديگر و از هر زمين باير متعلق به دولت براي مصرف عمليات خود از‌ هر نوع خاك و شن و سنگ آهك و سنگ گچ و سنگ و مصالح ساختماني ديگر مجاناً استفاده نمايد مسلم است كه اگر استفاده از مواد مذكوره موجب ضرر شخص ثالثي باشد بايد شركت جبران خسارات ذوي‌الحقوق را بنمايد.

‌ماده 10 ـ عمليات شركت در ايران به طريق ذيل محدود مي‌شود: 1 ـ ساختمان هر خط آهن و هر بندر موكول به حصول موافقت قبلي بين دولت و شركت خواهد بود. 2 ـ اگر شركت مايل به داشتن سرويس تلفن و تلگراف و تلگراف بي‌سيم و هواپيمايي باشد بايد قبلاً موافقت دولت را در اين خصوص جلب كند. ‌اگر دولت براي دفاع ملي يا در موقع پيشامدهاي فوق‌العاده ديگري احتياج به وسائط نقليه و وسائل ارتباطيه شركت پيدا كند. تعهد مي‌نمايد حتي‌الامكان‌كمتر موجب تضييع عمليات شركت بشود. و نيز خساراتي را كه از اين حيث متوجه شركت مي‌گردد به طور حقانيت جبران نمايد.

‌ماده 11 ـ ‌الف ـ شركت مجاز است كه بدون تحصيل پروانه مخصوصي آنچه را كه منحصراً براي مصرف اعضاء و مستخدمين خود لازم دارد وارد نموده و‌حقوق گمركي و مالياتهاي معمولي حين ورود را بپردازد. ‌شركت تدابير لازمه را اتخاذ خواهد نمود كه اجناس وارده به اشخاصي غير مستخدمين خودش فروخته يا واگذار نگردد. ب ـ شركت بدون تحصيل پروانه مخصوصي حق خواهد داشت كه لوازم و مصالح و آلات طبي و جراحي و ادويه‌اي را كه براي مريضخانه‌ها و‌مطب‌هاي خود در ايران لازم دارد وارد نمايد و اشياء و اجناس مذكوره در موقع ورود از تأديه حقوق گمركي و هر نوع ماليات و عوارض به دولت و ‌شهرداريها معاف خواهد بود. ج ـ بدون تحصيل هيچ گونه پروانه‌اي و بدون پرداخت هيچ نوع حقوق گمركي و ماليات و عوارض به دولت و شهرداريها شركت حق خواهد‌داشت آنچه را كه منحصراً براي عمليات خود در ايران لازم دارد وارد نمايد. ‌د ـ صدور محصولات نفتي از پرداخت حقوق گمركي و هر نوع ماليات و عوارض به دولت و شهرداريها معاف خواهد بود.

‌ماده 12 ـ ‌الف ـ شركت و مستخدمينش از حمايت قانوني دولت بهره‌مند خواهند بود. ب ـ دولت در حدود قوانين و مقررات كشوري همه نوع تسهيلات ممكنه را براي عمليات شركت مبذول خواهد داشت. ج ـ هر گاه دولت در حوزه امتيازيه به اشخاص ديگري امتيازاتي براي به كار انداختن ساير معادن اعطاء كند بايد وادار نمايد كه احتياطات لازمه را‌به عمل آورند كه عمليات آنها به مؤسسات و عمليات شركت خسارتي وارد نسازد. ‌د ـ شركت مكلف است منطقه‌اي را كه براي ساختن خانه و دكاكين و ساير بناهاي ديگر خطرناك است تعيين كند تا دولت بتواند اهالي را مسبوق و‌از سكونت در آن محل منع نمايد.

‌ماده 13 ـ ‌شركت ملزم نخواهد شد كه هيچ قسمتي از وجوه خود و مخصوصاً درآمد حاصله از فروش صادرات خود را به پول ايراني تبديل نمايد. ‌مستخدمين خارجي شركت مجاز خواهند بود كه اسعاري را كه بابت حقوق خود دريافت مي‌دارند صادر نمايند.

‌ماده 14 ـ ‌الف ـ شركت راجع به عملياتي كه مطابق اين قرارداد در ايران مي‌نمايد جميع وسايل معمول و مناسب را براي تأمين صرفه‌جويي و استفاده كامل از عمليات خود و براي حفظ مخازن تحت‌الارضي نفت و براي استفاده از امتياز خود به طوري كه مطابق آخرين ترقيات علمي وقت باشد به كار خواهد‌برد. ب ـ هر گاه در حوزه امتياز مواد معدني غير از نفت و بيشه‌ها و جنگلهاي متعلق به دولت موجود باشد شركت نمي‌تواند آنها را به كار انداخته و‌استفاده نمايد و يا مانع عمليات و استفاده ديگران بشود (‌مشروط بر اينكه مقررات جزو (ج) از ماده (12) رعايت بشود). ‌ولي در صورتي كه مواد معدني بيشه و جنگلهاي مذكور براي تجسس و استخراج نفت لازم باشد شركت با پرداخت قيمت عادله به دولت حق استفاده از آنها را خواهد داشت. ج ـ كليه حفرياتي كه منجر به كشف نفت نگشته و آب و يا مواد قيمتي ديگر در آن پيدا مي‌شود بايد براي دولت حفظ شود و فوراً شركت دولت را‌ از كشفيات مزبور مطلع سازد و دولت هر چه زودتر ممكن باشد به شركت تمايل خود را نسبت به تصرف حفريات مزبور اعلام خواهد داشت و در‌صورت تصرف آنها دولت مراقبت خواهد كرد كه مانع عمليات شركت نشود.

‌ماده 15 ـ شركت تعهد مي‌نمايد هر موقعي كه نماينده دولت تقاضا كند در مدت مناسبي به خرج خود سوادهاي صحيح از تمام طرحها و نقشه‌ها و رسمها و ساير‌مدارك و اسناد راجع به وضعيت سطح‌الارضي و طبقات‌الارضي و حفر چاه‌ها مربوط به حوزه امتيازيه كه موجود دارد به‌وزارت ماليه بدهد. ‌به علاوه در تمام مدت امتياز شركت تمام اطلاعات مهم علمي و فني را كه از نتيجه عمليات خود در ايران به دست آورده به دولت ارسال خواهد داشت. تمام اسناد و مدارك مزبوره را دولت به عنوان محرمانه تلقي خواهد نمود.

‌ماده 16 ـ ‌الف ـ دولت به ميل خود در هر موقع مناسبي حق خواهد داشت امر به‌تفتيش عمليات فني شركت در ايران نموده و براي اجراي اين مقصود از ‌اهل خبره و متخصصين فني مأمورين بگمارد. ب ـ شركت تمام مدارك و اسناد مربوط به اطلاعات علمي و فني و تمام مؤسسات و وسائل و آلات اندازه گرفتن استخراج نفت را در دسترس مأمورين خبره و متخصصين دولت خواهد گذارد و به علاوه مأمورين مزبور در تمام ادارات شركت در تمام خاك ايران حق تحصيل هر گونه اطلاعي را‌ خواهند داشت.

‌ماده 17 ـ بعد از شروع به صادرات نفت به مقدار تجارتي دولت حق تعيين يك نفر نماينده را خواهد داشت و نماينده مزبور (‌مأمور دولت شاهنشاهي) ناميده شده‌و اختيارات ذيل را خواهد داشت: 1 ـ اطلاعاتي را كه در حدود حق صاحبان سهام شركت است از شركت تحصيل نمايد. 2 ـ در تمام جلسات هيأت مديره و كميته‌هاي آن و در تمام جلسات مجمع عمومي كه براي مذاكره در مسائل راجع به روابط دولت و شركت تشكيل شده باشد حضور به هم رساند. 3 ـ كميته‌اي را كه شركت به قصد توزيع اعتبار مذكور در ماده 18 و براي نظارت در تحصيل ايرانيان در آمريكا تشكيل مي‌دهد به سمت رسمي و با‌ حق رأي قاطع رياست نمايد. 4 ـ تقاضا نمايد كه جلسات مخصوص هيأت مديره هر وقت كه لازم بداند براي مذاكره در مسائلي كه دولت پيشنهاد مي‌نمايد تشكيل گردد. ‌جلسات مزبوره در مدت سي روز بعد از وصول تقاضاي كتبي به منشي شركت تشكيل خواهد شد. شركت بابت حقوق و ساير مخارج نماينده مزبور ساليانه دو هزار ليره استرلينگ به دولت خواهد پرداخت دولت كتباً شركت را از تعيين نماينده مزبور و‌يا جانشين او مطلع خواهد ساخت.

‌ماده 18 ـ 1 ـ طرفين تصديق دارند و قبول مي‌نمايند كه اصلي كه مدار اجراي اين قرارداد مي‌باشد آن است كه در منافع طرفين حفظ حد اعلاي منتج بودن و‌ صرفه‌جويي در اداره و عمليات شركت در ايران ضرورت عالي دارد. 2 ـ مسلم است كه شركت صنعتگران و مستخدمين فني و تجاري خود را به اندازه‌اي كه اشخاص ذي‌صلاحيت و با تجربه در ايران يافت شود از اتباع ايران انتخاب خواهد كرد. و اين نيز مسلم است كه مستخدمين غيرفني شركت منحصراً از اتباع ايران خواهند بود. 3 ـ طرفين موافقت مي‌نمايند در اينكه طرح عمومي مطالعه و تهيه نمايند كه بر طبق آن هر سال و مرتباً مستخدمين غير ايراني را تقليل داده و به‌جاي آنها به طور تصاعدي در كوتاه‌ترين مدت ممكن از اتباع ايراني بگمارند. 4 ـ بعد از تاريخ شروع به صادرات نفت به مقدار تجارتي شركت ساليانه مبلغ ده هزار ليره استرلينگ براي اينكه اتباع ايران در آمريكا علوم و فنون مربوطه به‌صناعت نفت را فرا گيرند تخصيص خواهد داد. اعتبار مذكور به‌وسيله يك كميته‌اي كه مطابق ماده 17 تشكيل مي‌شود به مصرف خواهد‌رسيد.

‌ماده 19 ـ شركت تشكيلات و مخارج تأسيسات و تفتيش و اداره وسائل صحي و صحت عمومي را مطابق جديدترين طريقه بهداشت معموله در ايران در تمام‌ راضي و ابنيه و مساكن اعضاء و عمليات خود كه در حوزه امتيازيه كار مي‌كنند به عهده مي‌گيرد.

‌ماده 20 ـ هر وقت شركت اسهام جديدي در معرض فروش عمومي مي‌گذارد بايد دفاتر ثبت تقاضاي اشتراك آن را در همان موقع كه در ساير نقاط شروع مي‌شود‌در تهران نيز برقرار نمايد.

‌ماده 21 ـ بعد از شروع به استخراج نفت شركت براي احتياجات داخلي ايران و از آن جمله احتياجات دولت بنزين (Motor Splrit) و نفت لامپ ( Kerosene) و مازوت (fuel oil ) كه از نفت ايران حاصل مي‌شود بر اساس ذيل خواهد فروخت: ‌الف ـ در اول ژوئن هر سال كمپاني معدل قيمتهاي (‌فوب) روماني را راجع به بنزين و نفت لامپ و مازوت و معدل قيمتهاي (‌فوب) خليج مكزيك را راجع به هر يك از مواد مذكوره نسبت به مدت دوازده ماه گذشته تا تاريخ 30 آوريل معين خواهد كرد. ‌نازلترين معدل‌هاي مذكور اختيار و (‌اساس قيمتها) براي سالي كه از اول ژوئن شروع مي‌گردد قرار داده مي‌شود. ‌قيمتهاي اساسي به منزله قيمت در تصفيه‌خانه تلقي مي‌گردد. ب ـ شركت بنزين و نفت لامپ و مازوت را به ترتيب ذيل خواهد فروخت: 1 ـ به دولت براي احتياجات اختصاصي خودش ولي نه براي فروش به‌ديگران مطابق (‌قيمتهاي اساسي) مذكور در جزو (‌الف) فوق با تخفيف بيست و پنج درصد (25%) 2 ـ به ساير مصرف‌كنندگان مطابق همان (‌قيمتهاي اساسي) با تخفيف ده درصد (10%). ج ـ شركت حق دارد كه به قيمتهاي اساسي مذكور در جزء (‌الف) مخارج واقعي حمل و نقل و توزيع و فروش و همچنين ماليات و عوارض موضوعه بر محصولات مزبور را بيفزايد. ‌د ـ دولت صادر كردن محصولات نفتي را كه مطابق مقررات فوق شركت فروخته است قدغن خواهد كرد.

‌ماده 22 ـ 1 ـ ‌الف ـ در مدت ده سال آخر امتياز و يا در فاصله دو سال پس از اطلاع قبلي كه راجع به ترك امتياز مطابق ماده 24 داده مي‌شود شركت جز به‌شركتهاي تابع خود حق فروش يا انتقال يك يا چندين قسمت از اموال غيرمنقول خود را كه در ايران است ندارد در مدت‌هاي مذكور نيز شركت حق‌انتقال و خارج كردن هيچ قسمتي از اموال منقول خود را ندارد مگر اينكه اشياء مزبوره از حيز انتفاع افتاده باشد. ب ـ در تمام مدت قبل از ده سال آخر امتياز هيچ قطعه از اراضي را كه شركت مجاناً از دولت تحصيل كرده است نمي‌تواند انتقال دهد و همچنين هيچ يك از اموال منقول خود را نيز به استثناي آنچه غير مفيد و يا اينكه ديگر مورد احتياج عمليات شركت در ايران نيست (‌جز در مورد بند (2) از ماده (24)) نمي‌تواند از ايران خارج نمايد. 2 ـ در خاتمه امتياز خواه به واسطه انقضاي عادي مدت و يا به هر نحو ديگري پيشامد كرده باشد تمام دارايي شركت در ايران به طور سالم و قابل استفاده بدون هيچ مخارج و قيودي متعلق به دولت ايران مي‌گردد. 3 ـ جمله (‌تمام دارايي) مشتمل است بر تمام اراضي و ابنيه و كارخانه‌ها و ساختمانها و چاه‌ها و سدهاي دريايي و راه‌ها و لوله‌هاي حمل نفت و‌پل‌ها و رشته نقب‌هاي فاضلاب و وسائل توزيع آب و ماشينها و مؤسسات و تجهيزات (‌از آن جمله آلات و ادوات) از هر قبيل و تمام وسائط نقليه (‌مثلاً‌ از قبيل اتومبيل و آئروپلان) و تمام اجناس انبار شده و ساير اشيايي كه شركت در ايران براي اجراي اين امتياز از آن استفاده مي‌نمايد.

‌ماده 23 ـ طرفين متعاهدين اعلام مي‌دارند كه اجراي اين قرارداد مبني بر اصول متقابل حسن نيت و صداقت و تفسير معقول و متناسب اين قرارداد باشد. شركت صريحاً تعهد مي‌نمايد كه در هر وقت و در هر موقع حقوق و امتيازات و منافع دولت را در نظر داشته و اقدام به هيچ عملي و يا خودداري از‌عملي كه موجب زيان دولت باشد ننمايد. ‌اين امتياز را دولت جز در مورد بند (‌د) از ماده (4) لغو نخواهد كرد و مفاد مقررات آن در آتيه به وسيله هيچ قانون عمومي و خصوصي و يا هيچ يك از‌دستورات و نظامات اداري و يا عمليات مقامات اجراييه قابل تغيير نخواهد بود.

‌ماده 24 ـ 1 ـ شركت حق خواهد داشت كه در آخر هر سال مسيحي اين امتياز را ترك نمايد مشروط بر اينكه در مدت هفت سال اول از تاريخ تصويب شش‌ماه قبل و براي بقيه مدت امتياز دو سال قبل دولت را كتباً از نيت خود مطلع سازد. 2 ـ اگر شركت در مدت 17 سال اول از تاريخ تصويب اين امتياز را ترك نمايد مجاز خواهد بود كه اموال منقول خود را با معافيت از كليه حقوق‌گمركي و ساير حقوق و عوارض صادر نمايد و يا آنكه به اختيار خود به هر خريداري كه بخواهد اموال مزبور را با پرداخت حقوق گمركي و ساير حقوق‌و عوارض مربوطه وقت به فروش برساند. 3 ـ اگر ترك امتياز بعد از مدت هفده سال اول واقع شود. بعد از انقضاي دو سال مهلت مذكور در بند (1) اين ماده كليه دارايي شركت در ايران (‌به‌طوري كه در قسمت 3 ماده 22 تصريح شده) مجاناً و بدون هيچ گونه قيدي به طور سالم و قابل استفاده ملك دولت خواهد شد و شركت در آينده از هر‌گونه تعهدي بري خواهد بود. ‌چنانچه نسبت به تعهدات طرفين مربوط به قبل از انقضاي مدت مذكور در فوق اختلافاتي حاصل شود به طريق حكميت مذكور در ماده (27) فيصله خواهد يافت.

‌ماده 25 ـ ‌اين امتياز براي مدت شصت سال كه ابتداي آن از تاريخ تصويب شروع مي‌شود به شركت اعطا مي‌گردد قبل از تاريخ انقضاي مدت اين امتياز نمي‌تواند ‌خاتمه پيدا كند مگر در موارد ذيل: ‌اولاً ـ در موردي كه شركت بر طبق ماده (24) امتياز را ترك نمايد. ‌ثانياً ـ در مورد بند (‌د) از ماده (4). ‌ثالثاً ـ اگر محكمه حكميت بر اثر ابتكار تخلفي نسبت به اجراي مقررات اين قرارداد ابطال آن را اعلام بدارد. ‌تخلف به معني مذكور در فوق منحصر به موارد ذيل است: ‌الف ـ هر گاه مبلغي كه بر حسب رأي محكمه حكميت بايد به دولت پرداخته شود تا يك ماه بعد از تاريخ صدور رأي تأديه نگردد. ب ـ هر گاه تصميم بر انحلال اختياري و يا اجباري شركت گرفته شود. ج ـ هر گاه ثابت شود كه شركت برخلاف مصالح عالي كشور عمل كرده است. ‌در مورد ساير تخلفات كه نسبت به مقررات اين قرارداد از هر يك از طرفين ناشي شود محكمه حكميت درجه مسئوليت‌ها و اثرات مترتبه بر آن را تعيين خواهد نمود. ‌هر نوع انتقال اين امتياز مشروط به تصويب دولت است ولي در هر صورت شركت متعهد است نگذارد اكثريت سهام آن به دست غير آمريكايي و يا غير‌ايراني بيفتد. ‌هيأت مديره شركت بايد هميشه آمريكايي و يا ايراني باشد.

‌ماده 26 ـ هر تخلف يا غفلت و قصوري از طرف شركت راجع به اجراي تعهدات و مقررات و شرايط اين قرارداد كه ناشي از فرس‌ماژور باشد به دولت حق نخواهد‌ داد شركت را تعقيب و آن را متخلف از اين قرارداد محسوب دارد. ‌اجراي هر يك از مقررات اين قرارداد كه در اثر فرس‌ماژور به تأخير افتد موجب اين خواهد شد كه مدتي مساوي مدت تأخير به مدتي كه براي اجراي تعهد شركت طبق اين قرارداد لازم است اضافه شود به علاوه هر گاه در مدت تأخير خساراتي وارد شده و براي ترميم آن نيز مدتي لازم باشد مدت مزبور‌ هم بر مدت‌هاي فوق اضافه مي‌گردد. ‌معهذا بين طرفين مقرر است كه مدت مذكور در ماده (25) اين قرارداد به هيچ وجه تمديد نخواهد شد مگر در صورتي كه استخراج و صادرات نفت شركت براي لااقل شصت روز متوالي به علت فرس‌ماژور كه در داخله ايران روي داده متوقف شده باشد. ‌اختلافات حاصله بين دولت و شركت نسبت به‌مورد فرس‌ماژور به طريق حكميت مذكور در ماده (27) فيصله خواهد يافت.

‌ماده 27 ـ ‌الف ـ هر قبيل از اختلافات حاصله بين طرفين و مخصوصاً اختلافات ناشي از تعبير مدلول اين امتيازنامه و حقوق و مسئوليتهاي مقرره در آن و‌همچنين هر اختلاف نظر در مواردي كه به موجب اين امتيازنامه محتاج به توافق نظر طرفين است به طريق حكميت قطع و فصل خواهد شد. ب ـ طرفي كه تقاضاي حكميت مي‌كند بايد تقاضاي خود را به طرف ديگر كتباً ابلاغ نمايد. ‌طرفين هر يك يك حكم معين نموده و حكمين قبل از شروع به حكميت يك حكم ثالثي انتخاب خواهند كرد هر گاه حكمين نتوانند در ظرف دو ماه‌نسبت به تعيين حكم ثالث توافق نظر حاصل نمايند حكم مزبور را به تقاضاي يكي از طرفين رييس ديوان دائمي بين‌المللي تعيين خواهد نمود و‌چنانچه رييس ديوان داوري دائمي بين‌المللي از حيث مليت و تابعيت مطابق جزو (ج) حائز شرايط لازمه براي تعيين حكم ثالث نباشد حكم ثالث به‌وسيله نايب رييس ديوان مزبور معين خواهد شد. ج ـ حكم ثالث بايد از ملت ايران و يا امريكا نباشد و به علاوه ارتباط نزديك نيز نه با ايران و نه با ممالك متحده امريكا از حيث تعلق به يكي از مستملكات يا ممالك تحت‌الحمايه و يا مستعمرات و ممالك تحت قيمومت و ممالكي كه به وسيله يكي از مملكتين مذكور در فوق اداره و يا اشغال شده و يا مثل اينكه در خدمت يكي از ممالك مزبوره بوده و يا مي‌باشد نداشته باشد. ‌د ـ اگر يكي از طرفين شصت روز بعد از وصول تقاضاي حكميت طرف مقابل حكم خود را معين نكرد و يا تعيين آن را به طرف ديگر ابلاغ ننمايد‌طرف مزبور حق خواهد داشت كه از رييس ديوان داوري دائمي بين‌المللي (‌يا از نائب رييس در موردي كه مطابق قسمت اخير جزو (ب) پيش‌بيني‌گرديده) تقاضا نمايد كه يك حكم منفرد ذيصلاحيت مطابق مقررات مذكور در فوق تعيين كند و در اين صورت اختلاف فيمابين به‌وسيله حكم منفرد‌مزبور قطع و فصل خواهد گرديد. ه ـ اصول محاكمات در حكميت مطابق همان اصولي خواهد بود كه در موقع حكميت در ديوان داوري دائمي بين‌المللي معمول و مجري است. ‌وقت و محل حكميت را بر حسب مورد حكم ثالث يا حكم منفرد مذكور در جزو (‌د) معين خواهد كرد. ‌و ـ رأي حكميت مستند بر اصول قضايي مذكور در ماده (38) اساسنامه ديوان داوري دائمي بين‌المللي بوده و قابل تجديد نظر نخواهد بود. ‌ز ـ مخارج حكميت به نحوي كه در رأي حكميت معين مي‌شود تأديه خواهد گرديد.

‌ماده 28 ـ ‌ منتهي در ظرف شصت روز بعد از تاريخ تصويب شركت بايد اقامتگاه خود را در تهران معلوم و شخصي كه سمت نمايندگي از طرف شركت را خواهد‌داشت معين نمايد.

‌ماده 29 ـ ‌ اين قرارداد پس از تصويب مجلس و توشيح آن از طرف اعليحضرت همايوني قابل اجرا مي‌گردد. ‌اين قرارداد در تاريخ سوم ژانويه 1937 منعقد گرديد.

‌پروتكل ‌خطي كه مساحت مذكور در بند (‌الف) از ماده (2) قرارداد امضاء شده در تاريخ سوم ژانويه 1937 را تحديد مي‌نمايد و در روي نقشه منضم به‌قرارداد ‌مزبور رسم گرديده است از نقاط ذيل عبور مي‌نمايد: ‌بندر شاه ـ كرد محله ـ دامغان ـ ريشم ـ جندق ـ اورديب ـ حوض ميان‌تك ـ به‌آباد ـ كاشيت ـ فهروج ـ ايرافشان تا سرحد. ‌اين پروتكل جزء لاينفك قرارداد مذكور در فوق مي‌باشد. ‌تهران به تاريخ نهم ژانويه 1937 ‌ضميمه قرارداد نفت. 9 ژانويه 1937. ‌جناب آقاي داور وزير ماليه ‌با كمال افتخار توضيحات ذيل را راجع به مورد (‌فرس‌ماژور) مذكور در ماده 26 قرارداد راجع به امتياز نفت كه در تاريخ سوم ژانويه 1937 امضاء گرديده است مي‌دهد. ‌شركت مكلف است هر واقعه را كه به نظر شركت (‌فرس‌ماژور) بايد حساب شود منتهي در مدت دو هفته از تاريخ وقوع به وزارت ماليه در تهران اطلاع‌دهد و دولت در مدت شصت روز از تاريخ دريافت اخطاريه مذكور شركت را كتباً از نظر خود راجع به واقعه مستحضر خواهد ساخت. ‌سكوت دولت در مدت مذكور بدين معني تلقي خواهد شد كه دولت نظر شركت را راجع به فرس‌ماژور قبول نموده است. بالعكس هر گاه شركت عمداً‌و يا سهواً در مدت دو هفته مذكوره در فوق به دولت اخطاري نكرد دولت ملزم نخواهد بود واقعه را فرس‌ماژور تلقي نمايد. موقع را مغتنم شمرده‌احترامات فائقه را تقديم مي‌داريم ‌امضاء شارل كالمرهارت ‌فريدريك گاردنر كلاپ 9 ژانويه 1937 ‌آقايان شارل هارت و فريدريك گاردنر كلاپ ‌آقايان: ‌به نام دولت متبوعه خود وصول مراسله مورخ امروز شما را به شرح ذيل اطلاع داد: (‌شركت مكلف است هر واقعه را كه به نظر شركت (‌فرس‌ماژور) بايد حساب شود منتهي در مدت دو هفته از تاريخ وقوع به وزارت ماليه در تهران اطلاع‌دهد و دولت در مدت شصت روز از تاريخ دريافت اخطاريه مذكور شركت را كتباً از نظر خود راجع به واقعه مستحضر خواهد ساخت. ‌سكوت دولت در مدت مذكور بدين معني تلقي خواهد شد كه دولت نظر شركت را راجع به فرس‌ماژور قبول نموده است. بالعكس هر گاه شركت عمداً‌و يا سهواً در مدت دو هفته مذكوره در فوق به دولت اخطاري نكرد دولت ملزم نخواهد بود واقعه را فرس‌ماژور تلقي نمايد). ‌و به نام دولت متبوعه خود موافقت با مندرجات آن را اعلام مي‌دارم. ‌با احترامات فائقه وزير ماليه ـ داور

[امضاء] ‌اين قانون كه مشتمل بر بيست و نه ماده و پروتكل و مراسلات ضميمه است در جلسه پانزدهم بهمن ماه يك هزار و سيصد و پانزده به تصويب مجلس شوراي ملي رسيد. ‌رييس مجلس شوراي ملي ـ حسن اسفندياري

1. این قانون دارای پیوست است. [↑](#footnote-ref-1)